

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران
جلد پنجم

۳ ژانویه ۱۹۱۱ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۱

بکوشش احمد بشیری

ketabiha-iran.blog.ir

FB.com/ketabiha.iran

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوبترین و آموزندهترین دورانهای تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطهخواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلیل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سربسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت‌مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و باری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشنگریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ای که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴-۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
 همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
 را پدید آوردند

همه جوانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
 شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
 پیشگامان ما در این راه بودند

نیاز می کنم .

احمد بشیری

دیباچه

چون تاریخ آئینه سرپانمای حسن و قبح اعمال مردمان و بهترین سرمشق و عبرت از برای خوانندگان است و این اوقات تاریخ صغیحی که بدون طرفداری از شخصی یا حزبی و یا غرضرانی از نفسی یا گروهی در زبان فارسی که خوانندگان را به کار آید و باعث تذکر و تنبیه گردد کمیاب و صعب الحصول است لهذا اراده معارف پرورانه حضرت اشرف آقای سردار اسعد دام اقباله چنین تقاضا نمود که کتب آبی را که در حقیقت مفیدترین تاریخ ایران در مسئله مشروطه برای خوانندگان است بدست آورده ترجمه و طبع فرمایند. علیهذا ترجمه این جلد سوم^۱ را به این بنده تمدن الملک محول فرمودند این بنده هم با قلت وقت و عجله به ترجمه آن پرداخت و حتی الامکان سعی نمود که به زبانی بسیار ساده ترجمه شود که خاص و عام را بالسویه بهره بخشد و امید است که خوانندگان محترم از مطالعه این تاریخ که مأمورین کاردان دولت بهیه انگلستان از روی کمال دقت برای آگاهی دولت و ملت خود از نقاط مختلفه عالم به وزارت خارجه دولت بهیه مخایره و مکاتبه نموده اند بهره وافی بردارند و از سهو و خطای در عبارات چشم پوشی فرمایند.

۱) چون جلدهای یکم و دوم کتاب آبی هر کدام يك جلد متمم دارد که در این چاپ متممها نیز بترتیب شماره گذاری شده اند لذا شماره این کتاب بجای جلد سوم جلد پنجم است. - م.

بقیه مکاتبات راجع به امور ایران

نمره - ۱

تلگرام سر جرج بارکلی^۱ به سر ادوارد گری^۲ (واصله سوم ژانویه)
از طهران مورخه سوم ژانویه ۱۹۱۱ [۱۲ دی ۱۲۸۹؛ یکم محرم ۱۳۲۹]
لیوتنان کولونل «کوکس» راپرت می‌دهد که صولت‌الدوله با چهارصد نفر قشقائی
و بعضی از خوانین دیگر با سوارهای شخصی خودشان که من حیث المجموع یک هزار
نفر ایلاتی مسلح می‌شوند در بوشهر حاضرند. دولت ایران می‌گوید حضرات برای
استقبال نظام‌السلطنه جمع شده‌اند ولی لیوتنان کولونل «کوکس» اندیشه دارد که اگر
این جمعیت مدتی بدون خدمت بمانند خودسر خواهند شد علیهذا بر حسب تصویب
جنرال قنسولگری بوشهر به دولت ایران تاکید کرده‌ام احکام لازمه به نظام‌السلطنه که
بایستی فردا چهارم ژانویه وارد محمره شود بفرستد که هر قدر بتواند در ورود
خود به بوشهر تعجیل نماید و نیز به دولت ایران اظهار کرده‌ام هرگاه بی‌نظمی در
بوشهر بروز نماید برای حفظ و حمایت اروپاییان مقیم بوشهر از کشتیهای پادشاهی
که فعلا مقیم بندر مزبور هستند پیاده کردن قوه به خشکی لازم خواهد شد و از طرف
جنرال قنسول بوشهر به صولت‌الدوله و حکمران بوشهر نیز همینطور اخطار شده
است.

(۱) سر جرج بارکلی وزیرمختار انگلیس مقیم طهران.
(۲) سر ادوارد گری وزیر امور خارجه دولت بهیة انگلیس.

نمره - ۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهارم ژانویه)
از طهران مورخه چهارم ژانویه ۱۹۱۱ [۱۳ دی ۱۲۸۹؛ ۲ محرم ۱۳۲۹]
دیروز وزیر امور خارجه در مجلس اظهار داشته که دولت ایران مصمم است در
فارس قوه جاندارمري [= ژاندارمري] در تحت ریاست صاحبمنصبان خارجه تشکیل
نماید و به وسیله وزیرمختار ایران در پاریس به دولت سوئد اظهار شده و شرایطی
را که دولت مزبور پیشنهاد کرده در تحت دقت نظر است.

نمره - ۲

تلگرام سر اسپرینگ ریس به سر ادوارد گری (واصله ششم ژانویه)
از استکهولم مورخه ششم ژانویه ۱۹۱۱ [۱۵ دی ۱۲۸۹؛ ۴ محرم ۱۳۲۹]
از قراری که در اینجا رسماً در جراید به طبع رسیده از طرف دولت ایران از دولت
سوئد مقدماً استعمال شده که اگر دولت ایران برای تشکیل جاندارمري [= ژاندارمري]
صاحبمنصب از دولت سوئد بخواهد دولت مشارالیه تقاضای دولت ایران را چگونه
خواهد پذیرفت؟ لایحه مزبور نیز می نویسد دولت سوئد جواب داده است مادمی که
شرایط خدمت مفصلاً معلوم نشود نمی تواند جواب قطعی بدهد.

نمره - ۴

مراسله سر ادوارد گری به سر اسپرینگ ریس
از وزارت خارجه مورخه دهم ژانویه ۱۹۱۱ [۱۹ دی ۱۲۸۹؛ ۸ محرم ۱۳۲۹]
آقا

امروز وزیرمختار سوئد از طرف دولت خود از سر نیکلسن سؤال نمود که هرگاه
دولت سوئد تقاضای دولت ایران را در دادن صاحبمنصبان سوئدی بجهت تشکیل
جاندارمري [= ژاندارمري] ایران قبول نماید آیا موجب ملالت دولت پادشاهی خواهد
شد؟ سر نیکلسن به کونت رانژل اظهار داشت که از نقطه نظر پلتیکی دولت انگلستان
مخالفتی با دادن صاحبمنصبان سوئدی ندارد و این مسئله بسته به میل دولت سوئد
است. سر نیکلسن سؤال نمود که آیا به عقیده کونت رانژل میان صاحبمنصبان سوئدی
کسانی یافت می شوند که به قدر لازمه زبان و عادات و رفتار اهالی مشرق را بدانند؟
کونت رانژل جواب داد که چند نفر از صاحبمنصبان سوئدی با نهایت موفقیت
در دولت عثمانی مشغول خدمت بوده اند و نیز یقین دارد که دولت سوئد در انتخاب
صاحبمنصبان دقت کامل به عمل خواهد آورد.

گری

(۱) سر اسپرینگ ریس وزیرمختار انگلیس در سوئد.

نمره - ۵

مراسله سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم ژانویه ۱۹۱۱)
از طهران مورخه بیست و هفتم دسامبر ۱۹۱۰ [۵ دی ۱۲۸۹؛ ۲۴ ذی حجه ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم یادداشتی را که مازور استوکس از مکاتیب و تلگرافات کفیل قنصلگری شیراز راجع به مذاکرات فیما بین دولت ایران و صولت الدوله در باب افتتاح شاهراه بین بوشهر و اصفهان در ظرف چند هفته گذشته استخراج و جمع نموده ارسال دارم. از یادداشت مزبور معلوم می شود که هر چند صولت الدوله اظهار داشته که شاهراه بوشهر و شیراز باز است ولی اقدامات مشارالیه برای مصونیت راه مزبور و جلوگیری از سرقتها یا اطمینان دادن از پیدا کردن اموال مسروقه کافی نبوده و عده ای از تجار انگلیس در حمل مال التجاره خود تردید کرده از من اطمینان می خواهند که دولت ایران مسئول سرقتها و واقعه شمرده شود و با وجود یادداشت رسمی بهار گذشته در افتتاح راه جره، نمی توانم چنین اطمینانی بدهم مگر اینکه بتوانم از دولت ایران اظهار رسمی در باز بودن راه تحصیل نمایم و تا بحال نتوانسته ام چنین اظهاری را بدست بیاورم. مع ذلک این نکته نیز قابل توجه است که قوافل در این راه و راه شیراز و اصفهان عبور می نمایند و از پنجم دسامبر از هیچ نقطه ای خبر سرقتی نرسیده و بلا شک این پیشرفت از اثر سرمای هوا بوده نه به واسطه اقداماتی که به جهت امنیت راه شده - و اما اگر دولت ایران در اقدامات خود استقامت بورزد و به واسطه قبول استقراض از بانک شاهنشاهی قشون تدارک نموده به نظام السلطنه فرمانفرمای جدید فارس برساند البته مشارالیه تا آخر زمستان قوت و قدرتی خواهد داشت که بتواند با وضع حالیه بدون کمک صولت الدوله مقصود خود را از پیش ببرد. بهر حال اگر امنیتی که در عرض راه بوشهر و اصفهان در ظرف سه هفته گذشته حاصل شده امتداد یابد دیگر گمان نمی کنم چندان لازم بشود که مجدداً برای قبولاندن نقشه خودمان به جهت امنیت راه اصرار نمایم.

بارکلی

ملفوف نمره ۵

یادداشت مازور استوکس

در اوایل نوامبر برحسب تقاضای وزیر داخله صولت الدوله وارد کازرون شده فوری مخابرات تلگرافی با مشارالیه به جهت افتتاح راه کازرون به عمل آمد. همان اوقاتی که مشغول مذاکره بودند در چهاردهم نوامبر سرقت عمده ای از طرف بویراحمدیه که مرکب از یکصد نفر پیاده و ده نفر سواره بوده اند در آق چشمه محل تلاقی راههای کازرون و فیروزآباد تقریباً دوازده میلی شیراز واقع و بیش از یکصد قاطر و یکصد بار برده شد که نصف اموال مسروقه مال تجار انگلیس بوده و این

(۱) اصل: ۱۹۱۱ که ظاهراً اشتباه چاپی است.

سرقت وقتی اتفاق افتاد که مغل منافع شخصی صولت‌الدوله بود. مشارالیه در جواب تلگرافات کنفیل قنصلگری انگلیس و تجار شیراز اظهار داشته که استعدادی برای استرداد اموال مسروقه فرستاده ولی تاکنون هیچیک از اموال مزبوره به دست نیامده و ضمناً مذاکرات افتتاح راه کازرون جاری بود.

صولت‌الدوله به ملاحظه خسارات مالی که از انسداد راه جره متوجه شخص مشارالیه می‌شود و به واسطه این‌که هرگاه راه کازرون باز شود حکومت مرکزی می‌تواند متدرجاً وسائل انتظام آنجا را فراهم نماید فوق‌العاده مخالف افتتاح راه مزبور بود زیرا اگر دولت به انتظام آن راه موفق شود نفوذ صولت‌الدوله در شاهراه تجارتی که وسیله عمده اقتدار او است از میان خواهد رفت - از طرف دیگر نمایندگان مشارالیه از طهران به او خاطرنشان کرده‌اند که دولت ایران نظر به یادداشت دولت انگلیس مورخه چهاردهم اکتوبر باید راه کازرون را باز نماید و اگر او قبول افتتاح آن راه را ننماید دولت مجبور می‌شود که به‌قوة قهریه با او معامله نماید. صولت‌الدوله که از عدم ثبات و دوام خود در مقابل قوه قهریه کاملاً مطلع بود افتتاح راه را قبول نمود و دولت هم قبول کرد هر قدر مستحفظ که او برای افتتاح راه لازم بداند مواجب بدهد و از قراری که می‌گویند حکومت کمارج و ممسنی و بعلاوه همه قسم مساعدت را نیز به مشارالیه وعده داده‌اند علیهذا راه کازرون باز شد و از چهارصد نفر مستحفظی که قرار شده بود دولت مواجب بدهد دو بیست نفر بین شعبه راه کازرون و شیراز برقرار گردید.

به اطمینان اعلان صولت‌الدوله در امنیت راه در هفته آخر ماه نوامبر کاروانی که متجاوز از سه هزار قاطر بود از شیراز برای پوشهر حرکت کرد. در بیست و هفتم ماه نوامبر جمعیت زیاد با استعدادی از سارقین که از قرار مذکور مرکب از بویراحمدی و قشقایی بوده‌اند در سر پل قره‌آقاج به کاروان مزبور برخورد و یکصد و هشتاد و چهار بار و دو بیست و شصت رأس مال و دو نفر زن زواره را بردند. در این کاروانها مال‌التجاره اتباع انگلیس هیچ نبوده. این سرقت غوغایی بین تجار شیراز برپا کرد و لطمه بزرگی به اعتباری که مجدداً صولت‌الدوله تحصیل نموده بود وارد آورد.

در اواخر ماه نوامبر به واسطه اقدامی که صولت‌الدوله در تنبیه طایفه فارسی‌مدان که ظاهراً مسئول عمده خسارات وارده به خطوط تلگراف در ماه اکتوبر گذشته بودند نموده بود در نزدیکی کازرون نزاعی بین قشقاییها واقع و تقریباً بیست نفر از طرفین کشته شدند.

سرقت - و می در پنجم دسامبر در چهل میلی شیراز واقع شد یعنی يك دسته از سارقین قشقایی و لر به کاروانی که مستحفظ همراه داشته حمله برده و از این سرقت خبر تفصیلی به دست نیامده، چیزی که واضح است این است که شیوع عدم رضایت طایفه صولت‌الدوله از مشارالیه، مسئله امتیت راه کازرون را برای او بسیار دشوار نموده [چنانکه] تا به حال نه از عهده محافظت راه کازرون به‌خوبی برآمده و نه از استرداد اموال مسروقه. مع‌ذالك خیلی از قوافل شاهراه به سلامت به پوشهر رسیده و

می‌رسند و اکثر از تجار داخلی مال‌التجاره خود را حمل می‌کنند. با وجود این بعضی از تجارتخانه‌های انگلیس تردید دارند و موکول به تحصیل اطمینانی از سفارت نموده‌اند که دولت ایران مسئول خسارات وارده بر آنها باشد. اولین نتیجه یادداشت انگلیس مورخه چهاردهم اکتوبر همین شده که صولت‌الدوله را فعلاً مسلط و به افتتاح راه کازرون مجبور نموده. مدت سه ماه خیلی کم بود برای دولت ایران که فرمانفرمای جدیدی به فارس بفرستد و خودش راه را دایر نماید. علیهذا دولت صولت‌الدوله را مخیر کرد که یا افتتاح راه را تعهد نماید یا این‌که یاهی دولت شناخته شود و او شق اولی را انتخاب نموده - فعلاً در راه شیراز و اصفهان کاروان با امنیت عبور می‌نماید. این امنیت بیشتر به واسطه نزدیک شدن زمستان است - و هرگاه حاکم مقتدری با قشون و استعداد حاضر نشود در بهار موقع حرکت ایلات قهراً دومرتبه زمان مخاطره خواهد بود.

نمره - ۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۱۶ ژانویه ۱۹۱۱)
از طهران مورخه بیست و هفتم دسامبر ۱۹۱۰ [۵ دی ۱۲۸۹؛ ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع معمول ماهیانه ایران را در مدت چهار هفته گذشته لفا
ارسال دارم.

امضاء بارکلی

ملفوف نمره ۶

خلاصه وقایع یکماهه ایران لغایت ۲۷ دسامبر ۱۹۱۰

طهران

تمام خوانین بختیاری در اوایل دسامبر وارد طهران شده فوراً بعد از ورود خود از وزیرمختار دولت انگلیس دیدن کردند. همه آنها به نظر دوست می‌آیند. میان خودشان این‌طور مقرر شده که سردار محتشم (ایل‌بیگی) و سردار بهادر پسر بزرگ سردار اسعد با اختیارات تامه از طرف سایر خوانین به بختیاری‌رفته که در آنجا بعضی مسائل مختلفیه را اصلاح کنند و مصمم هستند که در دوم ژانویه از طهران حرکت نمایند. سردار اسعد هرچند فعلاً از شغل خارج است ولی در طهران نفوذ و دخالت تام در امور سیاسی کماکان دارد. حسینقلی‌خان در ۲۷ شهر جاری از منصب وزارت خارجه استعفاء داده علیهذا تجدید تشکیل کابینه قریب‌الوقوع است.

در ششم شهر جاری [۱۴ آذر ۱۲۸۹؛ ۳ ذی‌حجه ۱۳۲۸] درخواست قرضه‌ای از بانک شاهنشاهی ایران از طرف صنایع‌الدوله وزیر مالیه به مجلس پیشنهاد شد. هرچند

لزوم استقراض از طرف اعضای مجلس انکار نشده اصرار کردند که پروگرام مخارج به استحضار آنها باشد و همچنین می‌خواهند اطمینان کامل از نظارت مخارج حاصل نمایند. این مسئله هنوز علناً مذاکره نشده است.

مشهد

وضع خراسان به همه‌جهت خوب نیست. روش پلیس محلی خیلی محتاج به اصلاح است. محمدعلی نیشابوری هنوز در گوناباد [= گناباد] مقیم است. در غیبت حاکم، ظهیرالسلطان دچار مشکلات زیاد است، نه پول دارد و نه قشون که حفظ اقتدار خود را نماید. مع ذلك کفایت و قدرت خوبی به خرج داده و در جلوگیری از بی‌نظمی خودداری نکرده است. همین‌که تلگرافات هیجان‌آمیز نجف به مشهد رسید که مؤکداً پروتست سخت برضد اعلان انگلیس مورخه ۱۴ اکتوبر بود، ظهیرالسلطان جلوگیری کرده نگذاشت که تلگرافات مزبوره بدست مردم بیفتد و انجمن ایالتی را وادار نمود که به مخابره یک تلگرام پروتستی خطاب به نمایندگان خارجه در طهران اکتفاء کنند. راپرت‌های تربت مشعر بر عدم امنیت آن نواحی و عموماً عدم انتظام راهها است.

ماژور سیکس (قنصل انگلیس در مشهد) در سیزدهم دسامبر تلگراف کرده که در مشهد احتمال اغتشاش می‌رود و نایب‌الحکومه از جان خود خائف است. در دره‌جز [= درگز] در اواسط نوامبر اغتشاش شروع شده حکومت و رئیس نظمیه آنجا را از شهر خارج کردند. در بیست و پنجم حاکم جدیدی با قدری مواره از مشهد گسیل شد. در بیست و هشتم نوامبر [در] یک ازدحامی یک نفر از صاحب‌منصب گمرک و هفت نفر سوار را کشته حاکم را زخمی کردند. در دوم دسامبر قسمتی از اهالی دره‌جز به باجگیران رفته گمرکخانه را که در تصرف صاحب‌منصبان نظمیه بود توقیف و مسافری را که بیشتر آنها از اتباع دولت روس بودند لخت کردند. همین‌قدر که عده آن جمعیت به سیصد نفر رسید در خیال حمله به قوچان افتادند ولی یک اسکادران قزاق روسی که از قوچان مرخص شده به مشهد می‌رفتند دوباره به قوچان عودت داده شدند و به همین‌جهت شهر قوچان از حمله و غارت آنها خلاصی یافت. سپس قنصل جنرال روس پیشنهاد نمود پنجاه نفر قزاق در قوچان بگذارند و چهارصد نفر هم در غدان که سرحد است حاضر باشد که در موقع لزوم احضار شوند. ماژور سیکس با این پیشنهاد موافقت نمود - در سیزدهم دسامبر ماژور مشارالیه راپرت داد که حاکم جدید دره‌جز بمحض ورود آنجا محبوس و نوکرهای او کشته شدند و مظنون است که هنوز سیصد نفر از غارتگران مزبور در نزدیکی قوچان باشند.

مسیو پوکلووسکی [پاکلووسکی] (وزیرمختار روس در طهران) در پیشنهادهای مسیو گریگوریف (قنصل روس در مشهد) تغییرات داده پنجاه نفر قزاق برای قوچان و فقط یکصد نفر بجهت غدان تصویب کرده است.

بیرچند

در شب سوم نوامبر بین علی‌آباد و پندان ده نفر مسلح به کاروان مستر هوسن حمله برده خودبختانه مستر هوسن و فامیلش قدری عقب‌تر از کاروان بوده‌اند به مجرد اینکه صدای شلیک بلند شد با چند نفر از سواره چقای خود را رسانیده همین‌قدر که نزدیک شدند سارقین پانزده نفر از شترها را با بار پیش کرده فرار نمودند. مستر هوسن در سپیده‌دم آنها را تعاقب کرده دوازده شتر با بار را از آنها پس گرفت. اگرچه تا سی میل آنها را تعاقب نمود ولی دزدها سه نفر از شترها را پیش کرده بدر رفتند.

سیستان

از قراری که راپرت رسیده راههای سیستان ناامن است و چندین سرقت شتر از کاروانها اتفاق افتاده. برای قوافل حرکت بدون مستحفظ خالی از مخاطره نیست و تحصیل مستحفظ از سوارهای ایرانی خیلی مشکل است.

اصفهان

وضع شهر بحال سابق است. قیمت ارزاق بالا رفته. برف زیاد باریده. سرما و گرانی آذوقه از قرار مذکور فوق‌العاده موجب سختی و ناخوشی گردیده. بلدیة ترتیبی بجهت خریداری گندم از محکمرین عمده داده ولی تاکنون قیمت گندم تنزل نکرده است در ظرف این ماه عده‌ای از بختیارپها به انجمن ولایتی شکایت نموده‌اند که رؤسای آنها حقوق استخدامشان را در کاشان نپرداخته‌اند. انجمن هم سعی کرده این اختلاف را با رؤساء که فعلا در طهران هستند رفع نمایند. وضع ولایت اصفهان علی‌الظاهر خوب و روی هم رفته راهها امن است. پست شیراز تا آباده با کوله‌بار و از آنجا به اصفهان با اسب حمل می‌شود و از بیست و هشتم نوامبر خبر سرقتی در عرض راه شیراز نرسیده. در هیچیک از راهها در ظرف ماه دسامبر سرقتی اتفاق نیفتاده است.

یزد

غیر از راه نائین که در این اواخر بخوبی امن بوده تمام راهها خیلی مغشوش و خبر سرقتهای متعدد رسیده است. دسته‌های زیاد سارقین که قوافل را می‌زنند و دهات را می‌چاپند در اطراف هستند. مسیو پطروف در انار متوقف نمی‌تواند به یزد بیاید. سالار مؤید حکمران سابق در هفدهم نوامبر از یزد حرکت کرد. ضیغم‌الدوله قشقایی بجای او حاکم شده - در ویس قنسولگری دولت انگلیس فعلا بستی نیست ولی در ظرف چند هفته گذشته چندین نفر پناهنده شده بودند. علتی که موجب پناهندگی آنها بوده خطر مستقیم و غیرمستقیمی که از حاکم سابق به آنها می‌رسیده بوده است.

کرمانشاهان

نظام السلطنه در بیست و هشتم نوامبر [۶ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۸] از راه

پشت کوه به سمت شیراز حرکت کرده. تا ورود رکن الدوله حکمران جدید دو نفر نایب‌الحکومه برای اینجا معین شده. رؤسای دسته‌هایی که در کرمانشاه مخالف یکدیگرند مجتمع و هم‌قسم شده‌اند که در آتیه با موافقت یکدیگر کار بکنند. اطراف کرمانشاه تا یک‌درجه مغشوش بوده و به موجب راپرت واصله در راهها چندین سرقت اتفاق افتاده است. راه بین قصر شیرین و سرپل بواصله بودن سارقین در آنجا که از قرار مذکور کله‌بر هستند ناامن است. بین تیره‌های مختلفه ایل کلیایی نزاع واقع شده نایب‌الحکومه ماموری برای اصلاح بین آنها فرستاده است.

همدان

به موجب راپرت‌های واصله سرقت قوافل دو دفعه در نزدیکی همدان واقع شده. در هر يك از دو دفعه چهار نفر به دست سارقین کشته شده‌اند. در بیستم نوامبر پست را با امانات و مسافرین را زده‌اند و يك نفر از مستخدمین قنصلگری کرمانشاه بین منسوبین بوده است. در آخر ماه نوامبر حکمران آنجا استعفاء داده امور حکومتی را به رؤسای ادارات سپرده و حرکت کرد.

کرمان

وضع شهر به حالت سابق باقی است ولی قنصل پادشاهی انگلیس اوضاع ایالت را در ماه نوامبر خیلی رقت‌آمیز [رقت‌انگیز] شرح می‌دهد. راه یزد هنوز بواسطه راهزنان مسدود است. از قرار راپرت واصله بیست و چهارم دسامبر چهارصد نفر آنها در تحت ریاست مصمصام‌نظام در چهارمیلی راه کمال‌آباد بوده‌اند. هرچند از حرکت بلوچها [بلوچها] خبرها شهرت می‌دهند ولی خبری از حرکت واقعی آنها نرسیده است.

بندرعباس

در بیست و یکم نوامبر در عرض راه کرمان يك قافله را زده‌اند و معادل یکصد لیره مال‌التجاره اتباع انگلیس جزء اموال غارتی رفته است.

نمره - ۷

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژانویه ۱۹۱۱)
از طهران مورخه بیست و یکم دسامبر ۱۹۱۰ [۲۹ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم ترجمه یادداشت دولت ایران در جواب یادداشت من مورخه هفدهم ماه

گذشته (رجوع به کتاب آبی راجع به ایران نمره يك سال ۱۹۱۱ نمره ۲۰۶ بشود) ۱ در خصوص عدم امنیت راههای جنوب را لفا تقدیم نمایم.

امضاء بارکلی

ملفوف نمره ۷

از طرف وزیرزاده به سر جرج بارکلی

جناب جلالتمآبا در جواب مراسله جوابیه مورخه چهاردهم ذی قعدة آن جناب جلالتمآب با کمال احترام زحمت افزاست. اینکه اثرات توقف قشون خارجه را در خاک ایران خارج از موضوع تصور نموده اند بطوری که خاطر مهام شناس آن جناب مستحضر است جای شبهه نیست که وجود عساکر اجنبی در داخله مملکت طبعاً خاطر اولیای امور را مشغول و منکته به حیثیت دولت وارد آورده و بدین جهت از مقاصد حسنه دولت در تنظیمات کامله بطور مطلوب نتیجه حاصل نمی شود و چون در مراسله هفتم شوال نمره ۵۵۸۱ دوستدار شرح داده شده دیگر تکرار آن را در این مورد لازم نمی داند. در باب مرادوات بین بوشهر و شیراز که اشاره فرموده بودند بر آن جناب جلالتمآب مستور نیست که اولیای دولت علیه که همواره استقرار مرادوات تجارتی را در نظر داشتند مخصوصاً صولت الدوله را برای انتظام راه بوشهر و شیراز مأمور نموده اند و بعلاوه به جهت تکمیل انتظامات اولیای دولت علیه مقدمات اقداماتی نموده که در این موقع اجمالاً به اطلاع آن جناب می رسانند. اولاً فرمانفرمای کافی با تعلیمات لازمه به فارس مأمور و روانه شده و عمأ قریب به محل مأموریت وارد خواهد شد و بعد از ورود اقدامات اساسی برای تکمیل انتظام کلیه آن صفحات خواهد نمود. ثانیاً مسئولیت حفظ امنیت راه کازرون به صولت الدوله واگذار شده فعلاً مشارالیه در آن راه سیصد و هشتاد نفر پیاده و سوار مستحفظ گذاشته و مراقبت کامل به عمل می آورد. موافق اخبار موثقه راه کازرون هم در نهایت امنیت است. ثالثاً اردویی مرکب از سواره و پیاده توپخانه اعزام شده هفتصد نفر آنها با سه عراده توپ که از طهران حرکت کرده اند از قم گذشته اند و دو فوج همدان و جلالی در اصفهان به اردو ملحق می شوند. این اردو علاوه بر ساخلوی است که در فارس موجود است. رابعاً يك مبلغ معتد به از وجه استقراضی که در شرف انجام است برای تکمیل امنیت منظور خواهد شد و دولت مشغول ترتیب وسایلی است که بواسطه آن مخارجی که برای این مقصود لازم است بطور صحیح داده شده و تفتیش آن بوجه اکمل به عمل آید. خامساً علاوه بر اینکه یکی از صاحبمنصبان نظامی اروپایی که در خدمت دولت ایران است عاجلاً برای انتظام ژاندارمری به فارس مأمور شده و عمأ قریب چند نفر مستخدم که از خارج خواسته شده وارد خواهند شد یقین کامل حاصل است که به این ترتیبات منظورات اولیای این دولت علیه برای تکمیل موجبات انتظام کاملاً به عمل آمده و نگرانی که آن جناب تصور فرموده اند مرتفع خواهد گردید. اما اینکه اظهار فرموده اند که از دیاد گمرکات

(۱) نشانی داده شده با مطالب کتاب منطبق نیست. - م.

تخاقوی‌ئیل^۱ ۱۰-۱۹۰۹ راجع است به شمال و نه به جنوب لازم است خاطر محترم را به این نکته متوجه نماید که جهت ازدیاد عواید گمرکی شمال بر جنوب فقط وارد شدن مقدار مهمی نقره است و ربطی به مسئله تجارت عمومی مملکت ندارد و اینکه آن جناب جلالتماب در ضمن مرامله محترمه مرقوم داشته‌اند عایدات بوشهر در سنه گذشته خیلی کمتر از سنه پیچی‌ئیل ۹-۱۹۰۸ بوده و همچنین عایدات مزبوره در سنه پیچی‌ئیل ۹-۱۹۰۸ خیلی کمتر از سال قبل آن بوده است محترماً خاطر آن جناب را مطلع می‌دارد که اگرچه عایدات گمرکی بوشهر در سنه پیچی‌ئیل کمتر بوده لکن در عوض بر عایدات گمرکی و سایر پناور جنوب مضاعفاً اضافه شده است. در این صورت به خوبی واضح است که حتی در موقع مراجعه به عواید گمرکی سه سال اخیر میزان عایدات پنج‌ماهه که در مرامله دوستدار ذکر شده ترقی محسوس را داراست. اما در باب ازدیاد پنج‌ماهه اول هذه السنه که مرقوم فرموده‌اند حاصل امساله استثنائاً خیلی زیاد بوده است احتراماً زحمت می‌دهد که زیادی محصولات تجارتي فقط در عایدات راجعه به صادرات می‌تواند اثر داشته باشد نه واردات. در خصوص اینکه اظهار فرموده‌اند عایدات گمرک بوشهر صدی دوازده افزوده شده است زاید نمی‌داند که به خاطر آن جناب متذکر شود با اینکه ازدیاد صدی دوازده هم اضافه‌ای معتنا به و قابل دقت است و در اسطاطسطیک^۲ تجارتي سایر دول هم همین مقدار اضافه دلیل بر رونق تجارتست مع هذا ازدیاد عایدات گمرک بوشهر خیلی بیش از صدی دوازده است چنانچه ۲۰۹۴۲ تومان اضافه ایت‌ئیل و تخاقوی‌ئیل است که تفاوت آن صدی بیست می‌شود و اگر فقط حقوق گمرکی واردات را منظور داریم زیادی ایت‌ئیل بر تخاقوی‌ئیل ۲۵۴۱۲ تومان است که صدی بیست و پنج تفاوت پیدا می‌نماید. دوستدار یقین دارم که با این تفصیل خاطر اصول شناس آن جناب تصدیق خواهد فرمود که به تجارت کلیه در سمت جنوب نکشی وارد نشده و بلکه در این سنوات اخیر در فزایش و ترقی بوده است. در خصوص اضافه صدی ده بر حقوق گمرکات جنوب اولیای دولت علیه از حسن مساعدتی که دولت فخیمه انگلیس نموده‌اند امتنان حاصل نموده با اهمیت فوق‌العاده که به تکمیل نظم و استحکام روابط تجارتي داده می‌شود ترتیبی اتخاذ خواهد شد که وجوه حاصله از این راه مؤثراً به مصرف منظور برسد در این صورت دوستدار یقین دارد ترتیبی که دولت علیه برای مصرف وجوه مزبوره بطور مؤثر در نظر دارند برای ابقای این شرط کافی خواهد بود.

اما در جواب جمله اخیر مرامله آن جناب خاطر محترم را به مندرجات مرامله خود مورخه هفدهم شوال معطوف نموده احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

امضاء وزیرزاده

(۱) پیش از سال ۱۳۰۴ خورشیدی که تقویم ایران با ماههای ایرانی (شیوه کنونی) مرسوم شد سال‌شماری در ایران یا با تقویم هجری قمری بود و یا با سال‌شماری ترکی که هر سال با نام يك جانور شمرده می‌شد (مانند تخاقوی‌ئیل = سال مرغ). - م.

(۲) استاتسطیک = استاتیسٹیک = آمار. - م.

نمره - ۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم ژانویه)
 طهران مورخه یازدهم ژانویه ۱۹۱۱ [۲۰ دی ۱۲۸۹؛ ۹ محرم ۱۳۲۹]
 رجوع به تلگرام من مورخه سوم ژانویه بفرمایید. فرمانفرمای فارس دیروز وارد
 پوشهر شد.

نمره - ۹

مراسله سر برتی به سر ادوارد گری (واصله چهاردهم ژانویه)
 پاریس مورخه چهاردهم ژانویه ۱۹۱۱ [۲۳ دی ۱۲۸۹؛ ۱۲ محرم ۱۳۲۹]
 آقا

وزیرمختار ایران امروز به من اطلاع داد که شاه مخلوع که در نیس با ظل السلطان
 مشغول مشاوره بود در می و یکم دسامبر وارد پاریس شده و در دوم شهر جاری به
 خیال مراجعت به طهران حرکت کرده است و قبل از مراجعت به طهران به بروکسل
 و برلن و وینه خواهد رفت. وزیرمختار ایران ادله مثبتی دارد که اعلیحضرت مزبور
 با بعضی از طرفداران خود در ایران مکاتبه داشته و آنها او را تشویق می کرده اند
 همین قدر که به ایران وارد شود خیلی هواخواه خواهد داشت و ایداً مایه تعجب نخواهد
 بود که با این حال اعلیحضرت اقدام به معاودت به مملکت خود نماید. عقیده شخصی
 وزیرمختار ایران بر این است که معاودت شاه مخلوع به ایران مقرون به موفقیت
 نخواهد بود ولی مایه بدبختی ایران خواهد شد.

امضاء فرانسویس برتی

نمره - ۱۰

مراسله سر ادوارد گری به سر جرج بکانن [بیوکانان] (وزیرمختار انگلیس در
 سن پترزبورگ)
 از وزارت خارجه بیست و سوم ژانویه ۱۹۱۱
 آقا

سواد مراسله سفیر دولت انگلیس را در پاریس لغاً برای جنابعالی فرستادم. از
 مراسله مزبوره چنین مستفاد می شود که اقدام شاه مخلوع ایران در مراجعت به مملکت
 خود خالی از واقعیت نیست.

جنابعالی باید اطلاعات مسطوره مراسله مزبوره را محرمانه به وزیر امور خارجه
 دولت روسیه ابلاغ کنید که در صورتی که مقتضی بدانند به مقامات لازمه اخطار نمایند
 که بعد از مراجعت محمدعلی به روسیه پیش از سابق هشیار و مراقب حرکات او باشند.
 امضاء ادوارد گری

نمره - ۱۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و پنجم ژانویه ۱۹۱۱) از طهران مورخه بیست و پنجم ژانویه ۱۹۱۱ [۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۹] رجوع به تلگرام من مورخه چهارم ژانویه بفرمائید - وزیر خارجه به من اطلاع داده که دولت ایران می‌خواهد بواسطه صاحب‌منصبان سوئدی تشکیل يك قوه جاندارمري [= ژاندارمري] ملی بنماید و اینکه در ضمن اظهاری که در مجلس نموده فقط از فارس اسم برده برای این بوده که مذاکرات آن روز مجلس فقط راجع به ایالت فارس بوده است.

نمره - ۱۲

تلگرام مستر برایس (وزیرمختار انگلیس در واشنگتن) به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم ژانویه) واشنگتن مورخه بیست و ششم ژانویه ۱۹۱۱ [۶ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۹] از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام شارژ دافر ایران بر حسب دستورالعمل دولت خود از وزیر خارجه تقاضا کرده است که در استخدام پنج نفر مستشارهای مالیه برای دولت ایران با مشارالیه موافقت نمایند. از قراری که در روزنامه‌ها می‌نویسند این تقاضا از طرف مستر ناکس اجابت خواهد شد.

نمره - ۱۳

تلگرام مستر برایس به سر ادوارد گری (واصله بیست و هشتم ژانویه) واشنگتن مورخه بیست و هفتم ژانویه ۱۹۱۱ [۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۹] رجوع به تلگرام بیست و ششم ژانویه من بفرمایید - از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام دولت ممالك متحده برای دولت ایران صورتی از متخصصین مالیه که بیشتر آنها تجربیات خارجی داشته باشند معین نموده مناسب می‌دانند دو نفر از آنها را انتخاب کرده و تعیین معاونین را به عهده خود آنها واگذار نمایند.

نمره - ۱۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوم فوریه) از طهران مورخه اول فوریه ۱۹۱۱ [۱۲ بهمن ۱۲۸۹؛ یکم صفر ۱۳۲۹] یکی از اتباع روس که اخیراً داخل خدمت دولت ایران و رئیس نظمیه اصفهان بود امروز صبح به سمت حکمران آنجا تیر انداخته و او را سخت مجروح نموده است. مقصر در جنرال قنسولگری دولت روسیه پناهنده شده است.

نمره - ۱۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوم فوریه)
 طهران مورخه سوم فوریه ۱۹۱۱ [۱۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۳ صفر ۱۳۲۹]
 دیروز مجلس تصویب نمود دولت کنترات مستشارهای مالیه امریکایی را بسته و
 مبلغ پنج هزار و ششصد لیره مواجب آنها را تصویب کرد و با شغف فوق العاده به
 تحسین و اظهار تشکر از وزیرمختار آمریکا رای داده شد.

نمره - ۱۶

مراسله سر ادوارد گری به سر اسپرینگتس رایس
 وزارت خارجه سوم فوریه ۱۹۱۱ [۱۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۳ صفر ۱۳۲۹]
 آقا

وزیرمختار سوئد در سیام ماه گذشته در باب صدی ده اضافه گمرک بنادر فارس
 که در یادداشت آخری که از طرف سر جرج بارکلی به دولت ایران داده شده توضیحات
 خواسته مطلب را سر نیکلسن واضحاً بمشارالیه حالی نموده بعد از آن کنت رانژل
 اظهار داشت که تا به حال دولت مشارالیه در باب مأمورین سوئدی به جهت تشکیل
 ژاندارمری ایران اقدامی نکرده در جواب سر نیکلسن به مشارالیه گفت تا بجایی که
 مربوط به دولت انگلیس بود مانعی برای اقدام نداشته اند. مذاکراهی که در این
 خصوص بین کنت رانژل و خود او شده این مسئله میهن گشته که استخدام این
 صاحبمنصبان برای تمام ایران بوده نه فقط برای فارس چنانچه سابقاً فهمیده شده
 است.

کنت رانژل گفت بخاطر دارد که در دفعه اخیری که این مسئله بین او و سر نیکلسن
 مذاکره شد سر نیکلسن گفته که صاحبمنصبان برای خدمت سمت جنوب لازم بوده اند
 سر نیکلسن اظهار نمود که راجع به شمال به دولت روسیه بیشتر مربوط است تا
 به دولت انگلیس و شاید از طرف دولت سوئد یا دولت مزبور در من پترزبورغ
 مذاکره شده باشد.

امضاء گری

نمره - ۱۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهارم فوریه)
 طهران مورخه چهارم فوریه ۱۹۱۱ [۱۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۴ صفر ۱۳۲۹]
 از طرف دو نفر قفقازی که ظاهراً تبعه روس هستند بطرف صنیع الدوله وزیر

(۱) اصل: اسپرینگ

مالیه شلیک شد و مشارالیه سخت مجروح گشته و مقصرین گرفتار شده‌اند، چهار نفر پلیس در موقع دستگیری مقصرین مجروح گردیده‌اند.

نمره - ۱۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم فوریه)
 طهران مورخه پنجم فوریه ۱۹۱۱ [۱۶ بهمن ۱۲۸۹؛ ۵ صفر ۱۳۲۹]
 متمم تلگرام من مورخه چهارم فوریه - صنیع الدوله بین شب چهارم و پنجم فوریه وفات کرد. مسیو پوکلوسکی [پاکلوسکی] درصدد خواستن قاتلین است که پس از اینکه در اینجا تحقیقات موانعتی (از طرف دولت ایران و روس) به عمل آمد، موافق ترتیبات معموله برای محاکمه به روسیه فرستاده شوند.

نمره - ۱۹

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم فوریه)
 طهران مورخه بیست و یکم ژانویه ۱۹۱۱ [یکم بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۹ محرم ۱۳۲۹]
 آقا
 افتخار دارم که سواد یادداشتی را که بموجب دستورالعمل جنابعالی در جواب یادداشت دولت ایران مورخه بیست و هشتم دسامبر گذشته در خصوص برقراری نظم در راه بوشهر و اصفهان امروز نوشته‌ام لذا ارسال می‌دارم.
 امضاء جرج بارکلی

ملفوف نمره ۱۹

مکتوب سر جرج بارکلی به محتشم السلطنه

آقای وزیر

در ابلاغ یادداشت وزیرزاده مورخه بیست و هشتم دسامبر به دولت خودم قصور ننموده‌ام و مأمورم که جنابعالی را اطلاع بدهم که دولت انگلیس با کمال رضایت مطلع و ملتفت شده که دولت ایران در اعاده انتظام راههای جنوب اقدامات مخصوصی به عمل آورده - راپرتهای صاحبمنصبهای قنصلگری نشان می‌دهد که قلت سرعت در بین شاهراه بوشهر و شیراز در ظرف چند هفته گذشته چندان بواسطه تسارکات صولت الدوله در امنیت راهها نبوده بلکه بیشتر از اثر سختی فوق‌العاده هوا بوده است - مادامی که اجرای اقداماتی که دولت ایران بر آن مصمم شده ظاهر نشود دولت انگلیس نمی‌تواند بسنجد که آیا ممکن است آن اقدامات بجای نقشه مقرر در اعلان من مورخه چهاردهم اکتوبر قبول بشود یا نه و نیز دولت انگلیس در قصد دولت ایران اعتراف دارد که این اقدامات ثابت می‌دارد که دولت مشارالیهها مصمم شده که حتی القوه

در اعاده انتظام راههای تجارتی جنوب بکوشد. علیهذا دولت انگلیس مایل است که در تاکید به قبولاندن نقشه خودش را به دولت ایران، دست نگاه دارد و موکول به بروز نتایج آتی اقدامات مزبوره نماید. به هر حال عرض می‌کنم که باید توضیحاً دانست همین که در راه بوشهر و اصفهان اغتشاش بروز نماید دولت انگلیس این حالت تأمل را تغییر خواهد داد و در هر لحظه‌ای که ببیند اقدامات دولت ایران در برقراری امنیت لازم فوری کافی نیست در تاکید بکارداشتن صاحبمنصبهای هندی محق خواهد بود - در خصوص پیشنهاد اضافه حقوق گمرکی مأمورم که به جنابعالی بنمایم که در حقیقت این اضافه يك خراجی است بر تجارت انگلیس و دولت انگلیس تحمل این سربار را مثل يك پنهان و وسیله موقتی در صورتی تحمل پذیر می‌داند که صاحبمنصبهای انگلیس در تشکیل امتداد در کار و مسئول دولت ایران باشند و مخارج آنها از آن اضافه پرداخته شود والا دولت انگلیس نمی‌تواند آن اضافه را که فقط وسیله‌ای برای پیشرفت مقصد دولت ایران باشد که می‌خواهد يك اضافه حقوقی برقرار نماید که آن اضافه حقوق بایستی بر عایدی معمولی دولت مشارالیه برقرار شود، قبول نماید آنهم بدون این که مطمئن باشد که آن مقصد پیشرفت خواهد کرد یا نه.

نمره - ۲۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
وزارت خارجه ششم فوریه ۱۹۱۱ [۱۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۶ صفر ۱۳۲۹]
راجع به تلگرام جنابعالی مورخه پنجم فوریه در خصوص قتل صنایع الدوله.
مراتب تسلیم دولت اعلیحضرت پادشاهی را به دولت ایران تقدیم نمایم.

نمره - ۲۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله نهم فوریه)
طهران مورخه نهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۰ بهمن ۱۲۸۹؛ ۹ صفر ۱۳۲۹]
نایب السلطنه دیروز وارد شد.

نمره - ۲۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
وزارت خارجه نهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۰ بهمن ۱۲۸۹؛ ۹ صفر ۱۳۲۹]
در موقع مناسبی لازم است به نایب السلطنه اظهار نمایم که دولت انگلیس مراجعت ایشان را به طهران تبریک گفته و از خبر ورود و سلامتشان خوشوقت است. دولت انگلیس موفقیت ایشان را در انجام وظیفه‌شان آرزومند بوده مطمئن است که تمام

اقدامات ممکنه را در برقراری نظم و آمایش به عمل آورده خود را فدای پیشرفت سعادت مملکت خود نمایند.

نمره - ۲۳

تلگرام سر بکانن [= بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله یازدهم فوریه)
من پترزبورگ مورخه یازدهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۲ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۱ صفر ۱۳۲۹]
به مسیو پوکلوسکی [پاکلوسکی] ۱ دستورالعمل داده شده است که در اول ملاقات
رسمی خود به نایب السلطنه اطلاع بدهد که او امر لازمه برای پرداختن قشون روس از
قزوین صادر شده و نیز اظهار نماید که دولت روسیه امیدوار است که دولت ایران
این حرکت دوستانه را دلیل حسن نیت دولت روسیه دانسته در آتیه وضع و روش خود
را نسبت به دولت روسیه مصلحانه نماید.

نمره - ۲۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوازدهم فوریه)
طهران دوازدهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۳ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۲ صفر ۱۳۲۹]
بر طبق دستورالعمل تلگرافی جنابعالی مورخه نهم فوریه - دیروز در يك مجلس
غیررسمی پیغام جنابعالی را به ناصرالملک ابلاغ کردم - نایب السلطنه در جواب از
من تقاضا نمود تشکرات او را در جواب پیغام مزبور و در مقابل احساسات صمیمانه
که همه وقت از طرف دولت پادشاهی به مشارالیه اظهار شده به عرض برسانم. تا
به حال ناصرالملک قسم نیابت سلطنت را یاد نکرده و به من می گفت مادامی که با
وکلاي مجلس که امروز به صارت سلطنتی دعوت کرده موافقت صحیح در میان نیاید
قسم یاد نخواهد کرد.

نمره - ۲۵

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)
طهران مورخه بیست و سوم ژانویه ۱۹۱۱ [۳ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۱ محرم ۱۳۲۹]
آقا

بواسطه ملاطفت وزیرمختار روس توانسته ام سواد قراردادی که به تازگی بین بانک
روس و دولت ایران در خصوص تثبیت قروض دولتی بسته شده لفا ارسال دارم.
اقسام مختلفه قروض دولتی به بانک معادل شش میلیون و چهل و یک هزار و ششصد و

(۱) پاکلوسکی کازیل - استانیسلاو آلفونسوویچ. - م.

شصت و دو تومان و بیست و هشت دینار می‌شد. از این مبلغ چهل و یک هزار و ششصد و شصت و دو تومان و بیست و هشت دینار فعلاً باید اداء شود بقیه که معادل شش میلیون تومان است مثل قروض دولت ایران به بانک شاهنشاهی که در تابستان گذشته يك كاسه شد، دارای فرع صدی هفت خواهد بود که در ظرف مدت پانزده سال در هر سالی به دو قسط متساوی پرداخته شود و دولت ایران حق دارد که در صورتی که دو ماه قبل اطلاع بدهد در آخر هر سال کلیه دین خود را اداء نماید.

در خصوص قسمت (ب) از ماده سیم لازم است توضیح بدهم که این مخارج عبارت است از مستمری شاه مخلوع و بعضی از مخارج مسطورۀ دیگر که سابقاً بر حسب معمول از عایدات گمرک داده می‌شد و مهمترین آن مخارج بریگاد قزاق است که حال دولت ایران رسماً قبول کرده از گمرکات شمال داده شود - و این مخارج بعد از تأدیۀ قروض ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ دولت روسیه باید بلافاصله پرداخته شود. ملاحظه خواهید فرمود در صورتی که عایدات گمرکات شمالی کفایت مصارفی را که بدان اختصاص یافته ننماید عایدات ضرابخانه برای جبران کسر تسلیم بانک روس خواهد شد. این شرط به جای آن شرطی است که يك وقتی تهدید به قطع مذاکرات می‌کرد یعنی شرطی را که بجهت کنترل گمرکات در صورت عدم کفایت عایدات می‌خواستند قرار بدهند و پس از آنکه وزیرمختار روسیه ملتفت شد که این شرط مانع بزرگی برای اختتام قرارداد خواهد بود به دولت خود توصیه نمود که اصراری در آن موضوع ننمایند.

امضاء بارکلی

ملفوف در نمره ۲۵

قرارداد قیما بین دولت شاهنشاهی ایران و بانک استقراضی از قرار ذیل است.
ماده اول

کلیه قروض دولت ایران به بانک استقراضی موافق صورت حسابهایی که بانک مزبور داده و دولت ایران هم قبول نموده است تثبیت و يك كاسه شده معادل شصت میلیون و چهارصد و شانزده هزار و ششصد و بیست و دو قران و هشتصد دینار است که در مدت پانزده سال از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۱۰ الی اول ژوئیه ۱۹۲۵ [۱۰ تیر ۱۲۸۹ تا ۱۰ تیر ۱۳۰۴؛ ۲۳ ج ۲-۱۳۲۸ تا ۹ ذی حجه ۱۳۴۳] پرداخته شود. فرع این مبلغ از قرار سالی صدی هفت است و برای اینکه این قرضه يك مبلغ بی کسری بشود مبلغ چهارصد و شانزده هزار و ششصد و بیست و دو قران و هشتصد دینار آن را به عنوان حصه‌ئی از قسط استهلاك قرض مزبور در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۱۰ از بقیۀ عایدات گمرکات که در بانک استقراضی جمع می‌شود کسر می‌نمایند.

ماده دوم

دولت ایران باید این قرض را که مبلغ شصت میلیون قران است به انضمام فرع آن در مدت پانزده سال از اول ژوئیه ۱۹۱۰ در سالی به دو قسط مساوی که هر

قسطی سه میلیون و دویست و شصت و دو هزار و دویست و هفتاد و نه قران و نهصد دینار است که در سالی مبلغ شش میلیون و پانصد و بیست و چهار هزار و پانصد و پنجاه و نه قران و هشتصد دینار می‌شود بپردازد.

ماده سوم

عایدات گمرکات ایران به استثناء گمرکات فارس و بنادر خلیج پس از تأدیه مصارف ذیل وسیله و محل تأمین این قرض و تأدیه اقساط مرتبه آن است.

(۱) قسط سالیانه دو قرضه ملا ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ که من حیث المجموع يك میلیون و ششصد و هفتاد هزار و یکصد و نود و چهار منات و بیست کپک می‌شود.

(ب) پاره‌ای مصارف معین مجبوری دولت ایران که باید از محل گمرکات شمالی تأدیه شود که من حیث المجموع در سالی مبلغ پنج میلیون و یکصد و هفت هزار قران است. دولت ایران که بنا بر قراردادهای کنترات قروض سابق سنه ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ متعهد شده است که تمام عایدات گمرکات مزبوره فوق را بدون کسر به بانک استقراضی بپردازد حال آن قرارداد را برای تمام مدت این کنترات حالیه بجهت ادای تمام قرضه خود به بانک استقراضی تجدید می‌نماید. علیهذا مراد از عایدات گمرکات عایدات تمام گمرکات موجوده شمال و آنچه هم بعدها در آن نواحی دایر شود بعد از وضع مخارج اداری و مصارف جمع‌آوری که تقریباً در سالی سه میلیون و پانصد هزار قران می‌شود.

ماده چهارم

در ظرف مدت هر نیمه سال موافق شروط ماده سوم فوق بانک استقراضی عایدات گمرکات را که به امانت نگهداشته است به ترتیب ذیل محسوب و رفتار خواهد کرد.

(۱) اولاً بانک استقراضی باید معمولاً قسط سالیانه دو قرضه سنه ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ را بپردازد.

(ب) ثانیاً باید بردارد مبلغی را که کفایت نماید مخارج اجباری دولت ایران مذکوره در ماده سوم و حواله پرداخت آنها را هم وزیر مالیه دولت شاهنشاهی ایران به توسط اداره گمرک خواهد داد.

(سی) یقیه عایدات را باید به مصرف تأدیه قسط استهلاك این قرضه يك كاسه شده و فرع آن به موجب این قرارداد حاضره برساند.

ماده پنجم

در آخر هر نیمه سالی یعنی از اول ژوئیه و اول ژانویه بانک استقراضی باید اضافه عایدات گمرکات را که به بانک مزبور به عنوان تأمین برای تأدیه جاتی که در ماده چهارم قرارداد حالیه معین و تحویل شده به دولت ایران تسلیم نماید.

ماده ششم

هرگاه عایدات گمرکات که برای تأمین به بانک تحویل می‌شود در ظرف مدت شش

ماهه نیمه سال کفایت تأدیه‌جات معینه در ماده چهارم مذکوره در فوق [را] ننماید دولت ایران متمم و ناچار است که مبلغ کم بود را به انضمام فرع در سالی صدی هفت از محل دیگر در مدت شش ماه ثانی بپردازد و هرگاه کم بود مزبور پس از مدت مذکور پرداخته نشود بانك استقراضی حق دارد طلب نماید که تمام عایدات ضرابخانه را در عوض تسلیم نمایند تا کم بود مزبور با فرع از قرار سالی صدی هفت پرداخته شود. نتیجه آنکه دولت ایران از اول ژانویه ۱۹۱۰ عایدات ضرابخانه را از هرگونه تصرفات معاف دارد.

ماده هفتم

بانك استقراضی باید پس از انقضاء هر ماهی صورت آنچه تنخواه از اداره گمرکات به بانك مزبوره رسیده و نیز همینطور صورتی هم از حساب جاری که در ماده نهم این قرارداد حاضر ذکر شده به دولت ایران بدهد.

ماده هشتم

دولت ایران حق دارد که این قرض را قبل از انقضاء مدت مقرر در ماده اول این قرارداد حالیه یک مرتبه بپردازد ولی پرداختن قرض مزبور بایستی پس از انقضاء مدت یک سال تمام باشد یعنی از اول ژوئیه و آنهم باید دو ماه قبل از وقت اخطار نماید.

ماده نهم

عایدات گمرکات که به بانك استقراضی تحویل شد در بانك مزبور به امانت خواهد ماند تا مبلغی که بجهت قسط نیمه سال در ردیف (ا) و (ب) که در ماده چهارم ذکر شده برسد و اضافه آن را به عنوان طلب دولت ایران در حساب جاری که بجهت همین معامله معین شده به انضمام فرع از قرار سالی صدی هفت از تاریخ که تحویل بانك شده محسوب خواهد بود و در ختم ادای این قرضه مثبت حساب جاری مزبور موقوف خواهد شد.

ماده دهم

هرگاه اختلافی راجع به ترجمه و تفهیم مواد این قراردادنامه پیدا شود فرانسه آن معتبر و سند خواهد بود.

ماده یازدهم

این قراردادنامه حاضر دو نسخه نوشته شده و از هرگونه حقوق تعبیر ایران و روس معاف است.

وزیر مالیه امضاء (صنیع الدوله)

رئیس بانك استقراضی (کورتین) امضاء

وزیر امور خارجه ایران بجهت قانونی بودن و رسمیت داشتن این قرارداد حاضر امضاء

سفارت امپراطوری - وزیر مختار روس پاك ليوسكى كزىل [= پاكليوسكى كازىل] -
طهران سی و یکم دسامبر ۱۹۱۰ [۹ دی ۱۲۸۹؛ ۲۸ ذی حجه ۱۳۲۸]

نمره - ۲۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله میزدهم فوریه)
طهران مورخه بیست و سوم ژانویه ۱۹۱۱ [۲ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم مواد مراسله قنصل دولتی سپیه در کرمان راجع به وضع حاضره ایالت
کرمان و بلوچستان [را] لفا ارسال دارم.
سختی اوضاع آن نقاط محل انکار نیست و خیلی ممکن است ورود جلال الدوله
فرمانفرمای جدید نتیجه خوبی به بنشد و اطلاع اخیر من این است که وارد یزد
شده است.

امضاء بارکلی

ملفوف نمره ۲۶

از طرف هیك قنصل انگلیس به سر جرج بارکلی
کرمان مورخه چهاردهم دسامبر ۱۹۱۱ [۲۲ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۱ ذی حجه ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم وضع ایالات کرمان و بلوچستان را عرض کنم که در صورتی که
مقتضی بدانید به اطلاع دولت ایران برسانید.

۱(۲) هرگاه گفته شود بلوچستان ایران از چندی قبل تاکنون آزاد و خودمیر بوده و
هست مبالغه نشده و هرگاه بلوچها در حد خود متوقف و آرام بودند چندان اهمیتی
نداشت مگر از برای دولت ایران ولی رعایت این مسئله را هم نکرده و مکرر حمله به
ایالت کرمان برده نه تنها مسافری را که به اوضاع هرج و مرج این روزها معرض
مخاطره هستند قتل و غارت می کنند بلکه به دهات بیچاره هم دست اندازی می نمایند
هرگاه دولت ایران استقلال بلوچستان را هم تصدیق کند - که البته نخواهد کرد - باز
مسئول دماء و اموال اتباع ایالت کرمان خودش می باشد.

۳(۳) نسبت بخود کرمان بلوکات جیرفت و رودبار مثل این است که از همسایگان بلوچ
خودشان سرمشق گرفته بیش از يك ماه قبل نایب الحکومه جیرفت را علناً کشتند و
مرتکبین هنوز دارای نفوذند، حاکم جیرفت و رودبار راپرت می دهد که مادامی که
استعداد برای مشارالیه فرستاده نشود نمی تواند مالیات بگیرد.

وضع بقیه ایالت کرمان خیلی بدتر و سخت تر از بلوچستان است زیرا که بلوچها
می توانند خودشان را حفظ کنند ولی کرمانیها نه تنها عاجز از مدافعه خویشند بلکه
از طرف يك حکومت ضعیفی هم نمی توانند انتظار حمایت و اعانت داشته باشند. سمت
شمال و شرق ایالت معرض چپاول بلوچها، طرف غرب عرصه غارت و تاخت و تاز
سارقین فارس واقع است و در مقابل هم هیچ قوه ای که قابل مقابله و مقاومت با این
اشرار باشد وجود ندارد. شرح واقعات مختلفه را در ضمن اخبار هفتگی کرمان راپرت

(۱) به همین گونه است در اصل و به بند ۱ نامه اشاره ای نشده است. - م.

دادن موجب کسالت و خستگی است ولی لزوماً عرض می‌شود که در ظرف یک ماه یا دو ماه گذشته بین بندرعباس و کرمان هندوها را هارت و معادل شانزده هزار تومان مال‌التجاره آنها را پرده‌اند.

بین کرمان و طهران پنج یا شش پست به سرعت رفته. از بیست و سوم نوامبر هیچ پستی از طهران برای من نرسیده و بیش از دو هفته است که راه بین کرمان و یزد کاملاً برای عابرین مسدود است. منزل شمش که فقط دارای یک کاروانسرا و یک پستخانه است در دست یک عده زیادی از سارقین است که نه تنها مسافری را لخت می‌کنند بلکه از یکطرف تا حدود شمال غربی کرمان و از طرف دیگر تا نزدیکی بهرام-آباد مشغول غارتگری و خرابی می‌باشند. مسیو پطروف کفیل سابق قنصلگری روسیه در کرمان متجاوز از یک ماه قبل از شهر کرمان حرکت نموده سه منزل طی کرده دچار سارقین گردیده و هنوز نتوانسته از انار که شش منزلی کرمان است تجاوز نماید و در ظرف چند روز گذشته بواسطه اینکه سارقین متوقف [در] شمش بسمت انار حرکت کرده‌اند مجبور شده به بیاض مراجعت کند. بلوچها یا سیستانیها باز بین بم و کشیت مشغول هستند و در این اواخر راپرت سرعت و قتل که نموده‌اند به من رسیده - سردار نصرت کفیل امور ایالتی کاملاً متوجه مسئولیت خویش است ولی بهیچوجه نمی‌تواند با اوضاع حاضره مقاومت نماید. اخیراً در دو موقع که غرامت اموال اتباع دولت انگلیس را که در راه خط شمش سرعت شده از او مطالبه کرده‌ام در جواب اظهار داشته است که چون سارقینی که فعلاً در شمش هستند از اهل فارس می‌باشند ایالت محلی فارس مسئول ادای غرامت مزبوره است و این اعترافات صادقانه عدم توانائی مشارالیه را در حفظ انتظام بنحوی ثابت می‌نماید.

(۲) هر چند برقراری حکومت مقتدری در این ایالات از اهم مطالب و الزم لوازم است هنوز خبر حرکت جلال‌الدوله فرمانفرمای جدید کرمان و بلوچستان را از طهران نشنیده‌ام و حتی نمی‌دانم که مشارالیه این خدمت را قبول کرده است یا خیر.

امضاء ت. و. هینگ لیوتننت کانل [= کلنل]

نمره - ۲۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری واصله ۱۳ فوریه ۱۹۱۱
از طهران مورخه بیست چهارم ژانویه ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹: ۲۲ محرم ۱۳۲۹]
آقا

بعد از مراسله مورخه ۲۷ دسامبر گذشته راپورت دو سه فقره سرعتهای جزئی در عرض راه بوشهر به اصفهان رسیده که آنها را قابل مذاکره تلگرافی ندانسته‌ام. بطور یقین تخفیفی در اغتشاش راه حاصل شده کاروان عبور و مرور می‌نماید و بموجب تلگرافی که امروز صبح از طرف کفیل قنصلگری شیراز رسیده راهها را کاملاً برف گرفته و سرعت ممنوع‌الوقوع است. مستر اسمارت نیز می‌گوید کاروانها دسته دسته جمع شده و با مستحفظین مخصوص حرکت می‌کنند. پست هر دو هفته

سه هفته يك مرتبه وارد می‌شود. چندان پیشرفتی در اقداماتی که دولت ایران در یادداشت ۲۸ دسامبر در خصوص برقراری امنیت راه اظهار نموده حاصل نشده که قابل راپورت باشد. از قرار معلوم صولت‌الدوله اقتدار کافی بر قبیلۀ خود ندارد که اسباب امیدواری باشد که بتواند در بهار آینده جلوگیری از عدم امنیت و بی‌نظمی بنماید. نظام‌السلطنه هنوز از بوشهر به سمت محل مأموریت خود تجاوز ننموده قشونی هم از اصفهان برای شیراز حرکت نکرده است. از قرار مسموع هفتصد نفر و سه عراده توپ که از طهران فرستاده شده به اصفهان رسیده و هشتصد نفر هم در آنجا بر آن ضمیمه و مأمور شیراز شده‌اند. مسئله استقراض بانک شاهنشاهی [که] بیشتر پیشرفت دولت ایران در فراهم آوردن وسایل انتظام راه بسته به آنست مثل تمام‌امورات دولتی در طهران موکول به ورود ناصرالملک نایب‌السلطنه است که در هفدهم شهر جاری از وینه حرکت کرده و فعلاً به پادکویه رسیده است. اگرچه به اعضاء کمیسیون که مأمور رسیدگی به تقسیم وجه استقراض بین وزارتخانه‌های مختلفه و کنترل آن شده بودند دستورالعمل داده شده مع‌هذا پیشرفتی حاصل نکرده‌اند. «جنرال مالتا» صاحب‌منصب خارجه که در یادداشت بیست و هشتم دسامبر دولت ایران ذکر شده بود که مأمور به فارس شده و عزیمت نموده هنوز از طهران حرکت نکرده است. بنا بود دیروز حرکت کند ولی هنوز معطل دستورالعملهای کتبی است - در نوزدهم شهر جاری برای خداحافظی نزد من آمد. قبل از اینکه به ملاقات من بیاید وزیر امور خارجه را دیده اهمیت تسهیل امور «جنرال مالتا» را از هر جهت به مشارالیه خاطر نشان کرده بودم معظم‌له بمن اظهار داشت که مبلغ هشتاد هزار تومان به شعبۀ بانک شاهنشاهی در شیراز برای مخارج قوه منظوره داده شده و بمن اطمینان داد که دیناری از این مبلغ بدون تصویب جنرال مالتا خرج نخواهد شد - این اطمینانها را به جنرال مالتا ابلاغ و از او خواش نمودم هرگاه از طرف مأمورین محلی تولید اشکالی بشود یا مانعی در اجرای وظایف او پیش آید فوری به قنسولگری دولت فنیمه در شیراز اطلاع بدهد و به او وعده دادم که هر شکایتی که در این خصوص داشته باشد جلب توجه عاجل مرا خواهد کرد.

لزوماً عرض می‌کنم که اثرات و پروژات خوش از جنرال مالتا مشاهده کردم و او را بر حقیقت نکات و اهمیت موقع مأموریت خود واقف و مطلع یافتم.

امضاء بارکلی

مجدداً مورخه ۲۷ ژانویه - در ضمن مکاتبه فوق خبر رسید که دو هزار قشون با سه عراده توپ از اصفهان برای شیراز حرکت کرده و نظام‌السلطنه هم از بوشهر عازم مقصد شده است و نیز می‌شنوم که جنرال مالتا هم دستورالعملهای خود را کاملاً گرفته و فردا از طهران حرکت خواهد کرد.

نمره - ۲۸

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)
از طهران مورخه ۲۴ ژانویه ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپورت دهم که دیروز ناصرالملک وارد انزلی شد. همین قدر که بطور قطع معلوم شد که بالاخره ناصرالملک مصمم به مراجعت ایران شده مستوفی-الممالک رئیس الوزراء اظهار نمود که کابینه او مصمم است بمحض اینکه ناصرالملک مقام نیابت سلطنت را اشغال نماید استعفاء بدهد. از آنوقت تا بحال سردار اسعد از مشارالیه جلوگیری کرده نگذاشته که کابینه را برهم بزند و نیز حتی قبل از استعفاء حسینقلی خان آثار اصلاحی در مناسبات وزارت خارجه با وزیر مختار روس پدیدار بود و این آثار در زمان تعیین محتشم السلطنه ترقی نمود و از وقتی که محتشم السلطنه روی کار آمده نه تنها قرارداد تثبیت قروض دولتی با بانک روس به اتمام رسیده لیکن پاره ای دعاوی روس نیز که عمده آنها مربوط به حمله به مسیو پاسک بوده قطع شده است.

نمره - ۲۹

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)
از طهران مورخه ۲۴ ژانویه ۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم که خلاصه وقایع چهار هفته اخیر را بطور معمول لفا ایفاد دارم.

ملفوف نمره ۲۹

خلاصه وقایع ایران در ظرف مدت چهار هفته لغایت بیست و چهارم ژانویه
۱۹۱۱ [۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم ۱۳۲۹]

طهران

در سوم ژانویه محتشم السلطنه به وزارت خارجه تمین گردید. عین الدوله وزیر داخله در ۲۲ ژانویه استعفاء کرد. رئیس الوزراء اظهار داشته است همین قدر که نایب السلطنه به طهران وارد شود استعفاء خود و کابینه خود را تقدیم خواهد کرد.

مجلس

در جلسه سوم ژانویه رئیس الوزراء محتشم السلطنه را بسمت وزارت خارجه معرفی نمود. در جواب استیضاح وزیر تازه امور خارجه اظهار داشت که دولت درصدد است در فارس در تحت فرمان صاحب منصبان خارجه تشکیل قوه ژاندارمری نماید. برای انجام این مقصود به دولت ایتالیا اظهار شده ولی دولت مسزبور وجهی

برای اجابت تقاضای دولت ایران نداشته است. پس از آن به دولت سوئد رجوع گردیده تلگرافی از وزیر مختار ایران در پاریس مشتمل بر شرایطی که دولت سوئد با آن شرایط صاحب‌منصبان مزبور را می‌دهد رسیده و مطلب به کمیسیون خارجه مجلس رجوع شده. در خاتمه اظهار داشت دولت جدا مصمم است در فارس اعاده نظم نماید. در جلسه پنجم ژانویه اقدامی شده بود رأی گرفته شود که کابینه را مورد مواخذه قرار دهند ولی مذاکره در قصور دولت و اظهار عدم اعتماد مجلس به اکثریت رد شد. مع ذلك وزراء که در اطاق مجاور بودند صنایع الدوله را به مجلس فرستادند که نظر به مذاکراتی که واقع شده از مجلس تقاضا نماید که از موافقت یا مخالفت در بقای کابینه مستوفی الممالک رأی قطعی بدهند. صنایع الدوله اظهار داشت هرگاه کابینه منحل بشود می‌توان از نایب السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نمود رئیس‌الوزرای جدیدی معین نماید. نطق‌هایی که رد و بدل شد خیلی از اغراض و ضدیت فرق و شخصی را ظاهر و هویدا ساخت و ضمناً اشاره شد که بعضی از مأمورین عمده در اسباب‌چینیهای شاه مخلوع همدست بوده‌اند. بالاخره بدون اینکه نتیجه گرفته شود صنایع الدوله از مجلس خارج شد. در ۲۱ ژانویه یکی از پنج نفر علمایی که بر طبق ماده دوم از قانون اساسی ۱۹۰۷ برای رد لوایح مخالف قوانین مقدس اسلام انتخاب شده جدا بر ضد لایحه‌ای که در خصوص برقراری مالیات جدیدی بر تریاک پیشنهاد شده بود پروتست نمود. در جلسه ۲۴ ژانویه وزیر جنگ لایحه در خصوص گرفتن سوار از ایلات تقدیم کرده اظهار داشت که به واسطه گرفتن یکنفر از هر سی خانوار می‌توان اقلا ده هزار مرد جنگی فراهم نمود. لایحه مزبور رجوع به یک کمیته گردید.

تبریز

آسایش برقرار است. اقدامی بر ضد فرمانفرما شروع شده بود چون از طهران همراهی به اقدام مزبور نشد رفع گردید.

مشهد

صاحب‌اختیار فرمانفرمای جدید در ۲۱ دسامبر وارد شد. اوضاع کلیه ایالت کماکان باقی و به موجب راپرت واصله شاهراه طهران خوب امن است. اغتشاش دره‌جز به واسطه تعیین شدن مسعود خان به حکومت مرتفع شده. این شخص اولین وسیله اغتشاشات بود. اشرار تقاضا کردند که خود او حاکم بشود. محمد علی نیشابوری در قلعه نزدیکی طبس محصور شد با اینکه مجروح گردید فرار نمود. احتمال دارد به نایب‌حسین کاشی که از طلف یزد بسمت طبس حرکت کرده ملحق شود.

اصفهان

در شهر و ولایت آسایش برقرار و از قراری که راپرت رسیده راه‌ها روی هم رفته امن است ولی از قرار مذکور اوضاع مادی راه‌های یزد و اهواز خیلی بد است.

اخيراً سه فقره سرقت واقع شده دو فقره آنها در راه اهواز و يك فقره در راه طهران. در دو فقره پست و در فقره سوم کاروانی که متعلق به کمپانی لینچ بود زده اند. مظنون است که بختیاریه‌های شاکی این سرقتها را نموده اند. در اوایل ژانویه عده‌ای از این بختیاریه‌ها در دهکو جمع شده به خیال حمله به اصفهان بودند ولی در هشتم ژانویه متفرق شدند.

سردار محتشم و سردار بهادر بختیاری در ۱۹ ژانویه وارد اصفهان شده در ۲۲ به سمت بختیاری حرکت کردند. از اول ژانویه قشون مأمور فارس از طهران و همدان وارد اصفهان شده و فوج جلالی که در اصفهان ساخلو بود نیز مأمور فارس گردیده.

یزد

در اوایل دسامبر ضیغم‌الدوله قشقائی حکمران جدید وارد شده مستحفظی راه‌ها را تعهد کرده از قراری که می‌گویند منتظر ورود دویست نفر سواری است که از قوامیه‌ها خواهش نموده که از فارس برای او بفرستند. در ماه دسامبر راه کرمان تقریباً بالتمام مسدود بوده یکدسته چهارصد نفری از سارقین فارس در شمش عمارتی را تصرف نموده و آنجا را مرکز خود قرار داده و بلوکات را غارت کردند. مسیو بطروف قنصل سابق روسیه در کرمان که مدت مدیدی در انار معطل بود با جمعیت زیادی از مستحفظین راه حرکت کرده در ۳۱ دسامبر به یزد رسیده است.

کرمان

جلال‌الدوله فرمانفرمای جدید از طهران در ۲۱ ژانویه وارد شد. راه‌های ایالت کرمان در مدت ماه دسامبر ناامن بوده است.

شیراز

در ماه دسامبر توجه بطرف اوضاع راه کازرون و بوشهر معطوف بود. در پنجم دسامبر در سینه سفید پنجاه نفر سارقین ممسنی و قشقایی به کاروانی زده سیزده قاطر و چهار الاغ و ده بار را برده اند. مستحفظینی که همراه کاروان مزبور که سی نفر توپچی با يك عراده توپ صحرائی و سی و شش نفر سواره بودند به شلیک اول فرار کردند. يك قاطرچی سخت مجروح شد بلافاصله سیصد نفر سوار با يك عراده توپ مأمور استرداد اموال مسروقه شدند - راه‌های سارقین مسدود به واسطه برف شدیدی که کمتر نظیر آن دیده شده زودتر از موقع آمده قوافل از راه معمولی ایاب و ذهاب می‌نمایند. از قرار معلوم دیگر صولت‌الدوله نفوذ و قدرتی در ایل خود ندارد در صدد برنیامده که راه‌ها را به توسط کسان خودش منظم نماید، تفنگچیهای محلی گرفته است از قرار مذکور محمدعلی‌خان کشکولی که مظنون به طمع ریاست ایل است ضمناً محرک سرقتها در عرض راه است. صولت‌الدوله مشغول فراهم کردن وسایل آشتی با برادرش صولت‌السلطنه و محمدعلی‌خان کشکولی است. محمدعلی‌خان نفوذ زیادی در بین الوار صفحات غربی فارس دارد - به تازگی دو نفر از رؤسای فارسی مدان را

که صولت الدوله در ماه اکتوبر گذشته به واسطه خسارتی که قشقاییها به خطوط سیم تلگراف وارد آورده حبس کرده بود محمدعلی خان جبراً آنها را مستخلص نموده - راه اصفهان به واسطه دسته‌های کوچک سارقین مغشوش بوده. در هشتم دسامبر يك قافله کوچکی را که برای تلگرافخانه کمپانی انگلیس آذوقه به ده بید می‌برده در نزدیکی آنجا لغت کرده‌اند در سیزدهم دسامبر در نزدیکی سیوند کرشوییها پست را زده‌اند و تقریباً همان اوقات کاروانی معادل یکصد و پنجاه الاغ داشته و محصول مرودشت را به شیراز حمل می‌کرده در دوازده میلی شمال شیراز به سرقت رفته است بعد از آن دو پست دیگر را در نزدیکی خانه گرگان و میوند زده‌اند. راپرت‌های اخیر مشعر بر این است که برف صحرا را گرفته و سرقتها را غیرممکن نموده راه کازرون از قرار مذکور مثل سابق است و راه اصفهان تقریباً بالمره مسدود.

بنادر فارس

بوشهر

در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۰ صولت الدوله با چهار صد نفر قشقایی وارد بوشهر شدند. خوانین دالکی و برازجان نیز با یکصد و هفتاد و پنج نفر آمده‌اند. دریابکی [= بیگی] نیز سیصد نفر ایلات تنگستانی و الکانسی [= انگالی؟] آورده اغتشاشی در بوشهر واقع نشده است.

نمره - ۳۰

مراسله سر جرج بکانن [بیوکانون] به سر ادوارد گری

من پترزبورگ مورخه ششم فوریه ۱۹۱۱ [۱۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۶ صفر ۱۳۲۹] آقا

راجع به مراسله جنابعالی مورخه ۲۳ ماه گذشته افتخاراً راپرت می‌دهم اطلاعاتی را که از طرف سفیر دولت اعلیحضرتی مقیم پاریس به شاه مخلوع به ایران یافته بودید امروز بعد از ظهر به وزیر امور خارجه ایلاغ کردم. مسیو سازانوف اظهار داشت از طرف نمایندگان دولت روسیه در هر جا مکرر به اعلیحضرت اخطار شده است که هرگاه به قصد مراجعت به ایران مشغول اسباب‌چینی و آنتریک [= آنتریگت] باشد حقوقی که فعلاً درباره وی مقرر است مقطوع خواهد شد. معظم الیه [= معظم‌له] نیز اظهار داشت که همانطوری که جناب‌عالی پیشنهاد کرده‌اید اقدام نموده به مقامات لازمه اخطار خواهد کرد که پس از مراجعت مشارالیه به روسیه بیش از سابق مراقب اعمال و رفتار اعلیحضرت بشوند.

سر جرج بکانن وزیر مختار انگلیس مقیم سن پترزبورگ

اعلیحضرت مقصود محمدعلی میرزا است

امضا جرج بکانن [= بیوکانون]

(۱) در میان عشایر بوشهر تیره‌ئی بنام انگالی هست ولی از واژه الکانی چیزی دریافت نشده. - م.

نمره - ۳۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم فوریه)
از طهران مورخه ۱۳ فوریه ۱۹۱۱ [۲۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۹]
وزیر مختار روسیه به من اطلاع می‌دهد که در راه اردبیل طایفه گالش که در
نزدیکی آستارا هستند حمله به قزاقهای روسی برده يك نفر را کشته و دو یا سه نفر
را مجروح کرده‌اند. قسمت کمی از قشون روس از اردبیل برای جلوگیری اعزام
خواهد شد. وزیر خارجه روس گمان می‌کند شاید تهیه استعدادی در آستارای روس
لازم بشود.

نمره - ۳۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ فوریه)
از طهران مورخه ۱۳ فوریه ۱۹۱۱ [۲۴ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۹]
نایب‌السلطنه دیروز بعد از ظهر تمام نمایندگان مجلس را به عمارت سلطنتی
دعوت کرده در ضمن يك نطقی که دو ساعت طول کشید افکار خود را به آنان اظهار
کرد. والاحضرت به اعضاء مجلس اظهار داشت که پیشرفت حکومت مشروطه با اوضاع
حاضره مجلس که به اختلافات شخصی دسته‌های کوچک تشکیل داده غیرممکن خواهد بود.
يك اکثریت ثابتی که در تحت اصول معین متحد و متفق باشد برای نگهداری هیئت
وزراء لازم حتمی است و بطور وضوح بیان نمود که مادامی که همچو اکثریتی تشکیل
نشود مقام خود را اشغال نخواهد کرد.
از قرار معلوم در ظرف یکی دو روزه ملاقات دیگری خواهند کرد و اعضاء مجلس
به اظهارات والاحضرت جواب خواهند داد.
نسبت به مناسبات خارجه والاحضرت اظهار کرده که نمایندگان خارجه را بطور
غیررسمی پذیرفته و از مراتب دومتی تمام دول کاملاً راضی است و بر اظهارات خیر-
خواهانه دولتین انگلیس و روس اهمیت مخصوصی داده و گفته پنا بر این مجلس نباید
از سمت خارجه‌ها اندیشه داشته باشد.

نمره - ۳۳

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه شانزدهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۶ صفر ۱۳۲۹]
آقا

وزیر مختار ایران امروز به وزارت خارجه آمده اظهار داشت از طرف دولت خود
مأمور است که دولت اعلیحضرتی را برای اشاره‌ای که در نطق پادشاهی راجع به ایران
شده که مایه بسی امیدواریهاست تشکر نماید.

امضاء گری

نمره - ۲۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و یکم فوریه)
 از طهران مورخه بیست و یکم فوریه ۱۹۱۱ [۲ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۱ صفر ۱۳۲۹]
 رئیس بانک شاهنشاهی در طهران به من اطلاع داده که دولت ایران از مشارالیه
 یکصد و بیست هزار تومان بطور مساعده خواسته قسمتی از این مبلغ برای قشون که
 به شیراز فرستاده شده فوراً لازم است زیرا اگر حقوق آنها نرسد موجب خطر و عدم
 امنیت شهر می‌شوند.
 امیدوارم اداره مرکزی مخالفتی در قبول تقاضای دولت ایران ننماید تا کابینه
 جدید تشکیل نشود مسئله استقراض پیشرفتی نخواهد داشت.

نمره - ۳۵

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
 از وزارت خارجه بیست و دوم فوریه ۱۹۱۱ [۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۲ صفر ۱۳۲۹]
 ما مخالفتی در خصوص مساعده‌ای که دولت ایران از بانک‌شاهی خواسته نداریم.
 (رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و یکم فوریه بنمائید).

نمره - ۳۶

مکتوب مستر برایس به سر ادوارد گری
 از واشنگتن مورخه چهاردهم فوریه ۱۹۱۱ [۲۵ بهمن ۱۲۸۹؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۹]
 آقا

راجع به تلگرام من مورخه بیست و هفتم ماه گذشته افتخار دارم راپورت بدهم
 که در مطبوعات اعلان شده است که مسیو مورگان شومتر مقیم واشنگتن بسمت خزانه-
 داری مملکت ایران تعیین شده است. علاوه بر مشارالیه از قرار مذکور يك نفر مفتش
 امریکایی و يك نفر محاسب مخصص [= متخصص] و يك نفر مدیر مالیات با يك
 معاون همراه خزانه‌دار خواهند بود. این مأمورین در تحت امر وزیر مالیه ایران و
 کنترات آنها اقلاً برای مدت سه سال خواهد بود. امید است عنقریب اسامی این مأموران
 نیز اعلان شود. مسیو شومتر در گمرکات ممالك متحده در کوبا و فیلیپین [فیلیپین]
 مأمور تشکیلات گمرکات فیلیپین بوده است در سنه ۱۹۰۶ وزیر علوم جزایر فیلیپین و
 یکی از اعضاء کمیسیون جزایر مزبور گردیده است. بعلاوه یکی از اعضاء اداره وکالت
 محکمه عالی ممالك متحده و محکمه متفقۀ استیناف گمرکات می‌باشد.

امضاء جیمز برایس

نمره - ۳۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و سوم فوریه)
از طهران مورخه بیست و سوم فوریه ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام مورخه سیزدهم فوریه در خصوص حمله طایفه گالش به قزاقان
روسی بفرمائید. قشونی که از اردبیل فرستاده شد دهی را که مسئول حمله مزبوره
محسوب می‌شده به توپ بسته قسمتی از آن را خراب کرده‌اند. از قرار خبری که
راپرتا [= راپرت آن] رسیده چند نفر زن و بچه در موقع بمباردمان تلف شده‌اند.
وزیر مختار روسیه به من می‌گوید به مأمورین نظامی او امر خیلی مؤکد داده شده بود به
اهالی ساکت صلح جو ابداً صدمه وارد نیاورند. مع‌هذا این اتلاف زن و بچه بایستی
تصادفاً واقع شده باشد. برحسب تقاضای قنصل روس در اردبیل و دستورالعمل ایالت
قفقاز یک باتالیون از سرحد ایران عبور کرده است. وزیر مختار روس به من اطلاع
می‌دهد باتالیون مزبور در نزدیکی آستارای ایران متوقف خواهد بود.

نمره - ۳۸

تلگرام سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و سوم فوریه)
از طهران مورخه ۲۳ فوریه ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]
دیروز وزیر مختار روسیه بازخواستن قشون روس را از قزوین به وزیر امور
خارجہ اطلاع داد. وزیر مختار روسیه بمن اظهار می‌دارد که پنجاه یا یکصد نفر بعنوان
گارد قنصلگری در قزوین خواهد ماند.

نمره - ۳۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و چهارم فوریه)
از طهران مورخه ۲۴ فوریه ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۹]
افتخار دارم راپرت بدهم که مجلس به اکثریت آراء سپیدار را بر رئیس‌الوزرائی
قبول نموده طرفداران مشارالیه چهل و هشت نفر هستند.

نمره - ۴۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و چهارم فوریه)
از طهران مورخه ۲۴ فوریه ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۴ صفر ۱۳۲۹]
دیشب قتل دیگری در طهران اتفاق افتاده. مقتول یکی از منسوبان دسته فدائیان
است که مظنون است نقشه قتل صنیع‌الدوله را ریخته‌اند. قاتلین قفقازی هستند و نفر
از آنها توقیف شده‌اند.

(۱) واژه راپرتاً غلط است زیرا که تنوین ویژه کلمات عربی است. - م.

نمره - ۴۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بکانان [بیوکانان]
از وزارت خارجه مورخه ۲۴ فوریه ۱۹۱۱ [۵ اسفند ۱۲۸۹: ۲۴ صفر ۱۳۲۹]
آقا

از جنابعالی تمنی [تمنا] می‌کنم مدلول تلگرام سر جرج بارکلی مورخه ۲۱
شهر جاری را در خصوص تقاضای دولت ایران از بانک شاهنشاهی ایران بجهت گرفتن
یکصد و بیست هزار تومان مساعده به وزیر امور خارجه روسیه ابلاغ نمائید و بعلاوه
به مشارالیه بگویید که من به وزیر مختار دولت انگلیس در طهران تلگرافاً [= تلگرافی]
اطلاع داده‌ام که در قرارداد مزبور مخالفتی ندارم.

امضاء گری

نمره - ۴۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم فوریه)
از طهران مورخه ۲۶ فوریه ۱۹۱۱ [۷ اسفند ۱۲۸۹: ۲۶ صفر ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه ۱۳ فوریه بقرمایید.

دیروز در مجلس وزیر امور خارجه نطق خیلی مصالحت‌جویانه خوبی در تأیید
اظهارات نایب‌السلطنه نسبت به مناسبات خارجه نمود. اظهار داشت از روابط دوستانه
تمام دول بخصوص سه دولت همسایه کاملاً اطمینان دارد.
نسبت به دولت روس از احتراماتی که در ضمن مسافرت روسیه نسبت به نایب-
السلطنه شده و پرداختن قشون روس از قزوین از توقیف و تسلیم دو نفر از سارقین
که بر روسیه فرار کرده بودند شاهد آورده و از موافقتی که مأمورین روسیه در ایران نسبت به
دولت نموده‌اند صحبت کرده تشکرات فوق‌العاده را نسبت به آنها اظهار داشت. مجلس
و جراید را متذکر نمود که در تشییع و استحکام این مناسبات حسنه بخصوص نسبت
به دول همسایه کمک و معاونت نمایند.

نمره - ۴۳

مکتوب مستر برایس به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم فوریه)
از واشنگتن مورخه ۱۶ فوریه ۱۹۱۱ [۲۷ بهمن ۱۲۸۹: ۱۶ صفر ۱۳۲۹]
آقا

راجع به مراسله ۱۴ شهر جاری من در خصوص مأمورین مالیه امریکایی برای
دولت ایران افتخار دارم راپرت بدهم که در روزنامجات امروز صبح علاوه بر مأموریت
مسیو شومستر به عنوان خزانه‌داری کل ایران تعیین مأمورین ذیل اعلان شده است:
فرانک کرنز مدیر مالیات - مستر کرنز فعلاً در پندر ثیلوالو که از جزایر
فیلیپین [فیلیپین] است مدیر گمرکات است.

کاتل [کاتل] مک کاسکی که فعلا کفیل نایب مهندس و معین نیومسارک است
مفتش مالیات ولایات
(ار دبلیو هیلز) که فعلا در نیویورک وکیل و محاسب است. مفتش محاسبات و
محاسب ۱.
امضاء جیمز برایس

نمره - ۴۴

تلگرام سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و هشتم فوریه)
از طهران مورخه ۲۸ فوریه ۱۹۱۱ [۹ اسفند ۱۲۸۹: ۲۸ صفر ۱۳۲۹]
راجع پراههای جنوب

تنخواه مسروقه که در سرقت ۲۲ فوریه راپورت داده ام مسترد شده ولی در همان
تاریخ در شمال شیراز دو سرقت دیگر واقع شده و راپرتهای قنسول دولت فخمه در
شیراز اطمینان بخش نیست. به دولت ایران تاکید کرده ام که برای تنبیه سارقین و
استرداد اموال مسروقه در فرستادن استعداد از شیراز که حال باید بیش از پنج هزار
قشون در آنجا موجود باشد عجله نمایند. و نیز تاکید در تسریع ورود فرمانفرما به
شیراز کرده ام.

نمره - ۴۵

یادداشت سر ادوارد گری به میرزا مهدی خان
از وزرات خارجه ۲ مارس ۱۹۱۱ [۱۱ اسفند ۱۲۸۹: ۳۰ صفر ۱۳۲۹]
وزیر امور خارجه دولت پادشاهی به وزیر مختار ایران سلام رسانیده و در
خصوص مذاکرات ایشان در ۲۷ ماه گذشته با مستر ملت که ضمناً اظهار کرده اند که
فعلا در راههای جنوبی ایران امنیت کامل حاصل است افتخار دارد به مشارالیه اطلاع
بدهد که به موجب تلگرام مورخه بیست و هفتم فوریه وزیر مختار دولت اعلیحضرتی
در طهران، در بیست و دوم فوریه دو فقره سرقت دیگر در شمال شیراز واقع شده و
راپرتهایی که از طرف قنسول دولت اعلیحضرتی از شیراز رسیده اطمینان بخش نیست.

۱) در کتاب اختناق ایران تألیف مورگان شوستر و به ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری
اسامی همراهان شوستر با معرفی خود او چنین آمده است: ۱- مستر شارل مک کاسکی ۲- مستر
رالف هیلز ۳- مستر پروس دیکی ۴- مستر کرنز. - م.

نمره - ۴۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم مارس)
از طهران مورخه پنجم مارس ۱۹۱۱ [۱۶ اسفند ۱۲۸۹؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخه بیست و چهارم فوریه بفرمایید.

دیروز نایب السلطنه به مجلس رفته قسم یاد نمود.

قبل از اینکه قسم یاد کند باز شرحی از وظایف مجلس برای نمایندگان نطق کرده اظهار داشت اهالی طهران و ولایات انتظار دارند که همه کارها را او اصلاح نماید و این مسئله می نماید که در وظیفه او اشتباه نموده اند زیرا به موجب قانون اساسی کابینه مسئول مجلس است و بایستی اقدام باصلاح امورات نماید و حق هم همین است و پیش از این هم تقاضای اقتدار و اختیاری ندارند و تکلیف او تعیین یک نفر رئیس - الوزرائی است که مقبول اکثریت مجلس باشد و اگر بایستی به کسی قدرت و اختیار زیاد داده شود به رئیس الوزراء و کابینه است.

چون پیش از این مایل نبوده اند که اوضاع متزلزل حالیه مداومت نماید لهذا به مجلس آمده قسم یاد نمایند و باید عموم طبقات مردم او را از صمیم قلب همراهی نمایند - اغراض شخصی باید از میان پرود. هرگاه امور با این ترتیب اصلاح نشود نمی توانند دائماً به نمایند [= پمانند؟] و ناظر بوضع که مایه خرابی و خطر مملکت است باشند. بعد از یاد نمودن قسم نایب السلطنه اظهار داشت برحسب میل اکثریت مجلس تشکیل کابینه را به سپهدار واگذار نمود که عنقریب پروگرام خود را به مجلس اظهار خواهد داشت.

نمره - ۴۷

تلگرام از طرف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم مارس)

از طهران مورخه ششم مارس ۱۹۱۱ [۱۵ اسفند ۱۲۸۹؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام من مورخه بیست و سوم فوریه بفرمایید مسیو پوکلوسکی

[= پاکلوسکی] بمن اظهار داشت که اقدامات مجدد برای تنبیه ایل گالش بواسطه تجاوزی که اخیراً نسبت به قشون روس نموده اند به عمل خواهد آمد.

از قرار مذکور دو نفر قزاقی که در حادثه سابقه ناپدید بودند قدری بعد جسد آنها بدست آمده. طایفه مزبور آنها را به قتل رسانیده اند.

نمره - ۴۸

یادداشت میرزا مهدی خان به سر ادوارد گری (واصله دهم مارس)

وزیر مختار ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانده و افتخار دارد وصول مراسله مورخه دوم شهر جاری معظمه را که مدلول آن مشعر بر وقوع دو فقره سرقت در شمال شیراز است اشعار دارد. میرزا مهدی خان درین خصوص تحقیقات کرده و تلگرام

دولت متبوعه مشارالیه مشعر بر این است که به محض وقوع این سرقتها استعدادی که مرکب از پیاده و سواره با توپ بوده است از قشون متحرک فارس مأمور تنبیه مرتکبین و امتداد اموال مسروقه شده است.

تلگرام مزبور نیز مشعر بر این است که مبلغی پول که متعلق به بانك شاهنشاهی ایران بوده و در حوالی اصفهان سرقت شده در ظرف یکروز پیدا شده و همچنین یکصد و دو صندوق تریاک از کمپانی زیگلر که در حدود ایالت فارس سرقت شده بود گرفته به صاحبان آنها مسترد داشته‌اند. از تلگرام دیگری که میرزا مهدی خان از طرف دولت خود داشته است بطور اختصار از اقدامات مختلفه که نظام السلطنه فرمانفرمای فارس از زمان ورود خود به آنجا کرده است شرح داده شده یاغیان تنگستانی کاملاً مغلوب و قلاع آنها گرفته شده است. پندر دیر که در تصرف آنها بود تسخیر و امن گردیده استمداد زیادی برای تنبیه بوی احمدی و بهبهانی گسیل شده و همچنین اقدامات جدی دیگر شده است - به این ترتیب سر ادوارد گری ملاحظه خواهند فرمود که هر بی‌نظمی که اتفاق افتاده سرعت و قدرت جلوگیری شده است و این بخودی خود دلیلی است وافی بر کفایت اقداماتی که از طرف دولت ایران شده و نیز معظم الیه [= معظم له] ملاحظه خواهند فرمود که این اقدامات و اینکه فرمانفرمای فارس اغلب نقاط مغشوش غیر منظم را که در سر راه شیراز واقع است بشخصه رفته سرکشی مبی‌نمایند برای حفظ انتظام و امنیت جنوب موجب بسی امیدواری است.

بالاخره وزیر مختار ایران خاطر وزیر امور خارجه را مطمئن می‌دارد که حفظ انتظامات و امنیت راههای تجارتی سمت جنوب و فی‌الحقیقه تمام صفحات جنوب از مسائل مهمه است که خاطر اولیای دولت خود را فوق‌العاده متوجه و مشغول داشته و چنانکه سر ادوارد گری بخوبی مستحضرنند در این مقصد از زحمت زیاد و خرج بسیار فروگذار نشده است.

از سفارت ایران مورخه هشتم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ اسفند ۱۲۸۹؛ ۶ ع ۱۳۲۹-۱۳۲۹]

نمره - ۴۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم مارس)

از طهران مورخه دهم مارس ۱۹۱۱ [۱۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۸ ع ۱۳۲۹-۱۳۲۹]

راجع به بانك شاهنشاهی و دولت ایران رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و دوم فوریه بفرمایید.

دولت ایران تقاضای جدیدی برای مبلغ یکصد و بیست هزار تومان به عنوان مساعدت از رئیس بانك مزبور نموده است.

از قراری که اطلاع حاصل کرده‌ام پروگرام سپهبدار مشتمل انجام مسئله استقراض است. علی‌هذا گمان می‌کنم می‌توان از انجام مسئله استقراض مطمئن شد.

در این صورت امیدوارم اداره مرکزی موافقت در دادن پول بنماید. هرگاه هیئت

مدیره بتوانند بدهند شرطی نمایند که این پول برای پرداخت حقوق قشون شیراز به مصرف برسد به عقیده من به مقتضای پولتیک خواهد بود.

نمره - ۵۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه دهم مارس ۱۹۱۱ [۱۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۸ع - ۱۳۲۹]

راجع به مساعدت دولت ایران رجوع به تلگرام دهم مارس نمایید شما می‌توانید امیدواری خودتان را به نایب‌السلطنه اظهار نمایید که قدری از پولی که بانك بعنوان مساعدت خواهد داد به مصرف حقوق قشونی برسد ولی آنها نمی‌توانند شرطی را که شما پیشنهاد کرده‌اید بنمایند.

نمره - ۵۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)

از طهران مورخه بیستم فوریه ۱۹۱۱ [یکم اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۰ صفر ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپرت بدهم که ناصرالملک هم خود را بر این مصروف می‌دارد که احساساتی که در مملکت بر ضد روسها تولید شده برطرف نماید و در اقدامات معزیه‌الیه محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه کاملاً موافق و شریک است چنانکه در جلسه مورخه چهاردهم فوریه مجلس در جواب سؤالاتی که در خصوص اقدام به قتل حکمران اصفهان و قتل صنیع‌الدوله از طرف اتباع روس شده محتشم‌السلطنه شرحی از موافقت صمیمی سفارت با مأمورین دولتی و معامله آنها با مرتکبین سخن رانده نیز اظهار داشت که مسئولیت این قبیل اعمال شنیعه حقیقتاً متوجه اشخاصی است که فراریان روسیه را مستخدم می‌نمایند و جداً درخواست نمود که در آتیه برخلاف سابق به خدمت دولت قبول نشوند.

محتشم‌السلطنه وزیر امور خارجه اظهار داشت وزیرمختار روسیه شخصاً تنفر خود را از اعمال بعضی از اتباع روس اشعار داشته و حضار را مطمئن نموده که پس از آنکه بموجب عهدنامه به روسیه اعزام شدند در آنجا مجازات کافی خواهند دید. نطق وزیر خارجه به حسن قبول تلقی شده و اثرات خوب بخشید.

امضاء بارکلی

نمره - ۵۲

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
 طهران بیست و دوم فوریه ۱۹۱۱ [۳ اسفند ۱۲۸۹: ۲۲ صفر ۱۳۲۹]
 آقا

افتخار دارم راپرت بدهم که در جلسه دوم فوریه مجلس باتفاق آراء حقوق
 مختصین [= مختصین] مالیه امریکایی را بموجب صورت علیحده رای داد.
 امضاء بارکلی

ملفوف نمره ۱۵۲

صورت حقوق مختصین [= مختصین] مالیه امریکایی
 خزانه دار کل (شخصی که رئیس جمهوری ممالک متحده توصیه کرده است) سالی
 دو هزار لیره به انضمام مخارج مسافرت برای خود و فامیلش.
 مفتش سالی یکهزار لیره (پنج هزار دلار)
 محاسب سالی هشتصد لیره (چهار هزار دلار)
 مدیر مالیات مستقیم سالی یک هزار و دویست لیره (شش هزار دلار)
 یک مفتش که بعلاوه معاون مدیر مزبور باشد سالی هزار لیره (پنج هزار دلار)
 کنتراتشان برای مدت سه سال خواهد بود.

نمره - ۵۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس)
 از طهران مورخه بیست و دوم فوریه ۱۹۱۱ [۳ اسفند ۱۲۸۹: ۲۲ صفر ۱۳۲۹]
 آقا

پس از مراسله من مورخه بیست و سوم ماه گذشته فقط دو سرقت در راه بوشهر
 و اصفهان یکی از آنها نزدیکی قمشه در سیزدهم ماه جاری و دیگری در هیجدهم ماه
 جاری در هشت میلی جنوبی شیراز واقع شده. در سرقت اولی به اندازه ای که اطلاع
 یافته ام مال التجاره اتباع انگلیس نبوده و اموال مسروقه فوری مسترد شده است. در
 سرقت دومی از کمپانی زیگلر معادل یک هزار تومان مال التجاره رفته و از قرار
 راپرتی که رسیده نایب الحکومه شیراز جدیت به خرج داده و در پیدا کردن اموال
 مسروقه مطمئن و امیدوار است.

تاکنون بالنسبه امنیت راه برقرار بوده ولی باید دید قشونی که به شیراز
 فرستاده شده پس از آنکه هوا گرمتر و وسائل ناامنی و سرقت زیادتر و آسان تر شد
 چگونه با آن اوضاع مقابلی می نمایند. علاوه بر قشونی که در ضمن مراسله بیست و
 سوم ماه گذشته به عرض رسانده ام هفتصد نفر با سی صندوق فشنگ در بیست و پنجم

ژانویه از اصفهان برای شیراز حرکت کرده ولی قشونی که فعلاً در شیراز موجود و عدد آنها تقریباً دو هزار و پانصد نفر است به واسطه اینکه ترتیبی در ایصال حقوق آنها داده نشده اسباب زحمت شده‌اند. مقداری پول برای شعبه بانک شاهنشاهی در اصفهان در شیراز به واسطه نرسیدن مواجب قشون که مأمورین محلی نتوانسته‌اند مستحفظ تدارک و همراه پول مزبور نمایند معطل مانده. من به دولت ایران تأکید می‌کنم پول بشیراز بفرستد ولی پول ندارند و استقراض بانک شاهنشاهی که موکول به تشکیل کابینه جدید با تعیین وزیر مالیه بجای صنایع الدوله است.

بموجب راپرتی که رسیده جنرال مالتا در کاشان معطل مانده جرأت رفتن ندارد زیرا اخیراً راه بین کاشان و اصفهان معرض چندین خطر سرقت بوده است و یک نفر از اعضای بانک شاهنشاهی و یک نفر تاجر روس را نیز لغت کرده‌اند.

امروز بعد از ظهر از وزیر خارجه سؤال کردم که در خصوص استخدام صاحب منصب سوئدی بجهت تشکیل یک قوه ژاندارمری ملی چه اقدام شده معظم له به من اظهار داشت فی الجمله تأخیری پیش آمده زیرا صمدخان وزیر مختار ایران در پاریس که واسطه مذاکره این مطلب با دولت سوئد است اظهار می‌دارد که نظر به سختی خدمتی که صاحب منصب فرمانده در پیش دارد بهتر این است صاحب منصب فرمانده جوانی باشد سابقاً این طور خیال شده بود که یک نفر از درجه کلنل خواسته شود ولی فعلاً دولت توصیه صمدخان را طرف توجه قرار داده و نیز وزیر خارجه به من اظهار داشت که خود او و سایر اعضاء کابینه در این رأی موافق هستند. این است که در خواستن صاحب منصبان مزبور قدری تأخیر شده.

امضاء بارکلی

نمره - ۵۴

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله میزدهم مارس)
از طهران مورخه بیست و سوم فوریه ۱۹۱۱ [۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپرت خلاصه وقایع چهار هفته ایران را بطور معمول لفا ارسال دارم:

ملفوف نمره ۵۴

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از بیست و چهارم ژانویه تا بیست و سوم فوریه ۱۹۱۱
[۴ بهمن تا ۱۴ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲۲ محرم تا ۲۳ صفر ۱۳۲۹]

طهران

والاحضرت ناصرالملک در نهم شهر جاری وارد طهران شده نمایندگان خارجه را در یازدهم پذیرفت. روز بعد از آن اعضای مجلس را پذیرفته نظریات خود را به آنان اظهار داشت سپس هیئتی از طبقات مختلفه را پذیرفت - تا بحال قسفی را که در

قانون اساسی درج شده یاد نکرده علی‌هذا قانوناً هنوز به نیابت سلطنت شناخته نشده. صنایع‌الدوله وزیر مالیه در چهارم شهر جاری از رئیس بانک شاهنشاهی دیدن و آخرین شرایط استقراض دولتی را مذاکره کرده درحالی‌که در کالسکه به‌خانه مراجعت می‌کرد یکی از تبعه روس به سمت مشارالیه شلیک کرده سه تیر کارگر شده هرچند دکتر اسکات فوری حاضر شده معالجه ممتنع سه یا چهار ساعت بعد وفات کرد. قاتل و همدستان مشارالیه در موقع فرار چند پلیس را مجروح ساخته و بعضی از آنها تابلحال مرده‌اند.

قاتل و يك نفر از همدستانش بالاخره دستگیر و پس از تحقیقات مقدماتی که معلوم شد تبعه روس هستند هر دو تسلیم سفارت روس شدند.

مجلس

در جلسه بیست و ششم ژانویه ذکاء‌الملک رئیس مجلس به واسطه آنکه وکلاء نسبت غرض و طرفداری به مشارالیه داده بودند از ریاست استعفاء داده در می ویکم ژانویه ممتازالدوله به اکثریت چهل و پنج رأی از هفتاد و شش رأی به ریاست انتخاب شد. مرتضی‌قلی‌خان که سابقاً متشی شخصی ظل‌السلطان بوده به نیابت ریاست انتخاب گردید. رئیس تازه برادر کوچک وزیر مختار حالیه ایران در پاریس در فرانسه تحصیل کرده و در موقع بمباردمان مجلس در ماه ژوئن ۱۹۰۸ نیز رئیس مجلس بوده آن وقت به سفارت فرانسه متحصن شد. از زمان ورود ناصر‌الملک که نهم شهر جاری است چندین جلسه سری برای مذاکره در اظهارات نایب‌السلطنه در خصوص تأسیس يك اکثریت مرتب ثابتی که مقدمه تشکیل يك کابینه جدید است منعقد شده. مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء استعفاء خود و سه نفر از همکاران باقی‌مانده خود را بعد از ورود نایب‌السلطنه بلافاصله تقدیم داشته. پارتهای مختلف در مجلس بالاخره اعلان نمودند که به دو دسته عمده هریک با پروگرام معین منقسم شده‌اند. اقلیت یا دموکراتها در هیجدهم شهر حال اظهار داشته که معادل بیست و یک نفر بوده و پروگرام خود را ارائه دادند. در بیست و دوم شهر جاری اکثریت یا اعتدالیون اظهار داشتند که چهل و نه نفر از اعضا که اکثریت را تشکیل داده بر يك پروگرام موافقت کرده‌اند - اسامی اعضای اکثریت به توسط مرتضی‌قلی‌خان قرائت شد. این مسئله مبرهن است که سپهدار را به ریاست انتخاب خواهند کرد و انتخابات آنها با نظریات نایب‌السلطنه خواهد بود.

تبریز

اقداماتی که بر ضد فرمانفرمای آذربایجان شده بود به توقیف مؤسسين من‌جمله امیر حشمت و سیدالمحققین از اعضای سابق انجمن ایالتی بوده اختتام یافت. علی‌الظاهر روی هم رفته این اقدام فرمانفرما طرف قبول عامه شده و هیجانی در شهر بروز نکرده در ظرف ماه ژانویه انتظام صحیحی در کلیه ایالت برقرار بود و هیچ سرقتی از کاروانها به قنصلگری دولت انگلیس راهپرت داده نشد. در بیست و سوم ژانویه رحیم خان بایکمهده مستحفظ که از طرف فرمانفرمای آذربایجان معین شده بود سالماً وارد گردید.

رشت

از راپرت‌هایی که اخیراً رسیده این‌طور معلوم می‌شود که از ماه نوامبر گذشته مازندران به انصاف رحیم‌خان و اسمعیل خان امیر تومان سوادکوهی و امیر مکرم لاریجانی و رشیدالسلطان واگذار بوده که با یک‌هزار سوار و پیاده بارفروش را مرکز خود قرار داده‌اند. در ظرف ماه نوامبر ظهیرالدوله حکمران مازندران به قوه مذاکرات اقدام به تفرقه‌ی اغیان کرده ولی موفق نشد زیرا یکی از شرایطی را که تقاضای نمودند عفو عمومی درباره‌ی اهالی مازندران بود که سفارتین انگلیس و روس ضمانت نمایند. اشرار مالیات را گرفته به مصرف نگاهداری قوای خودشان می‌رسانند. مکرر به ظهیرالدوله امر کردند که از مازندران برود ولی او اعتناء نکند. اشرار با ترکمنها در مقام مذاکره برآمده ترکمنها به واسطه سختی هوا از فرستادن استعداد اعذار جسته ولی وکیلی را به بارفروش فرستادند که قرار بدهند همین که هوا ملایم شود به استرآباد حمله ببرند. علماء و اعیان مازندران چندین دفعه از ویس قنصل انگلیس تقاضا نموده‌اند که در تحت حمایت دولت انگلیس بپایند مشارالیه جواب داده که نمی‌تواند در امورات داخلی ایران مداخله نماید. در اوایل ژانویه در مشهد سر، یکی از اتباع روس از طرف برادرزن امیر مکرم و یوزباشی قربان در حالتی که در منزل مشارالیه مهمان بوده کشته شده. قاتلین را به بارفروش بردند ولی برحسب خواهش قنصل روس در استرآباد مجدداً آنها را مراجعت دادند. امیر مکرم در تحریک این قتل مظنون است.

مشهد

اوضاع کلیه ایالت آرام است و سرقتی واقع نشده ولی این مسئله به واسطه سختی هواست.

مسمودخان که به حکومت دره‌جز [= درگز] منصوب شده بود تا قوچان رفته و چندی است همانجا متوقف است و علی‌الظاهر می‌ترسد جلوتر برود. در اوایل فوریه استعدادی که مرکب از یکصد نفر سوار و دو هزاره توپ بوده به مشارالیه رسیده و به این واسطه به دره‌جز رفته در آنجا از قرار راپرت ظاهراً حزم و کفایتی در اداره کردن آن ایالت به خرج داده.

اصفهان

در شهر و اطراف آسایش برقرار شده تقریباً تمام بختیارها از اصفهان رفته‌اند. در اواخر ماه ژانویه سرما تخفیف یافته پس از آن آذوقه به آزادی به شهر وارد می‌شود. عموماً راهها مصون از سرقت بوده ولی در نهم ماه فوریه در مادرشاه که سر راه طهران است مستردالتون یکی از اعضای بانک شاهنشاهی و سایر مسافرین را نه نفر سوار لخت کرده هرچه داشته‌اند برده‌اند. در راه شیراز در دوازده میلی شمال شرقی قمشه یک کاروانی را به سرقت برده ولی اموال مسروقه مسترد و سه نفر از سارقین دستگیر شده‌اند. در صبح روز اول فوریه میرزا عباس‌خان رئیس سابق نظمیه اصفهان

به طرف حکمران و برادرزاده اش میرزا عبدالرحیم خان تیر انداخته میرزا عبدالرحیم خان سخت مجروح شده ضارب با سه نفر از همدستانش در جنرال قنسولگری روسیه متحصن و مدعی به تبعیت روس هستند. معتمد خاقان فوق العاده جانی به سلامت برده زیرا يك گلوله داخل ریه چپ شده از نزدیکی قلب عبور کرده و ریه راست را سوراخ کرده و حالش رو به بهبودی است.

یزد

حکمران یزد علی الظاهر خیلی مایل به حفظ انتظام راههای قلمرو خودش است ولی بواسطه نداشتن پول دستهایش بسته و نمی تواند از قبيله خود یا غیر آنها اشخاصی اجیر نماید که قابل مقابله با سارقین باشند. از قرار راپرتی که رسیده در ظرف ماه ژانویه دویست نفر سارقین بهارلو ده ده را غارت و با اهالی آنجاها خیلی بد رفتاری کرده اند و پنجاه هزار حیوان برده اند. از قرار مذکور در راه بین نائین و یزد سارقین در کمین بوده اند و چون احتیاط لازم به عمل آمده سرقتی واقع نشده است. چون راه جنوب کلیتاً مسدود بوده تجارت روسیه ترقی نموده است.

دامغان

از قرار راپرتی که رسیده در هیجدهم فوریه نایب حسین با سیصد نفر سوار دهات نزدیکی گوشه را که در بیست و چهار میلی غربی دامغان واقع است غارت کرده. در گوشه سه نفر را کشته و اسبهای چاپارخانه را برده است. محض رعایت احتیاط اسبهای منازل همجوار را برداشته اند. علی هذا حرکت پست مابین مشهد و طهران تعطیل شده است. در هیجدهم فوریه سیصد نفر سوار برای تعقیب نایب حسین از طهران حرکت کرده اند.

کرمانشاهان

در شانزدهم ژانویه رکن الدوله حکمران جدید با چهل و پنج نفر مستحفظ از قزاقهای ایرانی وارد شده آمایش برقرار گردیده و تشکیل قوه صحیحی از پلیس در شهر داده شده. داودخان از آمدن شهر و ملاقات حکمران امتناع جسته علی هذا حکمران هم از قبول خدمت دویست نفر سواره کلهر که داودخان خواسته و جمع آوری نموده است امتناع ورزیده. وزیر داخله به حکمران دستور العمل داده است صمصام الممالک سنجابی را به حکومت قصر شیرین بفرستد ولی این مسئله با وجود ضدیت داودخان امکان نداشته است.

کرمان

فرمانفرمای کرمان بلافاصله بعد از ورود خود شروع به تهیه فرستادن اردو به بلوچستان نمود. خیال کرده است بدو خودش تا بم رفته پس از ورود به بم معلوم

خواهد کرد که لازم است خودش هم با اردو برود یا خیر - از قرار راپورتی که رسیده بهرام خان رئیس بلوچهای یاخی مشغول تهیه و جمع‌آوری استعداد است که با هر قوه که بجهت انتظام بلوچستان فرستاده می‌شود بجنگد.

راپرت‌هایی که از سرقتهای ماه ژانویه رسیده بقرار ذیل است:

- (۱) دو فقره بین مرغاب و جیرفت که یکی از آنها کاروان هندو بوده
- (۲) بین کرمان و بم نزدیکی تهرود.
- (۳) نزدیکی مسکون بین بندرعباس و بم. در کلانجیره بین بندرعباس و کرمان پست را هم زده‌اند.

شیراز

در ظرف ماه ژانویه سرمای سختی شده. قوافل برحسب معمول در راه کازرون عبور می‌کرده. راه اصفهان نیم‌متروک مانده. در هیجدهم فوریه سی بار مال‌التجاره که معادل دویست لیبره تریاک کمپانی زیگلر در جزو آن بوده در هشت‌میلی شمال شیراز به سرقت رفته. وضع پست به اصفهان به اندازه‌ای مفشوش است که کاغذهای شمال را از راه بوشهر می‌فرستند. فرمانفرمای فارس هنوز در پرازان با بعضی از رؤسای محلی که مالیات سنوات گذشته را نپرداخته‌اند در زد و خورد است. صولت‌الدوله همراه او است و شهرت دارد که صولت‌السلطنه و محمدعلی‌خان کشکولی با مشارالیه موافقت کرده‌اند. قشون متحرک فارس که تقریباً دو هزار و پانصد نفر است در شانزدهم فوریه از اصفهان وارد شیراز شده‌اند. نزاعی بین بعضی از این قشون و بعضی از اهالی شهر واقع و یکنفر از اهالی شهر کشته شده است.

نمره - ۵۵

مکتوب سر جرج باکانین [بیوکانون] به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم مارس) از پترزبورگ هفتم مارس ۱۹۱۱ [۱۶ اسفند ۱۲۸۹؛ ۵ ع ۱۳۲۹]

آقا

بر طبق دستورالعملی که در ضمن مراسله مورخه بیست و چهارم ماه گذشته به بنده داده بودید دیروز به وزیر امور خارجه اطلاع دادم که انجام قرارداد استقراض بانک شاهنشاهی با دولت ایران فعلاً موکول به تشکیل کابینه جدید ایران است ولی دولت ایران از رئیس بانک مزبور تقاضای یکصد و بیست هزار تومان به عنوان مساعده نموده است و نیز اظهار داشتیم که جنابعالی تلگرافاً [= تلگرافی] به سر جرج پارکلی اطلاع داده‌اید که در دادن مساعده مخالفتی نداشته‌اید.

مسیو سازانوف تشکرات خود را از این ابلاغ اظهار داشت. اینکه که نقشه معاهده با روسیه منظور و به محل اجراء گذاشته شده ابدأ مخالفتی در اینکه بانک شاهنشاهی مساعده مزبور را بپردازد ندارد. معظم‌الیه [= معظم‌له] در ضمن مذاکرات اشاره کرد

که موقع آن نزدیک شده که لزومیت ترتیب استقرار عمده‌ای برای ایران در حمایت دو دولت بر خود حتم کنیم زیرا دولت ایران برای ادارات داخلی و حفظ انتظامات فوق‌العاده احتیاج به پول دارد.

امضا باکانن [بیوکانان]

نمره - ۵۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم مارس)
از طهران مورخه پانزدهم مارس ۱۹۱۱ [۲۴ ۱۲۸۹: ۱۳ ع ۱۳۲۹-۱]
قسمت آخر قشون روس امروز صبح از قزوین حرکت کرده هشتاد نفر به عنوان
گارد قنصلگری باقی گذاشته‌اند.

نمره - ۵۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم مارس)
از طهران مورخه هیجدهم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ اسفند ۱۲۸۹: ۱۶ ع ۱۳۲۹-۱]
راجع به راههای جنوب
عبور و مرور قوافل در بین راه پوشهر و برازجان بواسطه خصومت و نزاع دو نفر
از رؤسای آن محل که بر ضد یکدیگرند مقطوع است و من به دولت ایران تاکید در
اقدامات می‌کنم.

نمره - ۵۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج باکانن [بیوکانان]
از وزارت خارجه هیجدهم مارس ۱۹۱۱ [۲۷ اسفند ۱۲۸۹: ۱۶ ع ۱۳۲۹-۱]
آقا

مراسله جنابعالی مورخه هفتم شهر جاری محتوی راپرت مذاکره خودتان با وزیر
امور خارجه دولت روسیه در خصوص یکصد و بیست هزار تومان مساعده که دولت
ایران از بانک شاهنشاهی ایران تقاضا کرده بود واصل گردید.
سواد مخابرات تلگرافی (مخابره نمره ۴۹ و ۵۰) با وزیرمختار دولت فغیمه در
طهران راجع به تقاضای دیگری که به توسط بانک رسیده لفا برای جنابعالی فرستاده
خواهشمندم موقعی بدست آورده مراتب را به اطلاع دولت روسیه برسانید.

امضاء گری

نمره - ۵۹

یادداشت سر ادوارد گری به میرزا مهدی خان
وزیر امور خارجه انگلستان به وزیرمختار دولت ایران سلام رسانده مفتخر است
که تشکرات فایقه وصول مراسله مورخه هشتم شهر جاری را راجع به اقداماتی که
دولت ایران نسبت به اعاده نظم راههای جنوب ایران و استرداد اموال مسروقه به
صاحبان آنها و تنبیه مرتکبین نموده اظهار می دارد.
وزارت خارجه بیستم مارس ۱۹۱۱ [۲۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱۳۲۹]

نمره - ۶۰

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه ۲۲ مارس ۱۹۱۱ [۱ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱۳۲۹]
راجع به سرقتهای راههای ایران
رجوع به تلگرام خودتان مورخه ۲۸ فوریه نمایید.
دارالتجاره های منچستر اظهار می دارند دو فقره از چهار فقره سرقتی که سه فقره
آنها در ۲۲ فوریه واقع شده یکی در دوازده میلی شیراز بین ده بید و مرغاب و دیگری
بین مرغاب و شیراز وقوع یافته و یکی دیگر در هیجدهم فوریه در هشت میلی شیراز
واقع گردیده. دو فقره آنها با حضور قشون دولتی (که سرقت هیجدهم فوریه جزو
آن است) بوده و قشون دولتی نیز شرکت در سرقت کرده اند. آیا راجع به این مسئله
اطلاعی دارید؟

نمره - ۶۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و چهارم مارس)
از طهران مورخه بیست و چهارم مارس ۱۹۱۱ [۳ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۲ ع ۱۳۲۹]
در جواب تلگرام جناب عالی مورخه بیست و دوم مارس افتخار دارم راپرت بدهم
که فقط راپرت دو سرقت در بیست و دوم فوریه به من رسیده. کفیل قنصلگری شیراز
در جواب سوال بنده تلگراف ذیل را نموده. علی الظاهر یقین است که در هیجدهم فوریه
دو بیست یا سیصد نفر از قشون دولتی که تازه وارد شده نزدیک کاروان بوده اند و
بمجردیکه بقدر سی نفر از سارقین پیدا شده اند شروع بفرار کرده اند و سرقت در
حضور چند نفر از صاحب منصبان یا فرمانده کل آنها واقع شده و هیچ اقدامی در
مانعت ننموده اند. از قرار مذکور در مقابل اصرار ناظرین واقعه فرمانده اینطور
جواب داده که دستورالعملی برای جلوگیری سارقین به مشارالیه داده نشده است
بهرحال موافقت و مشارکت سربازها با سارقین در سرقت بی اصل است.

نمره - ۶۲

تلگرام سر ادوارد گری به جرج بارکلی
وزارت خارجه مورخه بیست و هفتم مارس ۱۹۱۱ [۶ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۵ ع ۱-
[۱۳۲۹]

راجع به سرقتهای راههای ایران رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و چهارم
مارس نمایید.

هرگاه اعتراضی نسبت به رفتار قشون دولتی تابعال به دولت ایران نکرده‌اید تذکر
و تنبه داده خاطر نشان نمایید که تکرار این قبیل واقعات برای ما مشکل خواهد شد که
در اصرار اعمال نقشه‌ای که در یادداشت چهاردهم اکتوبر ذکر شده دست نگاه داریم
از قصور دستورالعملی که به فرمانده قشون نسبت داده می‌شود باید تذکر مخصوص
داده شود.

نمره - ۶۳

مکتوب مستر برائیس به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم مارس)
از واشنگتن بیست و یکم مارس ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱-۱۳۲۹]
آقا

نسبت به مراسله سابقه راجع به مأموریت مسیو شوستر بسمت مستشار مالیه دولت
ایران افتخار دارم به جنابمالی اطلاع بدهم که مشارالیه با سه نفر از معاونین خود در
بیست و نهم شهر جاری از نیویورک به سمت ایران عازم خواهند شد و شخص چهارمی
مستر کرنز که تاکنون در ایلوالو مستخدم دولت آمریکا است از قرار معلوم از
فیلیپین به سمت آمریکا حرکت کرده و از آن طرف بزودی عازم ایران خواهد شد.
امضاء جیمس برائیس

نمره - ۶۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم مارس)
از طهران بیست و نهم مارس ۱۹۱۱ [۸ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۱-۱۳۲۹]
بموجب راپرتی که از قنصل کرمانشاهان رسیده در بیست و پنجم و بیست و ششم
مارس دو دفعه جهد کرده‌اند که به قنصلخانه دولت اعلیحضرتی بریزند.

در بیست و پنجم مارس دو نفر توقیف شدند. در بیست و ششم مارس اشرار داخل
متول سوارها شده و دو دست لباس با اشیاء دیگر را برده‌اند. در بیست و ششم مارس
تیر و تفنگک فیما بین قنصلگری و سی نفری که به گمان قنصل برای قصاص دو نفر
از رفقایشان که در بیست و پنجم مارس توقیف شده به حوالی قنصلخانه آمده بودند

رد و بدل شده.

مستر مکدوال برای مدافعه اقدامات کرده و حکومت را از واقعه مستحضر ساخته است. مستر مکدوال نیز راپرت می‌دهد که به مشارالیه راپرت رسیده که سوارهای هندی را تهدید به قتل نموده‌اند.

در بیست و هفتم مارس اشرار بسمت قنصلگری سنگت انداختند ولی همینقدر دیدند قنصلگری بخوبی محافظه شده است دست‌پرداشته بسمت شهر رفته در آنجا خانه یکی از اعیان را غارت کرده‌اند.

ضمناً دولت ایران رامسئول امنیت قنصلگری و اتباع دولت انگلیس در کرمانشاه قرار داده تأکید کرده‌ام که مرتکبین را تنبیه نمایند.

نمره - ۶۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سی و یکم مارس) از طهران مورخه سی و یکم مارس ۱۹۱۱ [۱۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۱۳۲۹] برطبق عادت جاریه که هرگاه مقصرین تبعه روس باشند استنطاق قتل صنیع‌الدوله در محاکمات وزارت خارجه طهران و استنطاق مرتکبین به حمله به معتمدخاقان و قتل برادرزاده‌اش در محکمه کارگذاری [= کارگزاری] اصفهان در کار است و یکنفر از مأمورین روسیه در هر دو قضیه حضور دارد. آثار عدم توافقی از طرف سفارت روسیه در طهران یا جنرال قنصلگری روسیه در اصفهان ظاهر نگردیده. پس از آنکه تحقیقات مقدماتی به اختتام رسید مقصرین برای محاکمه به روسیه فرستاده خواهند شد.

در سال گذشته دو قتل دیگری که مرتکبین آنها از اتباع دولت روس بودند واقع شد. در یکی از آنها از تحقیقات متفقه‌ای که در طهران بعمل آمد چیزی ثابت نگردید فقط برحسب تقاضای دولت ایران مقصر از طرف وزیرمختار روس به روسیه فرستاده شد. در قضیه دیگر تقصیر مقصر در طهران ثابت گردید و از قرار معلوم در روسیه در تحت محاکمه است.

نمره - ۶۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سی و یکم مارس) از طهران سی و یکم مارس ۱۹۱۱ [۱۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۹ ع ۱۳۲۹] راجع به تلگرام من مورخه بیست و نهم شهر جاری است. در خصوص حمله به قنصلگری کرمانشاه

قنصل دولت اعلیحضرتی راپرت می‌دهد در شب بیست و هشتم مارچ [= مارس] اشرار بسمت قنصلگری تیر انداخته ولی چون جواب آنها داده شد فرار کردند. مأمورین محلی ظاهراً برای حفظ قنصلگریها سرباز به آنجاها گذاشته‌اند.

نمره - ۶۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیوم آوریل)
از طهران مورخه سیزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۳ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام مورخه بیست و هفتم مارس راجع به راههای جنوب بفرمایید.
خصومت‌های مذکوره در آن تلگرام برای فرمانفرمای فارس نتیجه خوب‌تر بخشیده و
حکمران بنادر احضار شده. فرمانفرمای فارس قشونی بر ضد کمارج که نزدیک
کازرون است فرستاده احتمال دارد مقاومت آنها هم منول بکشد و قنصل دولت
اعلیحضرتی در شیراز راپورت می‌دهد که راه پوشهر و شیراز مدت مدیدی مسدود
خواهد بود.

راپرتی رسیده است که در اول آوریل سرقتی در نزدیکی سیوند در شمال شیراز
واقع شده که گمان می‌رود در آن سرقت شش بار متعلق به دارالتجاره و یکسین سرقت
رفته باشد. عبور و مرور قوافل بین شیراز و اصفهان کلیتاً متروک شده است.
بالاخره نظام السلطنه از کازرون بسمت شیراز حرکت کرده و جنرال مالتا هم نیز
وارد آنجا شده است.

نمره - ۶۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ آوریل)
از طهران مورخه پنجم آوریل ۱۹۱۱ [۱۵ فروردین ۱۲۹۰؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۲۹]
قنصل جنرال دولت اعلیحضرتی از پوشهر راپورت می‌دهد که بعضی بی نظمیه‌ها در سوم
آوریل در موضوع جمع‌آوری مالیات‌های جدید واقع شده.
معاون رئیس نظمیه یکنفر توپچی را گلوله زده کشته و توپچی‌های همدسته مقتول
قاتل را تعاقب می‌کنند فرار کرده به قنصلگری عثمانی می‌رود. مهاجمین داخل
قنصلگری شده معاون نظمیه و یک جاندارم [= ژاندارم] ایرانی را که ظاهراً
مستحققت قنصلگری بوده به قتل می‌رسانند. برحسب خواهش سفیر عثمانی شرح
واقعه را بموجب راپورت جنرال قنصلگری دولت اعلیحضرتی به معظله داده‌ام.

نمره - ۶۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم آوریل)
از طهران مورخه ششم آوریل ۱۹۱۱ [۱۶ فروردین ۱۲۹۰؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۹]
راجع به تلگرام شما مورخه بیست و هفتم مارس در خصوص سرقت‌های راه جنوب
ایران:
وزیر امور خارجه بمن اطلاع می‌دهد که بعثت واقعه مذکوره صاحب‌متصب فرمانده
احضار شده است.

نمره - ۷۰

مکتوب سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخه هفتم مارس ۱۹۱۱ [۱۷ فروردین ۱۲۹۰؛ ۷ ع ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

هرچند در ضمن تلگرام مورخه پنجم شهر جاری نکات خطابه‌ای که ناصرالملک در روز گذشته قبل از اتیان قسم در مجلس اظهار نمود بعرض جنابعالی رسانیده‌ام اینک لازم دانستم که مفصل آن اجمال را که مسیو چرچیل یادداشت کرده لغا ارسال دارم رفتن نایب‌السلطنه به مجلس تشریفات مخصوص نداشت ولی از طرف تمام حضار که داخل آنها بعضی اعضاء کور دیپلماتیک من جمله سفیر عثمانی و وزیرمختار آمریکا و چندین نفر از اجزاء من بودند با احترامات مخصوص پذیرفته شد - حین ورود نایب‌السلطنه به مجلس و همین‌که برخواست [برخواست] که قسم یاد نماید تمام حضار برخواسته [برخاسته] سرپا ایستادند.

با سکوت تمام به خطابه گوش داده میشد و از هیچ راهی علامت و آثاری از حضار آشکار نبود که بگفتار نایب‌السلطنه قدر ندهند و مفتنم نشمرند. درباریان ایران عادت نکرده‌اند بسادگی که نایب‌السلطنه در این موقع صحبت کرد صحبت نمایند و استقامت بیانات مشارالیه حسن‌الر خوبی بخشید.

امضاء بارکلی

ملفوق نمره ۷۰

نطق نایب‌السلطنه در چهارم مارس ۱۹۱۱ [۱۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲ ع ۱ - ۱۳۲۹]

در موقع یاد کردن سوگند در مجلس شورای ملی

مخصوصاً درخواست کرده‌ام که تشریقاتی در این موقع نباشد برای اینکه بتوانم بعضی مطالب را که لازم می‌دانم در اینجا بیان کنم. حالا در مجلس شورای ملی با حضور نمایندگان محترم خطاب خود را در حقیقت به تمام هموطنان خود میکنم: اولاً از حسن ظن و اعتماد و محبت خالصانه‌ای که از نمایندگان ملت و تمام طبقات دارالخلافه و ولایات به وسایل مختلفه به من اظهار شده از صمیم قلب تشکر کرده سعادت و شوکت ملت را از خداوند خواسته و برای خود در هر حال توفیق خدمت مسئلت می‌نمایم.

ثانیاً چون امروز مملکت ما در تحت حکومت مشروطه یعنی حکومت ملی است لازم است که تمام ملت از مهمات امور مطلع باشند. می‌خواهم مسائل راجعه به نیابت سلطنت را توضیح کنم و برای آنکه سابقه بدی در مملکت باقی نماند لازم می‌دانم آنچه را در کیفیت انتخاب اینجانب مخالف اصول عادات معموله ممالک مشروطه جاری شده باطلاع عموم برسانم:

اولاً بدیهی است که در این امر نظر به مقتضیات حال و صلاح مملکت قبل از وقت مذاکراتی لازم بوده و از قرار معلوم این مذاکرات بعمل نیامده و عجله شده است.

ثانیاً از آن شخص که برای این مقام در نظر گرفته می‌شود باید قبل از انتخاب استعمال شود که آیا می‌تواند تقبل نماید و در چه صورتی برای او تقبل این وظیفه امکان‌پذیر است چنانکه بر همه نمایندگان محترم معلوم است در افتتاح مجلس ثانی تمام نمایندگان بالاتفاق نیابت سلطنت را به من تکلیف کردند و من با دلایل قویه امتناع نمودم چون دلائل موجه بود متقاعد شدند این دفعه با اینکه مسبوق به این سابقه بودند باز بدون استعمال مرا بدین مقام انتخاب کردند.

ثالثاً معلوم است که نیابت سلطنت نباید مسئله متنازع‌فیه مابین پارتیه‌های سیاسی واقع شود زیرا که این مقام، مقام بیطرفی است و باید همه احزاب بیطرفی او را محترم بشمارند بمبارت اخیری انتخاب نیابت سلطنت از نقطه نظر پارتی نباید باشد و حال آنکه برخلاف این قاعده رفتار شده پارتیه‌ها بر ضد یکدیگر ایستاده و رأی داده‌اند. رابعاً یکی از حیثیات نیابت سلطنت ریاست قوه اجرائیه است و در انتخاب او اگر قوه مجریه یا مجلس شورای ملی مشارکت نمی‌کند لاقلاً مخالفت نیز نباید بکند این نکته هم مثل سایر نکات تماماً بر خلاف واقع شده.

یک نکته معنوی هم در اینجا هست: و باید ملتفت بود که نیابت سلطنت وقتی که به اکثریت قلبی انتخاب شود در انظار اهمیت این مقام را کم می‌کند و در اینجا به واسطه اینکه قانون مخصوصی در انتخاب نیابت سلطنت وضع نشده فقط به قانون معمول عمل شده ولی باید دانست که در این مسئله مهمه اکتفاء بصورت ظاهر در آتیه ابدأ کافی و صلاح نخواهد بود و باید قانونی برای استحکام نظایر این موقع در آتیه وضع شود.

بعد از آن تلگراف اعلام این انتخاب در خارجه بمن رسید و از کیفیت آن مطلع شدم چنانکه طبیعی است حیرت بزرگی بمن دست داد زیرا که از آنجا دعوت مجلس شورای ملی و دعوت ملت را بدون توضیحات رد کردن البته جایز نبود ناگزیر برای توضیح این مطالب تلگراف‌های مشروح عذیده نموده خواش کردم که مجمعی از رؤساء احزاب چه از داخل و چه از خارج مجلس منعقد کرده در این نکات مهمه با ملاحظه صلاح مملکت و صلاحیت سابقه‌ای که در این موقع گذاشته میشود تجدید نظر نمایند به این تلگرافها هم ابدأ جواب کافی نرسید. عجب اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم حضور داشتند این مطالب را بیان کردم اغلب اظهار بی‌اطلاعی از وصول این تلگرافات میکردند بالاخره مجبور شده تلگراف کردم که چون توضیح این مطالب بوسیله تلگراف ممکن نمی‌شود جواب کافی هم به تلگرافات من نمی‌رسید برای اینکه نسبت قصور بمن داده نشود مصمم به آمدن شده و مذاکره این مطالب را حضورا خواهم کرد مشروط بر این که بعد از مذاکرات و ملاحظات مصالح مملکت در رد و قبول این مقام مختار و آزاد باشم. به این تلگراف هم جواب کافی نرسید لهذا با حیرت تمام عازم شدم و در این بین چه در ایران و چه در روزنامه‌جات خارجه نسبت ترس و تردید بمن داده تعبیرات مختلف هم کردند مراسلات تهدیدآمیز هم بطوری که همه می‌دانید در قرنگت به من می‌رسید ولی علت تأخیر در آمدن من نه تردید بود و نه ترس

بلکه امتداد این مذاکرات و حیرت نرسیدن جواب کافی اسباب تأخیر حرکت مرا فراهم می‌داشت و یا وجود اینکه اسم من باین مقام نامزد شده بود از هیئت وزراء يك جواب صریح به مؤالات تلگرافی من داده نمی‌شد.

هرچند اظهار مساعدت و محبت تمام وزراء و نمایندگان گرام [= گرامی] و تلگرافی که به امضاء تمام نمایندگان در آنجا به من رسید و دوستی ثابتی که همه وقت حاصل بوده جبران این قصور را کاملاً نسبت بشخص من نمود ولی نسبت به مصالح مملکت شك نیست که این‌طور سابقه مضره باید از دفتر مشروطیت محو شود.

بعد از ورود به اینجا هم با وجود اینکه در مجمعی که تمام نمایندگان محترم شرف حضور داشتند این بیانات را نموده‌ام بدبختانه در تدقیق نکات مذکوره مجال اقدام نشده بعلاوه با اینکه استعفای وزراء سابق را قبول نکرده بودم از کار کناره نموده مرا از روز ورود دچار اشکال بزرگ بحران کابینه وزراء کردند و برای همین که این مذاکرات اسباب طول بحران و اختلال امور مملکت نشود لابد بدون انتظار مذاکرات، امروز در اینجا برای اداء مراسم قانونی حاضر شده‌ام.

مسئله مهم دیگر که باید بیان کنم این است چون می‌بینم اهالی چه در طهران و چه در ولایات انتظام تمام امور مملکت را از شخص من انتظار و توقع دارند علاوه بر اینکه این انتظارات هیچ دلیل و موقمی ندارد مخالف با قانون اساسی هم هست که اختیاری به سلطنت نداده است. لازم می‌دانم این اشتباه را رفع نمایم و البته اگر سکوت کنم نسبت اغفال به من داده خواهد شد و بعد اگر خدای نکرده انتظارات آنها حاصل نشود تصور خواهند کرد که در مصالح مملکت از طرف من غفلت شده و حال آنکه آن مصالح را قانون به من نسپرده حالا که برای اجرای مراسم قانونی حاضر شده‌ام لازم است اولاً بدانم که چه انتظار از من هست ثانیاً عرض کنم که من چه انتظاری از شما دارم تا شبهه برای احدی باقی نماند.

اما انتظاری که از من هست گویا مدلول قانون اساسی برای این مسئله کافی باشد. نمایندگان محترم بهتر از من می‌دانند و این توضیح فقط برای اطلاع عموم ملت است به موجب اصل (۱۶) وضع قوانین مملکتی حق مجلس شورای ملی یا مجلسین است و معلوم است قوانین تقریباً یعنی قواعدی که روابط افراد ملت را با یکدیگر و مناسبات آنها را با هیئت دولت مقرر می‌دارد. موافق اصل (۴۹) قوانینی که از مجلس گذشت باید به امضای سلطنت و به اجراء برسد یعنی به سلطنت حق توقیف یا رد آنها داده نشده است. مطابق اصل (۴۴) وزراء مسئول مجلس هستند. برحسب اصل (۶۷) وزراء با اظهار عدم اعتماد مجلس حتماً معزول می‌شوند.

این اصول را که در نظر بگیریم خواهیم دید که هرچند برحسب ظاهر قانون تعیین رئیس‌الوزراء از حقوق سلطنت است ولی نظر به اینکه مسئولیت وزراء به مجلس است و با عدم اعتماد اکثریت معزول می‌شوند برای احتراز از عدم اعتماد مجلس و احتراز از ظهور بحرانهای متواتر که اسباب اختلال امور مملکت می‌شود در تمام ممالك مشروطه از رسومات و عادات جاریه است که سلطنت مشروطه قبلاً نظر اکثریت مجلس

را در اعتماد به رئیس‌الوزراء به توسط رئیس مجلس استنباط نموده بعد از تحصیل اطمینان رسماً او را معین و معرفی می‌نمایند، اختیار انتخاب وزراء دیگر نیز به مسئولیت خاص رئیس‌الوزراء است که هرکس را با خود موافق و متحد‌المسلک بدانند معرفی نماید.

پس از این استدلالات قانون اساسی بخوبی واضح می‌شود که قوه مقننه و قوه مجریه که با هم قدرت مملکت را تشکیل می‌دهند هر دو از اختیار سلطنت خارجند. قوه قضائیه هم که بطریق اولی مربوط به سلطنت نیست. بنابراین تمام اختیار و مسئولیت امور مملکتی معناً و صورتاً با مجلس شورای ملی یا مجلسین و هیئت وزراء است فقط آنچه برای سلطنت باقی می‌ماند اظهار رأی در کلیات مصالح مملکت آن‌هم نه بطور حکم بلکه بطور صلاح‌اندیشی و هیئت وزراء برحسب مسئولیتی که به مجلس دارند در رد و قبول آن مختارند.

از طرف دیگر چون سلطنت نسبت به احزاب سیاسی باید بکلی بیطرف باشد این قاعده مسلم است که اظهار رأی نیز وقتی برای سلطنت میسر است که ضدیت و نقاضتی مابین احزاب موجود نباشد و الا از ادای این وظیفه نیز بازخواهند ماند که مبدا در عقیده خود با احدی‌الحزبین طرفیت نماید بنابراین این حاجت اثبات نیست که همانطور که مسئولیتی برای سلطنت نیست ابدأ اختیاری هم قانون اساسی به او نداده من هم که قوانین اساسی را فوق‌العاده محترم می‌شمارم مقصودم از این بیانات اعتراض و تحصیل مزید اختیار نیست فرضاً اگر مجلس شورای ملی در موقعی مزید اختیار دولت را لازم بداند و البته این قبیل مواقع در پیش هست باید آن اختیار را به هیئت وزراء بدهد که مسئول مجلس هستند.

بعد از این مقدمات پوشیده نخواهد ماند عبارات قسم‌نامه که در قانون اساسی مندرج است با عدم اختیاری که برای سلطنت ثابت شد موافقت نمی‌کند. کسی [که] ملتفت این نکات باشد البته عبارات قسم را به این نیت به زبان جاری می‌نماید که شخصاً بطوری که بر تمام افراد ملت فرض است بقدر وسع و طاقت خود در مدلول آن جد و جهد نماید و با همین نیت است که این قسم را به زبان جاری خواهم نمود و در هر حال با تمام قوای خود در راه خدمت به وطن و دولت و ملت و تقویت اساس مشروطیت کوشش خواهم داشت و اینکه بعضی عبارات قسم‌نامه با عدم اختیار سلطنت متناقض نیست محل اعتراض نخواهد بود زیرا که هیچ قانونی را جز قوانین آسمانی ولو لازم‌الاطاعه هم باشد بی‌نقص نمی‌توان تصور نمود و دلیل آن همان وجود مجلس شورای ملی است که وظیفه آن نه تنها وضع قوانین جدید بلکه تکمیل قوانین هم هست.

اما انتظارات من از این قرار است در صورتی که معلوم است تمام اختیار و مسئولیت امور مملکت معناً و صورتاً با مجلس وزراء است در حال حالیه مملکت که بر همه‌کس معلوم است و حاجت به اظهار نیست. متوقعم مجلس شورای ملی و هیئت وزراء فقط نظر خود را به مصالح حالیه مملکت دوخته با جد و جهد فوق‌العاده و همتی

بلند با موافقت و معاضدت خالصانه حقیقی با یکدیگر در اصلاح امور بکوشند و لازم نیست این فقره را خاطر نشان کنم که اگر پس از استقرار مشروطه ثانی با نداشتن مانع تاکنون به قدر انتظار و آرزوی ملت در آسایش و شادمانی قلوب نتیجه شایانی از زحمات همگی حاصل نشده به واسطه اختلافات و نقاضتهای بین الاحزاب والاشخاص بوده که آنهم بر احدی پوشیده نیست. امیدوارم چنان که خوشبختانه علامات آن روز بروز واضح و آشکار می شود از این به بعد برخلاف ماسبق این اختلافات مبدل به وفاق و معاضدت برادرانه شود و امور صورت اصلاح پذیرفته و در حصول مقاصد ملت هائقی باقی نماند و افراد ملت از نعمت آسایش و سعادت و ترقیاتی که برای ملل متمدنه در تحت حکومت مشروطه و یمن آزادی حقیقی حاصل است بهره مند شوند.

اما انتظار من از سایر طبقات اول از اشخاصی است که می توانند مصدر خدمات دولتی شوند و متأسفانه از کار کناره جویی می کنند، چنان که بر همه کس معلوم است قبل از زمان مشروطیت اشخاصی باشوق و ولع برای تحصیل مشاغل دولتی و امتیازات و اعتبارات صوری ماعی بودند و حالا از قبول خدمت احتراز می جویند و حال آن که امروز مملکت بیشتر به خدمت اپناء خود محتاج است و واقعاً خدمت امروز در عالم انسانیت افتخار حقیقی دارد.

اما انتظار از افراد ملت این است که باید بدانند مجلس مرکب از وکلایی است که خودشان انتخاب کرده اند و مجلس باید آینه افکار و مظهر احتیاجات آنها باشد و هیئت دولت نیز از روی قوانینی که وضع می شود در تحت نظارت خود مجلس متصدی امور می گردد بنا بر این اطاعت احکام دولت را باید با یک شمع و انقیاد قلبی بر خود فرض بدانند و قولا و عملا هر کس به قدر قوه خود مقوی اجرای اوامر دولت باشد و درست ملتفت شوند که در سابق ملت امیر حکومت بوده و احکام جبرا بر آنها جاری می شد و در مشروطه حکومت منصوب به خود ملت است و باید بطیب خاطر موافق قانون مطیع احکام حکومت خود باشد و مخصوصاً کسانی را که قولا یا عملا مانع اجرای اوامر دولت می شوند دشمن ملت بشمارند. اگر هم عاصی در مملکت پیدا شود باید بدانند که امروز قوت دولت قوت تمام ملت است و در مقابل آن مقاومت نمی توان کرد.

در آخر کلام خود اظهار می دارم که تمام امیدواری و قوت روحانی من به همراهی و معاضدت همه شما در اصلاح امور مملکت است و به این امید خود را دلخوش می دارم. خلاف آن را فرض نمی کنم ولی برای این که حرفی گفته نشده نماند مجبورم که این نکته را هم بیان کنم: چنان که در یادداشت خود راجع به معنی احزاب سیاسی بیان کرده ام و در مجلس قرائت شده اگر خدای نکرده از اختلافاتی که تاکنون صورت نقاضت و دشمنی پیدا کرده بود مجدداً علامتی ظاهر شود و ببینم امور پیشرفت نمی کند یا خدا نکرده بر اختلال امور می افزاید به موجب همین قسم که یاد خواهم کرد ضمیر من بلکه ضمیر هر صاحب وجدانی حکم و تصدیق خواهد نمود که نباید در این مقام نشسته شاهد همچو حال ناگواری باشم یقین است افراد ملت که صاحبان وجدان پاک

هستند این مطلب را قلباً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدوارم پیش نیاید! یا من همراه و هم عقیده بوده بر کناره‌جوئی من خورده [= خورده] نخواهند گرفت زیرا که به تکلیف شرعی و عقلی خود و صلاح مملکت عمل کرده‌ام. و امیدوارم این جلب نظر به معایب امور مورد اعتراض احدی نشود زیرا که اطلاع بر نکات مهمه مملکتی در داخله لازم و اسباب خوشوقتی است که از افراد پرده‌پوشی نشده در خارجه هم که عقلاء هستند هر قدر ببینند به معایب امور ملتفت هستیم بیشتر امیدوار خواهند بود که در صدد اصلاحات خواهیم برآمد و بالعکس اگر پرده‌پوشی کنیم تعجب خواهند داشت که چگونه با قبول حکومت ملی امور را از ملت مکتوم می‌داریم.

این موقع را مفتنم شمرده نکته مهمی را که مستلزم صلاح عموم و وسیله حصول تمام آمال ملت است مرکوز اذهان و قلوب می‌دارم. در مملکت مشروطه سعادت ملت بدست خودش است و کلید این سعادت حق انتخاب وکیل است که با شرایط قانونی به ملت داده شده باید همه افراد ملت بدانند وضع قوانینی که اسباب آسایش و نظم و معاش و سعادتست و نیز نظارت اجرای آن قوانین بدست همان وکلایی است که باید خود ملت در موقع انتخاب تعیین کنند. پس اگر فرضاً امری برخلاف آرزوی ملت جاری شود تقصیر و ملامت آن بر افراد ملت واقع خواهد شد که چرا در موقع انتخاب حاضر نشده یا در انتخاب وکیل دقت نکرده‌اند و علاج بالانحصار این است که دارندگان حق انتخاب^۱ بی‌مسامحه و بالاتفاق در موقع تعیین وکلاء حاضر شده اشخاصی را که قبل از وقت بعد از مراقبت و دقت تمام موافق میل و مذاق خود در نظر گرفته و مطمئن هستند که آن اشخاص صفت دانش و امانت دارند و می‌توانند نمایند افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شوند برای وکالت خود انتخاب نمایند. در این صورت قطع حاصل است که مجلس شورای ملی آینده و مظهر حقیقی افکار و احتیاجات و مصالح ملت واقع شده امری برخلاف آرزوی ملت جاری نخواهد شد و من در خاتمه این نصایح خیرخواهانه خود هموطنان را از حالا که قریب شش‌ماه به موقع انتخاب جدید مانده به این نکته دعوت می‌نمایم که تا موقع انتخاب از حالا مهیای حسن انتخاب بوده و بلاشبیه بدانند که از دارندگان شرایط انتخاب هر کس در دادن رأی و ادای وظیفه خود و دقت در صلاحیت اشخاص غفلت نماید نه تنها حق و سعادت خود را ابطال کرده بلکه به مصالح عموم و حقیقتاً به سعادت افراد دیگر که هموطنان او هستند صدمه و خلل وارد آورده است.

ابوالقاسم

بعد از این بیاناتی که لازم بود به اطلاع ملت برسانم به همین عقاید و شرایط و نیات قلبی که توضیح شد اقدام به اجرای مراسم قانون کرده و از خداوند توفیق می‌خواهم و هم از تأییدات غیبی برای سعادت و ترقی این ملت استمداد می‌جویم:
من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و به آنچه نزد خدا معترم

(۱) اصل: بیش نباید. - م.

(۲) اصل: انتخاب حق انتخاب. - م.

است قسم یاد می‌کنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقررہ سلطنت نمایم. و در ترویج مذهب جمفری انئی‌عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام افعال و اعمال خداوند عز شأنه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از ارواح طیبہ اولیای اسلام استمداد می‌کنم.

ملفوف نمره ۷۰

نطق نایب‌السلطنه در مجلس در چهارم مارس ۱۹۱۱ [۱۳ اسفند ۱۲۸۹؛ ۲ ع ۱-]

[۱۳۲۹]

پس از بیان اینکه مخصوصاً تقاضا نموده که آمدنش به مجلس بدون تشریفات باشد نایب‌السلطنه مفصلاً علت تأخیر آمدن خود را به ایران شرح داده اظهار داشت که انتخاب او بطور صحت بعمل نیامده و در این کار عجله شده است، و اگرچه در موقع افتتاح مجلس حالیه نیابت سلطنت به او تکلیف شده و او رد نموده بود در این موقع بنیچه‌چوجه از مشارالیه استعلام نشده که آیا قبول این خدمت را می‌کند و یا شرایطی دارد یا نه تلگرافاتش در این خصوص مجهول و تحقیقات وی در اینکه انتخاب او چگونه به عمل آمده بلاجواب مانده و نیز اظهار داشت که انتخاب نایب‌السلطنه نباید متنازع‌فیه مابین پارتهای سیاسی واقع شود زیرا این مقام مقام بی‌طرفی است و باید همه احزاب بی‌طرفی او را محترم بشمارند مع‌هذا انتخاب او از راه پارتهای گری بعمل آمده.

پس از آنکه نایب‌السلطنه در این مبحث بحث زیاد کرد عقیده خود را اظهار داشت که طریق انتخاب او نباید سرمشق قرار داده شود و در آتیہ باید برای ترتیب انتخاب نایب‌السلطنه قوانینی وضع شود. بالاخره بیان نمود که چون تلگرافاتش بلاجواب مانده بود با وجود عدم میل مصمم شد که به ایران آمده در این خصوص شخصاً با اشخاصی که مرجعیت دارند مذاکره نماید و ضمناً در ایران و در مطبوعات اروپا تأخیر مسافرت مشارالیه را بر ترس و بیم حمل نمودند و بعلاوه وقتی که در اروپا بود مکاتبات تهدیدآمیز به مشارالیه می‌رسیده و اینک مایل است اظهار نماید نه بیم و نه تردید هیچیک سبب تأخیر مسافرت مشارالیه نبوده علت چنانکه قبلاً اظهار داشته‌اند این بوده که هرچند بسمت نیابت سلطنت انتخاب شده بودند کابینه به هیچیک از سؤالات او جواب نداده.

با وجود اینها لازم می‌داند اظهار نماید تلگرافات شخصی دوستان او در کابینه یا از نمایندگان و تلگرافی که تمام نمایندگان امضاء کرده‌اند از طرف دیگر جبران این

(۱) اصل: عز و شأنه. - م.

(۲) از آخر مطلب جمله چهارم مارس ۱۹۱۱ حذف شد. - م.

قصور نسبت به شخص او نموده است.

به محض ورود طهران رئیس‌الوزراء استعفاء داده و مشارالیه را دچار بحرآن کابینه نموده است.

برای اینکه جلوگیری از بی‌ترتیبی اوضاع و اختلال امور شده باشد به مجلس آمده قسم یاد نماید. قبلاً لازم می‌شمارد ذکر از عقاید عامه که در طهران و ولایات ظاهر شده بنماید و آن این که انتظار دارند او بشخصه همه کارها را اصلاح کند و این عقیده بکلی بر خطا و برخلاف قانون اساسی است که به سلطنت هیچ اقتداری نداده است.

او میل دارد این اشتباه را در اذهان رفع نماید زیرا ابداً نمی‌خواهد در صورتی که انتظارات اهالی انجام نشود مورد ملامت واقع گردد.

پس از آن نایب‌السلطنه در آنچه تصور می‌نمود که از او باید منتظر باشند بحث کرده و گفت از آنچه که از مجلس و اهالی انتظار دارد بیان می‌نماید و چنین اظهار داشت در خصوص انتظارات شما از من گمان می‌کنم مدلول قوانین اساسی برای این مسئله کافی باشد. آقایان نمایندگان این مسئله را بهتر از من می‌دانند و توضیحات من برای اطلاع عموم ملت است.

موافق ماده دوازدهم وضع قوانین از وظایف مجلس یا مجلسین است. سلطنت باید آن قوانین را امضاء نماید و سلطنت قدرت اصلاح یا رد آنها را ندارد. موافق ماده چهل و چهارم وزراء در مقابل مجلس مسئولند و مدلول ماده شصت و هفتم امر می‌کند که هرگاه مجلس عدم اعتماد خود را نسبت به وزراء اظهار کرد باید استعفاء بدهند. هرگاه این قوانین را بدقت ملاحظه نماییم خواهیم دید که هرچند صورتاً انتخاب رئیس‌الوزراء یا سلطنت است مع‌هذا به ملاحظه اینکه وزراء مسئول مجلس هستند و در صورت عدم اعتماد اکثریت معزول و منفصل می‌شوند در تمام اممالک مشروطه قاعده این است که برای جلوگیری از تزلزل یا بحرآن دائمی کابینه بدو سلطنت به توسط رئیس مجلس نمایندگان نظریات اکثریت را استنباط کرده بعد رئیس‌الوزراء را تعیین می‌نمایند - او هم در انتخاب اعضای کابینه خود آزاد و مختار است و طبقاً اعضا کابینه باید اشخاصی باشند که هم مسلک و هم عقیده پلتیکی خود رئیس‌الوزراء باشند. علی‌هذا بخوبی واضح است که قوای مجریه و مقننه هر دو مستقل و از اختیار و میل سلطنت خارج هستند. در این صورت مسلم است که تمام قدرت و مسئولیت از پیشرفت امور دولت با مجلس یا مجلسین و هیئت وزراء است.

چیزی که برای سلطنت باقی می‌ماند اظهار عقیده در کلیات مصالح مملکت آن هم فقط به طریق غیررسمی و صلاح‌اندیشی و نظر به مسئولیتی که هیئت وزراء در مجلس دارند در قبول یا رد اظهاراتی که از طرف سلطنت می‌شود آزاد هستند.

اشعار این ملاحظات از طرف من نباید حمل بر اعتراض یا تقاضای اختیار فوق‌العاده بشود.

هرگاه در بعضی مواقع مجلس دادن اختیارات فوق‌العاده را به دولت لازم بداند

چنانکه وقوع این قبیل مواقع محسوس است، باید آن اختیارات فوق العاده را به هیئت وزراء که مسئول این مجلس هستند بدهد.

بعد از این شرحی که داده شد بر همه واضح خواهد بود که قسمی که در قانون اساسی ذکر شده با اختیارات محدوده سلطنت موافق نیست و یقین است هر کس از این مسائل مستحضر است باید به این نیت قسم یاد نماید و من هم به همین نیت قسم یاد می‌نمایم که با تمام قوا به مملکت و دولت و ملت خود خدمت نموده در تقویت اساس مشروطیت یکوشم.

پس از آن نایب السلطنه جدا مجلس و کابینه را دعوت نمود که عطف توجه بسوی امور جاریه نموده و صمیمانه همت به پیشرفت امور مهمه گماشته و با موافقت تامه با یکدیگر به اصلاحات فوق العاده که طرف حاجت است بکوشند و شاید زائد است اظهار نماید که در صورتی که موانع عمده از بین برداشته شده و شکل حکومت پارلمانی موافق معمول و انتظار موفقیت حاصل نکرده این عدم موفقیت بواسطه نزاعها و زد و خوردهای مشنوم پارتیها و اشخاصی بوده است که زائد از حد موجب ملالت و تأسف مشارالیه است. جدا اظهار امیدواری می‌نمود در آتی به این نزاعها خاتمه پذیرفته برطرف شود و سازش تام و موافقت برادرانه قایم مقام آن خواهد بود فقط به این وسائل است که بتوان مثل سایر ممالك پارلمانی که بفوائد آزادی و ترقی نائل اند به مقصود رسید.

نایب السلطنه که در خاتمه با حدت و جدیت فوق العاده صحبت می‌کرد مطالب را مفصلا اخطار نموده هرگاه آثار اغراض سابقه بروز نماید و چنانچه ببینم امور پیشرفت ننماید و برخلاف بر اشکالات امور بیفزاید به همین قسمی که حالا یاد می‌نمایم که وجدان من بمن حکم خواهد نمود و ضمیر هر صاف وجدانی یا من همراه خواهد بود که باید مقام نیابت سلطنت را ترك نموده ناظر به وضع امور ناگوار نباشم و یقین دارم هر يك از افراد ملت این مطلب را قلباً تصدیق کرده در چنان موقعی که امیدارم پیش نیاید بر کناره جوئی من حیرت نکنند و خورده [= خرده] نگیرند زیرا هم به ملاحظه تکلیف و وظیفه شرعی و عقلی خود و هم به صلاحیت مملکت عمل کرده‌ام و امیدوارم باین طریق که توجه شما را به معایب امور جلب نموده‌ام مورد اعتراض احدی نشود زیرا که بر عموم اهالی اطلاع بر نکات مهمه داخله لازم و هیچ چیز نباید بر آنها پوشیده باشد و در خارج هم که ببینند ماها بر قصور خودمان آگاه و در صدد اصلاح آن هستیم مایه امیدواری آنها خواهد شد.

پس از آن نایب السلطنه قسمی را که در قانون اساسی درج شده یاد نموده قرآن را بوسید.

بعد از آن به مجلس اطلاع داد که برحسب میل اکثریت و کلاء سپهدار اعظم را به مقام ریاست وزراء منصوب نموده و مشارالیه مشغول تشکیل کابینه است و در همین دو سه روز پروگرام کابینه خود را به مجلس پیشنهاد خواهد نمود و به انجام امور مملکت خواهد پرداخت.

نمره - ۷۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ آوریل)
از طهران مورخه ۹ مارس ۱۹۱۱ [۱۸ اسفند ۱۲۸۹؛ ۷ ع ۱-۱۳۲۹]
راجع به مراسله بیست و چهارم فوریه من در خصوص پیشرفت اقداماتی که بجهت
اعاده نظم راههای جنوبی شده افتخار دارم سواد مراسله کفیل قنصلگری شیراز را
که اطلاعات شامله آن چندان اطمینان بخش نیست لذا ارسال دارم.
این مراسله مشعر بر فلاکت حال سربازان ساخلوی شیراز بواسطه نرسیدن حقوقشان
است.

مستر اسمارت از ورود اضافه قشونی که مطابق پروگرام دولت ایران به شیراز
اعزام شده اند نگران است و مخاطراتی را که ممکن است يك همچو جمعیتی از الواط
در صورتی که ترتیب صحیحی در ایصال حقوقشان اعم از اینکه کم یا زیاد باشد
داده نشود تولید کند خاطر نشان می نماید.

فوری مدلول مراسله مزبوره را خاطر نشان وزیر امور خارجه کردم که دولت ایران
از مسامحه در ادای این وظیفه اساسی خود البته دچار مخاطرات و اشکالات زیاد خواهد
شد.

محتشم السلطنه اظهار داشت که سربازان رفورم حقوق خودشان را پیشکی تا آخر
ماه فوریه دریافت داشته اند مع هذا وعده داده در این باب با وزیر جنگ صحبت نماید
مستر اسمارت از وضع ناگوار عدم امنیت راه شیراز و اصفهان شرحی را پورت
داده اظهار میدارد که نمی تواند جدا بگوید که دولت ایران تا اوایل ماه فوریه
اقدامات مخصوصی که متضمن دوام امنیت راه تجارتی جنوب باشد نکرده و ایز
اظهارات مشارالیه را تلگرافات اخیره مستر ناکس که بجای مستر اسمارت قنصل
شیراز شده تأیید می نماید.

از زمان سرقتهایی که راپورت آنها در ضمن مراسلات بیست و دوم فوریه به عرض
رسیده در همان تاریخ دو فقره سرقت مهم دیگر (که راپورت آنها در ضمن تلگراف
مورخه ۲۸ فوریه عرض شد) در شمال شیراز واقع گردید. در یکی از آن سرقتها که
در دوازده میلی شهر شیراز دست داده دویست نفر شتر را برده اند و در ضمن اموال
مسروقه ده عدل مال التجاره متعلق به کمپانی زیگلر بوده است. مستر ناکس کفیل
قنصلگری اندیشه دارد که در این سرقت سایر دارالتجاره های انگلیس نیز خیل
متضرر شده اند.

یکی از غلامهای تلگرافخانه [که] ملزومات تلگرافخانه را حمل می کرده هرچه داشت
برده اند. عده سارقین قریب به چهارصد نفر تخمین شده و کاروان مزبور یکصد و
پنجاه تفنگچی همراه داشته.

دو سرقت دیگر که در شمال اقصی واقع شده چهار بار را برده اند که یکی از
آنها متعلق به مفتش تلگرافخانه ده بید و سه بار دیگر مال کمپانی زیگلر است.
تلگرافات اخیر شیراز نیز مشعر بر سرقتهای جزئی و عدم جرأت قوافل از تجاوز

حدود شهر است.

قنصل جنرال دولت اعلیٰحضرتی در اصفهان نیز راپرت می‌دهد که نظر بساین دزدیها که واقع شده راه بین شیراز و اصفهان هم ایداً قابل استفاده تجارتی نیست. از قرار معلوم قوام‌الملک نایب‌الحکومه شیراز به نظام‌السلطنه تلگراف کرده که خیال داشته است برای دستگیری سارقین قوه منظمی بفرستد ولی مأمورین مالیه از دادن مخارج لازمه جهت حرکت اردو امتناع جسته‌اند و نظام‌السلطنه پنج شش روز جواب را به تأخیر انداخته و بالاخره به خواستن صورت تخمین مخارج اکتفاء کرده است.

از قرار معلوم نظام‌السلطنه در اول مارس وارد کازرون شده و خیال داشته که هشت الی ده روز در آنجا توقف نماید و به این ترتیب تا قبل از اواسط ماه وارد شیراز نخواهد شد. از زمانی که این راپورتهای تلگرافی رسیده لحظه‌ای خودداری نکرده هم به وزیر امور خارجه و هم به سپهدار رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ لزوم فوق‌العاده فراهم آوردن وسائل ممکنه تسهیل اعزام اردوئی به جهت تنبیه سارقین و استرداد اموال مسروقه و فرستادن پول حقوق قشون و رساندن ذخیره تأکید کرده و گفته‌ام لازم است به نظام‌السلطنه دستورالعمل بدهند که در ورود خود به شیراز هر قدر ممکن است تعجیل نماید و نیز خاطر نشان کرده‌ام که نظام‌السلطنه باید بداند که هر روزی که من غیر لزوم تأخیر نماید از فرصتی که شاید تا یک درجه در برقراری نظم و در موقع برای جلوگیری بی‌نظمی مترصده در بهار در هنگام حرکت ایلات دارد بکاهد. دولت ایران مرا مطمئن کرده است که موافق همین مضمون تعلیمات تلگرافی به فرمانفرمای جدید فارس داده شده و در خصوص پول مبلغ سی هزار تومان به شیراز ارسال گردیده. این مبلغ نسبت به یکصد و بیست هزار تومانی که بانک شاهنشاهی اخیراً به عنوان مساعده داده خیلی کم است و رئیس بانک نمی‌تواند تحقیقاً ارسال تنخواهی را به شیراز تصدیق نماید.

در خصوص شعبه‌های دیگر شاهراه جنوبی کلنل کوکس [کاکس] در ششم شهر جاری زاپرت داده که راه بین بوشهر و شیراز قابل عبور و مرور بوده ولی امنیت از سرقتهای رایج بایستی از زیادتى برف که هنوز راهها را گرفته و توقف فرمانفرمای جدید فارس در بین راه دانست.

شعبه بین اصفهان و طهران علی‌الظاهر بدون مستحفظ و در حال اغتشاش و مخاطره است. دو نفر انگلیسی «مستر کی» وکیل سابق تجارتخانه ویکسن و «مسیو امیک» که به سمت طهران مسافرت می‌کردند در هفته گذشته در بیست و چهار میلی شمال اصفهان نزدیک موقعی که چند هفته قبل برای مسیو دالتون یکی از اعضاء بانک شاهنشاهی همین‌طور اتفاق افتاده توقیف و بیشتر آنچه داشته‌اند برده‌اند. ممکن است بعلاوه اظهار شود که جنرال مالتا به اصفهان وارد شده و باز در آنجا بواسطه نبودن مستحفظ کافی که مشارالیه را بشیراز برساند معطل است.

امضاء بارکلی

نمره ۱۷۱

مکتوب مستر اعمار کفیل قنصلگری به سر جرج بارکلی از شیراز مورخه بیست و هفتم ژانویه ۱۹۱۱ [۷ بهمن ۱۲۸۹؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۹] آقا

لزوماً وضع سربازهای ساخلویی شیراز و خطراتی که محتوی زیاد شدن عده آنهاست به اطلاع شما می‌رسانم.

فعلاً در شیراز تقریباً دو هزار و سیصد نفر پیاده نظام موجود و به واسطه نرسیدن حقوقشان در يك حالت رقت آمیزی هستند و برای آنکه از گرمسنگی نمیرند به گدایی و دزدی و قطع اشجار اطراف شهر بجهت هیزم مجبورند چنانچه وقتی يك محله شهر را تماماً چاپیدند.

عمل قطع کردن اشجار مایه هیجان اهالی شده و بنظر یأس به ترقی آتی طراوت و نزهت این ایالت که باعتقاد خودشان یکی از قطعات باصفا و نزهت ایران است در صورتی که اشجار اطراف آن که مایه قشنگی آن است قطع شود می‌نگرند و بعلاوه اشجار را برای سر سایه و حفظ از آفتاب سوزنده تابستان شیراز لازم می‌دانند.

مأمورین محلیه در جلوگیری سربازها اقدام غیرقانونی نموده و البته بدیهی است با یکصد نفر قزاق و چند نفر سوار شهری جلوگیری و حکمرانی بر دو هزار و سیصد نفر سرباز گرمسنگ غیرممکن است.

تفصیل فوق شرح بی‌اغراقی است از وضع و نتیجه وجود سربازهای ساخلویی در شیراز و بعلاوه این مطلب را هم باید در نظر داشت که قلت خسارتشان تا يك درجه‌ای بواسطه ریاست نصرالدوله بر آنهاست زیرا حتی اعداء عدو نمی‌توانسته آن جوان را به عدم سخاوت او متهم نمایند.

در اوایل ریاستش مبلغ بیست و پنج هزار تومان برای نگاهداری سربازهایی که به او سپرده شده بود از جیب خودش داد. احتمال نمی‌رود هیچ رئیس کلی چنین فداکاری بنماید.

کراراً اندیشه خودم را در این خصوص به حکومت محلیه اظهار داشته پیشنهاد کرده‌ام که قسمتی از آن سربازهای بی‌فایده موزی را مرخص نمایند. در جواب می‌گویند دولت مرکزی قبول نمی‌کند.

از قراری که ملتفت شده‌ام دولت ایران در صدد است که عده زیادی قشون که اغلب آنها همان پیاده نظامهای عادی فوجها هستند به فارس بفرستند.

من بالتامه با نظریات اشخاصی که می‌گویند سرباز بی‌فایده محض است همراه نیستم زیرا عده کمی از سرباز به عقیده من در قشونی که بیشتر آنها سواره باشند فقط جهت شالوده‌بندی اردوگشی مفید است. در بعضی اوقات وجود سرباز برای الزام مذهبیین بین ایلات سرکش و غیره فایده دارد که بدانند آن قشون از طرف

دولت است. لهذا بجهت جمع‌آوری قشون سرباز حکم گلوله برقی دارد. سرباز از برای آرام کردن اهالی ترسو که گاه‌گاهی اسباب زحمت می‌شوند مفید است. با وجود عده موجود سرباز ساخلوی در شیراز برای این‌گونه مقاصد زیاد است و از زیاد شدن عده آنها که در شیراز به چهار هزار نفر می‌رسد اندیشه دارم.

قوام‌الملک در جواب سؤال من می‌گوید گمان نمی‌کند دولت ایران چنین عده زیادی از قشون را بدون تهیه و ترتیب صحیحی از برای حقوقشان به فارس بفرستند. ای کاش می‌توانستم با این نیک‌بینی شرکت نمایم و شخصاً پیش‌بینی می‌کنم که تمام آن چهار هزار نفر از اینکه گاه‌گاهی جزئی از اقساط پس‌افتاده حقوقشان برسد کمافی‌السابق دست به دهن‌گرسته و گدا خواهند خواهند ماند.

می‌توان گفت سابقاً هم حقوق قشون به همین بدی می‌رسیده ولی این‌گونه اثرات و پروژات بد را نداشته.

حکومت محلیه بر این است که اصلاح تازه نظامی در ماده سرباز نتیجه برعکس بخشیده بلکه مایه خرابی تربیت آنها شده زیرا در سابق جیره‌شان را از حکومت مرتباً و خانواری‌ان را از دهاتشان می‌گرفتند و چند تومان موجب مالیانه غیرکافی که داشتند ندرتاً به آنها می‌رسید ولی حکومت حالیه جیره را قطع و خانواری را برای خودش ضبط کرده و در مقابل سربازی روزی یک هزار دینار معین نموده و اهالی دهات هم که فهمیدند خانواری مزبور به کسانشان که مستخدم نظامی هستند نمی‌رسد و حکومت هم نمی‌تواند آنها برای خزانة وصول نماید از دادن خانه‌واری پکلی سر پیچیده‌اند. بالاخره نتیجه این شده که سرباز بیچاره جز نصفه‌ای و نیمه‌ای از اقساط پس‌افتاده حقوقشان که گاه‌گاهی برسد دیگر چیزی که بر آن زندگی نمایند ندارند.

با تمام ایرانی‌هایی که در این خصوص صحبت کرده‌ام همگی بالاتفاق بر این هستند که از برای دولت ایران بهتر است که یک هزار قشون صحیح را مرتب کرده آذوقه و اسلحه و لباس و حقوق کافی منظم بدهد تا اینکه مبلغ گزافی خرج قشون زیاد بیفایده نماید.

شاید دولت ایران به مداومت این‌گونه تدابیر در فرستادن این همه قشون بی‌فایده بدون حقوق به فارس جهت و ملاحظاتی داشته باشد. مقصود این است که اطلاعاً عرض می‌کنم که جمع‌آوری این جمعیت در شیراز بدون پرداختن حقوق مرتب به آنها احتمال خطر و زحمت دارد لهذا اگر مصلحت بدانید در طهران به اولیای امور که مسئول این‌گونه امور هستند از خطرات محتمله اخطار فرمایند که هرگاه در آتیه اتفاقی بیفتد نتوانند بگویند اطلاع نداشتیم.

امضاء اسما

نمره - ۷۲

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخه ۲۰ مارس ۱۹۱۱ [۲۹ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۹] آقا

در یازدهم شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع دادم که میپهدار به تشکیل کابینه جدید موفقی گردید. اشخاص و ترکیب کابینه و شغل وزراء را در ورقه جداگانه راپرت داده‌ام.

میپهدار در یازدهم شهر جاری قبل از آنکه وزراء را به مجلس معرفی نماید خطاب‌های راجع به اغتشاش و عدم انتظام امور در اوقات قبل از افتتاح مجلس قرائت نموده گفت مملکت به قدری مغشوش و پایتخت ناامن بود که روز روشن مردم را می‌کشتند. دوایر دولتی بکلی غیرمرتب و وزراء به ملاحظه تعرضات روزنامجات که باعث هیجان خلق می‌شدند و حکومت هم قوه جلوگیری نداشت نمی‌توانستند به قوه عملیه رفتار نمایند و به انتظام ادارات و امور مملکت بپردازند. لهذا چیزی که فعلاً لازم است دادن قوه و اختیارات کافی به کابینه و عدم مداخلات مجلس در قوای مجریه [است]. ریاست را قبول کرده لیکن می‌خواهد بداند چه اقتداری به او داده می‌شود که با وضع مذکوره از عهده انجام امور محوله بر آید زیرا بدون داشتن اختیار و اقتدار لازمه نمی‌تواند در خدمت به مملکت خود اقدام نماید.

کابینه در پروگرامی که به مجلس پیشنهاد کرده اختیارات تامه مخصوصاً تقاضا نموده. خلاصه پروگرام را که «مستر چرچیل» یادداشت کرده لفا ارسال می‌دارد. پروگرام مزبور در شانزدهم شهر جاری در مجلس مطرح مذاکره و پس از مذاکرات بین‌الفرق بالاخره به اکثریت آراء تصویب شد. چهل و هفت نفر رأی دادند هفده نفر مخالفت و سی نفر موافقت کردند و نه نفر غایب بودند. این مسئله قابل دقت است ببینم کابینه در این اختیارات نامحدود که به آن داده شده چه استفاده خواهد کرد.

اظهارات و میل کابینه در دوام روابط دوستی با دول متحابه و امتداد قرضه با بانک شاهنشاهی رضایت‌بخش است. اکثر مواد این پروگرام سابقاً جزو پروگرام وزراء پیش‌نهاد شده بود ولی امید است کابینه حالیه بهتر از کابینه سابق به انجام و اصلاح امور منظوره موفقی گردد زیرا این کابینه [با رأی] اکثریت تام تشکیل شده. لهذا بیش از کابینه مستوفی‌الممالک که زیادی از بیسته نفر حامی در مجلس نداشت طرف میل خواهد بود.

امضاء بارکلی

ملفوف در نمره ۷۲

پروگرام میپهدار روز یازدهم مارچ ۱۹۱۱ [۲۰ اسفند ۱۲۸۹؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۹] پیش‌نهاد مجلس شد.

مقدمه پروگرام مزبور می‌گوید که حالت حالیه امور محتاج به اصلاح کامل است و از برای انجام این مقصد لازم است که به اولیای امور اختیار و اقتدار بیشتر داده شود. پروگرام مزبور مطالب مفصله ذیل را متعرض و آنها را از جمله مسائل مهمه اساسیه که محتاج به توجه و دقت نظر فوری است می‌شمارد:

(۱) برای رفع فتنه و ترور که برخلاف قانون مشروطیت و مانع از پیشرفت کار دولت و موجب خطر مملکت است اقتدار و اختیار تامه لازم.

(۲) مجازات مقصرین پلتیکی و غیره واجب.

(۳) ترقی دوایر دولتی و انتظام مستخدمین لشگری و کشوری لازم.

(۴) اجراء قوانین مطبوعات لازم. در این خصوص هرگاه رجوع به ماده قانون آزادی مطبوعات شود معلوم می‌گردد که صریحاً تأکید شده که تعرض و بدگویی را باید قانوناً متعرض شد. البته از برای اجراء آن اقتدار و اختیار تامه برای کابینه لازم. از وکلاء سؤال می‌شود هرگاه این پروگرام را کابینه به آنها پیشنهاد کند مواد فوق را تصویب می‌نمایند یا خیر و همینکه خطری برای مملکت ملاحظه شود کابینه منتظر و متوقع مساعدت تامه از مجلس است و هرگاه مساعدت کابینه نبیند با کمال میل استعفاء خواهد داد.

مواد پروگرام

اول) ترقی و پیشرفت امنیت عمومی.

دویم) تشکیل قشون سیاره و ماخلوئی در نقاط معینه موافق یادداشت و بودجه‌ای که به مجلس پیشنهاد شده.

سوم) حفظ روابط دوستی با دول متحابه.

چهارم) امتداد مذاکره قرضه‌ای که کابینه قبول نموده و به مجلس پیشنهاد و کمیته مالیه هم آن را تصویب کرده.

پنجم) پیشنهاد يك بودجه عمومی.

ششم) اصلاح مالیه به معاونت مستشارهای خارجه.

هفتم) مراجعه و تغییر مالیات نمك برای رفع اشکالاتی که از تعیین آن بجهت دولت و ملت روی داده.

هشتم) تشکیل يك کمیته مخصوص برای وضع کردن پاره‌ای قوانین موقتی برای اموری که تاکنون قانون آنها نوشته نشده و نمی‌شود صبر کرد از مجاری لازمه بعد قانون آن نوشته شود و این قوانین موقتی فقط محتاج به تصویب کمیته مجلس و اجازه کابینه و امضاء نایب‌السلطنه است.

نهم) اصلاح اداره قضائیه.

دهم) اصلاح مدارس موجوده ابتدائیه و متوسط و تا يك درجه که ممکن شود اجراء يك پروگرام مرتب بجهت تمام مدارس و تأسیس يك مدرسه عالی در طهران برای تعلیم معلمین مطابق پیشنهادی که عنقریب خواهد شد.

یازدهم) ترقی تجارت،
دوازدهم) ترقی قوانین بلدیہ.

نمره - ۷۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخه بیست و یکم مارچ ۱۹۱۱ [۳۰ اسفند ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم عرض کنم که کابینه جدید که یازدهم شهر جاری معرفی شده از
قرار ذیل است:

رئیس الوزراء و وزیر جنگ	سپهدار اعظم
وزیر داخله	مستشارالدوله
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر پست و تلگراف و تجارت	معاون الدوله
وزیر مالیه	ممتازالدوله
وزیر علوم	علاء السلطنه
وزیر امور خارجه	محتشم السلطنه

وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر مالیه هر سه جزء مجلس بودند که به وزارت
انتخاب شدند. در مجلس در علم بحث خاصه مستشارالدوله و ممتازالدوله در علم نطق
قدرتی بخرج دادند. هر سه نفر آنها دارای سبک و عقاید جدید و از تعلیم یافتگان
اروپا می باشند. فرانسه را حرف می زنند و می شود آنها را نماینده طبقه ژون پرسان
دانست. مع هذا نخواستند خود را داخل پارته حسینقلی خان که مشروطه خواه
فوق العاده یا از قراری که بین مردم معروفند حزب دمکرات نمایند ولی معاون الدوله
و علاء السلطنه با حضرات مفصله فوق فرق دارند هر دو از طرف دولت ایران در اروپا
نماینده بوده اند. علاء السلطنه سالها در لندن و معاون الدوله چندی در بالکان بوده.
امضاء بارکلی

نمره - ۷۴

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخه بیست و دوم ماه مارس ۱۹۱۱ [یکم فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱ -
۱۳۲۹]
آقا

ناصرالملک به تشکیل حزب اکثریت در مجلس موفق گردید و این مسئله در تاریخ
پارلمان ایران اولین دفعه است که دو حزب معین که هر یک با خود متحدند وجود

پیدا کرده زیرا غیر از حزب کوچک دموکرات سایر احزاب که بودند سابق به اطراف اشخاص معروف مهم از قبیل سردار اسعد و سپهدار و عین‌الدوله و فرمانفرما جمع کردند لیکن حالا اقدامات نایب‌السلطنه تا یک درجه یک حزب عمده‌ای که طرفدار کابینه‌ی حالیه‌اند تشکیل داده. البته خالی از تماشا نیست ببینم این اکثریت تا کی با هم اتفاق خواهند داشت.

باید گفت از قوه حزب ضعیف دموکرات به واسطه از میان رفتن جمعی از اشخاص مهم آنها از قبیل کشته‌شدن صنیع‌الدوله، اروپا رفتن تقی‌زاده، خارج شدن حسینقلی‌خان و اسدالله‌میرزا برای جزء شدن در کابینه مستوفی‌المالک در ماه ژوئیه که هنوز دوباره انتخاب نشده‌اند بسیار کاسته است.

بارکلی

نمره - ۷۵

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)

از طهران مورخه بیست و سوم مارس ۱۹۱۱ [۲ فروردین ۱۲۹۰: ۲۱ ع ۱ -

۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطور معمول ارسال دارم.
امضاء بارکلی

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از بیست و دوم فوریه الی بیست و دوم مارس [۳

اسفند ۱۲۸۹ تا یکم فروردین ۱۲۹۰: ۲۲ صفر تا ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۹]

مجلس

در جلسه شانزدهم مجلس رأی داد که پروگرام رئیس‌الوزراء جدید مذاکره شود ظاهراً مهیج احساسات پارتیها بود می‌نمود ممتازالدوله رئیس جدید مجلس مکتوبی از طرف نایب‌السلطنه که لفا یادداشتی راجع به اساس حکومت پارلمانی و در حقیقت مشتمل بر نطق بعد نایب‌السلطنه بود آورده قرائت شد. حضار اغلب تحسین گفتند.

وزیر امور خارجه در بیست و پنجم ماه فوریه نطقی کافی راجع به روابط دولت ایران با دول خارجه نمود. در چهارم مارس نایب‌السلطنه در آن مجلس قسم یاد نمود و نطقی کرد که خلاصه آن در مکتوب سر جرج بارکلی مورخه هفتم مارس فرستاده شد.

نایب‌السلطنه در آن مجلس قبول نمودن سپهدار مقام ریاست را رسمی نمود. در هفدهم شهر جاری استعفاء ممتازالدوله از ریاست مجلس قرائت شد. مرتضی‌قلی‌خان نایب بجای او نشست و در نهم شهر جاری مؤتمن‌الملک به اتفاق آراء به ریاست

مجلس معین شد و در روز یازدهم سپهبدان کابینه را به مجلس معرفی کرد و ضمناً نطقی نموده پروگرام خود را به مجلس پیشنهاد کرد. ذکر نطق و پروگرام او هر دو در مراسله جداگانه شده.

در جلسه شانزدهم مجلس رأی داد که پروگرام رئیس‌الوزراء جدید مذاکره شود لهذا فوراً مطرح مذاکره و به اکثریت آراء تصویب شد.

تبریز

فرمانفرمای آذربایجان اظهار داشته که در صدد هستند که يك قشون مرتب مسلح پنج هزار نفری که سه هزار و ششصد نفر آن پیاده نظام و يك هزار نفر سواره و چهارصد نفر توپچی باشند تشکیل بدهند. از قراری که راپرت رسیده راهبها امن است لکن سختی هوا در اوایل ماه فوریه گاهی قطع مراوده کرده.

آستارا

راجع به تلگرام سر جرج بارکلی مورخه ششم مارس ۱۹۱۱ ویس قنصل رشت راپرت می‌دهد که از قراری که از جای موثقی اطلاع یافته حسینقلی شاهسون به یکی از قراولهای روسی که در راه برای حفظ سال‌التجاره گذارده‌اند حمله برده دو نفر سرباز را کشته و يك نفر صاحب‌منصب را زخمی کرده. بعلاوه دو نفر قزاقی که مفقود شده بودند جسد مجروح پاره‌کرده‌شان پیدا شده.

ششصد نفر قشون روس از خاک روسیه گذشته قسمتی از آنها در امتداد سرحد روسیه و اطراف آستارای ایران را گرفته که کسی به خاک روسیه وارد نشود و قسمت دیگر آنها اطراف تپه‌هایی که حسینقلی و همراهانش پناهنده شده‌اند محاصره و جنگ کرده‌اند. از قرار راپورت واصله يك نفر سرباز روسی زخمی و چند نفر از اشرار کشته و زخمی شده‌اند.

از قراری که قنصل جنرال روس مقیم تبریز خبر می‌دهد يك هزار و پانصد نفر قشون روس به سمت آستارای روس حرکت کرده.

رشت

میرالممالك از حکومت گیلان استعفاء داده و سردار معتمد بجای او معین شده. در اواخر فوریه از همدان و کاشان به تجار رشتی تلگرافات شده که شکر و قند روسی را حمل ننمایند. چند روز بعد کابینه عدم رضایت خود را از این کار که مغایر دوستی است تلگراف نموده.

مستحفظ راه که دو نفر تبعة روسی او را با گلوله زده بودند در موم ماه مارس فوت شده جنازه‌اش را بطرز نظامی برداشته دفن کردند.

از قراری که راپورت رسیده اهالی دهات رانگی به تحریک امیر اسعد سپهبدان

هرچه مأمورین مالیه وجه مالیات دولت جمع کرده همه را از آنها گرفته‌اند.
به موجب راپرتی که در هفدهم مارس رسیده قشون روس ساخلوئی در قزوین که
به روسیه احضار شده از رشت حرکت کرده فقط هفتاد و هفت نفر قزاق روسی بجهت
گارد قنسولخانه قزوین باقی گذارده‌اند.

مشهد

جوجوا نام سردسته شورشیان دره‌گزی که با برادرش به خاک روسیه فرار کرده
بودند روسها آنها را گرفته پنا هست به دولت ایران تسلیم نمایند.
قاتل شخص اسماعیلی در نیشابور در بین‌راه که او را به مشهد می‌آورده‌اند گریخته.
ماژور سیکس را عقیده بر این است که حمایت و محافظت اسمعیلیها موافق وعده‌ای
که دولت ایران داده که نیشابور را در تحت فرمانفرمایی خراسان قرار بدهد خیلی
سریتر خواهد بود. وزیر خارجه ایران به وزیرمختار دولت اعلیحضرتی اجراء آن مطلب
را نیز قول داده است.
از قرارى که راپرت رسیده در اواخر ماه فوریه جمعی از دزدان فارس به جلگه
دهات اطراف طبس ریخته دزدیهای کوچک غیرقابل نموده‌اند.
راهبای قائن از دسته‌کشیهای بلوچهای سیستانی بسیار ناامن است.

سیستان

اواسط ماه ژانویه و فوریه يك دسته بلوچ سیستانی که از قرار مذکور می‌بند و
پنجاه نفر می‌باشند در قائنات و سیستان مشغول چپاول بوده‌اند. در خور چهل میلی
مغرب بیرجند نایب‌الحکومه و سه نفر از آدمهای او را که برای مدافعه جلو اشرار
رفته بودند کشته‌اند و عده‌ای شتر و گوسفند را برده و بعد بسمت شمال غربی رفته
کاروانی را که از یزد یا کاشان به مشهد می‌رفته‌اند و از قرار مذکور دوازده
تا هیجده زن را که به اسیری برده‌اند همراه دارند و قریه ده‌سلام را نیز تماماً
چاپیده‌اند و خراب کرده‌اند در پنجاه میل سمت جنوب غربی «نه» صد شتر را برده
و چند ساریان را هم کشته‌اند. بلاشك حشمت‌الملک نایب‌الحکومه سیستان محرك آنها
است و پنج يك تنخواه غارتی هم به مشارالیه می‌رسد و بدیهی است این کار را
برای شکست شوکت‌الملک می‌کنند.

ماژور آکانر و همکار روسی او حشمت‌الملک را دعوت به ملاقات نمودند که
نصیحتش نمایند مشارالیه دعوت را رد کرده لیکن بعد برحسب حکم طهران دو نفر
قنسل را ملاقات نموده.

در اواسط ماه فوریه راه قدری بهتر بوده و به واسطه اظهارات پی در پی ماژور
آکانر و مسیو هموسن در شاهراه تجارتی که مال‌التجاره تجار هندی از آنجا حمل و نقل

(۱) این شخص در محل بنام ججو (همچون چپو) معروف است. - م.

می‌شود شوکت‌الملک و حشمت‌الملک مستحفظ گذاشته‌اند لیکن در خارج آن راه‌سرقتهای متعدد شده است.

اصفهان

شهر آرام و اطراف آن کمافی‌السابق است و از قرار راپورت واصله دزدها در اواخر ماه فوریه به قصبه نطنز دست‌برد زده‌اند و به موجب راپورت واصله دزدیهای فیل هم در راه واقع شده است:

در بیست و دوم ماه فوریه نزدیک حبیب‌آباد و سیزده میلی سمت غربی اصفهان بقدر چهار هزار لیره از نقره و طلا مال بانک شاهنشاه که به یزد فرستاده می‌شده به سرقت برده‌اند. اکثر آن بعد پیدا شده.

مستر کی و مستر میکاک که از اصفهان در بیست و هشتم فوریه حرکت کرده‌اند در باقرآباد پنج نفر به آنها برخورد داده‌اند و آنها را که بقدر یکصد و بیست لیره بوده برده‌اند. از قرار مذکور دزدها بختیاری بوده‌اند. و نیز در اول یا دوم ماه مارس در راه سلطان‌آباد نزدیکی قم دو قافله را زده‌اند و در شب بیست و ششم ماه فوریه در کولی‌کیش [= کولی‌کش] نزدیکی خون خوزه [= خان‌خورده - خان‌خوره] چهارده نفر ماربان و سیصد نفر شتر از بوران پرف تلف و کسانی که جان بدر برده‌اند همه از برف و سرما کور و گنگ شده‌اند.

یزد

انجمن ایالتی به رسیدگی به مصارف پولی که برای مستحفظین راه به حکومت داده شده و در مسئله اجحاف مالیاتی که اهالی دهات متفرقه به مأمورین مالیه نسبت داده‌اند خوب پافشاری کرده است.

یک دو دسته کوچک سارقین در اواسط فوریه در راه نائین و کرمان مکرراً دیده شده‌اند. در نائین و اردکان تعدی و اجحاف مأمورین مالیه برای مردم اسباب زحمت کلی شده.

کرمانشاه

حاجی رستم‌بیک سردسته یکی از پارتیهای شهری که مدتی در تهران توقیف بود گریخته و خود را به کرمانشاه رسانیده و با معین‌الرعا یا سردسته پارتی دیگر که با هم ضد بودند ظاهراً ساخته.

رئیس تازه نظمیه بر قوه پلیس افزوده مع‌ذلك خورده دزدیهای متعدد شده است.

کرمان

مردار نصرت با یکهزار و پانصد نفر روز هیجدهم فوریه از کرمان برای بم حرکت کرده که به اردویی که برای اعاده انتظام امور بلوچستان بنا است در بم تشکیل شود

که آنها یک هزار و پانصد نفر دیگر می شود ملحق شود. در بیم تدارکات لازمه اردو دیده خواهد شد.

شیراز

وضع راهها در ورقه جداگانه راپورت شد. لیوتننت لنگت صاحب منصب کشتیهای همایونی و لیوتننت وارد صاحب منصب قشون هندی که مرخص شده اند در بیست و ششم ماه فوریه بسمت پوشهر حرکت کرده اند.

نمره - ۷۶

مکتوب - راجع بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم آوریل)
از طهران مورخه بیست و سوم مارس ۱۹۱۱ [۲ فروردین ۱۲۹۰: ۲۱ ع ۱۳۲۹-۱]
آقا

راجع به مکتوب من مورخه نهم مارس در خصوص پیشرفت اقدامات دولت ایران در انتظام راه جنوب افتخار دارم عرض نمایم که با وجود اظهارات اکیده من هنوز شنیده نشده که فرمانفرمای جدید فارس از کازرون رد شده باشد و توقف زیاد معظم له در آنجا بواسطه نزاع که فیما بین دو نفر از رؤسای دو طایفه برای تصرف احمدی که منزلی است در شمال پوشهر بوده ظاهراً خان انگالی محلی را فیما بین احمدی و کازرون گرفته راه عبور و مرور قوافل را مسدود ساخته و تصادفاً یکدسته عملجات میزین سیم تلگراف در سه معرکه جنگ واقع ولی خوشبختانه آسیبی به آنها نرسیده و هنوز نشنیده ام که قوافل در آن قسمت راه عبور می نمایند یا خیر. راجع به راه فیما بین شیراز و اصفهان اگرچه غیر از آنچه در فوق در مکتوب خودم به آن اشاره شده دیگر راپورت سرقتی به من نرسیده با وجود این گمان نمی کنم که تجار باز اطمینان حاصل کرده باشند و البته حالا هم خیلی زود است که قبل از اینکه نظام السلطنه به شیراز برسد و مجال پیدا کند که راپورت بدهد به چه وسیله می تواند راههای جنوب را منظم نماید بفهمیم که دولت ایران چگونه شخصاً در انتظام راههای جنوب موفق خواهد شد.

این امور بسته به این است که چگونه نظام السلطنه ضدیت مابین قوام الملک و صولت الدوله را بتواند اصلاح نماید.

از قراری که شنیده شده نظام السلطنه ایل حرب را به قوام سپرده و می خواهد راه شیراز و پوشهر را به صولت الدوله و راه شیراز و اصفهان را به قوام الملک بسپارد. بنظر می آید این ترتیب تدبیر خوبی است ضمناً وقت را از دست نداده به دولت ایران تاکید کرده ام که به نظام السلطنه حکم نماید که در ورود به شیراز عجله نماید و وجوه لازمه را برای یکاربردن استعدادی که مخصوصاً به او سپرده شده است به او برسانند.

جنرال مالتا که در اصفهان به واسطه نبودن سوار که همراهش باشند معطل شده بود روز یازدهم شهر جاری به عزم جنوب حرکت کرد.

بارکلی

نمره - ۷۷

مکتوب سر جرج بکانن [بیوکانان] به سر ادوارد گری (واصله در دهم آوریل) از سنت پترزبورگ مورخه بیست و ششم مارس ۱۹۱۱ [۵ فروردین ۱۲۹۰: ۲۴ ع ۱۳۲۹ - آقا

پس از وصول مرامله جنابعالی مورخه هیجدهم مارس، بطور یادداشت به وزارتخارجہ اطلاع دادم که دولت ایران مبلغ یکصد و بیست هزار تومان بعنوان پیش‌قسط ثانوی از بانک شاهنشاهی تقاضا نموده از این مطلب چنین معلوم می‌شود که در ضمن پروگرام سپهبدار ذکر ترتیب قرض بعدی بوده و بانک شاهنشاهی هم برای دادن مبلغ یکصد و بیست هزار تومان مزبور حاضر است و به سر جرج بارکلی دستورالعمل رسیده که به دولت ایران اظهار نماید مبلغی از آن پول را به مصرف حقوق قشون ساخلوئی شیراز برسانند و اینک افتخار دارم که راپورتاً عرض نمایم که جواب یادداشت من از وزارت خارجة روس یادداشتی رسیده که دولت روس مطالب یادداشت مرا با تشکرات فایقه ضبط نموده.

امضاء بکانن [بیوکانان]

نمره - ۷۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله یازدهم آوریل) از طهران مورخه یازدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۱ فروردین ۱۲۹۰: ۱۱ ع ۱۳۲۹ - امروز بمن خبر رسیده که فرمانفرمای فارس روز ششم آوریل به شیراز وارد شده.

نمره - ۷۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله چهاردهم آوریل) از طهران مورخه چهاردهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۴ فروردین ۱۲۹۰: ۱۴ ع ۱۳۲۹ - راجع به وضع جنوب افتخار دارم که در تعقیب تلگراف خودم مورخه سوم آوریل راپورت بدهم که ظاهراً (۱) بهمین گونه است در اصل که البته درست نیست. - م.

فرمانفرمای قارس در شیراز کفایتی بخرج داده و گفته است اگر دولت یا او درست همراهی نماید یقین دارد که بزودی امور را منظم نماید و نیز به مستر ناکس اطمینان داده که بزودی اقدامات لازمه در تنبیه اشرار جزو خواهد نمود و بعلاوه در نظر دارد که همین که اطراف شیراز خوب منظم شود اردویی به سرکردگی خودش برای سرکوبی طایفه بویراحمدی تشکیل و گسیل نماید.

مع هذا جترال مالقا از اینکه در حین ورودش پول و قشون و اسلحه در شیراز حاضر نبوده بسیار مأیوس شده و آتیه را بد می بیند و به کفیل قنصلگری گفته که اقدام به تشکیل ژاندارمری بدون اینکه پول مخارج یکساله آن تماماً به شیراز فرستاده شود از بی مصرف هم بی مصرف تر است. لهذا در این باب به وزیر امور خارجه راجع باین مسئله خاطر نشان و او را متنبه و ملامت کردم که چرا من و دولت مرا فهمانیده [= گول زده است] است که تاکنون مبلغ هشتاد هزار تومان بجهت مخارج ژاندارمری به شیراز فرستاده شده در حالتی که ثابت شد که این مسئله بی اصل و بی مأخذ بوده معظم له در جواب گفت در این مسئله سوءاستفهامی واقع شده و مرا اطمینان داد که بدون تأخیر وجه لازمه به شیراز فرستاده خواهد شد.

مستر ناکس راپورت می دهد عملیاتی که بنا بود بر ضد کمارج به عمل آید موقوف و متروک شده به تازگی در دو سمت شیراز دو سه قافله شهری را زده اند و از قراری که راپورت رسیده چهارصد نفر بویراحمدی حاضر و مهیا بوده و معصم فرود آمدن به راه بوشهر و شیراز برای غارت قوافل هستند.

نمره - ۸۰

تلگراف سر ادوارد گری به لارد کیلمارناک
از وزارت خارجه مورخه پانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۵ فروردین ۱۲۹۰ : ۱۵ ع ۲ - ۱۳۲۹]

به دولت سوئد ابلاغ نمایید که نظر به این مسئله که هیچ علامت تخفیفی در بی نظمی راههای جنوب ایران مشهود نیست امیدواریم مسئله استخدام صاحب منصبان سوئدی را زودتر فیصل نمایید. ضمناً از دولت معظم له سؤال نمایند که کار استخدام به کجا انجامیده و خوب تشریح نمایید که ما ابداً مخالفت و مفایرتی به استخدام صاحب منصبان سوئدی برای اعاده نظم نقاط مغشوش شده نداریم.

نمره - ۸۱

تلگراف سر جرج یارکلی به سر ادوارد گری (واصله شانزدهم آوریل)
از طهران مورخه شانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۶ فروردین ۱۲۹۰ : ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۹]
مستر ناکس تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع می دهد که نظام السلطنه دیروز عصر

پسرهای قوام را توقیف نمود و این عمل در شیرازیها حالت و اثر ترکیدن بمب را پیدا کرده ابدأً از آنها حرکتی نشده و گمان اینکه اغتشاشی در شهر پیدا شود نمی‌رود.

پسر قوام الملك تمنای تحصن در قنسولخانه دولت فخمه نموده چون احتمال خطری درباره او نمی‌رفته مستر ناکس خواهش او را نپذیرفته. مستر ناکس گمانش این است که سایر منصوبین قوام هم تقاضای همین مطلب را خواهند نمود. به مستر ناکس اطلاع دادم که آنچه در این باب کرده صحیح بوده، و دلیل ظاهری توقیف نصرالدوله این بوده که مشارالیه از گرفتن بعضی اشرار مضایقه نموده.

نمره - ۸۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفدهم آوریل) از طهران مورخه هفدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۷ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۹] کفیل قنسولگری شیراز به من اطلاع داده که گرفتاری پسرهای قوام (که مفتخراً دیروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت دادم) تأثیرخوشی نموده. سردار اسعد فرمانفرمای فارس ابدأً راضی نیست و مسافرت فوری خود را به اروپا که بزودی بایستی صورت بگیرد به تأخیر انداخته و به دولت ایران اظهارات سخت به تقویت پسرهای قوام مینمایند. من به ایشان تأکید نموده‌ام که اقدامی که باعث سستی کار و سلب اقتدار نظام السلطنه بشود نکنند و نیز خاطرنشان کرده‌ام که نظام السلطنه یحتمل استعفاء خواهد کرد اگر دولت با او همراهی ننماید و این کار موجب اغتشاش امور فارس می‌شود.

نمره - ۸۳

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم آوریل) از طهران مورخه هیجدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۸ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۹] در تعقیب تلگرام دیروز من آنچه فهمیده می‌شود دولت ایران مصمم است که به نظام السلطنه حکم رهائی پسرهای قوام را بدهد مشروط بر اینکه از فارس بروند. سردار اسعد به این ترتیب راضی شده.

نمره - ۸۴

تلگرام لارد کیلمارناک به سر ادوارد گری (واصله هیجدهم آوریل)
از امستاکهولم مورخه هیجدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۸ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۸ ع ۱۳۲۹-۲۰]
راجع به صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری ایران.
راجع به تلگرام جنابعالی مورخه پانزدهم آوریل از قراری که از وزارت خارجه
خبر رسیده قرارداد صاحبمنصبان سوئدی تمام شده منتظرند امروز در پاریس صورت
قرارداد نامه مزبور به وزیر مختار سوئد برسد. هرگاه وزیر مختار ایران مقیم پاریس
که اختیارات تامه دارد این مطلب را قبول نماید صاحبمنصبان سوئدی بدون تأمل
انتخاب می‌شوند و برای امضاء نمودن کنتراتهاشان به پاریس می‌روند و بعد چند هفته
تدارک لازمه خود را می‌بینند. من در تأکید به دولت سوئد برای عجله در این کار
کوتاهی ننموده‌ام و در این خصوص به وزیر مختارشان در پاریس تعلیمات تلگرافی
خواهند فرستاد.

نمره - ۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیستم آوریل)
از طهران مورخه بیستم آوریل ۱۹۱۱ [۳۰ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱۳۲۹-۲۰]
مستر ناکس از قرار ذیل تلگراف می‌کند:
«ازدحام زیادی من جمله پسرهای ملاهایی که پس از قتل قوام بدست قوای کشته
شده‌اند دیروز بعد از ظهر جمع شده و قتل فوری آن دو برادر را از فرمانفرمای فارس
خواستند. معظم له در جواب به آنها گفته که استنطاق آنها در روز بیستم آوریل خواهد
بود و موافق قانون به سزای عملشان کشته خواهند شد. ازدحام مردم صمیمانه
فرمانفرمای فارس را تحسین و تشکر گفتند.»

نمره - ۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و دوم آوریل)
از طهران مورخه بیست و دوم آوریل ۱۹۱۱ [۲ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگرام من مورخه بیستم آوریل، مستر ناکس تأخیر افتادن استنطاق
پسران قوام را راپورت می‌دهد.
وزیر امور خارجه بمن اطلاع داده که به نظام السلطنه حکم شده که پسرهای قوام
را به پایتخت بفرستند که دعاوی بر آنها در طهران رسیدگی و محاکمه شود.

نمره - ۸۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و پنجم آوریل)
از طهران مورخه بیست و پنجم آوریل ۱۹۱۱ [۵ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۵ ع ۲-
[۱۳۲۹]

راجع به شیراز

رجوع به تلگرام من مورخه بیست و دوم آوریل بفرمایید:
نظام السلطنه به مستر ناکس اطلاع داده که اگر دولت ایران او را به رها کردن و
یا به طهران فرستادن قوام الملك و نصرالدوله مجبور نماید بدون هیچ گونه سؤال و
جواب از شیراز حرکت خواهد کرد و معظم الیه [= معظم له] شرط می کند که قوامیها
در شیراز رسماً استنطاق شوند و چنین می نماید که مصمم است که هرگاه در این مسئله
با او موافقت نشود استعفاء بدهد و من این مطلب را محرمانه به وزیر امور خارجه
اطلاع داده ام.

نمره - ۸۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و ششم آوریل)
از طهران مورخه بیست و ششم آوریل ۱۹۱۱ [۶ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۶ ع ۲-
[۱۳۲۹]

راجع به راههای جنوب

رجوع به تلگرام من مورخه چهاردهم آوریل بفرمایید:
تلگرام ذیل از مستر ناکس از شیراز رسیده است:
از قرار معلوم فرمانفرمای فارس تأخیر تشکیل ژاندارمری را عجلتاً مناسب می داند
و در صدد است که از برای تنبیه ایلات متفرقه از قشون دولتی و قشقایی و همراهان
خودش در این تابستان اردوها تشکیل بدهد و عقیده اش این است که به هر زودی که
ژاندارمری تشکیل شود تا آن وقت حاضر در همراهی با این اردو نخواهد شد.
جنرال مالتا بعلاوه به معظم الیه [= معظم له] اظهار نموده که اردوی ششصد نفری
که هشتاد هزار تومان خرج بردارد بکلی بی فایده است و به عقیده او چهار هزار نفر
لازم است. اگرچه فرمانفرمای فارس تخمین جنرال مالتا را اساساً در صورتی که
مقصود تشکیل يك قشون کافی دائمی باشد بخوبی تصدیق دارد ولی عقیده ندارد که
دولت ایران تحمل چنین مخارج گزاف را بنماید. بعلاوه احتیاج به تدارك يك اردوئی
بجهت تنبیه اشرار را بزودی لازم می داند.

گمانم این است که تصور و استدلال‌ات نظام‌السلطنه قابل خیلی تحسین است و با وجود لزوم تشکیل يك قوه كافی برای انتظام راهبها، عقیده من این است که هرگاه تشکیل ژاندارمری و اردویی بجهت تنبیه اشرار با هم ممکن نباشد اقدام فوری در تنبیه اشرار باید تقدم داشته باشد و از قراری که نظام‌السلطنه بمن حالی نموده ممکن است مستحفظین موجوده راه را با این مبلغ هشتاد هزار تومان مساعدت و نگهداری نمود.

اگرچه مایلیم که حتی‌الامکان از مداخله در امور نظام‌السلطنه احتراز نمایم مع‌هذا عرض می‌کنم که اگر مستر ناکس با تأخیر تشکیل جاندارمری که نظام‌السلطنه پیشنهاد نموده بدون اعتراض موافقت نماید شاید نظام‌السلطنه چنین استنباط کند که ما این تأخیر را تصویب کرده‌ایم لهذا عرض می‌کنم اگر مصلحت بدانید به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که هرگاه احتمال می‌رود که به رفتار ما این‌طور مجمل ببندند؟^۱ به نظام‌السلطنه بگوییم که خود او این مسئله را با دولت ایران که اعاده انتظامات تامه راهبای جنوب را به دولت انگلیس متعهد است، مذاکره و مرتب نماید.

نمره ۸۹

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

از وزارت خارجه مورخه بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۲ - ۱۳۲۹]

وضع راهبای جنوب

رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و ششم آوریل ۱۹۱۱:

دستورالعمل به قنصل را تصویب می‌نمایم. هرگاه دولت ایران موافق صواب دید تا نظام‌السلطنه تشکیل ژاندارمری را به عهده تعویق بیندازد بنظر شما ما باید چه رویه و اقدام را اختیار نماییم؟

نمره ۹۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و هفتم آوریل)

از طهران مورخه بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱ [۷ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۷ ع ۲ - ۱۳۲۹]

سردار اسعد به من و مدیر اداره لنج در طهران اطلاع داده که به واسطه وضع کوه‌گیلوییها [= کوه‌گیلویه‌ئی‌ها] دیگر خوانین بختیاری مسئولیت امنیت راه اصفهان

(۱) لفظ «که» از عبارت برداشته شد. - م. (۲) اصل: تازه - م.

و اهواز را به عهده نخواهند گرفت مگر در مورد سرقتی که بختیاریها مرتکب شده باشند. سردار اسعد اظهار داشته که این اقدام به واسطه مسلک ضد بختیاری که ایالت فارس کلیتاً اتخاذ کرده ضرورت پیدا کرده است. چنانچه نظام السلطنه یکنفر از کسان صولت الدوله را حاکم بهبهان امرکز طایفه کوهگیلویه نموده و آن شخص برای اینکه اسباب زحمت بختیاریها را فراهم آورد کوهگیلوییها را به زدن قوافل عرض این راه تحریم و ترغیب می نماید و دست اندازی به این راه هم برای کوهگیلوییها بسیار آسان است زیرا تا مسافت بعیدی وصل به شمال بهبهان است. و نیز از قراری که سردار اسعد گفته اند بکار بردن يك استعداد فوق العاده ای بجهت حفظ امنیت این راه لازم است. اگر چنانچه تا بحال معمول بوده حکومت بهبهان با بختیاری بود یا اقلاً در تحت اقتدار دشمن نبود بختیاریها اضطراب و اعتنائی نداشتند.

مستر ویلسن به واسطه این گونه اظهارات سردار اسعد به مدیر اداره لنج در اهواز تلگراف کرده مال التجاره حمل نمایند تا دستور العمل از رؤسای اداره به او برسد و ضمناً به اداره مرکزی لنج خبر داده و این رد مسئولیت از طرف خوانین بختیاری که اسباب مسدود کردن یکی دیگر از شاهراههای عمده تجارت انگلیس است خیلی جالب اهمیت می باشد. مادامی که نتایج تحقیقات لازمه ظاهر نشود رأی به اقدامی نمی دهیم.

نمره - ۹۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و هشتم آوریل)
از طهران مورخه بیست و هشتم آوریل ۱۹۱۱ [۸ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۸ ع ۲ - ۱۳۲۹]

اوقات سه جلسه اخیر مجلس تماماً صرف مذاکرات پروگرام کابینه راجع به مصارف قرضه از بانک شاهنشاهی و کنترات آن استقراض شده پروگرام مزبور معرض سخت تنقیدات فرقه مخالف شده و در جلسه دوم چنین قرار شد که موکول به مذاقه آتیه باشد و کنترات قرضه مزبور دیروز اولین دفعه بود که قرائت شد. مواد و شرایط آن نیز مورد حملات شدید حزب مخالف گردید.

وزیر مالیه پیشنهاد کرد که قرائت ثانی در همان جلسه بشود پیشنهاد ایشان پذیرفته نشد و جمعی از نمایندگان که خود را هواخواه وزراء می خوانند با مخالفین هم رأی شدند.

(۱) لفظ که از عبارت برداشته شد - م.

نمره - ۹۲

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و نهم آوریل)
از طهران مورخه بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱ [۹ اردیبهشت ۱۲۹۰: ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۹]

راههای جنوب

در جواب تلگرام جنابمالی مورخه بیست و هفتم آوریل:
با کمال افتخار عرض می‌کنم که با رأی مستر ناکس که می‌گوید هرگاه تشکیل
ژاندارمری و اقدامات تنبیهی‌ای که نظام‌السلطنه در نظر گرفته است توأماً ممکن نیست
عملیات سرکوبی را مقدم بدارند همراه و اما این جهت را نمی‌دانم چرا تدارک
اردوی سرکوبی با شروع به تشکیل ژاندارمری مختصری باید منافات داشته باشد و
چنین ارائه طریق که لااقل دولت ایران را ملزم به این مسئله نمود بلاشک فعلاً اردوی
ششصد نفری بی‌فایده است ولی شالوده‌بندی معتبری خواهد بود که از آن به تدریج
قوای کافی برای حفظ و حراست راه پنا خواهد شد به شرط اینکه در اردوهای
سرکوبی نتایج مادی حاصل شود.

مستر ناکس بمن اطلاع داده که در ضمن صحبت به نظام‌السلطنه فهمانده که انتظام
راه با اردوی مرتبی مسئله‌ای است که دولت انگلیس آن را اهم مسائل می‌داند.
عقیده مستر ناکس بر این است که تا مسئله قوامیها به یک جایی منتهی نشود دیگر
در این خصوص مذاکره نشود من هم در این رأی با او همراه و به او دستورالعمل
دادم که تا وقت را مقتضی نبیند دیگر اظهاری ننماید.

نمره - ۹۳

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در بیست و نهم آوریل)
از طهران مورخه بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱ [۹ اردیبهشت ۱۲۹۰: ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۹]
راجع به شیراز

راجع به تلگرام من مورخه بیست و پنجم آوریل:
افتخار دارم راپورت بدهم که سردار اسعد بمن اطلاع داده که به فرستادن قوام‌الملک
و نصرالدوله به اروپا راضی‌اند و برحسب خواهش وزیر امور خارجه به مستر ناکس
دستورالعمل داده‌ام که هرطور است نظام‌السلطنه را هم وادارد که به این قرارداد موافقت
نماید. مستر ناکس در جواب تلگرافات ذیل را می‌نماید که نظام‌السلطنه امروز صبح
در جواب صلاح‌اندیشی من اطلاع داده که یخویی ملتفت است که تأخیر در تسویه این
کار مضر مقام‌اوست و وضعیت او را در شیراز لطیفه می‌رساند. معظم‌الیه [= معظم‌له]
جداً مصمم است که تسلیم نشود و همین که بداند نفوذ و اقتدارش در زوال است
استعفای دائمی از شغلش بدهد و می‌گوید تجربیات سابقه‌اش به او یاد می‌دهد که

هرگاه قوامیه‌ها به اروپا تبعید شوند هیچ وسیله اطمینانی که دوباره از راه شمال به ایران مراجعت نمایند موجود نیست. نظام السلطنه اظهار داشته علاوه بر ملاحظه فوق اگر در مقابل اظهارات حکومت مرکزی در این موضوع تسلیم شود این مسئله در نظر اهالی فارس تعبیر به ظفریت هواخواهان قوامیه‌ها در پای‌تخت شده و امید کامیابی و پیشرفت حکومت او را بکلی مرتفع خواهد کرد. معظم‌الیه [= معظم‌له] دولت انگلیس را به شهادت می‌طلبد که در اقدام و اجراء تدابیر صحیح‌های که در فارس لازم بوده حتی‌القدر فروگذار نکرده هرگاه پیشرفت نماید دولت انگلیس او را مورد ملامت قرار ندهد.

صولت‌الدوله نهایت جهد و کوشش را نموده که فردا بازارها را برای پروتست بر ضد تأخیر در کشتن قوام‌الملک و نصرالدوله ببندند و دیروز هم از طرف نمایندگان اعیان و تجار به نظام السلطنه همین قسم پروتست شده.

نمره - ۹۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱)
از طهران مورخه بیست و نهم آوریل ۱۹۱۱ [۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰: ۲۹ ع ۲ - ۱۳۲۹]

راجع به راه بنختیاری و لنج

در تعقیب تلگرام من مورخه بیست و هفتم آوریل ۱۹۱۱:

افتخار دارم راپرت بدهم که سردار اسعد به مستر ویلسن مدیر اداره لنج در طهران اطلاع داده که تا آخر ماه مه احتمال نمی‌رود که طایفه کوهگیلویه بتواند انتظام را مختل نماید.

نظر به آن اظهارات سردار اسعد، مستر ویلسن قرار داده که عجلتاً بطور موقتی قوافل عبور نمایند. امیدوارم که دولت ایران ترتیبی که موجب رضایت سردار اسعد باشد و ضمناً هم اقتدار فرمانفرمای فارس را تضعیف ننماید فراهم آرد.

نمره - ۹۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله اول ماه مه)
از طهران مورخه اول ماه مه ۱۹۱۱ [۱۱ اردی‌بهشت ۱۲۹۰: ۲ ج ۱ - ۱۳۲۹]

راجع به شیراز

مسئله قوامیه‌ها بنظر نمی‌آید که نزدیک به اصلاح باشد. از يك‌طرف پافشاری سردار اسعد و از طرف دیگر به واسطه مقاومت و ضدیت نظام السلطنه دولت ایران حیران و سرگردان است.

نمره - ۹۶

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی (واصله دوم ماه مه)
از وزارت خارجه مورخه دوم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۲ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۳ ج ۱ -
۱۳۲۹]

راجع به راههای جنوب

رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و نهم آوریل نمایید:
در صورتی که با این نظر موافقم که عجلتاً مذاکرات موقوف باشد، به عقیده من
هرگاه آثار و علائمی از دولت ایران ظاهر شود که بخواهد تشکیل ژاندارمری را
موقوف نماید باید او را به ایفای تعهدات راجع به این مسئله واداشت.

نمره - ۹۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سوم ماه مه)
از طهران مورخه سوم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۳ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه بیست و هشتم آوریل بفرومائید:
دیروز مجلس استقراض بانک شاهنشاهی را با وجود مخالفت سخت شصت و پنج
نفر دمکرات تصویب نمود که تنخواه مزبور در بانک بماند تا اینکه مجلس پروگرام
کابینه را درباره کنترل و محل مصارف تنخواه تصویب و امضاء نماید.

نمره - ۹۸

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه چهارم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۴ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۲۹]
راجع به تلگرام شما مورخه سوم ماه مه:
در خصوص استقراض دولت ایران از بانک شاهنشاهی به شما دستورالعمل می‌دهم
مگر اینکه مانع سختی مشاهده نمایی و الا به دولت ایران تأکید و سخت‌گیری نمائید
که از این وجه استقراضی مخارج ژاندارمری منظوره را مقدم بدارد.

نمره - ۹۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پنجم ماه مه)
از طهران مورخه پنجم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۵ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۶ ج ۱-۱۳۲۹]
راجع به تلگرام من مورخه اول ماه مه:

افتخار دارم راپورتاً عرض نمایم که وزیر امور خارجه امروز صبح يك نفر از اجزاء مرا احضار کرده که بمن تأکید نماید که به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که در خصوص امر قوامیها نفوذ خود را به نظام السلطنه بکار برد و نیز وزیر امور خارجه اظهار نموده که بخوبی ملتفت است که من اقدام در این کار را میل ندارم لکن چون مطلب خیلی مهم است امیدوار است که تغییر رأی داده به مستر ناکس دستورالعمل بدهم که به نظام السلطنه فشار بیاورد که موافق حکم طهران عمل نماید. اگرچه دولت قبول کرده که قوام‌الملک و نصرالدوله را که تبعید می‌نماید تا نظام السلطنه در فارس حاکم است آنها را به مراجعت ایران اجازت ندهد، معیناً نظام السلطنه از این دستورالعمل که به او داده شده تجاهل می‌کند.

وزیر امور خارجه اندیشه دارد که راپرتی که به طهران رسیده که جان قوام‌الملک و نصرالدوله در خطر است مقرون به صحت است و می‌گوید معین است که چنین واقعه‌ای بختیاری را مجبور به تلافی و کشیدن انتقام خواهد کرد و نتیجه‌اش استعفای رئیس‌الوزراء خواهد بود. نیز از قراری که وزیر امور خارجه بمن اطلاع داده به نظام السلطنه اعلان داده شده که دولت می‌خواسته همه قسم از او تقویت کند ولی اگر اوامر دولت را اطاعت ننماید آن مسلک تغییر خواهد کرد. عزل نظام السلطنه که در اینجا اشاره شده نتیجه وخیمی خواهد داشت.

بهرحال دستورالعمل به مستر ناکس را مقرون به صواب دانستم که به نظام السلطنه فشار بیاورد که وضع سلوک او دولت را دچار اشکالات سخت نموده. اگر دولت حاضر است تا بدرجه‌ای که بتواند با او همراهی نماید لیکن بواسطه خوف از انتقام‌کشی بختیاری نمی‌تواند کشتن قوام‌الملک و نصرالدوله را تصویب نماید لهذا امید است که راه صواب را پیش گرفته اوامر طهران را اطاعت کند.

نمره - ۱۰۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم ماه مه)
از طهران مورخه ششم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۶ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۷ ج ۱-۱۳۲۹]
کنسول جنرال اعلیحضرتی از اصفهان راپرت می‌دهد که در آنجا بلوای سختی شده و من دولت ایران را مسئول و ضامن مال و جان تبعه انگلیس قرار داده‌ام.

نمره - ۱۰۱

تلگرام سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفتم ماه مه)
از طهران مورخه هفتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۷ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۲۹]
راجع به شیراز

در تعقیب تلگرام من مورخه پنجم ماه مه
افتخار دارم راپرتا عرض نمایم که چون مستر ناکس اطلاع یافته که نظام السلطنه
حاضر شده قوام الملك و نصرالدوله را به اروپا بفرستد دوباره مذاکره با نظام السلطنه
را در این خصوص به تصویب من موقوف داشته.
تلگرافات کفیل قنصلگری از قرار زیر است:
نظام السلطنه بمن اطلاع داده که می خواسته قوام الملك و نصرالدوله را دیشب به
پوشهر روانه نماید لکن چون آنها نمی توانسته اند کاملاً محرمانه حرکت نمایند مجبور
شده که انجام مقصود خود را در فرستادن آنها به تعویق بیندازد. معظم الیه [= معظم له]
مرا مطمئن نموده که امشب یا فردا قوام الملك و نصرالدوله حتماً از شیراز حرکت
خواهند کرد.

اگرچه فرمانفرمای فارس مسئولیت سلامت محبوسین را رد نموده ولیکن ترتیب و
وضع مسافرت آنها به نظر اطمینان بخش می آید.
نظام السلطنه ترتیب مسافرت آنها را مفصلاً بمن حالی نموده. از او پرسیدم آیا
هیچ تأمینی دارد که صولت الدوله که حالا در راه اردو زده است محبوسین را احترام
خواهد نمود یا نه جواب نفی داده ولی گفت گمان ندارد صولت الدوله جرات نماید
بآنها اذیتی وارد آورد. فرمانفرمای فارس از من خواش نمود که از جنابعالی استدعا
نمایم که چند روزی قصد او را مخفی بدارید.

نمره - ۱۰۲

تلگرام سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفتم ماه مه)
از طهران مورخه هفتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۷ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۲۹]
راجع به وضع شیراز

در تعقیب تلگرام من مورخه امروز مستر ناکس تلگراف می کند که قوام الملك و
نصرالدوله شب ششم ماه مه از شیراز حرکت کردند و پس از طی مسافت سی میلی
آنها را کمین کرده نصرالدوله و ناظرش را کشته اند. تفصیل و چگونگی هنوز
نرسیده.

نمره - ۱۰۳

مکتوب سرچرخ یازکلی به سر ادوارد کری (واصله هشتم ماه مه)
از طهران مورخه شانزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۶ فروردین ۱۲۹۰: ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۹] آقا

مفتخراً در طی تلگرافات متفرقه نکات مهمه و پیشرفت اقدام دولت ایران را در احاده
انتظام راه جنوب از تاریخ مکتوب خودم مورخه بیست و سوم مارس که حاوی ورود
جنرال مالتا و نظام السلطنه فرمانفرمای جدید فارس بود راپورت دادم.
در خصوص جنرال مالتا از شنیدن اینکه از موفق نشدن به تشکیل ژاندارمری که
ماموریت اوست پی‌نهایت مأیوس و دلتنگ شده و یأس خود را به کفیل قنصلگری
اظهار داشته ملول شدم. چنین می‌نماید که با وجود اطمینانی که از طرف وزیر امور
خارجه بمن داده شده بود که در مراسله مورخه بیست و سوم ژانویه راپورت دادم که
مبلغ هشتاد هزار تومان بجهت مصارف ژاندارمری به شیراز فرستاده شده جنرال مالتا
دریافته است که پول هم برای او تهیه نشده و به وزیر داخله تلگراف نموده که
تشکیل ژاندارمری تا وجه مصارف لازمه نرسد غیرممکن است. جوابی به مشارالیه
رسیده که همین که با نظام السلطنه یک‌رأی بشوند که چه لازم است احکام فوری صادر
خواهد شد.

جنرال مالتا دو مرتبه پی در پی حاکم را ملاقات نموده و معظم‌الیه [= معظم‌له] گفته
تمام مطالب موکول باین است که آیا پول تحصیل می‌شود یا نه و از جنرال مالتا
خواسته که پروگرامی بدهد که پس از جرح و تعدیل لازمه به طهران فرستاده شود.
جنرال مالتا نقشه‌ای مطابق آن نقشه‌ای که در صورتی که مسئله نبودن آدم و اسلحه را
کنار بگذاریم قبل از حرکتش در طهران داده بود داده و مشارالیه بر این است که
شروع به تشکیل ژاندارمری قبل از آنکه مطمئن به وصول وجه مخارج یک‌ساله بشود
از بی‌مصرف بی‌مصرف‌تر است.

به وصول این خبر وزیر امور خارجه را برای اینکه من و به توسط من دولت
پادشاهی را به اشتباه انداخته بود که وجه به شیراز فرستاده شده ملامت کرده سخت
اظهار کردم که تهیه وجه مخارج فوراً لازم است فقط چیزی که معظم‌الیه [= معظم‌له]
توانست بگوید این بود که در این مسئله سوء تفاهم واقع شده و بمن اطمینان داد که
به هر زودی که ممکن شود وجه به شیراز فرستاده خواهد شد.

راجع بفرمانفرمای جدید فارس کفیل قنصلگری شیراز در تلگراف مورخه دهم
آوریل راپورت می‌دهد که نظام السلطنه با کمال امیدواری اظهار داشته که بزودی این
ایالت را منظم خواهد نمود و نیز معظم‌الیه [= معظم‌له] نهایت عزم و استعداد را
در نظم شهر بخرج داده و به مجرد اینکه راپورت سرقت قافله شهری در چند میلی‌شیراز
به معظم‌الیه [= معظم‌له] رسید فوراً نصرالدوله را با سیصد نفر بتعاقب سارقین
فرستاده خیلی از اموال مسروقه را گرفته لکن سارقین فرار کردند. از آن تاریخ فقط
دو قافله شهری را در حوالی شیراز زده‌اند و تا به درجه‌ای که اطلاع دارم اموال تبعه

انگلیس با آن قوافل نبوده.

قنصل جنرال دولت فخمیه از اصفهان در اول ماه آوریل راپرت می‌دهد که عبور و مرور بین راه شیراز و اصفهان بکلی مسدود است.

مقصود نظام‌السلطنه این است که اقدام فوری در اضمحلال و انهدام دسته‌های سارقین جزء نموده و به مجرد اینکه نظم و امنیت در حوالی شیراز برقرار شود اردوی قابلی بسرکردگی خودش برای مقابله طایفه قطاع‌الطریق بویراحمدی در بیلاق‌شان تشکیل و حرکت دهد.

از قراری که راپرت رسیده چهارصد نفر از این غارتگران در حالت جنگجویی و مصمم فرود آمدن در راه یوشهر و شیراز هستند.

خان کمارج به رؤسای محل خودش حکم داده که در کوه و دره‌ها قراولی کرده قوافل را در دشت ارژن توقیف نمایند تا اینکه از آنجا بتوانند به سلامت و امنیت حرکت نمایند. جنگ و خصومت‌هایی را که نظام‌السلطنه بر ضد خان مشارله [مشارالیه] باعث شده بود به واسطه مقاومت سخت رشیدانه او موقوف شد. روی مسئله رضایت‌بخش است زیرا موافق راپرت قنصل دولت فخمیه مشارالیه همیشه در کمال اطاعت و انقیاد جهد و کوشش داشته که شعبه راه خویش را منظم نماید. مع‌هذا مداخله‌ای در همراهی او ننمودم زیرا که به نظرم بهترین پولتیک است که نظام‌السلطنه را در انجام مأموریت خویش با اختیار خود واگذاریم و موقعی بدست او ندهیم که اگر از عهده برنیاید و یا اینکه برای گریز از مسئولیت استعفاء بدهد، هیچ‌یک از آنها را نسبت به مداخله دولت مرکزی نتیجه از اثر فشارات اکیده سفارت اعلیحضرتی انگلستان ندهد.

نمره - ۱۰۴

مکتوب سر جرج بارکنی به سر ادوارد گری (واصله هشتم ماه مه)
از طهران مورخه نوزدهم آوریل ۱۹۱۱ [۲۹ فروردین ۱۲۹۰؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۹] آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع معمولی ماهیانه ایران را در مدت چهار هفته گذشته لفا ارسال دارم.

ملفوفی نمره ۱۰۴

خلاصه وقایع ایران از بیست و دویم ماه مارس الی نوزدهم ماه آوریل ۱۹۱۱
[۱ تا ۲۹ فروردین ۱۲۹۰؛ ۲۰ ع ۱ تا ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۹]

مجلس

در جلسه بیست و هشتم ماه مارس یادداشت دیگری از طرف نایب‌السلطنه که مخصوصاً راجع به عدم تشکیل و انتظام ادارات دولتی و مراتب بیپودگی کشمکش پارتیها بود قرائت گردید. یادداشت مزبور تاکید می‌نمود که باید در اصلاح ادارات با

اولیاء امور تقویت تامه به عمل آید.

در جلسه سیام ماه مارس لایحه قانونی راجع به قوانین تعلیمات ابتدائی قرائت و مطرح مذاکره شد. یکی از نمایندگان علماء نجف بنا بر بعضی دلایل مذهبی با آن لایحه مخالفت نمود ولی ثبات و استقامت رئیس جدید مجلس آن لایحه را از اینکه مطرود شود نجات داد.

در اول ماه آوریل بر حسب خواهش نایب السلطنه تلگرافی که از طرف علماء نجف به والاحضرت شده بود در مجلس قرائت شد.

پس از ادای تبریک ورود والاحضرت پدارالخلافة و جلوس به مقام نیابت سلطنت علماء رجوع به اختلاف پلتیکی موجوده در طهران نموده و امیدواری کلی خودشان را از اینکه نایب السلطنه به فراهم نمودن وسائل اتحاد که موجب بقاء مملکت است اظهار داشته بودند. در همان جلسه کاغذی از سردار اسعد که از مجلس درخواست مرخصی سه ماهه برای رفتن به اروپا جهت مبالغه چشم نموده بود قرائت گردید رای گرفته و مرخصی داده شد. رئیس الوزراء در آن جلسه حاضر بود ولی در مذاکرات مداخله ننمود.

هیئت رئیسه که می بایستی موافق قانون مقرر از نو انتخاب شوند در چهارم آوریل قانوناً رای گرفته شد نتیجه ذیل حاصل گردید:

مؤتمن الملك باتفاق آراء مجدداً به ریاست انتخاب گردید. مرتضی قلی خان - نایب رئیس اول. متین السلطنه - نایب رئیس دوم. میرزا ابراهیم خان - حاجی میرزا رضا خان - فهیم الملك - و معاضد الملك - مجدداً به منشی گری منتخب شدند.

به استثناء رئیس که بی طرف است نایب رئیسها و منشیها همه از حزب اکثریت انتخاب شده اند.

در مجلسی که مرکب از هفتاد نفر وکیل است آنها هر يك تقریباً چهل رای داشتند. در صورتی که نامزدشدگان حزب اقلیت هريك بین بیست الی سی رای داشتند.

در جلسه ششم ماه آوریل رئیس مجلس در موقع جلوس به صندلی ریاست و کلاه را از حسن اعتمادشان نسبت به مشارالیه تشکر کرده اظهار داشت که مایل بوده مجدداً قبول ریاست را نماید زیرا یقین داشته که مجلس مصمم است بقیه پیشنهادهای را قبل از انقضاء زمان مجلس که هنوز شش ماه دیگر باقی است تصویب نماید.

لایحه در خصوص تدارك گندم بجهت طهران مطرح گردید مقصود از این لایحه جلوگیری از احتکار ملاکین عمده است.

سپس از وزیر داخله در خصوص تبعید يك نفر فدائی معروف مسمی به یار محمدخان همدستی ۱ حزب اقلیت دمکرات استیضاح نمودند. این قضیه محتمل بود تولید مشاجره و مجادله پر حرارتی در میان پارتیها نماید لیکن رئیس مجلس دنباله مذاکره و مجادله را قطع نمود.

در یازدهم آوریل شاهزاده امیراعظم پسر امیر خان سردار که آن مرحوم دارای نشان جی سی ئم جی (جی سی ئم جی درجه مایقی^۱ است که دولت انگلستان می‌دهد) [بود] بسمت معاونت وزارت جنگ معرفی و از ایشان در خصوص اسلحه و قورخانه که می‌گویند دولت خریده استیضاح مشارالیه اظهار داشت که دولت هفت هزار قبضه تفنگ روسی از قرار قبضه‌ای چهارده تومان و فشنگ را از قرار دانه‌ای دویست دینار خریده ولیکن عدد فشنگ را معین نکرد.

وزیر مالیه در پانزدهم شهر جاری از مجلس درخواست کرد که مسئله قرضه از بانک شاهنشاهی را که کابینه قبل پیشنهاد به مجلس کرده بود در فهرست مطالب بنویسند که در هیجدهم آوریل مذاکره شود.

درخواست وزیر مالیه پذیرفته شد لیکن باز در جلسه هیجدهم به‌روز بیستم به‌تمویق افتاد.

ایالات و ولایات

مازندران

شاهزاده ظفرالسلطنه بجای ظهیرالدوله حاکم شده و نسبتاً انتظامی موجود است.

گیلان

این ولایت تا يك درجه بنظر منظم می‌آید.

مشهد

قنصل جنرال دولت بهیه انگلیس راپرت می‌دهد که سرقت‌های متعدد در همه اطراف واقع شده از همه طرف دزدهای ترتبی^۲ را اشغال نموده‌اند حتی اینکه اهالی دهات هم متدرجاً همدست و ملحق به سارقین شده‌اند. نایب‌حسین یافی معروف با سیصد نفر سوار طبس را تصرف کرده.

اصفهان

چند نفر بختیاری پست طهران را که در چهاردهم شهر جاری وارد اصفهان شد در کاشان زده تمام بسته‌های امانت بانضمام دارایی مسافرین را برده‌اند. عبور و مرور در راه اصفهان و شیراز به واسطه سارقین یکلی مسدود ولی شهر اصفهان مثل سابق آرام است. حکمران اصفهان که از عباس‌آقا نام تبعه روس که هنوز در تحت استنطاق است تیر خورده بود بهبودی حاصل کرده.

۱ و ۲) بهمین گونه است در اصل. - م.

یزد

به موجب راپرت واصله در ماه مارس بر ضد پارسیان تحریک و هیجانی شده بیست و چهار نفر از آنها فرار کرده در ویس قنسلگری پناهنده شده [اند].
در آخر ماه مارس زمانی که نایب حسین طبعی را گرفته راه بین یزد و مشهد بکلی مسدود شده.
ضیغم الدوله قشقائی به حکومت خود برقرار شده.

شیراز

در ششم آوریل نظام السلطنه به محل حکومت وارد و در پانزدهم قوام الملك و برادرش نصرالدوله را حبس کرده. وضع ناگوار راهها در ورقة جداگانه عرض شده.

کرمان

از قرار خبری که در دوازدهم شهر جاری رسیده اردویی که به یلوچستان فرستاده شده بود قلعه بامپور [بمپور] را تصرف کرده و مصمم است که به سرکوبی فهرج برود.
چنین می نماید که شاهزاده جلال الدوله فرمانفرمای کرمان آن ایالت را منظم نموده.

کرمانشاه

از قراری که راپرت رسیده وضع شهر و قصبهات خیلی بد است و اتصالا دزدی واقع می شود. در شب بیست و چهارم مارس چند نفر دزد به قنسلخانه شاهنشاهی ریخته و پاره ای اسباب را برده و شب بعد کوشیده اند که تفنگهای مستحفظین قنسلخانه را ببرند. تیر و تفنگت فیما بین دزدان و سوارهای هندی رد و بدل شده. دزدها موفق گردیده داخل يك قسمت عمارت شده پاره ای لباس و پول مال سوارها را برده اند. اظهارات لازمه به حکومت مرکزی فرستاده شده بعضی ها را توقیف کرده اند.

لرستان

لطفعلی خان امیر مخنم بختیاری حاکم لرستان شده در راه و عازم به محل حکومت است.

نمره - ۱۰۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخه هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ - ۱۲۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه ششم مه بفرمایید.
قنصل جنرال دولت فنیمه از اصفهان راپرت می دهد که شهر آرام تر ولی دکاکی

هنوز بسته است.

نمره - ۱۰۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری
از طهران مورخه هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱-۱۳۲۹]
راجع به شیراز در تعقیب تلگرام من مورخه هفتم ماه مه.
دولت ایران می‌خواهد سردار اسعد را در این کابینه وزیر داخله نماید.

نمره - ۱۰۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری
از طهران مورخه هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱-۱۳۲۹]
راجع به شیراز
رجوع به تلگرام قبل امروز من بفرمایید.
مستر ناکس تلگراف کرده که قوام‌الملک صغیراً به شیراز وارد و اینک در
قنصلخانه متحصن است.
امروز صبح به کفیل قنصلگری حکم دادم هرگاه قوام‌الملک در معرض خطر است
و حفظ جان خود را از قنصلخانه درخواست دارد او را پناه بدهد.

نمره - ۱۰۸

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری
از طهران مورخه نهم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۹ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۰ ج ۱-۱۳۲۹]
راجع به شیراز
در تعقیب تلگراف من مورخه هشتم مه تفصیل ذیل راجع به حمله به قوام‌الملک و
نصرالدوله از کفیل قنصلگری دولت فخمه از شیراز رسیده. تفصیل کشتن نصرالدوله
که از مجاری متعدده صحت آن تصدیق شده از قرار ذیل است:
معادل يك صد و پنجاه نفر سوار و غیره بانضمام شش نفر قشقایی تا هشت میلی
قوام‌الملک و نصرالدوله را همراهی نموده و از آن نقطه پنجاه نفر مستحفظ با آنها
رفته پس از آنکه سی میل مسافت پیمودند آن شش نفر قشقایی از آنها جدا شده و
بیک دسته‌ای از قشقائی که در عرض راه در کمین بودند ملحق شدند. این اشخاص
از طایفه حاجی محمدکریم‌خان نماینده قشقایی در مجلس بوده‌اند و پسر مشارالیه شاهد

(۱) اصل: درخواست او را دارد.

واقعه بوده است. قشقاییها به فاصله چند ذرعی نصرالدوله را تیر زده و يك نفر از همراهان او را زخم زده و آنچه الائیة [= اثاث] همراه داشته به غارت بردند. به مجرد شنیدن این غوغا مستحفظین بدون آنکه تیری خالی نمایند فرار کردند. در آن اثناء قوام‌الملک که نصف میل جلو بود ملتفت شد که راه عقب مسدود است فرار کرده پس از طی مسافتی از بیراهه خود را به شیراز رسانید و همین‌که به خانه‌اش که جنب دروازه واقع است وارد شد به نظام‌السلطنه اطلاع داد که عازم رفتن به قنسولخانه است و هرگاه از او ممانعت و جلوگیری شود او و کسانش تا دم آخر دفاع خواهند کرد و پس از چند دقیقه با لباس مبدل رفته و به سلامت وارد قنسولخانه گردید و من به نظام‌السلطنه رسماً اطلاع دادم و اظهار داشتم که قوام‌الملک از قنسولخانه خارج نخواهد شد تا زمانی که تأمین جانی مشارالیه را که موجب رضایت دولت اعلیحضرتی انگلیس باشد تحصیل نمایم. نظام‌السلطنه جواب داد که دوستان مفر مسلح خانه قوامیها را منگر کرده و ممکن است که موجب اغتشاش بشوند. به معظمالیه [= معظمله] اطلاع دادم که همین‌که تأمین کتبی بجهت مال و خانه و فامیل قوام‌الملک بدست آوردم مشارالیه به عیالش دستورالعمل خواهد فرستاد که آن اشخاص را که به موجب اطلاع من سی نفری هستند متفرق نماید.

امروز بعد از ظهر بازارها را بستند و محتمل است که صولت یسا نظام‌السلطنه بکوشند که اسباب انقلاب شهر را فراهم نمایند و ضمناً هم رسماً به نظام‌السلطنه اظهار کردم که در صورتیکه به اروپائیان خسارت و اذیتی وارد آید او مسئول خواهد بود. فردا صبح هم اخطار سخت لفظی به مشارالیه خواهم فرستاد.

نمره - ۱۰۹

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله نهم ماه مه) از طهران مورخه نهم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۹] قنسول دولت فنیمه وضع کرمانشاه را اضطراب‌آمیز راپورت داده بعلاوه می‌گوید که خیلی از اعیان از ترس اغتشاش محتمله از شهر خارج شده‌اند. حکومت مرکزی بتازگی حاکم بیکاره را احضار نموده است. استعفاء نایب‌الحکومه هم اعلام شده. به ملاحظه اوضاعی که مستر «مکدوال» راپرت داده به دولت ایران تأکید کردم که حاکم مقتدری به کرمانشاه بفرستد.

نمره - ۱۱۰

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ماه مه)
از طهران مورخه دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه می و یکم ماه مارس بفرمایید.
وزیرمختار روس بمن اطلاع داده تحقیقات توأمی (از طرف نمایندگان ایران و
روس) راجع به قتل وزیر مالیه سابق در هفته قبل به اختتام رسیده و تقصیر معلوم
گردیده که قتل عمدی بوده دو نفر قاتل را برای محاکمه به روسیه فرستاده‌اند. يك
نفر از آنها همین که از بحر خضر [= خزر] می‌گذشته‌اند خود را تلف کرده.

نمره - ۱۱۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ماه مه)
از طهران مورخه دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۲۹]
راجع به شیراز
مرحمت فرموده رجوع به تلگرام من مورخه هشتم ماه مه بفرمایید.
تلگرام ذیل از مستر ناکس رسیده:
افتخار دارم راپورتا عرض کنم که جلسات انجمن منعقد شده که برضد اینکه در
قنصلخانه به قوام‌الملک پناه داده شده پروتست نمایند.
فرمانفرمای فارس برخی از مقاصد مخالفانه انجمن را محرمانه به ما اطلاع داده
است و نیز فهمانیده که شاید بزودی مداخله فعلی لازم گردد. ولی به هر درجه‌ای که
معظم‌الیه [= معظم‌له] باین اقدام که فقط وسیله حفاظت شخصی وی است مایل باشد
یاور نمی‌کنم چنین اقداماتی که باعث مداخله شود بنماید. چنانچه مصلحت بدانید
به معظم‌الیه [= معظم‌له] اخطار نمایم که هرگاه اغتشاشاتی واقع شود که برای حفظ
جان و مال اتباع خارجه مستلزم مداخله شود دولت فخیمه او را شخصاً و مستقیماً
مسئول خواهد شمرد. در جواب به مستر ناکس اخطار به نظام‌السلطنه را تصویب کرده
و ضمناً به دولت ایران اظهار کردم که هرگاه در شیراز به قنصلخانه دولت فخیم
خساراتی وارد آید دولت مشارالیه‌ها مسئول خواهد بود.

نمره - ۱۱۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ -
[۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام خودتان مورخه دهم ماه مه راجع به شیراز بفرمایید.
دولت ایران و فرمانفرمای فارس هر دو را باید اخطار نمود که هرگاه اقدام
بی‌رویه و هتکی بر ضد قنصلخانه دولت فخمه بشود نتایج وخیمه خواهد داشت.
ما نمی‌توانیم برخلاف عادت مقرر در ایران بست موقتی را به قوام‌الملک که تقریباً
از گذشته‌شدن جان بدر برده مضایقه و از طرف دیگر هم آرزوی آن را نداریم که او
را از مجازات عادلانه هر خیانت و تقصیری که او مرتکب آن باشد او را پناه دهیم و
اما در صورتی می‌توانیم مشارالیه را تسلیم نماییم که تأمین کامل حاصل کنیم که
عادلانه و بی‌غرضانه استنطاق و یا از مملکت اخراج شود و آن هم موکول [است] بر
اینکه در آن ضمن جانش محفوظ باشد.

نمره - ۱۱۳

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه دهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۱ -
[۱۳۲۹]

آیا در شیراز استعداد کافی است که اروپائیان را در موقع مخاطره محافظت نمایند؟
این قسم که کفیل قنصلگری اوضاع را شرح داده محتمل است لازم شود که اقدامات
مخصوص برای این مقصود بنمائیم رای شما چیست؟

نمره - ۱۱۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دوازدهم ماه مه)
از طهران مورخه دوازدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۲ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۳ ج ۱ -
[۱۳۲۹]

راجع به شیراز در جواب تلگرام جنابعالی مورخه دهم ماه مه:
افتخار دارم عرض کنم که مستر ناکس عجالتاً زیاد کردن گارد قنصلخانه را تصویب
نمی‌کند و من هم در این خصوص با او همراهم. مشارالیه تصریح می‌دهد که هرگاه
امری اتفاق بیفتد قبل از این خواهد بود که استعداد نتواند به شیراز برسد و یقین
دارم که مستر ناکس هر يك از اروپائیان [را] که در مخاطره باشند در قنصلخانه
پناه خواهد داد.

نمره - ۱۱۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله سیزدهم ماه مه)
از طهران مورخه دوازدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۲ اردیبهشت ۱۲۹۰: ۱۳ ج ۱ -
[۱۳۲۹]

راجع به وضع شیراز - راجع به تلگرام من مورخه هشتم ماه مه
سر دار اسعد بمن اطلاع داده که در این کابینه وزیر داخله نخواهد شد.

نمره - ۱۱۶

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم ماه مه)
از طهران مورخه پانزدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۰: ۱۶ ج ۱ -
[۱۳۲۹]

کینگستون وکیل کمپانی باروغ وولکم که از طهران به اصفهان می‌رفته دیروز
در خفر حوالی اصفهان هرچه داشته برده و کتکش هم زده‌اند. کیفیت را در مراسله‌ای
به دولت ایران اطلاع دادم.

نمره - ۱۱۷

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله هفدهم ماه مه)
از طهران مورخه هفدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۷ اردیبهشت ۱۲۹۰: ۱۸ ج ۱-۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه هفدهم ماه مه به قریمایید. هیجان برضد قنصلخانه که ظاهراً
قدری آرام گرفته بود امروز جان تازه گرفته اخبار ذیل از کفیل قنصلگری رسیده:
بازارها و ادارات عمومی را امروز صبح بسته و عده زیادی از اهالی در تلگرافخانه
ایرانی چادر زده اقامت نموده‌اند. مقصود عمده از این اقدامات و نمایشها این است
که برضد حکم طهران که به احضار چهار نفر کسان نظام السلطنه و صولت‌الدوله به
مرکز صادر شده پروتست نموده و بخواهند که قوام‌الملک را تسلیم نمایند.
اگرچه بعضی از اعضاء محترم‌تر انجمن استعفاء داده با وجود این نمایش مزبور
رو باز دیاد است. رجاله شهر را اجرت و خوراک کافی می‌دهند و نسبت بمن اطالة لسان
و فحاشی زیاد می‌کنند و همچنین تهدیدات سخت می‌نمایند و پس از افتضاح کاریهای
نمایش گذشته پیش‌بینی اغتشاش سختی نمی‌کنم.
کارکن‌های صولت‌الدوله بیشتر از پیش در کارند.

نمره - ۱۱۸

تلگرام سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیستم ماه مه)
از طهران مورخه بیستم ماه مه ۱۹۱۱ [۳۰ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۱ ج ۱-۱۳۲۹]
افتخار دارم راپورت بدهم که موجب سه نفر صاحبمنصبهای مؤسسه بجهت
جاندارمری و دو نفر فرانسوی برای استخدام در وزارت داخله و مالیه در هیجدهم ماه
مه در مجلس تصویب شد. دولت فرانسه بی پرده به دولت ایران گفته که دو نفر
فرانسوی که استخدام آنها را تصویب کرده‌اند نباید به هیچ وزارتخانه‌ای اتصال
داشته باشند فقط به شغل معلمی مشغول باشند.

نمره - ۱۱۹

مکتوب سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله بیست و دوم ماه مه)
از طهران مورخه هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱-۱۳۲۹]
راجع به تلگرام دیروز من:

دیشب به توسط تلگرام فوری کفیل قنصلگری شیراز اطلاع یافت‌ام که ناظر
نصرالدوله تیر نخورده فرار کرده و در خانه باغبان‌باشی نصرالدوله که يك نفر
بلجیکی است و من او را بر حسب خواهش وزیر مختار دولت بلجیک در موقع گرفتاری
قوامینها در تحت حمایت دولت انگلیس گرفته‌ام پناهنده شده. مستر ناکس می‌گوید
که ناظر مزبور در مخاطره بوده و شاید آن مخاطره به آن بلجیکی راجع گردد و سؤال
می‌کند که آیا سوارهای قنصلخانه را بفرستد که ناظر را به قنصلخانه بیاورند؟
تصویب مخاطره مجادله فیما بین سوارهای قنصلخانه و اهالی شهر را برای خاطر
يك نفر آدمی که در تحت حمایت دولت انگلیس نیست بنظر من صحیح نیامد لهذا به
مستر ناکس جواب دادم نمی‌توانم ارائه طریق او را تصویب نموده حکم بدهم لیکن
اگر آن باغبان بلجیکی حمایت و حفاظت بخواهد اجازه دارد سوارهای قنصلگری را
بفرستد که او را به قنصلخانه ببرند و نیز به مستر ناکس دستور العمل دادم که
فرمانفرمای فارس را مسئول امنیت آن بلجیکی قرار بدهد.

در جواب سؤال دیگر مستر ناکس مبنی بر اینکه به ناظر نصرالدوله و یا اهالی
فامیل قوامی هرگاه در معرض مخاطره آجل باشند و پناه بخواهند در قنصلخانه پناه
بدهد یا نه؟ تلگرام کردم که هر ایرانی را که مشارالیه بدانند در معرض مخاطره آجل
است و به قنصلخانه وارد شود و تحصن بخواهد پناه بدهد ولیکن نباید در هیچ
قضیه‌ای سوارهای قنصلخانه را بکار ببرد که اشخاصی که در تحت حمایت دولت
انگلیس نیستند به قنصلخانه جلب کند.

مطالب فوق را مبادرت کرده اطلاع دادم که در آتیه بدانم که طریق و قاعده‌ای که
اظهار کرده‌ام که بر طبق آن مستحفظین قنصلگری را می‌توان در چنین موارد بکار
برد تصویب می‌نمایید یا خیر؟
امضاء بارکلی

نمره - ۱۲۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه بیست و چهارم ماه مه ۱۹۱۱ [۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۵ چ ۱-]
[۱۳۲۹]

شکایت دیگر از دارالتجاره‌های منچستر راجع بر عدم امنیت راههای جنوب ایران
رسیده حاکی است که وضع راهها در عوض اینکه رو به امنیت و بهبودی پرود به
درجه‌ای تنزل کرده و خراب شده که تاکنون این‌طور نبوده هرگاه این اظهارات حقیقت
دارد راپرت بدهید که آیا به عقیده شما ما می‌توانیم الحال اقداماتی را که دولت ایران
کرده بخوبی متفقانه به معرض امتحان گذارده شده و بطور قطعی آن را بی‌نتیجه و
بی‌حاصل بدانیم؟ آیا ما نمی‌توانیم حال در این مسئله اصرار نماییم که نقشه ما
تنها وسیله نجات تجارت انگلیس و اعاده انتظام است؟

نمره - ۱۲۱

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخه بیست و ششم ماه مه ۱۹۱۱ [۵ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ چ ۱-۱۳۲۹]
رجوع به تلگرام من مورخه پانزدهم ماه مه بفرمایید.
راپرت لخت کردن کینگستن حالا بمن رسید. بسته مال سفارت را که به اصفهان
می‌برده باز و غارت کرده‌اند و به خود کینگستن هم نهایت بدرفتاری و بی‌احترامی
را نموده‌اند.

در صورتی که دولت از عهده تنبیه اشرار و استرداد اشیاء مسروقه برنمیاید عرض
می‌کنم چنانچه مصلحت بدانید باضافه قیمت اشیاء مسروقه مبلغ یکصد لیره بعنوان
غرامت و مجازات شکستن مهر سفارت و بی‌احترامی به تبعه انگلیس طلب نمایم.

نمره - ۱۲۲

تلگرام سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه مورخه بیست و هفتم ماه مه ۱۹۱۱ [۶ خرداد ۱۲۹۰، ۲۸ چ ۱-]
[۱۳۲۹]

رجوع به تلگرام خودتان مورخه بیست و ششم ماه مه بکنید.
راجع به اشیائی که از کینگستن برده‌اند پیشنهاد شما را تصویب می‌کنم لابد صد
لیره به مستر کینگستن داده خواهد شد.

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

از طهران مورخه بیست و هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۷ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ ج ۱۳۲۹-۱]
راجع به راههای جنوب - در جواب تلگراف جناب عالی مورخه بیست و چهارم ماه مه:
افتخار دارم که از وضع راههای جنوب راپرت بدهم:

(۱) امنیت راه کرمان و بندرعباس مشکوک است لیکن قوافل عبور می نمایند.

(۲) در راه کرمان و یزد امنیت موجود است و قوافل عبور می نمایند.

(۳) بختیاریه پیش بینی می کنند که کوهگیلوییها [= کوهگیلوییها] در راه اهواز و اصفهان تاخت و تازی بکنند ولی آن راه فعلاً امن است و دیگر بختیاریه بر کوهگیلوییها اختیاری ندارند و احتمال بی نظمی و اغتشاش در این راه حادث شود زیرا که با وجود اظهارات و تأکیدات حکومت مرکزی نظام السلطنه از تعیین یکی از دوستان بختیاری به حکومت بهبهان که حکومت و جلوگیری کوهگیلویی جزو و توأم با آن است امتناع می نماید.

(۴) راه قم و اصفهان در جنوب کاشان نهایت ناامنی را دارد. از ماه فوریه گذشته چهار نفر از تبعه دولت بهیبه انگلیس را غارت کرده اند.

(۵) راجع به راه بوشهر و اصفهان (که گمان می کنم شکایات دارالتجاره منچستر مخصوصاً راجع به آن راه است)

مأمورین قنصلخانه های بوشهر و شیراز راپرت می دهند نسبت به سال گذشته امنیت نهایت بهتر است لهذا می توانم عرض کنم که دارالتجاره های مزبور در اشتباه هستند. مدتی است که راپرت هیچ گونه سرقتی در راه شیراز و بوشهر نرسیده و از ماه دسامبر گذشته تاکنون سرقتی که مایه تلف مال التجاره انگلیس باشد واقع نشده. خسارتی که همیشه به سیم تلگراف در موقع عبور و مرور ایلات وارد می آمد امسال وارد نیامده.

بهر حال چنین می فهمم که قلت حمل و نقل مال التجاره سبب شکایت تجار گردیده و از همین جهت است که عبور قوافل کمتر شده.

کوهگیلوییها غارتهای زیاد در شعبه راه شیراز و اصفهان در نزدیکی قمشه نموده اند لیکن از اول ماه آوریل تا بحال سرقتی از اموال انگلیس واقع نشده و فعلاً مال التجاره بخوبی و آزادی در آن راه عبور می نمایند.

نظر به این مسئله که این بهبودی بهیچوجه از زیادی تسلط دولت مرکزی نبوده و بیشتر منوط به حسن نیت دولت الدوله بوده ما باز همچو گمان می کنیم که امید و احتمال دوام آن را خیلی ضعیف بدانیم. بهر حال موقع اصرار در قبولاندن نقشه خودمان محققاً نرسیده من بایستی به منتها اکراه داشته باشم که اگر بر فرض امور به نهایت بدتر از حالا باشد توصیه نمایم که برای قبولاندن نقشه خودمان اصرار نمایم.

وضع دولت ایران فعلا بسیار متزلزل است و به نهایت مغشوش و پریشان تر خواهد شد اگر ما او را چهار این تکلیف نماییم.

جسارتا عرض می‌کنم که در آخرین استاتستیک گمرک که به طبع رسید آنهایی که برای ده ماه گذشته تا بیست و یکم ماه ژانویه بوده از قرار صدی دوازده بر عایدات جنوب نسبت به سال گذشته افزوده شده. کسر بوشهر از اضافه عایدات بندرعباس و محمره بیش از ازا جبران می‌شود. عایدات بندر محمره شامل واردات کمپانی نفت ایران و انگلیس که از تأدیة حقوق گمرکی معاف است نمی‌باشد.

نمره - ۱۲۴

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخه دوم ماه ژوئن ۱۹۱۱ [۱۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۴ ج ۲-۱۳۲۹]
وزیر مختار روس می‌گوید که شاهسونها مجدداً در شورش هستند. به تازگی حاکم اردبیل استعدادی فراهم کرد که آنها را خلع اسلحه نماید [ولی] شکست خورده و به اهر فرار کرده و از قرار مذکور شاهسونها رو بطرف آن شهر می‌روند.

نمره - ۱۲۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخه پنجم ماه ژوئن ۱۹۱۱ [۱۵ خرداد ۱۲۹۰؛ ۷ ج ۲-۱۳۲۹]
مرحمت فرموده رجوع به تلگرام من مورخه دویم ماه ژوئن بفرمایید.
از قراری که قنصل دولت فخیمة انگلیس راپرت می‌دهد وضع آذربایجان اضطراب‌انگیز است. بعلاوة شکست خوردن حاکم اردبیل، [از] يك تیره قزداغی قشونی هم که حاکم اهر برای تنبیه آنها فرستاده بود جلوگیری سخت نموده‌اند. از قرار معلوم مخبر السلطنه هم قادر به فرستادن امداد برای مقابلی آن ایلات نیست. مطالب ذیل جمله متمم تلگراف قنصل پادشاهی است:
نظر به اضطرابی که به علت اوضاع اردبیل فعلا در تبریز غلبه دارد حضور قشون روس را من و دیگران خوشبختانه می‌دانیم.

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری
از طهران مورخه شانزدهم ماه مه ۱۹۱۱ [۲۶ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۷ ج ۱ -
[۱۳۲۹
آقا

راجع به تلگراف من مورخه بیست و هشتم ماه مه و سوم ماه آوریل راجع به مذاکرات مجلس در خصوص قرضه پیشنهادی مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره ای را که دولت ایران توسط بانک شاهنشاهی در بازار لندن می‌خواهد تحصیل نماید افتخار دارم (ملفوف نمره یک) سواد آن کتترات را که وزیر مالیه و رئیس بانک در هشتم شهر جاری امضاء کرده‌اند لفا ارسال دارم.

آن نقشه‌ای که در آخر سال گذشته به توسط کابینه مستوفی‌الممالک به مجلس پیشنهاد شده بود به کمیسیون مالیه مجلس راجع شد و از آنجا بیرون آمد که در جلسه بیست و دوم ماه آوریل در مجلس علنی مطرح مذاکره شود.

ممتازالدوله وزیر مالیه کابینه سپهدار آن لایحه را به عهده داشت. صنایع‌الدوله مرحوم که در کابینه سابق وزیر مالیه بود صورت مخارج و نقشه کنترل آن وجه را که درست به مصرف برسد ترتیب داده ترجمه آن طرح را (در ملفوف نمره دو) ارسال می‌دارم قابل ملاحظه است. با اینکه کمیسیون مالیه مجلس مختصر تغییر در آن داده این طرح می‌نماید که لزوم کنترل را توسط مأمورین اروپایی کاملاً درک کرده‌اند و در آن دقت و اهتمام کامل ترتیب داده شده که راه دزدی و اتلاف مسدود گردد.

در جلسه بیست و دوم ماه آوریل اولاً نقشه کنترل و مصرف آن قرضه مطرح مذاکره شد. کابینه حالیه صورت آن مخارج را بر طبق مقتضیاتی که بعد از تهیه آن توسط مرحوم صنایع‌الدوله حادث شده تغییر داده به (ملفوف نمره سه) رجوع بفرمایید. مذاکره در این خصوص در بیست و پنجم ماه آوریل مجدداً تجدید و تصویب شد در بیست و پنجم آوریل تجدید مذاکرات شده و تصویب گردید عوض آنکه در پیشنهاد مصارف و کنترل مذاکرات شود در اصل خود لایحه استقراض مذاکره شده به آن ماده اضافه گردد که در صورت تصویب مسئله قرضه وجه آن در بانک شاهنشاهی سپرده شود تا آنکه نقشه مصرف و کنترل از مجلس بگذرد.

بنا بر این لایحه استقراض در بیست و هفتم آوریل دفعه اول و در دوم ماه دفعه ثانی قرائت گردید و از طرف حزب دموکرات که ناطق عمده آنها وحیدالملک بود با شدت تمام یا آن مخالفت شد. وکیل مزبور در کینه و بنه این مسئله بحث نموده تنقید کامل نمود ولی فصاحت کلام و مداومت او در مخالفت در مقابل طرفداران متحده دولت که به مجرد درخواست رأی از طرف رئیس مجلس خود را ظاهر نمودند نتیجه نبخشید. بالاخره لایحه مذکور در دوم ماه باکثرت آراء تصویب گردیده کتترات آن شش روز بعد به امضاء رسید.

بنا بر این موقع امور فعلاً به قرار ذیل است:

آنچه را به دولت ایران مربوط است وجه استقراض مذکور تا زمانی که مجلس پیشنهادات دولت را راجع به مصارف و کنترل آن تصویب ننموده بدست دولت نخواهد آمد.

قراردادی که فیما بین بانک و دولت ایران در بیست و ششم مه به عمل آمده و به موجب آن قروض که دولت به بانک مدیون است تثبیت شده و فرع از قرار صدی هفت بر مبلغ ۳۲,۳۷۴,۲۱۶,۰۸۰ قران (یا ۶۱۰,۸۰۰ لیرا از قرار هر لیره‌ای ۵۳ قران) که مجموع قروض است که دولت تا بیستم ماه مه ۱۹۱۱ مدیون بوده به صدی پنج تخفیف داده می‌شود.

این را متذکر شد که برحسب خواهش فوری دولت ایران بانک شاهنشاهی در عرض چند ماه آخری از بابت قرضه لیرای انگلیس به دولت ایران مساعده داد. مبلغ آن به اضافه فرع لغایت بیستم مه به ۳,۴۳۹,۶۶۶,۰۶۵ قران (یا از قرار هر لیرا ۵۳ تران ۶۴,۹۰۰ لیرای انگلیس) می‌شود بدون رجوع به مجلس پرداخته خواهد شد. خالص وجه قرضه ۱,۰۹۳,۷۰۰ [لیر] می‌باشد و بانک مبلغ ۶۷۵,۷۰۰ لیرا از آن کسر نموده بقیه آن که به دولت ایران خواهد رسید ۴۱۸,۰۰۰ لیرا خواهد بود.

این را هم ممکن است علاوه نمایم که یک فقره بدهی دولت ایران در لندن که مدتی از موعد پرداخت آن گذشته از بابت امتیاز لاتار که ناصرالدین‌شاه مرحوم در سال ۱۸۸۹ داده است بانک بعهده خود گرفته و چون قرضه مذکور از قرار صدی ۸۷ یک دوم محسوب می‌شود برای پرداخت آن هم محلی باقی گذارده شده.

امضاء بارکلی

ملفوفی يك نمره ۱۲۶

کنترات قرضه‌ای که فیما بین دولت ایران و بانک شاهنشاهی ایران بسته شده این کنترات در تاریخ یوم هشتم ماه مه ۱۹۱۱ [۱۸ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۲۹] مابین دولت علیه ایران از یک طرف و بانک شاهنشاهی ایران (که از این به بعد به‌واسطه بانک خطاب می‌شود) از طرف دیگر بسته شده.

از آنجائی که دولت علیه ایران مایل استقراض مبلغ ۱,۲۵۰,۰۰۰ لیرای انگلیسی بوده و بانک قبول نموده که قرضه مذکور را از قرار هر یکصد لیرا هشتاد و هفت لیرا و ده شیلینگ بدهد، اکنون حاضرین شاهد و اظهار می‌نمایند که مواد ذیل مابین دولت علیه ایران و بانک مقرر شده:

(۱) بانک قرضه مذکور را از هر یکصد لیرای انگلیسی هشتاد و هفت لیرا و ده شیلینگ بلا کم و کسر خواهد پرداخت.

(۲) دولت علیه ایران در لندن ۱۲۵۰۰ سهام که هر یک به مبلغ یکصد لیرا باشد صادر خواهد نمود و فرع سالیانه صدی پنج بر آن تعیین خواهد گردید و به شکل

اسهام معمولی دولتی خواهد بود.

قرضه مذکور بوسیله وجه استهلاکی سالیانه صدی نیم که از سال ۱۹۱۶ شروع شده و تا مدتی که بالغ بر پنجاه سال نباشد امتداد خواهد داشت بدون کم و کسر پرداخته خواهد شد.

هر سال در ماه آوریل حواله داده می شود و در ۱۵ ماه متعاقب آن وجه آن بدون کم و کسر پرداخته خواهد شد و پس از آن تاریخ فرع بر آن اسهام تعلق نخواهد گرفت.

(۳) دولت علیه کلیه شرایط مندرجه اسهام مذکوره را در خصوص تأدیه وجه قرضه و فرع آن و غیره ملحوظ و معمول خواهد داشت.

(۴) دولت ایران محق خواهد بود که قرضه مذکور را در هر موقع پس از سال ۱۹۱۶ شش ماه قبل اطلاع داده و آن را بپردازد.

(۵) دولت علیه ایران برای پرداخت این قرضه و بطور اولین تحمیل که پس از تحمیلات سابقه که يك فقره ۱۵۷۴۱ لیرا و يك شیلینگ و ده پینس [= پنس] سالیانه لغایت سه سال و دیگری مبلغ ۳۰۲۷۸ لیرا و ۱۲ شیلینگ و ۷ پنس سالیانه از سال ۱۹۱۳ الی سال ۱۹۲۸ باشد مخصوصاً تمام عایدات خالص گمرکی را از هر قبیل که دولت حالیه یا در هر موقعی فیما بعد می تواند در تمام بنادر یا جاهای دیگر خلیج فارس که شامل بوشهر و بندرعباس و لنگه و محمره و اهواز باشد وصول نماید، برای محل پرداخت قرضه تعیین می نماید و به موجب این قرارداد این وجوهاتی که وصول شود بایستی به بانک پرداخته شده و دولت علیه ایران به موجب این نوشته متعهد است که پس از وصول تمام این وجوهات گمرکی فوق الذکر را بدون کسر مگر آنچه برای مصارف حقیقی اداره نمودن گمرکات بنادر مذکوره که قبل از تاریخ تأدیه آنها به مصرف رسیده باشد به بانک بپردازد.

(۱) دولت علیه ایران تعهد می نماید که تا مدتی که این قرضه دوام دارد کلیه وجوهاتی را که اداره گمرک وصول می نماید در همان بنادری که وصول می شود هفته به هفته به بانک یا به شعبه نزدیک ترین آن برای پرداخت وجوهات مذکوره که سابقاً تحمیل شده و پرداخت قرضه رسانیده بانک در انتهای هر ماه صورت حساب آنچه وصول نموده به دولت ایران خواهد داد.

(۲) از این پولهایی که بانک وصول می کند وجه تحمیلات فوق الذکر و فرع و استهلاك قرضه را تأدیه نموده آنچه اضافه بماند جزو طلب دولت ایران محسوب خواهد داشت.

(۳) از این وجوهاتی که بانک باین طریق وصول می کند بانک تعهد می نماید که از جانب دولت علیه ایران فرع نیمه ساله را در لندن پرداخته به امورات راجع به استهلاك و وسایل پرداخت قرضه بدون آنکه مخارجی بر آن محسوب دارد رسیدگی و سرپرستی نماید.

(۴) در صورتی که عایدات سه ماهه گمرکی بنادر فوق الذکر از مبلغی که برای

تحمیلات سابقه و پرداخت قرضه یا برای فرع یا استهلاك آن کمتر باشد دولت علیه ایران می‌تواند که از منابع دیگر عایدات دولت جای این کم‌بود را پر نماید و بعلاوه هرگاه عایداتی که از این منابع بدست می‌آید از مبلغی که در فوق مذکور شد کمتر باشد دولت ایران برحسب این ورقه برای این مقصود عایداتی که از بابت تلگراف وصول می‌شود برای آن تعیین می‌نماید و این فقره دویم تحمیلات بر عایدات تلگرافی لغایت سال ۱۹۲۸ خواهد بود و پس از این موعد عایدات از تلگراف بحال خود آزاد خواهد بود.

۱(۶) از وجوهات قرضه بانک از طرف دولت علیه ایران مجاز خواهد بود که پدهیهای موجوده دولت علیه را به بانک پرداخته و بقیه را در ظرف سه ماه بعد از امضای کتبرات به اختیار دولت واگذارد.

۷) تا زمانی که قرضه دوام دارد یا تا مدت کمتری که بانک بخواهد بانک وکیل مطلق دولت ایران در انگلستان خواهد بود برای امورات راجع به قرضه و کلیه امور راجع به آن ولی بهیچوجه سمت ضمانت نقدی نسبت به صاحبان اسهام نخواهد داشت. ۸) اسهام قرضه حالیه برای همیشه از تمام مالیاتهای ایران با کسر بود معاف می‌باشد. فرع و اصل بنابراین بهیچوجه در هیچ موقع یا در تحت هیچ اوضاع از طرف دولت ایران مورد کسر شدن واقع نخواهد گردید. (نسختین نوشته شد).

در جنرال قنصلگری اهلیحضرتی می‌باشد

طهران ۸ مه ۱۹۱۱ ان پاتریک کوان (کفیل ویس قنصلگری)

طهران ۱۵ مه ۱۹۱۱ اسمعیل ممتازالدوله (وزیر مالیه) (مهر)

برای بانک شاهنشاهی (مهر بنخل ایرانی)

ا. او. وود رئیس کل (تمبر)

ملفوف دو مکتوب نمرة ۱۲۶

خلاصه نقشه صنایع‌الدوله از برای کنترل مصارف و قرضه پیشنهادی يك میلیون و دوپست و پنجاه هزار لیرای انگلیسی توسط بانک شاهنشاهی ایران در لندن:
ماده اول - قرضه يك میلیون و دوپست و پنجاه هزار لیرای فوق در تحت نظارت کمیته کنترل که ذیلا مذکور گردیده به مصارف ذیل خواهد رسید:
ماده دو:

۱) ۳,۳۹۶,۶۹۷ تومان از بابت پرداخت طلب بانک شاهنشاهی ایران

۲) ۱,۵۶۲,۸۰۰ تومان اعتبار برای مصارف ۱۵,۶۲۸ نفر استعداد مسلح (موجب نقشه علیحده) برای ساخلو بودن در مراکز ذیل: فارسستان و بنادر خلیج فارس، اردبیل، قراچداغ، استراباد، شاهرود، بروجرد و لرستان و عربستان.

۳) ۳۰۰,۰۰۰ تومان اعتبار برای پرداخت قسط اول اسلحه‌ای که به موجب ماده

۱) بهمین گونه است در اصل و شماره‌بندی‌ها گنگ است. - م.

چهارم ذیل خریدده شود.

(۴) تنمه برای مصرف تشکیل ژاندارمری توسط صاحبمنصبان اروپایی که بموجب ماده پنجم ذیل استخدام شوند.

ماده دوم - برای کنترل صرافی خرید نقره و خرید اسلحه و تأدیه اقساط آن و کنترل و نظارت مصارفی که در ماده اول مذکور است يك کمیته مختلطه کنترل که شعب مختلفه ادارات دولتی در آن نمایندگی داشته باشند مرکب از هفت نفر اروپایی که در استخدام دولت ایران هستند و هفت نفر مأمورین ایرانی در تحت ریاست وزیر مالیه و نیابت ریاست مدیر گمرکات تشکیل خواهد شد.

ماده سوم - کمیته کنترل چنانچه در ماده دوم مقرر شده نقشه مفصل مصارف قشونی و خرید اسلحه (موجب ماده اول ۲ و ۳) را تهیه نموده و وزیر مالیه آنرا برای تصویب به مجلس پیشنهاد خواهد نمود.

ماده چهارم - برای انتخاب اسلحه و تعیین مبلغ قیمت و مصارف آن و ترتیبات جزئی و کلی پرداخت آن يك کمیته مرکب از سه نفر صاحبمنصبان اروپایی و سه نفر صاحبمنصبان ایرانی در وزارت جنگ منعقد گردیده و نقشه آن را آماده نموده به کمیته کنترل عرضه خواهند داشت که آخر الامر به مجلس پیشنهاد شود - ۳۰۰,۰۰۰ تومان از بابت قسط اول این خرید پرداخته شده اقساط دیگر از قرار سالیانه تعیین خواهد گردید.

ماده پنجم - پس از ورود صاحبمنصبان ژاندارمری يك کمیته در تحت نظارت وزارت داخله در آنجا منعقد گردیده نقشه ای برای رفورم ژاندارمری طرح نموده توسط کمیته کنترل برای تصویب مجلس عرضه خواهد گردید و وجهی که در ماده اول (چهارم) قید شده به مصرف فوری این نقشه خواهد رسید.

ملفوف سه مکتوب نمره ۱۲۶

تغییراتی که از طرف کابینه حاضره پیشنهاد شده

ماده اول:

(۱) ۳,۳۹۶,۶۹۷ تومان در مقابل وجوهاتی که بانک شاهنشاهی ایران طلبکار است پرداخته گردد.

(۲) ۳۴۱,۵۱۰ از بابت مساعده ای که از بابت قرضه اخذ شده پرداخته شود.

ماده دوم: ۵۰۰,۰۰۰ تومان برای حقوق عقب افتاده قشون و ژاندارم و پلیس.

ماده سوم: ۱۰۰,۰۰۰ تومان برای حقوق عقب افتاده نمایندگان ایران مقیم خارجه

ماده چهارم: ۲۲۰,۰۰۰ تومان برای خرید اسلحه که قسمتی از آن فعلا از مراکز مالیه قشونی قفقاز خریداری شده.

ماده پنجم: ۲۰۰,۰۰۰ تومان برای ژاندارمری.

ماده ششم: ۱,۲۴۳,۰۰۰ تومان برای حقوق اساله قشون.

مکتوب سر چرج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۶ ژوئن)
 طهران ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۹]
 آقا

رجوع به مراسله ۱۶ ماه گذشته من در باب اقداماتی که دولت ایران برای اعاده نظم طرق جنوبی نموده افتخاراً راپرت می‌دهم که اقدام نظام السلطنه در مورد قوامیها که مظنون به تحریک به سرقتهای اخیر در حوالی شیراز بودند منتج به تمایل در اعاده اطمینان اهالی و تجدید و استقرار تجارت آن نقطه گردیده.

مستر ناکس کفیل قنصلگری در تاریخ سیزدهم مه راپرت می‌دهد که راه بوشهر الی شیراز فعلاً دارای کمال امنیت است و قوافل مثل موقع علفچرانی بطور آزادی در ایاب و ذهاب می‌باشند. یک سرقت جزئی در کمارج و دیگری در نزدیکی دشت ارژن بوقوع رسیده. از قرار معلوم نظام السلطنه دست خان کمارج را که در مکتوب فوق‌الذکر خود از او اشاره نمودم آخرالامر از کار کوتاه کرد و او تهدید به سرقت نموده است اگرچه تاکنون سرقتی از او بظهور نرسیده.

کلنل کاکس نیز در باب همان راه راپرت می‌دهد که قوافل متعاقب هم به بوشهر ورود نموده ولی حیوان بار کمیاب و میزان کرایه گران است و از مردم حق راهداری گرفته می‌شود و لکن مأمورین محلی کوشش دارند که این باج را یا مرفوع داشته یا تخفیفی در آن بدهند.

اما از بابت راه شیراز الی اصفهان تازگی اخبار سرقتی نرسیده ولی ایاب و ذهاب قوافل موقوف گردیده. میزان کرایه خیلی گران است.

از قراری که فهمیده‌ام یکی یا دو قافله تازگی بطرف شمال حرکت نموده‌اند. قبایل کهکلوئی [= کهگیلویه‌ای] نزدیک قمشه مقداری گله و رمه را زده و طوایف بویراحمدی‌ها در حوالی یزد خاست همینطور غارتها را معمول داشته‌اند.

راه مابین طهران و اصفهان ناامن است و با حمله ۲ به مستر کینگستن که از طرف کمپانی بوروز ولکم دوافروش مسافرت می‌نمود و در تلگراف پانزدهم شهر جاری من از آن اشاره شده [نامبرده] چهارم شخصی است که بواسطه غفلت‌کاری مذموم مأمورین محلی در برقراری مستحفظین در منازل اولیه از اصفهان به این طرف، به این عقوبت گرفتار گردیده.

امضاء چرج بارکلی

(۱) کلمه «در» از این جمله حذف شد. - م.

(۲) اصل: حمله را که بر... - م.

نمره - ۱۲۸

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)
 طهران ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردی بهشت ۱۲۹۰: ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۹]
 آقا

افتخاراً راپرت خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را لفا انقاد می‌دارم.
 امضاء جرج بارکلی

ملفوفی نمره ۱۲۸

خلاصه وقایع چهار هفته اخیر لغایت ۱۸ مه ۱۹۱۱

مأمورین مالیه امریکایی

طهران مستر دلیو مرگان شوستر خزانه دار کل، مستر چارلز ای مکاسکی [= مک کاسکی] مفتش مالیات ایالات و مستر پروس جی دیکی^۱ مفتش کل مالیات در دوازدهم مه از امریکا به طهران ورود نمودند و مستر اف سی کرتز^۲ و مستر ار دلیو هلز [= هیلز] هنوز در راه هستند.

کابینه وزراء

مستشارالدوله وزیر داخله در اوایل مه از شغل خود استعفاء کرده و سمت مزبور به سردار اسعد اعطاء شده لکن از قبول آن امتناع ورزید. از آن وقت تاکنون مستشارالدوله دومرتبه شغل خود را باز گرفته است. سپهدار بعثت اشکالات امور فارس و دلایل دیگر تهدید به استعفای از صدارت نمود ولی او را وادار به حفظ مقام خود نمودند.

قرضه از بانک شاهنشاهی

نقشه قرضه در بیست و دویم آوریل به مجلس عرضه گردیده دسته مخالف بحث شدیدی در آن نمودند و لایحه قرضه از طرف اکثریت طرفداران کابینه در تاریخ دویم مه تصویب گردیده و کنترات آن در ششم مه به امضاء رسید شرح آن به موجب مکتوب علیحده است.

انتخابات

به موجب قانون اساسی ایران در عوض وکلایی که جایشان به يك علتی خالی باشد وکلاء جدید به اکثریت آراء نمایندگان مجلس انتخاب خواهند شد. سردهسته حزب مخالف اظهار داشت که این طریق مناسب نخواهد بود چرا که در هر موقعی که مجلس برای جای خالی اعضاء انتخابات به عمل آورد حزبی که در مجلس اکثریت با آنها است آن اکثریت را تزئید خواهند نمود.

در هفتم ماه مه هفت وکیل از طرف مجلس انتخاب گردیده.

(۱) اصل: ویکی.

(۲) اصل: کرتز.

کتاب آبی

ولیمهد

در ۱۸ مه سفیر اعلیحضرتی به حضور شاه و نایب السلطنه مشرف گردیده مراسله اعلیحضرت پادشاهی را در خصوص شناختن محمدحسن میرزا برادر کوچک شاه را به ولیمهدی تقدیم نمود.

مجلس

در چندین جلسه نقشه قرضه و طرح مصارف و نظارت دولت مطرح مذاکره گردید. اکثر وزرای کابینه در موقع مذاکره این مسئله حضور داشتند. مخالفت حزب دموکرات بی اندازه اسباب تشویش آنها گردید. اکثریت نمایندگان مجلس از کابینه حمایت نمودند. در جلسه بیست و هفتم آوریل وزیر مالیه پیشنهاد کرد که چون مسئله قرضه نهایت اهمیت و لزوم را دارد باید در همان روز دفعه اول و دوم قرائت گردد. در این مسئله قدری اشکال در میان بود وقتی که رئیس اخنرای می نمود معلوم گردید که پیشنهاد مذکور رد شد و چون این مسئله چندان قابل اهمیت نبود اعتنائی به آن نشده قرائت دفعه ثانی آن به تعویق انداخته شد.

تبریز

فئسول اعلیحضرتی در تاریخ دهم مه تلگرافاً [= تلگرافی] راپرت می دهد که سالارالدوله برادر شاه مخلوع از سرحد عبور نموده به عنوان اینکه عثمانیان وعده همراهی به او داده اند مشغول به هیجان آوردن اکبراد می باشد ولی تاکنون تلاش او چندان موفقیت حاصل ننموده فرمانفرمای آنجا مکتوب دوستانه ای به او نوشته و او را به آمدن تبریز دعوت و به او خاطر نشان نموده که در هرگونه دعاوی که از دولت ایران داشته باشد با او همراهی داشته و از خطراتی که حرکات و اعمال حالیه او برایش دارد او را متنبه نموده است.

رشت

ظفرالسلطنه حاکم استرabad در اواسط مارس با میصد نفر پیاده نظام و دو مراده توپ به رؤسای نارنج باغ که طرفدار دولت می باشند ملحق گردیده. جنگ غیرمنظمی بوقوع رسید. در این اثناء نایب السلطنه تلگرافاً [= تلگرافی] به ظفرالسلطنه دستورالعمل داد که چون یاقیان مصمم تسلیم شده اند قشون خود را مسترد دارد.

در ۲۶ مارس امیر مکرم و اسمعیل خان در ساری به ظفرالسلطنه تسلیم گردیده متمهد پرداخت مالیات عقب افتاده شدند پس از آن ایالت مازندران به آنها سپرده شد. از آن وقت تاکنون ظفرالسلطنه به حکومت آنجا مقرر است.

علاءالملک به حکومت گیلان انتخاب گردیده تقریباً با دویست سوار در اواسط ماه آوریل از طهران وارد و به طرف طالش برای وصول مالیات سنوات گذشته حرکت نمود. این اقدام باعث اغتشاش شده و در آن اغتشاش هفت سرباز و هفت دهقان از

قرار راپورت واصله مقتول گردیده.

مشهد

در ۱۹ آوریل به واسطه مالیات نواقل قدری اغتشاش به ظهور رسیده سه نفر که يك نفر هم پلیس جزو آنها بوده مقتول گردیده ولی در ثانی اعاده نظم شده مالیات مذکور اخذ شد. از قرار مذکور فرمانفرمای آن ایالت شخصی بی عرضه بوده و احساسات عامه بر ضد او در تزايد است. نایب حسین در اواخر ماه آوریل در حلوان شمال غربی طیس بوده بر علیه [= علیه] و اقدامی نشده محمد علی نایب او امیران را که در شمال طیس است قبضه نموده در آنجا مشغول جمع آوری آذوقه است. از قرار راپورت واصله دو یا سه دسته سارقین در بلوک تربت بوده اند.

سیستان

سیلابهای ابتدایی سیستان در اواخر مارس اسباب اضطراب خیال عموم گردیده رودخانه آلموند از يك ماه به این طرف سیلابی شده و خوف از آن می رفت که در صورتیکه سیلاب معمولی بهار به این حمله موجود آب اضافه گردد خسارت زیاد به محصول و ابنیه وارد خواهد آمد.

اوضاع سیستان و قائن در ماه آوریل بطور دلخواه نبود. به واسطه نقار خانوادگی فیما بین شوکت الملك و حشمت الملك حدود جنوبی و غربی قائنات بسیار مغشوش بوده و با وجود آنکه ترتیب صلح بطور موقت داده شده غارتگران چون از عدم مجازات و تنبیه مطمئن بودند جسور گردیده شرارت خود را بعمل آوردند.

در شمال و مشرق قائنات نیز سرقتهای بزرگ در شاهجاده ها به وقوع رسیده. تقریباً تمام خطوط شاید به استثنای راه کوه ملك سیاه سیستان به بیرجند ناامن بوده.

بیرجند

در ۱۶ آوریل يك دسته خسفیه در غیاب موقتی مستر هوسن در ویس قنسولگری اعلی حضرت پناهنده شده مستر هوسن در مراجعت آنها را وادار به تفرقه نمود. مقصود ایشان آن بود که از ضعف شوکت الملك در سرکوبی غارتچیان بلوچ پروتست نموده و هرگاه مستر هوسن به موقع نرسیده بود به واسطه آنکه پلیس بر خسفیه شلیک نموده بود یقیناً اغتشاش سختی بوقوع می رسید.

اصفهان

در ۶ مه اغتشاش سختی ظاهراً به واسطه گرانی قیمت نان بوقوع رسید. دسته ای از نسوان به ادارات بلدیہ ریخته رئیس بلدیہ به آنها فحاشی نموده و ازدحام او را

(۱) چنین است در اصل [هلمند - هیرمند؟]

تعاقب و مقتولش نموده جسد او را در میدان شاه آویزان نمودند سپس چندین ادارات حکومتی را غارت نموده عده‌ای محبوسین را مستخلص نموده همین‌که ازدحام به نزدیکی اداره عدلیه رسیدند حکمران فرمان شلیک داده جمعیت موقتاً عقب نشستند. در تمام شب صدای شلیک بلند بود در روز هفتم بازارها بسته شده ولی نان فراوان بود. مردم خواستند اداره تلفون را که تازه تأسیس شده خراب نمایند ولی از آنها جلوگیری شده دسته‌های کوچک پلیس و سرباز در کوچه‌ها گردش می‌نمودند.

در جلفا هم بعضی از گورها که باحتکار غله متهم بودند در محله یهودیها پناه برده به این واسطه خوف عموم را گرفته بود.

بازارها تا دهم مسدود بود ولی از آن وقت تاکنون خبری نیست.

از قرار معلوم این هیجان در واقع توسط علمای مستبد طرح ریزی شده بود.

در چهاردهم مه سردار اشجع بختیاری به حکومت تعیین گردید.

اوضاع طرق عموماً در نصفه اواخر آوریل خوب بود. پست شیراز می‌رسید ولی قوافل ایاب و ذهاب نمی‌کردند. میزان کرایه قاطر خیلی گران بود.

در چهاردهم سارقین به مستر کینگستن وابسته به کمپانی پوروزولکم در خفر که در پنجاه میلی جنوب شرقی کاشان است درحالی‌که به طرف اصفهان می‌آمده زده آنچه همراه داشته برده و خودش را هم کتک زده‌اند.

یزد

میانه حاکم با انجمن محلی خوب نیست و علی‌هذا از انجمن کاری از پیش نمی‌رود. اجحافات نایب‌الحکومه تولید احساسات عموم را بر ضد او نموده.

طرق تماماً برای عبور و مرور امن بوده و فقط سرقتی که راپرت داده شد در یازدهم آوریل در راه کرمان نزدیک شمش به وقوع رسیده سارقین توتاکی و چهارراهی بیست و پنج نفر شتر و بیست و چهار بار را بسرقت برده‌اند. عده‌ای از مستحفظین راه بتعاقب دزدان رفته و بیست و سه نفر شتر و سیزده بار را مسترد نمودند.

کرمان

قشونی که در تحت امر سردار نصرت برای سرکوبی اشرار اعزام گردیده بود در اوایل آوریل قلعه بمپور را به تصرف آورده قبل از آنکه بطرف قلعه فهرج [= فهرج] که در تصرف برادر بهرام‌خان بود حرکت کند منتظر ورود قشون امدادی بود. حکومت رئیس نظمیه را به واسطه آنکه شخصی از اداره وزیر عدلیه فرار کرده و در طویله او پناهنده شده بود جبراً خارج نموده معزول کرد.

کرمانشاه

دولت مرکزی شخصی یار محمد نام را که یکی از مشروطیتین عده است در ماه آوریل تحت‌الحفظ به کرمانشاه فرستاد و در دیزآباد خود را مستخلص و فراراً در

پانزدهم ماه به کرمانشاه وارد شده روز بعد به انجمن محلی آمده اظهار میل به اطاعت آن هیئت یا مجلس ملی نموده اظهار داشت که به خواهش شخص نایب السلطنه از طهران حرکت نموده ولی چون او را تحت الحفظ فرستاده اند از دست مستحفظین فرار نموده. سرکرده قزاق تلگرافی از سپهدار که حکم نموده بود یارمحمد را دستگیر نمایند آورده به رئیس مجلس ارائه نمود رئیس مجلس چون دستگیری او را باعث اغتشاش می دانست این کار را صلاح ندانست. سپس یکی از همراهان یارمحمد به انجمن آمده خبر داد که جماعتی از سربازان دور انجمن را محاصره نموده ولی یارمحمد با رولور به آنها شلیک نموده از هم متفرق شدند و خود یارمحمد با عده ای که با او همراهی و همدردی داشتند به خانه خود رفت.

از قرار اظهار مستر مکدول عامه مردم هوادار یارمحمد می باشند و کسی که با او دشمن است معین الرعایا یا سرکرده یکدسته مخالف یاضی است که يك دسته صد نفری مستحفظ مسلح برای خود دارد.

معین الرعایا در غره مه هنگامی که معین الرعایا از بازار می آمد به ضرب گلوله مقتول کرده مشغول ترتیب تلگرافی بوده که به طهران فرستاده اخراج یارمحمد را از کرمانشاه درخواست نماید بازارها بسته بود با آنکه یارمحمدخان با استعدادی آمده سعی نموده مردم را مطمئن سازد موفق نگردید قاتل حقیقی او معلوم نیست کی بوده. ۱. از آن وقت تاکنون آرامی برقرار است دو نفر از محرکین عده اغتشاشات کلبی و عسکر سلیم که نظام السلطنه به طهران فرستاده بود مستخلص گردیده در حال مراجعت به کرمانشاه می باشند. احتمال ورود آنها باعث اغتشاش گردد.

صمصام السلطنه بختیاری بموضع رکن الدوله به حکومت تعیین گردیده است.

همدان

اوضاع امور در ماه آوریل بر وفق دلخواه نبود. عباس خان چناری با خوانین شهرابی نزاع کرده علی هذا ناحیه اسدآباد مغشوش بود.

شیراز

نظام السلطنه بمجرد ورود به شیراز در ششم آوریل برای خلع اسلحه از عموم اهالی شیراز احکام صادر نموده و غدغن کرد هیچکس پس از ساعت ۹ بعد از ظهر در کوچه ها [= کوچه ها] دیده نشود. همراهان فرمانفرما که از اکراد و الوار کرمانشاه بودند این احکام را بطور سخت اجراء داشتند.

در پانزدهم آوریل فرمانفرما قوام الملك و برادرش نصرالدوله را ظاهراً به علت آنکه نصرالدوله در موقعی که به سرکردگی استعدادی که از شیراز برای دستگیری بعضی راهزنان فرستاده شده بود کوتاهی نموده دستگیر نمود. پسر کوچک قوام الملك

(۱) بهمین گونه است در اصل. عبارت آشفته و ناروا است. - م.

از قنسولگری اعلیحضرتی استدعای تحصن نمود ولی چون خطری برای او ظاهراً متصور نمی‌شد استدعای او قبول نشد.

در هجدهم آوریل دسته‌ای اجتماع نموده از حکومت درخواست نمودند که دو نفر حبسی مذکور را بطور اختصار و بدون محاکمه به قتل رسانند. نظام‌السلطنه وعده داد که آنها را پس از يك يا دو روز محاکمه نماید و اظهار داشت که محکوم به قتل خواهند گردید. بنابر اصرار سردار اسعد محاکمه اینها بعمل نیامد و دولت از قبول آن امتناع ورزیده و به نظام‌السلطنه امر نمود که آنها را تبعید نماید.

در ابتداء مقصود دولت این بود که آنها را به طهران یا یکی از ایالات دوردست ایران بفرستد ولی چون نظام‌السلطنه جدا با این طریق مخالف بود دولت ایران برای او احکام فرستاد که آنها را به اروپا حرکت بدهد. کفیل قنسولگری برحسب او امر سفارت اعلیحضرتی نظام‌السلطنه را وادار به موافقت با این ترتیبات نمود. در ابتداء نظام‌السلطنه جدا امتناع ورزیده اصرار داشت بر اینکه قوامیان پس از اندک مدتی به ایران مراجعت خواهند نمود ولی آخر الامر به قبول آن تن در داده قوامیان به اتفاق صد و پنجاه نفر که نظام‌السلطنه معین نموده بود تحت‌الحفظ از شیراز بطرف بوشهر حرکت نمودند. همین‌که به مسافت سی میل از شیراز دور شدند به يك محلی که صولت‌الدوله یا استمداد زیادی چادر زده و خود را پنهان نموده بودند برخوردند. نصرالدوله به ضرب گلوله مقتول گردید. قوام‌الملک فرار نموده تا سی و شش ساعت از او خبری نشد تا آنکه از قنسولگری اعلیحضرتی درخواست اجازه تحصن نموده چون برای او خطر متصور بود استدعای او قبول گردید. فعلاً در قنسولگری است و خوف آن است که در حرکت دادن او از شیراز بطور سالم قدری امکان [خطر؟] داشته باشد.

نظام‌السلطنه در اظهارات مردم بر علیه [= علیه] پناه‌دادن قوام‌الملک همراهی داشته اصرار دارد بر اینکه او را بایستی بلا تأخیر از شیراز خارج نمایند. کفیل قنسولگری انگلیس در جواب او گفته است که تا وقتی که نظام‌السلطنه نتواند از هیجان برضد قنسولگری خاتمه دهد بطور واضح غیرممکن خواهد بود هرگونه وثیقه که از طرف او در راه تأمین خروج قوام‌الملک داده شود مکفی تصور شود. کفیل قنسولگری بنا به خواهش صولت‌الدوله در سیزدهم مه از او ملاقاتی نموده پس از قدری صحبت در باب قضیه اخیره صولت‌الدوله شرحی در باب دوستی کامل خود با دولت اعلیحضرتی و خدمات بی‌طرفانه‌اش در برقراری نظم و امنیت راه بوشهر بیان نمود. مستر ناکس در جواب گفت که دولت اعلیحضرتی مسامحی او را در برقراری نظم طرق جنوب و تأمین امنیت خط تلگراف در موقع مهاجرت عشایر قدر دانسته و اظهار امید نمود که او در این کار مداومت خواهد نمود. صولت‌الدوله اظهار داشت من برای برقراری نظم فارس حاضرم و قدرت آن را دارم حتی تمام نقاط جنوبی ایران را می‌توانم منظم کنم ولی در تحت امر سردار اسعد حاضر به خدمت نیستم.

خلیج فارس

بوشهر

در سوم آوریل در بوشهر قدری بهم خوردگی به ظهور رسیده چهار نفر مقتول و یک نفر مجروح گردید. نایب‌الحکومه همین‌که شنید تفنگچیان که بسیاری از آنها از کسبه جزو بودند درصدد بودند که اهالی شهر را ترغیب به بستن دکانین نموده بر ضد مالیاتهای تازه پروتست نمایند به اتفاق نایب‌رئیس نظمیه به بازار آمده و با شاکیان پناهی داد و فریاد و محاجه را گذارد. در بین گفتگوی سخت یکی از تفنگچیان به نایب‌رئیس نظمیه بی‌احترامی کرده و او هم رولور خود را بیرون آورده در همان‌جا تفنگچی مزبور را مقتول نمود یکی را هم مجروح گردانیده بطرف خانه خود فرار کرد. همین‌که او را تعاقب نمودند بطرف محل قنصلگری به قصد تحصن دوید چون درب آنجا را مسدود یافت بطرف قنصلخانه عثمانی دویده در آنجا پناهنده گردید. در آنوقت فقط یک ژاندارم ایرانی آنجا بود و همین‌که تفنگچیان محلی که خود را در آنجا پنهان کرده بودند دریافتند قهراً داخل شده او را به ضرب گلوله مقتول داشتند و ژاندارم را هم بطور مهلک زخمی نموده و جسد نایب‌رئیس نظمیه را از قنصلخانه بدرآورده در شهر به این طرف و آن طرف می‌کشیدند.

بندرعباس

در اوایل آوریل راهپرت داده شد که مقداری از مال‌التجاره متعلق به تبعه هندی انگلیس معادل پنجاه لیرای انگلیس را در گدار سرخ در جزو قلمرو حکومت فارس به سرقت برده‌اند. راه کرمان بخوبی امن بود غیر از گدار سرخ که قوافل را متوالیاً غارت می‌نمودند.

اهواز

در راه لنج مجدداً قوافل در حرکت هستند. یک قافله مرکب از هزار و دویست حیوان که تاکنون بآن اندازه حرکت نکرده بودند در چهارم آوریل از اهواز حرکت داده شد.

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژون)
 طهران ۱۹ مه ۱۹۱۱ [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۹۰؛ ۲۰ ج ۱ - ۱۳۲۹]
 آقا

در تعقیب مراسله ۱۶ شهر جاری خود افتخاراً عرض می‌کنم که در جلسات شانزدهم و هیجدهم مجلس مسئله نقشه مصرف وجه استقراضی که قرار است توسط بانک شاهنشاهی در لندن به عمل آید مطرح مذاکره گردید و در جلسه دیروز پروگرام دولت

با وجود مخالفت‌های مکرره حزب دموکرات به اکثریت آراء تصویب گردید.
صورت ذیل ملخص فقرات مخارجی است که مجلس تصویب نموده:

تومان	لیرای انگلیسی	
۱،۳۷۵،۰۰۰	(۲۷۵،۰۰۰)	۱- قشون سیار (۱۷۵۰۰)
۱۵۰،۰۰۰	(۳۰،۰۰۰)	۲- حقوق عقب‌افتاده قشونی
۲۲۰،۰۰۰	(۴۴،۰۰۰)	۳- خرید اسلحه
۱۰۰،۰۰۰	(۲۰،۰۰۰)	۴- حقوق عقب‌افتاده نمایندگان ایران
۲۰۰،۰۰۰	(۴۰،۰۰۰)	مقیم خارجه
۱۲۵،۰۰۰	(۲۵،۰۰۰)	۵- ژاندارمری
		۶- حقوق عقب‌افتاده قراشوران

چنانچه ملاحظه فرمایید به استثنای بیست هزار لیرا برای پرداخت حقوق نمایندگان ایران مقیم خارجه تمام این وجه برای مصرف قشونی تعیین گردیده و کلیه وجهی که از قرضه بدست می‌آید - که چهارصد هزار لیرا باشد - يك مرتبه محل خرجش تعیین شده است اما در باب فقره چهارم مصارف برحسب مواد پروگرام از دویست هزار لیرا هشتاد هزار آن برای ژاندارمری جنوب خواهد بود و بقیه را نگاه خواهند داشت تا ورود صاحب‌منصبان سوئدی و آن وقت بنا بر صلاح بینی آنها به مصرف خواهد رسید.

امضاء جرج بارکلی

نمره - ۱۳۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژون)
طهران ۶ ژون ۱۹۱۱ [۱۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۸ ج ۲ - ۱۳۲۹]

از زمان مخابره تلگراف ۲۸ مه من خان معزول کمارج که در مراسله هجدهم خود از او اشاره نموده‌ام از قرار معلوم راه شمال بوشهر را تهدید نموده و يك قافله را زده یازده لنگه قالی را بسرقت برده است. این مسئله را خاطر نشان دولت ایران می‌نمایم.

نمره - ۱۳۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جی بیوکاتان
وزارت خارجه ۷ ژون ۱۹۱۱ [۱۷ خرداد ۱۲۹۰؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

در باب مکاتباتی که سابقاً در مسئله قرضه بانک شاهنشاهی ایران با دولت ایران رد و بدل شده از جنابعالی خواهش می‌کنم به دولت روم اطلاع دهید که کنترات قرضه در هشتم ماه گذشته در طهران به امضاء رسید.

در طی این اعلام جنابعالی باید علاوه نمائید که برای جلوگیری از بهم خوردگی برای نان که طهران را تهدید می نمود بانک در بیست و نهم ماه گذشته از بسایت قرضه مذکوره مبلغ شصت هزار تومان بدولت ایران مساعدت داده.

امضاء ای گری

نمره - ۱۳۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر چرج بارکلی
وزارت خارجه ۹ ژون ۱۹۱۱ [۱۹ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ ج ۲ - ۱۳۲۹]
حملة پر مستر کینگستن

کمپانی یوروز ولکم اظهار می دارد که کینگستن تلگرافا [= تلگرافی] اطلاع می دهد که امنیت مکفی موجود نیست که او را به حرکت از اصفهان اجازه دهد. از هر طریقی او حرکت کند برای کمپانی مذکور تفاوتی ندارد و به او دستورالعمل خواهند داد که به موجب دستورالعمل شما رفتار نماید. بنابراین آیا شما می توانید از هر راهی که امن تر می دانید ترتیب حرکت او را بدهید که یا به طهران مراجعت نماید یا آنکه به اهواز یا بوشهر برود در راه بطور کفایت از او مواظبت شود.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژون)
طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از شیراز رسیده است:

قسمتی از فوج سربازان ایرانی با اسلحه کامل به دخول در قنصلخانه موفق گردیده با مستحفظین قنصلخانه تبادل گلوله اندازی نموده مستحفظین آنها را بیرون کرده دو نفر را مقتول و یک نفر را مجروح نمودند. دو نفر دیگر یا بیشتر بیرون مجروح گردیدند. از سواران قنصلخانه یکی دستش مجروح گردید.
مقصود سربازان این بود که بعلت عدم پرداخت حقوقشان بست اختیار کنند.

نمره - ۱۳۴

تلگراف سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژون)
طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل امروز از شیراز رسیده:

رژیمان ایرانی مشغول مشق بود و حقوق عقب افتاده خود را مطالبه نمودند و حرفشان مسموع نگردید. پس از آن چهارصد الی پانصد نفر آنها تحت السلاح به

قنصلخانه آمده بعنوان آنکه آنجا بسند بنشینند. در آنوقت من به تلگرافخانه رفته بودم ولی منشی قنصلگری به درب قنصلخانه آمده اطلاع داد اجازه دخول به آنها داده نخواهد شد. سپس خواستند به زور داخل شوند منشی مذکور فریاد برآورد هرگاه دست از این کار نکشند بر آنها شلیک خواهد شد. در جواب گفتند ما هم شلیک می‌کنیم و تفنگهای خود را پر کرده یکی از آنها منشی را تهدید نمود و او هم لوله تفنگش را محکم گرفت. سپس آنها زور آورده یک تفنگ خالی شد و سپاهیان هم بر آنهایی که از درب ورود نموده شلیک کردند. آنها هم با رفقایشان که در بیرون ایستاده بودند جواب شلیک را دادند پس از یک دقیقه تیراندازی از طرفین سپاهیان سربازان ایرانی را از آنجا بیرون کردند و در را بستند. تیراندازی موقوف شد.

با آنکه این واقعه خیلی اسفانگیز است گمان می‌کنم ممکن نبود مستحفظین طریقه‌ای غیر از این اختیار نمایند و من بطور حتم می‌دانم که منشی جد و جهد وافی نمود که سربازان را بطور مسالمت به ترك آنجا وادار نماید.

سواری که مجروح گردیده گلوله انگشتش را خورد نموده یک نفر سرباز ایرانی مقتول و دو نفر درون قنصلخانه بطور مهلك مجروح و بمقیده من دو نفر دیگر در خارج مجروح گردیده‌اند.

حکومت نماینده قشون را فرستاده که از حدوث این واقعه اظهار تأسف نموده تحقیقات به عمل آرد. پنجاه سوار هم برای حفظ قنصلخانه فرستاده است.

نمره - ۱۳۵

تلگرام سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژون)
طهران ۱۰ ژون ۱۹۱۱ [۲۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۹]

شیراز

در طی تلگراف امروز خود افتخارا راپرت می‌دهم که دولت ایران را بطور اختصار از حقایق این واقعه مستحضر داشته و به آنها اصرار کردم که برای منع اغتشاشات دیگر اقدامات لازمه نموده و علاوه نمودم که به مجرد استحضار از جزئیات مسئله دومرتبه خاطر آن دولت را متذکر خواهم نمود.

تا زمانی که معلوم نشده که عساکر ایرانی غیر از بست‌نشستن در قنصلخانه قصد دیگری نداشته‌اند تصور می‌کنم همین قدر که وزیر امور خارجه کتباً اظهار تأسف خود را تقدیم نماید و همین که فرمانده قشون از کفیل قنصلگری ملاقات نموده برای حادثه مذکوره جبران کافی خواهد بود.

افتخارا استدعای اخذ دستورالعمل در این باب می‌نمایم.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژون)
 طهران ۱۱ ژون ۱۹۱۱ [۲۱ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 قنصل جنرال اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که در میان طسواف
 نختیاری نفاق بهم رسیده و قرب ده کرد جنگ سختی به وقوع رسیده است.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
 طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف دهم ژون من تلگراف ذیل از شیراز رسیده.
 «در ضمن حادثه‌ای که شرح آنرا در تلگراف دهم ژون خود تلگراف نمودم سپاهیان
 مستحفظ درب بزرگ روی هم رفته بیست گلوله خالی نمودند. دوازده گلوله به عقب
 خالی شد و شش فشنگ خالی در بالای دروازه پیدا شد. تخمیناً از خارج زیاده بر
 پنجاه تیر خالی شد.
 انگشت دوم دست راست سواری که مجروح گردیده از ریشه قطع شده امید است
 آنطور ناقص نشده [باشد] که از خدمت معاف شود.
 دو نفر از سربازان مجروح ایرانی از زخمهای خود تاکنون مرده‌اند و روی هم رفته
 مقتول آنها سه نفر است دو نفر دیگر که مجروح هستند خوب می‌شوند.»

نمره - ۱۳۸

تلگراف سر چرچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
 طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 شیراز

راجع به تلگراف دهم ژون من کفیل قنصل شیراز بطریق ذیل تلگراف می‌کند:
 «سپاهیان و میرزا می‌گویند که بطور یقین سربازان ایرانی اول شلیک کردند.»

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر چرچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
 طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل از کفیل قنصل شیراز رسیده:

«از قرار راپرت واصله در نهم ژون چهار لنگه قماش و یک صندوق تریاک در بیست
 میلی شمال کازرون به سرقت رفته و راه اصفهان هم بواسطه سارقین که در طرفین
 می‌یوند هستند مسدود گردیده (تقریباً پنجاه میل شمال شیراز).»

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژون)
 طهران ۱۲ ژون ۱۹۱۱ [۲۲ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۹]

شیراز

در تعقیب تلگراف دوازدهم ژون خودم افتخاراً راپورت می‌دهم که از قرار اطلاعاتی که تاکنون برای من رسیده معلوم نمی‌شود که سربازان ایرانی در آمدن به قنصلخانه از جایی به آنها تحریک شده باشد که از روی یک قصد خصمانه این اقدام را بنمایند. از قرار معلوم وقوع این حادثه بعلمت این بوده که سربازان اصلاً می‌خواستند که به ذریعۀ بست اختیار نمودن بر تظلمات خود جلب‌توجه نموده یا آنکه این اقدام از طرف اشخاص مربوط یکار که مایل تولید اغتشاش و فراهم نمودن اسباب زحمت برای فرمانفرما بوده‌اند بعمل آمده است. در هر صورت ظاهراً ثابت است که مأمورین محلی در ساکت نمودن سربازان کوشش نموده و حقوق عقب‌افتاده آنها را پرداختند.

نمره - ۱۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژون)
 طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۹]

راجع به تلگرام دوازدهم ژون من در جواب پیشنهادی که کفیل قنصلگری نموده فرمانفرما بطور غیررسمی به او اطلاع داده که قصد دولت این است که از رژیمانی که به قنصلخانه حمله نموده خلع اسلحه نماید.

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف دهم ژون شما در باب حمله بر قنصلخانه من با عقاید شما که در قسمت آخری تلگراف مذکور نموده‌اید موافقت دارم.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژون)
 طهران ۱۶ ژون ۱۹۱۱ [۲۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۹]

افتخاراً راپورت می‌دهم که سپهدار دیشب غفلتاً از پای‌تخت بطرف رشت حرکت نمود. شهرت دارد که می‌خواهد بسمت اروپا رهسپار گردد.

نمره - ۱۴۴

مکتوب قنصل جنرال اسمیت به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژون)

ادما ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً راپرت می‌دهم که شاه مخلوع در تاریخ نهم شهر جاری باتفاق زنهای خود از ادسا حرکت نمود. عقیده من آن است که برای صحت مزاج خود به مارسن یاد رفته است. شاه مخلوع در ماه نوامبر گذشته از ادسا حرکت نموده و در زمستان اینجا نبود و در ماه آوریل مراجعت نمود. چنان مفروض می‌شود که در نران باشد. راپرتی هم بدست است که شاه مذکور کوشش نموده بود که به لباس مبدل از سرحد گذشته به ایران ورود نماید.

امضاء می اس اسمیت

نمره - ۱۴۵

مکتوب لرد کیلمرناک به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژون)

استکهلم ۱۶ ژون ۱۹۱۱ [۲۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً راپورت می‌دهم که سه نفر صاحب منصبان سوئدی که برای تشکیل ژاندارمری ایران نامزد شده بودند دولت سوئد آنها را انتخاب نموده اسامی آنها یکی کاپیتان یالمارسن و یکی لفتنان جولد براند و دیگری لفتنان پیترسن می‌باشد. دو نفر اولی از اشخاص فارغ التحصیل کالج نظامی می‌باشند.

کاپیتان یالمارسن چهل و سه ساله است و در جزو هیئت عمومی نظامی در چندین کمیته‌ها خدمت نموده و چندین دفعه هم مستقلاً به فرماندهی منصوب بوده.

از وزیر امور خارجه دریافتیم که دولت ایران مایل می‌باشد که یک نفر صاحب منصب سوئدی دیگر برای نظمیة استخدام نمایند و در این خصوص مشغول قرار و مدار می‌باشند اگرچه تاکنون چندان پیشرفتی در آن نشده.

امضاء کیلمارناک

نمره - ۱۴۶

تلگراف سر چرچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژون)

طهران ۱۹ ژون ۱۹۱۱ [۲۹ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۹ ژون شما. کینگستن بیست و یکم ژون از اصفهان از راه سلطان آباد و همدان بطرف طهران حرکت می‌کند راه تا اندازه‌ای امن است و وعده همراه نمودن مستحفظ هم داده شده است.

نمره - ۱۴۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژون)
 طهران ۲۰ ژون ۱۹۱۱ [۳۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۶ ژون من. از قرار مسموع صدراعظم در رشت است و انجمن
 محلی آنجا او را نگذارده‌اند پیشتر برود.

نمره - ۱۴۸

مکتوب سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
 از وزارت خارجه ۲۰ ژون ۱۹۱۱ [۳۰ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 راجع به مراسله هشتم ماه گذشته شما:
 باید شما را مستحضر دارم که دستورالعملهایی را که به کفیل قنصلگری شیراز
 داده‌اید که به هریک از تبعه ایران که خطر جانی برایش متصور و خود را به قنصلخانه
 رساند اجازه بست بدهند لیکن مستحفظین بهیچوجه کسی را که در تحت حمایت
 قنصلگری نباشد نباید بطرف قنصلگری سوق دهند، تصویب می‌کنم.
 امضاء ای. گری

نمره - ۱۴۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژون)
 طهران ۲۱ ژون ۱۹۱۱ [۳۱ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۹]
 اغتشاش شیراز
 راجع به تلگرافات دهم و دوازدهم ژون من:
 دولت ایران جواباً اطمینان داده‌اند که سربازهایی که خواسته‌اند به قنصلخانه
 بریزند بهیچوجه از روی مقاصد شرارت‌کارانه این اقدام را ننموده‌اند و از اعمال
 سربازان مذکور اظهار تأسف می‌نمایند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره ژویه)
 طهران غره ژویه ۱۹۱۱ [۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۴ رجب ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف بیستم ژون من - صدراعظم هنوز در رشت است. مجلس روز بیست و
 پنجم ژون پاو تلگراف کرده و از او خواهش نموده به طهران مراجعت نماید ولی
 به وصول جواب نایل نگردیده.
 دیروز اکثریت مجلس از نایب‌السلطنه درخواست نمودند که اقتدارات دیکتاتوری

بر خود بگیرد. والا حضرت به این کار مایل نگردیده اظهار داشت نمی تواند از حدود قانون اساسی تجاوز نماید. سپس اکثریت از او درخواست نمودند که به صدراعظم تلگراف کرده اصرار به مراجعت او نماید و به والا حضرت اطمینان دادند که متفقاً با او همراهی نموده در انتخاب وزرائی که او انتخاب کند مداخله نخواهند نمود. والا حضرت هم به همین مضمون برای صدراعظم تلگراف کرده است.

الحال کابینه بدون صدراعظم مشغول کار است.

نمره - ۱۵۱

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژویه)
 طهران ۶ ژون ۱۹۱۱ [۱۶ خرداد ۱۲۹۰؛ ۸ چ ۲ - ۱۳۲۹] آقا

اینکه معاونین مالیّه امریکایی که ورود آنها را در خلاصه وقایع ماهیانه آخری راپرت دادم بدون فوت وقت مشغول کار شده و مجلس هم قصد همراهی با آنها را دارد. از این معلوم می شود که مجلس در سیزدهم ماه گذشته باتفاق آراء لایحه ای را که سواد آن در جوف است و مستر مرگان شوستر خزانه دار کل برای نظارت مصرف وجوهات قرضه بانک شاهنشاهی بموافقت با نقشه مصارفی که مجلس اخیراً تصویب کرده طرح نموده تصویب نمودند.

چنانچه ملاحظه خواهید نمود قانون جدید کمیته نظارت را که در ابتداء به موجب قانون بیستم مه (رجوع به مراسلات ۱۶ و ۱۹ من کنید) مقرر گردیده متروک داشته اند و تا زمانی که تشکیلات وزارت مالیه که در مقدمه آن قانون ترتیب تشکیل آن مذکور گردیده به عمل نیامده کنترل قرضه سپرده بیک شعبه از وزارت مالیه خواهد بود که در تحت نظارت خزانه دار کل تشکیل گردد.

امضاء جرج بارکلی

ملفوف نمره ۱۵۱

لایحه مجلس ۳۰ مه ۱۹۱۱

کنترل وجه استقراضی

رئیس حالا که وزراء به مجلس آمده اند راپورت کمیته مالیه در خصوص لایحه کنترل قرائت می شود. لایحه ای که دولت پیشنهاد کرده و مجلس آن را تصویب نموده بقرار ذیل است:

مقدمه

کنترل عمومی و مؤثر قرضه جدید از بانک شاهنشاهی و مصارفی که در مقابل آن تعیین شده طبعاً از وظایف خاصه وزارت مالیه خواهد بود. یکی از نواقص عمده اداره مالیه حاضره دولت ایران ادارات زیادی و شعب جزو آن

می‌باشد. آشکارترین نتیجه این اوضاع اشکال تعیین وظایف هر یک از ادارات و مسئولیت اعمال هر یک از آنها است. بنابراین واضح است که هرگاه بخواهیم سیستم جدیدی مجری داشته و مثل سیستم حالیه مسئولیت غیرمحدودی به آن بدهیم هرآینه باعث تزئید، اختشاش موجوده ادارات خواهد گردید.

علی‌هذا چیزی که فعلاً لازم است اینست که ما باید یک سیستم مختصرتری اختیار بنماییم که نتیجه بهتری از آن بدست آورده و اطلاق دیگری به اطلاقهای اداره اضافه نگردد.

وجهی که از این قرضه عاید می‌شود بهیچوجه با وجوهاتی که از گمرکات و مالیاتهای مستقیم و واردات عمومی مملکت عاید می‌گردد فرقی ندارد. از طرف دیگر کنترل و نظارت مخصوصی بر وصول و مصرف یک مبلغ زیاد از وظایف یک اداره‌ای است که لزوماً باید دارای سه کیفیات باشد: تدین و تجربه در امور مالیه و مسئولیت معین. لیکن آیا امکان دارد یک کمیته پانزده نفری بتوانند دو شرط آخرالذکر را به انجام برسانند؟

چند روز قبل کنترل مالیه ایران به یک مستخدم خارجی که مقام خزانه‌داری کل را داراست و با معاونین خود برای رفورم اداره مالیه به ایران آمد سپرده شد. هرگاه بخواهیم او را مسئول حسن اداره امور مالیه خود نماییم باید به او اقتدار لازم برای انجام این کار مشکل بدهیم.

خزانه‌دار کل یک طرح موقتی برای تشکیل وزارت مالیه بطور مؤثر ریخته و این طرح مشتمل بر تشکیل سه اداره به‌قرار ذیل است:

- (۱) برای وصول عایدات و مالیاتهای دولت از هر قبیل
- (۲) برای کنترل هر قبیل مصارف و محاسبه آن
- (۳) برای امورات صرافی و ضرابخانه و مبادله وجوهات قرضه و تنزیل و استهلاك آن و غیره.

وظایفی که پیشنهاد شده بود برای کمیته مزبور تعیین گردید و نکته آخرالذکر را متضمن بود ولی چونکه ترتیبی که حالا پیشنهاد شده معمول نگردیده لازم است یک شعبه موقتی تشکیل گردیده در عرض چند ماه بعد به اموراتی که مستقیماً راجع به قرض است بپردازد. این شعبه در تحت نظارت خزانه‌دار کل خواهد بود و به مجرد آنکه ترتیبات جدید وزارت مالیه معمول شود محاسبات و نوشتجات و راپرتهای این شعبه موقتی به اداره جدید وزارت مالیه که بهمان تعلق دارد داده و محول خواهد شد.

نظر به ملاحظات فوق لایحه ذیل را به مجلس تقدیم داشته استدعا می‌شود که آن را بزودی تصویب نموده اهمیت و لزوم آن را در مد نظر آورند.

ماده اول - کنترل عمومی و مؤثر امورات راجع به قرضه ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا که بر حسب قانون پنجم آوریل از بانک شاهنشاهی ایران بعمل آمده و کنترل مصارف که بر طبق مواد یک الی پنج قانون بیستم مه ۱۹۱۱ باید بعمل آید، سپرده به وزارت مالیه در تحت نظارت خزانه‌داری کل خواهد بود.

ماده دوم - تا زمانی که طریقه جدید در وزارت مالیه معمول نگردیده کنترل قرضه و مصرف فوق الذکر موقتاً سپرده به يك شعبه‌ای خواهد بود که مخصوصاً در تحت نظارت خزانه‌دار کل تشکیل شود.

ماده سوم - در انتهای هر ماه وزارت مالیه در راپورت خود که به دولت عرضه می‌دارد صورت مالیه از بابت قرضه شامل خواهد بود.

ماده چهارم - شعبه‌ای که در جزو ماده دوم این لایحه مذکور گردیده بجای کمیته‌ای که در قانون ۲۰ مه ۱۹۱۱ رجوع بآن شده خواهد بود. پس از کمی بحث لایحه مذکور به اتفاق آراء تصویب گردید.

نمره - ۱۵۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۲۶ ژون)
طهران ۸ ژون ۱۹۱۱ [۱۸ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ چ ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

رجوع به مراسله هیجدهم و تلگراف ۲۸ ماه گذشته من در خصوص اوضاع طرق جنوبی:

افتخار دارم راپورت دهم که در مرض سه هفته گذشته اوضاع امنیت عمومی نسبت به اغتشاش کلی سال گذشته اتصالاً رو به بهبودی کامل است.

راست است که بواسطه اثرات هرج و مرج اخیر حیوان باری کمیاب و میزان گرایه گران شده و از آن جهت قوافل کم ایاب و ذهاب می‌نمایند ولی خوشحالم می‌توانم راپورت دهم که آنهایی را که در کاغذ فوق الذکر خود اشاره نموده‌ام از شیراز به طرف شمال حرکت کرده‌اند بدون مزاحمت به اصفهان رسیده مقداری مال التجاره متعلق به کمپانی زیگلر را آنجا وارد نموده‌اند.

علاوه بر غارتهای کبکلوئیها [کبگیلویه‌ایها] در حوالی قمشه که به دهاتیها و زارعین محل ظاهراً خسارت وارد آورده‌اند فقط محلی در راه مابین بوشهر و اصفهان که فعلاً از قرار راپورت واصله خطرناک است کمارج که به مسافت کمی در شمال بوشهر واقع است و در آنجا خانملا خورشید که دستش از کار کوتاه شده و بواسطه سوزانیدن محصولات انتقام می‌کشد و يك قافله را زده یازده لنگه قالی را که صاحبش هنوز معلوم نگردیده بسرقت برده است می‌باشد.

این لازم است مذکور گردد که مهاجرت بهار ایلات قشقایی که در سال گذشته باعث تخریب مقدار کثیری مصالح تلگرافی شدند امسال بواسطه احکام مخصوص نافذ صولت الدوله بدون اینکه خسارتی وارد آورد گذشت.

بنابراین اگر ناامنی راه از طهران به اصفهان را که خارج از حد و اندازه هرگونه علاجی است که ما بتوانیم بنماییم خارج از موضوع قرار دهیم گمان نمی‌کنم آثار و هلائم عدم امنیت فعلی در طرق جنوبی مکفی خواهد بود که تصور اینکه اقدامات

مخصوصی را که دولت ایران نموده بی نتیجه و بی فایده دانستن آن را تصدیق نماید اگرچه از طرف دیگر باید اعتراف شود ترقی که ملاحظه می شود چون نمی توان آن را با اقداماتی که از برای يك نقشه رفورم کلی باید بشود حمل نمود غیر معلوم است.

این مسئله را که آیا اثرات طریقه ای که نظام السلطنه فعلا در اتفاق عمل با صولت الدوله پیش گرفته بادوام خواهد بود یا نه هنگامی که صولت الدوله بطرف بیلاقات قشقائی در شمال حرکت نماید (این نقل مکان فعلا شروع شده) و وقتی که نتیجه دلخواهی از حادثه قوامیها نظام السلطنه را آزاد نماید که هر پلتیکی که او قصد تعقیب دارد معمول نماید به تجربه خواهد رسید.

اوضاعی که بواسطه اقدام شدید جناب ایشان نسبت به قوامیها تولید شده درهم پیچیده است و منظره آن تیره و تاریک بنظر می آید.

ایل بختیاری از ضربتی که به دوستان و حمایت شدگان خود وارد آمده اظهار رنجیدگی بی اندازه نموده و بدون آنکه راضی به صلح شوند کوشش خواهند نمود که نظام السلطنه را از کار خلع نمایند.

مظنون است که می خواهند ضیغم الدوله را که تازگی از حکومت یزد معزول شده و برادر و دشمن صولت الدوله است آلت تغییر حکومت صولت الدوله قرار دهند و ممکن است حضور ضیغم در اصفهان مربوط به این نقشه باشد که هنگامی که قشقاییها به بیلاق خود در حدود بختیاری برسند بر آنها حمله نمایند. چنین نقشه و تدبیری مظفریت حاصل نتواند کرد مگر آنکه موافق میل دولت مرکزی باشد ولی نفوذ بختیاریها در طهران ممکن است سپهدار را به تقویت آنها راهنمایی کند.

من غالباً وزارت امور خارجه را از خطرات تجدید اغتشاشات طرق جنوب که ممکن است از تغییر و تبدیل زمامداران حالیه فارس به علت انتریکهای ایلی بوقوع برسد متذکر نموده ام.

من تصور می کنم ما خود آماده اقدام نشویم تا آنکه بر ما محقق شود که اغتشاشات راه باعث امحاء تجارت ما با ایران می گردد.

از زمانی که نوبت چهاردهم اکتوبر را عرضه داشتم گذشته از بهبودی که در راه پوشهر - اصفهان حاصل گردیده صورت احصائیه گمرکات هم به طبع رسیده و از روی آن ممکن است بحث شود اوضاع تجارت انگلیس بطور عموم با ایران یأس آور نمی باشد. صورتهای احصائیه ای که به آن رجوع می نمایم صورت ده ماهه عایدات گمرکی بنادر مختلفه جنوب لغایت ۲۱ ماه ژانویه گذشته می باشد. از روی این صورتهای معلوم می شود که اگرچه در حقیقت عایدات پوشهر نسبت به همان مدت در سال گذشته تنزل نموده (۲۷۴,۰۰۰ تومان در مقابل ۳۳۵,۰۰۰ تومان) بر عایدات بندرعباس و محمره اضافه شده (۱۶۱,۰۰۰ تومان و ۲۶۲,۰۰۰ تومان در مقابل ۳۱۷,۰۰۰ و ۱۶۶,۰۰۰ تومان).

بلاشك متعاقب عزل نظام السلطنه اغتشاشات راه آخرالذکر مجدداً کسب شدت نموده ولی گمان می کنم قبل از آنکه طریقه ای که فعلا از روی صبر و شکیبائی اتخاذ نموده

و ملحوظ داشته‌ایم از دست بدهیم بایستی در هر صورت کیفیت اوضاع را از روی صورتهای احصائیه اخیرۀ گمرکی بسنجیم.

امضاء بارکلی

نمره - ۱۵۳

مکتوب سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)
طهران ۱۳ ژون ۱۹۱۱ [۲۳ خرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ چ ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

راجع به مراسله ۱۶ ژون منافتخار دارم که جوفاً ترجمۀ انگلیسی يك لایحه دیگری را که در هشتم شهر جاری به مجلس عرضه گردیده و در جلسه امروز بدون اصلاح باتفاق آراء تصویب کردند ایفاد دارم.

دوازده مواد مشتمله این لایحه را اصلاً «مستر مورگان شومستر» مسوده نموده و برای تقدیم به مجلس به فارسی ترجمه گردیده است. قسمت اول آن را که ترجمۀ انگلیسی آن در جوف است وزیر مالیه که این لایحه را تقدیم نموده مسوده کرده است. يك نظر مختصر به این قانون نشان می‌دهد که برحسب این قانون وظایف مستر شومستر معین گردیده و او را در امورات مالیه دارای اقتدارات وسیعه می‌نماید.

اول مسئله‌ای که از این لایحه فهمیده می‌شود اینست که مستر شومستر عنقریب تغییر وضع کلیۀ وزارت مالیه را تعهد نموده و بواسطه برهم‌زدن و محو نمودن ماشین کارخانه حالیه شروع به عملیات خواهد نمود.

وزیر مالیه هنگامی که «مستر چرچیل» دیروز در این خصوص از او سؤالات نمود در جواب اظهار داشت که این نکته را در حقیقت کمیته مالیه مجلس که آنوقت در لایحه مزبور مذاقه می‌نمود در تحت ملاحظه آورده و توانسته است آن را توضیح این مسئله قرار دهد که مستر شومستر در هر صورت فعلاً چنین قصدی نداشته او در صدد می‌باشد که اولاً اداره خزانه را بر طبق طریقۀ ای که در لایحه پیشنهاد شده مرتب و منظم دارد ولی تا مدتی قادر نخواهد بود که اداراتی را که مشاغل درهم پیچیده وزارت مالیه را با ایالات و ولایات به عهده داشته‌اند مرتب نماید.

ظاهراً مستر شومستر در اذهان ایرانیان اثر فوق‌العاده باقی گذارده و اینکه تمام احزاب متفقاً اقتدارات کامله‌ای را که او درخواست می‌نمود به او داده‌اند ثابت می‌کند که اعتماد کامل بر او دارند.

از قرار آنکه بر من مفهوم گردیده او نمی‌خواهد که از مداخلی که از خزانه برده می‌شود و از دزدیها يك دفعه جلوگیری نماید و هرگاه در ظرف شش ماه بعد یا یکساله بتواند از دزدیهای بزرگتر جلوگیری نموده و افراطی که از روی حماقت و تلف خرجی می‌شود تخفیف دهد خیلی خوشوقت خواهد گردید.

این را بر عموم معلوم نموده که اگر يك یا چند نفر در جلو او تولید مشکلات و

عوائق نمایند از آنها به مجلس شکایت پرده هرگاه نتواند عوائق آنها را برطرف نماید به امریکا مراجعت خواهد نمود.

امضاء بارکلی

ملفوف نمرة ۱۵۳

لایحه وزیر مالیه که در جلسه ۸ ژون ۱۹۱۱ به مجلس عرضه گردیده و در سیزدهم ژون ۱۹۱۱ تصویب گردیده.

مقدمه

مقصود این لایحه آنقدر آشکار است که يك مذاقه سطحی در آن فوراً تمام مقاصد آن را آشکار می نماید. اوضاع مالی دولت فعلاً حقیقتاً تاسف انگیز است و هرگاه بخواهیم خود را نجات دهیم اقداماتی که بعمل می آوریم باید مؤثر و از روی کمال جرات باشد.

مجلس به موجب قانون دوم صفر ۱۳۲۹ (هجری) (۲ فوریه ۱۹۱۱) [۱۲۸۹] استخدام خزانه داری مملکت را تصویب نموده و دولت بر وفق این تصویب يك شخص امریکایی را استخدام نموده اند برای آنکه نظارت عمومی و جسدی کنترل هایدات و مصارف مملکت را در عهده گیرد.

واضح است هر زمانی که يك شغلی را به دست شخصی می سپاریم تا آنکه اقتدارات لازمه ای که برای آن مقصود لازم است به او داده نشود پانجام آن موفق نمی تواند شد. در امورات دنیا خواه رسمی خواه شخصی قاعدتاً اگر کسی يك مسئولیت عمده را برعهده گیرد بدون آنکه قبلاً وسایل لازمه را تحصیل کند یا احمق یا آدم متقلبی است. تاکنون ترتیبات مالی و نقدی دولت ایران بدون سیستم و توسط مأمورین مختلفه اداره می شده و هر يك از این مأمورین در ظرف چند ماهی وظایف عمده خود را بعمل آورده و آن وظایف راجع است به اصول اصلیه ای که حالا آنها را وابسته و مربوط به اهالی ایران می دانند بدون آنکه در مشاغل و کارهای این مأمورین تنقیدی شود یا آنکه بر عقاید متضاده راجع به آن مسئله اشاره رود. نتایج وخیمه اختلاف عقاید را هم دولت و هم اهالی فهمیده و درک کرده اند.

اغتشاشات ادارات، عدم کنترل مؤثر در امورات مالیه و عدم امکان رفورم حقیقی و بالاخره غیر معلومی اشخاصی که در واقع مسئول اعمال غیرقانونی بوده اند بلاشک مملکت را بیک حال خراب غیرقابل ترمیمی سوق خواهد داد. اگر بخواهیم خود را از این موقع خطرناک نجات دهیم بایستی اقدامات فوق العاده در راه رفورم این اوضاع بنماییم زیرا ممکن نیست درختان يك جنگلی را با يك چاقوی قلمتراش بیندازیم.

امورات مالیه مملکت دارای کیفیت و طبیعت مخصوصی می باشد که نمی تواند منافع شخصی یا پلتیکی یا اوضاع موقتی را مراعات نماید بنابراین برای آنکه رفورم جدید دائمی در امورات مالی و نقدی دولت ایران بعمل آید اقدامات ذیل که با يك نظر بسیار محتاط و دقیق در آن مذاقه شده به مجلس تقدیم گشته عطف نظر اعضای آن به اهمیت

و لزوم آن جلب می‌شود.

ماده اول - کنترل مستقیم مؤثر کلیه معاملات مالی و نقدی دولت ایران بانضمام وصول تمام عایدات از هر قبیل و کنترل و محاسبه تمام مصارف دولت به عهده خزانه‌داری کل سپرده می‌شود.

ماده دوم - خزانه‌داری کل تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار می‌دارد :

اول: اداره کل برای وصول مالیاتهای جزء و کل و هر قبیل عایدات دولتی چه مالیاتهای جزء و کل که فعلا اخذ می‌شود و چه مالیاتهایی که از این بابت برقرار شود. دوم: اداره کل که برای تفتیش و کنترل تمام وجوهاتی که به دولت می‌رسد و مصارفی که تصویب می‌گردد و محاسبه‌ای که به آن مربوط است.

سوم: اداره کل برای معاملات نقدی تمام معاملات دولت با بانک و معاملاتی که راجع به ضرابخانه و مبادله نقدی باخارجه و استقراضات و فرع و استهلاك و مبادله نوشتجات پولی و امتیازات و مقاولات مالیه خواه این مقاولات وسیله عایدی دولت باشد یا آنکه سند مالی از طرف دولت ایران باشد، برحسب شروط مواد قوانین ملحوظ توسط این اداره به عمل خواهد رسید.

ماده سوم - در هر يك از اداراتی که در ماده دوم اشاره به آن شده خزانه‌داری کل شعبه‌های کل و جزو را که لازم می‌داند برقرار خواهد نمود.

ماده چهارم - هنگامی که ادارات مرکزی مرتب و منظم گردید خزانه‌داری کل هر زمان که مقتضی بداند ترتیبات لازم برای تشکیل ادارات در هر يك از ولایات و ایالات مختلفه را خواهد داد.

ماده پنجم - خزانه مملکت به خزانه‌داری کل سپرده خواهد شد و به هیچیک از مصارف دولتی بدون امضای او در مورد پرداختهای نقدی یا بدون تصویب او در مورد پرداختهای نسیه بعمل نخواهد آمد.

ماده ششم - خزانه‌داری کل قوانین و تنظیماتی را که برای اجراء و انجام بطور صحیح ترقیاتی را که در مواد سابقه مذکور شده مناسب بداند آماده نموده و این قوانین پس از ارائه و طبع حکم قانون خواهد داشت.

ماده هفتم - اعتبار بقدر شصت هزار تومان به خزانه‌داری کل داده خواهد شد. برای برقرارداشتن هیئت مخصوصی برای تفتیش در صورتی که مستخدمین جدید در تحت کنترات برای تشکیل چنین هیئتها لازم باشد کنترات آنها برحسب معمول برای تصویب به پارلمان تقدیم خواهد شد.

ماده هشتم - تهیه بودجه مملکت که باید از طرف دولت به پارلمان تقدیم شود یکی از وظایف خزانه‌داری کل خواهد بود و تمام وزراء و مستخدمین دولت مجبور خواهند بود که آنچه اطلاعات خزانه‌داری کل لازم داشته باشد بدون تأخیر به او بدهند.

ماده نهم - خزانه‌داری کل آنچه صرفه‌جویی که مناسب بداند در مصارف و معاملات دولت خواهد کرد. این یکی از وظایف معینه او خواهد بود.

ماده دهم - خزانه‌داری کل هر ربع سال يك مرتبه راپورت اوضاع مالیه مملکت

را آماده و تقدیم دولت خواهد نمود.
 ماده یازدهم - خزانه داری کل تحقیقات لازمه برای اصلاح و ترقی قوانین موجوده مالی و تولید منابع جدید عایدات که در آن واحد برای مملکت مناسب و ذی نفع و مطبوع باشد کرده توسط دولت آن را به پارلمان تقدیم خواهد نمود.
 ماده دوازدهم - خزانه داری کل بر پرسنل مشاغلی که بر حسب مواد فوق در تحت کنترل او برقرار خواهد شد امر خواهد شد.

نمره - ۱۵۴

مکتوب سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)
 طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
 آقا

افتخاراً خلاصه وقایع چهارماهه گذشته ایران را لفا ایفاد می دارم.
 امضاء چارچ بارکلی

ملفوفی نمره ۱۵۴

خلاصه وقایع ایران برای مدت از هیجدهم مه لغایت ۱۴ ژون ۱۹۱۱

طهران

مأمورین مالی امریکایی - مستر آر دبلیو هیلز مدت کمی پس از مستر شومستر و سایرین به طهران ورود نمود ولی به واسطه علت مزاج خانوادگی به امریکا مراجعت نمود. مستر کرنز هنوز وارد نشده. مستر شومستر مسوده دو لایحه راجع به وظایف خود در مقام خزانه داری کل حاضر نموده است. مجلس به فوریت آنها را تصویب کرده و قانونیت پیدا کرده اند.

مجلس

در جلسه ۱۸ مه دولت اجازه خواست که حقوق مستخدمین فرانسوی و سوئدی را که استخدام شده اند از روی میزان ذیل بپردازد:

فرانك سالیانه	صاحبمنصبان سوئدی برای ژاندارمری
۲۰,۰۰۰	يك كاپیتان
۲۴,۰۰۰	دو لفتنانت

مأمورین فرانسوی

۳۰,۰۰۰	يك نفر برای وزارت داخله
۳۰,۰۰۰	يك نفر برای وزارت عدلیه

و تصویب گردیده که اختیارات لازمه به آنها داده شود. پروگرام دولت از برای مصرف

وجه قرضه. لیرای انگلیسی (به مبلغ چهارصد هزار لیرا) در جلسات ۱۶ و ۱۸ مه مطرح مذاکره گردیده (رجوع به مراسله ۱۹ مه بفرمایید) و به اکثریت آراء تصویب شد.

در جلسه ۲۰ مه یکی از اعضاء پیشنهاد نمود که يك ماده بر پروگرام مصارف علاوه شود به این مضمون که مبلغ یکصد هزار تومانی را که برای پرداخت حقوق عقب افتاده نمایندگان ایران مقیم خارجه کنار گذارده شده بطور تناسب در میان آنها تقسیم شود چون که این وجه البته برای پرداخت کلیه حقوق عقب افتاده مکفی نخواهد بود این مسئله تصویب گردید ولی اکثر آرائی که یا این پیشنهاد موافقت داشت از طرف دسته مخالف بود.

در ۲۳ مه بودجه سالیانه مجلس برای سال آتی (از ماه مارس ۱۹۱۱ الی ماه مارس ۱۹۱۲) قرائت و به اکثریت آراء تصویب گردید. مصارف عمده که تصویب گردیده از قرار ذیل است:

حقوق وکلاء (هر يك سالیانه ۲۴۰ لیرا)	۱۲۱,۰۰۰ تومان
حقوق اجزاء	۱۳,۲۵۴ تومان
مصارف متفرقه	۱۰,۶۷۲ تومان

در ۲۵ مه صدراعظم اعلام نمود که معاون الدوله و ممتازالدوله عهده های خود را به طریق ذیل معاوضه نموده اند:

معاون الدوله به مقام وزارت مالیه

ممتازالدوله به مقام وزارت تجارت و پست و تلگراف

صدراعظم این طور توضیح نمود که این معاوضه به واسطه کثرت مشاغل وزارت مالیه و علت مزاج ممتازالدوله به عمل آمده.

در جلسه ۲۷ مه مرتضی قلی خان سردسته طرفداران وزراء نقشه ای در باب تجزیه کرمان از بلوچستان قرائت نمود و پس از مختصر مذاکره مسئله مسکوت عنه ماند.

در ۳۰ مه لایحه ای در خصوص تعیین وظایف خزانه داری کل و کنترل او بر مصرف وجهی که از قرضه بدست می آید به مجلس عرضه گردید:

در ششم ژون بودجه دربار قرائت و تصویب گردید. جمع وجوهاتی که برای این مقصود برای سال آتی تعیین گردیده ۳۰۰,۰۰۰ تومان است و فقرات عمده آنها بقرار ذیل است:

برای صرف جیب شاه	۱۴,۵۰۰ تومان
مخارج ولیعهد	۱۸,۰۰۰ تومان
مخارج نایب السلطنه (بانضمام کابینه او)	۶۰,۰۰۰ تومان
وزارت دربار	۲۰,۰۰۰ تومان
خانواده سلطنتی	۱۲۵,۰۰۰ تومان

در ۸ ژون لایحه دیگر در خصوص جزئیات وظایف خزانه داری کل و اختیاراتی که در اداره نمودن مالیه بوی داده شود به مجلس عرضه گردید. لایحه مزبور به کمیته

مرجوع شده و در جلسه ۱۳ ژون به اکثریت آراء تصویب گردید.
سردار اسعد در سوم ژون به طرف اروپا رهسپار گردید.

تبریز

در اوایل ژون مخبر السلطنه از ایالت استعفاء نمود. امان‌الله میرزا فرمانده عساکر آذربایجان قعلا بجای او مشغول کار است.
حاکم اردبیل که برای سرکوبی شاهسونها عزیمت نموده بود قریب میسکین در اواخر مه شکست خورده و به اهر فرار نمود. از قرار مذکور کار بر حاکم اهر سخت شده چرا که قشونی که او برای سرکوبی قراداغیها فرستاده بود منهزم گردیده‌اند.
شجاع‌الدوله حاکم مراغه چندی قبل از استعفای مخبر السلطنه خود را از تحت اختیار ایالت آذربایجان خارج نموده و از قرار راپورت واصله مشغول جمع‌آوری استعدادی بوده ولی آیا چه مقصودی از جمع‌آوری آن در نظر داشته آشکار نمی‌باشد. از قرار راپورتی که از ایرانیان واصل شده قصد وی از جمع‌آوری این استعداد مقابله با سالارالدوله است که با دویست یا سیصد نفر در هفتم ژون نزدیک میان‌دوآب بوده. مقصود سالارالدوله بنابر عقیده عموم این است که دولت را مجبور کند با او درخصوص حلاک ضابط‌شده خود طوری اصلاح نماید.

رشت

یمین‌الممالك به حکومت گیلان تعیین شده و در ۲۶ مه به رشت وارد گردید.
یک نفر تاجر یونانی که از رشت به انزلی می‌آمده سه نفر ارمنی در راه خمام او را حمله نموده یکصد و پنجاه لیرا از او برده‌اند. کالسگه‌چی او موفق به فرار شد و خبر این مقدمه را به رشت رسانیده و از آنجا پلیس به آن نقطه فرستاده شده ارمنیها را دستگیر و یکی از آنها را شلاق زدند تا محلی که یکصد و پنجاه لیرا را پنهان نموده بود بروز داد.

سیستان

در اواخر آوریل سیلاب رودخانه هامون برشلا غلبه نموده مقدار زیادی از اراضی میان‌کانجی [میان‌کنگی؟] را پوشانید و چندین قسمت از جاده سیستان الی کوه ملک‌سیاه را سیلاب گرفته قوافل مجبور بودند که مسافتهای زیاد از راههای بیراهه طی نمایند. رسانیدن آذوقه به دسته رباط و حمل مال‌التجاره اشکال زیاد داشت و بیشتر آنها در کوه ملک‌سیاه معطل ماند. به اکثر دهات خسارت زیاد وارد آمده و در یکی از دهات میان‌کانجی از قرار مذکور چهل و شش نفر تلف شده‌اند.
اوضاع سیستان در ماه مه به طریق معمول ولی در قاین نارضایتی عامه برضد شوکت‌الملک حاکم آنجا در ازدیاد بود.

از قرار راپورت واصله بلوچها دفعه دیگر در چاه داشتی به مسافت بیست میل

جنوب غربی هجوم آورده یکصد نفر آنها بطور مسلح به چادرهای ایلات طاهری هجوم آورده و سیصد و پنجاه نفر شتر و چندین هزار رأس گوسفند و کلیه اشیایی که چادرنشینان مذکور داشته‌اند و قیمتی داشته به سرقت برده‌اند. بنابر عقیده عموم خود حشمت‌الملک این هجوم را تحریک نموده است.

محمدعلی نیشابوری عملاً بر یک ناحیه بزرگت نزدیک گون‌آباد [= گناباد] حکمفرمایی نموده.

علی‌هذا ایاب و ذهاب پسته [= پسته؟] مشهد خیلی بی‌نظم است. سازگی هیئتی از کلانتران سنی خانه وکالتاً مجر اکنور [میجر اوکانر؟] را در بیرجند ملاقات کرده است. ما نموده‌اند که سنی‌های آنجا را به تبعیت انگلیس درآورند و اظهار داشتند که مالیاتهای جدیدی که دولت از زمان مشروطیت برقرار داشته‌اند بر آنها تعمیل فوق‌العاده بوده و دیگر آنکه حاکم ظاهراً از عهده حفظ آن ایالت از دست سارقین نمی‌تواند برآید. به آنها اطلاع داده شد که استدعایشان را نمی‌توان قبول نمود.

یک‌دسته بربریه‌ها که به مشهد برای زیارت می‌رفته‌اند یا بعضی از دهاتیان محمدآباد که در راه تربت واقع و چهل میل از بیرجند مسافت دارد نزاع نموده‌اند. دهاتیان به اتفاق بعضی از چادرنشینان کاروانسرای را که بربریه‌ها در آن منزل کرده بودند محاصره نموده و قدری گلوله به آن انداخته‌اند و یک نفر از آنها را موسوم به یعقوب‌علی بربری که سابقاً جزو سپاهیان دسته‌پیاده نظام صد و بیست و ششم بلوچستان بود بقتل رسانیدند.

بربریه‌ها به مجر اکنور در بیرجند رجوع نموده و او هم قرار داد که با حشمت‌الملک متفقاً در این باب تحقیقات نماید. نتیجه این شد که قتل مذکور ثابت گردید مجر اکنور برای خانواده شخص مقتول چهارصد لیرا مطالبه نموده ولی شوکت‌الملک با وجود آنکه خود این مسئله را تصدیق داشت از پرداخت وجه این جریمه امتناع ورزیده حاضر شده است که فقط چهل الی شصت لیرا بپردازد. سفیر اعلیحضرتی این جریمه را از دولت ایران مطالبه نموده است.

اصفهان

سردار اشجع بختیاری حاکم جدید در ۲۶ مه وارد گردید. اگرچه از قرار مذکور از تعیین حکومت بختیاری مردم باطناً رضایت ندارند ولی شهر آرام است. مسئله نان از شدت خود کاسته مقداری زیاد گندم و سایر ماکولات وارد شده است. ادارات محلی که بواسطه اغتشاش ۶ مه از کار افتاده بودند مجدداً تدریجاً بکار خود مشغول گردیدند شرح اوضاع راه شیراز را در مراسله علیحده نگاشته‌ام. تمام راههای دیگر باستثنای راه طهران ظاهراً امنیت داشته. چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت‌دادم دزدان به مستر کینگستن در ۱۴ مه نزدیک خالدآباد زده و آنچه داشته برده‌اند. این سرقت در ساعت یازده بعد از ظهر به وقوع رسید. سارقین پس از گرفتن پولهای مستر کینگستن خود او را با نوکرهایش بر زمین انداخته کتکهایشان را بستند و یکی از آنها

با ته تفنگ خود مکرراً او را زده و لگدکوب نمود. مستر کینگستن پسندون مستحفظ مسافرت می‌کرد حاکم کاشان وعده سوار به او داده بود ولی از فرستادن آنها تصور ورزید. چنان تصور می‌شود که این دزدی کار ایلات نبوده و منشأ آن خود دهاتیان بوده‌اند. میر جنت پیترز از اعضاء اداره تلگرافی هند و اروپا شش ساعت بعد از همان محل عبور نموده هیچ ایلپاتی در آنجا ندیده بود. از اواسط مه تاکنون راه بین خالدآباد و مادرشاه را دستجات کوچک سارقین اشغال نموده ولی فقط سرفتی که در حقیقت واقع و راپورت آن داده شده در مورد یکی از محترمین اصفهان در ۳۰ مه نزدیک خفر به وقوع رسیده سارقین مزاحم پسته نشده‌اند.

در عرض ماه مه اخبار انتظار وقوع اهتشاش در خاک بختیاری شیوع داشت و از قرار راپورت واصله طرفین مشغول جمع‌آوری قشون بودند. موقع تا هشتم ژون به همین‌طور مبهم و غیرمعلوم باقی بود تا آنکه در پل زمان‌خان ده میلی شمال دهکرد مابین طایفه چهارلنگ که با خرافام السلطنه متحد شده بودند و طایفه هفتلنگ جنگ شروع گردید. ده طایفه چهارلنگ را بطور مختلف از هزار الی دو هزار و پانصد نفر تخمین می‌زنند. در دهم ژوئن راپورت داده شد که مجادله بر مظفریت طایفه چهارلنگ که طایفه خواجهویی هم با آنها متحد شده بودند خاتمه پذیرفته. از قرار مذکور ده کثیری تلف شده‌اند. عده‌ای از زنان هفتلنگ که در جلو طایفه چهارلنگ فرار نموده بودند در روز ۱۱ و ۱۲ به اصفهان وارد شدند. قشون امدادی که حاکم اصفهان می‌خواست به طرف طایفه هفتلنگ بفرستد هنوز حرکت نکرده بودند. علت آن بنا بر عقیده عموم این بود که چهارلنگها راه را بر آنها مسدود نموده بودند. سردار ظفر که منسوب به طایفه هفتلنگ و فعلاً در طهران است یقین دارد بر اینکه می‌توان طایفه چهارلنگ را منکوب نمود. این جنگ به ایاب و ذهاب قوافل محمول مال‌التجاره در راه اهواز لطمه وارد نیاورده است.

یزد

خرافام‌الدوله قشقایی در ماه مه از حکومت معزول و بجای او فخرالملک حاکم سابق عربستان منصوب گردیده است. قبل از عزل از مشیرالملک ضابط کل به تهدید چوب و فلک معادل دو هزار لیرا گرفت از آنوقت تاکنون به اصفهان نرفته است. راه باستانهای غارت‌های همراهان ضیف‌الدوله هنگامی که به طرف اصفهان می‌رفتند ظاهراً مأمون بوده.

در دوم ژون راپورت داده شد که یک هزار نفر از کهکلوئیها [کهگیلوئی‌ایها] و بوئراحمیدیها به طرف نوغومباز به قصد غارت در حرکت بوده‌اند.

کرمان

قشون در تحت سردار نصرت در محاصره همراهان بهرام‌خان که در قلعه فهرج هستند مداومت دارند و گاه‌گاهی از محل خود هجوم آورده ولی چندان خسارتی وارد

نیاورده‌اند. هواگر از گرمای هوای یلوچستان بسیار اذیت کشیده و محتمل است بدون اجازه مخابره فهرج را ترك نمایند. مراجعت آنها باعث اهمیت نام بهرام‌خان گردیده جزئی اقتداری که برای دولت ایران هنوز در آن نقاط باقی است از میان خواهد رفت.

در اواسط آوریل در دولت‌آباد که در راه کرمان الی بندرعباس واقع است معادل سه هزار لیرا مال‌التجاره متعلق به مسترز کاستلی و مستر استونز به سرقت رفت. باستثنای این سرقت‌راههای این ایالات و ولایات از قرار معلوم نسبتاً امن است. کلنل هیگ در ضمن مسافرتش دریافت کرده بود که مرتکبین این سرقت وقتی که فهمیدند مال‌التجاره مسروقه متعلق به کمپانی خارجه است از کرده خود زیاده متأسف‌گردیده‌اند.

کرمانشاه

رکن‌الدوله از حکومت معزول و بجای او سردار معتضد تعیین گردیده است. تا زمان ورود او از طهران امور حکومتی به محتشم‌الدوله واگذار است و تاکنون به حفظ نظم موفق گردیده است. دیگر آنکه به یارمحمدخان اصرار نموده و او را راغب به ترك کرمانشاه نموده و گرنه یحتمل مابین او و همراهان اکبرخان برادر معین‌الرمایای مقتول جنگ واقع می‌گردید. قنصل اعلیحضرتی در دوازدهم ژون تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت داد که اکبرخان به قصد حمله به ده رستم‌بیک حرکت نموده و دو دسته مخالف استحکامات کرمانشاه را متصرف گردیده شلیک تفنگ هم در بین به وقوع رسیده. بازارها بسته و عموم اهالی را ترس و بیم فرا گرفته است.

داودخان کلهر مشغول جمع‌آوری استعداد برای حمله به صنم‌الممالك سنجابی می‌باشد ولی از قرار معلوم به وصول تلگراف از طهران که نظم شهر را به او واگذار کرده‌اند او از اجرای اقدام فوق‌الذکر استنکاف نموده است. از قراری که راپورت رسیده والی پشتکوه با پسر خود امان‌الله خان که با او مقابله نموده بود صلح کرده و تقاضاهای او را قبول کرده است.

شیراز

هیجان عامه بر علیه پناه دادن قوام‌الملک در قنصلخانه اعلیحضرتی تا مدتی در اینجا دوام داشت ولی اکنون برطرف گردیده.

در دهم ژون بدبختانه حادثه‌ای واقع گردیده پانصد نفر از سربازان کوشش نمودند که به قنصلخانه اعلیحضرتی جبراً ریخته بعلت تعویق در پرداخت حقوق خود در آنجا بست اختیار نموده پروتست نمایند. شلیک واقع گردیده سه نفر از سربازان ایرانی مقتول و دو نفر مجروح گردیده یکی از سواران دسته بیست و پنجم قشون سواره از مستحفظین قنصلخانه اعلیحضرتی یکی از انگشتانش به ضرب گلوله از هم متلاشی شد.

حکومت قشون برای محافظت قنصلخانه تعیین‌نموده و سرکرده قشون یکی از اجزاء

شخصی خود را برای اظهار تأسف از حادثه‌ای که شرح آن مفصلاً در کاغذ علیحده نگاشته شده فرستاد.

خلیج فارس

پوشهر

به علت بروز مرض طاعون در پوشهر در ۲۳ آوریل رسماً اعلان شیوع آن مرض داده شد.

بندرعباس

در آخر آوریل از میناب خبر رسید که ضابط جیرفت برحسب امر حاکم کرمان ضرغام نظام و حناندا خانرا پس از يك جنگی که در آن از هر طرفی پنج نفر مقتول گردیدند دستگیر نموده.

نمره - ۱۵۵

مکتوب سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)
طهران ۱۸ ژون ۱۹۱۱ [۲۸ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ ج ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

راجع به تلگراف ۳۱ مارس گذشته من همکار روسی من اطلاع می‌دهد که پس از آنکه در باب اقدامی که برای قتل معتمدخاقان حاکم اصفهان به عمل آمده و برادرزاده او بقتل رسید متحداً تحقیقات لازمه نموده و پس از اختتام تحقیقات میرزا عباس‌خان را برای محاکمه به روسیه فرستاده‌اند.

امضاء چارچ بارکلی

نمره - ۱۵۶

مکتوب سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژون ۱۹۱۱ [۳۱ خرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

راجع به مکتوب ۱۶ مه من در خصوص قرضه ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا که دولت ایران توسط بانک شاهنشاهی ایران استقراض می‌نمایند افتخار دارم جوفاً ترجمه قانون مجلس را که برای همان مقصود در دوم مه تصویب گردیده انقاد دارم.

ملفوفی نمره ۱۵۶

قانون ذیل که به واسطه آن دولت ایران مختار گردیده‌اند قرضه ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا توسط بانک شاهنشاهی ایران بنمایند در پارلمان ایران در تاریخ دوم مه ۱۹۱۱

[۱۲ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۳ ج ۱ - ۱۳۲۹] تصویب گردیده و چهار مواد ذیل را که در قانون مزبور مندرج است از روزنامه رسمی دولت ایران که در تحت نمره ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ مه منتشر گردید ترجمه شده است.

قانون مورخه دوم مه ۱۹۱۱

ماده اول - دولت ایران مختار است که توسط بانک شاهنشاهی ایران مبلغ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیرا از قرار فرع صدی پنج با نزول صد دوازده و نیم استقراض نماید.
ماده دوم - ترتیب استهلاك و وثیقه این قرضه بطریق ذیل خواهد بود:
۱) استهلاك این قرضه از قرار صدی نیم پس از انقضاء پنج سال از تاریخ این قرضه پرداخته خواهد شد.

۲) وثیقه این قرضه همان وثیقه قرضه سابق دولت ایران از بانک شاهنشاهی بر طبق شرایط قرارداد ۲۰ مارس ۱۹۱۰ خواهد بود یعنی اول وجوهاتی که از بسایت عایدات گمرکات جنوبی پس از وضع مصارف وصول آن واصل می گردد.

۳) در صورتی که بانک شاهنشاهی ایران در باب عدم پرداخت اصل این قرضه پیشنهاداتی نماید که بعلت آن دولت ایران حقی نداشته باشند که تمام وجه قرضه را تا يك مدت معینی بپردازند دولت می تواند به این پیشنهاد رضا دهد به شرط آنکه مدت مذکور بالغ بر پنج سال از تاریخ امضای این قرضه نباشد.

ماده سوم - اسهام این قرضه از هر گونه مالیات و عوارضی که ممکن است فیما بعد تعیین گردد معاف خواهد بود.

ماده چهارم - پس از پرداخت ۳،۳۹۶،۶۹۷ تومان که فعلا بانک طلبکار است و ۳۴۰،۰۰۰ تومانی که از بابت قرضه بطور مساعده داده شده تنتمه قرضه تا زمانی که نقشه مصارف و طرح کنترل در مجلس تصویب نگردیده در بانک سپرده خواهد بود.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ ژوئیت)

طهران ۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۶ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع طهران

تاکنون کسی برای تعیین به مقام سپهدار پیدا نشده و مجلس به استثنای معدودی از اعضاء حالا درك می کنند که باید از ایشان طرفداری نمایند.

ناصرالملک دیروز وکلاء را احضار نموده و بطور سخت با آنها صحبت داشته آنها را از اهمیت امورات متنبه نموده است. والاحضرت از اکثریت آنها نوشته ای که به موجب آن همراهی با سپهدار را تعهد نموده بودند گرفته مضمون آن را برای سپهدار مخایره نمود.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ ژوئیت)
 طهران ۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۷ رجب ۱۳۲۹]
 سپیدار دیروز از رشت بسمت طهران حرکت نمود.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ ژوئیت)
 طهران ۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۸ رجب ۱۳۲۹]
 متأسفانه راپورت می‌دهم که مناقشه‌ای مابین مسیو مرنارد و مستر شوستر بوقوع
 رسیده. خزانهداری کل اصرار دارد بر اینکه برحسب قانونی که در ۱۳ ژون از مجلس
 گذشته مدیر کل گمرکات باید در تحت امر او باشد و از مسیو مرنارد درخواست نموده
 است که کلیه وجوهای گمرکی را در بانکهای انگلیسی و روسی به حساب او امانت
 بگذارد. تاکنون مدیر کل گمرکات به این ترتیب باطلأ رضا نداده و بانک شاهنشاهی در
 تعقیب تعلیمات خزانهداری کل که باید فقط امضاء وی را بشناسد چکهایی که مدیرکل
 گمرکات از بابت محاسبات گمرک به حواله بانک صادر نموده بانک نکول کرده است.
 دیشب کابینه وزراء نتیجه رأی خود را در باب تقویت با تقاضاهای مستر شوستر
 برای مسیو مرنارد فرستاده او را امر به اطاعت قانون جدید نمودند.
 عقیده من این است که خوب است در این مجادله خود را دخیل ننمایم مگر آنکه
 برخلاف آن از طرف شما تعلیمات برای من برسد.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئیت)
 طهران ۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۹ رجب ۱۳۲۹]
 در تعقیب تلگراف دیروز خود افتخاراً راپرت می‌دهم که در ۴ ژوئیت بانک شاهنشاهی
 ایران از قبول چکی که مسیو مرنارد از بابت يك فقره از محاسبات گمرکی صادر
 نموده بود امتناع ورزیده چک مزبور را بعلت آنکه از طرف مستر شوستر امضاء نشده
 بود مرجوع داشت. مسیو پکلیوسکی [= پاکلوسکی] مرا اطلاع داده که چک مذکور
 برای انتقال بعضی از وجوهای گمرکات شمالی صادر گردیده که مدیرکل گمرکات
 برای تسهیل امور خود در بانک شاهنشاهی امانت گذارده بود که برای بانک استقراضی
 بفرستد.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ۷ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۹]

افتخاراً راپرت می‌دهم که مجلس دیروز مستر مرگان شوستر را به اتفاق آراء مختار نمود که يك نفر معاون مالیه برای تشکیل ژاندارمری خزانه استخدام نماید. از قراری که فهمیده‌ام مستر شوستر زمانی که این پیشنهاد در تحت ملاحظه بود بطور محرمانه به مجلس اطلاع داده بود تصمیم نموده است که این شغل را به آتاشه میلیرت سفارت دولت اعلیحضرتی واگذار نماید. اکنون تصمیم خود را فعلیت داده در مکتوب خود به عنوان مآثر استوکس می‌نویسد که وجود او برای این عهده‌ای که پیشنهاد شده به ملاحظه بصیرت کاملی که از مملکت و اوضاع عمومی آن دارد و تحصیلات نظامی و آشنایی با زبان مملکتی او برای دولت ایران فایده زیاد خواهد داشت.

وظایف ژاندارمری خزانه از قرار مشروح تقویت و کمک مأمورین مالیه مخصوصاً در ایالات و ولایات جنوبی در هر جا که لازم باشد در وصول مالیاتهای مستقیم و غیرمستقیم خواهد بود. تعیین او در تحت امر مستر شوستر خواهد بود. استدعا می‌کنم جواب را زودتر بفرستید برای آنکه در صورت قبول خزانه‌داری کل بتواند اقدامات فوری نموده در این باب با دولت اعلیحضرتی بطور رسمانه مذاکره بنماید.

می‌ترسم امکان نداشته باشد به دولت ایران بطور واضح اصرار نمایم که تعیین او را فقط به نقاط جنوبی محدود سازند چرا که چنین اقدامی از طرف ما در این موضوع مجلس را ملزم خواهد ساخت که ما در مسئله این تعیین قصد پلتیکی در مد نظر داشته‌ایم.

این را ممکن است علاوه نمایم که اول اطلاعی که در این باب بدست من آمد از مراسله‌ای [بود] که مستر شوستر به آتاشه میلیرت نگاشته است.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ ژوئیت)

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز دومرتبه اسباب اضطراب شده. قریب هشتاد نفر تفنگچی متعلق بیکی از دهات مجاور محلی را در شهر اشغال نموده از حکومت تقاضای تسلیم قاتل یکی از رفقای خود را می‌کنند. حاکم شدت اوضاع را به واسطه آنتریکهای همراهان قوام می‌داند و دولت ایران از من درخواست نموده‌اند قوام را تهدید نمایم که هرگاه اوضاع اینطور دوام کند او را به حکومت تسلیم خواهم نمود. قنسول اعلیحضرتی این تهمت را انکار نموده می‌گوید دهاتیان متظلم با قوام ارتباطی ندارند. با وجود این قوام را بطور سخت متنبه نموده‌ام که همراهان خود را باید آرام نگاه دارد.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ ژوئیت)

طهران ۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۹]

تلگراف ذیل به نماینده اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده است:

دولت ایران مرا اطمینان داده‌اند که آن دولت از وثیقه‌ای که نظام السلطنه برای تأمین جان قوام داده راضی بوده و از من خواهش نموده‌اند شما را دستورالعمل دهم که او را برحسب ترتیباتی که نظام السلطنه می‌دهد بسمت اروپا حرکت دهید. شما باید قوام را از اطمینانات دولت ایران مستحضر داشته از او درخواست نمایید که برای حرکت خود به بوشهر با نظام السلطنه ترتیبات بدهد. گمان می‌کنم او به این کار مایل نباشد و شما هم نباید مصر به قبول او شوید ولی در این صورت خوب است او اظهار نماید چه قسم تأمینات دیگر لازم دارد.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژوئیت)

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

در تعقیب تلگراف پنجم ژوئیت من افتخاراً راپورت می‌دهم که میانه خزانه‌داری کل و مدیرکل گمرکات ظاهراً قراری داده شده چنانچه از جزئیات مسئله بخوبی واقف شوم بشما راپورت خواهم داد.

نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله دهم ژوئیت)

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگرافات دوم و پنجم ژون من سفیر روس بمن اظهار داشته که ایلات شاهسون حتی تا مغرب تبریز را غارت نموده و راه از تبریز به اردبیل و راه طهران تا میانج ناامن است. مشابه همین راپورتهای از قنصل انگلیس برای من رسیده است.

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژوئیت)

طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۹ ژوئیت من حاکم در ۸ ژوئیت اعلانی منتشر نمود که پس از بیست و چهار ساعت دیگر آن نقطه شهر را که تفنگچیان متظلم تصرف نموده و خانه قوام هم آنجا است بمبارده خواهد نمود. در این اعلان اغتشاشات را حمل به تحریک

قوام نموده اگرچه مکرراً دولت ایران را اطمینان داده‌ام که قوام مجاز نیست با خارج رابطه داشته باشد و مذاکره‌ای نماید مگر توسط کفیل قنصلگری. حکومت از آن وقت تا حال بیست و چهار ساعت مهلت داده است کفیل قنصلگری برحسب خواهش حکومت تبعه انگلیس را دستورالعمل می‌دهد که از محلی که تهدید شده است خارج شوند. من دولت ایران را برای هر نوع خسارتی که به تبعه انگلیس وارد آید مسئول قرار داده‌ام و از اینکه حکومت اظهار داشته است قوام از قنصلخانه مشغول آنتریک است پروتست نموده‌ام.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارچ بیوکانون
وزارت خارجه ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]
ژاندارمری خزانه

رجوع به تلگراف هفتم ژوئیت کنید.
شما باید نظریات دولت روس را بدست آورده شرح اوضاع را برای او توضیح نموده اظهار دارید که تاکنون دولت اعلیحضرتی از مسئله تعیین او چیزی نشنیده‌اند.

نمره - ۱۶۸

تلگراف سر چارچ بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ ژوئیت)
سنت پترزبورگ ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]
برحسب دستورالعملی که در تلگراف دهم ژوئیت خود داده بودید امروز با کفیل وزیر امور خارجه در خصوص تشکیل ژاندارمری خزانه صحبت نمودم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] مذکور داشت که نظر به آنکه او با کلیه اقداماتی که در راه اعاده نظم در ایران شود موافقت دارد بر تشکیل این ژاندارمری اعتراض نخواهد داشت ولی بتصور او هرگاه مقتضیات این تشکیل جدید لازم می‌دارد که آن در تحت امر یک نفر صاحب‌منصب باشد بهتر است که آن صاحب‌منصب از یکی از دول صغار انتخاب گردد. از طرف دیگر هرگاه امکان داشته باشد که آن را در تحت امر متجاوز از یک نفر قرار داد گمان می‌کند تعیین یک نفر صاحب‌منصب انگلیسی و یک نفر روسی عیبی نخواهد داشت. من به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار داشتم تحصیل یک نفر آدم لایق کافی برای این عهده ممکن است اشکال زیاد داشته باشد و ظاهراً ماژور استوکس دارای خصوصیات است که او را کاملاً برای فرماندهی این قوه مناسب می‌نماید. سازانوف در جواب اظهار داشت که تحصیل یک نفر صاحب‌منصب سوئدی اشکال نخواهد داشت.

نمره - ۱۶۹

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

شیراز

در تعقیب تلگراف ۱۰ ژوئیت خود بمباردمانی را که فرمانفرما به آن تهدید نموده به وقوع نپیوسته شهر نسبتاً آرام است.

نمره - ۱۷۰

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

بر دولت ایران معلوم شده که مجلل السلطان یکی از محبوبان شاه مخلوع که با آن اعلیحضرت در سفارت روس بست اختیار نموده بود [و] با او از ایران حرکت کرد، از طرف آن اعلیحضرت ایلات شامسون را ملاقات نموده و مکتوبات او را به رؤسای ایلات رسانیده است.

قنصل ایران مقیم بادکوبه راپورت می‌دهد که سردار ارشد یکی از رفقای امیر بهادر باتفاق دو نفر از همراهانش با اسلحه و مهمات جنگی به بادکوبه وارد شده و شهرت داده‌اند که شاه مخلوع تا دو هفته دیگر به ایران معاودت می‌نماید. چنانچه از سفیر روس بمن مفهوم گردیده مأمورین روس این اشخاص را دستگیر نموده‌اند. خوب است شاه مخلوع که گمان می‌کنم حالا در وینه است متنبه شود که دست از آنتریک بردارد. هرگاه ثابت شود که در مدتی که خارج از روسیه است مرتکب آنتریکی شود حقوقی را که برایش تعیین شده از دست خواهد داد.

نمره - ۱۷۱

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژوئیت)

طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگرافات دهم و دوازدهم من کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که طوایف قراداغی و شامسون کاملاً بنای یاغی‌گری گذارده و در حوالی تبریز مشغول غارت و چپاول زیاد می‌باشند. اهالی تبریز و اطراف و دهات مجاور آن در شهر پناهنده می‌شوند.

کفیل قنصلگری اطلاع دولت ایران را در باب اینکه مجلل السلطان در میان طوایف شامسون حضور دارد تصدیق می‌کند.

نمره - ۱۱۷۲

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژوئیت)
 طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
 در تعقیب تلگرافات ۲۷ آوریل و ۲۸ مه افتخار دارم راپورت دهم که حمل و نقل
 مالالتجاره در راه بختیاری بعثت سرقت مقطوع گردیده است.
 تاکنون برای بهبهان حاکم مناسبی تعیین نگردیده من در این موضوع به دولت
 ایران فشار می‌آورم.

نمره - ۱۷۳

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ ژوئیت)
 طهران ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
 قنصل کرمان هیجان بر ضد پارسیان را راپورت می‌دهد. یکصد نفر پارسیان که
 تجار معتبر هم جزو آنها هستند در قنصلخانه تحصن اختیار نموده‌اند.

نمره - ۱۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر چارج بارکلی
 وزارتخانه ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]
 ژاندارمری خزانه
 لطف نموده تلگراف سنت پترزبورگ را که در یازدهم شهر جاری مخاברה شده
 ملاحظه فرمایید و مرا از نظریات خود واقف سازید. آیا به عقیده شما يك نفر
 صاحب منصب سوئدی یا يك نفر از اتباع یکی از دول صغار می‌تواند مشکل را حل
 نماید؟

نمره - ۱۷۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر بیوکانون
 وزارت خارجه ۱۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف سر چارج بارکلی مورخه دوازدهم ژوئیت
 آنتریگهای شاه مخلوع
 تحقیق کنید که آیا از محلی این راپورتهای برای دولت روس تصدیق شده؟ و هرگاه
 اینطور است اظهار دارید که ما مایلیم سفیرکبیر اعلیحضرتی مقیم وینه را دستورالعمل
 دهیم که با همکار روسی خود متحداً شاه مخلوع را از اعمالش متنبه سازد.

نمره - ۱۷۶

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۱ [۲۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۹]
آقا

ایلچی مخصوص و سفیر ایران امروز به ملاقات من آمده و از من سؤال نمودند که ایلچی مخصوص در مراجعت خود چه اطلاعات به ایران ببرد و چه اخباری را پورت دهد؟ و از بهبودی اوضاع طرق جنوبی شرحی مذکور داشتند.
من به ایشان اظهار داشتم از قرار مفهوم با وجود آنکه مال التجاره از این طریق حمل و نقل می شود ولی موقع بهیچوجه دارای امنیت نمی باشد و اینکه از روی میل با استخدام صاحبمنصبان سوئدی موافقت نموده ام خود واضح و آشکار نموده است که ما بجز منافع تجارتنی انگلیس مقاصد پلتیکی دیگر در نظر نداشته ایم و چیزی که لازم است تشکیل قوه ایست که باعث استقرار امنیت گردد.
ایشان از وضع سلوک ما در مسئله صاحبمنصبان سوئدی قلباً اظهار رضایت و قدردانی می نمودند.

نمره - ۱۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیه)
طهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
صدراعظم روز یکشنبه به طهران مراجعت نمود. وزرای دیگر روز سه شنبه استعفاء نمودند.
تشکیل کابینه جدید نظر به آنکه سپهدار مایل نیست مسئولیت انتخاب وزراء را بعهده گیرد اشکال دارد و اکثریت اعضای مجلس هم از بابت انتخاب نمی توانند موافقت نمایند.

نمره - ۱۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیه)
طهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
حای مفاد مراسله ذیل مورخه ۱۵ ژوئیه می باشد:
آقا

افتخاراً وصول تلگراف ۱۳ شهر جاری شما را اطلاع می دهم.
پیشنهاد دولت روس را مبنی بر اینکه فرماندهی ژاندارمری خزانه که خزانه دار کل می خواهد تشکیل دهد تقسیم شود به طوری که یک نفر صاحبمنصب انگلیسی و یک نفر صاحبمنصب روسی فرماندهی داشته باشند دولت ایران بطور حتم قبول نخواهند کرد

مگر آنکه مجبور به این امر گردند و هرگاه ما اصرار به آن نمائیم بلاشک می‌دانم که خزانه‌دار کل استعفاء خواهد نمود.

اما در باب پیشنهاد ثانی که فرماندهی ژاندارمری خزانه به عهده صاحب‌منصب سوئدی یا یکی از اتباع یکی از دول صغار سپرده شود گمان می‌کنم خوب است در این باب با مستر شوستر مشورت کنم و اکنون افتخاراً سواد جواب او را انقاد می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۱۷۸

مکتوب مستر شوستر به سر جارج بارکلی
 طهران ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
 جناب سر جارج بارکلی

مراسله امروز شما مبنی بر اینکه دولت شما ظاهراً خیال می‌کند که تعیین ماژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه امکان دارد باعث رقابت بین‌المللی شود واصل گردید. ضمناً شما از من سؤال می‌نمایید که آیا تعیین يك نفر صاحب‌منصب سوئدی یا یکی از اتباع دول صغار رفع اشکال را خواهد نمود؟ در جواب عرض می‌کنم که چون مجلس اخیراً مرا مجاز نمود که شخص مناسبی را در تحت نظارت و کنترل مستقیم خود برای تشکیل قوه ژاندارمری خزانه تعیین نمایم من ماژور استوکس را برای این عهده انتخاب نمودم به همین يك جهت و سبب که من او را از هر شخص دیگر که بتوانم برای این کار پیدا کنم بهتر و مناسب‌تر می‌دانم من شخصاً از صفات مخصوص ماژور استوکس از قبیل تحصیلات نظامی و توقف چهارساله او در ایران و معرفتی که از حال و وضع مملکت دارد و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که بسیاری از اهالی اینجا بآن زبان حرف می‌زنند) و بطور عموم از احتراماتی که در مقام يك نفر صاحب‌منصب و يك آدم متمدن در حق او مرعی می‌دارند واقف هستم و بدون تردید شما را اطمینان می‌دهم که در تحصیل يك نفر معاون کافی مالیه که برای این شعبه بخصوص کار خود می‌خواستم پیدا کنم مسئله ملیت بهیچوجه در عقیده من رسوخی نداشته. هرگاه چنین خیالی در مد نظر داشتم باید این‌طور تصور شود که چون فیصله این امر به اختیار من واگذار شده بود بایستی در صدد باشم که از مملکت خود يك نفر معاون جلب نمایم.

ممکن است در این موقع تکراراً عرض کنم که امور رفورم مالیه را که من در مقابل اشکالات بسیار مهم بعهده گرفته و به يك طریقی شهرت و اسم و رسم شغل خود را در مخاطره گذارده‌ام بهیچوجه من‌الوجه صورت پلتیکی ندارد و هیچیک از اعمال خود را از روی ملاحظات پلتیکی داخلی یا خارجی انجام نداده و طبعاً احساس می‌کنم که بهیچ طریقی نمی‌توانستم ارائه طریقی تفویض این عهده را به ماژور استوکس که من کاملاً از روی سادگی و بی‌طرفی انجام داده‌ام و حمل به تمایل پلتیکی شود قبول کنم. با ملاحظه احترامات لازمه اتباع دول صغار و بدون عدم ملاحظه احترامات و شئون چند نفر از هموطنان خود که برای خدمت در ژاندارمری خزانه تعیین‌نموده‌ام،

عقیده من این است که ماژور استوکس لایق‌ترین شخصی است که بتواند در اموراتی که مربوط به وظایف مالیّه من باشد خدمت کافی به این مملکت بنماید و به هیچوجه من الوجوه مایل نیستم که دیگری را از اتباع دول دیگر برای این شعبه یا سایر شعبات کار خود تعیین نمایم مگر آنکه خود شخصاً از محسنات و صفات شخصی او آگاه و راضی باشم.

ما البته می‌دانیم که یکی از بزرگترین نواقص هر يك از اجانب که در اینجا برای او اسباب زحمت می‌شود (چنانچه در مورد شخص من شده) عدم معرفت به زبان و عادات و طریقه افکار اهالی ایران است و این نقص در مورد شخصی که بایستی مستقیماً با عده‌ای از مردمی که استعداد مسلحی از ایشان باید تشکیل شود طرف گردد بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. يك نفر صاحب‌منصب سوئدی هر قدر هم لایق و کارآمد باشد لازم است که اقلاً یکسال یا بیشتر عمر خود را در اینجا بگذراند تا بتواند حتی‌الامکان در این شعبه امورات خدمت حقیقی بعمل آورد حال آنکه بی‌اندازه لازم و واجب است که استعداد ژاندارمری من بزودی تشکیل و مشغول کار شود.

در انتها اجازه بفرمایید این را عرض کنم که چون مسئله تفویض این عهده را از لرف من به ماژور استوکس عموم مردم اینجا می‌دانند هرگاه مخالف آن عمل نمایم حتماً این اقدام را تعبیر به ملاحظات پلتیکی صرف خواهند نمود و من به هیچوجه نمی‌توانم آنرا بر خود روا دارم.

امیدوار چنانم که اظهارات من شما را قادر تواند نمود که دولت خود را در این موضوع مجدداً اطمینان داده و دولت مشارالیه‌ها بزودی قبولی ماژور استوکس را در تحت ملاحظه آورده جواب مساعد خواهند داد.

امضاء مرگان شوستر

نمره - ۱۷۹

تلگراف سر بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ ژوئیت)
سنت پترزبورگ ۱۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف سر جارج بارکلی مورخه ۱۲ ژوئیت:

کفیل وزارت امور خارجه مرا اطلاع داده که از قرار مسموع اشخاصی که از آنها اسم برده شده در بادکوبه دستگیر شده‌اند. جناب معظم‌الیه [= معظم له] هنوز به کشف اینکه آیا آنها از طرف شاه مخلوع فرستاده شده‌اند یا نه موفق نگردیده. اظهار می‌دارد که از قرار معلوم طوایف شاهسون طرفدار محمدعلی بوده ولی از مسئله مجلل‌السلطان بکلی بی‌خبر است.

وزیرمختار وینه روس را دستورالعمل خواهد داد که شاه مخلوع را که فعلاً به عقیده او در کارلس‌باد است متنبه سازد.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ ژوئیه)

طهران ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل شارژ دفر بلجیک به من اظهار می‌دارد که به دولت ایران اشعار نموده است که دولت بلجیک راضی نخواهد شد مأمورین آن دولت در تحت امر اجانب قرار گیرند و برحسب اطمینانی که حاصل نموده بهیچوجه اینطور قرار نبوده است که مسیو مرنارد را در تحت اوامر خزانه‌داری کل قرار دهند.

خزانه‌داری کل [= خزانه‌دار کل] شخصی است که می‌خواهد همواره از روی میل خود عمل نموده و در این مسئله بخصوص قانون ۱۳ ژون از او آشکاراً تقویت می‌نماید. این را باید دید که تا چه اندازه مستر شوستر می‌تواند اعمال اقتدارات خود را با مقامی که [با مقامی که؟] مأمورین بلجیکی برای خود ادعا می‌نمایند عملاً وفق دهد ولی این بسته به طریقه رفتار او است.

هیچ علائمی نیست که بنمایاند که شارژدفر بلجیک بلاسبب مایل باشد در مسئله مدیر گمرکات تضییقی بنماید و از قرار می‌که به من مذکور داشت در تاریخ ۱۳ ژوئیه طرفین دفعه ثانی با یکدیگر ملاقات طولانی نموده و نتیجه ملاقات ایشان قطعاً اسباب امیدواری بوده است.

مدیر کل گمرکات اکنون قبول نموده که محاسبات گمرکی را که تاکنون به اسم خودش نگاه داشته شده به حساب مستر شوستر انتقال دهد.

من همکار روسی خود را اطلاع داده‌ام که برای اینکه کوشش نموده ذات‌البین را اصلاح نمایم حاضر همراهی هستم ولی نظر به تصمیم خزانه‌داری کل [= خزانه‌دار کل] که می‌خواهد از نفوذ خارجی مستغنی باشد مجبوریم که خیلی بطور احتیاط عمل کنیم.

مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] میل دارد که فعلاً هر نوع اقدامی را به تأخیر انداخته ببیند امورات چه شکلی پیدا می‌کند.

تاکنون من در تحصیل مسوده شرایط تعیین مأمورین بلجیکی موفق نشده‌ام ولی در قرارنامه از قرار تقریر شارژ دفر بلجیک بطور معین مذکور است که این مأمورین باید در تحت امر صدراعظم و وزیر مالیه باشند. این قرارداد را قانون ۱۳ ژون منسوخ می‌نماید بنابراین معلوم می‌شود اصلح این بود که دولت ایران قبل از تصویب این قانون با این مأمورین و دولت بلجیک قرار می‌داده باشد.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر کارت رایت
وزارت خارجه ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]
حرکات شاه مخلوع

تلگراف ۱۴ ژوئیت سنت پترزبورغ را ملاحظه نمائید:
لطف نموده با همکار روسی خود متحد گردیده محمدعلی را متنبه سازید که با
آنتریگهای طرفداران خود برضد حکومت حالیه ایران تقویت یا تحریک ننموده و خود
را هم در این آنتریگها شریک ننمایند.

نمره - ۱۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژوئیت)
طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۹]
ژاندارمری خزانه

از قرار تحقیقی که نموده ام خزانه داری کل قصد دارد سه نفر امریکایی را که در
نظمیه آنجا صاحب تجربه شده اند برای تشکیل این قوه تعیین نماید و در این باب به
جنرال ادواردز که یکی از آنها است در واشنگتن رجوع نموده و شرایط خود را هم
مستقیماً به دو نفر دیگر مخابره نموده است.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژوئیت)
طهران ۱۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۴ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۹]
شیراز

از قرار معلوم هیجان بر ضد فرمانفرما رو به ازدیاد است.
از قراری که راپورت داده شده صولت الدوله بر حسب دعوت حاکم به طوایف خود
امر داده است هر قدر بتوانند مردان جنگی به شیراز بفرستند.

نمره - ۱۸۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژوئیت)
طهران ۲۷ ژون ۱۹۱۱ [۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۹]
آقا

افتخاراً سواد مراسله ای که از کفیل قنصلگری شیراز در باب اوضاع آنجا رسیده
ایفاد می دارم:

در تمام حوادثی که شرح وقوع آن در این مراسله مرقوم است اقدامات مستر ناکس موافق میل و دلخواه بوده از قراری که تصور می‌کنم او با زرنگی و فطانت کامل عمل نموده است.

ملفوظ نمره ۱۸۴

مکتوب ناکس کفیل قنصلگری به سر جارج بارکلی.
شیراز ۱۸ مه ۱۹۱۱ [۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۱۹ ج ۱ - ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم که شرح پیش‌آمدهای اخیر اوضاع فارس را راپورت دهم: در اوایل مه اختلافات مابین حکومت مرکزی و نظام‌السلطنه کسب شدت نموده د. ششم همین ماه من برحسب دستورالعمل تلگراف پنجم مه شما در این خصوص با فرمانفرما مذاکره نمودم. نظام‌السلطنه همینکه مقصود ملاقات مرا دریافت اطلاع داد که راضی به قبول تعلیمات دولت ایران شده و تأخیری که در اجرای آنها نموده بعلت آن بوده است که در این دو سه روزه گذشته مشغول تدبیر وسایلی بوده است که به واسطه آن بتواند قوامیها را بدون آنکه جزئی خطری برایشان رخ دهد اخراج نماید. از قراری که می‌گفت در صدد بوده است که آنها را شب گذشته حرکت دهد ولی همین که فهمید خبر عزم و قصد او به خارج سرایت نموده و افشاء شده است از این کار استنکاف کرده و علاوه نمود که در ظرف همین دو روزه بلاشک موقعی بدست آورده اینکار را انجام خواهد داد. او برای من بطور تفصیل ترتیبات خود را در اینکه محبوسین مزبور را چطور باید به همراهی یک دسته مستحفظ دولتی تا دشت ارجن برده و در آنجا اسبها و آدمهای تازه منتظر حرکت وی تا کازرون خواهند بود و اینکه حکم داده بود یکصد نفر در این نقطه حاضر باشند که به همراهی او تا تنگ ترکان که مدخل شمالی دشت کمارج است رفته از آنجا یکی از بستگان او موسوم به نورمحمدخان با یکصد و پنجاه نفر تفنگچی توقف داشت بیان کرد از آن نقطه بیحد هیچ احتمال خطری متصور نبود.

در جواب سؤال من که آیا وثیقه‌ای برای آنکه صولت‌الدوله با قوامیان از روی احترام رفتار می‌کند دارد یا خیر؟ او در جواب اظهار نمود که چنین وثیقه‌ای ندارد ولی او را عقیده بر این بود که طوایف قشقایی جرأت مزاحمت او را نخواهند داشت. در ضمن این ملاقات نظام‌السلطنه دو مرتبه موقع را مقتضی شمرده در باب نفاق و ضعف بختیاریها و عدم عاقبت‌اندیشی کابینه که به این طریق دست او را از کار بسته‌اند شرح مطول مبسوطی بیان نمود.

تا بعد از ظهر روز بعد دیگر اطلاعی از مسئله قوامیها برای من نرسید تا آنکه معلوم شد که نصرالدوله در بین راه مقتول گردید. کیفیت قتل او تا اندازه‌ای که بطور معین بتوان به صحت آن یقین نمود به قراری است که ذیلا مذکور می‌گردد:

قوام‌الملک و نصرالدوله روز ششم مه [۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۰؛ ۶ ج ۱ - ۱۳۲۹]

از عمارت دولتی قبل از نیمه شب در تحت حفاظت يك صد و پنجاه سوار که اکثر آنها از قزاقان و سواره منظم شاهسون بودند حرکت نمودند. شش نفر قشقایی هم که در موقع حبس مأمور حفظ آنها بودند همراهشان رفتند. قریب مسافت شش میل خارج از شیراز قسمت بزرگی از مستحفظین مراجعت نموده فقط قریب پنجاه نفر که شش نفر قشقایی هم جزو ایشان بودند به همراهی آنها رفتند. از این نقطه راه خیلی ناهموار و ناصاف است و قوام الملك که در این موقع کاملاً سوءظن پیدا نموده بود قاطر سواری خود را با اسب خوبی که یکی از نوکرهایش سوار بود عوض کرده و از جاده خارج شده به اتفاق چهار نفر از همراهان خود و چهار قزاق دنباله رشته کوهها و تپهها را گرفته رفت و در این قسمت راه در هر لحظه انتظار آن می رفت که دشمنان او در کمین او باشند. نصرالدوله که یا کمتر سوءظن داشت و یا بیشتر مطیع و منقاد بود سوار قاطر خود از راه معمولی می رفت. گاهگاه دسته های بزرگ قشقاییان دیده می شدند در همان خطی که اینها سیر می نمودند در حرکت بوده و همینکه به مسافت دو میل به خانه زینان [= خان زینان] مانده از زمین رودخانه می گذشتند قوام الملك دید شش نفر قشقایی که همراهشان آمده بودند نزدیک ساحل رودخانه به يك دسته از ایلات کشکولی متعلق به قبیله محمد کریم خان قشقایی وکیل مجلس که پسرش هم حضور داشت ملحق گردیدند. قوام که قریب نصف میل جلو برادرش رفته بود از يك رشته کوهی که در میان واقع بود می گذشت که صدای خالی شدن گلوله ای شنیده متعاقب آن فوراً دو سه نفر دیگر شلیک کردند. او سواره به بالای آن رشته کوه آمده و چون نصرالدوله را مرده و راه مراجعت را مسدود یافت با هشت نفری که همراه خود داشت به طرف کاروانسرا تاخت نموده و اول قصدش این بود از خود در آنجا دفاع نماید. بالاخره چون راه چاره برای خود نیافت بطرف شمال منعطف گردیده به قصد آنکه خود را به یکی از دهاتش رسانیده از آنجا عده کافی برای حفظ خود همراه برداشته به قبایل عرب برسد ولی بزودی بر وی معلوم گردید که تمام راهها مسدود بود و لذا شب را در میان بعضی از رعایا بسر برده روز بعد قریب هشتاد میل مسافت را طی نموده به اتفاق ده دوازده نفر سوار از دروازه نزدیک خانه خود به شیراز سالمآ ورود نموده از آنجا پیغامی برای فرمانفرما فرستاد به این مضمون که هرگاه وسایل بست در قنصلگری اعلیحضرتی برای او فراهم نیاورد خود و همراهانش حاضر خواهند شد که به قوه قهریه از خویش دفاع نمایند و خود او تبدیل لباس نموده نیم تنه اروپایی در بر و کلاه فرنگی بر سر گذارده باتفاق دکتر وولات در حین ورود او برای معالجه دختر نصرالدوله رفته بود حرکت نموده و قبل از غروب به اینجا رسید.

این تفصیلی است که خود قوام الملك مذکور داشته و بطور عموم با تمام تفصیلات دیگری که توانسته ام بدست آورم مطابق می باشد.

من شخصاً متمایل به این عقیده می باشم که حمله ای که صورت وقوع پیدا نمود از محلی تحریک نشده و يك اقدام بدون مقدمه ای است که از طرف دسته ای از ایلات پرشور بوقوع رسیده.

در میان مردم اینطور صحبت است که استخلاص قوام به واسطه نسبتی است که با صولتالدوله دارد ولی بنظر من هیچ احتمال نمی‌رود که چنین ملاحظه‌ای رئیس قشقای را از خطرات حقیقی باقی گذاردن یکی از اخوان او اغفال نماید.

بعلاوه چند ساعت پس از قتل اخبار موثق از طرف دو غلام اداره تلگراف هند و انگلیس بمن تلفون شد به این مضمون که متجاوز از ششصد نفر از ایلات قشقای طرفین جاده به مسافت چهار میلی خانه‌زنیان در همان نقطه که در سال ۱۹۰۹ بر جنرال قنسول روس حمله شد در کمین نشست‌ه‌اند.

اول خبری که به شیراز رسید بعد از ظهر بود.

پس از آنکه توانستم به صحت این خبر پی برم از فرمانفرما ملاقات نمودم و قبل از ملاقات به رئیس اداره تلگراف سپردم که تلگرافات راجع به این قتل را راپورت ندهد تا آنکه من اظهارات فرمانفرما را خبر دهم.

از ملاقات من ثمری حاصل نشد. نظام‌السلطنه که خیلی مضطرب بود اول اظهار داشت که این حمله یحتمل کار عربها است که برای استخلاص قوامیها کرده‌اند. من در جواب اظهار داشتم که تصور حضور ایلات عرب در وسط دره که آنوقت از پانزده الی بیست هزار قشقای آنجا را اشغال نموده بودند بکلی غیرممکن بنظر می‌آید و من نمی‌توانم حتی تصور مخایره چنین مطلبی را به شما بکنم.

سپس او مذکور داشت که شخصاً کمی شك دارد از اینکه صولتالدوله ترتیب این قتل را فراهم آورده است.

از زمانی که اول خبر مشعر بر اینکه تصور می‌شد قوام‌الملک مجروح شده باشد بمن رسید صاحب‌منصب طبعی را قرار دادم که برحسب امر نظام‌السلطنه که در آنوقت آنچه سوار می‌توانست جمع‌آوری کند به محل وقوع قتل بعنوان تحقیق و تفتیش می‌فرستاد رفته به معالجه وی پردازد. دکتر وولات به اتفاق دو سوار از مستحفظین قنسولخانه طرف عصر حرکت نمود. شب را به بعضی از اهل خانه نصرالدوله برخورد و در جزو آنها عطاءالسلطنه بود که بطور سخت مجروح گردیده و به شهر مراجعت می‌نمود. از قرار خبری که اینها دادند نصرالدوله مرده و کیفیت حال قوام‌الملک بکلی غیرمعلوم و طرق را ایلات پر کرده‌اند.

دکتر وولات همینکه دید در آن موقع کاری نبود انجام دهد از روی عقل عمل کرده به شیراز مراجعت نمود.

از قرار شرحی که این سه نفر که جان بدر برده‌اند اظهار می‌دارند ظاهر می‌گردد که دسته‌ای از کشکولیه‌ها که در تفصیلی که قوام‌الملک بیان نموده مذکور است در ساحل رودخانه توقف نمودند تا آنکه نصرالدوله به فاصله بیست ذراع [= ذراع] از آنها دور بود آن وقت شروع به شلیک نمودند. دو گلوله بر سر او خورده یکی از بدنش عبور نموده فوراً جان سپرد.

هیچیک از مستحفظین يك تیر هم خالی نکرده و کوشش ننمود که با دستۀ کوچک حمله‌کنندگان طرف‌شود و آنها دونفر از نوکرهای نصرالدوله [را] که عطاءنظام و عطاءالسلطنه باشد بطور سخت مضروب نموده تمام اسباب آنها را غارت نمودند. عطاءنظام همین که حمله‌کنندگان از آن محل خارج شدند بطرف باغ نصرالدوله رفته و نزد باغبان بلژیکی پناهنده شد. شبانه به او اصرار شد از آنجا برود و نسبتاً سالمأ به شیراز وارد شد.

روز بعد من از فرمانفرما ملاقاتی نموده و از بعد ازظهر روزگذشته او را مطمئن‌تر یافتم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سردار اسعد ازروی حقانیت از این قتل اظهار خشم نموده آشکارا وقوع آن را بخود نظام‌السلطنه نسبت می‌دهد و یحتمل دولت ایران نظر به امنیت مملکت مقام وزارت داخله را به او تفویض خواهند نمود و بعلاوه اظهار داشت که در صورتی که وزارت داخله به سردار اسعد داده شود او فوراً استعفاء خواهد نمود و شکی ندارد که صولت‌الدوله قبایل فارس خود را جمع‌آوری نموده و به اتفاق والی پشتکوه بسمت طهران حرکت خواهند نمود.

او با قدری اصرار بر من اینطور فهمانید که تعیین سردار اسعد باعث تولیداغتشاش فارس خواهد گردید که فقط مداخله خارجی قادر بر اطفاء نایره آن خواهد بود.

همان‌روز صبح نعش نصرالدوله را وارد نمودند. برخلاف انتظار عموم اعضای بدن او قطع نشده و حتی زنان دراشولی [دره‌شوری] از آن مواظبت نموده بودند. پس از آنکه دکتر وولات زخمهای او را معاینه نمود نعش او را پس از ختم مراسم در مقبره خانوادگی آنها دفن نمودند.

البته اروپاییانی که با نصرالدوله آشنایی داشتند از مرگ او متأسف خواهند بود. در تمام معاملاتش با این جماعت مشارالیه در مورد هر يك همواره ابراز جرأت و سخاوت صادقانه می‌نمود، اگر چه هم‌شهریه‌ای او این صفات را حمل بر حماقت می‌نمودند لیکن صفات مذکوره در وجود او يك نوع حس مغرب‌زمینی نشان می‌داد که مقتضیات حفظ شئونات خانوادگی خود را ملحوظ داشته نگذارد روی به انحطاط برود. مثلاً هرگاه نسبت سرقتی به بستگان یا عشایری که در تحت امر او بودند داده می‌شد با وجود فقدان وسایل کافی در پرداخت دعاوی آنها بهیچ‌وجه تردید یا حيله روا نمی‌داشت.

کمر جای شك است که نظر به غارت و چپاول صولت‌الدوله که سال بسال در ازدیاد بود مشارالیه بزرگترین قوه فعاله در احداث آنتریکهای [= انتریک‌هایی] که از مدتی به این طرف موجب هرج و مرج عمومی فارس شده، بوده است اما این مسئله در مورد ولی برخلاف حرص و طمع رقیب او از قرار معلوم جز از خشونت طبع و میل مفرط به استخلاص خود از قیودی که مانع از انجام مقاصد عالیه‌اش می‌گردید ناشی نبود و اگرچه اولاد ذکوری از او باقی نمانده لیکن انتظار می‌رود که بزودی از

(۱) بهمین گونه است در اصل - عبارت درهم و فارسا است. و اصلاح آن، از روی قرینه هم ممکن نشد. - م.

زوجه اش طفلی بوجود آید.

اما از بابت قوام الملك تاکنون بطور قطع معلوم نیست چه بر سر او آمده. کمی بعد از ظهر روز هفتم مه عیال او نزد من آمده استفسار نمود در صورتی که نتوانسته باشد فرار نماید و به شیراز مراجعت کند آیا من او را در قنصلخانه پناه خواهم داد؟ من در جواب اظهار داشتم هرگاه ظاهر شود که جان او در مخاطره آجل باشد اجازه دخول به او داده خواهد شد. چند ساعت بعد او وارد شیراز شده به قنصلخانه رسید و با وجود خستگی و اضطراب و تب شدید فوراً حاضر بود با فرمانفرما به ستیزه پردازد. بمجرد ورود قوام الملك به قنصلخانه اعلیحضرتی من فرمانفرما را از حضور او رسماً اطلاع دادم و مذکور داشتم پس از قتل نصرالدوله بر من چنین ظاهر گردید که جان قوام الملك در مخاطره آجل بود و علیهذا او را پناه دادم و تا زمانی که اطمینانات موافق دلخواه برای تأمین شخص او برسد در اینجا متوقف خواهد بود.

نظام السلطنه جواب داد که دوستان نفر مسلح در خانه قوام الملك می باشند و احتمال دارد در شهر تولید اغتشاش نمایند. من در جواب به فرمانفرما اطلاع دادم که قوام الملك عیال خود را دستورالعمل خواهد داد این دسته را که بنا بر اطلاعاتی که من دارم سی نفر می باشند همین که اطمینانات کامل برای تأمین خانه و اهل خانه او رسید از آنجا خارج خواهد نمود و به نظام السلطنه هم نصیحت دادم که در صورتی که خطری بر جان و مال اتباع انگلیس باشد خود او مسئول خواهد بود.

صبح روز بعد من از نظام السلطنه ملاقاتی نمودم. ایشان اصرار بر لزوم حرکت قوام الملك داشتند و از خطر توقف او زیاده تر از این در اینجا در پرده تهدید می نمودند. در این موقع ایشان حتی از من درخواست نمودند که از يك درب پشت عمارت حکومتی نزدشان بروم و اطمیناناتی که برای تأمین قوام الملك پیشنهاد نموده بود بدهد برای من عنوان نموده و ارائه طریق نمود که صولت الدوله را بایستی راغب نمود که برای آنکه به سلامت مسافرت کند ضمانت کتبی داده در صورت خلف آن مبلغ زیادی دادنی باشد و تا حدود خاک کمارج مسئولیت او را به عهده گیرد و از آن نقطه خود او وثیقه های لازمه الی بوشهر خواهد داد و بنظر او این طور می رسید که دو یا سه نفر از سواران قنصلخانه بایستی به همراهی قوام بروند و در این موقع او بعوض سواران دولتی چند نفر از اهل دهات خود همراه او خواهد فرستاد.

این پیشنهادات اگرچه قابل تمجید است ولی از قرار معلوم در حقیقت وثیقه ای که بتوان به آن اعتماد نمود نمی باشند.

من به نظام السلطنه اظهار داشتم که این پیشنهادات را فوراً برای شما مخایره خواهم نمود.

همین که ایشان مجدداً در باب وجوب حل فوری این مسئله نظر به اغتشاشات محتمله مذاکره نمودند من دوباره ایشان را بطور سخت متذکر نمودم که در صورت وقوع چنین حوادث خود ایشان مسئول خواهند بود.

همان روز بعد از ظهر اول نمایش از جمله چندین نمایشات در انجمن بوقوع پیوست

و محض آنکه به این هیجان حرارتی داده شود پنجهزار تومان وعده داده شد به اعضای انجمن داده شود و هر يك از ملاها یا تجار که می توانستند ترغیب به آمدن آنجا نمایند بر حسب مقتضا یا تهدید می نمودند و یا آنکه رشوه خوب میدادند. بعموم حاضرین روزی دو قرآن [دو قرآن؟] می دادند. در این اجلاس نطقهای شدیده ایراد شده از طرح ریزیها و مقاصد انگلیس در جنوب ایران که شهرت یافته بود مذمت نموده ازدهام [= ازدحام] را اصرار به حمله به قنسولخانه و قتل قوام الملك می نمودند.

پس از این نمایش نظام السلطنه مرا از اظهارات و رایي که این ازدهام [= ازدحام] داده از پناه دادن به قوام الملك مذمت نموده و آن را مداخله غیر حق در امورات داخلی ایران می دانستند، مستحضر داشت. من مکتوب او را مرجوع نموده از او استدعا نمودم که اگر خواسته باشند این گونه مطالب را برای من بنویسند بایستی بطور رسمی باشد. در این منوال مکتوبی سر باز توسط من بعنوان قوام الملك رسید مشعر بر اینکه رعایای او هنوز فرمان بردار و حاضرند برای او تحت اسلحه بروند و جنگ کنند. من قوام را از وصول این مکتوب مستحضر داشتم و جدا او را متنبه نمودم که تا زمانی که در قنسولخانه اعلیحضرتی توقف دارد باید از هرگونه آنتریک [= انتریک] احتراز نماید و اظهار داشتم که فیما بعد بایستی کلیه مراسلات و مکاتبات او توسط من باشد و به او اطلاع دادم به خویشان و رفقای خود پیغام فرستاده ایشان را از این امر مطلع سازد و محض آنکه بی جهت کدورتی حاصل نشود از او درخواست نمودم که تلگرافاتی که به نایب السلطنه و صدراعظم یا کابینه وزراء مخایره مینماید توسط اداره تلگرافی انگلیس باشد.

در این وقت بر وفق تعلیماتی که از شما رسید من نظام السلطنه را مستحضر داشتم که در صورتی که اغتشاشاتی به وقوع رسیده و به ملاحظه منافع جان و مال اتباع خارجه مداخله لازم گردد شخص او مستقیماً به دولت اعلیحضرتی مسئول خواهد بود.

متعاقب آن همینکه دریافتم که تفنگچیان علی اکبر ده بزرگی که دشمن جان قوامیها بود دور قنسولخانه قرار داده شده و چون قبل از آن از چندین منابع غیر مربوطه شنیده بودم که مخیث الدوله وعده دو هزار تومان داده است به کسی که وارد قنسولخانه شده و قوام الملك را مقتول نماید. من بطور خصوصی به فرمانفرما اطلاع دادم که چنین اخباری بمن رسیده و بطور رسمی ایشان را اطلاع دادم که من نمی توانم هیچ کس را بهیچوجه من الوجوه بگذارم بدون اجازه مستقیم داخل اراضی قنسولخانه شود و هرگاه کسی از این تجاوز نماید من فرمانفرما را برای هر نوع حادثه غیر مطلوبه که واقع شود مسئول خواهم دانست.

از آن وقت تاکنون نظام السلطنه عده ای از آدمهای شخصی خود را دور و حوالی آنجا قرار داده است. آدمهای علی اکبر هم هنوز آنجا توقف دارند. این است شرح اوضاع ناگوار حالیه شیراز.

از زمان فرار قوام الملك فرمانفرما در چندین مواقع بمن فهمانیده است که اهالی شهر ممکن است با سهولت از تحت اختیار او خارج شوند و هرگاه اغتشاشاتی به وقوع

رسد طوری خواهد بود که دولت ایران هم بدون مساعدت از عهده رفع آن برنخواهد آمد و همین طور اشارات دیگر هم نموده است. بنظر من مسئله تهدید حمله به قنصلخانه را باید قابل اعتناء ندانست. با وجود آن می ترسم نتوان کاملاً غیرممکن دانست که در محل دیگری حمله بر يك نفر اروپایی شود به خیال آنکه یکی از دو طرف بنخواهند باعث مداخله گردند. در هر صورت ظاهر است که در این موقع تعیین سردار اسعد یا عزل صولت الدوله یا نظام السلطنه احتمال کامل می رود باعث سختی اوضاع فارس گردد.

هرگاه دولت مرکزی نظام السلطنه را عزل نماید او مجبور خواهد گردید فوراً تصور احتمال قتل خود را یا در شیراز یا در راه که اعدا عدو او در آنجا هستند بنماید.

بعلاوه هرگاه دولت ایران برای ابراز خشم خود هر يك از این سه شق را اختیار نماید صولت الدوله لااقل از حفظ طرق جنوبی دست برداشته و همراهان خود را مجاز به سرقت و غارت می نماید.

اگر صولت الدوله از دور و حوالی شیراز دور شود و با برادر فعال خود ضیغم الدوله که بلاشک از چنین موقعی استفاده خواهد نمود و توقف او البته در اینجا دائمی نخواهد بود از این جا برود البته امورات شکل بهتر و مطبوعتری خواهد گرفت. اما از بابت حرکت قوام مشکل است که نتیجه ای معلوم گردد چون بنظر من غیرممکن است وثیقه ای از او تحصیل نمود بدون آنکه او تصور نماید که به واسطه کثرت نفوذ او ما مجبور باخذ چنین وثیقه شده ایم.

هرگاه تا وقتی که صولت الدوله بطرف شمال حرکت کند امورات به همین نهج باشد گمان نمی کنم اشکال داشته باشد قوام را اینجا نگاهداریم تا آنکه اوضاع جنوب اصلاح شود چرا که به عقیده من پس از این انقلابی که بواسطه قتل نصرالدوله بظهور رسید حتماً به همین زودی کارها سر و صورتی خواهد گرفت.

من تاکنون در باب افکار و وضع سلوک صولت الدوله اطلاع قطعی ندارم ولی گمان می کنم شکی نباشد که او هم در این آنتریک [= آنتریگ] های حالیه شرکت زیادی داشته است اگرچه یحتمل آنتریگهای او مثل فرمانفرما بالاراده نبوده است.

امضاء ناکس

نمره - ۱۸۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژوئیت)

طهران غرة ژوئیت ۱۹۱۱ [۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۴ رجب ۱۳۲۹]

آقا

چنانچه انتظار می رفت اشکالات مسابین مستر مرگان شوستر خزانه داری کل

(۱) کلمه «شاید» از جمله برداشته شد. - م.

[خزانه دار کل] امریکائی و مسیو مرنارد مدیرکل گمرکات بلجیکی بوقوع رسیده است.

چنانچه در مکتوب ۱۳ ماه گذشته خود اطلاع دادم قانونی که بموجب آن اختیارات وسیعه به مستر شوستر داده شد مسوده گردید و ماده پنجم آن این است که بدون امضاء یا تصویب خزانه داری کل دولت هیچ گونه مصارفی نباید بنماید. این قانون در ۱۳ شهر ماضی از مجلس گذشت و در ۱۶ ماه گذشته مستر شوستر بطریق ذیل برای بانك شاهنشاهی نوشت:

«خواهشمندم ملاحظه فرمایید که بر طبق ماده پنجم قانونی که در ۱۳ ژون ۱۹۱۱ در مجلس تصویب شده دولت علیه هیچ نوع مصارفی را بدون امضاء یا تصویب خزانه داری کل نمی تواند بکند...»

در ۲۱ ماه گذشته دو چك به امضای مسیو مرنارد به حواله بانك از بابت حساب گمرک برای مصارفی که از قراری که فهمیده ام مسیو مرنارد معمولاً از بابت عایدات گمرک دریافت می نموده به بانك ارائه شد که بپردازد ولی بانك برحسب دستورالعمل مستر شوستر که در فوق مذکور شد از پرداخت وجه آنها امتناع نموده آنها را رجوع به خزانه داری کل نمود و او شخصاً چکهای مزبوره را قبول و معادل آن به بانك حواله داد.

مسیو مرنارد به رئیس کل بانك شاهنشاهی مکتوبی نوشته با کمال تغییر این اقدام او را غیرقانونی دانسته و پروتست نمود و مستر وود هم در جواب او تعلیماتی را که از خزانه داری کل برای او رسیده بود نوشت.

روز ۲۱ ژون مستر شوستر برای مسیو مرنارد مراسله ای نوشته — همان روزی که چکهای مسیو مرنارد نکول شده بود — دقت او را به قانونی که اختیارات خزانه داری کل را مشخص نموده جلب نموده اظهار داشت که تمام وجوهاتی که از بابت عایدات گمرک وصول شده و کلیه تنمه وجوهاتی که در بانك شاهنشاهی و بانك روس است باید به حساب او منتقل شود و بیان نمود حاضر است که مصارف ادارات گمرک را بپردازد در صورتیکه مسیو مرنارد در بعضی اوراق جزئیات مخارج را که لازم است نوشته نزد او بفرستد. مسیو مرنارد در يك مراسله فقط وصول مکتوب او را اطلاع داده و تاکنون بر وفق میل مستر شوستر عمل ننموده است.

درحالی که این را می نویسم مسئله اینکه آیا اداره گمرک بایستی در تحت خزانه داری کل باشد یا نباشد خیلی کسب اهمیت نموده. شارژدفر بلجیک می گوید که به موجب کنترات مدیر کل بلجیکی بطور وضوح مرقوم است که او در تحت امر صدراعظم و وزیر مالیه خواهد بود و در وقت تعیین مسیو بیزو سفارت بلجیک در مکتوب خود بعنوان دولت ایران این مسئله را تصدیق نموده است. از طرف دیگر هیچ احتمال نمی رود که مستر شوستر قبول خارج بودن اداره گمرک از تحت کنترل خود را بنماید. مستر شوستر و مسیو مرنارد تاکنون از یکدیگر ملاقات ننموده اند و هرکدام از آنها منتظر است دیگری اول دفعه به ملاقات او برود. از قراری که فهمیده ام نایب السلطنه

کوشش دارد ترتیب ملاقاتی مابین آنها بدهد و امیدواری می‌رود که آنوقت مابین آنها اصلاحی بدهد.

من خود را از این گفتگوها دور نگاه داشته‌ام و دخالت نمی‌کنم تا آنکه از طرف شما برخلاف آن تعلیمی برسد.

امضاء بارکلی

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژوئیت)
طهران ۱۷ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۵ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۰ رجب ۱۳۲۹]

حرکات سالارالدوله (رجوع بخلاصه وقایع در تحت عنوان تبریز بنمایید) حالا خیلی اهمیت پیدا کرده. او سنه ۱ و حوالی آنجا را اشغال نموده و چنانچه شنیده‌ام بیم آن می‌رود که اهالی کرمانشاه هم با وی ملحق شوند و او اعلان پادشاهی محمدعلی را داده و به مجلس تلگراف نموده به آنها دستورالعمل داده است که او را دعوت بمراجعت نمایند. بعلاوه بمن اطلاع رسیده که عمال شاه [را] که اخیراً در بادکوبه توقیف شده‌اند گذارده‌اند بسمت ایران حرکت نمایند.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)
طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

بمن اطلاع رسیده که خوانین بختیاری قبول نموده‌اند قشونی درمقابل سالارالدوله اعزام نمایند.

ناصرالملک سردار اسعد را دعوت به آمدن به ایران نموده است.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)
طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۴ شهر جاری من:

سپهدار راضی شده که کابینه را تشکیل نماید.

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیت)

طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

الان خبر رسید که شاه مخلوع با چند نفر از همراهان خود به کمش‌تپه که نزدیک استرآباد واقع است ورود نموده.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانون

طهران ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

خزانه‌داری کل

اطلاعی که در تلگراف ۱۵ شهر جاری از طهران مندرج بود بایستی به دولت روس مخبره شود. شما باید اظهار دارید که بنا بر عقیده دولت اعلیحضرتی بهترین راه حل اشکال برای خزانه‌داری کل و مدیرکل گمرکات این است که مسئله را مابین خود فیصله دهند و سفارتین دخالتی ننمایند. شما نیز باید اظهار دارید که دولت اعلیحضرتی با مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] موافقت دارند بر اینکه اقدام را به تعویق اندازند.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جی بیوکانون

وزارت خارجه ۱۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۷ ژوئیت سر جارج بارکلی:

شاه مخلوع تحت حفاظت روس و انگلیس از ایران خارج گردید و ما هر دو شاه جدید را شناختیم. نمی‌دانم ما با روس چطور می‌توانیم مراجعت شاه مخلوع را قبول نماییم. شما باید از دولت روس استفسار نمایید که آیا آن دولت به شاه مخلوع اطلاع خواهند داد که بهیچوجه من‌الوجه او را اجازه مراجعت نخواهند داد؟ ما با شرف همراه خواهیم بود که چنین اطلاعی به او داده شود.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع

در تعقیب تلگراف ۱۸ ژوئیت خود افتخار دارم راپورت دهم که صمصام‌السلطنه ایلخانی بختیاری برای وزارت جنگ نامزد شده است و در مجلسی که ناصرالملک

دیروز منعقد نمود قصد خود را اعلام نمود که می‌خواهد عده کثیری از قوای بختیاری را برای قلع و قمع محمدعلی میرزا تجهیز نماید. فعلا چنین قرارداد شده که با محمدعلی میرزا مقاومتی نشود تا آنکه به ناحیه خوار که در ۸۰ میلی طرف مشرق طهران واقع است برسد.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

شیراز - در عرض چند روزه اخیر مابین عساکر فرمانفرما و یاغیان شلیک رد و بدل شده تلفات چندی نبود و نتیجه قطعی حاصل نگردید.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)

طهران ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

راه بختیاری - در تعقیب تلگراف سیزدهم ژوئیت خود - جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم اصفهان يك فقره عمده سرقت در این راه را راپورت داده است. ایاب و ذهاب قوافل در راه فعلا بکلی موقوف شده است.

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جی بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)

سنت پترزبورگ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]

مفاد تلگراف دیروز شما را به مسیو نراتف تبلیغ نمودم و او هم با این عقیده موافق است که در این موقع هرگونه اقدامی به تأخیر انداخته شود.

مشارالیه اظهار داشت که هر ترتیبی که خزانه داری کل و مدیر کل گمرکات مابین خود بدهند بایستی بریطانیای عظمی و روسیه را از آن مطلع نمود و به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده است که مواظب پیش آمد کارها بوده به بیند کاری که از يك راهی مضر منافع روس باشد به انجام نرسد.

عقیده او این است که خوب است به مسیو پکلوسکی و سر جارج بارکلی تعلیمات داده شود که هرگاه موقع مناسبی برای مداخله دوستانه دولتین بدست آید راپورت بدهند.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر جی بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ ژوئیت)
سنت پترزبورگ ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰: ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۴ ژوئیت می باشد:

به وصول تلگراف ۱۸ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و استفسار نمودم که آیا نظر به اهمیت روزافزون موقع ایران دولت امپراطوری با دولت اعلیحضرتی متفق خواهند شد که بشاه مخلوع اعلام نمایند که بهیچوجه من الوجوه مراجعت او را به ایران اجازه نخواهند داد؟

مسیو تراتف صحبت مرا قطع نموده اظهار داشت که همان روز صبح تلگرافی از قنصل روس مقیم استرabad واصل گردیده مشعر بر اینکه چنانچه راپورت داده شده شاه مخلوع با قلیلی از همراهان خود به کمش تپه وارد شده و به سرکردگی قبایلی که به او ملحق گردیده اند تهیه حرکت به استرabad را می بیند.

در جواب سؤالی که از او نمودم که آیا آن اعلیحضرت به چه تدبیر وارد کمش تپه شده و آیا به اتفاق اشخاصی که تصور می شد جاسوسان او باشند و مأمورین محلی روس آنها را موقتاً توقیف نموده بودند از بادکوبه عبور نموده بود؟ جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که از این مسئله بکلی بی اطلاع است و در باب اشخاصی که من اشاره به آنها نمودم واداشته است تحقیقات بعمل آید ولی از قراری که به او اطلاع داده اند هیچیک از آنها به تازگی به بادکوبه وارد نشده اند که اسباب سوءظن مأمورین محلی گردد.

سپس من عنوان نمودم که چون شاه مخلوع در تحت حفاظت انگلیس و روس از ایران خارج شده و چون دولتین پسر او را به سلطنت شناخته اند چطور می توان قبول مراجعت او را نمود و بنابراین می خواهم بدانم که آیا آن جناب صلاح می دانند بهمان مضمونی که پیشنهاد نموده اند اخطاری به آن اعلیحضرت بکنیم یا آنکه راه دیگری بنظرشان می رسد؟ جناب معظم الیه [= معظم له] جواب دادند که اگر شاه مخلوع هنوز در اروپا بود من با کمال میل حاضرم چنین انتباه نامه ای برای آن اعلیحضرت بفرستم ولی اکنون که وارد شده وضع بکلی تغییر کرده است. آن اعلیحضرت به ورود کمش تپه حمایت دولتین را از دست داده و البته باید تا آخرین دقیقه مقاصد مهم خود را تعقیب نماید. بنابراین فایده نداشت که ما عنوانی به او بنماییم چرا که یقیناً او به اظهارات ما اعتنائی نمی نمود.

این مسئله صحیح است که شاه حالیه را ما شناخته ایم ولی همانطوری که در شناختن شاه مخلوع صلاح ما نبود برای منع خلع وی مداخله نماییم شناختن شاه حالیه هم روا نمی دارد که در امورات داخله ایران مداخله نماییم.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۷ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۲ رجب ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۸ ژوئیت سر جارج بارکلی:

دولت روس را اطلاع دهید که نظر به مراجعت شاه مخلوع تصور می‌کنیم حقوق او
بایستی مقطوع گردیده باو اخطار شود که دولتین بهیچوجه بازگشت وی را بتخت
سلطنت نخواهند شناخت و نمی‌توانند بگذارند او دائماً در ایران باشد.
استفسار کنید که آیا دولت روس با این مسئله موافقت دارند؟ تصور می‌کنیم که
شاه حالیه که دولتین شناخته‌اند باید بر سریر سلطنت جالس باشد.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
راپورت دو فقره سرقت قوافل در ۱۷ و ۱۸ ژوئیت در راه شیراز الی اصفهان داده
شده که در یکی از سرقتها میجده لنگه قماش کمپانی زیگلر بسرقت رفته است.

نمره - ۱۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]

شیراز - کفیل قنصلگری راپورت جنگهای دیگر سخت در شب سه‌شنبه و حمله
بی‌نتیجه به خانه قوام را میدهد. یاغیان از کفیل قنصلگری اجازه تحصن اختیار نمودن
خواسته‌اند و او هم بر حسب میل من، خواهش آنها را رد نموده است.
کفیل قنصلگری فرمانفرما را به اعتدال و میانه‌روی اصرار نموده و در جواب
گفته است که هرگاه تمام آنها تفنگچیان خود را متفرق سازند حاضر است توسط
قنصلخانه اطمینان کتبی به تمام یاغیانی که يك سمت شهر هستند برای اعطای عفو
عمومی بدهد.

کفیل قنصلگری گمان می‌کند قنصلخانه را طرف مسئولیت قراردادن کار خطرناکی
است و بنا بر تصویب من این ارائه طریق فرمانفرما را رد می‌کند.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
طهران ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]

کابینه جدید سپهدار دیروز به مجلس معرفی شدند. وزیر امور خارجه تغییر

نموده. در کابینه سه نفر وزیری که بدداشتن عقاید ملییین مشهوراند موجود است.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ ژوئیت)
سنت پترزبورگ ۲۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۳ رجب ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخه ۲۴ ژوئیت می باشد:

روز ۲۰ ژوئیت ملاقات دیگری از مسیو نراتوف نموده و مطالبی را که به موجب تلگراف ۱۹ شهر جاری خود دستورالعمل داده بودید به ایشان ابلاغ نمودم و گفتم که نظریات شما در باب روشی که بایستی دولتین در بحران حالیه تعقیب نمایند با او مختلف است و خیال شما این است که نظر به مراجعت شاه مخلوع حقوق آن اعلیحضرت بایستی موقوف شود و به او اطلاع داده شود که دولتین بهیچوجه راضی به شناختن بازگشت او به تخت سلطنت نشده و نمی گذارند بطور دائم در ایران توقف نماید.

مسیو نراتوف در جواب اظهار داشت که تلگرافی که از کنت بنکندرف واصل گردیده حاکی است بر اینکه ممکن است مابین دولتین در این باب اختلاف نظر باشد ولی با وجود آن او بایستی پای بند به اظهارات دیروز خود بمن باشد. الحال که شاه مخلوع در مقام مبارزت و جنگجویی برآمده برای او امکان ندارد تا مقاصد خود را انجام ندهد و مظفر نگردد و یا آنکه شکست سختی متحمل گردد دست بردارد. هرگاه مظفر گردد برای ما اشکال خواهد داشت که اگر بر تخت سلطنت جلوس نماید او را شناسیم و برای ما هم فایده نخواهد داشت باو بگوییم ما تو را نمی گذاریم بطور دائم در ایران توقف نمایی مگر آنکه مهیا شویم که با اعمال، اقوال خود را تقویت نموده و عساکر به ایران سوق داده و عزم خود را بانجام رسانیم.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] پس از آن تکرار نموده اظهار داشت که به عقیده او بهتر است دولتین هیچ نوعی اقدامی ننموده و بگذارند آنچه شدنی است بشود. عقیده او بکلی مخالف مداخله بود چرا که هرگاه بخواهیم حالا مداخله نماییم یحتمل پس از قلیل مدتی مجبور خواهیم شد که مجدداً مداخله نماییم و بغیر از آنکه عساکر بفرستیم. ما در صورتی که شاه پیشرفتی بنماید از پیش آمدن او نمی توانیم جلوگیری بکنیم و نه می توانیم به حکومت حالیه تقویت مؤثری بنماییم.

من اظهار نمودم که چنانچه ملاحظه می نمایم روزنامه نوورمیا در ضمن مقاله ای که همان روز صبح طبع نموده در صورتی که خطری برای جان اتباع روس بنظر برسد مداخله را تجویز می نماید و در ضمن شرح چند فقره حمله که اخیراً بر آنها شده می نگارد. مسیو نراتوف در جواب بیان نمود که يك نفر صاحب منصب روسی هنگامی که از کمیسیون مختلطة سرحدی سواره بطرف خانه مراجعت می نموده در نزدیکی اردبیل بقتل رسیده و نظر به عدم امنیت عمومی مسئله اعزام یکدسته قزاق برای حفظ قوافل در راه معمولی در تحت مذاقه جدی است ولی فعلاً از خیال این اقدام منصرف

شده‌اند چرا که از اعزام عساکر در اینموقع ممکن است تعبیر شود که دولت روس قصد دارد در این کشمکشی که مابین دولت حالیه و شاه مخلوع در میان است مداخله نماید. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بعلاوه اظهار داشت که به قنسولات روس مقیم ایران تعلیم داده شده که آنطوری که طبیعتاً بایستی سلوک نمایند همانطور عمل نمایند و مراقبت تامه به منافع روس داشته مأمورین دولت فاخره را مسئول هر نوع خساراتی که به اشخاص یا اموال اتباع روس وارد می‌آید بدانند.

از زمینه مطالب مطبوعات روس واضح می‌گردد که هرگونه مداخله مسلحی برای تقویت حکومت موجوده ایران باعث کدورت اهالی این مملکت خواهد بود. مطبوعات لیبرال عموماً با هرگونه مداخله‌ای مخالف بوده و روزنامه نوورمیا هم آنرا تجویز می‌کند در صورتی که جان اتباع روس در مخاطره باشد. از طرف دیگر روزنامه ملی اسویت مراجعت محمدعلی را صمیمانه خوش‌آمد گفته و با کمال شدت با هرگونه مداخله که برضد او باشد مخالفت می‌ورزد و مطبوعات ارتجاع طلب هم تقریباً همینطور عقیده دارند.

گمان نمی‌کنم عموم اینطور احساس می‌کنند که چون دولت روس برای برقرار داشتن محمدعلی بر سریر سلطنت از هرگونه مداخله احتراز نمود از آن نمی‌توان حالا انتظار داشت که به تقویت دولتی که هرگز بطور مودت با آن سلوک ننموده و از استقرار نظم در مملکت عاجز بوده است مداخله نماید.

من می‌خواهم اینرا علاوه نمایم که سوءظنی که بعضی از مطبوعات انگلیس در حق روس دارند که آن دولت به مراجعت شاه مخلوع مربوط بوده در اینجا اثر بدی باقی گذارده و بعقیده من این شایعات بکلی بی‌اصل می‌باشند.

بی‌توجهی و غفلتی که مأمورین محلی بادکوبه در گذاردن محمدعلی که بدون مانع وارد شود بخرج داده‌اند هرچه باشد و عقاید عامه روسیان با هرگونه احساساتی برقراری او را بتخت سلطنت نظر نمایند اخبار پیاده شدن وی بخاک ایران بسیار اسباب حیرت دولت مرکزی شده است.

من یقین دارم که هرگاه این‌چابکی و زرنگی که محمدعلی به‌خرج داده و نقشه‌ریزیهای خود را نموده و مخفیانه به انجام رسانید دولت روس را در مقابل یک کار تمام شده و گذشته‌ای قرار نمی‌داد و مسیو نراتف با نهایت وفاداری با دولت اعلیحضرتی همراهی می‌نمود که بطوری که پیشنهاد شده بود آن اعلیحضرت را متنبه ساخته و بعلاوه اقدامات از روی احتیاط بعمل می‌آید که از عبور او از خاک روسیه جلوگیری شود.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

شیراز

کفیل قنصلگری راپورت می‌دهد که طوایف قشقایی دهات دور و حوالی را بنا بر تشویق فرمانفرما غارت می‌نمایند.
من کفیل قنصلگری را اجازه داده‌ام به فرمانفرما اطلاع دهد که هرگاه بواسطه اغتشاشات مداخله دولت انگلیس لازم گردد شخص او مسئول خواهد بود.

نمره - ۲۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

راه بختیاری

در سرقتی که در تلگرام ۱۹ ژوئیت خود راپورت دادم از قراریکه شنیده‌ام بسیاری اجناس انگلیسی از میان رفته است.
من مکتوبی به دولت ایران نوشته‌ام به لزوم اعاده نظم این جاده نموده‌ام مخصوصاً که حالا از قرار معلوم سرقت‌های راه شیراز الی اصفهان شکل بسیار بدی پیدا کرده.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

روز نوزدهم ژوئیت مجلس قانونی تصویب نموده دولت را مختار نمود که نظر به وجود عناصر آشوب‌طلب که برای جلوگیری آنها داشتن اختیارات فوق‌العاده لازم تصور می‌شود اعلان قانون نظامی در طهران بنماید.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

ظاهراً احتمال قوی می‌رود که دولت ایران مایل باشند نظام السلطنه را محض آنکه بختیاریه‌ها را در این موقع باریک بطرف خود جلب نمایند از فرمانفرمایی فارس معزول

نمایند.

هرگاه چنین اقدامی را در مد نظر دارند من پیشنهاد نمی‌کنم با آن مخالفت شود. مستر ناکس تصور نمی‌کند عزل نظام السلطنه باعث بدتر شدن اوضاع فارس شود بعلاوه ممکن است انتظار حصول امنیت در راه بختیاری هم داشته باشیم چرا که متعاقب عزل نظام السلطنه ممکن است حکومت بهبهان با بختیاریها شود و آنها می‌توانند از ملوایف کوهکلوئییه [کپگیلویه] جلوگیری نمایند.

نمره - ۲۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۴ ژوئیت:

ژاندارمری خزانه - مستر شوستر کاغذی بمن نوشته خواهش نموده است که جواب خود را در باب تعیین استوکس معجلا برای او بفرستم. شرح ذیل ملخص مکتوب او است:

کلیه مسئله ژاندارمری خزانه لزوماً بعهده تعویق است تا آنکه ترتیب این کار داده شود و بلا تردید می‌گویم که تشکیل این قوه بسیار با اهمیت و ضرورت تام برای اصلاح مالیه ایران دارد. بدون این ژاندارمری در حقیقت کاری از من پیشرفت نخواهد کرد و هرگاه استوکس با من نباشد نمی‌دانم شخصی که دارای خصوصیات او باشد از کجا پیدا کنم.

نمره - ۲۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژوئیت)
 طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]
 اوضاع کرمانشاه

تلگراف ذیل از قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه واصل گردیده:

سالارالدوله به امیرالممالک تلگرافی مخابره نموده و حکومت کرمانشاه را به او واگذار کرده او را دستورالعمل داده است که اجانب و قنصلخانهای [قنصلخانه-های] آنها را حفظ نموده انتظامات آنجا را برقرار داشته و مراقب باشد که مأمورین محلی محترماً به طهران حرکت داده شوند و آذوقه برای هفت هزار سوار و ده هزار پیاده که قسمتی از آنها روز ۱۹ ژوئیت و باقی روز بیستم با وی حرکت می‌کنند تهیه نماید. او هم برحسب این اوامر عمل می‌نماید.

بعضی از مأمورینی که مردم آنها را تهدید نموده بودند به قنصلخانه وارد شدند. امیرالممالک مشغول ترتیبات است که آنها را سالمأ بطهران بفرستد. آیا وضع رفتار

من با سالارالدوله باید چه قسم باشد؟

من به مضمون ذیل باو جواب دادم:

تا وصول تعلیمات دیگر شما تا اندازه‌ای که برای حفظ جان و مال اتباع انگلیس مقیم کرمانشاه لازم باشد با سالارالدوله سؤال و جواب نمایید. هرگاه ببینید ناچار هستید با آن شاهزاده مراسلات رد و بدل کنید بایستی بطور وضوح باو بفهمانید که او را رسماً نمی‌شناسید.

نمره - ۲۰۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

فرمانده ژاندارمری - قبل از آنکه ماژور استوکس قبول فرماندهی کند بایستی از مهده خود قشون هندی استعفاء نماید - شما ممکن است این مسئله را به خزانه‌دار کل بگویید.

نمره - ۲۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژوئیت)

طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل - افتخاراً راپورت می‌دهم که شارژدفر بلجیک تعلیم یافته است که مکتوبی به دولت ایران نوشته و آن دولت را متذکر سازد که بر حسب شرایط استخدام مأمورین گمرک بلجیکی بایستی مستقیماً در تحت امر حکومت مرکزی باشند یعنی در تحت امر وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء یا صدراعظم. هرگاه به این شرایط اعتنائی نشود دولت بلجیک مجبور خواهند گردید که در صدد بازخواست مأمورین بلجیکی از ایران برآیند.

نظر به بحران پلتیکی حالیه شارژدفر بلجیک ارسال این مکتوب را به تأخیر انداخته است و چونکه گفتگوی فیما بین مجدداً بجای سختی نرسیده سفیر روس و من موافقت نموده‌ایم که این اقدام به تعویق انداخته شود.

تعلیماتی که برای مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] رسیده مبنی است بر اینکه بایستی جداً سعی بحفظ و تقویت استاکو بنماید به این معنی که مدیرکل گمرکات باید از خزانه‌دار کل مستقل بوده مخارج ادارات گمرک و مصارف ثابت را خود او کمافی السابق بپردازد.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ ژوئیت)
 طهران ۲۲ ژوئیت ۱۹۱۱ (۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹)
 حاوی مضمون مراسله ذیل است که مورخه ۲۷ ژوئیت می باشد:

آقا

افتخاراً سواد مکتوبی را که وزیر امور خارجه روز ۲۱ شهر جاری برای من فرستاده است ایفاد می دارم (ترجمه آنها در جوف است) بعلاوه سواد مکتوبی که روز ۲۴ شهر جاری به وزیر امور خارجه نوشته توجه او را بطرف نقض نشدن حقوقی که برحسب معاهدات از بابت محل سکونت مسلم شده جلب نموده و برای اتباع انگلیس که در اینجا سکونت دارند ایستادگی نمودم و عقیده من این است که سایر سفارتخانه ها هم در این باب همین رویه را اتخاذ نموده اند.

بواسطه این اعلان قانون نظامی جمعیتی کثیر به زرگنده که چنانچه من در قلمك حق مخصوص دارم همکار روس من هم در آنجا حق مخصوص دارد پناهنده شدند و اگر چه اشخاصی که خود را در تحت حفاظت روس قرار داده اند در معنی بست اختیار ننموده اند، مأمورین ایرانی نمی توانند آنها را در آنجا دستگیر نمایند.

روز ۲۳ شهر جاری بمجرد آنکه قانون نظامی اعلان شد پلیسهای در تحت امر یفرم چند فقره دستگیریهای عمده نمودند از آن جمله مجدالدوله (که نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس را داراست) و امینالدوله در ضمن دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی شد و صبح روز بعد قریب سی نفر زن و خواجه ها و غیره متعلق به خانه مجدالدوله در سفارت روس آمده بست اختیار نمودند و نعلش يك زن و مرد را که پلیسها در نزاع دیروز بقتل رسانیده با سه نفر مجروح به آنجا آوردند. سفیر روس از روی بی میلی آنها را اجازه داد نزدیک حدود سفارت بیایند. دو روز بعد از آن چند نفر از خویشان دیگر مجدالدوله با برادرش خود را به اراضی سفارت در قلمك رسانیدند و اظهار داشتند که می خواهند بست اختیار نمایند. به آنها اصرار شد که از آنجا خارج شوند و اوامر لازمه داده شده است که درهای سفارت را هم اینجا و هم در شهر ببندند و هیچ کس را مگر آنکه دیده شود در مخاطره اجل جسانی است به آنجاها راه ندهند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف يك نمره ۲۱۰

مکتوب محتشم السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران ۲۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۴ رجب ۱۳۲۹]
 جنابا:

افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که از روز شنبه ۲۲ ماه ژوئیت قانون نظامی.

در طهران برقرار خواهد شد و اینک سواد مواد قانون مزبور را که به مناسبت قانون نظامی تصویب گردیده است لفاً ایفاد می‌دارم. امید است که جنابعالی به اتباع انگلیس تعلیم خواهند داد که از مخالفت با حکومت مشروطه احتراز نمایند. هرگاه درخانه‌های آنها اجلاساتی منعقد گردد دولت حق خواهد داشت که اشخاصی را که در این جلسات حضور بهم می‌رسانند توقیف نماید و در مورد صاحبان آن خانه‌ها هم بر وفق معاهدات و مرسومات اقدام خواهد شد.

امضاء محتشم السلطنه

ملفوق دو نمره ۲۱۰

ترجمه لایحه اعلان قانون نظامی که در جلسه فوق‌العاده مجلس روز چهارشنبه ۱۹ ژوئیه ۱۹۱۱ تصویب گردیده است.

از آنجایی که شورای وزراء نظر به مقتضیات وقت اعلان قانون نظامی را لازم می‌دانند مواد ذیل را به مجلس پیشنهاد نموده تصویب فوری آنرا درخواست می‌نمایند: ماده اول - از زمانی که قانون نظامی اعلان شود اموراتی که مربوط به امنیت و آسایش عامه باشد بنا بر تصویب شورای وزراء توسط وزارت جنگ به انجام خواهد رسید.

ماده دوم - محاکم نظامی موقتی برقرار خواهد شد که با کمال فوریت و سختی در تقصیرات و اقداماتی که برخلاف امنیت و آسایش عمومی بعمل آید تحقیق و تفتیش نماید.

ماده سوم - قضات محاکم نظامی تماماً از اهل نظام خواهند بود.

ماده چهارم - اشخاصی که برعلیه دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدامات فعاله می‌نمایند و تقصیرشان به ثبوت رسیده محکوم بقتل خواهند گردید.

ماده پنجم - قوه مجریه حق خواهد داشت که اشخاصی را که مظنون مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظامات عمومی می‌باشند دستگیر نماید و پس از دستگیری محاکمه خواهند شد. هرگاه پس از محاکمه بکلی از سوءظن بری نشوند اشخاص مذکور توقیف خواهند بود که پس از انقضای مدت جریان قانون نظامی به وزارت عدلیه تسلیم شوند.

ماده ششم - در صورتی که اعضای محاکم نظامی بخواهند در مجازات مقصری تخفیف بدهند آنها حق خواهند داشت که توسط وزرای مسئول تخفیف مجازات او را از نایب السلطنه استدعا نمایند و به غیر از اعضای مذکوره کسی دیگر حق شفاعت نخواهد داشت.

ماده هفتم - در صورت سوءظن، مأمورین دولت که استقرار نظم شهر بعهده آنها است حق دخول و تفتیش خانه‌ها را دارند و در صورتی که با آنها مخالفت و مقاومت شود می‌توانند قهراً در آنجاها وارد شده و اشخاصی را که اظهار مخالفت و مقاومت می‌نمایند دستگیر نموده بروفق اوامر محکمه نظامی بطور سخت آنها را مجازات دهند.

ماده هشتم - هرگاه روزنامجات یا هرگونه مطبوعات دیگر مطالبی بر ضد اقدامات دولت طبع و نشر نمایند توقیف خواهند شد و ادارات آنها مسدود خواهد گردید و در صورتی که باعث تهییج برضد دولت شوند مدیران این گونه روزنامجات و مطبوعات یا نویسندگان آنها بر وفق قانون محکمه نظامی مجازات خواهند شد.

ماده نهم - مجازات مستخدمین دولت و اشخاصی که این کارها را اداره می کنند تخفیف داده نخواهد شد.

ماده دهم - تمام اجتماعات و انجمنها تا وقتی که قانون نظامی مجری است بایستی متروک باشند. هرگاه عده ای در محلی اجتماع نمایند باید همین که پلیس به آنها اخطار نماید فوراً از هم متفرق شوند و در صورت مخالفت و مقاومت اشخاصی که مقصر واقع شوند به محکمه نظامی آورده شده و محکوم به مجازات خواهند گردید. اگر يك قسمت یا تمام آنهایی که اجتماع نموده اند مسلح باشند باید همان وقت دستگیر شده و بر طبق فتوای محکمه نظامی مجازات شوند.

ماده یازدهم - حمل هرگونه اسلحه جداً ممنوع است مگر در مورد مأمورین دولت که استقرار نظم و امنیت عامه بعهده آنها است. در صورتی که کسی غیر از مأمورین دولت دیده شود که حمل اسلحه نموده دولت اسلحه او را ضبط خواهد نمود و حامل چنین اسلحه بر وفق امر محکمه نظامی مجازات خواهد شد.

ماده دوازدهم - مستخدمین دولت که مطالب تلگرافات و مراسلات دولتی را افشاء نمایند به محکمه نظامی آورده شده و با سختی تمام تنبیه خواهند شد.

ماده سیزدهم - در هر نقطه از مملکت که دولت لازم بداند قانون نظامی اجراء خواهند نمود.

[ملفوف سه] نمره ۲۱۰

مکتوب سن جارج بارکلی به محتشم السلطنه

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

جنابا

در باب مراسله ۲۱ ژوئیت جنابعالی افتخار دارم جنابعالی را مستحضر دارم که به اتباع انگلیسی دستورالعمل خواهم داد که از هرگونه اقدامی که باعث اختلال نظم و امنیت باشد احتراز نمایند و باید این مسئله را خاطر نشان جنابعالی نمایم که ماده هفتم قانون نظامی مخالف حقوق معاهده ای است و باید از جنابعالی خواهش نمایم به مأمورین دستورالعمل بدهید که بدون رجوع به این سفارت داخل خانه های اتباع انگلیس نشوند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت محمدعلی به ایران - دولت روس تا اندازه‌ای خود را مسئول جلوگیری مزاحمت شاه مخلوع نمود و ما هم به واسطه همراهی با آن دولت در این مسئولیت شریک هستیم من با این رأی موافقت دارم که اقدام مسلحی صلاح نیست و بایستی بطور واضح بشاه مخلوع فهمانیده شود که ما حرکات او را صحیح نمی‌دانیم.

نمره - ۲۱۲

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۱ [۳۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

سفیر ایران امروز صبح از من ملاقات نموده و مسوده پروتستی را که او تعلیم داشت در باب مراجعت شاه مخلوع بنماید برای سر نیکلسن قرائت نمود.

سر نیکلسن به میرزا مهدی خان اظهار داشت که هرگاه لطف نموده پروتست مزبور را بفرستد به او جواب داده خواهد شد.

سفیر پس از آن سؤال نمود که آیا دولت اعلیحضرتی مایل خواهند بود که معناً مداخله نموده و به شاه مخلوع و سالارالدوله اعلام نمایند که در صورتی هم که موفق به مقاصد خود شوند آنها را نخواهند شناخت؟ عدم شناسایی آنها به این طور برای مایوس کردن هر دو آنها که باعث اختلال نظم [= اختلال نظم] و امنیت شده‌اند خیلی مؤثر خواهد بود.

سر نیکلسن به میرزا مهدی خان اظهار داشت که او البته این مسئله را به من راپورت خواهد داد ولی شخصاً تصور می‌نماید که چنین اظهارات از طرف دولت اعلیحضرتی اثر کمی خواهد داشت و بدون موافقت دولت روس نمی‌توانند چنین اظهاراتی بنمایند و هرگاه بکنند مثل آن است که مداخله نموده باشند و گفت لازم نیست به سفیر ایران اطمینان دهم که دولت اعلیحضرتی از احتمال تجدید جنگ داخلی در ایران بسیار آندوهگین می‌باشند و صمیمانه مایل بودند که نایب‌السلطنه توانسته باشد بدون مزاحمت و در کمال مسالمت در کاری که مشغول آن بود مداومت نماید. یا این بود که این هیجان که دولت اعلیحضرتی بآن مایل نیست به علت عدم حمایت ملی پیشرفتی حاصل نمی‌نمود و یا آنکه عموم آنرا تقویت نموده و پیشرفت می‌کرد.

بریطانیای عظمی در تمام رولوسیونها تا زمانی که جان و منافع اتباع انگلیس در مخاطره آجل نبوده است از هرگونه مداخله احتراز داشته است و آن دولت همین کار را اخیراً در ایران کرده و سر نیکلسن تصور می‌کرد که دولت مشارالیه‌ها حالا هم

همینطور خواهد کرد.

این عقیده شخصی او بود و آنچه در این باب گفته شده است او بمن را پورت خواهد داد.
امضاء گری

نمره - ۲۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژوئیت)

طهران ۲۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

دولت ایران مراسلات متحدالمال مبسوط در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران
بعنوان سفارتین فرستاده است.

در این مراسله دولت ایران مرا از شکایاتی که درخصوص آنتریک [= آنتریک] های
آن اعلیحضرت نموده بود متذکر ساخته گله می کند از اینکه من اقدامی ننمودم که با
خواهش دولت ایران بر اینکه سردار ارشد از یادکوبه گذارده نشود به ایران ورود
نماید موافقت نمایم و مراجعت شاه مخلوع را حمل به بی اعتنائی من در مورد اظهارات
دولت ایران می نماید.

برحسب ماده یازدهم پروتکل و مناسبات دوستانه دولتین، دولت ایران [خود] را
محق می بیند که از دولت اعلیحضرتی انتظار داشته باشد اقدامات لازمه برای منع آن
اعلیحضرت و عمال او از تحریک هیجان در مملکت و اعمال اخیر سالارالدوله و
مجلل السلطان که منجر به مراجعت آن اعلیحضرت گردید بنمایند.

مراسله مذکور جلب توجه مخصوص به وعده صریح روس برحسب ماده یازدهم
پروتکل نموده و اخطار می کند که با بستی ها و حقوق آن اعلیحضرت برحسب آن ماده
و ماده دهم عمل خواهد شد، و سلب مسئولیت از برای خساراتی که بعلت مراجعت آن
اعلیحضرت در جهاز روسی وارد آمده نموده اظهار می دارد که دولت ایران اقدامات
بسیار مؤکده و مؤثره برای جلوگیری از اغتشاشاتی که در صورت مداخله سریعتری
از طرف دولت اعلیحضرتی وقوع آنها امکان ناپذیر بود می نمایند و اطمینان به موفقیت
خود دارند.

در انتهای مراسله مذکور دولت ایران اظهار اطمینان می کنند که با این اوضاع
غیرمترقبه دولت اعلیحضرتی همراهی لازمه معنوی نموده از هرگونه اغتشاشی که
بواسطه شاه مخلوع آوانتوریر ۲ و همراهان دسیسه کار وی به ظهور رسد جلوگیری
نمایند.

قسمت عمده این مراسله مربوط به دولت روس است و وزیر امور خارجه پالاراده
این مطلب را برای من اظهار نموده و بطور عذرخواهی مرقوم داشته است که چون
منهم یکی از صاحبان امضای پروتکل بوده ام مجبور شده است آنرا برای من بفرستد.

(۱) اصل: دولت ایران را محق می نماید - م.

(۲) آوانتوریه (یر) = ماجراجو - حادثه آفرین - جنجال برافروز. - م.

پنابراین من نمی‌خواهم جوابی برای او بفرستم.

نمره - ۲۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژوئیت)

طهران ۲۳ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳۱ تیر ۱۲۹۰؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۹]

ژاندارمری خزانه - مفاد تلگراف ۲۱ ژوئیت شما را به ماژور استوکس و مستر شوستر نوشته‌ام. ماژور استوکس کاملاً تصمیم نموده است که از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید در صورتی که در خصوص حقوق تقاعدی که برحسب کنتراتی که مجلس تصویب نموده است تغییرات بر وفق دلخواه وی بعمل آید.

مقصود از این تغییری که در مد نظر است این است که حقوق تقاعدی برای ماژور استوکس مقرر شود که مساوی باشد با حقوقی که او در عرض دو سال در قشون هند دریافت می‌نماید. تصویب مجلس لازم است.

از قراری که دریافت‌ام کابینه وزراء از ترس آنکه مبدا بواسطه تعیین او دولت روس هم دعوی شبیه باین بنماید الحال در موافقت با تقاضای خزانه‌داری کل و درخواست تصویب تغییر لازمه از مجلس تردید دارد.

نمره - ۲۱۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع - از قرار راپورتهایی که از قنسولات اعلیحضرتی رسیده مشهود می‌گردد که در عده‌ای از شهرهای معظم بطور حتم احساسات طرفدار محمدعلی میرزا است. این احساس بیشتر بواسطه این است که عموم از قصور دولت حاضره در استقرار و حفظ انتظامات مملکت ناامید شده‌اند و چندان بواسطه اعتماد بشاه نمی‌باشد.

هنوز تصور اینکه تا چه اندازه هیجان مشروطیت در طهران قوت دارد سخت است. چند نفر را دستگیر نموده‌اند.

نمره - ۲۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

صدراعظم استعفاء نموده است.

نمره - ۲۱۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیت)

طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری شیراز را پورت می‌دهد که جنگت غیرمنظمی دوام دارد. عدد مقتولین از طرف فرمانفرما از قرار مذکور سی و شش نفر می‌باشد. قشقایبها اتصالاً می‌آیند و دور حوالی اینجا خرابی می‌رسانند. از قرار معلوم دسترسی به آنها ممکن نیست. دیروز بعضی از آنها قهراً داخل باغ رئیس‌اداره دیگلر شدند. کفیل قنصلگری برحسب امر من صولت‌الدوله را بطور سخت متنبه می‌نماید.

نمره - ۲۱۸

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

سنت پترزبورگ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

حاوی مضمون مراسله ذیل مورخه ۲۷ ژوئیت می‌باشد:

آقا

افتخار دارم را پورت دهم که به مجرد وصول تلگراف ۲۲ شهر جاری شما من از کفیل وزارت امور خارجه ملاقات نموده و به او اطلاع دادم که در حالی که با او موافقت دارید بر اینکه صلاح است از هرگونه مداخله مسلحی در ایران احتراز شود شما تصور می‌نمایید که دولتین روس و انگلیس تا يك اندازه نسبت به حکومت حاضره مسئولیتی بر خود گرفته‌اند. دولت روس مخصوصاً در تحت پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ تعهد نموده است که هرگونه اقدامات لازمه برای منع انتریگهای پلتیکی شاه را که بنا بود در خاک آن دولت منکونت اختیار نماید بعمل آورد و به عقیده شما بنابراین وظیفه ما است که کاملاً بوضوح برسانیم که از این اقدامی که برای تحصیل تاج و تخت سلطنت نموده بهیچوجه رضایت نداریم.

ما در واقع مرهون نایب‌السلطنه و دولت ایران هستیم که اینکار را بکنیم و من اظهار داشتم که خوب است ما این مقصود را انجام داده و آنها را از همدردی کامل و تقویت معنوی خود مطمئن سازیم.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که چون دولت امپراطوری نمی‌توانند از رویه حالیه که عدم مداخله در امورات داخلی ایران بطور جدی باشد مسلک دیگری اختیار نمایند. این اقدام با آنچه آن دولت حاضر انجام آن هستند منافات دارد. این رویه‌ای است که دولت مشارالیه در زمان خلع شاه مخلوع اتخاذ نموده‌اند و از آنجایی که مایل بوده‌اند با دولت اعلیحضرتی موافقت نموده و بالاتفاق عمل نموده باشند از بکار بردن نفوذ خود در برقراری محمدعلی به تخت سلطنت استنکاف نموده و تا اندازه‌ای طرفدار استقرار حکومت مشروطه بوده‌اند و به واسطه این رویه مورد سرزنش و ملامت واقع گردیده‌اند که منافع انگلیس بر منافع روس تقدم و رجحان پیدا نموده است و هرگاه

حالا آشکارا حکومت موجوده را در این مجادله که انتظار آن می‌رود طرفداری نمایند بر ضد پلتیک. عدم مداخله سابق خود عمل نموده و عقاید عامه این مملکت بطور سخت با آن دولت طرف خواهد شد.

من اظهار داشتم که بنظر من هرگاه آن دولت به نایب‌السلطنه و دولت ایران تقویت معنوی بنماید فقط همان پلتیکی را تعقیب خواهید نمود که در وقتی که راضی به خلع محمدعلی گردیدند اتخاذ نموده بودند و يك حكومتی را که خود كمك به استقرار آن نموده‌اند تقویت خواهند نمود.

مسیو نراتف در جواب اظهار داشت که هر دو بالتساوی محمدعلی را تا زمانی که بر تخت سلطنت جالس بود به شاهی شناخته و تقویت نمودیم ولی هیچ‌نوع اقدامی در برقراری او به تخت سلطنت نشده است.

من سپس توجه آن جناب را به تلگرافات طهران که در روزنامه تیمس و سایر مطبوعات انگلیس و ممالك خارجه اشاعت یافته جلب نموده اظهار داشتم که از قرار معلوم ایرانیان اینطور تصور می‌کنند که دولت امپراطوری نمی‌شود از مقاصد شاه مخلوع بی‌خبر بوده باشد و آن اعلیحضرت نمی‌توانسته است بدون اطلاع و رضایت باطنی دولت امپراطوری از خاک روس عبور نموده و با يك کشتی روس از بحر خزر بگذرد و گفتم که از قرار مذکور در مراکز روسیه‌های طهران از احتمال بازگشت شاه مخلوع آشکارا اظهار خوشوقتی و مسرت نموده‌اند. از آنجایی که می‌دانستم چطور دولت امپراطوری از مراجعت ناگهانی شاه مخلوع بی‌خبر بودند من از اینکه این اکاذیب در مطبوعات انگلیس اشاعت یافته بسیار متأسف گردیدم ولی گمان کردم بسیار اهمیت دارد که آن جناب کاری بکند که این تأثیرات کاذبه که نسبت به نظریات و رویه دولت روس در اذهان اهالی طهران ظاهراً جایگیر شده برطرف نمایند و اظهار نمودم گمان من این است سهل خواهد بود به مسیو پوکلیوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده شود که يك قسمی به دولت ایران اطمینان داده شود که از احساسات دولت امپراطوری نسبت به خود شکی نداشته باشند.

آن جناب اظهار داشت خیلی ممکن است که بعضی از روسیان مقیم طهران به این‌طوری که نسبت داده شده بعضی صحبتها نموده باشند ولی دولت ایران در گمان خوبی می‌دانند که دولت روس مکرراً محمدعلی را متنبه نموده‌اند که دست از هرگونه انتریگ بر علیه آنها بردارد و در خیال آن هستند که مجدداً به اتفاق دولت اعلیحضرتی در این موقعی که متوسل به این اقدام غیرمترقبه گردیده بطور سخت او را متنبه نمایند. مسئله اینکه محمدعلی چطور از تحت مراقبت و مواظبت مأمورین محلی روس خود را گذرانیده مثل معما بر او غیرمکشوف و لاینحل مانده چنانچه آنجناب اظهار داشت دولت روس به‌خوبی ثابت نموده‌اند که به هیچ‌وجه مربوط به مراجعت او نبوده‌اند و به موجب اعلانی که منتشر نموده‌اند بر همه کس واضح گردیده که این مسئله بدون اطلاع آن دولت بوقوع رسیده و به قنسولات خود مقیم ایران دستورالعمل داده‌اند که فیما بین طرفین متنازعین بی‌طرفی صرف اختیار نمایند و پلتیک عدم مداخله را تعقیب

می نمایند و آن دولت کار دیگری نمی توانند بکنند و آنجناب اظهار داشت می توانم شما را اطمینان دهم که بهیچوجه طرفدار شاه مخلوع نبوده و گمان می کنم رسیدن محمدعلی به طهران مشکوک باشد و هرگاه هم این کار را به انجام رساند یحتمل پس از مدت قلیلی مقتول خواهد گردید. من میل ندارم طرز حکومت حالیه به حکومت سابق مبدل شود و من برقراری حکومت حاضره را رجحان می دهم. اقدام یا اظهاری که با آن مساعدت داشته باشد مطلب دیگری است.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۱۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

طهران ۲۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ رجب ۱۳۲۹]

بنا بر آنچه فهمیده ام عقیده من بر این است که احساسات اهالی طهران بطور سخت مخالف محمدعلی میرزا است.

می خواهم علت استعفای سپهدار را بیش از همه چیز توضیح دهم و آن این است که او می دانست بواسطه آنکه عموم تصور می کردند درصدد تهیه و آماده شدن برای مقاومت با آن اعلیحضرت نمی باشد اهالی همه جا از او متغیر می باشند.

چند روز بود که مشارالیه در طهران نبود و در حدود سفارت روس در زرگنده سکونت اختیار نموده است.

نمره - ۲۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیت)

طهران ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه - در تعقیب تلگراف ۲۱ ژوئیت خود - تلگراف ذیل مورخه ۲۴ ژوئیت از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه مخابره شده:

کفیل حکومت و نایب الحکومه از سالالدوله بر ایشان اوامر تلگرافی رسیده که به مشاغل خود مشغول باشند و نظمیه شهر سپرده به امیرالممالک باشد. دستجات مسلح از هر يك از عشایر برای همراهی با شاهزاده به داودخان ملحق می شوند.

رئیس ایل کلهر به مسافت يك میلی کرمانشاه اردو زده است.

نمره - ۲۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیت)

طهران ۲۶ ژوئیت ۱۹۱۱ [۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۹]

صمصام السلطنه به مقام صدارت منصوب و کابینه خود را امروز صبح به مجلس معرفی نمود. هیئت وزراء اکثر از حزب دموکرات می باشند. وثوق الدوله وزیر امور خارجه است.

نمره - ۲۲۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

طهران ۱۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۳ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم راپورت دهم که در جلسه ۲۹ ژون مجلس راپورتهای کمیته مالیه و کمیته وزارت خارجه در باب پیشنهاد وزارت تجارت برای استخدام پنج نفر مأمورین خارجه برای وزارتخانه های پست و تلگراف قرائت شد؛ وزارت تجارت برای استخدام از بلجیک پیشنهاد نموده بود، وزارت خارجه استخدام از سویس را توصیه نمود. وظایف مأمورین مذکور به قرار ذیل خواهد بود:

۱۴۰۰۰ فرانک

مدیرکل تلگراف از قرار سالیانه

۹۰۰۰ فرانک

مفتش پست و تلگراف از قرار سالیانه

۹۰۰۰ فرانک

مهندس کل از قرار سالیانه

۹۰۰۰ فرانک

رئیس کل پست برای جنوب

۹۰۰۰ فرانک

رئیس کل پست برای آذربایجان

نظر به تصمیم کمیته وزارت خارجه که مأمورین بایستی از سویس در عوض بلجیک استخدام شوند وزارت تجارت نقشه خود را باز گرفت که تجدیدنظری در آن بنماید.

نمره - ۲۲۳

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

سنت پترزبورگ ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخاراً اظهار می دارم که روزنامه نیم رسمی موسوم به روسیه در تاریخ ۲۲ شهر جاری مقاله ای اساسی در باب وقایع ایران طبع و نشر نمود. خلاصه آن به قرار ذیل است:

در روزنامجات روسی و خارجه اخیراً مطالب بسیار در باب ورود ناگهبانی شاه

مخلوع که از سال ۱۹۰۹ بر حسب تصویب دولت روس در ادسا سکونت اختیار نموده طبع و نشر گردیده است.

از قرار اطلاعات از منابع موثقه شاه مخلوع تا آخر ماه اکتوبر ۱۹۱۰ در ادسا اقامت داشت و آنوقت برای معالجه بجاهای دیگر رفت. در ششم (۱۹) آوریل سال جاری به ادسا مراجعت نمود و پس از قدری توقف در ۲۸ مه (۱۰ ژون) باتفاق زن و بچه‌ها و دو سه نفر از اجزاء خود به عزم کارلس‌باد حرکت نمود. دولت روس از حرکات وی پس از آن از هیچ منبعی اطلاعی نیافته و ظهور ناگهانی او در ایران کاملاً اسباب حیرت دولت امپراطوری گردیده است.

ظاهر است که آن اعلیحضرت به لباس مبدل و با يك تذکره جعلی در خاک روسیه مسافرت نموده است. تا مادامی که [= مادامی که] در ادسا اقامت داشت و در جاهای دیگر مسافرت می نمود مکرراً شهرت داشت که مشغول انتریک در ایران می باشد و دولت ایران وزارت امور خارجه روس را از این مسئله مستحضر داشت بدون آنکه حقیقت این اشتهاارات واقعاً مشهود گردد. با وجود این دولت روس مکرراً و بطور بسیار سخت جلب توجه محمدعلی را به لزوم احتراز از هرگونه تحریکی نمود و در همین تازگی نظر به اغتشاشاتی که در ایران رخ داده و کشف اینکه عده‌ای طرفدار شاه مخلوع می باشند آن دولت قصد نمودند که به اتفاق دولت انگلیس دفعه دیگر آن اعلیحضرت را متنبه نمایند که در این کشمکش با دولت حاضر ایران خود را شریک نگرداند.

این اقدامی که در نظر داشتند بعلت حرکت غیرمترقبه محمدعلی از وینه به انجام نرسید.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۱۲۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ ژوئیت)

طهران ۲۷ ژوئیت ۱۹۱۱ [۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱ شعبان ۱۳۲۹]

به دولت ایران اخبار رسیده که دسته‌ای از ترکمنها از همراهان شاه مخلوع شاهرود را چپاول نموده‌اند.

آن اعلیحضرت در استرآباد است و از قراری که همکار روسی من اظهار می دارد آن شهر به او تسلیم شده است.

نمره - ۲۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت)
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
 هرگاه مجلس تعیین ماژور استوکس را تصویب می‌کند دولت ایران ممکن است به
 او امر دهند که به جنگ شاه مخلوع برود.

نمره - ۲۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت)
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل مورخه ۲۶ ژوئیت از جنرال قنصلگری مشهد رسیده است:
 در اینجا شورش به وقوع رسیده ظاهراً این شورش بر ضد ادارات دولتی است ولی
 در معنی به تقویت محمدعلی میرزا است. اهالی شهر نسبت به شاه مخلوع احساسات
 همدردی دارند.

نمره - ۲۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت)
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
 مراجعت شاه مخلوع به ایران
 جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم مشهد در ۲۷ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف کرده است:
 از قرار اطلاعات واصله محمدعلی میرزا با چهارصد نفر از ترکمنها شاهرود را
 قبضه نموده است و از آنجا استعداد زیادی به طهران می‌فرستد و خودش در شرف
 حرکت به طرف مازندران می‌باشد.
 برای رئیس تلگرافخانه و رئیس قشون و متولی‌باشی و ایالت و بزرگت بجنورد از
 محمدعلی تلگرافات رسیده خطاهای گذشته آنها را عفو نموده و آنها را تهدید کرده
 است که در آتیه هرگاه مخالفت نمایند مجازات سخت بآنها خواهد داد.
 شاه مخلوع تعهد به برقراری مجلس و ایجاد مجلس اشراف می‌نماید.
 برحسب امر وزیر تلگراف از افشای تلگرافات مذکوره جلوگیری شده است.

نمره - ۲۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ ژوئیت)
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
 دولت ایران مکتوباتی به سفارتین نوشته شکایت دارد از اینکه مأمورین محلی روس

از قبول و انجام درخواست کارگذار [= کارگزار] ایران مقیم عشق‌آباد برای توقیف دو نفر از جاسوسان شاه مخلوع که چنانچه در تلگرافات ۱۲ و ۱۷ ژوئیه راپورت دادم مأمورین محلی بادکوبه از آنها جلوگیری ننموده و از طرف عشق‌آباد می‌خواستند به ایران بروند امتناع ورزیده است.

نمره - ۲۲۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیه شما - باید بطور واضح به ماژور استوکس فہمائید کہ قبل از آنکہ داخل خدمت شود یا موظف به وظیفہ‌ای از طرف دولت ایران شود باید از شغل خود در قشون ہندی استعفاء نماید.

آیا با مشاغلای کہ او در تحت خزانه‌داری کل می‌خواهد بعمده گیرد چطور می‌تواند در نظام داخل شدہ و بہ جنگت برود؟

نمره - ۲۳۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

مراجعت شاه مخلوع - مسودہ اظہارنامہ‌ای را کہ می‌خواہیم برای دولت ایران بفرستیم من بہ کنت بنکندرف داده‌ام:

از آنجایی کہ شاه مخلوع برخلاف تعہداتی کہ بہ دولت ایران نمودہ و مخالف نصایحی کہ دولتین انگلیس و روس مکرراً بہ او داده‌اند کہ از ہرگونہ انتریگت در ایران احتراز نماید عمل کردہ است دولت انگلیس حق وی را بہ حقوقی کہ برحسب پروتکل برای او مقرر شدہ مسلوب می‌دانند. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند کہ چون شاه مخلوع فعلاً در خاک ایران است نمی‌توانند مداخلہ نمایند.

علیہذا دولت انگلیس اظہار می‌دارند کہ در این کشمکش کہ بدبختانہ در ایران بوقوع رسیدہ هیچ‌نوع دخالتی نخواہند کرد.

ہرگاہ ہمکار روسی شما ہم حاضر است کہ از طرف دولت روس این اظہار بشود شما ہم از طرف دولت اعلیٰحضرتی در این کار اقدام نمایند.

نمره - ۲۳۱

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

کنت بنکندر فامروز بانهایت تشویق در باب احتمال شرکت ماژور استوکس در
اعمال نظامی در ایران صحبت داشت. هرگاه این مسئله بعمل آمد صاحبمنصبان روس
هم ممکن است داخل خدمت طرف مقابل شوند و نتیجه ظهور نقض عهد بسیار بدبختانه
مابین انگلستان و روسیه در مورد پولتیک آنها در ایران خواهد شد.

من او را از تلگرافی که می خواستم امروز برای سر جارج بارکلی بفرستم مستحضر
داشتم. از قراری که فهمیدم هنوز برای ماژور استوکس مأموریتی تعیین نشده بود و
موافقت داشتم با اینکه خوب نیست او در اعمال نظامی در ایران شرکت نماید یا آنکه
هر اروپایی دیگری اینطور عمل نماید ولی صاحبمنصبان فرمانده ژاندارمری ایران
بلاشک در اعمال نظامی بر ضد سارقین راههای جنوب شرکت خواهند داشت و مشکل
است حدی برای اینکار قرار داد. من فکر می کنم ببینم چه می توانم بکنم.

امضاء گری

نمره - ۲۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیه)
طهران ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری شیراز راپورت می دهد که در ۲۷ ژوئیه یکی از سواران مستحفظ
قنصلخانه هنگامی که با لباس رسمی از بانک مراجعت می نمود يك نفر از تفنگچیان
قشقایی به فاصله صد ذراع [= ذراع] عمداً به او شلیک نمود ولی گلوله از نزدیک او
گذشت.

من مکتوبی به دولت ایران نوشته اصرار نمودم که جلوگیری از اجحافات نیل
[= ایل] قشقایی شود.

نمره - ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیه)
طهران ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۱ شهر جاری خود افتخاراً راپورت می دهم که شاهزاده سالار -
الدوله روز ۲۴ شهر از صحنه به طرف کرمانشاه حرکت نمود. قنصل اعلیحضرتی
مقیم کرمانشاه تلگراف می کند که داود خان رئیس ایل کلهر با شاهزاده همدست شده

است.

مأمورینی که در تلگراف فوق‌الذکر خود ذکر کردم هنوز در قنصلخانه اعلیحضرتی می‌باشند. مأمورین دیگر از کرمانشاه خارج گردیده‌اند.

نمره - ۲۳۴

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

راجع بتلگراف ۲۸ ژوئیت من: تلگراف ذیل از جنرال قنصل خراسان واصل گردیده است.

شورش بسیار سخت - همه کثیری در مقامات متبرکه تقاضای برهم زدن کلیه ادارات دولتی و رجعت به ترتیبات قدیم را می‌نمایند. تیراندازی هم گاهگاهی می‌شود. چند نفری مقتول و مجروح گردیده‌اند.

نمره - ۲۳۵

مکتوب سر ادوارد گری به سر چارچ بیوکانون

وزارت خارجه ۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

سفیرکبیر روس روز ۲۵ شهر جاری از سر آرتر نیکلسن استفسار نمود که آیا عمل تعیین ماژور استوکس بالاخره فیصله شده است؟

سر آرتر نیکلسن جوابداد که او نمی‌داند ولی دولت اعلیحضرتی به ماژور استوکس اعلام نموده که هرگاه این کار را قبول می‌کند بایستی از مأموریت خود در قشون هندی استعفاء نماید.

کنت بشکندرف گفت که مسیو نراتوف امیدوار است که دولت اعلیحضرتی بعلاوه به دولت ایران بگویند که با تعیین وی هیچ کار نخواهند داشت و هرگاه دولت روس در مقابل ماژور استوکس تقاضای تعیین کس دیگر را بکنند، آن دولت با تقاضای دولت روس همراهی خواهند نمود.

مسیو نراتوف گمان می‌کرد خوب است دو سه نفر معلمین نظامی روسی اگر لازم باشد در خدمت ماژور استوکس قرار دهند.

کنت بشکندرف اظهار داشت روسها باید در مقابل تعیین يك نفر انگلیسی بریاست کل ژاندارمری تمام ایران که منطقه نفوذ روس هم جزو آن باشد جبرانی تحصیل نمایند.

نمره - ۲۳۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ ژوئیت)
 طهران ۳۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۸ ژوئیت شما:

ماژور استوکس تصمیم نموده است که از عهده خود در قشون هندی استعفاء نماید و امیدوار است که نظر به آنکه خزانه دار کل او را جداً لازم دارد شما کاری بکنید که آنهایی که مربوط به کار هستند از ترتیبات و مرسومات معموله صرف نظر نموده و تلگرافا [= تلگرافی] وی را از قبول استعفایش اطلاع دهند.
 او نیز درخواست می کند که نظر به خدمت شانزده ساله او به اندازه ای که سزاوار است حقوق تقاعدی به او اعطاء گردد ولی هر طوری که در باب این مسئله تصمیم نمایند استدعا دارد که تأخیری در مخایره تلگراف قبولی استعفای او نشود.

نمره - ۲۳۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)
 طهران ۲۸ ژون ۱۹۱۱ [۶ تیر ۱۲۹۰؛ ۱ رجب ۱۳۲۹]
 آقا

افتخاراً راپورت می دهم که در جلسه ۲۴ شهر جاری مجلس به وزیر مالیه پیشنهاد نمود که چهار نفر امریکایی دیگر استخدام شوند که در تحت مستر شومستر در اداره مالیه مشغول کار گردند و کنترات آنها مثل آنهایی که استخدام شده اند سه ساله باشد. مجلس بدون مذاکره با این پیشنهاد موافقت نمود و در واقع بالاتفاق در این باب رأی داده شد. حقوق این چهار نفر به قرار ذیل خواهد بود:

یک نفر محاسب بجای مستر هیلز	۴۰۰۰ دلار
یک نفر معاون برای مستر شومستر	۳۵۰۰ دلار
یک نفر منشی برای مستر شومستر	۱۸۰۰ دلار
ایضاً یک نفر منشی برای مستر شومستر	۱۶۰۰ دلار

فعلاً چهار نفر مخصصین مالیه بقرار ذیل در طهران هستند:

مستر مورگان شومستر خزانه دار کل از قرار سالیانه	۲۰۰۰ لیرا
مستر کنز [= کرنز] مدیر مالیات از قرار سالیانه	۱۲۰۰ لیرا
مستر مکاسکی [= مک کاسکی] مفتش عایدات ایالات و ولایات	۱۰۰۰ لیرا
از قرار سالیانه	۱۰۰۰ لیرا
مستر دیکی مفتش مالیات از قرار سالیانه	۱۰۰۰ لیرا

مستر هیلز محاسب با اهل خانه خود وارد شد ولی به واسطه علت مزاج یکی از بچه هایش عزم نمود که فوراً به امریکا مراجعت نماید و ظاهراً دیگر مراجعت نخواهد کرد. از چهار نفری که فعلاً تصمیم شده است استخدام شوند یکی بجای وی خواهد بود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۳۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)
 طهران ۱۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۸ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۳ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در مراسله غره شهر جاری خود در خصوص مناقشه مابین مستر شوستر خزانه دار کل امریکایی و مسیو مرنارد مدیر کل گمرکات بلجیکی راپورت دادم که مستر شوستر مکتوبی به مسیو مرنارد نوشته جلب توجه او را به قانونی که اختیارات خزانه داری کل را مشخص می نماید نموده و اظهار می دارد که تمام وجوهاتی که از گمرکات واصل می شود بدون وضع مصارف و تمام وجوهاتی که در بانک شاهنشاهی و بانک روس موجود است بایستی بحساب او (خزانه داری کل) منتقل گردد.

در ۳۰ شهر ماضی چون مسیو مرنارد به تعلیمات خزانه داری کل اعتنائی ننمود شورای وزراء کاغذی را که مستر شوستر به مسیو مرنارد نوشته بود تصویب نموده و تصمیم نمودند که وی را به اطاعت قانون مزبور دستورالعمل دهند. وزیر امور خارجه تعلیمات مذکوره را در ۵ شهر جاری برای مسیو مرنارد نوشت و مسیو مرنارد هم باز بحساب گمرکات چک بحواله بانک شاهنشاهی می داد.

از آن وقت تاکنون در امورات بهبودی حاصل شده است. در ۷ شهر جاری وزیر امور خارجه از مستر شوستر دعوت نمود که روز بعد در اجلاس کابینه وزراء حاضر باشد ولی همین که شنید می خواهند او را با مسیو مرنارد روبرو نمایند. مستر شوستر به وزیر امور خارجه جواب داد که حاضر نخواهد شد بعلت آنکه نمی توانست در باب این مسئله با مستخدمی که آشکارا با قانون اخیر مخالفت نموده است مذاکره کند. وزیر امور خارجه مکرراً از او دعوت نموده و اظهار داشت که مسئله بی اطاعتی مسیو مرنارد به قانون در میان نیست و علتی ندارد که مذاکره و مباحثه بشود. مستر شوستر بنا بر این اطمینان در آن اجلاس حضور یافت و مسیو مرنارد هم حاضر بود. وزیر امور خارجه این دو نفر را بیکدیگر معرفی کرده و پس از قدری صحبت ظاهراً رفاقت کاملی مابین آنها پیدا شد و از یکدیگر جدا شدند و از آنوقت تاکنون هر دو از نتیجه این ملاقات اظهار رضایت می کنند. بنابراین من اعتماد دارم که ممکن است تصور کنیم اینکار اصلاح شده است.

اینک سواد مراسله وزیر امور خارجه به مسیو مرنارد مورخه ۵ ماه ژوئیت را که در فوق اشاره به آن شد لفاً ایفاد می دارم و نیز سواد اطمینان کتبی که مستر شوستر به بانک شاهنشاهی داده و در تلگراف ۵ ژوئیت خود مذکور داشتم ایفاد می شود اطمیناناتی که به بانک روس داده شده هم بهمین طریق است.

امضاء جارج بارکلی

ترجمه ملفوف يك نمرة ۲۳۸

مکتوب وزیر امور خارجه ایران به مسیو مرنارد

۵ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۸ رجب ۱۳۲۹]

آقای مدیر کل

افتخار دارم بنام دولت علیه مفاد قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ را که راجع به تشکیل خزانه کل برای مملکت است لفا ایفاد دارم. تا اندازه ای که بشما مربوط است روابطی که بایستی مابین اداره شما و اداره خزانه داری کل برقرار باشد به موجب این قانون معین می گردد.

الحال توجه شما را به مواد قانون مزبور در خصوص تعلیمات خزانه داری کل جلب می نمایم و از شما استدعا می کنم مقرر دارید برحسب قانون آنچه از بابت گمرکات وصول می شود در حساب خزانه داری کل پرداخته شود و او دستورالعمل دارد که مقدم از همه آنچه از بابت محاسبات خارجه باید پرداخته شود و پرداخت آن تاکنون از وظایف اداره شما بوده بدهد.

یقین دارم شما با تشکیل اداره مالیة جدید دولت علیه که برحسب قانون تأسیس شده همراهی کامل خواهید داشت.

در این موقع بنام دولت علیه از خدمات عالیة شما در اداره ای که به این خوبی اداره نموده اید اظهار رضایت تام می نمایم.

امضاء حسن

ملفوف دو نمرة ۲۳۸

مکتوب مستر شومتر به بانک شاهنشاهی ایران

۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۲ تیر ۱۲۹۰؛ ۷ رجب ۱۳۲۹]

آقا

در باب مذاکره ای که سابقاً در خصوص طریقه اداره کردن محاسبات صرافی دولت علیه در تحت قانون ۲۳ جوزای ۱۳۲۹ مجلس با هم نمودیم افتخار دارم که اظهارات خود را بطریق ذیل تصدیق نمایم:

تمام وجوهاتی که از بنادر جنوب واصل می شود بدون وضع مصارف به حساب خزانه داری کل در بانک شاهنشاهی امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده بالتمام پرداخته شود و از بابت این عایدات حواله داده نخواهد شد مگر آنچه برای مصارف حقیقی لازمه ادارات گمرک که بموجب کنترات اخیر قرضه تجویز شده لازم باشد. بهمین طریق تمام وجوهاتی که از شمال وصول می شود بدون وضع مصارف در بانک استقراضی به حساب من امانت گذارده خواهد شد و در دفاتر من بدون کم و کسر ثبت خواهد گردید تا آنکه تمام پولهایی که بر آن وجوهات تحمیل شده پرداخته گردد.

قصد من این نیست که به هیچ طریقی این عایدات مخصوصه را با وجوهات دیگر

علیه مخلوط سازم ولی برعکس قصد دارم که بطور دقت اینها را بطور رهن
 دهن برای پرداخت وجه تحمیلاتی که بر آنها شده برقرار و محفوظ دارم.
 من حاضر و مشتاق بوده و هستم که تمام آنهایی که مثل شما به این کار مربوط
 هستند از تمامیت و مصونیت وثیقه‌ها و ضمانتاتی که دولت علیه در مقابل محاسبات
 مختلفه داده‌اند مطمئن سازم و قصد من این است که نه فقط مواظب باشم که این
 ضمانات صحیحاً برقرار بوده و تمام وجوهات مدیونی سر وقت پرداخته شود بلکه بعلاوه
 مواظبت نمایم که کلیه امورات مالی دولت علیه طوری اداره شود که بر این وثیقه‌ها
 مع اعتبار عمومی مملکت افزوده شود.
 خیلی خوشوقت خواهم بود که شما یا آنهایی که مثل شما مربوط به این کار هستند
 هر وقتی که می‌خواهند کسی را از طرف خود فرستاده دفاتر و طریقه دفترداری مرا
 که بواسطه آن امورات مالی دولت اداره می‌شود امتحان نمایند.
 امضاء مرگان شوستر

نمره - ۲۳۹

مکتوب سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)
 طهران ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]

مستر مرگان شوستر دو ماه پیش نیست که در طهران است و نفوذ او در اوضاع
 یکی از قوای عامله است. مجلس الحال بکلی فرمان‌بردار او است و پیشنهادهای که از
 طرف او می‌شود در واقع باتفاق آراء تصویب می‌شود.
 جرات و جدیتی که يك دفعه بخرج داده و در صدد اصلاحات برآمده قابل تمجید است
 ولی نتایج پیشرفت بی‌پاکانه‌ای که او می‌کند قابل تردید است.
 در همان يك دفعه که از شوستر ملاقات نمودم او کار خود را بکلی مربوط به مالیه
 دانسته و در این باب بیشتر سخن‌رانده و اظهار می‌کرد من داخل در سیاسیات نیستم.
 اگر مقصود او از این الفاظ این است که در امورات پلتیکی مداخله نخواهد کرد
 بایستی مقاصد او را تحسین نمود ولی به این طریق ساده که با اداره کل گمرکات
 داخل کشمکش شده و متعاقب آن ماژور استوکس را برای ژاندارمری خزانه تعیین
 نموده و در هر دو این اقدامات خود را در معرض مخالفت روس قرار داد از ادعای
 وی بعدم ارتباط به مسائل پلتیکی يك معنی تهدیدآمیزی تعبیر می‌شود و نشان می‌دهد
 که مشارالیه بعضی جزئیات پلتیک را که بهتر است در تحت ملاحظه آورد مراعات
 نمی‌نماید.

نمره - ۲۴۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)
 طهران ۱۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۱۹ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۴ رجب ۱۳۲۹]
 آقا

رجوع به مکتوب ۸ ماه گذشته من در باب وضع امنیت راههای جنوبی:

افتخار دارم راپورت دهم که کمارج را که در راپورت آخری خود شرحی از خطرناک بودن آن نوشتم چون ملاخورشیدخان سابق دوباره به مقام اولی خود در کمارج منصوب گردیده از نهم ژون به اینطرف دیگر خطرناک نیست و او از مقاصد غارتگری خود صرف نظر نموده و به بستگان خود اوامر مؤکده داده است که بهیچوجه به پسته یا قوافل دستبردی نزنند. فرمانفرما قصد دارد دوباره ملاخورشید را از کمارج خارج نماید ولی چون از ایل قشقایی کسی را ندارد که بتواند بر آن اعتماد نماید جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] گمان کرد شرط عقل آن است که ملاخورشید را به خانی آنجا بشناسد و ظاهراً کسی را که خود فرمانفرما نامزد نموده بود در ۷ ژون چهار لنگه قماش متعلق به اداره مستر زلیو نیکستن را سرقت نموده است و به این طریق ابقای ملاخورشید بالمضاعف اسباب رضایت است.

بنا بر راپورتهای هفتگی ۱۷ و ۲۴ ژون و غرة ژوئیت که از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌گردد که ایاب و ذهاب قوافل مابین شیراز و اصفهان بتدریج رو به ازدیاد است. عموم دوباره اعتماد و اطمینان پیدا می‌کنند و بعلت تأخیر زیادی که در راه بختیاری واقع می‌شود تجار ترجیح می‌دهند که از راه جنوب مالالتجاره خود را حمل نمایند. علت این تأخیرات به واسطه کمیابی حیوان باری است. اینجا در صدد هستند که از اهواز قریب شش هزار حیوان بدست بیاورند که برای حمل مالالتجاره زیادی که از این راه حمل می‌شود کافی باشد و مالالتجاره‌ای که بعلت احتیاجات خود بختیارها محض کشمکشهای خانه‌خواب‌کن آنها حمل آن از آن طرف امکان ندارد از این طرف حمل شود.

سرقتهای راه از بوشهر الی اصفهان که به وقوع پیوسته از قرار ذیل است:
 در ۹ ژون چهار بار قماش و یک صندوق تریاک قریب ۲۰ میلی شمال کازرون هفت الاغ با بار محمول قند و غیره در ۱۴ ژون نزدیک پل سیوند به سرقت رفت و به یک قافله محلی در ۲۴ همان‌جا حمله شد. همانروز در ۸ میلی بیرون شیراز قافله سرقت شد. سوارهایی که فرمانفرما فرستاد با سارقین چند تیر رد و بدل نموده و قسمتی از اشیاء غارتی را مسترد داشتند.

بموجب تلگراف ۶ ژوئیت که از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده معلوم می‌شود که کمپانی دیکسن راپورت داده‌اند که قافله محمول بارهای آنها در محلی قریب ۳۰ میلی جنوب اصفهان بواسطه حضور سارقین در راه توقیف شده است.

در ۵ و ۶ ژوئیت قوافل بزرگ محمول محصولات محلی در حدود نزدیک شیراز سرقت شده نظام‌السلطنه سوار به عقب آنها فرستاده سواران مذکور منهزم و فرمانده آنها

بطور سخت مجروح و یکی دو نفر مجروح گردیدند. در ۶ ژوئیت چند نفر سوار در نزدیکی قمشه هفت قاطر و بارهای آنها را بردند.

من وزارت امور خارجه را از سرقتهای مهمه مستحضر داشته‌ام و به قرار معمول وعده می‌دهد که اقدامات لازمه خواهد شد. این مسئله ظاهر است که اقتدار نظام السلطنه هم در داخل و خارج شیراز رو به ضعف است.

راه مابین اصفهان و طهران در محلاتی که خارج از ایالت اصفهان است یعنی در جاهایی که نفوذ و حکمرانی حکومت اصفهان مشکوک است هنوز ناامن می‌باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

افتخار دارم که خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته گذشته به طریق معمول لفا ایفاد درام.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۲۴۱

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از ۱۵ ژون الی ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۵ خرداد تا ۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۷ ج ۲ تا ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

طهران

کابینه وزراء - در ۱۵ ژون سپهدار صدراعظم بدون انتظار از طهران حرکت نمود و بطرف رشت رهسپار گردید. شرح مفارقت و مراجعت وی را به طهران در نهم شهر جاری علیحده راپورت داده‌ام.

در ۱۲ ژوئیت کابینه سپهدار استعفاء نمودند.

مستخدمین امریکایی و غیره برای اداره مالیه

مجلس پیشنهادات. مستر شوستر را برای استخدام مستخدمین ذیل تصویب نموده است:

۴۰۰۰ دلار

معاون رئیس اداره عایدات از قرار سالیانه

۴۰۰۰ دلار

معاون رئیس اداره عایدات از قرار سالیانه

۱۸۰۰ دلار

معاون رئیس اداره عایدات

۱۶۰۰ دلار

معاون مفتش اداره عایدات

۵۰۰۰ دلار

مؤسس ژاندارمری برای اداره خزانه

۳۰۰۰ دلار

۱۵۰۰ دلار

صاحب منصب عایدات

حقوق اروپاییانی که حالا در طهران هستند

تبریز

ویس قنصل اعلیحضرتی در ۶ ژوئیت تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت می‌دهد که طوایف شاهسون و قراداغی تا يك ماه مشغول چپاول دهات و غارت قوافل و در این چند روزه اخیر راههای میانه و اردبیل مسدود و قوافل عبور و مرور می‌نمودند. مأمورین محلی بواسطه عدم پول و جدیت و بالاتر از همه عدم تقویت معنوی دولت اقدامی نمی‌کردند. از منابع دیگر راپورت داده شده که مجلل السلطان یکی از اجزاء معتمد شاه مخلوع که با وی تبعید گردید الحال با شاهسونها است.

اکنون ۱۸۰۰ نفر عساکر روس در اردبیل هستند و قشونی که برای سرکوبی اشرار فرستاده شده بود در نزدیکی آستارا به عساکری که در اردبیل بودند ملحق گردیده‌اند. علاءالدوله که برای ایالت آذربایجان انتخاب شده هنوز در طهران است و ظاهراً از حرکت به سمت تبریز بی‌میل است.

رشت

طوایف شاهسون و اهالی طالش با یکدیگر متحد شده و حاکم طالش را بیرون کرده یکصد نفر از قشون او را خلع اسلحه نموده‌اند.

مردار افخم بجای ظفر السلطنه به حکومت استرآباد تعیین شده است.

طوایف ترکمن هنوز مشغول غارت و چپاول می‌باشند و از قسار معلوم مأمورین محلی و اولیاء امور در مرکز هیچ اقدامی نمی‌کنند.

ترکمنها اخیراً پست شاهرود را سرقت نمودند و معادل صد و چهل لیرا و پستی را برده‌اند و چهار نفر از دهاتیان را مقتول و شش نفر را مجروح نموده‌اند. دهاتیان هم چهار نفر از ترکمنها را مقتول نموده‌اند.

سپهدار صدراعظم در اواسط ژون به رشت وارد شد و ستارخان و باقرخان به وی ملحق شدند. او در اوایل ژوئیت بطرف طهران مراجعت نمود.

مشهد

نیرالدوله به ایالت خراسان تعیین شده ولی هنوز در طهران است و ظاهراً میل ندارد مشاغل خود را به عهده گیرد.

اوضاع این ایالت که در تحت صاحب اختیار رو به بدی می‌رفت تا اندازه‌ای بهتر شده محمدعلی یاغی نیشابوری را قشونی که برای سرکوبی وی اعزام شده بود محاصره نموده و مقتول داشته‌اند. رشید السلطان که سیصد نفر دور خود جمع‌آوری نموده اداره تلگرافخانه سبزوار را قبضه و دور و حوالی آنجا را غارت کرد. عساکر دولتی وی را مابین دامغان و شاهرود شکست داده و دوازده نفر از آنها تلف شد معتقدند که او

بطرف مازندران فرار کرده است.

سیستان

در اوضاع عمومی این ایالت تغییری حادث نشده راهها از قرار مذکور عموماً ناامن می‌باشند و مقدار زیادی مال‌التجاره در کوه ملک‌سیاه معطل شده و منتظر یک موقع امنی است که بطرف شمال حرکت داده شود. راپورت هجوم سخت بلوچها هم از قسمت جنوبی قائنات نزدیک نه در هفتم ژوئیت داده شد که همان روز مابین اجزاء حکومت و بعضی از اهالی دهات که از ترس بلوچها به شهر پناهنده شده بودند نزاعی واقع شد دو نفر مقتول و متجاوز از سی نفر مجروح گردیدند. طرفداران حشمت‌الملک محرك این شورش بودند.

اصفهان

اوضاع عمومی این ولایت بلا تغییر است. در خود اصفهان علماء هیجان مذهبی جدیدی در مردم انداخته‌اند و به یکی از مقامات متبرکه نسبت وقوع معجزه دادند مقصود آنها این است که نفوذی که بر مردم داشتند و از دست داده بودند دوباره بدست بیاورند و ظاهراً اقدامات آنها در مورد طبقات پست مردم پیشرفت زیادی نموده است. راههای یزد و سلطان‌آباد ظاهراً امن می‌باشند. دزدان هنوز راه طهران را از اصفهان به کاشان اشغال می‌نمایند. روز ۱۶ ژون پسته در نزدیکی خفر به سرقت رفت و ده قاطر با بار در ۴ ژوئیت مابین طرق و نطنز به سرقت برده شد و راپورت داده شد که بختیاریه‌های نطنز راه قافله‌رو از روی تنگه قهرود را مسدود نموده یکی از مستحفظین راه را مقتول و دو نفر دیگر را مجروح گردانیدند. دویست رأس قاطر را هم در قهرود توقیف نمودند.

دیگر خبری از جنگ مابین بختیاریه‌های چهارلنگ و هفت لنگ بدست نیست و از اغتشاشات اخیر نتیجه معلومی بروز نکرده است. طوایف هفت لنگ می‌گویند که چهارلنگها تسلیم شده‌اند.

قم

در ۵ ژوئیت قافله در راه سلطان‌آباد نزدیک قم سرقت شد. در راه مستحفظی نیست و حکومت نمی‌تواند از طهران وجه برای گرفتن مستحفظ تحصیل نماید. شش نفر سوار بختیاری پسته را در ۳۰ ژون در ده نار که در راه کاشان واقع است به سرقت بردند.

یزد

فخرالملک حاکم جدید در ۳۰ مه وارد شد. تاکنون چیزی که دلیل بر قابلیت او باشد از او مشهود نگردیده است. از قرار راپورت در اوایل ژون چند فقره سرقت

در راه نائین الی اردستان و یزد الی مشهد و یزد الی فارس بوقوع رسیده.
حکومت سعی دارد که اختیار مستحفظین راه را بدست خود گیرد ولی این را
می‌توان حمل به میل او کرد که می‌خواهد پول زیادتری بوی رجوع شود.

لرستان

حاکم که چند صد نفر سوار بختیاری با خود دارد ظاهراً پس از قدری جنگ که
برای استحکام اقتدار خود با الوار نمود بر آنها فایق آمده و قشون امدادی که خواسته
بود امر داده است حرکت نکنند.

کرمان

قشونی که ایالت برای نظم بلوچستان فرستاده بود در دوازدهم ژوئن بدون آنکه بتوانند
کاری از پیش ببرند به کرمان مراجعت کردند. عساکر مزبور بهرام‌خان را تا مدتی در قلعه
فهرج محاصره نمودند ولی ورود سعیدخان و رؤسای مکران باتفاق یکهزار نفر باعث
گردید که ترك محاصره او را نموده و به کرمان مراجعت نمایند به واسطه عدم
موفقیت این قشون به جزئی اهمیت و اقتداری هم که دولت ایران در بلوچستان داشت
ضربت شدیدی وارد آمده است.

سردار محیی که سال گذشته دخیل به اغتشاشات طهران بود به ایالت کرمان تعیین
شده است.

کرمانشاه

یکی از جاسوسان مرتجعین علی‌قلی نام تازگی در کرمانشاه دستگیر گردیده و به
طهران فرستاده شده است.

داودخان کلهر صمصام‌الممالک سنجابی را حمله نمود ولی همراهان صمصام‌الممالک
در دو قلعه از خود دفاع نموده و بر او فایق آمدند. از همراهان داودخان یکصد نفر
تلف شده‌اند. پس از تخریب يك مقدار اراضی باندازه پانزده میل مربع داودخان
یکنفر را نزد سنجابیها فرستاده قرار صلح را داده و دو رئیس مذکور برای تصدیق
امر صلح خود با یکدیگر ملاقات نمودند. داودخان وعده داده است که حکومت قصرشیرین
را بعد از این به صمصام‌الممالک بدهد.

در اوایل ژوئن اکبرخان برادر معین‌الرعیای مرحوم با همراهان خود عسکر سلیم
یکی از سرکردگان حزب مخالف حکومت را به قتل رسانیدند. این مسئله باعث موقع
سختی در کرمانشاه گردید و برای حمله به یکدیگر جمع می‌شدند. کفیل حکومت به
استقرار انتظامات موفق گردید و بازارها پس از سه روز که مسدود بودند مجدداً
مفتوح گردیدند. اوضاع به همین‌طور مغشوش بود و چند نفر به قتل رسیدند. در
۶ ژوئیت سوءقصدی نسبت به سید اکبرشاه که یکی از علماء است شد و چندین نفر
مجروح گردیدند. در ۸ بازارها دوباره مسدود گردیدند.

جمعی ادارات پلیس و عدلیه و تحدید تریاک و تلفونخانه را غارت کردند. اهالی به طهران تلگراف کردند که هرگاه اقدامی از طرف دولت نشود قهراً داخل یکی از قنسولخانه‌ها خواهند شد که آنها مجبوراً مداخله نمایند. در این منوال الوار در حدود کرمانشاه هجوم آورده و راههای سلطان‌آباد و ماهی‌دشت ناامن بودند. از قراری که راپورت داده شد مستحفظین راه از تمام قوافل بناحق پولهای زیاد می‌گرفتند.

شیراز

واقعه‌ای که به واسطه سربازهایی رخ داد که می‌خواستند در قنسولخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند، به این منجر گردید که فرمانفرما از تمام آنها خلع اسلحه نموده و تمام افراد فوج را به اوطان خود معاودت داد.

خلیج فارس

بندر عباس

در اواخر مه راپورت داده شد که راه کرمان امن است ولی راه لار در نزدیکی لار ناامن است.

اهواز

قنسول اعلیحضرتی در ۲۸ ژون راپورت داد که از قرار خبر موثق او شنیده بود که پسر والی پشتکوه امان‌الله خان او را عزل و در ده بالا محبوس نموده است. پشتکوه آرام است.

نمره - ۲۴۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

راجع به مکتوب ۲۸ ژون خود افتخار دارم راپورت دهم که در ششم شهر جاری مجلس به هیئت اتفاق پیشنهاد وزیر مالیه را برای استخدام سه نفر خارجی دیگر که در تحت خزانه‌داری کل امریکایی باشد تصویب نمود.

یکی از این سه نفر بایستی تشکیل قوه‌ای برای ژاندارمری خزانه بدهد و موجب او برای این کار سالیانه پنجمهزار دلار خواهد بود و چنانچه در تلگراف ۷ ژوئیت خود راپورت دادم مستر شوستر ماژور استوکس را برای این عهده انتخاب نموده است. وظایف معینه دو نفر دیگر مذکور نشده است. موجب آنها یکی سه هزار و دیگری هزار و پانصد دلار می‌باشد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۱۲ ژوئیت ۱۹۱۱ [۲۰ تیر ۱۲۹۰؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۹]

آقا

سپهدار روز یکشنبه گذشته از رشت به طهران مراجعت نمود ولی بحرانی که به واسطه حرکت ناگهانی وی در روز ۱۵ ماه گذشته به وقوع رسید هنوز تمام نشده است.

در دهم شهر جاری نایب السلطنه نمایندگان حزب اکثریت و مخالف را ملاقات نموده از آنها استدعا نمود اختلافات میان خود را رفع کنند. اکثریت اظهار داشتند می خواهند سپهدار صدراعظم باشد - والا حضرت از آنها درخواست نمود که خودشان کابینه را تشکیل بدهند ولی دید که اکثریت یکلی در انتخاب اعضای آن مخالفت آراء داشتند و بالاخره از والا حضرت خواهش نمودند که کابینه را برای آنها انتخاب کند ولی او از اینکار سر باز زد.

دیروز وزراء استعفای خود را عرضه داشتند.

حرکت سپهدار از رشت رفع تشویش خیال دوستداران حکومت حالیه را نمود چرا که اینطور احساس می شد که تا زمانی که او در رشت توقف دارد و املاک و اموال او باعث ازدیاد نفوذ وی در آنجا است ممکن است از خشم و تغیر بر ضد مجلس اقدامی نموده و به طرفداری و تقویت ارتجاع تحریک به اغتشاش نماید. بحران مطول کابینه و قصور حکومت در ابراز اقتدار در ایالات و ولایات اسباب تقویت هیجان ارتجاعی شده و در این تازگی صحبت و گفتگوی بکار بودن طرفداران محمدعلی در میان و حتی علامات آن هم مشهود گردیده است.

از قرار معلوم همین تازگی نظمیه يك انجمن ارتجاعی مخفی در طهران کشف نمود؛ اسم آن انجمن اتحاد اسلامی است. نظمیه در محلات آن داخل شده و ثبت اسامی دو هزار نفر را یافت و بسیاری از آنها از اشخاص معروف بودند.

مجلل السلطان محبوب بزرگ شاه مخلوع که با آن اعلیحضرت تبعید شد از قرار راپورتی که رسیده به ایران مراجعت نموده و حالا با طوایف یاغی شاهسون می باشد و مکتوباتی از طرف محمدعلی شاه به آنها تسلیم نموده است.

ممکن است که مأموریت مجلل السلطان مربوط به اقدامات مالارالدوله برادر شاه مخلوع باشد که چنانچه از خلاصه وقایع ماهیانه معلوم می شود در ضد تحریک هیجان و انقلاب در کردستان بوده است.

در بین این اوضاع بطور قطع مراجعت سپهدار به طهران اسباب تسکین خاطر اعتدالیون و دموکراتها می باشد و اینجا بهتر می توانند از وی جلوگیری نمایند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۴

مکتوب میرزا مهدیخان به مر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)
 طهران ۲۴ ژوئیت ۱۹۱۱ [یکم امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۹]
 آقا

دولت متبوعه من مرا تعلیم داده است که جلب توجه دولت بریطانیای عظمی را به ورود محمدعلی میرزا شاه مخلوع ایران به کمش قبه در خاک ایران بنمایم و بایستی آنجناب را به وقایع تابستان سال ۱۹۰۹ که منجر به پناهنده شدن شاه مخلوع در سفارت روس و پروتکلی که سر جارج بارکلی و سفیر روس در ۲۵ ماه اوت همانسال (۱۹۰۹) امضاء نمودند متذکر سازم.

دولت متبوعه من لازم نمی دانند جنابعالی را از مواد مختلفه این پروتکل متذکر سازند ولی می خواهند جلب توجه مخصوص شما را به ماده ۱۱ بکنند که بواسطه آن دولت بریطانیای عظمی و دولت روسیه تعهد نموده اند که اوامر مؤکده به شاه بدهند که برای همیشه از هرگونه تحریکات سیاسی بر ضد ایران احتراز نماید. دولت امپراطوری روسیه از طرف دیگر بموجب این پروتکل متعهد گردیدند که اقدامات مؤثره نموده نگذارند شاه مخلوع چنین تحریکاتی بنماید.

من بایستی دولت بریطانیای عظمی را از اظهارات مکرره سال گذشته دولت ایران به آندولت و دولت روسیه در باب حرکات شاه مخلوع و تحریکاتی که او بر ضد حکومت حالیه می نماید متذکر سازم. دولت متبوعه من بی اندازه متأسف هستند که اظهارات آنها بطور بی اعتنائی پذیرفته شده و نه دولت بریطانیای عظمی و نه دولت روسیه اقدامی ننموده اند که از این تحریکات جلوگیری شود.

در عرض ماه گذشته توجه دولت متبوعه جنابعالی و دولت امپراطوری روسیه به اقدامات روزافزون محمدعلی میرزا و ورود فرستادگان او از راه روسیه به ایران جلب گردید باز هم اقدامی بعمل نیامد. نتیجه این شد که محمدعلی میرزا خود در کشتی روسی روز ۱۹ شهر جاری به ایران وارد شد.

نظر به واقعات فوق الذکر دولت متبوعه من مرا تعلیم داده اند که به دولت بریطانیای عظمی پروتست نموده اظهار بدارم که بر وفق پروتکل مذکور حقوق محمدعلی میرزا را از این تاریخ دیگر نخواهند داد و مسئولیت هرگونه خسارات یا صدماتی که به واسطه این واقعات وارد آید باید با دولتین باشد. من بعلاوه برحسب تعلیمی که دارم عرض می کنم که نظر به آنچه بوقوع پیوسته ماده دهم پروتکل (که راجع به مسئله بعضی پناهندگان است که در موقع تسطیر پروتکل در سفارت روس بودند برحسب ماده نهم پروتکل) اجراء خواهد گردید.

امضاء مهدی

نمره - ۲۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع مشهد - در تمقیب تلگراف ۲۹ شهر جاری خود قنصل جنرال اعلیحضرتی
مقیم مشهد در ۳۰ ژوئیت بقرار ذیل تلگراف می‌کنند:
شهر دوباره آرام است. قشون شاهروود که عده آنها به چهار صد نفر می‌رسد به
محمدعلی میرزا ملحق شده‌اند.

نمره - ۲۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت)

طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ امرداد ۱۲۹۰، ۶ شعبان ۱۳۲۹]

حاوی مفاد مراسله ذیل مورخه ۳ اوت می‌باشد:

آقا

افتخاراً سواد مراسله‌ای که در تاریخ سی و یکم ماه گذشته برحسب تعلیمات مندرجه
در تلگراف ۲۸ ماه گذشته شما به دولت ایران نوشته‌ام لفا ایفاد می‌دارم. همکار روسی
من هم در همان روز مکتوبی بهمان مضمون پس از بعضی جرح و تعدیل برای آن
دولت فرستاد.

چنانچه ملاحظه خواهید فرمود من در این مکتوب ذکری از تعهدات شاه مخلوع به
دولت ایران ننمودم علت اینکه از ذکر این مسئله صرف نظر کردم این بود که در
تعلیماتی که برای همکار روسی من رسیده بود ذکری از آن نرفته بود.

ملفوف نمره ۲۴۶

مکتوب سر جارج بارکلی به محتشم السلطنه

طهران ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ امرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

برحسب تعلیماتی که از طرف دولت اعلیحضرتی برای من رسیده افتخار دارم مطلب
ذیل را خدمت جنابعالی عرض کنم:

چون شاه برخلاف نصایح مکرره دولتین انگلیس و روس که از هرگونه آنتریک
[= آنتریگت] در ایران احتراز نماید عمل کرده و به ایران مراجعت کرده است دولت
انگلیس قبول دارند که شاه مخلوع حق خود را به حقوقی که برحسب پروتکل برای
او تعیین شده از دست داده است. از طرف دیگر دولت انگلیس تصور می‌کنند که چون
شاه مخلوع در خاک ایران است نمی‌توانند مداخله نمایند. علیهذا دولت انگلیس اظهار
می‌دارند که در این کشمکش که بدبختانه در ایران بوقوع رسیده بهیچوجه دخالت
نخواهند کرد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۲۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت)
 طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
 اوضاع کرمانشاه

در تعقیب تلگراف ۲۹ ژوئیت خود قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه در ۳۱ ژوئیت
 بقرار ذیل تلگراف می‌کند.

افتخار دارم راپورت بدهم که سالارالدوله به اتفاق قریب دو هزار نفر که قریب
 چهار هزار نفر هم از اهل اینجا با آنها ملحق شده‌اند دیشب وارد کرمانشاه شد و
 امروز تمام طبقات مردم را پذیرایی می‌نماید.

نمره - ۲۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله غره اوت)
 طهران غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
 اوضاع شیراز

از قرار اطلاعاتی که از شیراز رسیده معلوم می‌شود که جنگ غیرمنظم و غارت
 طوایف قشقایی در شهر و دور و حوالی دوام دارد.

تلگراف ذیل مورخه ۳۱ ژوئیت امروز از قنصل اعلیحضرتی رسیده است:
 دیروز کارگذار [= کارگزار] مرا اطلاع داد که نظام‌السلطنه را متنبه نموده‌است
 که هرگاه بخواهد آن قسمت شهر را که یاغی شده‌اند غارت نماید بهانه برای مداخله
 دولت اعلیحضرتی خواهد بود.

فرمانفرما در جواب گفته است که این مسئله مربوط به او نیست.

نمره - ۲۴۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
 وزارت خارجه غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

شما باید به دولت ایران اطلاع دهید که از ماژور استوکس درخواست شده است
 که قبل از آنکه مشاغل خود را در تحت خزانه‌داری کل بعهده گیرد باید از شغل خود
 استعفاء نماید. تعیین او بدون رجوع به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و لازم بود که
 ابتداء در این باب با آنها مشورت شود و باید به دولت ایران اشعار شود که استخدام
 ماژور استوکس در نظام در اقدامات نظامی عملی در شمال ایران ممکن است متضمن
 ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراضاتی را که بر آن می‌شود
 رفع نمایند.

نمره - ۲۵۰

مکتوب سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

سفیر ایران مکتوبی به سر آرتر نیکلسن در روز ۲۵ ماه گذشته داد (مواد آن در جوف است) و مجدداً اصرار نمود که دولت اعلیحضرتی باید قبول نمایند که لااقل به مناسبت مراجعت شاه مخلوع تقویت معنوی به دولت ایران بنمایند.

به ایشان گفته شد که دولت اعلیحضرتی از تجدید جنگ داخلی ایران اندوهگین می‌باشند ولی سر آرتر نیکلسن نمی‌داند آن دولت چطور می‌توانند مداخله مؤثری بنمایند یا آنکه حق این کار را داشته باشند. سر آرتر نیکلسن بعلاوه اظهار داشت که دولت اعلیحضرتی در باب موقع با دولت روس در مذاکره می‌باشند.

سپیدی‌خان اصرار داشت بر اینکه چون شاه مخلوع در خاک روس پناهنده شده و از آنجا فرار نموده بود و از آنجایی که بریطانیای عظمی و روس هر دو پروتکل ۱۹۰۹ را امضاء نموده‌اند هر دو معناً وظیفه‌شان این است که او را از تحریک به اغتشاش بازدارند.

دولتین به عقیده من وقتی که شاه مخلوع در خاک روسیه بود ممکن بود اینکار را کرده باشند ولی الحال که او در ایران است و به سرکردگی همراهان خود مستقر می‌باشد بازداشتن او چندان فایده نخواهد داشت.

امضاء

گری

نمره - ۲۵۱

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

سفیر ایران سلام به وزیر امور خارجه رسانیده افتخار دارد که خاطر آن جناب را به اظهاراتی که اخیراً چه شفاهی و چه کتبی در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران به وزارت خارجه کرده است متذکر سازد.

سفیر ایران مجدداً از دولت متبوعه خود تعلیم یافته است که به سر ادوارد گری اظهار نماید که دولت مشارالیه کاملاً به دولت بریطانیای عظمی اعتماد دارند که مراقب اجرای تمام شرایط ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ باشند و از جمله مسائل دیگر در آن پروتکل مذکور است که سفرای دولت بریطانیای عظمی و روسیه خود را مقید می‌دانند اوامر مؤکده به محمدعلی میرزا بدهند که برای همیشه از اعمال هرگونه تحریک بر ضد ایران احتراز نماید. دولت روس بطور وضوح وعده دادند که اقدامات لازمه نموده نگذارند محمدعلی میرزا متشبث به این‌گونه تحریکات سیاسی شود.

سفیر ایران در مراسلات سابقه خود مفصلاً در باب مآوقع و طریقه سلوک دولت متبوعه خود اشاره نموده است. سر ادوارد گری فهمیده است که شاه مخلوع از روسیه

مبور کرده و در يك كشتی روسی وارد ایران شده است.

با وجود آنکه دولت ایران مکرراً هم از پابت درکار بودن شاه مخلوع و ورود فرستادگان وی به خاک ایران به دولت امپراطوری روسیه اطلاع داده‌اند دولت بریطانیای عظمی هم توسط سر جارج بارکلی و سفیر ایران مقیم لندن از این مراتب مستحضر گردید دولت روس به عنوانات و اظهارات دولت ایران اعتنایی ننموده برخلاف آن اقدامات مأمورین محلی روس باعث تشویق حرکات شاه مخلوع شده است.

در عوض آنکه بنا بر استدعای دولت ایران طرفداران و فرستادگان شاه مخلوع را هنگامی که در خاک روسیه توقف داشت توقیف نمایند پس از ورود به ایران آنها را جبراً مستخلص می‌نمایند و مأمورین محلی ایرانی آنها را دستگیر می‌کنند. سفیر ایران ترجمه تلگرافاتی که از دولت متبوعه وی به او رسیده است برای سر ادوارد گری فرستاده است.

از تلگرافاتی که سفیر ایران اولاً در مسئله رشیدالملک در تبریز و دومی وضع ملوک جنرال قنسل روس مقیم گیلان و سومی در خصوص رفتار عساکر روس در تبریز به آنها اشاره نموده اولی در باب رشیدالملک در تبریز و چهارمی در موضوع پیغامی که ویس قنسل روس مقیم اردبیل برای نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه آنجا فرستاده ثابت می‌شود که تا چه اندازه که اسباب تحیر است بر مداخله روس در ایران افزوده شده است. این مسئله لازم به مذاکره نیست که این اقدامات باعث تشویق یاغیان و تضعیف دولت ایران خواهد بود.

با اطلاع از همه این ترتیبات آیا برای دولت ایران امکان دارد که اهالی را از این عقیده که انقلابات سیاسی که حالیه در ایران در کار است بدون همدردی دولت روسیه است بازداشت در صورتی که مأمورین محلی روس اینطور آشکارا چنین اعمال را تشویق می‌نمایند؟

دولت ایران صمیمانه از دولت بریطانیای عظمی استدعا می‌نمایند که اولاً مراقب باشند ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ جزئاً و کلاً اجراء شود ثانیاً آنکه به دولت روس اصرار شود که از مداخلات بسیار مهم مأمورین خود در ایران جلوگیری نمایند.

سفارت ایران لندن ۳۱ ژوئیت ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف نمره ۲۵۱

ترجمه تلگرافاتی که از وزیر امور خارجه ایران رمیده است

(۱)

۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]

ایالت آذربایجان رشیدالملک حاکم سابق اردبیل را که مقصر خیانت به دولت بود توقیف نموده است. سفیر روس شفاهاً اظهار داشت که چون رشیدالملک دارای نشان دولت روس است بایستی محترماً در حبس نگاهداشته شود و از وی تحقیق و تفتیشی نشود. ما جواب دادیم که رشیدالملک محترماً در حبس خواهد بود تا آنکه بطور دقت

از او محاکمه شود. این کار به انجام رسید ولی امروز تلگرافی از تبریز رسید مشعر بر اینکه جنرال قنصل روس مقیم آن شهر از نایب‌الایاله ملاقات کرده و از او درخواست استخلاص رشیدالملک را نموده است. نایب‌الایاله جواب داده است که چون رشیدالملک به حکم دولت توقیف شده او نمی‌تواند وی را بدون اجازه دولت مشارالیه مستخلص نماید. جنرال قنصل از منزل نایب‌الایاله خارج شده و کمی بعد از آن قریب سیصد نفر سرباز و قزاق روس داخل عمارت ایالتی شده با تفنگهای خود نایب‌الایاله را تهدید کرده و رشیدالملک را بردند.

اسباب تمجب است که دولت روس در این موقع بساریک مهم از يك طرف اظهار بیطرفی نموده و اظهار بی‌میلی به مداخله و تصرفات در داخله مملکت می‌نمایند از طرف دیگر بدون عنوانی بما به میل خود در ایران رفتار می‌نمایند و اقداماتی می‌کنند که مخالف استقلال ایران و قوانین بین‌المللی می‌باشند. لطف نموده دولت بریطانیای عظمی را از این مراتب مستحضر دارید.

(۲)

۲۹ ژوئیت ۱۹۱۱ [۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قرار راپورتهای تلگرافی که از تبریز رسیده سربازان و قزاقان روس مزاحم هابرین کوچه‌ها شده و ظاهراً قصدشان این است که با اهالی طرف نزاع و جدال شوند.

(۳)

۳۰ ژوئیت ۱۹۱۱ [۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۴ شعبان ۱۳۲۹]

از طرف کمیته ایالتی گیلان تلگراف مفصلی رسیده خلاصه آن ذیلا مذکور می‌گردد: ایالت گیلان بکلی امن و آرام است. با وجود این قنصل روس اتصالاً مداخله نموده و تولید فساد می‌نماید و به ایالت گیلان رسماً اطلاع داده است که هر شخصی را که تصور می‌کند تبعه روس است در هر جا که باشد و با هر لباسی که باشد هرگاه نسبت به او سوءظن داشته باشد دستگیر و محبوس خواهد نمود.

قنصل دو مقصود دارد اول آنکه اتباع ایرانی را بدون آنکه دولت ایران مداخله نماید به بهانه اینکه تبعه روس می‌باشند دستگیر و محبوس نماید. ثانیاً آنکه این را وسیله دخول در خانه‌های مردم و تولید نارضایتی عامه و اغتشاش قرار دهد. او بعلاوه یکی یا دو نفر از طرفداران شاه مخلوع را (که تا مدتی در تحت حفاظت او بوده‌اند) تحریک نموده است که اسباب فساد فراهم آورند.

تمام اهالی گیلان نسبت به محمدعلی میرزا اظهار مخالفت می‌نمایند.

کمال غرابت را دارد که دولت روس در ظاهر به تمام دنیا و کلیه پارلمانها اعلان می‌کند که پلتیک آن منبى بر مداخله و تصرفات در ایران نیست و از طرف دیگر با فعالیت تمام مداخله می‌کند و عمال دولت مشارالیه در تمام نقاط مملکت تولید فساد می‌نمایند.

(۴)

۳۱ ژوئیه ۱۹۱۱ [۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۵ شعبان ۱۳۲۹]

بر حسب راپورت تلگرافی که از اردبیل رسیده ویس قنصل روس مقیم آن شهر تاجر باشی روس را نزد نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه فرستاده پیغام داده است که محمدعلی میرزا با قشونی مرکب از ۱۲۰۰۰ نفر به مسافت یک منزل طهران رسیده است و قریب بیست میلیون پول نقد دارد و اعلان عفو عمومی نموده و استقرار انتظامات طهران را به سپهدار اعظم واگذار نموده و او هم قبول کرده است. این پیغام نیز مشعر است بر اینکه چون برای خود ویس قنصل تعلیمات رسیده که مواظب نظم شهر باشد او بنا بر این می‌خواهد به نایب‌الحکومه و رئیس نظمیه اصرار نماید که بعضی اقدامات ننمایند مبادا نتایج آن مضر به حال خود آنها باشد.

نظر به اظهار بی‌طرفی که دولت روس می‌نمایند هیچکس نمی‌داند این اقدامات را به چه بایستی تعبیر نمود. لطف نموده این مطالب را فوراً به استحضار سر ادوارد گری رسانیده و خواهش جدی نمایید که دولت بریطانیای عظمی به دولت روس اصرار نمایند که از عمال خود جلوگیری نمایند که به این طریق رفتار ننمایند.

نمره - ۲۵۲

ترجمه مکتوب مسیو سر استوپولو ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]

اظهاراتی را که دولت ایران در موضوع آنتریکهای که [انتریک‌هایی که] به تقویت محمدعلی میرزا می‌شود نموده با دقت در تحت ملاحظه آورده‌ایم و شاه را باکمال سختی به لزوم احتراز از هرگونه اقدامی مخالف حکومت حالیه ایران متنبه نموده‌ایم. این اظهارات را نه فقط در موقع توقف شاه در روسیه نموده‌ایم بلکه در وقتی که او خارج از روسیه بود، اگرچه بنا بر پروتکل ۱۹۰۹ دولت امپراطوری مجبور نبود که در صورتی که او از خاک روسیه خارج باشد اینطور اظهار بوی بنماید.

دولت ایران تاکنون دلایلی برای اثبات مدعای خود ارائه ننموده و محمدعلی شاه همواره به عدم ارتباط خود با هرگونه تحریکی اصرار داشته است بنا بر این ظاهراً این مسئله معلوم بود که اشخاص دیگری که منافع او را در نظر داشتند بدون اطلاع وی این تحریکات را بعمل می‌آوردند.

در هر صورت لزوماً وظیفه دولت ایران و نه دولت دیگری است که بر علیه [= علیه] هرگونه تحریکی مخالفت و مقاومت نماید. دولت ایران اقدامات خود را منحصر به شکایت بدولت امپراطوری نمودند بدون آنکه خود در حدود داخله مملکت اقدامی بنمایند.

این کار را لااقل در مورد تحریکات در میان طوایف ترکمن نمودند و هرگاه این تحریکات کار را بجایی رسانیده که قصد شاه مخلوع را به تصرف تاج و تخت

امکان‌پذیر نموده است. تقصیر خود دولت ایران است. دولت امپراطوری بنا بر اظهارات دولت ایران در باب حضور عمال محمدعلی‌میرزا در بادکوبه مخصوصاً اقدامات فوری نمودند. اظهارات دولت ایران در خصوص اینکه عمال مذکوره را مأمورین محلی دستگیر نموده‌اند از طرف مأمورین محلی تصدیق نشده و از تفتیشات نظمیه محرکین مزبوره کشف نگردیده‌اند.

اما از بابت مسافرت شاه از روسیه که در این اواخر مدتی زیاد در خارجه توقف داشت و دولت امپراطوری نمی‌توانست مراقب حرکات وی باشد، این مسئله مشهود است که از قوه دولت امپراطوری خارج بود طوری مواظب او باشد که این مسافرت بدون مقدمه و با لباس مبدل را بنماید. به همین طور باید اظهار شود که دولت ایران هم اقدامی ننمودند که از ورود شاه به خاک ایران جلوگیری شود اگرچه در واقع ظهور وی در خاک ترکمنها ظاهراً اسباب بیم و وحشت بود.

دولت امپراطوری نمی‌توانند این مسئله را از مد نظر دور بدارند که در عرض و سالی که از زمان حرکت محمد علی گذشته دولت ایران هیچ اقدامی برای استقرار نظم و امنیت مملکت ننموده‌اند. بحرانهای اتصالی کابینه وزراء و کشمکش تأسف‌انگیز پارتیها و امورات و مشاغل بی‌نتیجه مجلس که در عرض این دو ساله در کار بوده باعث تقویت و تهیه علل انتریگهای شاه مخلوع و مراجعت وی گردیده است.

با این اوضاع امکان ندارد دولت امپراطوری دولت ایران را از مسئولیت خساراتی که ممکن است به علت ظهور محمدعلی‌شاه به اتباع روس وارد آید معاف بدانند و آن دولت را همواره مسئول هرگونه خسارات که بواسطه اغتشاشات داخلی ایران به منافع عمومی یا خصوصی روس وارد آید مسئول خواهند دانست.

نمره - ۲۵۲

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۳ اوت)
حای مضمون مراسله ذیل است که مورخه سیم اوت می‌باشد:
آقا

افتخار دارم راپورت دهم که روزنامه نوورمیا امروز مقاله‌ای در باب ماژوراستوکس که پیشنهاد شده است برای فرماندهی ژاندارمری جدید خزانه ایران انتخاب شود طبع و منتشر نموده است. عنوان این مقاله این است: «یک درهم پیچیدگی غیرمطلوب». در ابتدای این مقاله شرحی در باب پیشنهاد مستر شومتر مذکور گردیده و سپس موقع رئیس ژاندارمری را با موقع صاحب‌منصبان روسی که در استخدام دولت ایران می‌باشند تطبیق نموده است. روزنامه مذکور تصور می‌کند انتخاب ماژور استوکس برای سرکردگی قشونی که بایستی به جنگ شاه مخلوع اعزام شود برای ادامه مناسبات حسنه مابین انگلیس و روس بدون تطبیق خطرناک‌تر از شرکت صاحب‌منصبان روسی در وقایع دو سال قبل طهران می‌باشد. در آن موقع کسی صاحب‌منصبان روسی را

مخصوصاً دعوت ننموده بود که بر ضد مخالفین پلتیکی به جنگ بروند. همین که اغتشاش به وقوع رسید وظیفه‌شناسی و ملاحظه شرف آنها را مجبور نمود که در مقامات خود جا گرفته و بدون ملاحظات پلتیک یکی از دو طرف متنازع از آنها خارج نشوند. ولی ماژور استوکس مخصوصاً استخدام می‌شود که به سرکردگی افواج یک فرقه بر ضد فرقه دیگر قیام نماید.

این اقدامی که او می‌خواهد بکند کاری نیست که یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی بایستی بکند زیرا که او در این مورد بطور...۱.

بعلاوه صاحب‌منصبان روسی فقط می‌توانستند در منطقه‌ای که برحسب معاهده روس و انگلیس در تحت نفوذ روس قرار داده شده اقدامات بنمایند و حال آنکه ماژور استوکس خارج از منطقه‌ای که برحسب معاهده در تحت نفوذ انگلیس قرار داده شده اقدامات می‌نماید.

تا مدتی که معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس مجری می‌باشد دولت روس خود را مجاز نمی‌داند که در واقعیاتی که در منطقه انگلیس به وقوع می‌رسند خود را دخیل سازد. بهمین‌طور دخالت صاحب‌منصبان انگلیسی در اقدامات نظامی در شمال ایران قانونی نبوده و تحمل‌کردنی نیست.

دولت روس نمی‌خواهد دولت ایران را از استخدام یکنفر آوانتوریر مانع شود ولی به شرکت و دخیل بودن یک دولت دوستی در این تعیین اعتراض می‌نماید اگرچه این دخالت بطور غیرمستقیم باشد.

روزنامه نوورمیا باز می‌نویسد: ماژور استوکس آدم غیرمهمی نیست و آتاشه‌میلیتر انگلیس در طهران است و او نمی‌تواند بدون رضایت وزارت جنگ انگلیس از شغل خود استعفاء نماید. به این طریق دخول ماژور استوکس در استخدام دولت ایران بلاشک بکلی بسته به میل دولت انگلیس است. هرگاه دولت انگلیس تصویب نمی‌کند آتاشه‌میلیتری که در استخدام او است داخل یک کار مهمی شود که تهدید مظلوم نمودن مناسبات حسنه موجوده مابین انگلستان و روس نماید ماژور استوکس پس بایستی استعفای خود را مسترد دارد. هرگاه از طرف دیگر استعفای او قبول شده است دولت انگلیس بایستی نشان دهند که از قبول استعفای او تعهد آن دولت به عدم مداخله سیاسی در منطقه نفوذ روس حسب‌الشرط تعبیر می‌گردد.

در این مقاله اشعار شده است که دولت روس فقط برضد مقام رسمی ماژور استوکس و موافقت دولت انگلیس با تعیین جدید او اعتراض می‌کند و گرنه در مقام عدم رسمیت برای آن دولت ابدأ فرق نمی‌کند که او باین همده تعیین شود یا دیگری.

روزنامه نوورمیا در انتهای مقاله خود اهمیت بسیار به اتحاد انگلیس و روس داده و اجرای شرایط آن را با احتیاط تمام لازم می‌داند. جمله آخری این مقاله این است: «حادثه ماژور استوکس تا آن اندازه که مربوط به معاهده ۱۹۰۷ می‌باشد ممکن است

باعث تحدید حدودی در مناسبات مابین انگلیس و روس گردد که بالتساوی مضر بحال طرفین باشد.»

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۵۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۳ اوت ۱۹۱۱ [۱۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۸ شعبان ۱۳۲۹]
ژاندارمری خزانه

لطف نموده رجوع به تلگراف ۳ اوت خودتان کنید.
هرگاه ماژور استوکس از شغل خود استعفاء کند برای ما مشکل بل غیرممکن است
او را از استخدام در تحت دولت ایران مانع شویم ولی من موافقت دارم که دولت روس
حق آنها دارند که هرگاه او در منطقه شمال ایران داخل کاری شود اعتراض نمایند.
هرگاه دولت روس بخواهند در باب تعیین او به نقطه‌ای از شمال ایران به دولت ایران
اعتراض نمایند به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران دستورالعمل داده خواهد شد که
به دولت ایران اطلاع دهند که دولت انگلیس هم از آنجایی که این اعتراض مناسبی
است و انتظار آن می‌رفت نمی‌توانند آنها رد نمایند.

نمره - ۲۵۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیه شما در باب سرقت‌های راه شیراز الی اصفهان:
من تصور می‌کنم شما دولت ایران را مسئول قرار داده‌اید.

نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
شیراز - فرمانفرما را از طهران خواسته‌اند و رئیس قشون شیراز به نیابت حکومت
تعیین شده است.
کفیل قنصلگری شنیده است که فرمانفرما از قبول این اوامر سر باز زده است.

نمره - ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
 طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
 از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در اشرف که در راه ماری پایتخت
 مازندران است می‌باشد. نمی‌دانم استعداد او چقدر است ولی از قراری که جنرال
 قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد شنیده است او عده کثیری از اراذل و اوپاش را دور
 خود جمع نموده است.

نمره - ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
 طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۴ اوت شما:
 من فوراً به دولت ایران اطلاع داده استدعای فرستادن تعلیمات فوری برای استرداد
 اجناس کمپانی ذیگلر نمودم و شرط کردم که در صورتی که مسترد نشود وجه قیمت
 آنها را بدهند.

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
 طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۴ ژوئیه من:
 شیراز - صولت‌الدوله اوامر مؤکده به ایل خود داده است که از غارت احتراز
 نمایند.

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ اوت)
 طهران ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۵ اوت من: شاه مخلوع به ماری وارد شد.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
 وزارت خارجه ۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۳ ژوئیه شما: من با اینکه جوابی برای نوت مذکور لازم نیست
 داده شود موافقت دارم.

نمره - ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت)

طهران ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم ملاحظات ذیل را در باب تعیین ماژور استوکس و احتمال مداخله روس در ایران بنمایم:

اگر محمدعلی میرزا به طهران بیاید یحتمل عده‌ای از ترکمنها یا سایر طوایف یاغی همراه او خواهند بود و خطر آنها بیشتر از خطر بختیاریه‌ها در موقع رولوسیون خواهد بود. هرگاه دولت روس در این اوضاع لزوم اعزام عساکر خود را به پایتخت اصرار نمایند من عرض می‌کنم که خواه ژاندارمری آنوقت وجود داشته یا نداشته باشد برای ما مشکل خواهد بود که مدلل داریم جان و مال اروپاییان بدون آنها مأمون خواهد بود.

نمره - ۲۶۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

واضح است که هرگاه ماژور استوکس برای کنترل ژاندارمری شمال ایران تعیین شود مسئله مهم پلتیکی تولید خواهد شد. بایستی دولت ایران را متنبه نمود که باید مسئله تعیین وی را موقوف بدارند مگر آنکه قصد کنند او را در شمال ایران به کار وادارند و دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که منافع خویش را در شمال حفظ نماید در صورتی که دولت ایران با این شرایط در تعیین وی اصرار نمایند.

نمره - ۲۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارت خارجه ۷ اوت ۱۹۱۱ [۱۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۲ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس را اطلاع دهید از انتباهی که شما تعلیم دارید بموجب تلگراف امروز من به دولت ایران بدهید هرگاه دولت روس مداخله نماید دولت ایران بهیچوجه نمی‌توانند برای تعیین استوکس اصرار نمایند مگر آنکه تعیین وی برای نقاط شمالی محصور گردد.

ما نمی‌توانیم از مداخله آن دولت برای جلوگیری این کار ممانعت نماییم. همان‌طوری‌که در صورتی که کنترل طرق جنوبی به روسها واگذار شود ما حق ایراد داریم اگر کنترل ژاندارمری شمال ایران به او واگذار شود آنها همان حق را خواهند داشت.

نمره - ۲۶۵

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)
سنت پترزبورگ ۴ اوت ۱۹۱۱ [۱۲ اسرداد ۱۲۹۰؛ ۹ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

راجع به تلگراف دیروز من: افتخار دارم راپورت دهم که روزنامه نوورمیا مقاله دیگری در موضوع ماژور استوکس در روزنامه امروز صبح خود بطبع رسانیده است. در ابتدای مقاله نویسنده خوانندگان را متذکر می‌گرداند که در ماه مه گذشته شاهزاده ایرانی شاهرخ داراب‌میرزا که در استخدام دولت روس بود و فرماندهی یک ستیبه در یکی از رژیم‌های قزاق را داشت تصمیم نمود که در امور پلتیکی ایران داخل گردد و اجازه مرخصی گرفته ستیبه خود را در قزوین‌گذارد استعفاءنامه خود را فرستاد و علم طغیان بر ضد دولت مرکزی برافراشت ولی دولت روس بنا بر تعقیب پلتیک عدم مداخله در امور ایران از قبول استعفای او امتناع ورزیده و حتی قشون به عقب او فرستاد که وی را مجبور به مراجعت نمایند و استعفای او تا زمانی که به همراهی مستحفظین شخصی در خاک روسیه وارد شد (که حالا هم آنجا است) قبول نگردید. دولت روس به این طریق با شاهزاده ایرانی که در استخدام وی بود و می‌خواست در امور پلتیکی ایران دخالت نماید رفتار نمود ولی ماژور استوکس آتاشه میلپتر سابق مقیم طهران یکنفر صاحب‌منصب انگلیسی است و شاهزاده ایرانی نیست و بنابراین عمل نمودن با او خیلی سهل‌تر و ساده‌تر است. اگر دولت انگلیس نصف آن قدری که دولت روس معاهده ۱۹۰۷ را مراعات می‌نماید به آن اهمیت بدهند آن وقت می‌توان انتهای بازیهای ماژور را بطور صحت پیش‌بینی نمود و او را نمی‌گذارند از کار کناره‌گیرد و به او اطلاع می‌دادند که نباید در امری که مربوط به خود او نیست مداخله نماید. هرگاه با وجود این ترتیبات از کارکناره می‌گرفت قشون هندی که در سفارت انگلیس طهران می‌باشند بایستی همانطوری که قزاقان ایرانی با شاهزاده مذکور عمل نمودند با او هم رفتار کنند و او را دستگیر نمایند ولی البته کار به اینجا نمی‌کشید فقط يك کلمه از طرف سفیر انگلیس کافی بود که صاحب‌منصب مذکور را از دخول در استخدام دولت ایران به مقامی که با روح و مفهوم معاهده انگلیس و روس مباینت دارد منع نماید.

روزنامه نوورمیا اظهار امیدواری می‌نماید که دولت اعلیحضرتی هر قدر بتوانند از این اقدام جسورانه مضحك جلوگیری نمایند.

در انتهای مقاله اینطور مرقوم است: هرگاه محمدعلی ماژور استوکس را دستگیر و شقه نماید دولت انگلیس چه خواهند کرد؟ یحتمل آن دولت آنوقت بیاد خواهند آورد که او یکی از اتباع دولت انگلیس است ولی آیا بهتر نیست که این مسئله را حالا بخاطر بیاورند؟

امضاء جارج بیوکانون

(۱) معنی دقیق این واژه دریافته نشد ولی در زبان روسی واژه‌ئی همانند دارد که از آن معنی واحد یا ستون نظامی دریافته می‌شود. - م.

نمره - ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹]

از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع فعلا يك هزار نفر و سه عراده توپ در
مساری همراه خود دارد قشون دیگری در تحت سردار ارشد از راه شاهرود بطرف طهران
در حرکت است قنصل روس مقیم استرآباد راپورت می‌دهد که دسته قشون دوم پس از
جنگ سختی با يك دسته از قشون دولتی وارد دامغان گردیده است.

نمره - ۲۶۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس - شما باید کفیل وزارت امور خارجه را از آنچه من دیروز در
مجلس مبعوثان اظهار داشتم مستحضر دارید و علاوه نمایید که تا زمانی که جوابیه
دولت ایران نرسیده تعیین وی به عهده تمویق خواهد بود و یحتمل نظر به اظهارات
آخری ما بکلی تعیین وی موقوف شود. شما ممکن است اظهار نمایید که اگر موقوف
نشد ما در صورتی که دولت روس تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران باید در
تحت صاحب‌منصب روسی یا تبعه یکی از دول صغار که خود آن دولت معرفی نماید قرار
داده شود با تقاضای آنها تقویت خواهیم نمود. اگرچه تعیین يك نفر صاحب‌منصب که
تبعه یکی از دول صغار باشد برای فرماندهی تمام ژاندارمری به عقیده من بهترین
راهی برای حل مسئله خواهد بود.

نمره - ۲۶۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف غره اوت شما - بنا بر تعلیمی که در دوم اوت داده بودید اظهارات
لازمه را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه نمودم. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له]
وعده جواب کتبی داد و جوابیه مزبور حالا به من رسیده است.
جوابیه مشعر است بر اینکه دولت ایران قصد ندارند ماژور استوکس را در اقدامات
نظامی بکار وادارند.

اما در باب شمال ایران که من مذکور داشتم در جواب می‌گویند که وصول مالیات
همان اندازه که در جنوب ایران لازم است در شمال هم لازم می‌باشد و در نظر دولت
ایران مابین این دو قسمت مملکت فرقی نیست.

نمره - ۲۶۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه - در جواب تلگراف ۷ اوت شما افتخار دارم راپورت دهم که بر طبق تعلیمات شما مطالب را بطور یادداشت به وزیر امور خارجه رسانیدم و وعده جواب کتبی دادند.

در ضمن صحبت من به وزیر امور خارجه ارائه طریق نمودم که هرگاه خدمات ماژور استوکس محصور به جنوب ایران شود حل مشکل تواند شد. جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت که دولت ایران نمی‌توانند این ارائه طریق را بپذیرند.

واضح است که دلیل مطالب ایشان این است که محصور نمودن مشاغل او مثل شناختن مناطق نفوذی است که در معاهده انگلیس و روس مذکور است.

نمره - ۲۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز - در تعقیب تلگراف ۵ اوت، من افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران حالا تصمیم نموده‌اند که نظام السلطنه را از شیراز باز نخواهند و بنابراین او به مقام فرمانفرمایی شیراز باقی خواهد بود.

نمره - ۲۷۱

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان

وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی به سفیر ایران سلام رسانیده و افتخار دارد وصول مکتوب ۳۱ ماه گذشته او را در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران اطلاع دهد.

در باب اشاره‌ای که در این مراسله به اجرای ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ شده است سر ادوارد گری افتخار دارد اشعار نماید که شرایط آن کاملاً منظور گردیده تا آنقدری که مکرراً به محمدعلی‌میرزا امر داده شده است که از هرگونه آنتریک [= آنتریک] بر ضد دولت حالیه ایران احتراز نماید. الحال که شاه مخلوع در حقیقت وارد خاک ایران شده مسئله اعمال و اقدامات او جزو مسائل پلتیکی داخلی ایران شده که دولت اعلیحضرتی هیچ دلیلی برای مداخله در دست ندارند و حتی اگر ممکن بود که به واسطه انتباه جدیدی او را از این کار بازدارند در محلی که الحال ورود نموده است این کار مثل مداخله در امور داخلی ایران است.

در باب اقداماتی که نسبت به مأمورین محلی روس داده شده است دولت اعلیحضرتی

تصور می‌نمایند که این مطالب خارج از وظایف آنها است و نمی‌توانند در آن باب اقداماتی بنمایند. دولت اعلیحضرتی را اطلاع داده‌اند که به وکلاء و عمال خود مقیم ایران دستورالعمل داده‌اند در این کشمکش مابین دو طرف متخاصم بیطرفی صرف اختیار نمایند.

وزارت خارجه ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]

نمره - ۲۷۲

مکتوب کمپانی لاید به وزارت خارجه (واصله ۱۱ اوت)
اداره صرافی دولتی ۱۰ اوت ۱۹۱۱ [۱۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۵ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

بنا بر تعلیمی که دارم استدعا می‌کنم که اظهارات ذیل کمیته لاید را در باب سرقت‌های متوالی اجناس که در طرق جنوبی ایران به وقوع رسیده به عرض وزیر امور خارجه برسانید.

کمیته من دریافته‌اند که چندی قبل دولت انگلیس متعهد گردید که مستحفظین برای حفظ اجناس که در راه‌های مزبوره حمل می‌شود برقرار دارد و تجار منچستر قبول نمودند که مخارج این مستحفظین را به واسطه تأدیه اضافه مالیات در بنادر خلیج فارس پردازند. از قراری که حالا مذکور می‌گردد این قرارداد به انجام نرسیده و علیهذا غالباً سرقت اجناس به وقوع رسیده و تجار بنا بر این شرط عقل ندانسته‌اند اجناس خود را بداخله مملکت حمل نمایند و نتیجه این شده است که مقداری زیاد مال التجارة ورودی در بنادر مختلفه خلیج فارس جمع شده است.

از قراری که کمیته من مطلع گردیده‌اند در اوایل هفته گذشته اخبار تلگرافی دیگر از بابت سرقت‌های جدید در طرق جنوبی واصل گردید و سارقین نود و نه لنگه اجناس تجارتی را به سرقت برده‌اند.

وقوع این سرقتها نه فقط تجارت انگلیس را فلج نموده بلکه متضمن خسارات عظیمه به تجار انگلیسی و کمپانی‌های بیمه انگلیسی است و کمیته لاید از سر ادوارد گری استدعا می‌نمایند ملاحظه نمایند آیا وقت آن نرسیده که اقدامات دیگری در اینباب بشود؟

امضاء ادوارد پوتک

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ اوت)
سنت پترزبورگ ۱۱ اوت ۱۹۱۱ [۱۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۹]
حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت می‌باشد:

در باب تلگراف ۹ شهر جاری شما افتخار دارم راپورت دهم که در ضمن صحبتی که

روز دهم شهر جاری با کفیل وزارت امور خارجه داشتم من جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را از اظهاراتی که شما دو روز قبل از آن در مجلس مبعوثان نموده بودید مستحضر داشتم توضیح نمودم که تا زمانی که جواب اظهارات سر جارج بارکلی به دولت ایران از طرف دولت مشارالیه‌ها نرسیده مسئله تعیین مازور استوکس به عهده تعویق خواهد بود. من علاوه نمودم که هرگاه دولت ایران برخلاف انتظار شما تن در ندهند دولت اعلیحضرتی تقویت خواهند نمود دولت روس را اگر تقاضا نماید که ژاندارمری شمال ایران در تحت امر یکنفر صاحب‌منصب روسی یا تبعه یکی از دول صغار که دولت روس معرفی نماید قرار داده شود. چون مسیو نراتف اظهار داشت من نگفتم دولت اعلیحضرتی چه خواهند کرد هرگاه تعیین مازور استوکس به جنوب ایران محصور نشود. من اشعار نمودم که اگر دولت روس کنترل ژاندارمری شمال ایران را برای خود تحصیل نمایند طبعاً از مازور استوکس جلوگیری خواهد شد که در منطقه روس تخطی ننماید.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت)
طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۸ شهر جاری من - اخبار ذیل به سفیر روس رسیده است:

سردار ارشد و رشیدالسلطان با هم متحد شده‌اند و سردار ارشد فعلاً به سمنان که در صد و بیست میلی طرف مشرق طهران واقع است رسیده است. یک دسته از عساکر دولتی قریب ۱۴۰۰ نفر که به طرف فیروزکوه در حرکت است احتمال دارد با قشون طرف مصادف شود.

محمدعلی به بارفروش رسیده است و قصد دارد که در ۱۲ اوت به طرف طهران حرکت نماید. او قشون زیادی با خود دارد و از قرار معلوم تقدینه وافر هم همراه دارد.

سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نموده است. پس از آنکه مبلغ زیادی جبراً از مردم گرفته با عده کثیر از همراهان خود به طرف کرمانشاه رهسپار گردیده است.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ اوت)
طهران ۱۲ اوت ۱۹۱۱ [۲۰ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۷ شعبان ۱۳۲۹]

مراتب ذیل مفاد جوابیه دولت ایران به یادداشتی است که در تلگراف ۹ اوت خود ذکر نموده‌ام:

دولت ایران مقاصد و روش دولت اعلیحضرتی را راجع به تعیین مازور استوکس

نمی‌توانند بفهمند.

حتی اگر فرض شود که دولت انگلیس بخواهند اساس اعتراضات خود را معاهده انگلیس و روس قرار دهند که دولت ایران در مراسله دوم نوامبر ۱۹۰۷ وضعیت خود را نسبت بآن تعیین نموده‌اند يك كلمه که اعتراضات آنها را تصدیق نماید در آن یافت نمی‌شود.

برخلاف شرایط مندرجه در مقدمه آن معاهده که با عبارات صریحه استقلال و تمامیت ایران را مراعات نموده نقطه نظر دولت ایران را تقویت می‌نماید. در مقدمه بعلاوه اظهار شده است که دولتین خواهان نظم ایران هستند و میل دولت ایران این است که اقدامات لازمه برای وصول مالیات بنمایند که بدون آن استقرار نظم در هر مملکتی کمال اشکال را دارد.

دولت ایران اطمینان دارند که دولت اعلیحضرتی واسطه خواهند شد که این مسئله را با ملاحظه شئون و منافع حیاتی دولت ایران حل نمایند.

وزیر امور خارجه همین که این جوابیه را بمن داد ارائه طریق نمود که برای حل مشکل تعیین مازور استوکس ممکن است به سه سال محدود گردد و شرط شود که تعیین بی برای بعدها سابقه نخواهد شد. در انتهای این مدت ژاندارمری خزانه به ایرانیان یا اتباع یکی از دول صغار سپرده خواهد شد و اظهار داشت که هرگاه این شرایط موجب رضای دولت روس نمی‌باشد او تصور می‌کند که اگر دولت روس به اظهارات اخیر وی جواب مساعد بدهند ممکن است اظهار نماید که اگر تعیین استوکس بهانه و دست‌آویزی برای هرگونه تقاضا از طرف دولت روس نشود او را شخصاً برای اقدامات نظامی در شمال ایران نخواهند فرستاد که با مشاغل وی در طهران مبادرت داشته باشد.

نمره - ۲۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)

طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]

در موقع شام دیشب که مخصوصاً برای دعوت مستر شوستر ترتیب داده شده بود من و همکار روسی اول دفعه بود که با مستر شوستر مذاکرات شفاهی بطور آزاد نمودیم. سفیر امریکا هم حضور داشت.

همکار روسی و من لزوم عمل نمودن شوستر را بر وفق روح و مفهوم معاهده انگلیس و روس اصرار نمودیم و به او اطمینان دادیم که با این شرایط از او تقویت کامل خواهیم نمود و سعی نمودیم به او بفهمانیم که تعیین مازور استوکس به فرماندهی ژاندارمری مالیة ملی مخالف روح معاهده می‌باشد و او را متذکر ساختیم از انتباهاتی که در باب استخدام مستشار از اتباع دول معظمه به دولت ایران داده‌ایم.

شوستر ما را اطمینان داد که در تعیین استوکس به این مقام او بهیچوجه تصور

نمی‌کرد که این کار مورد قبول دولتین واقع نخواهد شد و اطمینانات کامل به ما داد که بر وفق معاهده عمل خواهد نمود و با نهایت اصرار برای تعیین استوکس استدعا نمود که مشاغل او به جنوب محصور نشود و اظهار داشت می‌تواند ما را اطمینان دهد که او را در اقدامات نظامی در شمال بکار و نخواهد داشت و مشغول تشکیل ژاندارمری در طهران خواهد بود و اشعار داشت که مدد و همراهی استوکس در این کار تا مدتی برای او بسیار لازم می‌باشد و فعلاً کسی دیگر پیدا نمی‌شود که از عهده انجام این کار بتواند برآید. بعلاوه اظهار داشت که هرگاه ما بخواهیم تقاضای وی را برای استخدام استوکس رد نماییم وضعیت او با مجلس که صریحاً بما اطلاع داد آنرا طوری بکار خواهد برد که مناسبات حسنه بر وفق معاهده فیما بین دولت ایران و دولتین منظور گردد با شدت تمام متزلزل خواهد گردید و وعده داد که تا مادامی که استوکس در تحت امر او باشد او از تمایلات ضدروسی خود کاملاً جلوگیری خواهد نمود و مکرراً و از صمیم قلب به سفیر روس اصرار نمود که سعی نموده بر مخالفت دولت روس فایق آید.

سفیر روس بی‌فایده سعی نمود به شومتر بفهماند که چنین اقدامی نتیجه نخواهد داشت و با کمال ادب و استقامت امتناع نمود از اینکه به دولت متبوعه خود نصیحت نماید وضع سلوک خود را تغییر دهند.

شومتر بر ما معلوم نمود که استخدام استوکس آنقدر برای او لزوم داشت که هرگونه تقاضایی را که دولت روس در عوض بنمایند تقویت خواهد نمود ولی سفیر روس اشعار داشت که کدورتی که از فشار دولت روس برای پیشرفت تقاضاهای خود حاصل خواهد شد اسباب پیشرفت کار محمدعلی خواهد گردید. بنابراین شرط عقل این است که از تعیین استوکس بکلی صرف نظر شود.

صحبت ما چون نتیجه‌ای از آن گرفته نشد و ما را هماره مشکوک داشت از اینکه آیا شومتر در باب تعیین استوکس چه رویه‌ای را اتخاذ خواهد نمود همینقدر اسباب این شد که مناسبات فیما بین ما و شومتر بیک اساس مطلوبی مستحکم گردید و تا اندازه‌ای رفع نگرانی ما را از اقدامات بی‌باکانه او نمود.

نمره - ۲۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت)
 طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹]
 دیروز مراسله‌ای از طرف نایب‌السلطنه در مجلس قرائت و به اتفاق آراء تصویب گردید.

نایب‌السلطنه در مراسله خود اشعار می‌دارد که تاکنون اختلاف آراء و امسال و آرزوهای موهومی و عدم حکمت عملی چرخ حکومت و اداره مملکت را از کار بازداشته به طوری که کابینه وزراء اتصالاً تغییر نموده و وزرای یک روزه نتوانسته‌اند برای

مملکت کاری بکنند و اوضاع حالیه نتیجه این بی‌ثباتی است. هرگاه تجربیات گذشته اسباب عبرت نشود در همین نزدیکی اسباب پشیمانی برای مملکت خواهد بود. در باب مناسبات خارجی نایب‌السلطنه تأسف دارد از اینکه هیچ کاری برای بهبودی آن بعمل نیامده با وجودی که او مکرراً در این باب توصیه نموده است و اقدامی ننموده‌اند که از اظهارات دوستی نمایندگان خارجه که در موقع ورود او مشهود می‌داشتند استفاده شود.

والاحضرت اصرار دارد بر اینکه بایستی فوراً اقدامات مجدانه برای اصلاح این غفلت‌کاریها بشود و بعهده کابینه است که پروگرام مفصلی برای انجام این مقصود پیشنهاد نمایند.

نایب‌السلطنه در انتهای مراسله خود آنها را متنبه می‌نماید که هرگاه موقع حالیه و اهمیت مطالب او را در تحت مذاقه جدی قرار ندهند از کار کناره خواهد گرفت و بهیچ وجه او نمی‌تواند ناظر این اوضاع حزن‌انگیز که مملکت به آن دوچار گردیده است باشد.

نمره - ۲۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ اوت) طهران ۱۳ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۹] حرکات شاه مخلوع - لطف نموده به تلگراف ۱۲ اوت من رجوع فرمایید. يك دسته از قشون محمدعلی میرزا چنانچه جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم مشهد راپورت می‌دهد از طرف قشون دولتی در فیروزکوه شکست خورده و شصت نفر از ایشان مقتول گردیدند و رشیدالسلطان سرکرده آنها مجروح و دستگیر گردید.

نمره - ۲۷۹

مکتوت سر جارج بیوکانان به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت) سنت پترزبورغ ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹] آقا

در مراسلات سابق افتخار داشته‌ام در خصوص مطالب مطبوعات روسی در موضوع تعیین ماژور استوکس برای فرماندهی ژاندارمری که دولت ایران خیال دارند برای مقاصد خزانه تشکیل دهند راپورت دهم. حتی روزنامه نوورمیا دولت اعلیحضرتی را سخت تنقید می‌کند برای اینکه می‌گذارند کسی که آتاشه میلپتر بوده از شغل خود استعفاء نماید برای آنکه بفرماندهی قشونی منصوب گردد که اقدامات آن تا منطقه نفوذ روس منبسط خواهد بود و یا آنکه در جنگ داخلی که خارج از منطقه نفوذ انگلیس در کار است شرکت نماید. تعیین وی که ناقض معاهده مذکور است روزنامه

نوورمیا می‌ترسد بطور سخت منافی با پیشرفت معاهده انگلیس و روس بطور توافق باشد.

سایر مطبوعات که نماینده عقاید مراکز مستبده و ضد آلمان می‌باشند آشکارا اظهار داشته‌اند که الحال که دولت انگلستان ورقهای بازی خود را نشان داده است دولت روس بطور آزادی می‌تواند عمل نماید و مختار است که به قوه قهریه برای حفظ منافع خود در شمال ایران مداخله نماید.

در مراکز رسمی هم به همین‌طور از این تعیین مذمت نموده‌اند اگرچه کاملاً معلوم است که دولت اعلیحضرتی از اعمال این نقشه‌هایی که به دولت مشارالیه نسبت می‌دهند که می‌خواهند از دولت روس جلو افتاده و پایگاهی در منطقه نفوذ روس در شمال ایران برای خود بدست آرند بری می‌باشند.

در وقتی که مستر شوستر در اوایل ماه ژوئیت تصمیم نمود تشکیل ژاندارمری خزانه را به عهده ماژور استوکس واگذار نماید که برای تمام ایران ژاندارمری تشکیل دهد من فواید عمده‌ای که محتمل است از ایجاد چنین قوه حاصل گردد برای مسیو نراتوف توضیح نمودم و به همین‌طور صفات و خصوصیات ماژور استوکس را برای تشکیل و فرماندهی این قشون برای وی اظهار داشتم. مسیو نراتوف در جواب با عقیده تشکیل چنین ژاندارمری موافقت داشت ولی اعتراض داشت بر اینکه در تحت امر يك نفر صاحب‌منصب انگلیسی قرار داده شود و ارائه طریق نمود که فرماندهی آن بایستی یا تقسیم شود به این قسم که يك نفر صاحب‌منصب انگلیسی و يك نفر روسی فرماندهی آنرا داشته باشند و یا آنکه به تبعه یکی از دول صفار مثل سوئد واگذار شود و به علاوه از آنجایی که مستر شوستر می‌خواست ماژور استوکس را تعیین نماید و او به واسطه بدرفتاری با مدیر کل گمرکات (بدون آنکه با دولت انگلیس یا روس مشورت نموده باشد) خود را مورد بی‌میلی او قرار داده بود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نمی‌توانست با مقاصد وی همراهی نماید.

شکل و وضع غیرمترقبه‌ای که امورات ایران بواسطه مراجعت محمدعلی پیدا کرد تا مدتی توجه مسیو نراتوف را به مسائل دیگر منعطف نمود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ابتدا اینطور فهمیده بود که بحران مهم داخلی که دولت ایران را دچار نموده بود باعث خواهد گردید که مسئله مناقشه مابین مرئوس و شوستر در باب اداره نمودن گمرکات و مسئله ژاندارمری خزانه بمعده تعویق خواهد افتاد. وقتی که از تصمیم مجلس در باب حقوق ماژور استوکس معلوم گردید که دولت ایران تصمیم نموده‌اند که بهر طریقی که باشد او را استخدام نمایند و یحتمل او را در اقدامات نظامی که بنا بود بر ضد شاه مخلوع بشود در شمال ایران بکار وادارند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توسط سفیرکبیر روس مقیم لندن بدولت اعلیحضرتی در این باب مذاکره نمود.

در دوم همین ماه مسیو نراتوف مجدداً در ضمن صحبت با من در این باب اشاره کرده پس از آنکه استفسار نمود آیا من می‌توانم به ایشان بگویم که در آن مسئله تا

چه اندازه پیشرفت حاصل گردیده جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار داشت که سفیر روس مقیم طهران دولت ایران را اطلاع داده است که در صورتی که تشکیل ژاندارمری به ماژور استوکس واگذار گردد دولت روس هم تقاضایی شبیه به آن پیشنهاد خواهند نمود.

چون تلگراف غره‌۱ شما به سر جارج بارکلی همان روز برای من رسید من برای مسیو نراتوف توضیح نمودم که تعیین ماژور استوکس بدون مراجعت به دولت اعلیحضرتی بعمل آمده و دولت مشارالیه‌ها لازم می‌دانستند در این باب قبلاً با آنها مشورت شده باشد و اظهار داشتم که به سر جارج بارکلی الحال تعلیم داده شده است به دولت ایران اطلاع دهد که از ماژور استوکس درخواست شده بود که قبل از قبول این کار از شغل سابق خود استعفاء نماید و به آنها اشعار نماید که از آنجایی که بکار بردن او در هرگونه اقدامات نظامی در شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند هرگونه اعتراضی که بر علیه آن بشود رد نمایند و بعلاوه مذکور داشتم که هر زمان که ماژور استوکس از شغل خود استعفاء نماید دولت اعلیحضرتی دیگر نمی‌توانند بکار او مداخله نمایند.

این توضیحات به هیچوجه مسیو نراتوف را متقاعد ننمود و از وضع صحبت او معلوم بود که تعیین استوکس را او فعلاً بی‌موقع می‌داند اما در باب اینکه صاحب‌منصب مذکور برای اقدامات نظامی بر ضد شاه مخلوع بکار برده شود جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] توجه مرا به اقدامی که دولت روس سال گذشته در مورد شاهزاده داراب میرزا که آنوقت در قشون روس داخل و به فرماندهی يك ستنبه قزاق در قزوین منصوب بود جلب نمود و گفت که چون خواست از کار خود استعفاء نماید و سعی نمود که بر ضد دولت حاضره قیام کند دولت روس او را دستگیر و به روسیه فرستادند جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] می‌خواست ظاهراً به من بفهماند که بهترین طریقه‌ای که خوب است دولت اعلیحضرتی در مورد ماژور استوکس اتخاذ نماید این است که از قبول استعفای وی امتناع نموده و او را به انگلستان احضار نمایند.

پس از طبع مقاله مزبور در روزنامه نوورمیا که ترجمه آن را در مراسله ۳ شهر جاری برای شما ارسال داشتم من مجدداً از مسیو نراتوف ملاقات نموده و بر وفق تعلیمات تلگرافی ۳ شهر جاری شما توضیح نمودم که برای دولت اعلیحضرتی مشکل بل غیرممکن است اگر ماژور استوکس از کار خود استعفاء نماید او را از قبول استخدام در تحت دولت ایران منع نمایند و عقیده شما بر این است که دولت روس می‌توانند اعتراض بر علیه [= علیه] بکار بردن او در شمال ایران بنمایند و هرگاه آن دولت بخواهند شما این اعتراض را بنمایید شما به سر جارج بارکلی دستورالعمل خواهید داد به دولت ایران اطلاع دهد که دولت اعلیحضرتی نمی‌توانند اعتراض دولت روس را رد نمایند و خوب است دولت ایران اعتراضاتشان را منظور دارند.

درحالی که برای اظهار مطالب شما اظهار تشکر می نمود مسیو نراتف اظهار داشت می ترسد هرگاه دولت روس چنین پروتستی بنماید دولت ایران جواب دهند که ایداً خود را مربوط به معاهده انگلیس و روس که به موجب آن ایران به مناطق نفوذ انگلیس و روس منقسم گشته ندانند و او در این باب فکر خواهد کرد ببیند ممکن است فورمولی برای حل مشکل پیدا کرد که دولت متبوعه او آن را تقویت نماید؟

مسیو نراتف روز بعد مرا خواسته و دوباره در باب تشویش خیالی که از این مسئله برای او حادث شده بود مذاکره نموده تأسف داشت از این که تعیین استوکس با اصولی که دولتین تاکنون از روی آن عمل نموده اند مباینت دارد که نگذارند تبعه یکی از دول معظمه مقام مهمی را در استخدام دولت ایران اشغال نماید و اشعار داشت به اینکه در موقعی که دولت مشغول کشمکش برای حیات خود می باشد آنها چندان در باب ژاندارمری که بایستی تشکیل شود تفکری ننموده و استوکس را با هر قدر استعدادی که بتواند تشکیل دهد برای جنگ یا شاه مخلوع به شمال ایران خواهند فرستاد و عقیده او این بود که بایستی بهر قسمی که ممکن باشد از این کار ممانعت نمود و ارائه طریقی را که روز قبل نموده بود تکرار کرد که بایستی دولت اعلیحضرتی ماژور استوکس را موقتاً به لندن احضار نمایند و بتصور او قبل از آنکه بتواند خود را از استخدام در قشون خارج نماید بایستی بعضی مراسم و ترتیبات را طی کند و همین مسئله بهانه و دست آویزی برای این اقدام خواهد بود.

هرگاه دولت اعلیحضرتی نمی توانند بر وفق ارائه طریق عمل کنند مطلقاً لازم خواهد بود که دولتین يك اقدامی بکنند که هم اسباب رضایت عقاید عامه این مملکت را فراهم آورده و هم باعث استحکام منافع آنها در ایران باشد.

جناب معظم الیه [= معظم له] سپس مسوده دو مراسله را که سواد آن در جوف است برای من قرائت نمود و ارائه طریق نمود که سفرای روس و انگلیس مقیم طهران علیحده برای دولت ایران بفرستند.

دولت روس در مراسله خود برضد تعیین ماژور استوکس پروتست خواهد نمود و اظهار خواهد داشت که دولت روس این اقدام را يك قسم رفتار مخالف دوستی دانسته و حق اعمال هرگونه اقدامی که برای حفظ منافع خود در ایران لازم بداند برای خویش محفوظ خواهد داشت.

دولت انگلیس در مراسله خود موافقت تامه با پیشنهادات مراسله روس اظهار کرده و حق روس را برای اعمال اقدامات لازمه در راه حفظ منافع آن دولت خواهد شناخت. من اشعار نمودم ممکن است برای دولت اعلیحضرتی اشکال داشته باشد که با مکتوبی که در واقع تهدید به مداخله مسلح نماید موافقت کامل نمایند و پیشنهاد نمودم که دولت روس خوب است بر علیه [= علیه] استخدام ماژور استوکس در شمال ایران پروتست نموده و به دولت ایران اظهار دارند که حاضرند يك نفر صاحب منصب روسی را در استخدام دولت ایران داخل نمایند که برای حفظ انتظامات ایالات و ولایات شمالی ژاندارمری تشکیل دهد.

مسیو نراتف اصرار داشت بر اینکه مکتوب دولت روس به همان عبارتی باشد که نوشته شده است و اشاره نمود که هرگاه منافع روسها تهدید شود دولت امپراطوری مجبور به مداخله خواهند بود.

همین که تلگراف شما به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران که مورخه ۷ اوت بود بمن رسید مسیو نراتوف را اطلاع دادم که به سر جارج بارکلی تعلیمات داده شده است که دولت ایران را متنبه نماید در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر به شرط آنکه او را در نقاط شمالی ایران بکار وادارند و هرگاه به این قسم اصرار و ابرام نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی را که برای حفظ منافع خود لازم بدانند بعمل آرند و بعلاوه مذکور داشتم که نظر به فشاری که سال گذشته به دولت ایران وارد آوردیم که قوه‌ای در تحت صاحبمنصبان انگلیسی برای حفظ راههای تجارتی جنوب تشکیل دهند ما نمی‌توانیم ضد تعیین ماژور استوکس برای ایالات و ولایات مذکوره باشیم ولی هرگاه دولت اعلیحضرتی تعیین وی را برای شمال ایران تقویت نموده و یا آنکه بر ضد هرگونه ایرادات روس در این مورد اعتراض نماید شما آن را مخالف روح معاهده انگلیس و روس خواهید دانست. در ضمن صحبتی که در میان آمد مسیو نراتوف اظهار داشت می‌ترسد دولت ایران به شرایط کنترات اولی که با ماژور استوکس نمودند متکی شوند.

چیزی که در این موقع بسیار مایل بود از دولت اعلیحضرتی بدست آرد يك قسم اظهار و عنوانی بود که معنای اسباب رضایت خاطر عقاید عامه روس گردیده و تأثیر نامساعدی که این قضیه در اذهان آنها تولید نموده بود برطرف گرداند.

پرفرض هم که دولت ایران قبول نمودند که خارج از نقاط جنوبی ماژور استوکس را بکار وادارند هیچ وثیقه بدست نیست که ژاندارمری که او بایستی در آن نقاط تشکیل نماید آخر الامر بطرف شمال اعزام نشوند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] استفسار نمود که آیا دولت اعلیحضرتی چنین اظهاری خواهند کرد که از اینکار مانع شوند؟ من در جواب گفتم که دولت اعلیحضرتی یحتمل اطمینان بدهند که ماژور استوکس را در شمال ایران بکار وادارند داشت ولی هیچ قسم تعهدی نمی‌توانند بکنند در باب ژاندارمری که او تشکیل خواهد داد.

مسیو نراتف اظهار داشت که این مسئله کافی نخواهد بود و چیزی که ایشان می‌خواهند این است که اطمینانی داده شود که ژاندارمری که يك قوه ثابت محلی است نباید از جنوب بشمال حرکت داده شود.

من اشعار نمودم که برای شما امکان نخواهد داشت در پارلمان طرفدار دادن این اطمینان باشید که دولت ایران را نگذارند در صورتی که موقع اقتضاء نماید قشونی که در جنوب یکسار و امی‌دارند بطرف شمال نفرستند [= بفرستند] جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اذعان داشت که اینکار البته مشکل خواهد بود و بعد ارائه طریق نمود که در صورتی که فرماندهی ژاندارمری جنوب به ماژور استوکس سپرده شود شما باید اظهار نمایید حاضر بودن خود را در اینکه تقویت نمایید دولت روس را اگر آن

دولت تقاضا نماید که تشکیل قوه ژاندارمری در شمال ایران به يك نفر صاحبمنصب روس یا تبعه یکی از دول صغار که خود دولت روس او را معرفی نماید سپرده گردد. من اظهار داشتم این ارائه طریق را بیش از ارائه طریق سابق او می‌پسندم ولی نمی‌توانم از طرف دولت اعلیحضرتی چیزی در این باب بگویم.

مسیو نراتف بعد اظهار داشت که در صورتی که (چنانچه انتظار می‌رود) دولت ایران اصرار نمایند ماژور استوکس به فرماندهی ژاندارمری ملی برای تمام ایران منصوب شود امیدوار است شما وعده خواهید داد که هرگاه دولت روس تقاضا نمایند يك شغل شبیه به آن به يك نفر صاحبمنصب روسی داده شود با تقاضای دولت مشارالیه تقویت خواهید نمود. من از ایشان استفسار نمودم آیا شغل مخصوصی در مد نظر دارید که به صاحبمنصب روسی واگذار شود؟ در جواب گفتند که تعیین يك صاحبمنصب روسی به مقام ریاست ارکان حرب شاید این مقصود را حاصل نماید. من اشاره نمودم گمان می‌کنم خیلی کم احتمال دارد دولت ایران با این اوضاع به این تقاضا تن در دهند. مسیو نراتف بنابراین توضیح نمود که دولت روس در این موقع قصد چنین استدعایی را از دولت ایران ندارند و او فعلاً آنقدری که در بساط دولت اعلیحضرتی در فکر است از بابت دولت ایران خیالی ندارد. آنچه او می‌خواهد این است که شما یا به واسطه اظهاری در پارلمان یا اعلان رسمی در مطبوعات بنمایانید که دولت اعلیحضرتی حاضر هستند هرگونه تقاضایی را که دولت روس آخرالامر پیش نمایند که هم جبرانی شده باشد و هم معناً اسباب رضایت عقاید عامه روس گردد تقویت خواهند نمود.

امضاء جارج بیوکانون

ملفوف يك نمره ۲۷۹

مراسله‌ای که پیشنهاد شده است از طرف سفیر روس برای دولت ایران فرستاده شود:

در خصوص اظهاری که در ۱۵ ژوئیت (۲۸) همین سنه به وزیر امور خارجه نمودم بر حسب امر دولت متبوعه خود افتخار دارم دولت ایران را مستحضر دارم که دولت امپراطوری روس به جهاتی که در همان وقت برای دولت ایران توضیح گردید تصور می‌نمایند که استخدام ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای ایجاد يك قوه مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیاتهای دولتی و سایر اقدامات در شمال ایران با منافع دولت مشارالیه ناموافق بوده و من تعلیم دارم بر ضد تعیین تبعه انگلیسی مذکور به مقام ریاست کل این قوه پروتست نمایم. هرگاه با وجود این اخطار تعیین وی به انجام رسید دولت امپراطوری آنرا يك قسم رفتار مخالف دوستی از طرف دولت ایران دانسته و حق این را که در موقع لزوم برای تأمین منافع خود در شمال ایران

(۱) پراگتر از ویراستار است - م.

(۱) منظور ۲۸ ژوئیه بحساب تقویم روسی است - م.

اقداماتی را که لازم می‌دانند بنمایند برای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف دوم نمرة ۲۷۹

افتخار دارم دولت ایران را بر حسب امر دولت متبوعه خود مستحضر دارم که دولت اعلیحضرتی مراسله‌ای که سفیر دولت روس به دولت ایران نوشته و سواد آن در جوف است ملاحظه نموده و با مندرجات مراسله مذکور از هر حیث موافقت دارند. دولت اعلیحضرتی درحالی که تأسف دارند از اینکه قبل از آنکه با دولت اعلیحضرتی مشورت شود به ماژور استوکس پیشنهاد شده که داخل استخدام دولت ایران شود اظهار می‌دارند که حق دولت روس را خواهند شناخت در اینکه اقداماتی را که برای تأمین منافع خود در شمال ایران لازم می‌دانند بعمل آرند.

نمره - ۲۸۰

مکتوب سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اوت)
سنت پترزبورغ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راهپورت دهم که روزنامه نوورمیا و سایر روزنامجات با حرارت زیاد و بالسان طعنه‌آمیز در باب موقعی که بواسطه پیشنهاد تعیین ماژور استوکس از طرف دولت ایران برای تشکیل ژاندارمری خزانه پیش آمده مذاکرات می‌نمایند. روزنامه نوورمیا شکایت دارد از اینکه معاهده انگلیس و روس مشر ثمرات بسیار بشکل اظهارات و اطمینانات گردیده ولی در مواقعی که اقدامات جدی لازم است بعمل آید متأسفانه فایده‌ای از آن حاصل نمی‌گردد.

اگر دولت انگلیس نمی‌تواند يك نفر از اتباع خود را مانع آید که در مقام تحقیر دولت خود برآمده و به میل خود هر کاری بخواهد بکند که مخالف با میل و اراده بین آن دولت باشد پس معاهده ۱۹۰۷ چه قدر و قیمتی خواهد داشت و اگر این مسئله راست باشد که دولت انگلیس اظهار نموده است حاضر است پروتست روس را به دولت ایران تقویت نماید پس اهمیت مقام و نفوذ دولت انگلیس کجا رفته است؟ آیا حقیقتاً لازم است که دولت انگلیس در کشمکش که با يك نفر از اتباع نافرمان‌بردار خود دارد از حکم‌فرمایان يك دولت بی‌قدرت آسیائی استمداد نماید؟ هرگاه این طور است پس بایستی بعد از این هر زمان که ما با دولت انگلیس عقد معاهده می‌نماییم باید در ذهن خود داشته باشیم که رضایت و موافقت عده فلان ملک‌ها و دوله‌ها و سلطنه‌ها را تحصیل نماییم.

روزنامه نوورمیا در تاریخ نهم اوت تلگراف روتر را بطور سخت انتقاد می‌کند که از طهران مخابره شده و مشعر است بر اینکه در حالتی که صاحب‌منصبان روسی و آلمانی و ایتالیایی در استخدام دولت ایران هستند حتی یک نفر صاحب‌منصب انگلیسی هم در استخدام دولت مشارالیه نیست و تعیین ماژور استوکس اعاده موازنه‌ای را می‌کند که

برای دولت انگلیس صرفه دارد. او این تلگراف را توهین نسبت به سر آرتر نیکلسن که در ماه اوت ۱۹۰۷ معاهده انگلیس و روس را امضاء نمود می‌داند که به موجب ماده سوم آن تمام امتیازات موجوده بایستی برقرار بوده و دولت روس متعهد می‌گردد که در منطقه نفوذ انگلیس مداخله ننمایند و دولت انگلیس هم در خصوص منطقه نفوذ روس همین‌طور تعهد می‌نماید.

مقاله مزبور به این‌طور ختم می‌شود: مذاکره در باب صاحب‌منصبان روسی و آلمانی و ایتالیائی خارج از موضوع است. این صاحب‌منصبان قبل از عقد معاهده به مقام خود منصوب بوده‌اند و هنوز هم نصب آنها به این مقامات به تقویت همان معاهده است و مخالف آن نمی‌باشد. ماژور استوکس قبول تعیین یک عهده پلتیکی نموده است که مستقیماً بدون گفتگو متباین با شرایطی است که در ماده سوم معاهده مقرر گردیده است.

چنان بنظر ما می‌رسد که سر آرتر نیکلسن راست که مراکز دیپلوماسی انگلیس مقیم طهران را به مفاد ماده سوم معاهده مذکوره متذکر سازد یعنی همان معاهده‌ای که او در مقام سفارت کبرای دولت انگلیس در سنت پترزبورغ به معیت مسیو ایسولسکی به امضاء رسانید.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۸۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون

وزارت خارجه ۱۴ اوت ۱۹۱۱ [۲۲ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۹ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل وزارت امور خارجه را از جوابیه دولت ایران که سر جارج بارکلی در تلگراف ۱۲ اوت خود راپورت داده بود مستحضر داشته اظهار نمایم تا پیش‌آمد جدیدی بمرصه ظهور نرسد استعفای ماژور استوکس را قبول نخواهیم نمود ولی هرگاه اوضاع شکل دیگر پیدا نماید گمان می‌کنم آنچه بتوانم بکنم این است که اخطار و انتباهی که در تاریخ ۷ اوت به سر جارج بارکلی تعلیم دادم بنماید تکرار کنم.

نمره - ۲۸۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)

طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]

صاحب‌منصبان سوئدی برای ژاندارمری وارد شده‌اند.

نمره - ۲۸۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)
 طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
 جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که دو لنگه از محمولات
 کمپانی ذیگلر در سرقت دیگری که در راه بختیاری واقع شده از میان رفته است.
 او بعلاوه راپورت می‌دهد که کاروانسرای سرخون که در راه بختیاری است بکلی
 غارت شده و تمام مال التجاره‌ای که در آنجا انبار شده بود به انضمام مقداری متعلق
 به کمپانی لنچ به سرقت رفته است.

نمره - ۲۸۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت)
 سنت پترزبورگ ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
 حاوی مضمون ملخص مکتوب ۲۲ اوت است که ذیلا نگاشته می‌شود:
 در موقعی که روز ۱۵ اوت از مسیو نراتف ملاقات نمودم که جوابیه دولت ایران
 را در باب تعیین ماژور استوکس به اطلاع او برسانم آن جناب را برخلاف معمول
 مشوش یافتم. راپورتی از مسیو پوکلیومسکی [= پاکلوسکی] در باب این مسئله برای
 او رسیده بود. پس از آنکه با کمال تأکید در خصوص اهمیت این قضیه که بدبختانه
 بظهور رسیده شرحی مذکور داشت جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بیان نمود به چه طریق
 تعیین ماژور استوکس با پیشرفت مؤثر معاهده انگلیس و روس متضاد خواهد بود؟
 و استفسار نمود هرگاه يك نفر صاحب‌منصب روسی به این عهده منصوب و به او حق
 تشکیل و کنترل قوه ژاندارمری در جنوب ایران داده می‌شد در انگلستان چه می‌گفتند؟
 من در جواب اظهار داشتم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] گویا فراموش کرده‌اند
 اظهارات مختلفه را که شما در پارلمان نموده بودید و در ضمن یکی از آنها در باب
 همین مسئله مخصوص و وعده تقویت به روس در موضوع ژاندارمری شمال و
 اظهارات سختی که به دولت ایران نموده‌اید متذکر شده‌اید و بعلاوه استعفای ماژور
 استوکس هنوز مورد قبول واقع نگردیده [و] قبول نخواهد گردید و منتظر پیش‌آمد
 کار خواهیم بود. بنابراین نمی‌دانستم شما دیگر چه می‌توانستید بکنید و نیز
 نمی‌توانستم باور کنم که پس از آنچه شما گفته و به انجام رسانیده‌اید بهیچوجه لطمه
 به معاهده انگلیس و روس وارد آمده باشد.
 مسیو نراتف اظهار داشت که مسئله تعیین ماژور استوکس آن قدر مهم است که
 او نمی‌تواند شخصاً مسئولیت تصفیة آن را به عهده گیرد و بایستی در این باب به
 شورای وزراء رجوع نماید. قبل از آنکه این کار را صورت بدهد از شما استدعای
 آخری خود را خواهد نمود که حالا من به او اظهار داشته‌ام که استعفای ماژور استوکس
 قبول نگردیده است. بنظر او می‌رسد برای دولت اعلیحضرتی امکان خواهد داشت که

یا او را موقتاً به لندن احضار نمایند و یا آنکه يك شغلی در هندوستان به وی بدهند.
امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ اوت)
طهران ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف ۱۲ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که عساکر سالارالدوله
همدان را بدون اینکه کسی با آنها مخالفت کند قبضه نموده‌اند.
شاهزاده معظم‌الیه [= معظم‌له] خود در کرمانشاه توقف خواهد نمود.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۶ اوت ۱۹۱۱ [۲۴ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۹]
تعیین ماژور استوکس - راجع به تلگراف پانزدهم اوت شما مسیو نراتوف طوری
صحبت می‌کند مثل اینکه تعیین او به انجام رسیده و مثل اینکه ما نه فقط در مورد
آن ساکت بوده بلکه خودمان اسباب تعیین او شده باشیم. این‌طور نیست من به دولت
ایران اظهار داشته‌ام بایستی در تعیین استوکس اصرار نمایند استوکس بکلی مستقلاً
و بدون مشورت با کسی عمل نموده و تعیین او بدون رجوع با ما شده.
مسیو نراتوف بایستی این مسئله را خوب درک بنماید من حاضرم اظهار خود را
تکرار نموده دولت ایران را متنبه سازم که نظر به حقانیت اعتراض دولت روس
استعفای استوکس را نمی‌توان قبول کرد و اصرار بنمایم که شخص بیطرفی بجای او
تعیین شود.

من هیچوقت شرط نکرده‌ام که قزاقان ایرانی که در تحت صاحب‌منصبان روسی در
طهران تعلیم یافته‌اند به جنوب ایران اعزام نشوند و گمان می‌کنم عقاید دولت روس
و کفیل وزارت امور خارجه آن دولت زیاده از اندازه از بسایت تعیین استوکس
بهیجان آمده‌اند.

افسوس می‌خورم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] ظاهراً آنقدر کم ملتفت شده‌اند
که من اعتراض دولت روس را قبول کرده و هر قدر توانسته‌ام برای منع تعیین وی
سعی کرده‌ام چرا که به بودن توافق آراء و اتفاق در عمل مابین دولتین اهمیت وافر
می‌دهم.

مسیو نراتوف بایستی به عموم ملت روس توضیح نمایند که فقط به واسطه اقدامات
ما است که تعیین وی انجام نپذیرفته و در این موقع همان کاری را که من اینجانبانموده
و عقاید عامه در مقابل حضور قشون روس در شمال ایران و اقدامات کلنل لیاخف

در سالهای گذشته نگذاشته‌ام بهیچان آید ایشان هم در آن مملکت بنمایند.
من تاکنون چندین دفعه با این اوضاع مصادف شده و در مقام مدافعه آن برآمده‌ام
و هرگاه دولت روس بطوری که در این‌گونه موارد سختی می‌کنند من هم می‌کردم
مناسبات حسنه مابین بریطانیای عظمی و دولت روس مدتی قبل به انتهای رسیده بود.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۲ مه من:

تلگرافی از کفیل قنصل انگلیس مقیم شیراز رسیده پیشنهاد می‌کند که به همین
زودیها لازم می‌شود که بر عده مستحفظین قنصلگری اضافه شود که او بتواند خانه‌های
اروپاییان مقیم شیراز را محافظت نماید بدون آن که از عده مستحفظین حالیه کسر
شود. مستر ناکس بدلائل ذیل عقیده خود را تقویت می‌نماید:

عده ایلیاتیها که روز بروز درشهر زیاد می‌شوند و نزدیک بودن ورود صولت‌الدوله
و عدم احتمال اینکه نظام‌السلطنه مایل یا قادر بر جلوگیری از این عناصر آشوب و
اغتشاش باشد تزئید مستحفظین را لازم می‌دارد. بعلاوه خانه‌هایی که در حدود
قنصلخانه واقع می‌باشند دو خانه دیگر هم در بیرون شهر و چهار اداره تجارتنی هم در
خود شیراز می‌باشد. از قراری که فهمیده‌ام این جا یکنفر هم تبعه آلمان هست که
یحتمل از قنصلخانه اعلیحضرتی درخواست محافظت می‌نماید.

برای محافظت و قراولی این خانه‌ها يك دسته قشون امدادی زیاد یحتمل قریب یکصد
و پنجاه نفر لازم خواهد بود و جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر اشعار می‌دارد
اعزام چنین قوه‌ای مثل این است که اقدامی بر ضد فرمانفرما و صولت‌الدوله به عمل
آمده باشد.

محتمل نمی‌نماید که اقدام یا حمله عمدی بر ضد اروپاییان بشود ولی البته در هر
ساعت ممکن است غارت و چپاول واقع شود و فرقی مابین اتباع خارجه و دیگران
گذارده نشود. با وجود این گمان می‌کنم احتمال وقوع این قبیل اتفاقات هم چنین اقدام
مهمی مثل اعزام يك قوه به این بزرگی را که لازم شمرده می‌شود تضمین نماید.

از طرف دیگر از زمان ورود قوام‌الملک به قنصلخانه لازم بوده است که مستحفظین
زیاده بر آنچه وظیفه آنها است مشغول قراولی و حفاظت باشند و از قراری که
فهمیده‌ام و نسبت به قلت عده‌ای که فعلا در شیراز می‌باشند کار زیاده‌تر به آنها رجوع
شده و از آنجایی که هیچ احتمال نمی‌رود قوام‌الملک از قنصلخانه خارج شود تصور
می‌کنم اعزام يك دسته قشون امدادی به شیراز مطلوب می‌باشد.

با این اوضاع توصیه می‌نمایم که برای رفع این اشکال خوب است از حکومت

هندوستان درخواست شود بیست و دو نفر قشون امدادی که کاری به آنها رجوع نباشد به شیراز اعزام نمایند. عده‌ای که حالیه اینجا هستند چهل و دو نفر اند و شانزده نفر آنها شب و روز بایستی کشیک بکشند.

نمره - ۲۸۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه - لطف نموده رجوع به قسمت آخر تلگراف ۱۲ اوت من فرمایید.

وزیر امور خارجه که دیروز از ایشان ملاقات نمود مجدداً اشاره به ارائه طریق خود برای فیصله امر استوکس نمود. من جواباً جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را مستحضر داشتم که تصور نمی‌کنم پیشنهاد ایشان حل این مسئله را بنماید و علاوه نمودم که بهتر این است که دولت ایران یا تعیین استوکس را بکلی موقوف بدارند و یا آنکه آنها را به نقاط جنوبی محدود سازند.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اوت)

طهران ۱۷ اوت ۱۹۱۱ [۲۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۲ شعبان ۱۳۲۹]

سه نفر صاحب‌منصب سوئدی برای ژاندارمری امروز صبح آمده از من و سفیر روس ملاقات نموده و بما اثرات خوب کردند.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ اوت)

طهران ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع

راپورت داده شده است که محمدعلی میرزا از بارفروش حرکت نموده و حالا در ناحیه سوادکوه قریب سی‌میلی شرقی فیروزکوه متوقف است. اخبار ورود شعاع السلطنه هم در میان طوایف شاهسون داده شده است. هساگر شاه مخلوع سمنان را می‌چاپند.

نمره - ۲۹۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
دولت روس پیشنهاد وزیر امور خارجه را در باب استخدام ماژور استوکس نمی‌توانند
قبول کنند.

دولت روس پروتست جدید به دولت ایران خواهند کرد و پس از آن شما هم
اظهارات سابق خود را به دولت ایران تکرار نموده و اظهار دارید که دولت اعلیحضرتی
اعتراضات دولت روس را بر علیه [= علیه] تعیین ماژور استوکس مستحکم و متقن
دانسته و بنابراین استعفای وی را نمی‌توانند قبول کنند و به دولت ایران اصرار
می‌نمایند که یکی از اتباع دولت بیطرفی را استخدام نمایند.

نمره - ۲۹۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۸ اوت ۱۹۱۱ [۲۶ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۳ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۷ اوت سر جارج بارکلی
اوضاع شیراز - دولت روس را از بابت تزئید عده مستحفظین قنصلخانه شیراز
که پیشنهاد شده است مستحضر داشته و جهت این اقدام را برای آن دولت توضیح
نمائید.

نمره - ۲۹۳

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پترزبورگ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تزئید مستحفظین قنصلخانه شیراز که پیشنهاد شده:
راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما مسیو نراتوف اعتراضی ندارد.

نمره - ۲۹۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اوت)
سنت پترزبورگ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]
تعیین ماژور استوکس - حاوی مضمون ملخص مکتوب مورخه ۲۲ اوت می‌باشد:
چون هنگام وصول تلگراف ۱۶ شهر جاری شما مسیو نراتوف مشغول بود و
نمی‌توانست مرا ملاقات نماید مطالب مهمه آن تلگراف را در جزو کاغذ شخصی در
روز ۱۷ شهر جاری برای جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] نوشتم. در ضمن صحبتی که

دو روز بعد از آن با ایشان داشتم من بعلاوة مطالبی که در طی آن مراسله به ایشان رسانیدم به ایشان فهمانیدم که دولت اعلیحضرتی ابدأ با مسئله تعیین ماژوراستوکس مربوط نبوده و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم از وضع سلوک و رفتاری که شما اتخاذ نموده بودید در موقعی که در پارلمان در خصوص اقدامات کلنل لیاخوف و ابقای عساکر روس در ایران مذاکرات نامساعد در میان بود و اظهار داشتم اطمینان دارم که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] هم در هر موقعی مثل حالیه که رفتار دولت اعلیحضرتی مورد انتقادات نامناسب واقع شود عقاید عامه روس را تسکین خواهند داد.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] در جواب اظهار داشت دولت روس همینطور خواهد کرد چرا که او چیز دیگری را خواهان نیست مگر آنکه دولتین همیشه متفقاً در هرکاری عمل نمایند مخصوصاً در این موقعی که امور ایران به چنین نقطه باریکی رسیده است و ایشان به مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] تعلیم داده‌اند که مکتوبی بمضمون مراسله‌ای که کنت بنکندرف بشما ارائه نموده است برای دولت ایران فرستاده و به اتفاق سر جارج بارکلی به دولت ایران اصرار نمایند تشکیل ژاندارمری مالیه را به یکی از صاحبمنصبان سوئدی واگذار نمایند.

ایشان از من خواهش می‌نمایند از شما اظهار تشکر قلبی بنمایم برای اینکه به سر جارج بارکلی دستورالعمل داده‌اید اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی استعفای ماژور استوکس را نمی‌توانند قبول نمایند.

امضاء جارج بیوکانون

نمره - ۲۹۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ اوت)

طهران ۲۰ اوت ۱۹۱۱ [۲۸ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۵ شعبان ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۱۸ اوت شما:

ماژور استوکس - سفیر روس و من دیروز علیحده مکتوب خود را برای دولت ایران فرستادیم.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

استوکس از من استفسار نموده است که نظر به اظهاراتی که به دولت ایران کرده‌ام و به او اطلاع داده‌ام اینطور مفهوم می‌گردد که استعفایش قطعاً رد شده است و هرگاه اینطور است به چه سبب و جهت اینکار را کرده‌اند. او اشعار می‌دارد از زمانی که استعفاء

کرده است سه هفته می‌گذرد و تاکنون جوابی به او داده نشده و اظهار می‌دارد که شومتر بسیار مایل است او شروع بکار کند.

نمره - ۲۹۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که شجاع‌الدوله در تبریز اعلام نموده است که از طرف محمدعلی میرزا به ایالت آذربایجان منصوب گردیده. شجاع‌الدوله حاکم مراغه قبل از رولوسیون در محاصره تبریز شرکت مهمی نمود و فعلاً در سراپ است و از قرار مذکور عده زیادی همراه خود دارد.

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

همکار روسی و من روز ۲۰ اوت به دولت ایران نصیحت نمودیم که به جای ماژور استوکس صاحب‌منصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری خزانه تعیین نمایند. بنظر ما باین طریق ممکن است حل مشکل حالیه را نمود.

چیزی که لازم است این است که تشکیل ژاندارمری بهر قسمی که باشد شروع شود بعلاوه عقیده من بر این است که ژاندارمری خزانه که مستر شومتر در مد نظر دارد بیشتر احتمال ترقی دارد تا آنکه قوه دیگری در همان وقت تشکیل شود حتی در صورتی که برای هر دو قسم قوه وجوهات برسد.

گمان من این است همین که تشکیل ژاندارمری شروع گردید ما در هر موقعی که لازم شود می‌توانیم تقاضا نماییم يك قسمتی از ژاندارمری از وظایف راجع به خزانه منفصل و برای کارهای عمومی دیگری در مملکت بکار برده شود.

چنانچه راپورت داده شده صاحب‌منصب ارشد سوئدی اظهار داشته است که دوازده ماه برای او لازم است تا آنکه بتواند کار مؤثری از پیش ببرد. هرگاه این مطلب صحت داشته باشد او بکار خزانه‌دار کل که تصور می‌کند تشکیل ژاندارمری او بفوریت لازم است نخواهد خورد.

نمره - ۲۹۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ اوت)

طهران ۲۱ اوت ۱۹۱۱ [۲۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز - دولت ایران اخیراً سعی داشتند که نظام‌السلطنه را ترغیب نمایند

با قوامیان اصلاح نماید ولی مساعی دولت مشارالیهها منتج نتیجه نگردیده است. مستر ناکس راپورت می‌دهد که اوضاع سخت‌تر می‌شود. در عرض دو سه روز آخر اتصالاً جنگ در کار بوده و بلاممانعت غارت اموال می‌شود و تجارت موقوف و نواحی دوردست به يك حال مغشوش‌تری از سابق می‌باشند. مستحفظین قشقایی در جلو معابر به قنصلخانه چاتمه زده‌اند. مستر ناکس بعلاوه بطریق ذیل اظهار می‌دارد:

«راه اصفهان ناامن است و اگرچه اوضاع راه پوشهر فعلاً خوب است تجار اطمینان ندارند و تمام حل و نقل اجناس خود را موقوف داشته‌اند.»

من مفاد تلگراف کفیل قنصلگری را به دولت ایران نوشته و تقاضا نموده‌ام که قشقاییها که دور قنصلخانه مواظب هستند از آنهاجا بروند و آن دولت را از مسئول بودن برای جان و مال اتباع انگلیس متذکر ساخته‌ام.

نمره - ۳۰۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ اوت)
 طهران ۲۲ اوت ۱۹۱۱ [۳۰ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۹]
 شیراز

کفیل قنصلگری راپورت می‌دهد که با محله یاغیان باب مذاکرات مفتوح گردیده و به مشارکه موقتی منتهی گردیده است

نمره - ۳۰۱

تلگراف سر ادوارد جری به سر جارج بارکلی
 وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]

تازگی سفیر ایران به ما شکایت می‌کنند که روسها از مراجعت شاه‌مخلوع پرده‌پوشی می‌کنند و شش نفر از صاحب‌منصبان بحری روس او را در یکی از کشتیهای روسی از بادکوبه به سرحد وارد نموده‌اند و چنانچه قنصل دولت مشارالیهها مقیم عشق‌آباد خبر داده است خان بنادر سرحد که در جزو هیئت ارکان حرب روس درجه کلنل را داراست از آنجا حرکت کرده ظاهراً به قصد آنکه آن اعلیحضرت را کمک نماید و در بانك روسی پول برای او جمع‌آوری شده است و یکی از اجزاء جنرال قنصلگری روس در طهران خیلی با مقاصد او عملاً طرفداری می‌نماید و بریگادا قزاق به معاذیر متعذر می‌شوند که به ایالات و ولایات اعزام نشوند و از اطاعت و امر وزیرجنگ دولت ایران امتناع می‌نمایند.

آیا بنظر شما این نسبتهای غیرمعلوم که داده شده است اساسی دارد؟

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۳ اوت ۱۹۱۱ [۳۱ امرداد ۱۲۹۰؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما:

صاحبمنصبان سوئدی - واضح است که باید فوراً اقدامی نمود که ادارات معتبر انگلیسی تجارت خود را در خلیج فارس مقطوع و متروک ندارند و اگر این کار را بکنند برای ایران خیلی خسارت وارد خواهد آمد و خطر حقیقی چنین اقدامی مشهود است.

اگر دولت ایران بخواهد تمام صاحبمنصبان سوئدی را برای ژاندارمری خزانه بکار وادارد راههای جنوبی چطور محافظت خواهند شد؟ اگر کسی بجای ماژور استوکس استخدام شود ممکن است دیگران را دستورالعمل داد که اگر بتوانند فوراً بطرف بوشهر حرکت کرده و مستحفظین موقتی تشکیل دهند تا آنکه قوه منظمی تنظیم شود و تشکیل قوه منظم در وقتی که مالیه مرتب و منظم شود ممکن است آیا این کار مفید واقع خواهد شد و آیا اگر صاحبمنصبان سوئدی با تجار ترتیبی بدهند ممکن است راه بین بوشهر و شیراز را امن نمایند؟ مثلاً محمول خود را همراه قاطرداران مسلح بفرستند چنانچه کمپانی لینچ همین کار را در راه بختیاری می‌کند و اجناس خود را حمل و نقل می‌نماید.

نمره - ۳۰۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]
در تعقیب تلگراف ۱۶ اوت خود افتخار دارم راپورت دهم که سالارالدوله در ۲۳ اوت از کرمانشاهان بطرف همدان حرکت نمود.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
طهران ۲۴ اوت ۱۹۱۱ [۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل را جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر فرستاده است تاریخ آن ۲۱ اوت است:
قنسول اعلیحضرتی مقیم اهواز مرا اطلاع داده است که راه لرستان برای ایاب و ذهاب قوافل کاملاً امن است و تجار خرم‌آباد مایل‌اند قاطرداران را ترغیب به ایاب و ذهاب در این راه نمایند.
از زمانی که کمپانی لینچ امتیاز این راه را گرفته‌اند اول دفعه‌ایست که اوضاع به

اینطور مناسبی پیش آمده و عرض می‌کنم خوب است به لینچ اصرار شود هر قدر زودتر که امکان دارد کسی را از طرف خود در راه بفرستند که اقدامات لازمه برای اتمام راه بنماید قبل از آنکه مدت مهلتی که داده شده است منقضی گردد.

من وکیل لینچ را که در طهران است به این مسئله متذکر نموده‌ام و او به مهندس کمپانی دستور العمل داده است بطرف سلطان آباد حرکت نماید. هرگاه اوضاع به همین طور مساعد باقی باشد مهندس مزبور راه را بازدید خواهد نمود.

ولی دوام امنیت راه لرستان درست معلوم نیست چرا که دولت ایران به امیر مخم بختیاری که بهبودی اوضاع به واسطه حکومت او است فشار می‌آورند که با سالارالدوله در ناحیه کرمانشاه جنگ نماید.

نمره - ۳۰۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)

طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم راپورت دهم که دولت ایران شکایاتی را که شما در تلگراف ۲۳ اوت خود اشعار نموده بودید به اطلاع من رسانیده‌اند بانضمام شکایات دیگر که از زمینه آنها معلوم می‌شود قنسولهای دولت روس مقیم ایران طرفدار محمدعلی میرزا بوده و ارتجاعیون بسیاری که در زرگنده سکونت اختیار نموده‌اند مشغول انتریگت می‌باشند. در باب انتریگهایی که به جنرال قنسول روس نسبت داده شده و جمع‌آوری پول برای محمدعلی میرزا، نمی‌توانم باور کنم بتوان این نسبتها را مدلل ساخت چرا که دولت ایران خود این شکایات را به سفیر روس ننموده‌اند.

در خصوص نسبت بی‌اطاعتی که بر بریگاد قزاق داده‌اند من غالباً شنیده‌ام شکایت کرده‌اند که کلنل وادبولسکی توپ و مهمات جنگی نمی‌دهد و قزاقهای تحت امر خود را به ایالات و ولایات نمی‌فرستد ولی من تصور می‌کنم این شکایات مقرون بصحت نیست و کلنل مذکور قبل از مراجعت شاه مخلوع هر قدر قزاق و توپ و مهمات جنگی که می‌توانست بدهد بطوری که بشکل قوه بریگاد صدمه وارد نیاورد برای دولت ایران حاضر می‌نمود که به خارج طهران بفرستند. فعلا علاوه بر مستحقظین مختلفه سفارتخانه‌ها زیاده‌تر از چهارصد نفر در طهران نیستند.

وقتی که مسئله همراه بودن صاحبمنصبان بحری روسی را با شاه مخلوع و مدد رسانیدن یکی از صاحبمنصبان از کان حرب را به همکار روسی خود ذکر نمودم خیلی بنظرش مضحک آمد. مسئله عبور او را از بحر خزر در يك کشتی مجهول از پتروسک عموم تصدیق دارند و نیز در روزنامه موسوم به بحر خزر که در بادکوبه طبع میشود راپورت ملاقاتی با کاپیتان يك کشتی شرعی که از کار افتاده و کشتی مجهول آنرا نجات داده است داده شده. کاپیتان کشتی شرعی مذکور اظهار می‌دارد که چند نفر مسافر از اعیان ایرانی و اروپاییان ملبس به لباسهای خوب در آن کشتی دیده شد -

ویس قنسول اعلیٰ حضرتی مقیم رشت اظهار می‌دارد که از قراری که راپورت داده شده هفتاد صندوق که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بود با محمد علی میرزا از کشتی مذکور پیاده شد.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)
طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
ایلات ترکمن تا مسافت ۲۵ میلی ارادان در راه مشهد پیش آمده‌اند.

نمره - ۳۰۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اوت)
طهران ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
نایب حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان در حرکت است که آنجا را هم قبضه نماید.

نمره - ۳۰۸

مکتوب وزارت خارجه انگلیس به کمپانی لاید
وزارت خارجه ۲۵ اوت ۱۹۱۱ [۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳۰ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

برحسب تعلیم سر ادوارد گری وزیر امور خارجه وصول مراسله ۱۰ شهر جاری شما را در باب عدم امنیت راه‌های تجارتي جنوب ایران اطلاع می‌دهم.
من بایستی شما را مستحضر بدارم که سر ادوارد گری بخوبی از اوضاع سخت امورات در نواحی مزبوره و خسارات به تجارت انگلیس که بدان واسطه وارد می‌گردد واقف می‌باشند.

دولت ایران قرار داده‌اند هیئت ژاندارمری در تحت صاحب‌منصبان اروپائی که به طهران آمده‌اند مشاغل خود را بعهده گیرند تشکیل دهند و سر ادوارد گری لزوم تسریع تشکیل این قوه را به دولت ایران اصرار می‌نمایند.

در صورتی که در تشکیل ژاندارمری زیاده از اندازه تعویق روی دهد و یا آنکه مقاصد منظوره از آن بعمل نیاید دولت اعلیٰ حضرتی برای حفظ تجارت انگلیس اقدامات دیگر خواهند نمود و دولت ایران مسئول خساراتی هستند که بعلت سرقهت اجناس به اتباع انگلیس وارد می‌آید.

امضاء لويس مالت

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)
 طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]
 ماژور استوکس و ژاندارمری خزانه

افتخار دارم راپورت دهم که خزانه دار کل خیال می کند که تشکیل يك قوة ژاندارمری
 برای هر مقصودی مکفی خواهد بود و من هم با عقیده او موافقت دارم. او تصور
 می کند که ژاندارمری خزانه برای هرگونه احتیاجات مناسب و مکفی خواهد بود.

نمره - ۳۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اوت)
 طهران ۲۶ اوت ۱۹۱۱ [۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۲ ژوئیت من مجلل بدون اینکه کسی او را ممانعت کند به اردبیل
 وارد شده است.

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اوت)
 طهران ۲۷ اوت ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۲ اوت من - از قراری که راپورت داده شده قشون ارشدالدوله
 استعداد کمی از دولت را در نزدیکی ارادان شکست داده و وارد ارادان شده است.

نمره - ۳۱۲

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ اوت)
 طهران ۲۸ ژوئیت ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
 آقا

افتخار دارم راپورت دهم که مطالب دو قسمت آخری تلگراف ماه مه گذشته خود را
 که به شما مخابره نمودم مکرراً برای جنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره
 نمودم. مطالب مذکوره در باب اوضاع طرق جنوبی و وضعیت احصائی گمرکات جنوب
 نسبت به آن اوضاع می باشد.

الحال مکتوبی از کلنل کاکس برای من رسیده محتوی یادداشتی است که از روی آن
 معلوم می گردد عایدات گمرکی (چنانچه من مذکور داشتم در تلگراف فوق الذکر خود)
 در حقیقت دلیل بر بهبودی تجارت انگلیس می باشد.

ولی حتی اگر مبلغ عایدات گمرکی که من به شما راپورت دادم از آنچه منستر چیک

ارائه می‌دهد کمتر اسباب سوء تفاهم در باب تجارت انگلیس باشد آنچه من ذکر نمودم که ازدیاد واردات از راه محمره جبران کمی واردات بوشهر را نموده است الحال که اغتشاشات جدید الوقوع راه اهواز الی اصفهان (رجوع به تلگراف ۱۳ و ۱۹ شهر جاری من کنید) مانع است که در عوض راه شیراز از اینطرف اجناس به اصفهان حمل شود از قوت بحث من کاسته می‌شود و با تجدید وقوع سرقت‌هایی که در قسمت راه شیراز الی اصفهان به وقوع می‌رسد اوضاع را نمی‌توان امیدبخش دانست.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۳

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واضله ۱۰ اوت)
طهران ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۱ [۵ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

در مکتوب ۱۲ شهر جاری خود را پورت دادم که در این تازگی صحبت بسیار در میان و شواهدی هم در خصوص بکار بودن طرفداران محمدعلی میرزا موجود بوده است. هنوز سواد آن مکتوب را ننوشته بودم که معین‌الوزاره رئیس کابینه وزیر امور خارجه از من ملاقاتی نموده از طرف وزیر امور خارجه پیغامی آورد مشعر بر اینکه یکی از محبوبان شاه مخلوع مجلل‌السلطان که با آن اعلیحضرت در سفارت روس تحصن اختیار نموده بود و همراه آن اعلیحضرت تبعید گردیده بود از طرف محمدعلی میرزا مشغول ملاقات طوایف شاهسون بوده و سردار ارشد محبوب دیگر آن اعلیحضرت با دو نفر از همراهان خود به بادکوبه وارد شده و شهرت داده‌اند که محمدعلی میرزا تا دو هفته دیگر به ایران مراجعت خواهد کرد. همین‌که پیغام دیگری شبیه به این به همکار روسی من داده شد ما هر دو تصمیم نمودیم به دولتین متبوعتین خود تلگرافاً [= تلگرافی] توصیه نماییم شاه مخلوع را که از قرار اطلاعات دولت ایران در وینه توقف داشت متنبه سازند در ایران آتريک [= انتریگ] ننماید. بدبختانه اطلاعی که دولت ایران به ما داد خیلی دیر رسید و چندان مفید فایده نبود زیرا در همان روزی که این اطلاع داده شد شاه مخلوع بایستی از وینه حرکت کرده باشد.

در ۱۷ شهر جاری شاه مخلوع در کمش‌تپه وارد شد با چند نفر از همراهان خود و شعاع‌السلطنه برادر او با امیربهادر و سعدالدوله همراه او بودند.

از زمان ورودش به خاک ایران اطلاع کمی در خصوص اقدامات او دارم ولی سفیر روس به من می‌گوید که قنصل روس را پورت داده است که اعلیحضرت روز ۲۰ شهر جاری وارد استرآباد گردیده و اهالی او را با شوق و ذوق تمام پذیرائی نمودند.

در موقع نوشتن این مکتوب از طرف دولت ایران خبر به من رسید که يك دسته از

پیروان ترکمن او شاهرود را قبضه و غارت نموده بودند.

از قرار راپورت‌هایی که از ایالات و ولایات رسیده واضح می‌گردد که مراجعت شاه مخلوع به هیچ وجه مورد عدم قبول عامه واقع نشده.

در شمال ایران طوایف ترکمن و شاهسون را می‌توان همراه و مقوی محمدعلی دانست. اهالی مازندران که از زمان شورش مذکوره در راپورت آخری سالیانه تقریباً بکلی از تحت انقیاد دولت مرکزی خود را خارج نموده بودند از قراری که راپورت داده شده بکلی طرفدار آن اعلیحضرت می‌باشند و از قرار مذکور امیر مکرم و همدستان یاغی او مثل رشیدالسلطان و اسمعیل‌خان با او مشغول مراوده و مکاتبه می‌باشند.

از طرف مغرب هم به دولت ایران خبر رسیده که ایلات کلهر و طوایف دیگر و به همین طور والی پشتکوه خود را طرفدار سالارالدوله اعلان نموده‌اند.

طوایف قشقایی هنوز اعلان طرفداری نداده‌اند ولی تلگرافی که از نظام‌السلطنه به دولت مرکزی مخابره شده و شاید می‌توان تصور کرد حاکی عقاید صولت‌الدوله باشد بکلی رفع اضطراب وضع رفتار این طایفه را نمی‌کند و به‌همچنین وضع رفتار رقبای بختیاری آنها هم مایه تشویش است اگرچه خانواده سردار اسعد طرفدار دولت است و وعده اعزام قشون برای مقابله با شاه مخلوع داده‌اند و آیا می‌توان یقین حاصل نمود که شعبه دیگر طایفه بختیاری که در موقع رولوسیون از جانب محمدعلی جنگ کردند با آنها خواهند بود؟

در شهرهای معظمه مردم متمایل به تغییر اوضاع می‌باشند و اغتشاشاتی که مخصوص به سلطنت سابق بود دیگر در اذهان مردم تازگی ندارد و اوضاع ایالات و ولایات امروزه به هیچ وجه بهتر از زمانی که محمدعلی بر تخت سلطنت جالس بود نمی‌باشد حتی در تبریز که مولد رولوسیون ۱۹۰۹ می‌باشد چنانکه کفیل قنصلگری راپورت می‌دهد هنگامی که خبر ورود آن اعلیحضرت که هنوز در شهر منتشر نشده به طبقه عالی شهر رسید اسباب تسکین خاطر آنها گردید. در پایتخت تا اندازه‌ای که من می‌توانم تشخیص بدهم احساسات طور دیگری است.

عقیده من بر این است که محمدعلی علاوه بر چند نفری که از میان آنها اجزاء دولتی طبقه عالی سلطنت فاسده قدیم در کار بودند کسی دیگر با او همراه نیست. اوضاع نظم و امنیت پایتخت از زمان مشروطیت بهتر از زمان شاه مخلوع بوده و نمی‌توان آنها را با هم تطبیق نمود و می‌توان باور نمود که غیر از آنهایی که از فساد عمومی و کلی سلطنت محمدعلی استفاده می‌نمودند و عناصر بدنام و نشانی که در تحت مراحم و مهربانی آن اعلیحضرت به عیش و عشرت می‌گذرانیدند همه مراجعت او را به نظر یأس و نومیدی می‌نگرند. در هر صورت احساسات اعضاء مجلس برضد او است و به خوبی می‌توان تصور نمود که اگر سپهدار دست جلو را نگرفته و روز ۲۳ شهریاری استعفاء ننموده بود مجلس در همان روز رأی عدم اعتماد در حق او می‌داد.

در عرض مدت کمی که بر سر کار بود او در منزل خارج شهر خود در حدود زرگنده که در تحت حکمفرمایی دولت روس است متوقف بوده و مراکز پلتیکی از بی‌اعتنایی

و مشکل تراشی او نسبت به تمهیاتی که برای مقابله با محمدعلی دیده می‌شد متغیر و خشمگین بودند.

امروز در میان اعتدالیون و دموکراتهای مجلس اختلافی نیست همه آنها ظاهراً طرفدار کابینه دموکرات جدیدالتشکیل می‌باشند.

گفتگوی اعزام قشون برای دفع سالارالدوله خیلی در میان است که در تحت امر سردار ظفر و سردار جنگ بختیاری و دسته‌ای هم در تحت امر یفرم برای دفع محمدعلی فرستاده شود ولی نمی‌توانم زیادتر از این چیزی در این باب بنویسم تا آنکه آثار و علائم فعلیت‌دادن به این امر معلوم و مشهود گردد.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
طهران ۵ اوت ۱۹۱۱ [۱۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۰ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم راپورت دهم که از کفیل قنصلگری شیراز برای من مکتوبی رسیده از آن مشهود می‌گردد که تاکنون در تشکیل ژاندارمری تحت جنرال مالتا پیشرفتی حاصل نشده. جنرال مالتا ناخوش بود و گذشته از این بهم‌خوردگی کلی امورات در این سه‌ماهه اخیر برای هرگونه اصلاحات از قبیل تشکیل ژاندارمری کارآمدی نامساعد بوده است.

ملاحظه این مسئله مرا مانع آمده است به دولت ایران فشار وارد آورم که به واسطه پرداخت هشتاد هزار تومانی که برای ژاندارمری فارس تخصیص شده کسار جنرال مالتا را تسریع نمایند و بلاشک هرگاه این پول فرستاده می‌شد در این موقع باریک تماماً تلف می‌شد.

به واسطه نامعلومی و ابهام موقع امروزه فهم میزان قوه و استعداد ژاندارمری که دولت ایران تشکیل بدهند مشکل است ولی هرگاه سلطنت حالیه دوام کند من ناامید نیستم از اینکه دولت بتواند يك قوه مؤثری برقرار نماید.

صاحب‌منصبان سوئدی نزدیک است به ایران وارد شوند و هرگاه وجه کافی به آنها برسد بایستی بتوانند خدمات خوب بکنند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
[طهران ۱۵ اوت ۱۹۱۱ [۲۳ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

در باب مراسله ۱۲ ماه گذشته من افتخار دارم راپورت دهم که به مجرد وصول تلگراف ۲۱ ماه گذشته شما خزانه‌داری کل را اطلاع دادم که ماژور استوکس قبل از اینکه قبول فرماندهی ژاندارمری خزانه را بنماید باید از شغل خود در قشون هندی استعفاء نماید. وقتی بطوری که شما دستورالعمل داده بودید به او اطلاع دادم با کمال شدت استعفای وی را از شغل خود تقبیح نموده به او اشعار داشتم که تعیین او به این مقام که می‌خواهند بوی تفویض نمایند و مشاغل آن به نقاط جنوبی محصور نخواهد بود یقیناً باعث اعتراضات دولت روس خواهد شد و اعتراضات آن دولت که ما ممکن است نتوانیم با آن مخالفت نماییم یحتمل باعث نسخ کنترات او گردد و اگر این‌طور شود برای او خیلی ناگوار خواهد بود ولی چنانچه بر من معلوم گردید او مصمم استعفاء می‌باشد در صورتی که شرط موافق دلخواه وی در کنترات بشود که پس از انقضای مدت کنترات یا نسخ استخدام او حقوق تقاعدی در حقش برقرار گردد. در موقعی که مستر شوستر مختار گردید که از طرف مجلس ماژور استوکس را استخدام نماید شرطی برای برقراری حقوق تقاعدی در حق وی بعمل نیامد و بنابراین لازم بود که در این باب با مجلس مذاکره ثانوی شود. کابینه قدری مردد بود که چنین کاری بکند. سفیر روس به وزیر امور خارجه رسانیده بود که دولت روس از تعیین او که پیشنهاد شده بسیار بی‌میل می‌باشند و وزیر امور خارجه البته از این مسئله آگاه می‌باشند و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] لازم دانسته بود که مسئولیت تعیین وی را از خود رفع نماید و اظهار داشت که تعیین وی بدون اطلاع کابینه پیشنهاد گردیده بود.

مستر شوستر به کابینه فشار وارد آورد که ترتیبات تعیین حقوق تقاعدی او را از مجلس بگذرانند ولی اصرارهای او تا زمان برسر کار آمدن کابینه دموکرات حالیه مشرئمری نگردید. کابینه مزبور در ۲۵ ماه گذشته مشغول بکار شد و روز ۲۹ ماه گذشته شرایط حقوق تقاعدی ماژور استوکس رأی گرفته شد ماژور استوکس روز بعد همان روز استعفای خود را عرضه داشت.

برحسب تعلیمات شما من به وزیر امور خارجه در ۲۹ ماه گذشته اظهار داشتم که شنیده‌ام هرگاه ماژور استوکس قبول مقامی که به او اعطاء شده بنماید ممکن است وی را بر اقدامات نظامی بر علیه [= علیه] شاه مخلوع بکار وادارند و به جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار نمودم که هرگاه او را به این‌طور بکار وادارند ممکن است بهانه بدست صاحب‌منصبان روسی داده شود که با طرف مخالف همراهی جدی نمایند. در دوم شهر جاری به وصول تلگراف روز قبل شما من او را بطور رسمی از این مسئله متنبه نمودم من جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را اطلاع دادم و یادداشتی بایشان دادم که ماژور

استوکس لازم است قبل از آنکه در استخدام دولت ایران داخل شود از شغل خود استعفاء نماید و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین وی بدون مراجعه به دولت اعلیحضرتی صورت انجام گرفته و دولت مشارالیه‌ها صلاح می‌دانستند که با ایشان قبلاً در این باب مشورت شود و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] را متذکر ساختم که تعیین مازور استوکس برای هرگونه اقدامات نظامی شمال ایران ممکن است متضمن ملاحظات پلتیکی باشد و دولت اعلیحضرتی اعتراضاتی را که بر علیه [= علیه] آن ممکن است بشود نمی‌توانند رد نمایند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)
طهران ۸ اوت ۱۹۱۱ [۱۶ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۳ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم ملخص مکتوبی که ویس قنسول اعلیحضرتی مقیم رشت برای من فرستاده و بعضی اطلاعات در باب پیاده شدن محمدعلی‌شاه و مخصوصاً در باب طوایف ترکمن داده است لذا ایفاد دارم، از این اطلاعات می‌توان فهمید که تا چه اندازه محتمل است طوایف مذکوره به شاه مخلوع تقویت نمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۱۶

از طرف ویس قنسول رایینو به سر جارج بارکلی
رشت غره اوت ۱۹۱۱ [۹ مرداد ۱۲۹۰؛ ۶ شعبان ۱۳۲۹]

افتخار دارم آنچه اطلاعات توانسته‌ام بدست آورم در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران و طوایف ترکمن و رؤسای آنها و کوهستانی‌هایی که محمدعلی بلاشک برای تصرف تاج و تخت سلطنت بر آنها متکی است نوشته به عرض شما برسانم.

۱- حرکت شاه مخلوع به طرف کمش‌تپه

محمدعلی‌میرزا روز ۱۷ ماه ژوئیت به کمش‌تپه پیاده شد. از قرار مذکور غفلتاً از وینه برای بتروسک [= پتروسک] با اسم جعلی حرکت کرده و یک جهازی مخصوص خود کرایه نمود که خود و دوازده نفر از همراهانش را مستقیماً به کمش‌تپه که بندر استرپاد است ببرد.

از قرار مذکور او ۷۰ لنگه بار که اکثر آنها محتوی اسلحه و مهمات جنگی بوده‌اند در این کشتی حمل نموده است.

۲- ترکمنها

طوایف ترکمن همیشه طرفدار سلطنت استبدادی بوده‌اند. حاکمی که طرف میل آنها

است علاءالدوله است که هنگامی که در میان آنها بودند دو نفر از آنها را دم توپ گذارد با وجود آنکه می‌گفتند تبعه روس می‌باشند.

وقتی که در ماه دسامبر ۱۹۰۹ طوایف ترکمن را ملاقات نمودم آنها به من اظهار تعجب می‌نمودند از اینکه محمدعلی میرزا پس از واقعات ۱۳ ژوئیه در میان آنها پناهنده نشد.

بعضی از جوانان آنها فریاد می‌زدند ما تمام مملکت را از اینجا تا پایتخت منهدم و ویران نمودیم.

واضح بود که چون این طوایف سنی بودند به این زودیها مطیع و منقاد پارلمان نمی‌شدند و بعقیده آنها مجلس در تحت نفوذ و اوامر چند نفر از مجتهدین شیعه می‌باشد.

محمدعلی میرزا بزودی از احساسات و خیالات آنها باخبر شده و باب مراسلات را با رؤسای آنها مفتوح و عکس خود را با انعامات مختلفه برای آنها فرستاد. انجمن استرآباد و حکومت‌های مختلفه که از زمان سلطان احمدشاه بدانجا فرستاده شده کاری نکرده‌اند که یا با ترکمنها اصلاح نمایند و یا آنکه به غارت‌های آنها خاتمه دهند.

ترکمنها علی‌هذا آنقدر جسور گردیدند که شبانه داخل شهر شده و اسبهای حاکم را از طویله خودش می‌دزدیدند و بطور آشکار شهرت یافت که آنها بنا بر دعوت انجمن اینکار را می‌کردند.

ایلات جعفربای و آقابای یموت از سایر ایلات یموت با مکت‌تر و سواره ایشان بهتر است و اگرچه طایفه خان یخماز از همه وحشی‌تر می‌باشند ولی سارقین و راه‌زنان جسورتر از همه در میان دو طایفه که قبلا مذکور گردید یافت می‌شوند که چون از خود وسیله معیشت ندارند مجبوراند برای فراهم آوردن اسباب تعیشت خود از قبیل تعمیر آلاچیق (چادر) و خرید زن برای خود بواسطه حمله و هجوم بر محلات حدود خود تحصیل وجه نمایند.

طوایف جعفربای و آقابای آن‌طور آزادی که سابق داشتند ندارند که از دادن جبران مصون باشند. از سی سال قبل تاکنون محلاتی که در آنجاها بطور ثابت سکونت اختیار نموده‌اند هم در عده و هم در وسعت زیاد شده است. کمش‌تپه و خواجه نفس و اومکالی و پاشن‌پورخه تمام محلات عمده‌ایست که در آنجاها عمارات چوبی در خارج و انبارهای مال‌التجاره دیده می‌شود.

حال هرگاه طوایفی که مکتشان زیادتر است بخواهند دسته‌ای از خودشان برای جنگ بفرستند برایشان ممکن نیست چادرهای خود را از سواحل جنوبی رودخانه اترک بجای دیگر نقل نمایند.

بنابراین تصور می‌کنم عده زیادی از آنها امتناع خواهند ورزید از اینکه از دشت گرگان حرکت کنند و هزار و پانصد نفر زیادترین عده‌ایست که ممکن است انتظار داشت محمدعلی بتواند از ترکمنها بدست آرد و اگرچه در بدو کار این قشون امدادی

ممکن است برای شاه ممدی برای تخویف و تهدید مردم به اطاعت باشد ولی آخرالامر غارتها و چپاول آنها حتماً اسباب شورش رعایای بیچاره پایمال شده خواهد گردید. هرگاه اینطور بشود برای محمدعلی میرزا تحصیل آذوقه اشکال خواهد داشت و همین مسئله ابتدای تفرقه قشون او خواهد بود.

يك نقص دیگر ترکمنها در موقع جنگ تنظیمات طایفگی آنها است و هنوز رسم داشتن بزرگتر و سرکرده در میان آنها بطور بسیار قدیم مجری و معمول است و ما می‌توانیم آن را به شسیالیزم [سوسیالیزم؟] جدید تشبیه نماییم. هیچیک از آنها بر دیگری تفوق و برتری ندارد.

این اصول تنظیمات تا اندازه‌ای در میان آنها رسوخ دارد که برای هرگونه تقصیری مجازات حقیقی در کار نیست (مگر آنکه طرفی که مظلوم واقع شده قوی‌تر باشد) چرا که ریش‌سفیدان ایل قدرت اینکه به تصمیم خود فعلیت دهند ندارند مگر آنکه دو فرقه متخاصمه آن تصمیم را تصویب نمایند.

نمره - ۳۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

از وقتی که مکتوب ۲۸ ماه گذشته خود را ارسال داشتم شاه مخلوع تا ساری که پایتخت مازندران باشد پیش آمده و در آنجا شعاع السلطنه برادر وی که در استرآباد مانده بود که پول و اسلحه و مهماتی که در شهر بدست می‌آمد جمع‌آوری نماید به او ملحق شده است. از قرار مذکور شاه مخلوع هزار نفر که اکثرشان ترکمن هستند با سه عراده توپ کوهستانی همراه دارد. عده قشون دیگری قریب ششصد نفر و سه عراده توپ در تحت سردار ارشد از راه مشهد به طرف طهران در حرکت و حالا شهر دامغان را پس از قدری جنگ قبضه نموده‌اند.

يك دسته قشون دولتی قریب هزار و چهارصد نفر در تحت امر سردار محیی که در زمان رولوسیون یکی از سرکردگان سپهدار بود از طهران اعزام شده که گردنه‌های کوههای مازندران را در حدود فیروزکوه قریب هفتاد میلی مشرق طهران تصرف نماید و او آنها را قبل از آنکه رشید السلطان که شاه مخلوع او را از طرف شمال فرستاده بود به تصرف خود درآورد قبضه نمود. از قرار آنکه فهمیده‌ام دولت چندان به این قشون اعتماد ندارند که با محمدعلی طرف شود و منتظر قشونی هستند که یفرم رئیس نظمیه فعلاً در طهران تشکیل می‌دهد که در تحت امر خود و سردار بهادر حرکت کنند. با کمال اطمینان امید است که وقتی که این قشون حاضر می‌شود سرکردگان آن به همان مظفریتی که در جنگ رحیم‌خان در آذربایجان زمستان سال گذشته تحصیل نمودند نائل گردند.

سالارالدوله الحال کرمانشاه را در تصرف دارد و شش هزار نفر همراه خود دارد.

امیرمفخم حاکم بختیاری بروجرد را تعلیم داده شده است که به جنگ او برود. او قشون معتبری همراه دارد چرا که همین تازگی مشغول آرام نمودن الوار بود و از قراری که راپورت داده شده به آن کار فایق آمده ولی آثار و علائم حرکت او بطرف کرمانشاه معلوم نیست. او یکی از اعضاء خانواده حاجی ایلخانی است که در زمان رولوسیون از جانب محمدعلی میرزا جنگ می کرد و هرگاه از جنگ با سالارالدوله امتناع ورزد اسباب تعجب نخواهد بود.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)
طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]
آقا

در باب مکتوب ۱۱ ژوئیت من در خصوص اوضاع امنیت طرق جنوبی افتخار دارم راپورت دهم که نه فقط راه شیراز الی اصفهان هنوز امن نیست بلکه آنقدر سرقت در راه بختیاری واقع شده که کمپانی لنج [= لینچ] حمل و نقل مال التجاره را موقوف داشته اند. قاطرداران که عده قاطر آنها برای حمل و نقل مال التجاره که جمع شده کافی نمی باشد و وکیل اداره به من اظهار می دارد که حمل آنها دو سال وقت می خواهد، امتناع دارند از اینکه خود و قاطرهای خود را در معرض حملات طوایف کهکلوئییه [= کهگیلویه] و بهمه ای قرار دهند.

برای مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا مقیم شیراز همه اشکال داشته است قاطرداران را ترغیب بنمایند که برای تفتیش راه حرکت کرده و خود را در خطر بگذارند مگر آنکه برای هرگونه خساراتی که ممکن است بدانها وارد شود قبل از وقت ضمانتی داده شود.

جنرال قنصل اعلیٰ حضرتی مقیم اصفهان در ۸ ژوئیت راپورت داد که بهبودی موقتی این اوضاع چنانچه در مکتوب فوق الذکر من اشاره بدان شده چندان دوامی ننموده. در عرض هفته قبل راپورت سرقتهای تقریباً تمام راههای در خاک اصفهان رسیده. در ۱۵ ژوئیت مستر گریسم جنرال قنصل راپورت داد که راه پسته شیراز بکلی متروک مانده و هر قافله که وارد می شود از راههای بیراهه و دور مسافرت نموده است. این، تأمین امنیت را نمی نماید چرا که به موجب تلگرافی که در ۲۹ ژوئیت از شیراز رسیده آن قافله که محمول نقدینه بانک بوده و از راه سرحد از اصفهان می آمده چند صندوق محتوی هزار و پانصد تومان در خسرو شیرین که مقر تابستانی صولت الدوله است سرقت شده است.

مستر گریسم در مکتوب ۲۹ ژوئیت خود اظهار می دارد که به استثنای راه یزد راه دیگری که برای حمل و نقل مال التجاره امنیت داشته باشد نیست.

خساراتی را که به کمپانی ذیگلر وارد آمده و اقداماتی که من در آن باب نموده‌ام تلگرافاً [= تلگرافی] به شما مخابره نمودم ولی الحال افتخار دارم مواد مراسلات جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان را که حاکی تفصیلات دیگر راجع به سرقت‌های اخیر در راه بختیاری و طرق جنوبی می‌باشد و اشعارات وکیل کمپانی ذیگلر مقیم آن شهر در باب نکث تجارت انگلیس که بعلت عدم امنیت راه‌ها واقع شده که در صورت مأمون بودن راه‌ها از طرف جنوب مال‌التجاره برای اصفهان حمل می‌شود لفاً ایفاد می‌دارم.

در خاتمه مراسله خود اظهار می‌نمایم که به واسطه حضور آدم‌های نایب‌حسین امنیت راه اصفهان الی طهران تهدید شده و کمپانی لینچ حمل و نقل مال‌التجاره را در آن راه موقوف داشته‌اند و مال‌التجاره خود را همراه قوافل مخصوص که سعی خواهند کرد از بیراهه به طهران برسند حمل نموده‌اند.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری
طهران ۹ اوت ۱۹۱۱ [۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۴ شعبان ۱۳۲۹] آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع ایران را برای چهار هفته گذشته بطریق معمول ماهیانه ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۱۹

خلاصه وقایع ایران برای چهار هفته

از ۱۳ ژوئیت الی ۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۱ تیر تا ۱۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۱۶ رجب تا ۱۴ شعبان ۱۳۲۹]

طهران

کابینه

در ۱۹ ژوئیت [۲۷ تیر، ۲۲ رجب] سپهدار کابینه را تشکیل داد. اعضاء آن بقرار ذیل است:

سپهدار	صدر اعظم
وثوق الدوله	وزیر داخله
صمصام السلطنه	وزیر جنگ
محتشم السلطنه	وزیر امور خارجه

وزیر عدلیه	قوام السلطنه
وزیر مالیه	معاون الدوله
وزیر پست و غیره	مشیر الدوله
وزیر معارف	حکیم الملک

این کابینه زیاده‌تر از پنج روز دوام ننمود و در ۲۴ ژوئیت سپهبدار استعفاء نمود و نایب السلطنه استعفایش را قبول کرده در ۲۶ ژوئیت صمصام السلطنه، یلخانی بختیاری به صدارت منصوب و کابینه ذیل را تشکیل و به مجلس معرفی نمود:

صدراعظم و رئیس الوزراء	صمصام السلطنه
وزیر امور خارجه	وثوق الدوله
وزیر داخله	قوام السلطنه
وزیر مالیه	حکیم الملک
وزیر عدلیه	مشیر الدوله
وزیر پست و غیره	دبیر الملک
وزیر معارف	علاء السلطنه

در غره همین ماه دبیر الملک استعفاء نموده و بطرف اروپا رهسپار گردید. یکی از وکلاء موسوم به معاضد السلطنه که تاکنون برای وزارت انتخاب نگردیده بود در سوم شهر جاری بجای وی منصوب گردید.

دستگیریهای پلتیکی - کمی پس از آنکه مجلس قانون نظامی را تصویب نماید چندین دستگیری پلتیکی بعمل آمد. از آن جمله حاجی مجدالدوله که دارای نشان ك. سی. ام. جی. انگلیس است و امین الدوله و ظهیرالاسلام دستگیر گردیدند. در موقع دستگیری مجدالدوله قدری خونریزی به وقوع پیوست.

مجلس - کابینه وزراء در جلسه فوق العاده ۱۹ ژوئیت مجلس از آن هیئت درخواست نمودند که قانون نظامی را تصویب نمایند تا آنکه در طهران و ایالات و ولایات در صورت لزوم اعلان شود. مجلس به اتفاق آراء این قانون را تصویب نمود.

ورود شاه مخلوع در ۱۷ ژوئیت [۲۵ تیر؛ ۲۰ رجب] به ایران که باعث اعلان قانون نظامی در طهران گردید منتج به اتحاد موقتی دو پارتی عمده مجلس که اعتدال و دموکرات باشد گردید.

مجلس در جلسه ۲۹ ژوئیت [۶ امرداد؛ ۳ شعبان] باتفاق آراء تصویب نمود که به قاتل یا شخص دستگیر محمدعلی میرزا یکصد هزار تومان و به قاتل یا شخص دستگیر سالارالدوله و شعاع السلطنه دو برادران شاه مخلوع هر يك بیست و پنج هزار تومان داده شود. در همان جلسه مجلس به اتفاق آراء تصویب نمود که حقوق تقاعدی سالیانه ۲۵۰ لیرا در حق ماژور استوکس مقرر گردد در صورتیکه پس از انقضای سه سالی که کنترات شده است کنترات او تجدید نگردد.

مجلس در این اواخر بیشتر مشغول مذاکرات راجع به قانون انتخاب بوده است که در عوض اینکه انتخابات دو درجه بعمل آید چنانچه در انتخاب عمومی دو سال قبل بعمل

آمد بطور مستقیم انتخاب بشود.

مطبوعات - ایران، نو یکی از روزنامه‌جات یومیۀ تهران ده روز بود توقیف شده بود بواسطۀ حملۀ شدیدی که به سپهدار و کابینۀ وی نموده بود ولی روز هشتم شهر جاری دوباره طبع گردید و مقاله‌ای در باب مراجعت شاه مخلوع به ایران مندرج داشت و انگلستان و روسیه را متهم به همراهی با محمدعلی نموده بود.

تبریز

ایالت تبریز موقتاً با شاهزاده امان‌الله میرزا است و تاکنون کسی برای این عہدہ از طهران حرکت ننموده اگرچه شاهزاده عین‌الدوله برای این مقام نامزد گردیده است.

رشت

شهر آرام است اگرچه بواسطۀ ورود شاه مخلوع به ایران در میان مردم قدری هیجان پیدا کرده است. گردیده است. زمین‌الممالک حاکم گیلان از قرار مذکور استعفاء نموده است.

مشهد

صاحب‌اختیار ایالت خراسان در اواخر ژون از مشهد به سمت طهران رهسپار گردید. تاکنون کسی بجای وی انتخاب نشده. رشیدالسلطان از سبزوار حرکت کرده و حالا در مازندران است و ظاهراً به منافع کار می‌کند.

اصفهان

جنرال قنصل اعلیحضرتی در موقعی که راپورت هفتگی خود را در ۸ ژوئیت ارسال داشت. جلب توجه به تجدید وقوع سرقتها در تقریباً تمام راهها که در جزو قلمرو حکومت اصفهان است نموده و از وضع بد اداره شدن امور آن ولایت شرحی نوشته است.

در ۲۳ ژوئیت [۳۱ تیر؛ ۲۶ رجب] معین‌همایون برادر سردار محتشم بختیاری از اصفهان به سمت طهران با ۱۳۵ نفر بختیاری و چند نفر سوار دیگر حرکت نمود. سردار محتشم و سردار بهادر از قرار مذکور در شرف حرکت به طهران بسا تمام بختیاریهایی که حاضر هستند می‌باشند. حاکم اصفهان تخمین عده‌ای که در تحت امر دو نفر از خوانین می‌باشد به دو هزار نفر می‌زند ولی چنانچه تصور می‌شود این اغراق باشد.

کمپانی لینچ راپورت سرقتها واقع در راه از اهواز الی اصفهان را داده‌اند و بعلت آن ایاب و ذهاب قوافل موقتاً به تعویق افتاده است.

یزد

فخرالملک حاکم جدید پس از ورود خود فوراً بطرف کوهستان حرکت نموده و حاجی قوام دیوان را بجای خود گذاشت و او به طهران فرار نموده و ظاهراً یزد دوباره بدون حکومت است.

نایب حسین یاغی معروف از قراری که راپورت داده شده با دویست و پنجاه سوار به طرف اردستان در حرکت است.

شیراز

اوضاع غیرمطلوب امور شهر شیراز که در خلاصه آخری خود شرح آنرا مفصلاً نگاشتم تاکنون به همان طور باقی است. نظام السلطنه به فرمانفرمائی باقی است اگرچه هنگامی که صمصام السلطنه صدراعظم شد عموم اینطور تصور می نمودند که قصد وی این بود نظام السلطنه را فوراً از کار معزول نماید. بلوردیها [= بوالوردیها] هنوز می خواهند با حکومت از در مجادله داخل شوند و او هم سعی دارد آنها را از محله ای که در تصرفشان است خارج نماید ولی تاکنون باین امر فایق نگردیده است. از ۸ ژوئیت تاکنون شلیک گاهگاهی به وقوع می رسیده و در دو موقع نظام السلطنه تهدید نمود که محلات یاغیان را بمبارده نماید. در ۳۰ ژوئیت بهادرالملک یکی از اشخاص عمده ای که قوام الملک را نگاهداشته بود از طرف همراهان عطاءالدوله مقتول گردید. قشقایها دسته دسته به شیراز وارد می شوند و دهات و خانه ها را غارت نموده اند بدون آنکه مجازاتی در کار باشد. قوام الملک در قنصلخانه متوقف است.

سیستان

ماژور اکنور [اوکانر؟] از بیرجند می نویسد که طوایف بلوچ به تحریک حشمت الملک به قائنات هجوم آورده اند. عربهای آن ناحیه به بیرجند ورود نموده و در چادرهای سیاه خود سکونت اختیار نموده اند تجار معتبر برای استعانت آنها وجوهات جمع آوری می نمایند.

دسته ای کوچک مرکب از سه چهار نفر قزاق روسی که از حدود قائنات بطرف تربت بهمراهی یک خانم روسی مراجعت می نمودند سارقین بلوچ آنها را حمله نموده و آنچه داشتند از قبیل اسب و تفنگ بردند. راهبهای تمام این ایالت ناامن می باشند.

کرمان

سردار محیی که در خلاصه آخری راپورت داده شد به ایالت کرمان منصوب گردیده الحال به سرکردگی عساکر بر ضد شاه مخلوع فرستاده شده و شاهزاده امیراعظم به ایالت کرمان منصوب گردیده است.

در ۱۲ ژوئیت بعلت اذیت و آزاری که به گبرها می شد قریب یکصد نفر آنها در

قنصلخانه اعلیحضرتی پناهنده گردیدند. در ۱۵ ژوئیت ازدهام [= ازدحام] کارخانه‌های نساجی را تهدید نموده و نساچان هم در قنصلخانه اعلیحضرتی بست اختیار نمودند. در ۱۷ ژوئیت یکی از پناهندگان گبر که برای خرید آذوقه به شهر رفت به ضرب گلوله مقتول گردید و قاتل او هنوز معلوم نشده است.

کرمانشاه

سالارالدوله در ۲۴ ژوئیت از کردستان برای کرمانشاه حرکت نموده روز ۳۰ ژوئیت بدانجا وارد گردید. در این وقت تمام مأمورین طهران از شهر اخراج گردیدند و کسی با شاهزاده مقاومت ننمود.

همدان

قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه روز غره شهر جاری تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داد که آژانس مقیم همدان را پورت اغتشاشات بزرگ در شهر را داده است و اظهار داشت که قتل اشخاص و غارت اموال در کار بوده و همکاران وی اتباع خارجه و بیرقهای آنها را محافظت می‌نماید. به آژانس مذکور قنصل اعلیحضرتی تعلیم داده است که هر اندازه که بتواند اتباع انگلیس را محافظت نماید و با پسته بیرقی برای وی فرستاده شد.

بوشهر

اوضاع این ناحیه ظاهراً بطریق معمول است و خبری که قابل ذکر باشد نیست.

نمره - ۳۲۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اوت)

قلهك ۳۰ اوت ۱۹۱۱ [۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۵ رمضان ۱۳۲۹]

حرکات شاه مخلوع - از قراری که فهمیده‌ام یکدسته از عساکر شاه مخلوع در فیروزکوه از طرف عساکر دولتی شکست خورده است. از قراری که راپورت داده شده یکصد نفر از قشون شاه مخلوع مقتول گردیده‌اند.

راپورت غلبه دیگر عساکر دولتی در نزدیکی بلده در پنجاه میلی شمال شرقی طهران (در مازندران) داده شده است. از قراری که مذکور گردیده خصم بکلی منهزم گردیده است.

نمره - ۳۲۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل از کرمان واصل گردیده است:

طرق مابین کرمان و بندر عباس بکلی ناامن می‌باشد و مقداری زیاد قالی در کرمان موجود و حاضر برای حمل می‌باشد کفیل حکومت مستحفظ همراه می‌فرستد ولی مسئولیت بعهده نمی‌گیرد. قریب دوازده نفر اروپائیان قصد دارند از کرمان به طرف بندرعباس در این پائیز حرکت کنند، حرکت بسیاری از آنها لازم است ولی نمی‌توانم به آنها اطمینان احتمال تغییر اوضاع بدهم و هم نمی‌توانم از حاکم تحصیل اطمینان بنمایم که بطور مکفی از آنها محافظت شود. انتظار خطر نه فقط از فارس می‌رود بلکه از قرار مذکور بلوچها هم در تهیه می‌باشند که به نرماشیر [= نرماشیر] و جیرفت هجوم آورند و ایلات و ایالت کرمان هم محتمل است از موقعی که بواسطه اغتشاشات عمومی مملکت حادث گردیده استفاده نمایند.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 به تلگراف ۲۴ اوت من رجوع فرمایید:

از ویس قنصل مقیم سلطان آباد برای من اطلاع رسیده که قریب ده هزار نفر همراه سالارالدوله می‌باشند و اینها مرکب هستند از ایلات مختلفه از قبیل ایل کلهر و غیره. عقیده عموم بر این است که قصد او این است پس از قبضه همدان بطرف قزوین حرکت کند.

بعلاوه راپورت داده شده است که امیر مخم حاکم بختیاری و لرسنجان الحال از بروجرد بطرف همدان حرکت نموده است. دولت ایران مکرراً ایشان را امر داده‌اند که به جنگ سالارالدوله برود.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اوت)
 طهران ۳۱ اوت ۱۹۱۱ [۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۶ رمضان ۱۳۲۹]
 تلگراف ذیل از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است:

یک‌دسته از ایلات غارتگر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ کوهستانی دارند (و آنها را خودشان قبضه نموده‌اند) و فعلاً بندرعباس را تهدید نموده‌اند.
 کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرمیس امروز به بندرعباس وارد می‌شود و می‌نفر

برای محافظت قنصلخانه در آن هستند، که در صورت لزوم آنها را به کار وادارند و چنانچه در موارد سابق اقدامات نموده‌اند هرگونه اقدامی را که برای حفظ اجانب لازم بدانند بعمل خواهند آورد. تعلیمات داده شده است که به سرکردگان آنها انتباهات لازم داده شود. من این مسئله را تصویب نموده‌ام.

نمره - ۳۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد [گری] (واصله ۲ سپتامبر) طهران ۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۸ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۳۱ اوت - راه بندرعباس الی کرمان دو فقره سرقت دیگر راپورت داده شده: در یکی از آنها خساراتی که به تجار انگلیسی و هندی وارد آمده به هفت هزار تومان می‌رسد. در دیگر ۱۹۷ لنگه قالی و غیره متعلق به اداره کاستلی و دیگران به سرقت برده شده. یکی از رؤسای محلی تمام آنها را به استثنای ۳۳ لنگه مسترد داشته و قبل از آنکه اجناس مسترده را تحویل بدهد يك ثلث قیمت آنها را مطالبه می‌نماید.

نمره - ۳۲۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ سپتامبر) طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
سالارالدوله - رجوع بقسمت آخری مکتوب نهم اوت من نمایید:
از قراری که مسیو پکلوسکی [= پاکلوسکی] از قنصل روس مقیم کرمانشاه اطلاع یافته است الوار با سالارالدوله متحد شده و شاهزاده مذکور حکومت بروجرد را به نظرعلی (سردار اکرم) که یکی از رؤسای ایل است و پدر زن او می‌باشد واگذار نموده است.
قنصل روس بعلاوه راپورت می‌دهد که امیر مفخم از بروجرد حرکت کرده ولی معلوم نیست که آیا قصد دارد با سالارالدوله جنگ کند یا آنکه به‌وی ملحق گردد. او حالا در ناحیه ملایر می‌باشد و فعلا تا محل سالارالدوله فاصله بسیار کمی دارد.

نمره - ۳۲۶

(تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی)

وزارت خارجه ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۳۱ اوت شما - تا زمان تشکیل ژاندارمری چه اقدامات موقتی

(۱) انتباهات = هشدارها (انتباه = هشدار) - م.

(۲) اصل: کاسنلی - م.

می‌توانید برای حفظ طرق جنوبی ارائه طریق نمایید؟

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ سپتامبر)
طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]
حرکات شاه مخلوع - راجع به تلگراف ۲۷ اوت من - از قراری که به من اطلاع
رسیده دیروز در خوار که در مغرب ارادان واقع است جنگی واقع گردید و بختیارپها که
از قرار راپورت واصله تلفاتی نداشتند ارشدالدوله را شکست داده عده زیادی از
عساکر وی را به قتل رسانیدند.

نمره - ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ سپتامبر)
طهران ۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۹]
طرق جنوبی - در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که الحال
با صاحب‌منصبان قنصلخانه اعلی‌حضرتی مشغول مذاکره هستم. تلگراف ذیل همین حالا
از کرمان رسیده است:

متأسفانه راپورت می‌دهم که اوضاع ایالت کرمان حالیه بسیار مهم است. از اطراف
راپورت سرقت‌های متوالیه داده می‌شود و حمل و نقل مال‌التجاره در راه‌های تجارتی
کرمان الی بندرعباس بکلی موقوف گردیده است. در خود شهر مقدار زیادی قالی
جمع گردیده و یکی از دو ادارات بزرگ قالی‌بافی اروپایی دیگر قالی‌بافان را بکار
وانداشته اجرت به آنها نمی‌دهند. چهار روز دیگر قریب پنج یا شش هزار نفر آنها
بیکار خواهند بود. با این وضع اداره دیگر هم نمی‌تواند دستورالعمل بافتن قالی بدهد
در صورتی که حمل آن میسر نشود و چهار هزار نفر بافنده دیگر بیکار خواهند شد.
قیمت نان و گوشت گران است و بعلاوه کمیاب می‌باشند. اهالی را بیم فرا گرفته،
مأمورین محلی ایرانی بکلی از رفع این اشکال عاجزند و از وضع رفتار و گفتار آنها
عقیده آنها بر این است که علاج کار امکان ندارد و بهترین رویه که بنظر آنها صلاح
می‌آید تعقیب نمایند این است که قبل از آنکه کار بجای سخت‌تری منجر شود آنچه
می‌توانند بعمل آورند.

به وصول این تلگراف من بحکومت مرکزی اصرار نمودم که به مأمورین محلی کرمان
تعلیم دهند برای حمل قالی‌ها مستحفظ تعیین نمایند که کمپانی مسررکاستلی بتوانند
دنباله کار خود را گرفته و برای بافندگان کار تهیه نمایند.

نمره - ۳۲۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)
 طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۱ اوت من - شجاع الدوله فعلا از باسمنج [= باسمنج] تبریز را
 تهدید می نماید.

نمره - ۳۳۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۸ سپتامبر)
 طهران ۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۴ رمضان ۱۳۲۹]
 عده ای از رؤسای ایل عرب و بهارلو پس از قدری جنگ در حدود شیراز داخل شهر
 شده اند. همراهان زیادی دارند و قسمت معظم آنها در خارج شهر مشغول جنگ غیر منظم
 با قشقایها می باشند. چنانچه اظهار می دارند آمده اند که انتقام قتل نصرالدوله را
 نموده و خانواده او را حفظ نمایند و قصد دارند در صورتی که فرمانفرما بآنها تسلیم
 نشود او را دستگیر نمایند ولی می گویند انتظامات ایالت را بهم نخواهند زد.

نمره - ۳۳۱

تلگراف استونز قنصل به سر ادوارد گری (واصله ۹ سپتامبر)
 باطوم ۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]
 کفیل ویس قنصلگری مقیم بادکوبه اطلاع می دهد که از قراری که شهرت دارد
 شاه مخلوع ایران روز ۷ سپتامبر به آنجا وارد شده و رفت ولی نفهمیده است به کجا
 رفته.

نمره - ۳۳۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ سپتامبر)
 طهران ۱۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۶ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - وزیر امور خارجه مرا اطلاع می دهد که جنرال
 قنصل روس به مأمورین محلی تبریز اعلام نموده است که از آنجایی که قشون نظامی
 روس حفظ اتباع خارجه را بعهده گرفته است و استقرار نظم به عهده آنها است
 مأمورین محلی ایرانی و اهالی شهر نباید سنگر درست نموده و یا داخل شهر جنگ
 نمایند. اگر می خواهند بجنگند باید بیرون شهر جنگ کنند.

سفیر روس مرا اطلاع می دهد که اوامر کنونی مأمورین نظامی روس در ایران این
 است که از غارت اموال ممانعت نموده و در جاهایی که عساکر مجتمعند از جنگ

جلوگیری نمایند.

نمره - ۳۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
 طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۱۰ سپتامبر من - جنرال قنصل روس مقیم تبریز را پورت می‌دهد
 که خطاری مشابه آنکه به مأمورین محلی تبریز نموده برای شجاع الدوله فرستاده است.

نمره - ۳۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ سپتامبر)
 طهران ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۴ سپتامبر من - ویس قنصل مقیم سلطان آباد را پورت می‌دهد که
 عساکر سالارالدوله امیر مخم را شکست داده و او بطرف سلطان آباد حرکت نموده است
 و سردار ظفر پسر عموی وی پانصد نفر بختیاری آنجا دارد.

نمره - ۳۳۵

مکتوب اداره امور خارجه هند به وزارت خارجه (واصله ۱۴ سپتامبر)
 معاون وزیر هند [به] معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار
 خاطر وزیر امور خارجه سواد تلگراف ۹ سپتامبر فرمانفرمای هند را در باب اوضاع
 امور بندرعباس لفا ایفاد می‌دارد.
 اداره امور خارجه هند ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوف نمره ۳۳۵

تلگراف حکومت هندوستان به مارکس اف کرو

۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۵ رمضان ۱۳۲۹]

قریب چهارصد نفر از ایلات بهارلو تازگی غفلتاً به ناحیه بندرعباس ورود نموده
 و دهات را غارت نمودند.

هفته نفر از تجار هندوی بندرعباس بعنوان پروتست بر علیه [= علیه] اغتشاش
 مژمن طرق تجارتی و به واسطه عدم حصول جبران سرقتهای متوالیه مالالتجاره خود
 حجرات خود را بسجده و به قنصلخانه آمدند. عده مستحقظین قنصلخانه بندرعباس زیاد
 شده و با آنهایی که در تحت یکنفر صاحب منصب از جاشک رسیده‌اند عده آنها به
 پنجاه نفر می‌رسد.

دویست نفر از عساکر ایرانی به همین زودیها از بوشهر به طرف بندرعباس خواهند رفت و فعلاً در حوالی آن نقطه از غارتگران کسی یافت نمی‌شود. تا زمانی که عساکر نرسیده‌اند کشتی اعلیحضرتی موسوم به اسپیکل در بندرعباس توقف خواهد نمود و پس از ورود آنها کشتی مزبور با مستحفظین اضافی به جاشک خواهد رفت.

نمره - ۳۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر) طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹] حرکات شاه مخلوع - از قرار معلوم شورش مازندران به يك حال بدی است. قنصل روس مقیم استرآباد راپورت می‌دهد که محمدعلی میرزا مجدداً با هفت نفر از همراهان خود به کمش‌تپه وارد شده است. امیر مکرم در بارفروش در ویس قنصلگری روس بست اختیار کرده است.

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ سپتامبر) طهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۸ رمضان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری تبریز رسیده است:

در عرض دو هفته گذشته تجار دو دفعه شجاع‌الدوله را ملاقات نموده‌اند که او را از حمله به شهر ممانعت نمایند. او اجازه می‌خواهد وارد تبریز شود و اظهار می‌کند هرگاه نتواند اینکار را بکند راه ورود آذوقه را بشهر مسدود خواهد نمود. تمام خطوط به‌استثنای راه جلفا مسدود می‌باشند - قیمت ارزاق بسرعت گران می‌شود.

ملتیان در تهیه اقدام مهمی برای جلوگیری شجاع‌الدوله می‌باشند و در خارج شهر سنگرها تعمیر نموده و چهار هزار تفنگ در میان قشون خود تقسیم نموده‌اند.

نمره - ۳۲۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر) طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹] راجع به تلگراف ۸ سپتامبر من - تلگراف ذیل از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده است:

بواسطه طول توقف قوام در قنصلخانه منافع ما بی‌اندازه تضییق شده و دعوت نمودن

اهل خانه او این دسیسه‌کاران را و منزل دادن به ایشان در خانه خویش (از قراری که راپورت داده شده رؤسای ایلات عرب و بهارلو در خانه قوام می‌باشند) بنظر من می‌رسد دلیل خوبی است برای آنکه اگر بتوانیم بطوری که خطر مهم جانی برای او متصور نشود او را از قنسولخانه خارج نماییم. آیا نمی‌توانیم به فرمانفرما بگوییم اگر شما و صولت‌الدوله به دولت ایران تلگرافاً [= تلگرافی] بطور صحیح تعهد نمایید که آرام بوده و حفظ جان او را منظور بدارید ما قوام را به همراهی مستحفظین قنسولخانه تا هر محلی که مقرر شود فرستاده و او را در آنجا به رؤسای ایلات خمسه خواهیم سپرد، در صورتی که قوام همان وقت به دولت ایران تلگراف کند که به مسافت زیادی از شیراز خود و ایلاتش بطور آرامی توقف خواهند نمود تا آنکه از دولت مرکزی برای بعد اوامر برسد.

من با این پیشنهاد موافقت دارم و معنی می‌کنم که به این شرایط امر را فیصله دهم ولی برای فرستادن قسمتی از مستحفظین قنسولخانه به‌همراهی وی لازم است شما تصویب نمایید.

نمره - ۳۳۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر)
طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]

شیراز

فرمانفرما مشغول بمبارده قسمت شرقی شهر که خانه قوام‌الملک در آنجا است می‌باشد.

نمره - ۳۴۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ سپتامبر)
طهران ۱۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۹ رمضان ۱۳۲۹]
مطالب مشروحه ذیل مفاد پیغامی است که از وزیر امور خارجه رسیده:

قشون دولتی که در فیروزکوه بودند تمام عساکر شاه مخلوع را که در سوادکوه بودند متفرق ساختند. شاه مخلوع از قره‌تپه نزدیک اشرف بواسطه کشتی به کمش‌تپه وارد شد. فقط راهی که برای استخلاص خود از دستگیری دارد این است که در خاک روسیه یا کشتی روس پناهنده گردد. هرگاه در هر یک از این دو محل پناه به او داده شود ماده دهم پروتکل نقض خواهد شد و نیز مخالف اعلان عدم مداخله خواهد بود. به موجب ماده دهم حق پناه دادن به بستیه‌های سابق مسلوب و در مورد شاه مخلوع این شرط به طریق اولی معمول می‌باشد. هرگاه در صورتی که شاه مخلوع دچار اشکالات

شود در خاک روسیه به او پناه داده شود و موقعی بدست آرد که آنجا را مرکز قرار داده شروع به تحریک و اغتشاش و خونریزی نماید که برای دولت ایران باعث مخارج و مصارف خانه خراب کن شده و برای اینکار او را دو دفعه از خاک ایران قهراً خارج نموده اند اصول عدم مداخله بطور واضح نقض گردیده است.

دولت ایران بعلایل [به دلایل] مذکوره با کمال اعتماد از دولت روس استدعا می نماید که نگذارند شاه مخلوع خود را به خاک روسیه رساند و اگر اتفاقاً از تحت نظر مأمورین محلی روس خود را بگریزانند او و همراهانش را دستگیر نموده و به دولت ایران تسلیم نمایند.

نمره - ۳۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

اوضاع شیراز

راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من - نظام السلطنه به کفیل قنصلگری اطلاع داده است که بیشتر مایل است قوام الملک در قنصلخانه بماند عوض آنکه به ایلات خود تسلیم گردد. چرا که او نمی تواند به اطمینانات قوام الملک اعتماد کند. بنابراین حالا چاره دیگر بنظر نمی رسد مگر آنکه او در قنصلخانه توقف نماید.

نمره - ۳۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ سپتامبر)
طهران ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]

راهبای جنوبی - در جواب تلگراف ۴ سپتامبر شما افتخار دارم راپورت دهم که کلنل کاکس بطوری که ذیلا نگاشته می شود برای اقدامات ارائه طریق می کند و بنظر من اوضاع هرچ و مرج حالیه مستوجب چنین اقداماتی است که باعث بهبودی فوری امور خواهد گردید بدون آنکه مداخله لازم گردد.

نقشه ای که پیشنهاد شده بعلاوه رفع می کند احتمال وقوع نتایج و عواقب وخیمه را که مستلزم اشغال طرق جنوبی توسط عساکر انگلیسی خواهد بود.

آنچه ذیلا مذکور می گردد خلاصه پیشنهادات کلنل کاکس است:

یکصد نفر به عده مستحفظین سواره اصفهان و بوشهر و کرمان و بندرعباس اضافه شود - دویست نفر به عده مستحفظین شیراز اضافه گردد - در بم و یس قنصلگری تأسیس شود، با دویست نفر مستحفظ - کلنل کاکس بعلاوه ارائه طریق می نماید که صاحب منصبان لایق باید برای این مستحفظین معین گردیده و آنها را

به دستجات پنجاه نفری تقسیم کرده و همراه قوافلی که گاه به گاه مالالتجاره تجار انگلیس را حمل می نمایند فرستاد و بایستی خوانین و ایلاتی را که در عرض راه سکونت دارند خبر داد که طول ناامنی راههای تجارتی ما را مجبور به این احتیاط کاریها نموده و ما امیدوار به همراهی آنها هستیم و هرگاه آنها ابراز خصومت نموده و یا دست از همراهی بکشند ترتیبات ما مفصل تر خواهد شد و همین که قوه ژاندارمری يك استعداد مؤثر کافی شد از عده مستحفظین کاسته خواهد شد.

نمره - ۳۴۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۰ رمضان ۱۳۲۹]
از قراری که راپورت داده شده شاه مخلوع در بحر خزر می باشد و اگر موقعی بدست آورد مہیای پیاده شدن در هر يك از مراکز اغتشاش است. اگر این راپورت صحت داشته باشد تصور می کنیم دولت روس اقدامات لازمه نموده او را از سوء استعمال پناه گرفتن در تحت حمایت آن دولت منع خواهند نمود. شما باید از آن دولت تحقیق نمایید که آیا از محل اقامت حالیه محمدعلی خبری دارند؟

نمره - ۳۴۴

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ سپتامبر)
سنت پترزبورگ ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۹]
من امروز مسیو نراتوف را ملاقات نمودم و به موجب تعلیمات تلگرافی ۱۴ سپتامبر شما از وی تحقیقات نمودم.
جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که محمدعلی در هیچیک از کشتی های که با بیرق روس منظمأ در بحر خزر کار می کنند پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه به آنها دستورالعمل داده شود او را بپذیرند و یا آنکه بتواند با لباس مبدل خود را داخل آن کشتیها بنماید ولی برای دولت روس ممکن نخواهد بود شاه مخلوع را مانع شوند از اینکه در کشتی شخص دیگری سوار شده وارد خاک ایران گردد.
از تقریر مسیو نراتوف من دریافتم که اگر محمدعلی بتواند خود را به بادکوبه برساند دولت روس یقیناً وی را به دولت ایران تسلیم نخواهند کرد و جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که در چنین موردی نمی توان از بست اختیار نمودن او جلوگیری کرد.

من مسیو نراتوف را به اظهاریه خودمان در باب عدم مداخله و شرایط ماده دهم پروتکل متذکر ساختم. جناب معظم الیه [= معظم له] اظهار داشت که دولت متبوعه او مایل ایفاء به تعهدات خود بوده و وعده داد که به آن ماده پروتکل که من به آن اشاره

نموده بودم رجوع نماید.

نمره - ۳۴۵

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بیوکانون
وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]
دولت ایران به ما اطلاع داده‌اند که شاه مخلوع در کمبش‌تپه است و می‌ترسند در
کشتی روسی پناهنده شود و اظهار امیدواری می‌کنند که پناه به او داده نشود. تحقیق
نمایید که آیا چنین اظهاری هم به دولت روس شده است و چه اقداماتی در مد نظر
دارند؟

نمره - ۳۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۲ سپتامبر من - کفیل قنصلگری تبریز راپورت می‌دهد که
شجاع‌الدوله به اردوی دولتی شبیخون زده يك توپ از آنها گرفته چند نفر را به اسیری
برد. جنگ هنوز دوام داشت.

نمره - ۳۴۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۳ سپتامبر من - کفیل قنصلگری شیراز راپورت می‌دهد که در
۱۳ سپتامبر بمبارده ظاهراً بعلت عدم مهمات جنگی موقوف شد و در نقاط نزدیک در
تمام شب جنگ در کار بوده و ظاهراً نتیجه قطعی از آن حاصل نگردید.

نمره - ۳۴۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ سپتامبر)
طهران ۱۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۵ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۱ سپتامبر - ویس قنصل انگلیس راپورت می‌دهد که عساکر
سالارالدوله در ۱۴ سپتامبر سلطان‌آباد را قبضه نمودند بختیاریمها بطرف قم بازگشته‌اند.
سالارالدوله به کرمانشاه تلگراف نموده که از راه سلطان‌آباد بطرف طهران حرکت
خواهد کرد.

نمره - ۳۴۹

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد ترجمه تلگرافی که از دولت متبوعه اش در باب اقدامات آژانس قنصل روس در بندر جزر رسیده لفا ایفاد دارد. سفیر ایران تعلیم دارد که جلب توجه سر ادوارد گری را به نقض شدن استقلال و تمامیت ایران بنماید. میرزا مهدیخان از صمیم قلب امیدوار است که وزیر امور خارجه اقداماتی که اصلح می دانند برای جلوگیری از اینگونه اعمال که توضیح نشدنی است و نتیجه آنها فقط مغشوش نمودن مملکت است بنمایند. بندر جزر تا کمش تپه که شاه مخلوع به آنجا فرار نموده فاصله بسیار کمی دارد.

خیلی اسباب تأسف است که در موقعی که خیلی لازم بود سرحددار در بندر جزر بوده و مواظب آنجاها باشد او را به اینطور جبراً از آنجا خارج نمایند. نمی توان این مسئله را انکار نمود که بایستی جبران این اعمال شده و توضیح کاملی به دولت ایران داده شود.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

ملفوفی نمره ۳۴۹

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به میرزا مهدیخان

آژانس قنصلگری روس مقیم بندر جزر به معاونت بعضی از قزاقان، سرحددار بندر جزر را دستگیر نموده و او را به استرآباد فرستاده است. بعلاوه شانزده سرباز را به بندر جزر فرستاده اند و بعضی از تجار معتبر را که رئیس اداره تومانیانس هم جزو آنها بوده دستگیر کرده آنها را به کشتی جنگی روس برده اند. من برای این اقدام از سفیر روس استیضاح خواسته ام. آژانس قنصلگری فوق الذکر بایستی از مقامش معزول گردد.

نمره - ۳۵۰

مکتوب میرزا مهدیخان به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ سپتامبر)

سفیر ایران به وزیر امور خارجه سلام رسانیده و افتخار دارد توجه جناب معظم الیه [= معظم له] را به مذاکرات روز ۱۳ و ۱۵ شهر جاری که در باب فرار شاه مخلوع به کمش تپه با آن جناب نموده و صحبتی که با سر ارثر نیکلسن داشته است جلب نماید.

میرزا مهدیخان نمی خواهد برای آن جناب در خصوص اهمیت زیادی که دولت متبوعه او به این مسئله می دهند شکی باقی گذارد. در موقع ملاقاتهای خود در وزارت خارجه او عقاید دولت متبوعه خود را مفصلاً بیان نموده است و الحال می خواهد در خصوص بعضی نکات تأکید نماید.

دولت ایران به هیچ وجه من الوجوه تصور نمی نمایند که در این موقع دولت روس بگذارند شاه مخلوع در خاک آنها داخل شود. اگر بگذارند داخل شود یا آنکه او را در کشتی روسی پناه دهند این اقدام اولاً پروتکل ۱۹۰۹ را نقض خواهد نمود و ثانیاً برخلاف اطمیناناتی خواهد بود که دولتین بریطانیای عظمی و روس داده اند (در جواب پروتستهای دولت ایران زمانی که محمدعلی میرزا به ایران مراجعت نمود) که چون شاه مخلوع برخلاف شرایط پروتکل ۱۹۰۹ وارد ایران شده دولتین از او محافظت نخواهند نمود.

پس از این وقایع که تاکنون رخ داده است اگر به شاه مخلوع در خاک روسیه یا کشتی روسی پناه داده شود باعث تولید اثرات بسیار بد در ایران خواهد بود، بعلاوه این کار اسباب تشویق یاغیان دولت شده و موجب تضعیف حکومت مرکزی خواهد گردید و شاه مخلوع را قادر می سازد که انتریگهای خود را از سر گرفته به اطمینان اینکه هرگاه کار بر او سخت شود در روسیه می تواند ملجای حاصل نماید همه گونه اقدامی بر ضد دولت ایران خواهد کرد.

سفارت ایران لندن ۱۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۹]

نمره - ۳۵۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)

طهران ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۶ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۹]

دولت ایران دوباره نظام السلطنه را احضار نموده اند. ظاهراً اکنون کسی از طرف دولت در شیراز نیست زیرا که کارگذار [= کارگزار] در جواب [خواهش] کفیل قنصلگری برای محافظت خانه های اروپاییان جواب داده است که نظام السلطنه از دخالت در امور شیراز امتناع نموده و کسی که به نیابت ایالت تعیین شده است که تا زمان ورود فرمانفرمای جدید امورات به عهده وی باشد ظاهراً از شهر خارج شده و خود کارگذار [= کارگزار] هم نمی تواند با ایلات مراوده و مکاتبه نماید. من از دولت ایران درخواست نموده ام که به فوریت اعلام نمایند مأمور دولتی که مسئول انتظامات محلی آنجا باشد کی است که کفیل قنصلگری بتواند با او در این باب مذاکره نماید.

کفیل قنصلگری را پورت می دهد که اوضاع بسیار اسباب اضطراب است و اخراج فوری صولت الدوله رئیس ایل قشقایی را توصیه می نماید.

من حاضر نیستم این طریقه را توصیه نمایم چرا که دولت ایران با صدراعظم بختیاری حالیه هرگاه خود را مقتدر می دانستند به میل خود این کار را می کردند.

در این موقع باریک من اصلح چنان می دانم که از هرگونه نصیحتی به دولت ایران در باب منازعات فارس احتراز نمایم.

نمره - ۳۵۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]
 چنان ظاهر می گردد که سالارالدوله حالیه خود را پادشاه قلمداد می نماید و تلگرافاتی
 به کابینه و مجلس مخایره نموده خود را اعلیحضرت ما خطاب نموده است و خبر داده
 است که تا سه روز دیگر به قم وارد خواهد شد.

نمره - ۳۵۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ سپتامبر)
 طهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۷ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۹]
 کفیل قنصلگری شیراز امروز راپورت می دهد که صولتالدوله با قریب هزار نفر
 به باغی که یک میل از قنصلخانه فاصله دارد وارد شده است. همراهان او به یکی از
 نوکران قنصلخانه حمله نموده و او را زده اند. یکی از بستگان صولتالدوله نایب الایاله
 را جبراً برده است. کفیل قنصلگری اظهار می دارد که هر گاه دولت ایران یا خود ما
 صولتالدوله را ترغیب به ترك این حدود ننماییم اوضاع که حالا آنقدر اسباب
 اضطراب می باشد بزودی بدتر خواهد شد. درخاتم تلگراف او مطلب ذیل مندرج است:
 حالیه دو ماه و نیم است بواسطه هرج و مرج کلی بر منافع ما خسارات بسیار زیاد
 وارد آمده و کار حالا به یک نقطه ای رسیده است که از آنجایی که نماینده دولت متبوعه
 خود می باشم باید اعتراف نمایم که فعلاً مأمور دولتی در شیراز نیست که بتواند برای
 حفظ جان و مال اتباع انگلیس اقداماتی بنماید. با این وضع امور غیرقابل تحمل من
 راه چاره دیگری بنظر نمی رسد مگر آنکه به صولتالدوله بنویسم که هرگاه خود و
 همراهانش از حدود شهر خارج نمی شوند و دولت ایران را نمی گذارند برای اعاده
 انتظاماتی که مناسب می دانند آزاد باشد دولت اعلیحضرتی فوراً اقدامات برای حفظ
 منافع ما خواهند کرد.

من به طریق ذیل به او جواب داده ام:

شما باید به صولتالدوله اطلاع دهید که حضور او با ایلاتش در شیراز فقط اسباب
 اغتشاش می شود و هرگاه هرگونه صدمه به جان و مال اتباع انگلیس مداخله را لازم
 بدارد عواقب آن برای خود او وخیم خواهد بود.

نمره - ۳۵۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامبر)
 طهران ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]
 سالارالدوله با استعدادی که به چهار هزار نفر تقریباً تخمین شده حالا در نوبران
 است. ظاهراً قصدش این است که از راه ساوه بسمت طهران برود.

نمره - ۳۵۵

تلگراف سر جارج بیوکانون به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ سپتامبر)

سنت پترزبورگ ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۸ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۶ رمضان ۱۳۲۹]

من بر وفق تعلیمات تلگرافی ۱۶ سپتامبر شما از مسیو نراتف تحقیق مطالب را نمودم و جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] به من اظهار می‌دارند که دولت ایران در باب مسئله پناه دادن به محمدعلی با دولت روس مذاکره نموده‌اند و دولت مشارالیه‌ها جواب داده‌اند که محتمل نیست شاه مخلوع نزد روسها پناهنده شود چرا که در کمشتپه یا فزدیک آن قنصلخانه روس نیست ولی هرگاه او بست اختیار کند آنها نمی‌توانند از او ممانعت نمایند. مسیو نراتف بعلاوه اظهار داشت که فقط قنصلخانه روس که محمدعلی بتواند بطور امکان در آنجا پناهنده شود قنصلخانه استرabad می‌باشد.

من اشعار نمودم که هرگاه شاه مخلوع بتواند خود را به خاک روسیه برساند یحتمل آنجا که می‌رسد به هیچ وجه دیگر پول نداشته باشد و سؤال نمودم آیا دولت روس در آن صورت چه خواهند کرد؟ مسیو نراتف در جواب گفت هر وقتی که این طوریکه تصور می‌کنید واقع شود مسئله مزبور در تحت ملاحظه خواهد آمد.

نمره - ۳۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر)

طهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

مجلس استخدام هفت نفر صاحب‌منصبان سوئدی را برای ژاندارمری و نظمیه تصویب نموده است.

نمره - ۳۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

وزارتخارجه ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

رویه عملی را که نسبت به امور فارس اتخاذ نموده‌اید چنانچه در تلگراف ۱۹ سپتامبر خود اطلاع داده‌اید تصویب می‌کنم.

نمره - ۳۵۸

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرن

وزارت خارج ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲۹ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۹]

در باب مسئله شاه مخلوع که موضوع تلگراف دیروز سر جارج بیوکانون و تلگراف ۱۸ سپتامبر سر جارج بارکلی می‌باشد شما باید تحقیق نمایید که آیا در صورتی که

آن اعلیحضرت در صدد تحصیل پناهگاه در روسیه شود دولت روس حاضر خواهند بود که به دولت ایران اطمینان دهند که محض جلوگیری از چنین اقدام جدیدی بطور وقت مواظب او خواهند بود یا آنکه او را در خاک بیطرفی که تا سرحد خاک ایران مسافتی داشته باشد محبوس خواهند نمود؟

نمره - ۳۵۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی
وزارت خارجه ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر شما - شیراز
پیغامی را که شما توسط کفیل قنصلگری برای صولت الدوله فرستاده‌اید ظاهراً برای حالیه کافی است.

نمره - ۳۶۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ سپتامبر)
طهران ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹]
تلگراف ذیل از کفیل قنصلگری شیراز رسیده است:
صولت الدوله اعلانی منتشر نموده مشعر بر اینکه برای تقویت نظام السلطنه و اعاده انتظامات و تنبیه اعراب به شیراز آمده و بزودی بر آنها حمله خواهد نمود و هرگاه هریک از صاحبان خانه‌ها که قشقایبها بخواهند از خانه‌اش عبور نمایند در برای آنها باز نکند قشقایبها جبراً داخل آنجا شده و صاحب‌خانه خود مسئول اغتشاشی که بعلت آن بوقوع برسد خواهد بود.

گمان نمی‌کنم برای علاج اوضاع معلومه حاضره چاره‌ای جز برطرف نمودن صولت الدوله بنظر برسد و اگر این کار فوراً به انجام نرسد بحران شدیدتر خواهد شد.
تخمین خسارات عظیمه که بواسطه غارت عمومی بازارها وارد خواهد آمد اشکال دارد چرا که گذشته از آنکه مقداری زیاد مال التجاره انگلیسی در اینجا جمع شده است ما نمی‌توانیم این مسئله را از مد نظر خارج نماییم که هر خسارتی که به تجار محلی وارد آید صدمه آن مستقیماً به تجار خودمان که مال التجاره به تجار محلی می‌فروشند خواهد خورد و هر روزی که قشقایبها اینجا بمانند وقوع چنین اتفاقی هایلتر خواهد بود.

کارگذار [= کارگزار] قشون محلی برای حفظ اتباع انگلیس تعیین نموده است و چون غیر از اینها مستحفظی بدست نمی‌آید باید قبولشان نمود.
این دوره‌گردهای گرسنه بکلی بی‌فایده می‌باشند و بهیچ وجه با ایلیاتیها مقابله نتوانند نمود حتی اگر خودشان سرمشق غارتگری برای دیگران نشوند.

بنابراین بعقیده من اگر نمی‌شود قشقاییه‌ها را به این زودی از اینجا خارج نمود بر ما است که مستقیماً اقدام برای حفظ منافع خود بنماییم چرا که تا زمانی که اینجا توقف دارند امکان ندارد هیچیک از مأمورین ایرانی بتوانند اقدام مؤثری بنمایند. اگر فهمیدم که هرگاه دولت ایران به صولت‌الدوله امر بدهند از شیراز خارج شود او اطاعت می‌نماید من حتماً دولت ایران را به این کار نصیحت خواهم نمود ولی یقیناً او اوامر دولت را نخواهد شناخت و بنابراین عقیده من هنوز این است که بگذاریم امورات در مجرای خود جریان نمایند مگر آنکه چنانچه در آخر تلگراف ۱۹ سپتامبر خود ارائه طریق نمودم به من اجازه داده شود که او را تهدید بنمایم و تقاضای اخراج او ما را با مسئولیتهای غیرمطلوبه تحمیل خواهد نمود اگر دولت ایران به این مطلب رضا دهند و شك دارد از اینکه چنین اقدامی باعث رفع بحران حالیه گردد. بایستی مذکور دارم که کمپانی ذیگلر چهار ماه قبل از این به من اطلاع داد (اگر درست به‌خاطرم بیاید) که معادل ۴۰،۰۰۰ لیرا مال‌التجارة آن در شیراز جمع شده و منتظر حمل به اصفهان می‌باشد.

نمره - ۳۶۱

تلگراف سر جارج پارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ سپتامبر) سنت پترزبورگ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۰ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۹] شاه مخلوع - راجع به تلگراف ۲۱ سپتامبر شما - مسیو نراتف امروز به من گفت که نمی‌گذارند محمدعلی در یکی از ایالات و ولایات سرحد توقف نماید در صورتی که به خاک روسیه فرار کند. او در ادسا خانه‌ای دارد و مسیو نراتف تصور می‌کند او یحتمل به آن شهر مراجعت نماید. اگر این کار را بکنند احتیاطهای لازمه بعمل آمده و او بکلی در تحت مواظبت و مراقبت خواهد بود و برای دولت روس امکان ندارد ضمانت نمایند که اقدام حالیه او تجدید و تکرار نخواهد شد.

اگر از آنجایی که شاه مخلوع در مراجعت به ایران یقین کامل داشت که اهالی هر نقطه او را با کمال ذوق و شوق خواهند پذیرفت و عکس آن برای او واقع شده است فریبی که خورده است برای او واضح و آشکار گردیده و اقدام آن اعلیحضرت برای او سرمشقی بوده. مسیو نراتف اظهار داشت یقین است او اقدام خود را تجدید نخواهد نمود.

در جواب سؤال من از مسیو نراتف که آیا حاضر است به همان قسمی که با من صحبت داشته است به دولت ایران اطمینان دهد جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] جواب داد با نهایت میل حاضر است این کار را بکند.

نمره - ۳۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
 طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
 راجع به تلگراف ۲۵ اوت من:
 حرکات شاه مخلوع - نایب حسین در کار حمله به کاشان است.

نمره - ۳۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ سپتامبر)
 طهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳۱ شهریور ۱۲۹۰؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۹]
 از قرار راپورتی که داده شده قسمتی از قشون سالارالدوله ساوه را اشغال نموده‌اند
 و قسمت معظم قشون وی در نزدیکی زرند که قریب پنجاه میل تا طهران مسافت دارد
 می‌باشند.

نمره - ۳۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ سپتامبر)
 طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱ مهر ۱۲۹۰؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۹]
 راهبای جنوبی - راجع به تلگراف ۱۴ سپتامبر من:
 در صورتی که دولت اعلیحضرتی تصمیم قبول نقشه پیشنهادی را بنمایند من ارائه
 طریق می‌نمایم که وقت را نباید از دست داد که يك اظهاری در خصوص مقاصد ما
 در فارس بشود.

نمره - ۳۶۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
 طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
 آقا

در تعقیب مراسله پنجم ماه گذشته من در باب مستر شوستر برای تعیین ماژور
 استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه افتخار دارم لفاً نوشتجات ذیل را ایفاد دارم:
 (۱) سواد جوابیه دولت ایران را به مکتوبی که بر وفق تعلیمات تلگرافی غره اوت
 شما به آنها نوشتم.
 (۲) سواد یادداشتی که روز ۸ ماه گذشته بر وفق تعلیمات تلگرافی ۷ اوت شما به
 وزیر امور خارجه دادم.

- (۳) سواد جوابیه دولت ایران.
- (۴) سواد مراسله سفیر روس را که در تاریخ ۱۹ ماه گذشته فرستاده است.
- (۵) سواد مراسله‌ای که من در همان روز برحسب دستورالعمل تلگرافی ۱۸ اوت شما فرستادم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمره ۳۶۵

ترجمه مراسله دولت ایران

لازم است که مالیات هم در شمال و هم در جنوب ایران وصول شود و در نظر دولت ایران فرقی مابین این دو قسمت مملکت نیست.

اما در باب خدماتی که دولت ایران از ماژور استوکس انتظار دارند این صاحب‌منصب که از اشتغال^(۱) در قشون انگلیس کناره گرفته و برای تشکیل ژاندارمری خزانه استخدام شده است دولت علیه قصد ندارند او را در اقدامات نظامی بکار وادارند.

۶ اوت ۱۹۱۱ [۱۴ امرداد ۱۲۹۰؛ ۱۱ شعبان ۱۳۲۹]

ملفوف ۲ نمره ۳۶۵

یادداشت سر جارج بارکلی به دولت ایران

به سر جارج بارکلی از طرف وزیر امور خارجه تعلیمات داده شده که دولت ایران را متنبه سازد که نباید در مسئله تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه نخواهند او را در شمال ایران بفرستند - اگر دولت ایران اصرار بنمایند دولت اعلیحضرتی حق روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی که برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند بنمایند.

ملفوف ۳ نمره ۳۶۵

پیغام شفاهی دولت ایران

از یادداشتی که دولت اعلیحضرتی در تاریخ هشتم شهر جاری برای دولت ایران فرستاده‌اند معلوم می‌شود که در صورتی که دولت ایران اصرار به تعیین ماژور استوکس بنمایند و او را در تمام نقاط ایران بلااستثناء بکار وادارند با بعضی عواقب غیرمطلوبه مقابل خواهند شد.

دولت علیه از آنجایی که نمی‌دانند نقطه نظر دولت انگلیس مبنی بر چیست و چنین قرار و مداری فیما بین داده نشده - نمی‌توانند از وصول این یادداشت تعجب خود را اظهار نمایند.

حتی در صورتی که فرض شود دولت اعلیحضرتی بخواهند اعتراضات خود را مبنی بر شرایط معاهده ۳۱ اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدانند (که در موضوع آن دولت ایران بموجب مراسله ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ مشیرالدوله شرحی به جنابعالی نوشته و

(۱) اصل: اشتغال م.

وضعیت دولت ایران را نسبت به آن تشریح نمود) ممکن نیست در آن معاهده حتی یک کلمه هم پیدا کرد که مقوی مطالبی باشد که در یادداشت فوق الذکر مرقوم گشته. برعکس قسمت اول این معاهده که با عبارات صریحه مراعات استقلال و تمامیت ایران را مشهود می‌دارد به نظر می‌آید دلیل محکم دیگری است که نقطه نظر دولت علیه را تقویت می‌نماید.

در قسمت اول معاهده بعلاوه مذکور است که دولتین انگلیس و روس بی‌اندازه مایل حفظ انتظامات و ترقی یا مسالمت ایران می‌باشند. این جمله را اگر تعبیر کنیم حامی مقاصد دولت علیه می‌باشد که می‌خواهند اقدامات برای وصول مالیات بنمایند چرا که بدون مالیات استقرار نظم در هر مملکتی کار بسیار مشکلی می‌باشد. وثوق الدوله بنابراین اطمینان دارد که دولت اعلیحضرتی صحت مطالب مذکوره فوق را خواهند شناخت و طوری وساطت خواهند نمود که این مسئله به مقتضای شئون دولت ایران و به مصالح منافع حیاتی آن دولت حل شود.

ملفوف چهار نمره ۳۶۵

مراسله سفیر روس به وزیر امور خارجه

در باب اظهاری که در روز ۱۶ ژوئیه امسال به وزیر امور خارجه نمودم، برحسب امر دولت متبوعه خود افتخار دارم که دولت ایران را مستحضر دارم که دولت امپراطوری روس نظر به جهاتی که برای دولت ایران توضیح نموده‌اند تصور می‌کنند که استخدام ماژور استوکس توسط دولت مشارالیها برای سرکردگی استعداد مسلح موسوم به ژاندارمری برای وصول مالیات با منافع دولت روس مناسب نیست و من دستورالعمل دارم که بر ضد تعیین وی پروتست نمایم. اگر لازم شود دولت امپراطوری حق اعمال هرگونه اقداماتی که برای حفظ منافع خود در شمال ایران لازم دانند برای خود محفوظ خواهند داشت.

ملفوف پنج نمره ۳۶۵

مراسله سر جارج بارکلی به دولت ایران

سفارت اعلیحضرتی بریطانیای عظمی از طرف دولت متبوعه خود دستورالعمل دارد که اخطار ۸ شهر جاری خود را مشمر بر اینکه دولت ایران نبایستی در مسئله تعیین ماژور استوکس اصرار نمایند مگر آنکه او را در نقاط شمالی ایران بکار واندانند تکرار نماید که اگر دولت مشارالیها اصرار نمایند دولت اعلیحضرتی حق دولت روس را خواهند شناخت که هرگونه اقداماتی را که لازم بدانند برای حفظ منافع خویش در شمال ایران بنمایند.

در ضمن تذکر خاطر دولت ایران به مراسله مذکوره سفارت انگلیس بایستی به دولت ایران اصرار نماید که بجای ماژور استوکس تبعه یکی از دول صغار را تعیین نماید و اظهار نماید که دولت اعلیحضرتی نظر به اعتراضات باامام دولت روس

بر ضد تعیین وی نمی‌توانند استعفای ماژور استوکس را قبول نمایند.

۱۹ اوت ۱۹۱۱ [۲۷ مرداد ۱۲۹۰؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۹]

نمره - ۳۶۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم خلاصه وقایع ماهیانه ایران را برای چهار هفته اخیر بطریق معمول
ایفاد دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمره ۳۶۶

خلاصه وقایع ماهیانه ایران از ۱۰ اوت لغایت ۴ سپتامبر [۱۸ مرداد تا ۱۲ شهریور؛
۱۵ شعبان تا ۱۰ رمضان]

طهران

مأمورین اروپایی - در عرض چهار هفته اخیر مأمورین ذیل به طهران وارد
شده‌اند:

کلنل یالمارسن

ماژر جلدبراند [= گلدبراند؟]

ماژر پیطرمن

مسیو دمرنی

مسیو پرنی

مستر مزیل (امریکایی)

مسیو بریوت (فرانسوی)

منشی شخصی مستر شوستر

صاحب‌منصبان سوئدی

مستخدم وزارت داخله

مستخدم وزارت عدلیه

اجزاء مستر شوستر

اقدامات نظامی - قشون دولتی که در ابتدای اوت در تحت سردار محیی از طهران
حرکت نموده و معین‌هایون بختیاری با ۳۰۰ نفر به وی ملحق گردید رشیدالسلطان را
قریب ۹ اوت [۱۷ مرداد؛ ۱۴ شعبان] شکست داد. سردار ارشد که یکی از سرکردگان
محمدعلی می‌باشد با استعدادی که تخمیناً به دو هزار یا سه هزار نفر می‌رسید از راه
مشهد از شاهرود بطرف دامغان و سمنان و آرادان پیشقدمی نمود.

قشون بختیاری در تحت امر ضیغم‌السلطنه در آرادان از او جلوگیری نموده قریب
۲۵ اوت [۲ شهریور؛ ۳۰ شعبان] شکست خورد. پس از آن امیر مجاهد بختیاری با
قشون امدادی فوری فرستاده شد. سردار محتشم و سردار بهادر روز ۳۱ اوت [۸
شهریور؛ ۶ رمضان] با هزار و دویست نفر از خاک بختیاری وارد طهران شدند.

سردار بی‌هادر با یفرم و قشون معظمی در ۲ شهر جاری حرکت نمود که با سردار ارشد مقابله نماید. در ۲۶ ماه گذشته عساکر دولتی يك دسته از عساکر طرفدار محمدعلی را در فیروزکوه شکست داده و عده‌ای به اسیری گرفتند و پنجاه و چهار نفر از آنها را تاکنون به طهران فرستاده‌اند. بعضی از اسبها و تفنگهایشان را هم قبضه نمودند.

مجلس

پروگرام کابینه متضمن تجدید نظر در قوانین اساسی و بهبودی مناسبات خارجی بود، در جزو دستور یومیه در جلسه ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردید. همین که بواسطه اختلاف آراء رای گرفته شد پروگرام مزبور تصویب نگردید ولی تصمیم شد که آن را به يك کمیته مخصوص رجوع نمایند. این اقدام از طرف مجلس تقریباً اسباب برهم خوردن کابینه صمصام‌السلطنه گردید. وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفای خود را تقدیم نمودند. نایب‌السلطنه واسطه شد و نتیجه این شد که روز ۲ شهر جاری اکثریت اعضاء مجلس با جرح و تعدیل غیرقابل اهمیت، چند پروگرام مزبور را تصویب نمودند.

مطبوعات - روزنامه ایران نو دوباره توقیف شده است و استقلال ایران هم بواسطه عدم وجه دیگر به طبع نمی‌رسد. فقط روزنامه مهمی که فعلاً منتشر می‌شود مجلس است.

تبریز

صمدخان شجاع‌الدوله حاکم مراغه که در خلاصه وقایع ژون اشاره به وی نمود اعلام نموده است که شاه مخلوع او را به ایالت آذربایجان منصوب نموده است. عین‌الدوله ایالت جدید را که دولت ایران تعیین نموده هنوز در طهران است و تهیه حرکت می‌بینند. اوضاع ایالت از قرار معلوم بحال معمولی است.

رشت

سردار معتمد که یکی از ملاکین رشت است بجای یمین‌الممالك به حکومت گیلان در اوایل اوت تعیین گردید ولی مدت کمی بعد از آن عدم توانایی خود را در ادامه حکومت آنجا اظهار داشت.

اگرچه ورود شعاع‌السلطنه و دیگران به منافع شاه مخلوع اشتها دارد تاکنون حرکتی از جایی بروز نکرده و ولایت نسبتاً بحال آرامی و سکون باقی است.

قزوین

سردار همایون یکی دیگر از ملاکین شهر از حکومت قزوین استعفاء و بیه رشت مراجعت نموده است.

مشهد

اغتشاشاتی که در اواخر ژوئیت در مشهد واقع شده و در خلاصه ماهیانه راپورت آن را دادم باعث آن اداره نظمیّه بوده است که می‌خواسته است یکی از متولیان را که متهم به مغلطه‌کاری بوده است دستگیر نماید. ماژور سایکس می‌نویسد که هرگاه شورشیان دست بالا را بگیرند شکی نیست که خود را طرفدار شاه مخلوع اعلان خواهند نمود. او گمان می‌کند که اکثریت اهالی آنقدر از ظلم و تعدی ایرانیان جوان خسته شده‌اند که در صورتی که شاه مخلوع تخت سلطنت را دوباره تصرف نماید او را با کمال میل خواهند پذیرفت.

در ۲۵ ژوئیت تلگرافات از طرف شاه مخلوع برای مأمورین مختلفه مشهد رسید - این تلگرافات مشعر بر اظهار تأسف از اغتشاشات و اشکالات ایران و وعده عفو خطاهای گذشته و اظهار این مطلب بود که در آتیّه هر کسی از در مخالفت داخل شود تنبیه سخت خواهد شد و نیز وعده استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس سنا را هم داده بود.

از قراری که راپورت داده شده راهبهای معظم خراسان را سارقین اشغال نموده‌اند.

اصفهان

اوضاع اصفهان که حکومت آن با سردار اشجع بختیاری است تغییر نکرده است. شهر و ولایت بنحوی آرام بوده اگرچه از زیاده‌رویهای بختیاریها اهالی قدری شکایت داشتند. در ۱۶ اوت سردار محتشم و سردار بهادر با متجاوز از یکهزار نفر به شهر وارد شدند که بسمت طهران بروند و با جنرال قنسول اعلیحضرتی دید و بازدید نمودند. در راه طهران شنیدند که نایب‌حسین بطرف کاشان در حرکت است و سردارین مذکور از قم ۲۵۰ نفر از بختیاریها را در تحت امر ضیاءالسلطان و شهاب‌السلطنه فرستادند. در ۲۲ اوت نایب‌حسین اردستان را قبضه نموده و بطرف کاشان پیشقدمی نمود. در غره و دوم سپتامبر يك دسته از قشون بختیاری نایب‌حسین را اول درخالدآباد و سپس در خفر حمله نموده (در راه کالسکه‌رو نطنز مابین کاشان و اصفهان) و او را شکست داده چهل نفر از همراهانش را مقتول نمودند. بختیاریها خصم را که در حال فرار بودند تعاقب نکردند چرا که خیلی مشغول بردن غارتی‌هایی بودند که او باقی گذاشته بود.

یزد

در این ولایت تازگی چند فقره سرقت به وقوع رسید. در ۲۳ اوت سارقین به هفتاد نفر از زوار زده تمام متعلقات آنها را بردند. این سرقت در گذار جگند واقع گردید و هده سارقین ۱۸ نفر بودند.

قلیل‌مدتی بعد از مستر فن از اجزاء اداره تلگرافخانه را سارقین از راه بدر کرده و در خط اردکان اموال او را سرقت نمودند. سارقین مستر فن را تفتیش نموده و حتی

یا ته تفنگهای خود او را مضروب نمودند. سفیر اعلیحضرتی مکتوبی در این باب به دولت ایران نوشته است.

سیصد و پنجاه نفر از ایلات بهارلو و اینالو [= اینانلو] به دهات رفسنجان در اواخر اوت هجوم آورده و آنجا را غارت نموده معادل پنجاه هزار تومان اموال اهالی را بردند.

شیراز

اوضاع شیراز در ۲۱ اوت خیلی بدتر شد اگرچه اتصالاً مذاکرات صلح در میان بود. قشقاییها که عده زیادی از ایشان در شهر بودند خانه‌های مردم را غارت نموده و آشکارا غارتیهای خود را به عمارت دولتی می‌بردند. عده زیادی از آنها دور قنصلخانه اعلیحضرتی به کشیک مشغول گردیده و تیراندازی هم شبانه در کار بود. نواحی اطراف از همیشه مغشوش‌تر بود و رعایا را با کمال بیرحمی می‌چاپیدند. راه اصفهان مسدود و اگرچه راه شیراز مفتوح بود تجار اطمینان حمل مال التجاره خود را از آن راه نداشتند و تجارت بحالت سکون کامل باقی بود. در اواخر ماه اقدامات دیگر برای اصلاح مابین صولت‌الدوله و قوام که هنوز در قنصلخانه اعلیحضرتی توقف داشت بعمل آمد.

سیستان

قائنات بکلی آرام است ولی در سیستان حشمت‌الملک ایالت آنجا در اوایل اوت ظاهر می‌داشت که بسیار مشغول تهیات نظامی می‌باشند ولی مقصود او معلوم نبود. قنصل اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که تمام راههای دور سیستان در اوایل اوت ناامن بودند.

کرمان

شاهزاده امیراعظم ایالت جدیدالتعین آنجا در ۱۲ اوت از طهران برای کرمان حرکت نمود. ایالت و شهر از قرار راپورت واصله آرام است اگرچه راهها کمافی‌السابق ناامن می‌باشد.

کرمانشاه

شاهزاده سالارالدوله در ۲۳ اوت از کرمانشاه حرکت کرده بطرف همدان به همراهی داودخان و سردار مظفر رئیس ایل کلهر رفت. عده قشون مخلوط از طوایف کلهر و سایر اکراد که همراه شاهزاده می‌باشند از قرار مذکور به ده هزار نفر می‌رسد. شاهزاده برادر کهتر خود عضدالسلطان را به حکومت کرمانشاه و محتشم‌الدوله را به نیابت وی معین نموده و فریدالملک را برای کارگذاری [= کارگزاری] آنجا قبول نمود.

لرستان و عراق

به امیر مفخم که از چند ماه به این طرف در لرستان بود به اعاده انتظامات آنجا موفق گردید، امر داده شد که با قشون بختیاری تحت امر خود با سالارالدوله مقابله نماید. از قرار مذکور او دو هزار نفر با خود دارد و از خاک بختیاری هم قشون امدادی در تحت مرتضی قلی خان پسر صمصام السلطنه فرستاده شد و با سردار ظفر در اوایل اوت برای سلطان آباد که حکومت نشین عراق باشد حرکت کردند. مطیع بودن امیر مفخم و سرداد ظفر قدری مشکوک است. از قراری که مذکور است مرتضی قلی خان به ملایر رسیده ولی اطلاعات صحیحی از بابت حرکات وی فعلاً در دست نیست.

بوشهر

موقراللدوله حاکم بوشهر مقام کلانتری را که سالیانه مبلغ پانزده هزار تومان به حکام بوشهر عاید می داشت موقوف داشته اظهار داشته است که چون این مبلغ در دفتر مالیاتی دولت ثبت نیست او صلاح نمی داند بدون اجازه دولت این طور اجحاف غیر مشروع را به مردم بنماید.

بندرعباس

يك دسته از بزرگت ایلات غارتگر بهارلو از قرار مذکور دو عراده توپ که قبضه نموده اند با خود دارند و در اواخر اوت به بندرعباس وارد شدند و از قراری که راپورت داده شده قصد هجوم به شهر را دارند. به کشتی اعلیحضرتی موسوم به پرسیس امر داده شده که به آنجا برود و بنا بود در ۳۱ اوت بدانجا رسیده و سی نفر به عده مستحفظین قنصلخانه آنجا اضافه نماید که در موقع لزوم جان و مال اتباع انگلیس و سایر دول خارجه را حفظ نماید.

نمره - ۳۶۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۴ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۲ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

از زمان ارسال مکتوب ۹ ماه گذشته خود پیشرفتی در کشمکش حالیه که نتیجه قطعی از آن حاصل شود پیدا نشده. از جمله جنگهایی که مابین قشون دولتی و یاغیان واقع شده و راپورتهای آنها داده شده است من فقط بعضی از آنها را که صحت آنها به تصدیق رسیده مخابره نموده ام و الحال ذیلا شرح آنها را تکرار می کنم:

قریب نهم ماه گذشته قشون دولتی در فیروزکوه مظفریت حاصل نموده و یکی از حامیان عمده شاه، رشید السلطان که چنانچه بخاطر داریم سال گذشته به امیر مکرم در طغیان وی در مازندران همراهی نمود در این جنگ مقتول گردید.

چند روز بعد از آن در ده نامه جنب راه مشهد مابین قشون ارشدالدوله و بختیارپا

در تحت امر ضیغم السلطنه جنگی واقع شده و ضیغم السلطنه مغلوب و ارشدالدوله وارد آرادان شد.

در ۲۲ ماه گذشته قشون سردار محیی به انضمام قشون بختیاری در تحت معین همایون از جمله ترکمنها و دیگران جلوگیری نموده تلفات زیادی به آنها وارد کرده ۵۴ نفر را اسیر و ۳۰۰ قبضه تفنگ و صد اسب از آنها گرفتند.

هفته گذشته هم ۳۰۰ نفر قشونی که یفرم تجهیز نموده و بیشتر آنها ارمنی بودند در بلده مازندران به يك دسته از قشون شاه که از قرار مذکور عده آنها هزار نفر بود شکست دادند.

اوضاع حالیه ظاهراً بقراری است که ذیلاً مذکور می‌گردد:

شاه مخلوع در ناحیه سوادکوه است ولی راه پیشقدمی وی را بطرف پایتخت سردار محیی و معین همایون بختیاری در فیروزکوه مسدود نموده‌اند. از قرار مذکور خود اعلیحضرت در قلعه‌ای که بر روی کوه بنا شده و موسوم به قلعه دیو سفید می‌باشد توقف نموده است.

قشون ارشدالدوله که از راه مشهد به جلو می‌آمد از قرار راپورت واصله به مسافتی از جاده بطرف مغرب آرادان می‌باشد و مسافت از آنجا تا طهران زیاده بر ۴۵ میل نیست. پس از شکست خوردن ضیغم السلطنه امیر مجاهد برادر سردار اسعد به سرکردگی عده‌ای از بختیاریه‌ها فرستاده شد که ارشدالدوله را حمله نماید ولی او حالا تلگراف کرده است که قوه‌اش کافی نیست و عده قشون ارشدالدوله سه هزار نفر است و قشون او بالغ بر هزار نفر نمی‌باشد. سردار بهادر پسر سردار اسعد که مشروطین به او و یفرم امیدواری کامل دارند و با کمال بی‌صبری منتظر ورود او از خاک بختیاری می‌باشند الحال با ۱۲۰۰ نفر بختیاری به طهران ورود نموده و قرار شده که فوراً باتفاق یفرم برای الحاق به قشون ضیغم السلطنه و جنگ با ارشدالدوله حرکت نمایند.

قشون ارمنی در مازندران پس از مظفریت هفته گذشته در بلده به آمل ورود نموده‌اند و امیدواری چنان است که بتوانند به میسر شاه مخلوع در سوادکوه حمله نمایند.

از آذربایجان اخبار کمی در دست است. از قراری که راپورت داده شده شجاع الدوله حاکم مراغه قشون زیادی از شاهسونها و قزاقانها جمع‌آوری نموده است که برای محمدعلی جنگ کنند و محمدعلی او را به حکومت آذربایجان تعیین نموده است.

در طرف غرب سالارالدوله در ۲۳ ماه گذشته با نه عراده توپ و ده هزار نفر که اکثر آنها از اکبراد جف [= جاف] و کلهر و سنجابی بودند از کرمانشاه حرکت نمود. قبل از حرکت برادر خود عضد السلطان را به حکومت کرمانشاه منصوب کرد و تلگرافی به مجلس مخایره نمود و چون قابل ملاحظه است سواد آنها جوفاً ایفاد می‌دارم.

از قراری که راپورت داده شده او فعلاً در حوالی دولت‌آباد است و بایستی تا محل امیر مفخم که بالاخره به بروجرد رفته است مسافت کمی داشته باشد ولی مسئله اینکه

آیا امیرمفخم قصد مخالفت با سالارالدوله را دارد یا نه مشکوک است. وقتی که سالارالدوله از کرمانشاه حرکت نمود تصور می‌شد به همدان که همدستان وی آنجا را قبضه نموده بودند خواهد رفت ولی فعلاً بطرف جنوب حرکت نموده و دولت ایران ظاهراً مترصد این هستند که امیر مفخم به وی حمله نماید. اگر امیر مفخم او را مغلوب ننماید فعلاً فقط ۵۰۰ نفر بختیاری در تحت سردار ظفر در سلطان‌آباد مابین سالارالدوله و پایتخت می‌باشد ولی نمی‌توان باور نمود که قشون ایللیاتی او در صورتی که بخواهد به طرف طهران حرکت نماید از هم متفرق نخواهند شد. در حالتی که این را می‌نویسم دریافته‌ام که راپورتی از قنصل روس مقیم کرمانشاه برای همکار روسی من رسیده مشعر بر اینکه از زمان حرکت امیر مفخم از بروجرد الوار خود را حامی سالارالدوله اعلان نموده و او هم سردار اکرم پدر زن خود را که رئیس الوار است به حکومت لرستان منصوب نموده است.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف نمرة ۱۳۶۷

ترجمه تلگراف سالارالدوله به مجلس

مجلس محترم - من از کردستان به شما تلگراف نمودم جوابی نفرستادید. عوض اینکه تلگراف مزبور را درك نموده و اوضاع مملکت را در تحت ملاحظه آورید و به علاج امراض آن پردازید نقشه قتل مرا کشیده و برای قتل من انعام می‌دهید. من برای کشته شدن در این مملکت آمده‌ام و شما نمی‌فهمید که ایرانیان خداترس متدین محبت و مهربانی ۱۵۰ ساله قاجاریه را مخصوصاً پسران مظفرالدین‌شاه مرحوم را قراموش نخواهند نمود و بنابراین هیچ‌نوع مقاصد شریرانه در دل نخواهند پرورانید. ایرانیان برادران و پسران شاه هستند و او ظل‌الله و از طرف حق تعالی بر آنها تعیین شده و گمان نمی‌کنم برخلاف همدیگر اقدامی بنمایند.

بله اجازه به هم‌جنسان خود برای قتل من داده‌اید مطلبی نیست دعا‌های سی‌کرور ایرانی حافظ ما است. آیا از قتل من امراض مملکت معالجه می‌شود؟ وظیفه خداترسی شما این است که منازعات و جلب منافع شخصی خود را کنار گذارده و نقشه برای نفع مملکت و رعایای بیچاره آن بریزید. چنانچه در مجلس اول گوش به نصایح و اراده محمدعلی‌شاه نداده و وکلای آن زمان به منافع خود عمل نموده و دچار اشکالات گردیده تا دو سال تمام ایران منقلب و بسیاری مقتول و بی‌خانه شدند تا آنکه محمدعلی را معزول نمودند. پس از خلع وی تصور می‌شد که تمام نقایص مرفوع خواهد گردید ولی امروزه نه فقط اروپا و آسیا و امریکا شهادت می‌دهند بلکه شاید حتی وحشیهای افریقا هم انکار ننمایند که امورات صد مرتبه بدتر از سابق است. الحال مستقیم می‌نویسم چند نفر سوار بختیاری و مقداری اراذل [= اراذل] و اوباش طهران اعاده نظم در ایران نتوانند.

در این سه ماهه اخیر دو هزار نفر سوار بختیاری نتوانسته‌اند يك دسته از ایل
 پیرانه‌وند [= پیران‌وند] را در تحت انتظام آورند و بالاخره به پروجره فرار
 هوده‌اند. بعلاوه خود بختیاریها می‌دانند که گرفتن طهران آنها بواسطه آن بود که ما
 به از دست محمدعلی شاه ناراضی بودیم و گرنه ایران چنین چیزی را قبول نمی‌نمود.
 ای وکلای محترم قسم بخدا شما مسئول خونریزی بوده و خواهید بود آیا آخر الامر
 نتیجه چه خواهد بود؟ محمدعلی شاه همین روزها به طهران خواهد رسید من هم خواه
 باور کنید یا نکنید با سی هزار نفر از دروازه‌های کرمانشاه گرفته تا نوبران یا قشون
 بر حرکت می‌باشیم - در آذربایجان شاهسونها و در گروس شجاع الدوله با سه هزار
 سوار و همانقدر پیاده حرکت کرده‌اند و به آنها امر داده شده است از راه زنجان
 بطرف طهران حرکت نمایند. ملاحظه نمایید این جمعیت و سوارها تا طهران چقدر
 خرابیها خواهند رسانید و بر اهالی چه‌ها واقع خواهد شد. قدری برای حال مردمی که
 در راه منافع شما تقدیه^۱ جان می‌نمایند غصه بخورید.

قسم بخدا نفعی از اینکار نخواهید برد به حرفهای مزخرف شرارت‌کاران گوش
 ندهید. تدبیری بنمایید که ایران را از این اوضاع خرابی و ویرانی رهایی دهید.
 بگذارید مملکت يك شاه و يك مجلس و يك طرز حکومت صحیحی داشته باشد. از رفتار
 شما فایده‌ای حاصل نخواهد شد، امورات تازه روز دیگر بدتر خواهد شد. اگر اینطور
 بماند کار به انتهای خواهد کشید. خداوند مملکت تاج و تخت را تصرف نموده و حال
 ملك و مجلس را اصلاح خواهد نمود. خوب است توسط شما اینکار به انجام رسد و
 این قشون که ده روز است مشغول حرکت می‌باشد به خانه‌های خود معاودت نمایند.
 تمام ایران مال من نیست. از خود گمرکات یا بانک ندارم که اتصالا وجه مخارج
 این قشون را تحصیل نمایم. مخارج این قشون بر اهالی تحمیل خواهد شد چرا
 می‌خواهید این فقراء در صدمه و اذیت باشند؟ اگر می‌خواهید به تلگراف‌خانه آمده و من
 یا شما مذاکره خواهم نمود و با يك هزار یا دو هزار سوار نزد محمدعلی‌شاه رفته و
 امور را به طریق دلخواه ترتیب خواهم داد. شاه قسم خورده است که نسبت به ایران
 اظهار مهربانی پدرا نه بنماید و پس از آنکه به پایتخت رسید اینطور عمل خواهد کرد.
 اگر جوابی از شما نرسد معلوم می‌شود که حرف مرا قبول ندارید شما در خیال هستید
 کسی را به قصد کشتن من بفرستید یا آنکه شجاع السلطنه یا سردار محیی را تعیین
 نمایید با من بجنگند. خدا می‌داند اینکار حقه‌بازی شما است و باعث اضمحلال ایران
 خواهد گشت. چرا شما بر ضد اراده و نقشه خدا کار می‌کنید؟ آنچه می‌نویسم از صمیم
 قلب است اگر دشمنی را کنار بگذارید بر تمام شما حقانیت مطالب من مکشوف خواهد
 گشت.

بنابراین این تلگراف را برای تجربه مخایره نموده و مواد آن را برای قنسولهای
 کرمانشاه فرستاده‌ام. اگر امروز صبح از طرف شما جوابی نرسد فردا صبح حرکت

خواهم کرد. حال بسته به اختیار شما است.
میل من این است که مطبوعات دنیا این تلگراف را ملاحظه نموده و بدانند که من
باعث خونریزی نشده‌ام و شما سبب آن بوده‌اید. سواد دیگری هم نزد علمای کربلاء
فرستاده‌ام.

امضاء سالارالدوله قاجار

نمره - ۳۶۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰: ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

افتخار دارم ترجمه اخطاریه نایب‌السلطنه را به مجلس که در تلگراف ۱۳ ماه
گذشته خود را پورت دادم که روز دوازدهم قرائت و باتفاق آراء تصویب گردید لفا
ایفاد دارم. من نیز ترجمه پروگرام کابینه را که در اخطاریه نایب‌السلطنه اشاره بدان
شده بود لفا ایفاد دارم.

این پروگرام بنا بود در ۲۶ اوت به مجلس عرضه گردد ولی همین‌که رئیس مجلس
اعلام نمود می‌خواهد آن را جزو دستور آن روز قرار داده و طرفداران آن را خواهش
به قیام نمود فقط دو نفر از وکلاء قیام نمودند. رئیس مجلس اهمیت تقویت کابینه
را تأکید نموده و دوباره رأی گرفت و مثل سابق رد شد.

البته این مسئله خیلی اسباب رنجش کابینه شد و صدراعظم تهدید به استعفاء
نمود و گمان می‌کنم وزیر امور خارجه و وزیر داخله استعفاء خود را تقدیم نمودند
ولی روز بعد عده‌ای از وکلاء صدراعظم را ملاقات نموده و به او اصرار نمودند به
مقام خود باقی باشد و وعده دادند ترتیب کار را بدهند.

در ۲۸ ماه گذشته نایب‌السلطنه وکلای معتبر مجلس را به قصر سلطنتی احضار
نموده و نطق سختی برای آنها ایراد نمود و نتیجه این شد که پروگرام مذکور مجدداً
به مجلس عرضه گردیده در دوم ماه جاری به اکثریت آراء تصویب گردید.

در باب ماده اول ممکن است مذکور دارم که مجلس قانون جدیدی برای انتخابات
تدوین نموده به موجب آن انتخابات در عوض دو درجه بطور مستقیم بعمل خواهد آمد.
قبل از اینکه قانون جدید در مجلس تصویب شود به مجلس مشاوره‌ای که وزراء و
سایر اعیان در آن عضویت خواهند داشت رجوع خواهد شد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید به موجب ماده دوم پروگرام مذکور به وکلای مجلس
جدید از طرف ملت حق اصلاح قوانین اساسی داده خواهد شد.

تاکنون از این مسئله غالباً شکایت کرده‌اند که قوانین اساسی که در سال ۱۹۰۶ و
۱۹۰۷ تدوین شده و مخصوصاً در تدوین آن تضعیف شاه در مد نظر بوده از اقتدارات
سلطان مملکت بسیار کاسته و اقتدار کامل به مجلس داده‌است و سلطان حتی حق انفصال

مجلس را نداشته است.

مواد سوم و چهارم و پنجم و نهم به طریق زیاده بر معمول مبنی بر تزئید اختیارات کابینه می باشد چنانچه به خاطر داریم اقتدارات کامله به کابینه سپهدار داده شد و در همین اواخر مجلس اعلان اجرای قانون نظامی را در طهران تصویب نمود. تاکنون علائمی از اعمال اقتدارات مذکوره مشهود نگردیده و خیلی قابل ملاحظه است ببینیم کابینه حاضره الحال که تقاضاهای دولت بیشتر از سابق بطور وضوح در پروگرام مذکور گردیده بیشتر از اسلاف خود اقتدارات مذکوره را اعمال خواهد نمود یا خیر.

ماده هشتم در پروگرام های سابق هم قید شده بود ولی حالا که مسیو پرینی فرانسوی را که دولت ایران استخدام نموده اند وزارت عدلیه را معاونت نماید وارد شده است شاید اقدامی برای علاج نقایص حزن انگیز اداره عدلیه در ایران بشود که هم اسباب یأس و نومیدی خارجیهای مقیم این مملکت و هم ایرانیان شده است.

ماده دهم مربوط به مناسبات خارجی است و مشعر بر میل کابینه است که طوری عمل نمایند که معاونت و اطمینان دول خارجه را جلب نمایند و بطور واضح تصریح نموده اند که همراهی و اطمینان بریطانیای عظمی و روس لازم می باشد تا اندازه ای که من می توانم تمیز بدهم وثوق الدوله ظاهراً از تصمیم قلب مایل به انجام این پلتیک می باشد و شاید به همان اندازه که برای وزیر امور خارجه دیگری احتمال دارد برای او هم محتمل است تحصیل تقویت و حمایت مجلس را بنمایند.

امضاء جارج بارکلی

ملفوف ۱ نمره ۳۶۸

مرقومه نایب السلطنه به مجلس

مجلس شورای ملی

مشروحهای از هیئت وزراء عظام مبنی بر تصمیم خودشان در پلتیک خارجه و داخله به این جانب رسیده که دارای منتهادرجه اهمیت است و چنانکه به تفاریق ایام مکرر خاطر نمایندگان محترم را متذکر مسائل اساسی داشته ام اینجانب را با عقیده ای که اظهار داشته اند کمال موافقت حاصل است. در این موقع هم باز ایفای وظیفه خیرخواهی را واجب دیده مشروحه مزبور را فوراً به مجلس شورای ملی ارسال و توجه کامل نمایندگان محترم را به مندرجات آن جلب می نمایم و مخصوصاً درخواست دارم نصایح خیرخواهانه سابقه اینجانب را بخاطر آورند که در این مدت چه در باب پلتیک داخله و چه در باب پلتیک خارجه اظهار داشته و همیشه آرزومند بوده ام که این مقاصد حسنه اساسی بدست هیئت دولت جاری شده اهالی مملکت را از فواید مشروطیت کاملاً بهر یاب کند و متأسفانه صورت پذیر نشده اینک نتایج وخیمه بواسطه غفلت از مقتضیات حال مملکت به ظهور رسیده و مضرات و مخاطرات آن طوری محسوس است که حاجت به هیچگونه توضیح ندارد و البته تصدیق خواهند فرمود که در این حالت حالیه نه مجالی برای تسامح و غفلت باقی است و نه فرصت برای تحقیق علت غفلتهای منابق و فقط

آنچه در این موقع واجب است این است که هرچه زودتر نمایندگان محترم با موافقت وزرای عظام برای پلتیک داخله سبك و رویه‌ای اتخاذ نمایند که دوام حکومت مقتدره منصفه امکان‌پذیر بوده و بتواند مصالح حقیقی و فواید عموم را در نظر گرفته مقاصد ملت را به موقع اجراء بیاورد و البته فراموش نخواهند فرمود که در این مدت اختلافات و مداومت در نظریات و غفلت از عملیات قدرت دولت را طوری ضعیف نموده که غالب قوه اجرائیه یا دچار بحران بوده یا در زمان قلیل بقای خود هم قوه نداشته و بکلی از وظایف خود بازمانده و امر منتهی به حالت حالیه گردیده و دوام آن منتج مضرات و مخاطرات است و اگر هرچه زودتر از تجربه گذشته تنبه حاصل نگردد و موافق مقتضای حال مملکت تغییری در سبك و رویه داده نشود بلاشك موجب ندامت کلی خواهد شد. هکذا در باب پلتیک خارجه که نهایت ارتباط را با پلتیک داخله دارد و تفکیک آن بهیچ وجه ممکن نیست، همینقدر اجمالاً خاطر نشان می‌کنم که باز برخلاف تمایح خیرخواهانه متوالی اینجانب رویه و سبکی که مناسب حال مملکت و مقتضیات حالت حالیه ما است اتخاذ نشده و در ازدیاد و تکمیل حسن مناسبات با دول متحابه اهتمامی که لازم بوده به ظهور نرسیده و بعد از ورود اینجانب از حسن مساعدتی که از طرف دول متحابه اظهار شد و اینجانب تشکر آن را نمودم بطوری که سزاوار بوده استفاده به عمل نیامده بنابراین اکیداً زحمت می‌دهم که تدارك این غفلت و مراقبت در تکمیل حسن روابط و استقرار اعتماد در مراودات با دول متحابه نهایت اهمیت را دارد و چون مندرجات این مشروحه مبنی بر کلیات مسائل است البته وزرای عظام طرحی را که برای حصول این هر دو مقصود مهم در نظر گرفته‌اند به تفصیله به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهند نمود.

امیدوارم که نمایندگان محترم اهمیت موقع را در نظر گرفته در تدارك مافات جد وافی نمایند زیرا که پیشرفت امور هیچ مملکتی خصوصاً این مملکت در حالت حالیه بدون حسن روابط خارجه امکان‌پذیر نیست و اگر خدای نکرده از اهمیت موقع و اهمیت این مسائل که تاکنون به کرات خاطر نشان شده صرف نظر شود صریحاً اظهار می‌دارم که موقع این جانب نیز دچار نهایت اشکال شده و دیگر وجهاً من الوجوه مقدور نخواهد بود که شاهد این حال ناگوار مملکت باشم.

ملفوف دو نمره ۳۶۸

پروگرام وزراء

نظر به لزوم شرکت دولت در مذاکرات راجع به قانون انتخابات که بایستی در مجلس تصویب شود وزراء در محاسن و معایب آن مذاقه تامه نموده و مجلس را از نظریات قطعی خود مستحضر خواهند داشت.

(۲) از آنجایی که در قوانین اساسی که حالیه مجری است فرازی مبنی بر جرح و

تعدیل قوانین مذکوره شامل نیست و از آنجایی که از طرف دیگر دولت جرح و تعدیل آن را لازم می‌دانند قوه مجریه در موقع انتخابات جدید اعلامی صادر خواهد نمود که در صورتی که ملت با دولت در این موضوع توافق حاصل نمایند اختیارات اعضاء جدیدالانتخاب آنها را مجاز می‌دارد قوانین اساسی را جرح و تعدیل نمایند برای آنکه دولت بتواند میل ملت را از این بابت دانسته باشد همین که دو ثلث تمام اعضاء جمع شدند دولت این عده را کافی خواهد دانست که صلاحیت جرح و تعدیل را به آنها اظهار نماید و در موضوع لزوم یا عدم لزوم جرح و تعدیل رای مثبت یا منفی آنها قطع عمل را خواهد نمود. در صورتی که اکثریت دو ثلث تمام اعضاء که جمع شده‌اند جرح و تعدیل را تصویب نمایند مثل این است که ملت آن را تصویب نموده باشند و شروع به مذاکره در آن خواهد شد.

(۳) به ملاحظه آنکه بایستی اختیارات کافیه به دولت داده شده و اقتداراتی که با مسئولیتهایی که بر خود گرفته مناسبت داشته باشد دارا باشد بطوری که بتواند منافع مملکت را در مد نظر داشته و در تزیید آنها بکوشد بهیچ وجه منالوجوه نباید در معرض مداخلات اشخاص یا هیئت‌های غیرمسئول واقع شود.

در صورتی که این قبیل مداخلات بدون اطلاع اولیاء امور صورت فعلیت حاصل نموده یا به شکل اخبار جعلی جلوه گر شود یا آنکه بطریق اجتماعات سری بعمل آمده و باعث مشتبه نمودن امر بعامه مردم یا بی اعتبار نمودن دولت شود دولت مختار خواهد بود که از اینگونه انتریکها جلوگیری نموده و مقصرین را تنبیه نماید.

(۴) دولت اقدامات فوری برای تزیید قوای حکومت مرکزی و ممانعت از عدم مرکزیت و هرج و مرج خواهد نمود. برای حصول این مقصود لازم است قوانین انجمنهای ایالتی و ولایتی بنا به صوابدید مستشاران اروپائی که در استخدام دولت هستند جرح و تعدیل شود و تا زمانی که این جرح و تعدیل بعمل نیامده و صورت قانونیت پیدا نکرده نظر به اینکه قوانین راجعه بتشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار انفصال آنها را به دولت نمی‌دهد دولت مختار خواهد بود که در صورت لزوم اعمال این اقدام را بنماید.

(۵) دولت مختار خواهد بود اشخاصی را که یا به واسطه آنکه شرح قوانین اساسی تاکنون نوشته نشده و یا بواسطه استخراج معانی متعدده از این قوانین استفاده نموده و انتظامات و امنیت عمومی را متزلزل نمایند و یا آنکه پای‌بند قوانین مبهم شده و باعث عدم پیشرفت اقدامات دولت شوند و یا آنکه در تعقیب منافع شخصی خود پای‌بندی به قوانین خارجه نمایند، در مورد مؤاخذة قرار دهد. دولت بایستی مختار باشد که از سوء استعمال قوانین که از سوء تعبیر آنها می‌شود جلوگیری نماید.

(۶) برای استقرار نظم و امنیت مملکت که از مقاصد مهم هر دولتی است ایجاد يك قوه کافی منظم و به همین‌طور تشکیل قوه ژاندارمری در تحت صاحب‌منصبان موثدی لازم است. وظیفه دولت است که برای انجام این مقصود هرگونه اقداماتی که لازم است نموده و هر نقشه‌ای را که برای تسریع و تکمیل این اقدامات مفید می‌دانند بایستی

به مجلس عرضه دارند تا تصویب گردد.

(۷) دولت کم کردن و یا موقوف داشتن اداراتی را که من غیر لزوم از عدم تجربه ایجاد گردیده و برای احتیاجات حقیقی فایده ندارند پیشنهاد نموده و موقوف داشتن آنها را نظر به منافع اقتصادی و پیشرفت امور لازم می دانند.

(۸) دولت مشغول تحقیق در مسئله اصلاح اساسی وزارت عدلیه می باشند و لایحه قانونی در این موضوع به مجلس عرضه خواهند داشت. تا زمانی که این لایحه صورت قانونیت پیدا ننموده به دولت باید اختیار داده شود که هرگونه اقدامی که مناسب دانند در مورد اداره عدلیه بنمایند.

(۹) تا زمانی که قانون جزائی از مجرای قانونی نگذشته دولت باید اختیار کامل داشته باشد که برحسب مواد قانون موقتی که شورای وزراء آنرا تصویب نمایند از جنایات جلوگیری نماید.

(۱۰) این مسئله واضح است که پلتیک داخلی هر مملکتی تا اندازه ای بسته و مربوط به پلتیک خارجی و مناسبات بین المللی آن می باشد و هرگاه یک طریقه و روش ساده و دوراندیشی اتخاذ نشود دولت حتی در پلتیک داخلی خود هم دچار اشکالات خواهد شد بنابراین دولت باید در مناسبات خود با دول متحابه و مخصوصاً با آنهایی که مناسباتش مهم تر می باشد پلتیکی اتخاذ نماید که همراهی و اطمینان آنها را جلب نماید. شرط اول پیشرفت این اقدامات دولت تقویت و قبولی عقاید عامه است.

نمره - ۳۹۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
طهران ۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۱۳ شهریور ۱۲۹۰؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۹]
آقا

در باب مراسله ۹ اوت من در خصوص اوضاع طرق جنوبی افتخار دارم راپورت دهم که جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم اصفهان در ۵ اوت راپورت داد که اوضاع راه شیراز الی اصفهان به همانطور خوب نیست و پستی که به شیراز می رفته در معیار سارقین آنرا زده و چند روز قبل از این واقعه هم در همین جا سرقتی به وقوع رسید و پستی که از شیراز به اصفهان می آمده در محل دیگر سارقین به آن حمله نموده اند. مستر گریهم اظهار داشت که اگرچه دزدیهای اخیر جزئی بوده اند ولی اثری که بر قاطرداران باقی گذارده اند آنقدر اسباب بیم و وحشت آنها شده که گویی سرقتهای مهم واقع گردیده است.

یک قافله مرکب از ۱۵۰ حیوان که مدتی از حرکت آن به تأخیر افتاده و محمول مال التجاره برای کمپانی ذیقلر [= زیگلر] بودند در ۵ اوت از شیراز به اصفهان ورود نمود. اگرچه سارقین در راه متعرض آنها نشده بودند ولی قاطرداران از وجوهاتی که مستحفظین راه از آنها گرفته بودند شکایت داشتند.

اخبار ثانوی از مستر گریهم مورخه ۱۲ و ۱۹ ماه مشعر است بر اینکه سارقین راه شیراز را مابین اصفهان و قمشه اشغال نموده‌اند و قوافل محمول مالالتجاره انگلیسی به واسطه عدم مستحفظین (که بنا بر خواهش جنرال قنصل یك دسته از آنها فرستاده شدند) معطل مانده بودند. سایر قوافل از بیراهه راه سرحد به اصفهان وارد شدند.

اما در باب راه بوشهر الی شیراز عبور و مرور قوافل مابین کمارج و کازرون بعلت جنگ مابین کمارجی‌ها و قشقاییها در واقع موقوف شده است.

اوضاع راه اصفهان الی طهران بدتر از همیشه بنظر می‌آید. علت عمده اغتشاش این راه حضور نایب‌حسین راهزن مشهور در حدود کاشان است که بختیاریهایی که از اصفهان حرکت کرده‌اند با او طرف می‌باشند.

عبور و مرور قوافل در راه اهواز هم موقوف می‌باشد و غارت کاروانسراها را تلگرافاً [= تلگرافی] بشما راپورت دادم. امیدواری هست که ترتیباتی که فعلاً برای حفظ قوافل داده شده که یا بواسطه مستحفظین اضافی از طرف خوانین بختیاری و یا بواسطه مسلح نمودن خود قاطرداران حفظ شوند اسباب بهبودی اوضاع این راه خواهد شد.

راپورتهای اخیر از طرف قنصل اعلیحضرتی مقیم کرمان در خصوص اوضاع وحشت‌انگیز راه کرمان الی بندرعباس و سرقت‌هایی که در آنجا به وقوع رسیده است تلگرافاً [= تلگرافی] بشما اطلاع دادم.

مکتوبی از جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر رسیده راپورت می‌دهد که در عرض راههای تجارتی جنوب به انواع و اقسام راهها و اسمها از قبیل راهداری و غیره از مردم پول گرفته می‌شود. من مطالب را شفاهاً به اطلاع دولت ایران رسانیده‌ام و وعده اقدامات لازمه داده‌اند.

نباید این مطلب را در پرده بداریم که هم دولت مرکزی و هم مأمورین محلی فعلاً قدرتی ندارند که اینکار را اصلاح نمایند.

من از ارسال پروتست رسمی برای دولت ایران استنکاف نموده‌ام مبدا این‌طور تصور کنند که بغیر از مسئله راهداری ما از بابت اوضاع راههای تجارتی شکایت دیگری نداریم.

امضاء جارج بارکلی

نمره - ۳۷۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)

طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۳ سپتامبر من - نایب‌حسین کاشان را قبضه نموده است.

نمره - ۳۷۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر)
 طهران ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
 وزیر امور خارجه مرا اطلاع می‌دهد که فرمانفرما به ایالت فارس تعیین شده و تا
 زمان ورود ایالت حکومت سپرده به يك کمیته محلی خواهد بود.
 الحال کسی که صاحب قدرت باشد در شیراز نیست و علائمی از موافقت صولت‌الدوله
 و نظام السلطنه با تصمیم دولت مشهود نمی‌باشد.
 مابین ایلیات هر روز مجادله واقع می‌شود و قشقاییها مرتکب هرگونه افعال
 تجاوزکارانه در شهر و حدود آن می‌شوند.
 عده ایلیاتیهای قوام‌الملک و سایر همراهان مسلح او در شهر به دو هزار نفر
 می‌رسد. عده همراهان طرف مخالف هزار و سیصد نفر است.

نمره - ۳۷۲

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اوپرن
 وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
 جنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر ارائه طریق نموده است که در ضمن
 اقدامات دیگر، ما در بم و یس قنصلگری تأسیس و عده کافی مستحفظین در آنجا نگاه
 خواهیم داشت و مستحفظین سایر نقاط که اصفهان هم که جزو منطقه نفوذ روس است
 جزو آن باشد زیاد خواهد شد.
 هر قدر زودتر ممکن است به دولت روس اطلاع دهید که این اقدامات ممکن است
 لازم باشد و امیدواریم دولت مشارالیه اعتراضی بر افزایش مستحفظین اصفهان که
 برای پیشرفت نقشه لازم است نخواهند داشت.
 روی هم رفته دویست نفر مستحفظین اضافی برای بم و شیراز و یکصد نفر برای
 سایر نقاط خواهد بود.
 دولت اعلیحضرتی مایل می‌باشند از هرگونه تصرفات نظامی در ایالات و ولایات
 جنوبی که متضمن اعمال قشون زیاد باشد احتراز نمایند و اقدام فوق‌الذکر کمترین
 اقدامی است که بنمایند. فقط مقصود ما این است تجارت انگلیس را که خسارت زیاد
 بدان وارد آمده حفظ نماییم.

نمره - ۳۷۳

مکتوب سر ادوارد گری به مستر اوپرن
 وزارت خارجه ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۱ [۲ مهر ۱۲۹۰؛ ۱ شوال ۱۳۲۹]
 آقا

در باب تلگراف امروز خود بایستی به شما اطلاع دهم که امروز به کنت بنکندرف

اظہار نمودم تاکنون از بابت توقیف مالالتجاره انگلیس در جنوب ایران شکایات بسیار رسیده دولت روس در نقاط شمالی ایران قشون فرستاده و راه‌های آنجا را مفتوح داشته‌اند و یحتمل تجارت روس منافی حاصل نمود که ما به واسطه مسدود بودن راه‌های تجارتی جنوب از دست دادیم.

من با وجود این مایل به اعزام قوه نظامی به ایران نبودم. ما مثل دولت روس این کار را باسانی نمی‌توانستیم بکنیم قشون ما بایستی از راه دریا پرود ولی من در خیال بودم بر عده مستحفظین قنصلخانه‌های جنوب بیفزاییم و این کار را هم در اصفهان که در منطقه نفوذ روس است به انجام رسانیم. من مشغول تلگراف نمودن به سنت پترزبورغ و توضیح موقع می‌باشم.

کنت بنکندر ف اظہار داشت تصور می‌کند ما در خیال هستیم بر عده مستحفظین موجوده در اصفهان اضافه نماییم و من اظہار داشتم بله همینطور است.

امضاء گری

نمره - ۳۷۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]
راجع به تلگراف ۲۵ سپتامبر من:

نایب‌حسین ده نفر از قزاقان روسی را اسیر نموده و آنها را در کاشان توقیف نموده است و آنها را بطور گروی نگاه داشته است تا آنکه دولت ایران بعضی از تقاضاهای او را قبول نماید.

نمره - ۳۷۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
طهران ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]

از چند روز به این طرف شهر یزد در تصرف شورشیان بوده چندین نفر از مأمورین در ویس قنصلگری بست اختیار نموده‌اند.
دولت ایران منتظر اقدامات ایالت جدید برای اعاده نظم در حین عبور خود از یزد می‌باشند.

نمره - ۳۷۶

تلگراف مستر اوپرن به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
سنت پترزبورغ ۲۶ سپتامبر ۱۹۱۱ [۳ مهر ۱۲۹۰؛ ۲ شوال ۱۳۲۹]
ایران - مسیو نراتوف امروز در ضمن صحبت اشاره به مسئله تعیین مازور

استوکس نمود.

جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] اشعار داشت که اعتراضات دولت متبوعه وی برعلیه [= علیه] تعیین استوکس برای تشکیل هر قسم قوه ژاندارمری در طهران طوری است که رفعش ممکن نمی‌باشد حتی اگر مدت تعیین وی هم قلیل باشد تعیین استوکس لزوماً فرماندهی موقتی عده زیادی را در خود مرکز به او خواهد داد.

در این ضمن من دریافتم که در صورتی که نقشه استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای تشکیل ژاندارمری به انجام رسد ممکن است دولت روس اعتراضی نخواهند داشت که استوکس يك قوه ژاندارمری در اصفهان یا در حوالی آنجا تشکیل دهد البته به شرط آنکه فرماندهی هر قسمتی از آن قوه که بایستی بسمت شمال ایران اعزام شود به صاحب‌منصبان ایرانی یا يك دولت بیطرفی واگذار شود. من حالا نمی‌توانم عقیده خود را در باب پیشرفت عملی چنین نقشه‌ای اظهار نمایم.

نمره - ۳۷۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

شیراز - بانك محلی بنا به اجازه من از صولت‌الدوله درخواست نمود مستحفظ همراه نقدینه‌ای که در اصفهان جداً لازم داشتند بفرستد. صولت‌الدوله در جواب گفت که قبل از قبول اینکار بایستی صبر کرده ببیند اوضاع حاضره بر کیفیت راه چه اثری خواهد بخشید و علاوه بر این اظهار داشت که او کلیه مسئولیت راه بوشهر را از دوش خود برداشته.

کفیل قنصلگری راپورت می‌دهد یکی از رؤسای قشقایی که تازه طغیان نموده راه مذکور را اشغال نموده است.

نمره - ۳۷۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)

طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]

لغتنان ویلسن پس از انجام مشاغل خود به شیراز رسیده. سارقین قشقایی در پل فسا آنچه داشته برده و با او بطور بد سلوک نموده‌اند. او يك شب آنجا توقیف بود و پس از رجوع به صولت‌الدوله او امر داد تمام متعلقات او را که برده شده بود مسترد گردد و تقریباً تمام آن مسترد شد و قشقاییها تا قنصلخانه همراه او آمدند. از قراری که مذکور می‌دارد در منزل آخری راه قشقاییها دهاتیان را باکمال بیرحمی غارت کرده و هرگونه زیاده‌رویها در حق آنها معمول می‌داشتند. من در باب جبران اینها با کفیل قنصلگری اعلیحضرتی مشغول مشورت می‌باشم.

نمره - ۳۷۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ سپتامبر)
 طهران ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]
 کفیل قنصلگری شیراز را پورت می‌دهد که صولت‌الدوله فعلاً با فرمانفرمای جدید
 در عمارت حکومتی هم‌منزل می‌باشند.

نمره - ۳۸۰

مکتوب سر ادوارد گری به میرزا مهدی‌خان
 وزارت خارجه ۲۷ سپتامبر ۱۹۱۱ [۴ شهریور ۱۲۹۰؛ ۳ شوال ۱۳۲۹]
 آقا

در جواب مکتوب ۱۶ شهر جاری شما در خصوص دستگیری سرحددار در بندرجز،
 افتخار دارم شما را مستحضر بدارم که مأمور مذکور و همراهان او از قراری که
 سفیر روس مقیم طهران اطلاع داده به بعضی از اتباع روس حمله نموده و آنها را
 هارت نموده‌اند و مأمورین محلی استرآباد که آنها را برای تحقیق مطلب احضار
 نموده‌اند از حضور بهم‌رسانیدن در آنجا سر باز زده‌اند. آژانس قنصلگری روس
 برحسب امر قنسل روس مقیم استرآباد شخص مقصر را دستگیر و به مأمورین محلی
 استرآباد سپرده است. سفیر روس علاوه بر این اظهار می‌دارد که دسته سرحددار که
 از تجار معتبر نمی‌باشند به آشوراده فرستاده شده‌اند که در آنجا توقیف باشند تا تحقیق
 بعمل آید.

امضاء گری

نمره - ۳۸۱

مکتوب اداره خارجه هند به وزارت خارجه (واصله ۲۹ سپتامبر)
 معاون وزیر هند به معاون وزیر امور خارجه سلام رسانیده و برای استحضار خاطر
 جناب وزیر امور خارجه سواد تلگراف مورخه ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ فرمانفرمای هند را
 راجع به تزئید مستحفظین قنصلخانه شیراز ایفاد می‌دارد.
 اداره هند ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]

ملفوفی نمره ۳۸۱

تلگراف حکومت هند به مارکس اف کرو
 ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۱ [۵ مهر ۱۲۹۰؛ ۴ شوال ۱۳۲۹]
 تزئید مستحفظین قنصلخانه شیراز
 تلگراف ۲۵ ماه گذشته خود را ملاحظه نمایید.
 به قنسل مقیم بوشهر بر وفق تعلیمات شما دستورالعمل داده شد که در صورتیکه

يك دسته كوچكى بتوانند به امنيت حركت كنند ترتيباتى داده شود كه ۲۲ نفر ديگر همراه كلنل نوئل معاون دوم قنصلخانه به شيراز اعزام شوند. قونسل آنجا هنوز صلاح ندانسته است اين دسته حركت نمايند بعلت ناامنى راه و اوضاع شيراز با اين اوضاع ما بنا بر موافقت قنسل تصميم نموده ايم كه نصفه دسته هفتم را چپوتها در تحت صاحبمنصب انگليسى به يوشهر بفرستيم كه در حدوث موقع حاضر براى برقرارى بجاي مستحفظين شيراز باشند چرا كه تمام مستحفظين شيراز در آخر ماه ديگر مدت خدمتشان سپرى شده و بايستى آنها را از خدمت معاف نمود.

نمره - ۳۸۲

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گرى (واصله ۲۹ سپتامبر)
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]

شيراز

صولت الدوله محل قواميها را در ۲۷ سپتامبر بمبارده نمود - جنگ سختى درگرفت و از قرار معلوم صدمات زيادى به قشقايبها وارد آمد.

نمره - ۳۸۳

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گرى (واصله ۲۹ سپتامبر)
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱ [۶ مهر ۱۲۹۰؛ ۵ شوال ۱۳۲۹]

اوضاع شيراز - راجع به تلگراف ۱۹ سپتامبر من:

مستر ناكس راپورت مى دهد كه صولت الدوله در جواب انتباه نامه من اظهار مقاصد مسالمت آميز و بستگى خود را به دولت اعلى حضرتى نمود و خواهش كرد كه فيما بعد توسط كارگذار [= كارگزار] با او مراسله و مكاتبه شود.

به مستر ناكس اطلاع موثق رسيده است كه صولت الدوله مراسله مرا بطور تحقيق پذيرفته است.

نمره - ۳۸۴

تلگراف سر جارج باركلي به سر ادوارد گرى (واصله ۳۰ سپتامبر)
طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۱ [۷ مهر ۱۲۹۰؛ ۶ شوال ۱۳۲۹]

راجع به تلگراف ۲۹ سپتامبر من:

كفيل قنصلگري راپورت مى دهد كه هزار و پانصد نفر بكمك دسته قواميان آمده اند و تمام قشقايبها را از سنگرهای خود در خارج شيراز بيرون كرده و بعضى از محلات مستحكمة شهر آنها را هم قبضه نموده اند. صولت الدوله نزد قوام فرستاده است كه قرار و مدارى براى صلح بدهد.

خاتمة

چون در دیباچه کتاب سهواً نگارش رفته که جناب آقای تمدن‌الملک به ترجمه تمام این کتاب پرداخته‌اند لهذا محض استحضار خاطر محترم قارئین عظام عرض می‌شود که از صفحه يك الى صد و پنجاه و پنج ترجمه جناب مشارالیه و از آنجا تا آخر ترجمه اینجانب میرزا حسن‌خان اصفهانی است.

نظر بمعارف پروری و میل مخصوص حضرت مستطاب اشرف امجد آقای سردار اسعد دام اقباله‌العالی و مقصود عمده‌ای که برای بیداری حس ایرانیان و اینای وطن همیشه منظور نظر مقدس ایشان بوده و هست به طبع کتب آبی انگلیسی که اصبح تواریخ دوره مشروطه آن مملکت است مجدانه اقدام و چند کتاب آنرا از طبع خارج فرموده اینک کتاب سیم را نیز به دستگیری جناب آقای حاجی میرزا علی صراف اصفهانی به حلیه طبع آراسته قیمت شش قران است طالبین به کتابخانه آلفا در خیابان لاله زار و تجارتخانه شخص حاج میرزا علی آقا و کتابخانه تربیت مراجعه فرمایند.

فهرستها*

(۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا چهارم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شماره هر جلد را قبل از ذکر شماره صفحات مربوط در [] قرار داده ایم.

(۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه ها و تلگرافها خودداری کرده ایم.

نامهای کسان

یاد آوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می شود که بنظر می رسد باید مربوط به يك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در يك ردیف فهرست بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی گمان شویم اسامی یاد شده واقعاً مربوط به يك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶	آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آقا سید جمال الدین واعظ [ج ۱] ۴۰	آصف الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰
۲۱۶، ۴۱	۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷	۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲
۹۳۰	[ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۹۶
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹	۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳
۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰	۷۱۴، [ج ۴] ۸۲۳
۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰	آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸	آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴	آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳ -
آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴	۷۹۵

ادواردز (ژنرال) [ج ۵] ۱۱۱۲

۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶

آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۸۲، ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۵۴ [ج ۴] ۸۵۵

ادیبالتجار [ج ۱] ۳۵

آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸

آرباب رستم [ج ۳] ۷۸۷

آقا محمد مهدی [ج ۱] ۴۶

آرباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸

آقاجفی [ج ۱] ۳۵، ۲۸، ۲۷، ۲۴

ارشادالدوله [ج ۳] ۷۵۶، [ج ۵]

۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷

۱۱۹۵، ۱۲۱۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳

[ج ۲] ۵۲۳، ۳۶۹، [ج ۴] ۸۲۲

اسپرینگت ریس (سر) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷

آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸

استد [ج ۱] ۱۸۸

۱۵۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳]

استراگراوسکی - استروگراتسکی [ج ۱]

۷۱۰، [ج ۴] ۸۹۲، ۹۵۶

۳۰۰، [ج ۲] ۴۰۶، ۴۱۹

آکانر نک: اوکانر

استروس [ج ۳] ۷۶۲

استوارت (استووارت) [ج ۱] ۷۰

ایراهمیم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴

استوپولو (سر - مسیو) [ج ۵] ۱۱۶۳

آتابک [ج ۱] ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶

استوکس (ماژور) [ج ۱] ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷

۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰

۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸

۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱، [ج ۴] ۹۰۶

۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱

آتابک اعظم [ج ۱] ۴۱، ۴۲، ۴۸، ۵۲

۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳

۸۰، ۸۱، ۹۴

[ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵

اجلال الملك [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۵۴۶

۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵

۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱

۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰

احتشام السلطنه [ج ۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴

۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴

۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴

۷۴۷، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹

[ج ۳] ۷۲۷

۹۴۲، [ج ۵] ۹۷۷، ۱۱۰۳

احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵، [ج]

۱۱۰۵، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۹

[۵] ۱۲۰۱

۱۱۳۰، ۱۱۳۶، ۱۱۴۲ - ۱۱۴۶

احمدخان [ج ۳] ۷۱۶

۱۱۴۹، ۱۱۵۵، ۱۱۵۹، ۱۱۶۴ -

احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴

۱۱۶۶، ۱۱۷۱ - ۱۱۷۳

احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶

۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۹

۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱

۱۲۴۴، ۱۲۲۸ - ۱۲۲۵

۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶

استیونس - استهون - استونز - استونس

۷۳۴، ۷۴۳ (نک: ولیعهد)

[ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱

احمد میرزا (سلطان احمد میرزا) [ج ۱]

۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴

۲۰، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹

۳۱۸، [ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۹

- اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵
 اسدالله میرزا - شاهزاده اسدالله میرزا
 [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۳، ۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶
 [ج ۵] ۱۰۳۶
 اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱
 اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸، ۷۱۹، [ج ۵] ۱۰۱۱
 اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱
 اسکندر خان (پسر سردار ظفر) [ج ۴] ۹۳۰
 اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲، [ج ۳] ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۷۹
 ۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰، [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۲۹، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲
 اسماعیل خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۱۹۷، ۱۰۷۴
 اسمیت (سی. اس) [ج ۴] ۸۰۶، [ج ۵] ۱۰۸۵
 اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹
 اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱
 اسپیک (مسیو) [ج ۵] ۱۰۳۰
 اصفرخان [ج ۱] ۲۴۹
 اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹
 اعدل الدوله [ج ۲] ۵۳۱
 اعزازالممالک [ج ۲] ۴۲۶
 افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰
 اقبال الدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۸
 اقبال السلطنه [ج ۲] ۴۸۹
 اقتدار نظام [ج ۱] ۲۸۲
 اکبر میرزا [ج ۱] ۲۴۹
 اکبرخان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۴
 اکرم السلطان [ج ۱] ۵۲
 اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲
 اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶
 الکسیس (گراندوک) [ج ۲] ۳۳۸، ۳۶۱
 ام الخاقان [ج ۳] ۷۸۶
 امام جمعه [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴
 امام جمعه خوی [ج ۱] ۹۹
 امامزاده [ج ۳] ۶۹۰
 امامقلی خان [ج ۳] ۷۳۰
 امامقلی میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲
 امان الله خان [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۵۵
 امان الله میرزا [ج ۵] ۱۰۹۶؛ شاهزاده
 امان الله میرزا [ج ۵] ۱۲۰۶
 امیر اسعد (پسر سپهبدار) [ج ۵] ۱۰۳۷
 امیر اعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶، [ج ۵] ۱۰۵۶، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱
 امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۲۲
 امیرالممالک [ج ۵] ۱۱۲۹، ۱۱۳۹
 امیربهادر - امیربهادر جنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۵۱ - ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳ - ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۵۶، [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۹۶
 امیرتومان - امیرتومان سوادکوهی
 (اسماعیل خان) [ج ۵] ۱۰۱۲
 امیرجنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
 امیرحشمت [ج ۵] ۱۰۱۱

۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱،
 ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰،
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰،
 ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴،
 ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲]
 ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱،
 ۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵،
 ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳،
 ۴۲۶، ۴۳۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴،
 ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴،
 ۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹،
 ۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷،
 ۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵،
 ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲،
 ۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴،
 ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹،
 ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲،
 ۸۹۶، [ج ۵] ۱۱۸۳

ایل بیگی [ج ۳] ۶۳۱

بارکر [ج ۱] ۱۴۲

بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰،
 ۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲،
 ۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲، [ج ۳] ۵۵۴،
 ۶۵۳، ۶۶۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷،
 ۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۲۹،
 ۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱، [ج ۵] ۹۷۵،
 ۹۸۷، ۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۴۱،
 ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳،
 ۱۱۲۵، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۱،
 ۱۱۷۳، ۱۱۷۸، ۱۱۸۰، ۱۱۸۳،
 ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۲۲۲، ۱۲۲۶،
 ۱۲۲۷

امیرخان سردار [ج ۵] ۱۰۵۶
 امیر سیف الدین میرزا [ج ۴] ۸۱۲
 امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
 امیر مجاهد بختیاری [ج ۵] ۱۲۲۸،
 ۱۲۳۳

امیر مفخم - امیر مفخم بختیاری [ج ۳]
 ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰،
 ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴]
 ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰،
 ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸، [ج ۵] ۱۰۵۷،
 ۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰،
 ۱۲۱۳، ۱۲۳۲-۱۲۳۴

امیر مکرّم [ج ۲] ۴۶۹، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷،
 ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۷۴،
 ۱۰۹۷، ۱۲۱۴، ۱۲۳۲

امیر نظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
 امین الدوله [ج ۵] ۱۱۳۱، ۱۲۰۵
 امین السلطان [ج ۱] ۳۲، ۳۶
 امین الممالک [ج ۴] ۷۶۸
 امین دربار [ج ۳] ۶۷۴

انتظام الملک [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲]
 ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
 اوبرن (اوبرون - ابیرن - اپرون) [ج ۳]
 ۵۸۴ - ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳،
 ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ -
 ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴-۶۶۶، [ج ۴]
 ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ - ۸۶۳، ۸۹۶،
 ۸۹۸-۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵]
 ۱۲۲۲، ۱۲۴۳

اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
 اوکانر - اوکونر - اوکونار (ماژور) [ج]
 ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱، [ج ۳]
 ۱۰۳۸، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷ [ج ۵]
 ایزولسکی - ایزولسکی - ایزوالسکی -
 ایزوولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵،

بارانوسکی - بارناوسکی - بارناوسکی -

بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱،

۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲،

۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳]

۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱،

۶۲۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲-۶۸۴،

۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳

بارون استواک (مصباح السلطان) [ج ۳]

۷۵۶

باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳

باقر (درودی) [ج ۴] ۷۹۴

باقرخان [ج ۲] ۲۸۷، ۴۶۴، ۴۸۹، ۴۹۳، [ج ۳]

۵۵۶-۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲،

۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲،

۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹،

۸۱۴، ۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴-۸۲۶،

۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹،

۹۱۹، ۹۲۸، [ج ۵] ۱۱۵۲

باکالی [ج ۳] ۶۸۸

باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹

بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷

بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶

برایس (جیمز) [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲،

۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۱۷

برتی (سر فرانسیس) [ج ۵] ۹۸۵

برنهم - بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹،

۷۰

برون [ج ۱] ۷۰

بریوت (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸

بشیر خاقان [ج ۲] ۶۴۹

بلارانوف [ج ۱] ۶۴

بلک (لفتنت) [ج ۱] ۱۲۷

بلکمن [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲]

۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱

بنکن دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸،

[ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶

۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴،

۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۰، [ج ۵] ۱۱۲۶،

۱۱۴۳ - ۱۱۴۵، ۱۱۸۹، ۱۲۴۲،

۱۲۴۳

بومن [ج ۱] ۸۲

بهاء السلطنه [ج ۴] ۹۶۰، ۹۶۱،

بهاء الواعظین [ج ۱] ۲۶۲

بهادر السلطنه [ج ۲] ۳۸۸

بهادر الملك [ج ۵] ۱۲۰۷

بهیبهانی [ج ۳] ۶۹۰

بهرامخان [ج ۴] ۸۱۲، [ج ۵] ۱۰۱۴،

۱۰۷۶، ۱۰۹۸، ۱۱۵۴؛ برادر

بهرامخان [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۰۹۹

بهرام میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳]

۷۱۳

بیزو - بیزوت [ج ۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰،

۱۸۱ - ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱،

۲۶۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷،

۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، [ج ۲]

۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵،

۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸، [ج ۴] ۷۷۵،

۸۲۵، ۸۴۹، [ج ۵] ۱۱۲۰

بیگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲] ۳۸۳،

۳۸۵، ۴۶۸، [ج ۳] ۶۰۰، ۶۴۷،

بیل [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰،

۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵،

[ج ۳] ۵۶۹، ۶۰۲-۶۰۴، ۶۱۰،

۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰،

۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵،

۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰،

۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶،

۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷

بیوکانان (سر) [ج ۵] ۹۹۰، ۱۰۰۰،

۱۰۰۴، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۴۱،

۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۲۲-۱۱۲۳،

۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۹-

پسر سردار اسعد [ج ۴] ۷۹۷، ۷۹۲
 پسر ظل السلطان [ج ۳] ۶۶۵، ۶۶۴
 پسر نایب حسین [ج ۴] ۹۵۸، ۹۵۷
 بطروف [ج ۵] ۹۹۹، ۹۹۵، ۹۸۱
 پوتک (ادوارد) [ج ۵] ۱۱۷۲
 پیترز (سیرجنت) [ج ۵] ۱۰۹۸
 پیترسن (لفتنان) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۰۸۵

۱۱۴۱، ۱۱۴۴، ۱۱۶۴، ۱۱۶۶،
 ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳،
 ۱۱۷۶، ۱۱۸۱ - ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،
 ۱۱۸۹، ۱۲۱۷، ۱۲۲۲
 بیوکخان (پسر رحیمخان) [ج ۱] ۵۱،
 ۵۳

پاری [ج ۱] ۲۸
 پاسک [ج ۳] ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۷،
 ۷۹۰، [ج ۵] ۹۹۷
 پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳] ۵۹۳
 پاکلوسکی - پاکلاوسکی [ج ۳] ۶۹۲،
 ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵،
 ۸۱۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲،
 ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱ - ۸۸۳،
 ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲،
 ۹۲۷، ۹۳۵، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۸،
 ۹۹۰، ۹۹۳، ۱۰۰۶، ۱۱۰۲،
 ۱۱۱۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۳۰،
 ۱۱۳۸، ۱۱۸۴، ۱۱۸۹، ۱۲۱۰
 پالکونیک - پالکونیک و ادبولسکی (پرنس)
 [ج ۴] ۸۹۵، ۹۱۵
 پتروف [ج ۴] ۹۷۰
 پرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
 پرویز [ج ۱] (نک: شاه جهان)
 پری بینی زوف (کاپیتان) [ج ۳] ۶۴۳،
 ۶۸۷، ۷۰۶
 پریم [ج ۱] ۴۲، ۲۵
 پسر داودخان کلهر [ج ۳] ۷۱۱
 پسر رحیمخان [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰،
 ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نک:
 بیوکخان)

تاجرباشی - تاجرباشی روس [ج ۳]
 ۵۹۳، [ج ۴] ۹۳۸، [ج ۵] ۱۱۶۳
 ترور (کاپیتان - میجر - مسیجر؟) [ج]
 [۲] ۴۶۶، [ج ۴] ۸۲۰
 تزار [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۷
 تقی زاده [ج ۱] ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸،
 ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸،
 ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۲، ۲۶۳، [ج ۳]
 ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹،
 ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸،
 ۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵،
 ۹۰۶، ۹۱۴، ۹۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۶
 تمدن الملك [ج ۵] ۹۷۳، ۱۲۴۷
 تومانیانس [ج ۵] ۱۲۱۹
 تیمورخان [ج ۱] ۱۵۷

ثقة الاسلام [ج ۲] ۴۸۸، [ج ۳] ۵۹۱
 ثقة الملك [ج ۴] ۸۱۸، ۸۲۱

جلال الدوله [ج ۱] ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵،
 ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۴] ۶۹،
 ۹۶۶، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵،
 ۹۹۹، ۱۰۵۷
 جنتلمن [ج ۴] ۸۰۶

پرنی (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
 پرویز [ج ۱] (نک: شاه جهان)
 پری بینی زوف (کاپیتان) [ج ۳] ۶۴۳،
 ۶۸۷، ۷۰۶
 پریم [ج ۱] ۴۲، ۲۵
 پسر داودخان کلهر [ج ۳] ۷۱۱
 پسر رحیمخان [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰،
 ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نک:
 بیوکخان)

حاجی خسروخان [ج ۳] ۷۶۲

حاجی رستم بیگ [ج ۵] ۱۰۳۹

حاجی رحیم خان [ج ۲] ۵۳۰

حاجی سیف الدوله [ج ۳] ۷۶۵

حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱

حاجی علی آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹

۶۰۳

حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱

حاجی قوام [ج ۵] ۱۲۰۷

حاجی مجدالدوله [ج ۳] ۷۰۷، [ج ۵]

۱۱۳۱، ۱۲۰۵

حاجی محمد (درودی) [ج ۴] ۷۹۵

حاجی محمد باقر (درودی) [ج ۴] ۷۹۵

۷۹۶، ۸۳۰

حاجی محمد حسین کازرونی [ج ۱] ۲۵

حاجی محمد کریم خسان (قشقائی) [ج ۵]

۱۰۵۸

حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹

حاجی میرزا رضاخان [ج ۵] ۱۰۵۵

حاجی میرزا علی صراف اصفهانی [ج ۵]

۱۲۴۷

حاجی نایب [ج ۱] ۱۲۸، ۱۵۸، [ج ۲]

۵۳۱

حبیب الله خان [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۴] ۹۶۰

حسام الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹

حسن بنخشو (نک: بنخشو)

حسن (وئوق الدوله) نک: وئوق الدوله

حسین (پسر نایب الصدر) [ج ۱] ۲۸۶

حسین خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴

حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴

حسینقلی خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵

۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰

۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۹

۹۹۷، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶

حسینقلی خان نواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶

جواد خان [ج ۴] ۸۳۶

جوجو (ججو) [ج ۵] ۱۰۳۸

جولد (گولد) براند (لفتنان) [ج ۵]

۱۰۸۵، ۱۲۲۸

جهانگیرخان (صوراسرافیل) [ج ۱] ۲۳۹

۲۴۶

جیمز - جیمس [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۴]

۸۰۶

جیهند - جهیند [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰

چرچیل [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴

۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶

[ج ۳] ۵۵۱-۵۵۴، ۵۹۹، ۶۰۸

۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹

۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳

۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲

۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳

[ج ۵] ۱۰۲۰، ۱۰۳۳، ۱۰۹۱

چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳

۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴-۲۹۹

۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳]

۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵

چیک [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳، [ج ۵] ۱۱۹۵

حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳

حاج شیخ رئیس [ج ۴] ۹۲۹

حاج میرزا رضاخان [ج ۴] ۷۷۸

حاجی آخوند (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵

حاجی آقا [ج ۴] ۹۳۷

حاجی آقا محسن (اراکي) [ج ۱] ۵۵

حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲

حاجی ایلخانی [ج ۵] ۱۰۲۳

۱۱۶۹، ۱۱۷۸

دارسی [ج ۴]، ۸۱۵، ۸۳۱

دالتون [ج ۵]، ۱۰۱۲، ۱۰۳۰

داودخان [ج ۲]، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰

۵۳۳، [ج ۴]، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵

۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶

۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰

داودخان کلهر (نک: داودخان) [ج ۳]

۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴]، ۷۸۶

۹۱۰، [ج ۵]، ۱۰۱۳، ۱۰۹۹

۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۴، ۱۲۳۱

داودساسون وکمپانی [ج ۳]، ۶۵۶

دبیرالملک [ج ۴]، ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]

۱۲۰۵

دریابیگی [ج ۱]، ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]

۴۷۲، [ج ۳]، ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳

۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳

۷۴۷، [ج ۴]، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴

۹۴۱، ۹۷۱، [ج ۵]، ۱۰۰۰

دمرنی (مسیو) [ج ۵]، ۱۲۲۸

دوداین [ج ۳]، ۶۹۸

دوکار (ماژور) [ج ۱]، ۱۳۸

دوگلاس (کلنل) [ج ۱]، ۱۰، ۶۲، ۶۴

دولت آبادی (محمدخان) [ج ۳]، ۶۰۰

ده بزرگی (علی اکبر) [ج ۵]، ۱۱۱۸

دیکی (بروس) [ج ۵]، ۱۰۰۵، ۱۰۷۳

۱۱۴۶

ذکاءالملک [ج ۱]، ۱۷۸، [ج ۴]، ۷۷۸

۸۹۱، [ج ۵]، ۱۰۱۱

رئیس روحانی کربلاء [ج ۳]، ۷۱۲

رئیس علی [ج ۳]، ۷۱۶، ۷۳۳

[ج ۳]، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷

[ج ۴]، ۷۷۸، ۸۸۰

حسینقلی شامسون [ج ۵]، ۱۰۳۷

حشمت الدوله [ج ۳]، ۵۵۹، ۵۶۳

حشمت الملک [ج ۱]، ۳۵، [ج ۵]، ۱۰۳۸

۱۰۳۹، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۱۵۳

۱۲۳۱، ۱۲۰۷

حشمت الممالک [ج ۴]، ۸۳۴

حکیم الملک (دکتر) [ج ۳]، ۷۰۴، ۷۲۷

[ج ۴]، ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶، [ج ۵]

۱۲۰۵

حمیدی [ج ۱]، ۱۶۷

حیدرخان کمارجی [ج ۳]، ۷۶۴

خازن الملک [ج ۴]، ۷۹۵

خاصاقا [ج ۲]، ۴۲۶

خان انگالی [ج ۳]، ۶۵۷، [ج ۵]، ۱۰۴۰

خا بنادر سرحد (روس) [ج ۵]، ۱۱۹۱

خان بندر (بوشهر) [ج ۴]، ۸۷۳

خان بندر ریگ [ج ۳]، ۷۱۶

خان کمارج [ج ۵]، ۱۰۵۴، ۱۰۷۲

۱۰۸۰

خان ماکو [ج ۳]، ۶۶۳

خبیرالدوله [ج ۱]، ۱۲۷، ۱۳۹

خسروخان [ج ۱]، ۸۳، [ج ۲]، ۴۷۱

[ج ۳]، ۶۴۹

خوانین شهرایی [ج ۵]، ۱۰۷۷

خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳]، ۷۵۵

دابیژا - دابیجا - دابیچی - داپسی چا

(پرنس) [ج ۱]، ۹۳، [ج ۳]

۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]، ۹۰۷

داراب میرزا [ج ۴]، ۸۵۲، ۸۶۳، [ج ۵]

۷۸۵، ۷۷۹ [ج ۴]، ۷۶۰، ۴۷۹

[ج ۵] ۱۱۶۲، ۱۱۶۱

رفت الدوله [ج ۳] ۷۲۹، ۶۴۹

رفت نظام [ج ۳] ۷۶۳

رکن الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷

[ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰

۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱

۸۲۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰، [ج ۵]

۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹

رنکینگ (لفتنت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴]

۸۱۱

روت [ج ۴] ۹۴۲

رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴

۷۰۵

ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶

زاپولسکی - زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳]

۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶

زایر خزر - زایر خدر (زایر خضر) [ج]

[ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱

زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶

زلیونیکستن (مستر) [ج ۵] ۱۱۵۰

زمان خان [ج ۵] ۱۰۹۸

زیقتر - زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷

۲۷۲

ژرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴

سابلین - سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰

۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴

۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳

۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۳۵

رئیس علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نک:

رئیس علی)

رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱

۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۳۵۲

۴۲۵، [ج ۵] ۱۲۰۰

راتیسیلا - راتیسلو - رتیسلو [ج ۱]

۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲

۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸

۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ - ۳۹۰

۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹

۴۲۲-۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲

۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱

۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳]

۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴

۵۹۹

رانژول (کنت) [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷

رتیسیلا [ج ۴] ۸۱۱

رجب افندی [ج ۱] ۵۲

رحیم خان [ج ۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱

۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰

۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹

[ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱

۷۳۶، ۷۴۸-۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶

۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴]

۷۷۹-۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰

۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹

۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹

۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۱۲

۱۲۰۲

رستم بیگ [ج ۵] ۱۰۹۹

رشید السلطان [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸

۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۵۲

۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲

۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۲

رشید الملك [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱

سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹، [ج ۵] ۹۸۱
 سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰
 ساکس-سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج ۲]
 ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸
 [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]
 ۷۹۶، ۸۳۰، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۳۸
 ۱۲۲۹

سپیدار - سپیدار اعظم [ج ۱] ۲۴،
 ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲]
 ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹
 ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳]
 ۵۴۱-۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳
 ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹
 ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷-۶۰۹، ۶۱۱-
 ۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۳۷، ۶۳۹
 ۶۴۱-۶۴۵، ۶۸۱-۶۸۴، ۶۸۶
 ۶۸۷، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۰۴-۷۰۷
 ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶
 ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۱-۷۳۳، ۷۴۱
 ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸
 ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵
 ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹
 ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰
 [ج ۵] ۱۰۰۳، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷
 ۱۰۱۱، ۱۰۲۸، ۱۰۳۰، ۱۰۳۳
 ۱۰۳۵-۱۰۳۷، ۱۰۴۱، ۱۰۶۷
 ۱۰۷۳، ۱۰۷۷، ۱۰۸۴، ۱۰۹۰
 ۱۱۰۱، ۱۱۰۸، ۱۱۲۱، ۱۱۲۵
 ۱۱۳۹، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶
 ۱۱۶۳، ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴
 ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۳۷

سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵
 ۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹
 ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶
 ۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱

۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹
 [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸
 ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴
 ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰
 ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱
 ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲
 ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲
 ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳-۶۸۵
 ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶
 ۷۳۵

سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲
 ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴]
 ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۱۰۰۰
 ۱۱۰۵، ۱۱۰۴

ساعداالدوله [ج ۱] ۴۳
 سالار ارفع [ج ۲] ۲۸۳ (نک: سردارظفر)
 سالار اشرف [ج ۲] ۲۳۰
 سالارالدوله [ج ۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶
 ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲، [ج ۵]
 ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹
 ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۹
 ۱۱۴۴، ۱۱۵۶، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳
 ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷
 ۱۱۹۸، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۵
 ۱۲۰۸-۱۲۱۰، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳
 ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۳۱-
 ۱۲۳۴: سالارالدوله قاجار
 سالارالسلطان [ج ۱] ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶
 [ج ۲] ۳۸۵

سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷
 ۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲
 سالار مسمود [ج ۴] ۸۲۳
 سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹
 سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹

سردار اشجع - سردار اشجع بختیاری
[ج ۴] ۸۱۱، ۸۲۴، ۸۴۵، ۸۴۶
۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]
۱۰۷۶، ۱۰۹۷، ۱۲۳۰

سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶، [ج ۵]
۱۱۵۲

سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰، [ج ۵]
۱۲۱۰، ۱۲۳۴

سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳
سردار بهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴]
۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳
۸۴۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶
۹۱۸، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۲
۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳

سردار جنگ - سردار جنگ بختیاری [ج]
[۳] ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶
۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶
۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۲۱، ۹۳۹
۹۷۰، [ج ۵] ۱۱۹۸

سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴
سردار سعیدخان (کیی) [ج ۱] ۱۵۹
سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳، [ج ۴]
۸۳۴، ۹۱۳، ۹۲۰، ۹۳۱، ۹۵۷
(نک: سالار ارفع)

سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹
[ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۹۸، ۱۲۱۳
۱۲۳۲، ۱۲۳۴

سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶
۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۳۱

سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱، [ج ۴]
۹۳۱، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۹، ۱۲۰۶
۱۲۲۸، ۱۲۳۰

سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵
سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶، [ج ۵] ۱۲۳۱
سردار معتضد (بهجت‌الملک) [ج ۱]

۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹
۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶
[ج ۳] ۵۵۸-۵۵۶، ۵۷۱، ۵۷۶
۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸

۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲
۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳

۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸
۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴

۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۴-۸۲۷، ۸۳۳
۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹، ۹۲۸
[ج ۵] ۱۱۵۲

سردار ارشد [ج ۵] ۱۱۰۶، ۱۱۳۵
۱۱۷۰، ۱۱۷۳، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲
۱۲۲۸، ۱۲۲۹

سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸
۷۶۵

سردار اسعد [ج ۱] ۲، [ج ۲] ۴۳۳، ۴۵۱
۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲
۵۷۹-۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹

۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳
۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴

۶۲۷، ۶۳۶-۶۴۵، ۶۸۱-۶۸۴
۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴-۷۰۷، ۷۱۰

۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰
۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳

[ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹
۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۴

۸۵۵، ۸۶۸، ۸۷۳، ۸۸۳، ۸۸۴
۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶، ۹۱۳

۹۱۶، ۹۲۲، ۹۳۷-۹۳۹، ۹۵۴
۹۶۷، [ج ۵] ۱۰۳۶

۱۰۴۳، ۱۰۴۷-۱۰۴۹، ۱۰۵۵
۱۰۵۸، ۱۰۶۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۸

۱۰۹۶، ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۱
۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۴۷

- سعيد السلطنة [ج ۱] ۹۵
 سعيد الممالك [ج ۲] ۵۹۹
 سعيد خان [ج ۵] ۱۱۵۴
 سلطان علي خان وزير دربار [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸
 سليمان ميرزا [ج ۱] ۲۱۷
 سليم خان بهادر السلطنة [ج ۲] ۲۸۸
 سهام الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱
 ۷۴۶-۷۴۸، ۷۶۳ [ج ۴] ۷۷۴
 ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
 سهام السلطنة [ج ۲] ۵۲۳
 سيد [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸
 ۴۷۹ [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۲۹
 سيد ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹
 سيد احمد (دستكي) [ج ۱] ۱۷۵
 سيد اسماء الله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۳۳، ۷۴۷
 سيد اسماء الله نجفي [ج ۳] ۶۱۲
 سيد اكبر [ج ۱] ۱۷۴
 سيد اكبر شاه [ج ۵] ۱۱۵۴
 سيد المحققين [ج ۵] ۱۰۱۱
 سيد جعفر [ج ۳] ۵۶۹
 سيد جمال الدين (راعهظ؟) [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
 سيد حسن [ج ۱] ۲۶۲
 سيد حسين لاري [ج ۲] ۴۱۰
 سيد شبر [ج ۳] ۷۳۳ (نك: شيخ شبر)
 سيد شهاب [ج ۱] ۱۳۸
 سيد عبدالله - سيد عبدالله مجتهد [ج ۳] ۶۹۰، ۷۷۸، ۷۸۳
 ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴، ۹۲۵ (نك: آقا سيد عبدالله مجتهد)
 سيد عبدالحسين [ج ۲] ۵۳۴ [ج ۳] ۷۱۴، ۶۰۳
 ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰ [ج ۲] ۴۱۳، ۴۲۹ [ج ۵] ۱۰۹۹
 سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰ [ج ۳] ۷۲۸ [ج ۵] ۱۰۳۷، ۱۲۲۹
 سردار منصور [ج ۱] ۲۱۵، ۲۱۴، ۱۸۵ [ج ۲] ۲۲۸ [ج ۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰ [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶ [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۵، ۸۶۷
 سردار محيي (معزالسلطان) [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶-۹۱۸ [ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۲۰۲، ۱۲۰۷، ۱۲۲۸، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵
 سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
 سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸ [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱ [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۳۹، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸
 سردار حمايون [ج ۱] ۱۷۴ [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰ [ج ۵] ۱۲۲۹
 سعد الدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶-۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵ [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۲۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰ [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰-۵۵۳، ۵۵۹-۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴ [ج ۵] ۱۱۹۶
 سعد السلطنة [ج ۱] ۳۲۲
 سعد الملك [ج ۳] ۷۴۳

۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۰۵ -
 ۱۲۰۸، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۴ -
 ۱۲۲۰، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵
 ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۳ (نیز)،
 نك: محمدعلی شاه، محمدعلی شاه

قاجار، محمدعلی میرزا

شجاع التولیه [ج ۳] ۶۴۷

شجاع الدوله نك: صمدخان

شجاع السلطنه [ج ۵] ۱۲۳۵

شجاع الملك [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳]
 ۷۲۹، ۷۴۵

شجاع نظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲]
 ۳۸۹

شجاع الملك [ج ۳] ۷۲۹

شجاع السلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲،

۱۵۶، [ج ۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰،

[ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۲،

۱۲۲۹، ۱۲۰۵

شكرالله [ج ۳] ۸۰۸

شكسپير (كاپيتان) [ج ۲] ۴۶۵

شوستر، مورگان [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴،

۱۰۰۵، ۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۸۷،

۱۰۹۱، ۱۰۹۴، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳،

۱۱۰۹ - ۱۱۱۱، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰،

۱۱۲۹، ۱۱۳۶، ۱۱۴۶ - ۱۱۴۹،

۱۱۵۱، ۱۱۵۵، ۱۱۶۴، ۱۱۷۴،

۱۱۷۵، ۱۱۷۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۹،

۱۲۲۵، ۱۲۲۸

شوكت الملك [ج ۵] ۱۰۳۸، ۱۰۳۹،

۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷

شهاب الدوله (اسدالله میرزا) [ج ۴] ۷۷۳

(نك: اسدالله میرزا)

شهاب السلطنه [ج ۴] ۹۶۹، [ج ۵] ۱۲۳۰

شوكت الدوله [ج ۱] ۱۲۴

شوكت الملك [ج ۳] ۷۲۹

سيد عبدالحسين لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷،

۱۳۹، ۱۷۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱،

[ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷،

۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴،

۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸،

۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۹

سيد عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶

سيدعلی یزدی [ج ۱] ۱۴۵

سيد كمال الدين [ج ۳] ۷۱۱

سيد لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵،

۴۷۱، [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶،

۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱

سيد محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳]

۷۱۳

سيد مرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲،

۴۷۷، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶،

[ج ۴] ۹۶۴

سيد مرتضی اهرمی [ج ۳] ۷۴۷ (نك:

سيد مرتضی)

شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴،

شاه جهان (شاه جهانیان) - پرویز [ج ۱]

۲۷، ۳۵، ۱۶۲

شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰،

۴۳۲، ۴۵۳ (نك: فرمانفرما)

شاهزاده نایب السلطنه [ج ۲] ۳۴۶ (نك:

نایب السلطنه)

شاه مخلوع [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۷۴، ۱۰۸۵،

۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲،

۱۱۲۲، ۱۱۲۴ - ۱۱۲۷، ۱۱۳۴ -

۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶ - ۱۱۵۸،

۱۱۶۰ - ۱۱۶۴، ۱۱۶۷، ۱۱۷۰،

۱۱۷۱، ۱۱۷۶ - ۱۱۷۹، ۱۱۸۷،

۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷،

صدیق السلطنه [ج ۳] ۷۲۸

صمدخان [ج ۲] ۴۶۲، ۴۳۴، ۴۳۳

۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰

۵۱۲، ۵۴۷، ۵۹۱، ۵۹۳

۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰

[ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۱۰

۱۰۹۶، ۱۱۹۰، ۱۲۱۲ - ۱۲۱۴

۱۲۱۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳

صمصام [ج ۲] ۴۳۲

صمصامخان [ج ۲] ۲۵۱

صمصام السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲]

۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۷۰، ۳۸۳

۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۴۱، ۴۱۳

۴۳۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵

۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳]

۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱

۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰

[ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸

[ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۲۲، ۱۱۴۰

۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۷، ۱۲۲۹

۱۲۳۲

صمصام الملك [ج ۲] ۳۸۴

صمصام الممالك [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴]

۹۰۲، ۹۶۰

صمصام الممالك سنجابی [ج ۵] ۱۰۱۳

۱۰۹۹، ۱۱۵۴

صمصام نظام [ج ۵] ۹۸۲

صنایع الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹

۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳

۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰

۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰

۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷

۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴

۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۷۹

۹۸۷-۹۸۹، ۹۹۳، ۹۹۸، ۱۰۰۳

۱۰۰۸، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۸

شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳

شیخ آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵

شیخ اسماعیل هشترویدی [ج ۴] ۸۹۰

شیخ الرئيس [ج ۱] ۹، ۲۳، ۱۹۵، ۲۳۸

شیخ حسین چاه کوتائی [ج ۳] ۷۱۶

شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲

شیخ زکریا [ج ۲] ۵۲۴، ۵۲۵، [ج ۳]

۷۱۳، ۹۴۱

شیخ شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نک: سید شبر)

شیخ عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۳۲

شیخ علی [ج ۳] ۷۳۴

شیخ علی دشتی [ج ۳] ۷۳۳

شیخ فضل الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳

۱۴۵ [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹

[ج ۳] ۶۲۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰

۷۰۷

شیخ محمدحسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸

شیخ محمود [ج ۱] ۲۹

شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲

شیرخان [ج ۲] ۵۴۳

صاحب اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹-۱۷۱

۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲]

۴۷۰، [ج ۳] ۶۰۲، [ج ۵] ۹۹۸

۱۱۵۲، ۱۲۰۶

صارم الدوله [ج ۳] ۷۳۰

صارم الملك [پسر ارشد سردار ظفر]

[ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰

صارم الممالك [ج ۴] ۹۰۹

صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱

صدرالدین بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲

صدر العلماء [ج ۲] ۳۸۴

صدیق الحرم [ج ۱] ۲۶۲

صدیق حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸

ضرغام نظام [ج ۵] ۱۱۰۰

ضیاء السلطان [ج ۵] ۱۲۳۰

ضیغم الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷،

۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳،

۹۲۳، ۹۷۰، ۹۸۱ [ج ۵]، ۹۹۹،

۱۰۵۷، ۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۹

ضیغم السلطنه [ج ۵] ۱۲۲۸، ۱۲۳۳

ظفر السلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴،

۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱،

[ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶،

۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰،

۹۰۴، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۳۳ [ج ۵]

۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۱۵۲

ظل السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲،

۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴،

۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰،

۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶،

۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷،

۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰،

۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷،

۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲ [ج ۲]

۳۸۰، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹ [ج ۳]

۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹،

۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳،

۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵،

۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴،

۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴،

۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴ [ج ۴]، ۸۶۹،

۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶ [ج ۵]، ۹۸۵،

۱۰۱۱

ظهير الاسلام [ج ۵] ۱۲۰۵

ظهير الدوله [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸،

۱۷۳، ۲۳۹ [ج ۳]، ۶۵۰، ۷۳۱،

۱۰۲۶، ۱۰۶۷، ۱۰۷۰

صنيع حضرت [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۰،

۷۰۷

صولت الدوله [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴،

۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵ [ج ۳]

۶۰۲-۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳،

۷۱۳-۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳،

۷۴۶ [ج ۴]، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸،

۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸-۸۱۰،

۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲،

۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶،

۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲-

۸۹۴، ۹۰۸-۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲،

۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳،

۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶،

۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲ [ج ۵]

۹۷۵، ۹۷۷-۹۷۹، ۹۸۳، ۹۸۸،

۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴،

۱۰۴۰، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲،

۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵، ۱۰۷۸،

۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳،

۱۱۱۵، ۱۱۱۸، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷،

۱۱۸۶، ۱۱۹۷، ۱۲۰۳، ۱۲۱۵،

۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴،

۱۲۳۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴-۱۲۴۶

صولت السلطنه [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۱۴

صولت الملك [ج ۴] ۷۸۹

ضرغام [ج ۳] ۷۳۶

ضرغام الدوله [ج ۵] ۱۰۹۸

تضرغام بختیاری (حسین خان) [ج ۳]

۷۶۲

ضرغام السلطنه [ج ۲] ۳۶۳، ۴۰۶، ۴۰۷،

ضرغام السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶

۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲،
 ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴،
 ۲۱۷، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳]
 ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶،
 ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰،
 ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵

[ج ۵] ۱۱۵۲، ۱۲۰۱

علاء السلطنه (محمد علی) [ج ۱] ۳۲،
 ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶،
 ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰،
 ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵،
 ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱،
 ۳۰۳، ۳۳۰، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳،
 ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲،
 [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۴،
 ۸۲۱، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۲۰۵

علاء الملک (محمود خان) [ج ۱] ۸۱،
 ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۱،
 ۳۶۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰، [ج ۵]
 ۱۰۷۴

علم الہدی [ج ۲] ۵۳۳

علی جان (چلیپانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸

علی خان [ج ۴] ۷۹۸

علی خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴

علیقلسی [ج ۳] ۶۸۹، [ج ۵] ۱۱۵۴
 (نک: سردار اسعد)

علیقلسی خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰، [ج ۳]
 ۵۶۹ (نک: سردار اسعد)

عمید العلماء [ج ۴] ۷۷۸

عمید السلطان [ج ۲] ۴۶۰، [ج ۴] ۷۸۵

عین الدوله [ج ۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰،

۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲،

۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳،

۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹،

۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳

[ج ۴] ۷۹۸، [ج ۵] ۱۰۱۲،
 ۱۰۵۶

ظہیر السلطان [ج ۴] ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵]
 ۹۸۰

ظہیر الملک [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۳] ۷۱۱،
 ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶

عباس آقا (قاتل اتابک) [ج ۱] ۹۴

عباس خان افشار [ج ۱] ۱۵۸

عباس خان چناری [ج ۴] ۹۴۰، [ج ۵]
 ۱۰۷۷

عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹

عباسقلی خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲،

[ج ۲] ۳۴۶، [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴،

۸۸۷

عباسقلی خان نواب [ج ۱] ۲۶۴، [ج ۴]

۸۸۶

عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸، [ج ۲]

۳۸۳

عبدالدوله [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۷۱۰

عبدیل الملک [ج ۱] ۱۷۴

عسکر سلیم [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۱۵۴

مضد السلطان [ج ۵] ۱۲۳۱، ۱۲۳۳

مضد الملک [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴،

۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲-۲۱۵، [ج ۳]

۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰،

۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶،

[ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷

عطاء الدوله [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵،

۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴،

۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴، [ج ۵] ۱۲۰۷

عطاء السلطنه [ج ۵] ۱۱۱۵

عطاء نظام [ج ۵] ۱۱۱۵

علاء الدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳،

فن (مستر) [ج ۵] ۱۲۳۰	۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲
فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج ۱]	۹۲۵، ۹۲۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱
۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵	۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۷، ۱۰۳۶
فریزر [ج ۳] ۶۸۸	۱۲۰۶، ۱۲۲۹
فضلعلی [ج ۴] ۸۲۳	
فکس (ماژور) [ج ۱] ۸۳	
فهمیم الملك [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵	غریب خان [ج ۱] ۸۱، [ج ۳] ۷۰۹
	[ج ۴] ۸۲۸، ۸۲۲، ۸۴۴، ۸۴۵
قائم مقام [ج ۱] ۱۳۶، ۱۶۹	غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
قاسم آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶	غفاری (محمد ابراهیم) [ج ۴] ۸۲۲
قلی خان [ج ۳] ۷۰۱	غلامحسین خان وراوی [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲
قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹	غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰
۲۸۶، [ج ۲] ۴۳۱، ۴۷۱، [ج ۳]	
۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴	فاتح السلطنه [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۷۰۹
۷۱۵، [ج ۵] ۹۹۹، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴	فاضل [ج ۳] ۷۴۴
۱۱۰۳ - ۱۱۰۵، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵	فتح الملك [ج ۴] ۸۰۸
۱۱۱۷، ۱۱۱۹، ۱۱۲۵، ۱۲۱۴	فخر الملك [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۵] ۱۰۹۸
۱۲۱۵، ۱۲۳۰	۱۱۵۳، ۱۲۰۷
قوام الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰	فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
[ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹	فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) [ج ۱] ۳۵
قوام السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶، [ج ۵]	فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
۱۲۰۵	فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱
قوام الملك [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵	۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶
۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸	۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴
۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸	۳۲۴، [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸
[ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳	۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹
۷۳۰-۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶	[ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷
[ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۸۷۲، ۸۹۳	۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶
۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۰۳۲	[ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰
۱۰۴۰، ۱۰۴۳، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸	۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۷ -	۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۳۶
۱۰۶۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۹	(نک: شاهزاده فرمانفرما)
۱۱۱۳ - ۱۱۱۵، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸	فرید الملك [ج ۵] ۱۲۳۱
۱۱۸۶، ۱۲۰۷، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶	

۱۲۴۲

کورتین [ج ۵] ۹۹۳

کولن گامبل [ج ۳] ۷۱۹

کون [ج ۲] ۷۵۵، ۷۵۶

کی (مستر) [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۳۰

کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸

کیخا محمد علی [ج ۴] ۸۰۸

کیلرناک - کیلمارناک (لرد) [ج ۵]

۱۰۴۴، ۱۰۸۵

کینگ استون - کینگستون [ج ۵] ۱۰۶۲

۱۰۶۴، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱

۱۰۸۵، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸

کاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶

گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نک: کولن گامبل)

گای (ارنست) [ج ۱] ۲۵۲، ۲۱۹

گراهام - گراهم، گریسم، گرم [ج ۱]

۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳

۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵

۱۷۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶

۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶-۴۰۸، ۴۳۲

۵۲۴ [ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۶۳۷

۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷

۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶

۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸، [ج ۵] ۱۲۰۳

۱۲۴۰، ۱۲۴۱

گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵

[ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰

۸۶۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۰۷

۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۷۱

۱۱۷۲، ۱۱۹۴، ۱۲۱۸، ۱۲۴۵

گریگوریف [ج ۵] ۹۸۰

گنجعلی [ج ۴] ۸۲۳

گندلخان [ج ۴] ۹۱۲

کادلوبیکی (؟) [ج ۴] ۷۸۷

کارتیرایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳

۶۳۳، ۶۳۵، ۷۳۱، [ج ۵] ۱۱۱۲

کاره [ج ۱] ۱۵

کاستلی (مستر) [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۱۰

۱۲۱۱

کاشف السلطنه [ج ۳] ۶۷۴

کاظم [ج ۴] ۸۰۸

کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲]

۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۶

[ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۴

۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶ کلنل

کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲ لیوتنان

کلنل کاکس [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۳۰

۱۰۷۲، ۱۱۹۵، ۱۲۱۶

کاکس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)

کامران میرزا [ج ۱] ۱۴۰

کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵

کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲

گراسویت (لیوتنان) ۷۳۲

گرنٹ دوف (گرنٹ دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱

گرنٹ، فرانک [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۰۵

۱۰۱۷، ۱۰۷۳، ۱۰۹۴

گرسٹمس [ج ۳] ۷۱۵

گری پول (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶

کریم خان (برادرزاده رحیم خان) [ج ۲]

۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸

۸۲۱

کسویایف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴

کلبی [ج ۵] ۱۰۷۷

کلی [ج ۴] ۸۹۴

کوان، پاتریک [ج ۵] ۱۰۷۰

مارابل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶

مارکس افکرو [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵

مارلینگت [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷،

۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹،

۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶،

۹۳۵

مالت، دیویس [ج ۵] ۱۱۹۴

مالتا (جنرال) [ج ۵] ۹۹۶، ۱۰۱۰،

۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲،

۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۹۸،

متین السلطنه [ج ۵] ۱۰۵۵

مجدالملك [ج ۱] ۸۱

مجلال السلطان [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۵] ۱۱۰۶،

۱۱۱۰، ۱۱۳۵، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶،

۱۱۹۵، ۱۱۹۶

مجلال السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶

محتشم الدوله [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۲۳۱

محتشم السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰،

[ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج ۴]

۹۴۴، ۹۵۶، [ج ۵] ۹۸۸، ۹۹۷،

۱۰۰۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۵، ۱۱۳۱ -

۱۱۳۳، ۱۱۵۸، ۱۲۰۴

محتشم الملك [ج ۱] ۱۷۴۰

محمد آقا [ج ۱] ۱۵۷

محمد باقر [ج ۳] ۷۱۶

محمد بن عبدالله [ج ۳] ۶۶۸

محمد حسن خان (حاکم دررود) [ج ۴]

۷۹۵

محمد حسن میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵،

۷۲۸، [ج ۵] ۱۰۷۴

محمد خان [ج ۱] ۱۴۳

محمد خان (منشی قنصلگری انگلیس) [ج]

[ج ۴] ۷۹۴

محمد خان دولت آبادی [ج ۳] ۶۰۰

محمد رضا خان [ج ۱] ۳۵، [ج ۴] ۹۶۰

لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳

لانگس-لنگ (لیوتنان) [ج ۵] ۱۰۴۰

لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶

لشکر نویس باشی [ج ۱] ۱۲۴

لمسن [ج ۲] ۳۸۴

لوتار (لوتر - سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶

لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹

لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶،

۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰،

۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳،

۳۲۱، [ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸،

۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴،

۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳،

[ج ۵] ۱۱۸۵، ۱۱۸۹

لیس آوسکی - لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج]

[ج ۴] ۹۰۱-۹۰۳

لی گس [ج ۱] ۱۲۸

لمیتین [ج ۴] ۸۰۶

لینتن [ج ۲] ۵۲۵

لینچ - لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳

لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸

لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳]

۶۵۶

مؤتمن الملك [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳،

۲۲۰، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹،

۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸،

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶، [ج ۵]

۱۰۳۶، ۱۰۵۵

مؤید الدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰،

۲۴۵، ۳۲۱

مؤید السلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱

۱۱۷۶، ۱۱۸۷، ۱۱۹۰، ۱۱۹۳،
۱۱۹۴، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰ - ۱۲۰۳،
۱۲۰۵، ۱۲۱۴، ۱۲۲۰ (نک:

محمدعلی شاه، محمدعلی شاه قاجار،
محمدعلی، شاه مخلوع)

محمدعلی نیشابوری [ج ۴]، ۹۶۸،
[ج ۵]، ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۹۷، ۱۱۵۲

محمدقلی خان [ج ۳] ۷۰۱

محمدکریم خان قشقائی [ج ۵] ۱۱۱۴
مخبرالدوله [ج ۲]، ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱،
۵۶۵، ۶۲۲، ۶۲۷ - ۶۴۰، ۶۴۳
۷۰۷

مخبرالسلطنه [ج ۱]، ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰،
۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲]
۴۸۲، [ج ۳]، ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱،
۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷،
۷۰۸، ۷۲۸، ۸۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱،
۷۵۸، [ج ۵]، ۱۰۶۶، ۱۰۹۶

مخبرالملک [ج ۳] ۶۷۴

مختارالسلطنه [ج ۳] ۷۳۲

مدبرالدوله [ج ۴]، ۹۳۱، ۹۴۰

مدبرالملک (میرزا علی خان) [ج ۲] ۳۳۴

مرتضی قلی خان [ج ۱]، ۲۴۶، [ج ۵]
۱۰۱۱، ۱۰۳۶، ۱۰۵۵، ۱۰۹۵

۱۲۳۲

مرنارد [ج ۱]، ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰،
۱۶۱، [ج ۴]، ۸۹۰، [ج ۵]، ۱۱۰۲،
۱۱۱۱، ۱۱۲۰، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸،
۱۱۱۷

مزیل (مسیو) [ج ۵] ۱۲۲۸

مساوات [ج ۱]، ۲۳۹، ۲۴۵

مستشارالدوله [ج ۱]، ۱۵۴، ۲۱۶، ۲۱۹،

۲۳۸، ۳۸۱، [ج ۳]، ۵۵۹، ۵۹۷،

۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴]، ۷۷۸

محمدعلی (معاون نایب حسین کاشی) [ج
۵] ۱۰۷۵

محمدعلی خان کشکولی [ج ۵]، ۹۹۹، ۱۰۰۰،
۱۰۸۴

محمدعلی [ج ۲]، ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰،

[ج ۳]، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴،

۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶،

۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نک:

محمدعلی شاه، محمدعلی میرزا)

محمدعلی بیگ [ج ۳] ۷۰۱

محمدعلی شاه [ج ۲]، ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹،

۴۷۶، [ج ۳]، ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰،

۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴]، ۸۵۲،

[ج ۵]، ۹۸۵، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲،

۱۱۲۱، ۱۱۲۷، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷ -

۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۵۶، ۱۱۶۳،

۱۱۶۴، ۱۱۶۹، ۱۱۷۳، ۱۱۷۵،

۱۱۷۷، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۰،

۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۱۷،

۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹،

۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵ (نک: محمد

علی میرزا، محمدعلی شاه قاجار، شاه

مخلوع)

محمدعلی شاه قاجار [ج ۳]، ۵۶۲، ۵۹۰،
۶۸۰

محمدعلی میرزا [ج ۱]، ۳، ۲۰، ۱۰۳، ۲۴۳،

۳۰۷، [ج ۳]، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷،

۶۳۲-۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵،

۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰-۷۰۳،

۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳،

۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵،

۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴]، ۸۶۴، [ج ۵]

۱۰۰۰، ۱۱۲۳، ۱۱۳۶، ۱۱۳۹،

۱۱۴۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰،

۱۱۶۲ - ۱۱۶۴، ۱۱۶۸، ۱۱۷۱،

مظفر نظام [ج ۱] ۱۲۴، ۱۲۳	۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱
معاذ السلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج ۲]	۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۷۳
[ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۲۰۵	مستشار السلطان [ج ۳] ۶۷۴
معاذ الملك [ج ۵] ۱۰۵۵	مستشار السلطنه [ج ۳] ۷۰۴، ۵۵۹
معاون الدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷، ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷	۷۲۶، ۷۰۷
[ج ۵] ۱۲۰۵، ۱۰۹۵، ۱۰۳۵	مستشار دفتر [ج ۲] ۴۲۶
معاون الممالك [ج ۴] ۹۰۸	مستوفی الممالك [ج ۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶
معمد خاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵	۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱
۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۱۳	۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴]
۱۱۰۰، ۱۰۱۸	۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶
معمد دیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳	[ج ۵] ۹۹۷، ۹۹۸، ۱۰۱۱
۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶	۱۰۳۳، ۱۰۳۶، ۱۰۶۷
معمد همایون [ج ۲] ۵۴۰	مسعود خان [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۲
معدل الممالك [ج ۲] ۴۰۶	مشیر الدوله [ج ۱] ۳۱، ۳۰، ۲۵، ۱۳
ممتاز السلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰	۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰
ممتاز الملك [ج ۴] ۹۵۶	۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲
معیر الممالك [ج ۴] ۸۳۳، [ج ۵] ۱۰۳۷	۱۶۰-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲
معین الاسلام [ج ۲] ۵۳۴	۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰
معین الدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴، ۷۴۴	۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱
معین الرعایا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶	۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸
[ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹	۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶
۱۱۵۴	[ج ۵] ۱۲۲۶، ۱۲۰۵، ۱۰۳۵
معین السلطان [ج ۳] ۷۴۳	مشیر السلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰
معین الغرباء [ج ۴] ۷۹۴-۷۹۶، ۸۳۰	۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸
معین الوزاره [ج ۱] ۲۳۹، [ج ۵] ۱۱۹۶	۵۳۸، [ج ۲] ۵۵۳، ۵۶۳، [ج ۴]
معین همایون-معین همایون بختیاری [ج ۵]	۷۸۳
۱۲۲۸، ۱۲۳۳	مشیر الملك [ج ۱] ۳۱، [ج ۳] ۷۱۳
مفیث الدوله [ج ۵] ۱۱۱۸	[ج ۵] ۱۰۹۸
مفاخر الملك [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۳، [ج ۳]	مشیر الممالك [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴
۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۳	مصباح السلطان [ج ۳] ۷۵۶
۷۰۷، ۷۰۰	مصطفی میرزا [ج ۳] ۷۴۵
مفتاح السلطنه [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲	مظفر الدوله [ج ۲] ۳۸۹
	مظفر السیدین شاه [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۵]
	۱۲۳۴

۲۶۳

مقتدر نظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۲
 مک دول [ج ۵] ۱۰۷۷، ۱۰۵۹، ۱۰۱۸
 مک کاسکی [ج ۵] ۱۱۴۶، ۱۰۷۳، ۱۰۰۵
 مک موری [ج ۴] ۹۱۱
 ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵
 ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸، [ج ۵] ۱۰۸۹، ۱۱۵۰
 ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵
 ملا عبدالکریم [ج ۴] ۷۹۵
 ملا علی پناه [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۵

ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۲
 ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲
 ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۳] ۵۶۷
 ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰، [ج ۵] ۱۰۰۵
 ملک المتکلمین [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۴۶

ملینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
 ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶،
 [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶،
 ۱۰۶۷، ۱۰۷۰، ۱۰۹۵

منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
 منتظم الدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۴] ۷۹۸، ۷۶۹

منصور السلطنه [ج ۳] ۶۰۲
 منصور السلطنه عرب [ج ۴] ۷۸۷
 منصور الملك [ج ۱] ۱۷۵
 موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳

موثق الدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
 مورلی (لردویکنت) [ج ۳] ۷۱۹، ۷۲۱

مورلی بلك برن (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵
 (نک: مورلی)

موسوی شوشتری (ابوالحسن) [ج ۵] ۱۰۰۵

موقرالذوله [ج ۵] ۱۲۳۲

موقرالسلطنه [ج ۳] ۷۵۶

مهدی خان [ج ۱] ۹۶

مهدی خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸

مهندس الممالك [ج ۱] ۳۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴

میدلتن [ج ۳] ۷۳۲

میربرکت - میربرکت خان [ج ۳] ۶۰۵، ۹۴۵ [ج ۴]

میریابان [ج ۴] ۹۴۵

میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷

میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶

میرزا ابراهیم [ج ۲] ۵۳۴

میرزا ابراهیم خان [ج ۴] ۷۷۸، [ج ۵] ۱۰۵۵

میرزا بابا [ج ۳] ۷۴۴

میرزا حسن خان (اصفهان) [ج ۱] ۲، [ج ۵] ۱۲۴۷

میرزا سید ابوالقاسم خان [ج ۱] ۲

میرزا عباس خان [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۰۰

میرزا عبدالرحیم خان [ج ۵] ۱۰۱۳

میرزا علی اکبر خان [ج ۱] ۲۶۲

میرزا علی محمد خان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴

میرزا کاریز خان [ج ۱] ۲۶۸

میرزا کاظم خان [ج ۱] ۲۸۶

میرزا محمود خان [ج ۱] ۲

میرزا مهدی خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۱۲۴۵ [ج ۵]

میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸

میلر [ج ۲] ۵۲۷

ناتانی [ج ۴] ۸۳۵

ناصرالدینشاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳]

۶۹۸، [ج ۵] ۱۰۶۸

ناصرالسلطنه [ج ۱] ۲۸۷

ناصرالملک [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴،

۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲،

۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۹-۱۴۳، ۱۸۱،

۱۸۶، ۲۱۴، [ج ۲] ۳۹۷، ۴۳۹،

۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۴۰،

[ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۶، ۵۵۷،

۵۵۹ - ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۶۳۱،

۷۰۷، ۷۴۱، [ج ۴] ۷۸۱، ۹۰۷،

۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۷ (نایب السلطنه)

[ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۶، ۹۹۷، ۱۰۰۸،

۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۲۰، ۱۰۳۵،

۱۱۰۱، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ (نیز نک:

نایب السلطنه)

ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰

ناظمالتجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲

ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱،

۹۰۴، [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۲۹،

۱۰۴۲ - ۱۰۴۶، ۱۰۴۸، ۱۰۵۱،

۱۰۵۲، ۱۰۵۸، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱،

۱۰۶۳، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸، ۱۱۱۳،

۱۱۱۹، ۱۱۲۹، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱،

۱۲۴۶

نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹

نایب السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱،

[ج ۳] ۵۵۱ - ۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴،

۶۲۲، ۶۲۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸،

۷۴۳، [ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳،

۸۳۹، ۸۴۰، ۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱،

۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷،

۹۶۳، [ج ۵] ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۶ -

۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۴، ۱۰۰۶،

۱۰۰۸، ۱۰۱۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۶ -

۱۰۲۸، ۱۰۳۲، ۱۰۳۶، ۱۰۵۴،

۱۰۵۵، ۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۶،

۱۰۹۵، ۱۱۱۸، ۱۱۲۰، ۱۱۳۲،

۱۱۳۴، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۵۶،

۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۲۰۵، ۱۲۲۹،

۱۲۳۶، ۱۲۳۷ (نیز نک: ناصر -

الملک)

نایب السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸،

۷۱۲

نایب الصدر [ج ۱] ۲۸۶

نایب حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶،

۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶،

۸۸۲، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱،

۹۳۵، ۹۴۴، ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ -

۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۱۳،

۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۱۹۴،

۱۲۰۴، ۱۲۰۷، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰،

۱۲۴۱، ۱۲۴۳ (نیز نک: نایب

حسین کاشی)

نایب حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹،

۹۳۹، [ج ۵] ۹۹۸ (نیز نک: نایب

حسین)

نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶

نراتوف [ج ۳] ۷۴۷، [ج ۵] ۱۱۲۳،

۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۳۷،

۱۱۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۷۳، ۱۱۷۷ -

۱۱۸۱، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۸،

۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳،

نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸،

۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،

۵۶۹، ۶۰۳-۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱،

۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۶۱،

نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲،
۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶

نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲]
۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶

[ج ۵] ۱۱۵۲

نیکرامو [ج ۳] ۷۵۵

نیکلسون [ج ۲] ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۴۸، ۴۹۵

۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴-۵۴۶

۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰

۵۷۵، ۵۷۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۷، ۷۵۰

۷۵۳، ۷۵۵-۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴]

۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۲-۸۱۷، ۸۲۴

۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸

[ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۷، ۱۱۳۴

۱۱۴۵، ۱۱۶۰، ۱۱۸۳، ۱۲۱۹

نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵

وادیبولسکی - وادیپولسکی (پرنس -

کلنل پرنس) [ج ۴] ۸۷۳، ۹۱۵

[ج ۵] ۱۱۹۳ (نک: پالکونیک)

وارد (لیوتننت) [ج ۵] ۱۰۴۰

والی پشتکوه [ج ۵] ۱۰۹۹، ۱۱۱۶

۱۱۵۵، ۱۱۹۷

وئوقالدوله [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷

۹۳۶، [ج ۵] ۱۱۴۸، ۱۲۰۴

۱۲۰۵، ۱۲۲۷، ۱۲۳۷

وحناندخان [ج ۵] ۱۱۰۰

وحیدالملک [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸

۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۶۷

وزیر افخم (سلطانعلیخان) [ج ۱] ۱۹

۳۲، ۲۵۴

وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰

[ج ۳] ۷۲۸

نصرتالسلطان [ج ۴] ۹۱۲

نصرتالممالک [ج ۳] ۷۳۱

نصیرالملک [ج ۲] ۵۲۴، [ج ۴] ۸۳۵،
۹۶۰، ۹۶۱

نظامالسلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵

۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲-

۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳

۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳]

۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۳

[ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴

۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳

۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵]

۹۷۵، ۹۷۷، ۹۸۱، ۹۹۶، ۱۰۰۷

۱۰۱۹، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۲-

۱۰۴۹، ۱۰۵۱-۱۰۵۲، ۱۰۵۷

۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۲، ۱۰۶۵

۱۰۷۲، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۹۰

۱۱۰۴، ۱۱۱۳، ۱۱۱۵-۱۱۱۹

۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱

۱۱۵۹، ۱۱۷۱، ۱۱۸۶، ۱۱۹۰

۱۱۹۷، ۱۲۰۷، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰

۱۲۲۳، ۱۲۴۲

نظامالملک [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱

[ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰

نظریبک اوف [ج ۳] ۵۹۳

نظرعلیخان [ج ۳] ۷۱۱

نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲

نظمالدوله [ج ۳] ۶۷۴

نعمتالله (قاتل قوامالملک) [ج ۱] ۱۷۵

نقیب السادات [ج ۱] ۵۱

نلسون [ج ۳] ۶۴۱

نوئل (کلنل) [ج ۵] ۱۲۴۶

نواب (حسینقلیخان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج ۴]

۹۱۵

نورمحمدخان [ج ۵] ۱۱۱۳

نام جایها

۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۲،
 ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۱، ۴۳۵، ۴۴۹،
 ۴۸۶، [ج ۳] ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۶۶،
 ۵۹۲، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۲۶، ۶۳۰،
 ۶۳۲، ۶۵۱، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۵،
 ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۵،
 ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۹، ۷۵۴، ۷۵۶،
 ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، [ج ۴]
 ۷۷۸-۷۸۰، ۸۱۰، ۸۱۷، ۸۱۹،
 ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۶۹، ۸۷۸، ۸۸۹،
 ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۰۳۷،
 ۱۰۶۶، ۱۰۹۶، ۱۱۴۰، ۱۱۵۲،
 ۱۱۶۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴،
 ۱۲۲۹، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵

آباده [ج ۲] ۴۷۱، ۴۷۲، [ج ۳] ۶۳۴،
 ۶۷۶، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۶،
 [ج ۴] ۸۳۶، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۴۱،
 ۹۵۷، ۹۶۹، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۱،
 آب گنده (آب گندو) [ج ۳] ۶۶۱،
 آجی (رودخانه) [ج ۳] ۶۴۶،
 آذربایجان [ج ۱] ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۳،
 ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۴۸، ۲۶۲،
 ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۴،
 ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۱۵،
 ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۶-۳۲۹، ۳۳۱،
 [ج ۲] ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۶۰،
 ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱،
 ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۵، ۴۰۱

آرادان نك: ارادان

آستارا [ج ۱] ۵۴، ۱۳۷، ۲۶۹، [ج ۲]

۴۸۷، [ج ۳] ۶۷۵، ۷۵۲، ۷۵۴

۷۵۶، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۷

۷۷۹، ۷۸۵، [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳

۱۰۳۷، ۱۱۵۲

آسیا [ج ۵] ۱۲۳۴

آشتیان [ج ۳] ۶۷۸

آشوراده [ج ۴] ۸۷۵، [ج ۵] ۱۲۴۵

آقچشمه [ج ۵] ۹۷۷

آلمان [ج ۳] ۶۹۷، [ج ۵] ۱۱۷۷، ۱۱۸۶

آمریک-آمریکا (نك: امریکا)

آمل [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۲۳۳

ابرقو [ج ۲] ۴۷۱

ابهر [ج ۳] ۶۷۸

اترك [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۵] ۱۲۰۱

اتریش [ج ۲] ۳۵۸، ۳۵۹، [ج ۴] ۷۷۹

احمدآباد [ج ۳] ۶۸۶

احمدی [ج ۳] ۶۶۱، [ج ۴] ۸۰۷، [ج ۵]

۱۰۴۰

ادسا [ج ۵] ۱۰۸۵، ۱۱۴۱، ۱۲۲۴

ارادان [ج ۵] ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۲۱۱

۱۲۲۸، ۱۲۴۳

ارجین [ج ۴] ۷۸۶ (نك ارجین)

ارجین [ج ۴] ۸۰۴

اردبیل [ج ۱] ۶۶، ۷۲، ۱۷۸، [ج ۳]

۵۷۹، ۵۹۶، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۵۲

۶۵۳، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۰۸، ۷۱۹

۷۳۶-۷۳۹، ۷۴۳، ۷۴۷، ۷۴۹

۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۸-۷۵۶

۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴]

۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۲-۷۷۹، ۷۸۴

۸۱۴، ۸۱۹، ۸۲۸، ۸۴۵، ۸۵۵

۸۹۱، ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۵۰

[ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۶۶

۱۰۷۰، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۲۶

۱۱۵۲، ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۹۵

اردستان [ج ۱] ۳۰۵، [ج ۳] ۶۷۷

[ج ۴] ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹

[ج ۵] ۱۱۵۴، ۱۱۹۴، ۱۲۰۷

۱۲۳۰

اردکان [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۰۸، ۸۷۱

۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۲۳۰

ارزروم (ارضروم) [ج ۱] ۳۲۴

ارس [ج ۲] ۴۲۲

ارگت - ارك [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۷، ۵۳۰

[ج ۳] ۵۹۱، ۶۴۷، ۷۵۵، ۷۵۷

ازوپا [ج ۲] ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۸۵

۳۸۸، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۳۱

[ج ۳] ۴۳۳، ۴۴۲، ۴۵۹، ۵۳۱

۶۴۶، ۶۵۰، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۲۸

[ج ۴] ۸۶۴، ۸۶۹، ۸۷۶

۸۹۰، ۹۰۷، ۹۵۸، ۹۶۶، [ج ۵]

۱۰۲۶، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۴۳

۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۵

۱۰۷۸، ۱۰۸۴، ۱۰۹۶، ۱۱۲۴

۱۲۰۵، ۱۲۳۴

ارومیه (اورمیه) [ج ۱] ۱۲۲، ۱۳۷

[ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۰

[ج ۳] ۴۲۳، ۴۴۸، ۵۲۸، ۵۷۵

۵۷۷، ۵۹۹، ۶۷۵، ۷۲۱، ۷۶۱

[ج ۴] ۸۱۹ (دریاچه) - ارومی

[ج ۳] ۷۲۱

استرآباد [ج ۱] ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳

۱۲۶، ۱۳۲، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹

[ج ۲] ۳۴۲، ۳۵۲، ۳۸۲، ۴۱۰

۴۱۳، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۹، ۴۸۴

[ج ۳] ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۹، ۵۳۰

۷۶۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۷ [ج ۴]
 ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۱، ۷۸۵، ۷۸۶
 ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۷، ۷۹۸
 ۸۰۴، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۲۴، ۸۲۷
 ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶
 ۸۵۶، ۸۵۸، ۸۶۵، ۸۶۷، ۸۷۰
 ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۶
 ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۴، ۹۰۸
 ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲، ۹۲۵
 ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۹
 ۹۴۱، ۹۴۶، ۹۴۸، ۹۵۵، ۹۵۸
 ۹۶۱، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۸، ۹۷۰
 ۹۷۲ [ج ۵]، ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۱
 ۹۸۳، ۹۸۶، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵
 ۹۹۶، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۰۷
 ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۴، ۱۰۱۸
 ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۵، ۱۰۸۹
 ۱۰۹۰، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۱۰۰
 ۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰
 ۱۱۵۱، ۱۱۵۳، ۱۱۶۶، ۱۱۸۴
 ۱۱۹۱، ۱۱۹۶، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴
 ۱۲۰۶، ۱۲۱۶، ۱۲۲۴، ۱۲۳۰
 ۱۲۳۱، ۱۲۴۰، ۱۲۴۴

افریقا [ج ۵] ۱۲۳۴

افشا [ج ۳] ۶۷۷

افغان [ج ۱] ۷۵، [ج ۳] ۷۴۶، [ج ۴] ۷۴۸، ۷۸۱، ۸۹۲، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۸

افغانستان [ج ۴] ۹۳۸، ۹۶۵، ۹۷۵

اقطاع [ج ۳] ۶۷۷

اکونوری تودر [ج ۴] ۸۱۳

البلوک [ج ۳] ۶۷۹

الوار [ج ۲] ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۳

الینگ [ج ۴] ۸۲۲، ۷۷۷، ۷۷۷

امویکا [ج ۴] ۷۷۹، ۹۲۹، [ج ۵]

۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۷، ۷۰۹، ۷۲۹
 [ج ۴] ۷۷۸، ۸۷۵، [ج ۵] ۱۰۱۵
 ۱۰۷۰، ۱۰۷۴، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴
 ۱۱۴۱، ۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۱۹۶
 ۱۲۰۰، ۱۲۰۲، ۱۲۱۴، ۱۲۱۹
 ۱۲۲۲، ۱۲۴۵

استکهلم [ج ۵] ۹۶۷، ۱۰۴۴، ۱۰۸۵

اسدآباد [ج ۳] ۶۸۰

اسرائیل [ج ۲] ۵۳۲

اسفندقه [ج ۴] ۹۱۲

اسکانو [ج ۴] ۹۶۲

اسلامبول [ج ۲] ۴۸۷، [ج ۳] ۵۵۵

۵۵۶، ۶۲۱، [ج ۴] ۹۶۵

اشرف [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۱۶۷، ۱۲۱۵

اصفهان [ج ۱] ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶

۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲

۹۳، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۷

۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴

۱۷۷، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸

۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶

۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۲۲

۳۲۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰

۳۶۳، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۱

۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۶

۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵

۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۵۱

۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴

۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۴

۵۳۵، [ج ۳] ۵۴۶، ۵۴۹، ۵۵۹

۵۶۶، ۵۷۲، ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۳

۶۰۱، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۶، ۶۳۸

۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۵۶، ۶۷۷

۷۰۴، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۵

۷۲۱، ۷۳۰، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵

۴۷۳ - ۴۷۱ ، ۴۷۰ ، ۴۶۸ ، ۴۶۷
 ۴۸۳ ، ۴۸۱ - ۴۷۸ ، ۴۷۶ ، ۴۷۵
 ۴۹۳ ، ۴۹۲ ، ۴۹۰ - ۴۸۷ ، ۴۸۵
 ۵۱۰ ، ۵۰۷ - ۵۰۳ ، ۵۰۰ - ۴۹۵
 ۵۱۸ ، ۵۱۶ ، ۵۱۴ ، ۵۱۳ ، ۵۱۱
 ۵۲۸ ، ۵۲۵ ، ۵۲۴ ، ۵۲۲ ، ۵۱۹
 ۵۳۷ - ۵۳۴ ، ۵۳۲ ، ۵۳۱ ، ۵۲۹
 ۵۵۰ ، ۵۴۹ ، ۵۴۴ [ج ۳] ، ۵۳۹
 ۵۶۵ - ۵۶۳ ، ۵۶۰ ، ۵۵۵ ، ۵۵۲
 ۵۸۱ ، ۵۷۵ ، ۵۷۰ ، ۵۶۸ ، ۵۶۷
 ۶۰۷ - ۶۰۴ ، ۶۰۱ ، ۵۹۲ ، ۵۸۸
 ۶۲۲ ، ۶۱۹ ، ۶۱۴ ، ۶۱۱ ، ۶۱۰
 ۶۴۴ ، ۶۴۱ ، ۶۳۹ ، ۶۳۵ ، ۶۲۳
 ۶۵۸ - ۶۵۵ ، ۶۵۰ ، ۶۴۸ ، ۶۴۷
 ۶۸۹ ، ۶۸۸ ، ۶۸۶ ، ۶۶۳ ، ۶۶۰
 ۷۰۷ - ۷۰۳ ، ۶۹۸ ، ۶۹۵ ، ۶۹۲
 ۷۲۰ ، ۷۱۹ ، ۷۱۳ - ۷۱۱ ، ۷۰۹
 ۷۴۷ ، ۷۴۱ ، ۷۳۲ ، ۷۲۴ ، ۷۲۳
 ۷۷۵ [ج ۴] ، ۷۶۴ ، ۷۶۲ ، ۷۵۵
 ۷۹۱ - ۷۸۷ ، ۷۸۲ ، ۷۷۹ ، ۷۷۶
 ۸۰۳ ، ۸۰۰ ، ۷۹۹ ، ۷۹۷ ، ۷۹۴
 ۸۱۷ - ۸۱۵ ، ۸۱۱ ، ۸۰۷ - ۸۰۵
 ۸۳۲ ، ۸۳۱ ، ۸۲۹ ، ۸۲۵ ، ۸۲۰
 ۸۵۱ - ۸۴۷ ، ۸۴۳ ، ۸۴۲ ، ۸۳۸
 ۸۶۲ ، ۸۶۰ - ۸۵۸ ، ۸۵۶ - ۸۵۴
 ۸۷۶ ، ۸۷۴ ، ۸۷۳ ، ۸۷۱ ، ۸۶۵
 ۸۸۸ ، ۸۸۶ - ۸۸۴ ، ۸۸۲ ، ۸۷۸
 ۹۰۳ ، ۸۹۸ ، ۸۹۶ ، ۸۹۴ - ۸۹۲
 ۹۲۶ ، ۹۲۳ ، ۹۲۱ ، ۹۰۹ ، ۹۰۶
 ۹۴۰ ، ۹۳۸ ، ۹۳۲ ، ۹۲۹ ، ۹۲۷
 ۹۵۲ ، ۹۵۱ ، ۹۴۸ - ۹۴۵ ، ۹۴۳
 ۹۶۱ ، ۹۵۹ ، ۹۵۸ ، ۹۵۷ ، ۹۵۴
 ۹۷۵ [ج ۵] ، ۹۷۲ ، ۹۶۶ ، ۹۶۲
 ۹۸۹ - ۹۸۷ ، ۹۸۵ ، ۹۸۴ ، ۹۸۲
 ۱۰۰۹ ، ۱۰۰۴ ، ۱۰۰۱ ، ۹۹۵

۹۸۶ ، ۱۰۱۷ ، ۱۰۲۰ ، ۱۰۷۳
 ۱۰۸۷ ، ۱۰۹۲ ، ۱۰۹۴ ، ۱۱۱۲
 ۱۱۲۰ ، ۱۱۴۶ ، ۱۱۷۴ ، ۱۲۲۸

۱۲۳۴ (نیز نك: ممالك متعده)

املموند؟ (رودخانه) [ج ۵] ۱۰۷۵

امیرآباد [ج ۴] ۴۷۱ ، ۹۶۹

امیران [ج ۵] ۱۰۷۵

امین آباد [ج ۴] ۹۷۱

انار [ج ۱] ۱۸۷ ، [ج ۲] ۷۴۱ ، [ج ۳] ۸۲۳

۸۲۳ ، ۹۳۱ ، ۹۳۹ ، ۹۷۱ ، [ج ۵]

۹۸۱ ، ۹۹۵ ، ۹۹۹

انارك [ج ۳] ۷۴۱ ، [ج ۴] ۹۱۰ ، ۹۳۱

۹۳۹ ، ۹۶۹

انبارك [ج ۳] ۷۱۶

انزلی [ج ۱] ۲۷ ، ۴۴ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۷۰

۷۲ ، ۲۶۳ ، [ج ۲] ۳۵۲ ، ۴۱۳

۴۲۲ ، ۴۲۴ ، ۴۲۵ ، ۴۴۹ ، ۴۶۱

۴۸۰ ، [ج ۳] ۵۸۷ ، ۵۸۸ ، ۶۰۷

۶۱۲ ، ۶۱۳ ، ۶۲۵ ، ۶۷۹ ، ۷۰۹

۷۱۸ ، ۷۲۴ ، ۷۴۳ ، ۷۴۴ ، ۷۵۳

۷۵۵ ، ۷۵۶ ، ۷۵۹ ، [ج ۴] ۸۱۴

۸۶۹ ، [ج ۵] ۹۹۷ ، ۱۰۹۶

انگالی [ج ۳] ۶۵۷ ، [ج ۵] ۱۰۰۰

۱۰۴۰

انگلیس [ج ۱] ۴۴ ، ۴۵ ، ۱۱۲ ، ۱۴۱

۱۸۸ ، ۱۹۶ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸

۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۱۱

۳۲۲ ، ۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۸ ، [ج ۲]

۳۳۶ ، ۳۳۹ ، ۳۴۸ ، ۳۵۲ - ۳۵۶

۳۵۸ ، ۳۶۰ - ۳۶۳ ، ۳۶۶ ، ۳۶۷

۳۷۰ ، ۳۷۱ ، ۳۷۵ ، ۳۸۱ - ۳۸۴

۳۸۶ ، ۳۹۱ - ۳۹۳ ، ۳۹۵ - ۴۰۳

۴۰۵ - ۴۰۸ ، ۴۱۰ ، ۴۱۳ ، ۴۱۴

۴۱۷ ، ۴۱۸ ، ۴۲۰ - ۴۲۳ ، ۴۲۹

۴۲۳ ، ۴۲۵ - ۴۵۷ ، ۴۶۰ ، ۴۶۵

[ج ۳] ۶۰۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۷۹۸،
۸۵۶، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۶، ۸۹۲،
۹۰۴، ۹۲۳، ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۵۵،
۹۵۷، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۹، [ج ۵]
۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۴۷، ۱۰۶۵،
۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۸،
۱۱۵۰، ۱۱۵۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶،
۱۲۰۶، ۱۲۴۱

اهونی [ج ۲] ۴۶۲

ایتالیا [ج ۵] ۹۹۷، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳

ایران [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۶،
۵۵۷، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶،
۵۸۸، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹،
۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۲۲،
۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۳، ۶۳۶، ۶۳۸،
۶۴۳، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴،
۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۶، ۶۶۹،
۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۹،
۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵،
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۸،
۷۳۰، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۱،
۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰،
۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۵۹، ۷۶۶،
۷۶۷، ۷۷۵، ۷۷۴ [ج ۴] ۷۷۷،
۷۸۰، ۷۹۱، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۳،
۸۰۵، ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۱۵،
۸۱۷، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۸،
۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۷،
۸۵۱، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۸، ۸۶۰،
۸۶۲، ۸۶۴، ۸۶۷، ۸۷۳، ۸۷۶،
۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۷،
۸۸۹، ۸۹۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰،
۹۰۴، ۹۱۵، ۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۱،
۹۲۳، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۴، ۹۳۵،
۹۳۷، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۶، ۹۴۸

۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۸، ۱۰۴۸،
۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۴، ۱۰۵۶،
۱۰۵۹، ۱۰۶۳، ۱۰۶۶، ۱۰۷۸،
۱۰۷۹، ۱۰۸۱، ۱۰۹۰، ۱۰۹۵،
۱۰۹۷، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۱۷،
۱۱۱۸، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴، ۱۱۲۷،
۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۷،
۱۱۳۸، ۱۱۴۱، ۱۱۴۳، ۱۱۵۷،
۱۱۵۸، ۱۱۶۰، ۱۱۶۶، ۱۱۶۹،
۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۴، ۱۱۷۶،
۱۱۷۷، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۲،
۱۱۸۴، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱، ۱۱۹۴،
۱۱۹۶، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۸،
۱۲۱۰، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰،
۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷،
۱۲۳۲، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳

(نیز نك: انگلستان)

انگلستان [ج ۳] ۶۶۰، ۶۹۸، [ج ۴]
۷۸۲، ۷۸۳، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۶،
۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۴۱،
۸۴۲، ۸۴۷، ۸۶۲، ۸۶۴، ۸۷۳،
۸۸۷، ۸۸۸، ۸۹۶، ۹۰۸، ۹۱۰،
۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۷، ۹۳۵، ۹۴۲،
۹۴۸، ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۵۹، ۹۶۴،
۹۶۵، [ج ۵] ۹۶۷، ۱۰۱۶، ۱۰۵۴،
۱۰۷۰، ۱۱۴۴، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸،
۱۱۸۴، ۱۰۲۶ (نیز نك: انگلیس)

اورامان [ج ۳] ۶۷۹

اورمیه (نك: ارومیه)

اومكالی (محلہ) [ج ۵] ۱۲۰۱

اوین [ج ۴] ۹۶۲

امر [ج ۳] ۶۷۵، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۱۰،
۹۴۳، ۹۵۶، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶

امرم [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴] ۹۴۱

امواز [ج ۱] ۹۶، ۱۱۳، ۱۲۹، ۲۸۳

۱۱۹۶، ۱۱۹۳، ۱۱۹۱، ۱۱۶۴
۱۲۱۲

بارفروش [ج ۱] ۲۴۸، [ج ۳] ۶۸۰
[ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۱۷۳، ۱۰۱۲
۱۲۱۴

بارنگت - بارنج [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۳] ۵۹۱

بازار (محله) [ج ۳] ۶۷۵
باسنج - باسج [ج ۲] ۳۸۶، ۳۵۱
۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۴
۴۵۳، ۴۶۱ - ۴۶۴، ۴۸۰، ۴۸۲
۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۵
۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۵، ۵۲۶
[ج ۳] ۵۹۲ - ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۴۹

[ج ۴] ۸۲۷، [ج ۵] ۱۲۱۲
باطوم [ج ۱] ۳۱۸، [ج ۳] ۶۰۸
باغ اتابك [ج ۴] ۸۹۷
باغشاه [ج ۱] ۳۱۸، ۳۲۱، [ج ۲] ۳۳۸
۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۸۰
۳۸۱، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۶۱، ۵۰۲
[ج ۳] ۵۵۱، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۲
۵۶۵، ۶۴۶، ۷۰۷

باغ شمال [ج ۳] ۵۷۸
باغ مدیریه [ج ۲] ۴۲۴ - مدیریه [ج ۲] ۴۶۰

باغو [ج ۱] ۱۸۰
بافت - بفت [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۷۰
بافق [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۴] ۸۵۶
باقرآباد [ج ۵] ۱۰۳۹
باکو [ج ۱] ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱، [ج ۲] ۴۲۱، ۴۲۳، (نک: بادکوبه)

بالکان [ج ۵] ۱۰۳۵
بامپور (نک: بمپور)
باند [ج ۱] ۲۳، ۲۸
بانہ [ج ۳] ۶۷۹

۹۵۰ - ۹۵۵، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۳
۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۲، [ج ۵]
۹۷۹، ۹۸۲ - ۹۹۳، ۹۹۶
۹۹۸، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴
۱۰۰۵، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۱۰ -
۱۰۱۲، ۱۰۱۴ - ۱۰۱۷، ۱۰۲۰
۱۰۲۱، ۱۰۲۶، ۱۰۲۹ - ۱۰۳۲
۱۰۳۵ - ۱۰۳۸، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱
۱۰۴۴ - ۱۰۴۶، ۱۰۴۸ - ۱۰۵۱
۱۰۵۴، ۱۰۵۹، ۱۰۶۱، ۱۰۶۴
۱۰۶۶ - ۱۰۷۴، ۱۰۷۸، ۱۰۸۰
۱۰۸۵ - ۱۰۸۸، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱
۱۹۰۴، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰
۱۱۰۳ - ۱۱۱۳، ۱۱۱۶، ۱۱۱۸
۱۱۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۴ -
۱۱۲۸، ۱۱۳۰، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵
۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۴۰ - ۱۱۴۴
۱۱۵۱، ۱۱۵۶ - ۱۱۶۶، ۱۱۶۸
۱۱۸۵، ۱۱۸۷ - ۱۱۹۴، ۱۱۹۶
۱۱۹۸، ۱۲۰۰، ۱۲۰۴ - ۱۲۰۶
۱۲۱۲، ۱۲۱۵ - ۱۲۲۹، ۱۲۳۱
۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱
۱۲۴۳، ۱۲۴۴

ایزدخواست [ج ۳] ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۲
ایلوالوا (بندر) [ج ۵] ۱۰۰۴، ۱۰۱۷

بابعالی [ج ۲] ۴۷۰
باجگیران [ج ۵] ۹۸۰
باخرز [ج ۳] ۶۷۶
بادامک [ج ۳] ۶۸۶

بادکوبه [ج ۲] ۴۶۱، [ج ۳] ۵۴۵
۵۸۴، ۵۸۷، ۶۰۷، ۷۴۴، [ج ۵]
۹۹۶، ۱۱۰۶، ۱۱۱۰، ۱۱۲۱
۱۱۲۴، ۱۱۲۷، ۱۱۳۵، ۱۱۴۳

۷۷۹، [ج ۵] ۱۰۶۳، ۱۱۱۱،
 ۱۱۲۰، ۱۱۳۰، ۱۱۴۰، ۱۱۴۷،
 بلوچستان [ج ۱] ۲۶۹، [ج ۳] ۶۷۷،
 [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۴۱،
 ۹۴۵، [ج ۵] ۹۹۴، ۹۹۵، ۱۰۱۳،
 ۱۰۱۴، ۱۰۲۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۷،
 ۱۰۹۹، ۱۱۵۴

یم [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹، [ج ۳]
 ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴]
 ۸۱۲، ۸۳۵، ۹۳۲، ۹۶۰، ۹۷۱،
 [ج ۵] ۹۹۵، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴،
 ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۲۱۶، ۱۲۴۲

بمبئی [ج ۴] ۷۸۹

بمپور - بامپور [ج ۴] ۷۸۷، ۸۹۲، [ج ۵]
 ۱۰۵۷، ۱۰۷۶

بناب [ج ۲] ۳۵۱، ۳۹۰، [ج ۳] ۶۷۵،
 بنادر و جزایر [ج ۳] ۶۷۷،
 بنادر خلیج [ج ۴] ۹۰۸، [ج ۵] ۹۹۲،
 ۱۰۷۰، ۱۱۷۲

بنادر فارس [ج ۳] ۶۵۰، ۶۵۵، [ج ۵]
 ۱۰۰۰

بندان [ج ۵] ۹۸۱

بندر جز (بندرگز) [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳]
 ۵۳۰، [ج ۵] ۱۲۱۸، ۱۲۴۵

بندر خمیر [ج ۳] ۶۷۷

بندر دیلم [ج ۱] ۳۸

بندر ریگ [ج ۱] ۳۸، [ج ۳] ۷۱۶،
 بندر عباس [ج ۱] ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲،

۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰،

۲۸۲، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶ -

۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۴ - ۴۶۶، ۴۶۹،

[ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۹۶،

۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۲۱،

۶۵۱، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۳، ۷۱۷،

۷۲۳، ۷۳۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹،

بایزید [ج ۳] ۶۶۳،
 بجنورد [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴]
 ۹۰۸، [ج ۵] ۱۱۴۲

بحر خزر [ج ۱] ۵۴، [ج ۲] ۴۱۰، [ج ۳]
 ۵۴۵، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۷۴،
 [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۱۳۸، ۱۱۹۳،
 ۱۲۱۷

بختیاری [ج ۱] ۵۴، ۲۸۳

برازجان [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۸، [ج ۳]
 ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۷۷، [ج ۴] ۷۸۷،
 ۷۸۹، ۸۰۰، ۸۰۷، ۸۳۵، [ج ۵]
 ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵

برج نمازگاه [ج ۳] ۶۶۱

بردسیر [ج ۱] ۱۶۷

برلن [ج ۱] ۲۰۶، [ج ۳] ۷۰۱، [ج ۵]
 ۹۸۵

بروجرد [ج ۲] ۴۶۸، [ج ۳] ۶۷۸، ۷۳۰،
 [ج ۴] ۸۱۲، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۲،
 ۹۳۶، ۹۴۰، ۹۵۹، [ج ۵] ۱۰۷۰،
 ۱۲۰۳، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۳۳ -

۱۲۳۵

بروکسل [ج ۵] ۹۸۵،
 بریتانیای عظمی (نک: انگلستان و انگلیس)

بزچلو [ج ۲] ۳۵۳

بستک [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴، [ج ۴]
 ۷۸۹، ۹۶۲

بسطام [ج ۳] ۶۷۸

بصره [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۶

بطوند (بتوند) [ج ۱] ۱۱۳، ۱۳۹

بغداد [ج ۱] ۱۵۸، ۳۲۲، [ج ۳] ۵۴۴،
 ۵۵۵، ۵۵۶، ۷۳۲، [ج ۴] ۷۹۸،

۹۴۵، ۹۶۱، ۹۷۱

بلده [ج ۵] ۱۲۰۸

بلده نور [ج ۳] ۶۸۰

بلژیک [ج ۲] ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶، [ج ۴]

۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۹۷۷، ۹۷۸

۹۸۳-۹۸۵، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۵

۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۹

۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۳۰، ۱۰۴۰

۱۰۴۲، ۱۰۵۲، ۱۰۵۴، ۱۰۶۵

۱۰۶۶، ۱۰۶۹، ۱۰۷۲، ۱۰۷۸

۱۰۸۱، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۱۰۰

۱۱۱۷، ۱۱۵۰، ۱۱۸۶، ۱۱۹۱

۱۱۹۲، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۲۰۸

۱۲۰۹، ۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲

۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴-۱۲۴۶

ابویراحمدی [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۵

۷۸۷-۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳، ۸۰۴

۸۰۷، ۸۰۸، ۹۶۱، ۹۷۱، [ج ۵]

۹۷۷، ۹۷۸، ۱۰۰۷، ۱۰۴۲

۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۰۹۸

بوینک [ج ۴] ۸۷۶

بہارستان [ج ۳] ۶۱۵، ۶۲۱-۶۲۴

۶۲۶، ۶۸۲-۶۸۴، ۶۸۶-۶۹۰

۷۰۵، ۷۰۶

بہیمان [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۷۸۸، ۸۰۷

۸۰۸، ۹۱۳، [ج ۵] ۱۰۴۷

۱۰۶۵، ۱۱۰۷، ۱۱۲۹

بہرام آباد [ج ۵] ۹۹۵

بیاض [ج ۵] ۹۹۵

بیت المقدس [ج ۱] ۳۸

بیجار [ج ۳] ۶۷۹

بیرجند [ج ۱] ۷۵، ۱۷۰، [ج ۳] ۶۰۱

۶۴۸، ۶۷۶، ۷۲۹، [ج ۴] ۸۹۲

۹۰۸، [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸

۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷

بیضاء [ج ۳] ۷۱۴

پارک - پارک اتابک [ج ۴] ۸۹۹، ۹۰۶

۸۲۵، ۸۹۴، ۹۳۳، ۹۴۵، ۹۵۵

۹۶۱، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۵

۱۰۱۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۹

۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰

۱۱۵۵، ۱۲۰۹-۱۲۱۱، ۱۲۱۳

۱۲۱۴، ۱۲۱۶، ۱۲۳۲، ۱۲۴۱

بندرلنگہ [ج ۳] ۵۶۸، ۶۱۱، ۶۲۱، [ج

[۴] ۷۹۹ (نک: لنگہ)

بنہ گز [ج ۳] ۷۱۶

بوالورد [ج ۵] ۱۲۰۷

بوشہر [ج ۱] ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴

۹۵، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸

۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰

۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۹

۳۲۳، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۶، ۴۰۰

۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶-۴۳۹، ۴۴۱

۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۱-۴۵۴

۴۶۴-۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۶

۴۷۸، ۴۷۹، ۵۰۵، ۵۳۴-۵۳۶

[ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸

۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸

۵۷۹، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۱

۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹-۶۲۱، ۶۲۶

۶۳۰، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳

۶۵۵-۶۶۱، ۶۷۷، ۶۹۳، ۷۱۴

۷۱۶، ۷۲۱، ۷۳۲-۷۳۴، ۷۴۰

۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۵

[ج ۴] ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۸

۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹-۸۰۱، ۸۰۴

۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۲۰

۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۶۶

۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۴

۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۵، ۹۴۱

۹۴۲، ۹۴۴-۹۴۸، ۹۵۵، ۹۶۱

۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۱

پل زنیان [ج ۴] ۸۰۸

پل سیوند [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۱۵۰

پل فسا [ج ۵] ۱۲۴۴

پیرانوند-پیرانهوند [ج ۵] ۱۲۳۴

۹۱۶ - ۹۱۹

پاریس [ج ۲] ۳۵۲، ۳۹۹، ۴۳۹، ۵۴۱

[ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۹۶۳، [ج ۵]

۹۷۶، ۹۸۵، ۹۹۸، ۱۰۰۰، ۱۰۱۰

۱۰۴۴، ۱۰۱۱

پاش پورخه (محلّه) [ج ۵] ۱۲۰۱

پرتغال [ج ۱] ۱۶۵

پروسک [ج ۱] ۱۷۷

پشت کوه [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵]

۹۸۲، ۱۰۹۹، ۱۱۱۶، ۱۱۵۵

پشت مشهد [ج ۴] ۹۵۸

پطرزبورغ - سنت پطرزبورغ [ج ۱]

۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹

۱۵۰، ۱۸۳، ۱۹۱ - ۱۹۴، ۱۹۹

۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۵۷

۲۶۳، ۲۷۳ - ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۴

۲۹۵، ۲۹۷ - ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸

۳۱۰ - ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰

۳۲۴ - ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱، [ج ۳]

۶۴۱، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۹۳

۶۹۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۵، ۷۳۷

۷۴۷، ۷۵۰ - ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷

۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱۴

۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷

۸۲۹، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۱ - ۸۶۳

۸۸۰ - ۸۸۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰

۹۲۰ - ۹۲۲، ۹۳۴ (نک: سنت

پطرزبورغ)

پطروس [ج ۱] ۱۴۱

پطروسک [ج ۳] ۶۶۵، ۷۴۴، [ج ۵]

۱۱۹۳، ۱۲۰۰

پل آجی [ج ۱] ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۲]

۳۹۰، ۵۱۶، [ج ۳] ۵۹۱

پل دالکی [ج ۳] ۶۶۱

پل زمانخان [ج ۵] ۱۰۹۸

تالش - تالش دولاب [ج ۱] ۵۴، ۶۶

۳۰۵

تبریز [ج ۱] ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱ - ۵۴

۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸ - ۱۱۲

۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶

۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷

۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶

۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶

۲۷۱ - ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴

۲۸۵، ۲۸۸ - ۳۰۰، ۳۰۷ - ۳۱۳

۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷ -

۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۷، ۳۴۱

۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۴

۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵

۳۸۱، ۳۸۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۹

۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۹ - ۴۰۱، ۴۰۳

۴۰۴، ۴۰۹ - ۴۱۱، ۴۱۳ - ۴۱۵

۴۱۷ - ۴۱۹، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷

۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰

۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۶ - ۴۴۹، ۴۵۱

۴۵۳، ۴۵۷، ۴۶۱ - ۴۶۴، ۴۶۹

۴۷۹ - ۴۸۵، ۴۸۷ - ۵۰۲، ۵۰۴

۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۲، ۵۲۴ - ۵۲۸

۵۳۴، [ج ۳] ۵۴۲ - ۵۴۴، ۵۴۶

۵۴۷، ۵۵۴ - ۵۵۹، ۵۶۵، ۵۶۶

۵۶۹ - ۵۷۱، ۵۷۳ - ۵۷۹، ۵۸۳

۵۸۵، ۵۸۸، ۵۹۰ - ۵۹۲، ۵۹۴

۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۲۷

تکیه دولت [ج ۲] ۴۲۹

تنکابن [ج ۳] ۶۸۰

تنگترکان [ج ۳] ۶۶۲، [ج ۵] ۱۱۱۳

تل برازجان [ج ۳] ۶۶۱

تنگستان [ج ۱] ۲۵۵، [ج ۲] ۴۴۱

۴۷۸، [ج ۳] ۶۵۸، ۷۱۶، ۷۳۳

[ج ۴] ۸۹۴، ۸۳۵، ۸۰۰

تنگه انجیره [ج ۴] ۹۳۸

توپخانه [ج ۳] ۶۱۶ (نک: میدان توپخانه)

توتاکی [ج ۵] ۱۰۷۶

تون [ج ۳] ۶۷۶

تویسرکان [ج ۳] ۶۸۰

تهران [ج ۲] ۳۵۳، ۳۴۱، ۳۳۸، ۳۳۶

۳۸۳، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۶۸، ۳۵۸

۳۹۸، ۳۹۲، ۳۸۹، ۳۸۶، ۳۸۵

۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴

۴۱۷، ۴۲۵ - ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۵

۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۶

۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳ -

۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰

۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۹

۵۱۹ - ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۹، [ج ۳]

۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۰

۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵

۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲ - ۵۷۴، ۵۷۸

۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴ - ۵۸۹، ۵۹۴

۵۹۷ - ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۰۷

۶۰۸ - ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵

۶۱۷ - ۶۲۳، ۶۲۵ - ۶۲۷، ۶۳۱

۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۶ - ۶۳۸، ۶۴۱

۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴

۶۵۵، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۵

۶۸۱ - ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸

۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۱

۷۰۳، ۷۰۹ - ۷۱۳، ۷۱۷ - ۷۱۹

۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۴۶

۶۴۷، ۶۵۰ - ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۶۳

۶۶۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۹۴ -

۶۹۷، ۶۹۹ - ۷۰۱، ۷۰۷ - ۷۰۹

۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۸، ۷۳۵ - ۷۳۹

۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰

۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰

۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۷۶

۷۷۷، ۷۷۹ - ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵

۷۹۷، ۸۰۲، ۸۱۰، ۸۱۴، ۸۱۶

۸۱۷، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴ - ۸۲۷

۸۳۳، ۸۴۵، ۸۵۵، ۸۶۸، ۸۶۹

۸۸۳، ۸۸۴، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۶

۹۳۰، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۴۳

۹۵۶، [ج ۵] ۹۹۸، ۱۰۱۱، ۱۰۳۷

۱۰۶۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶، ۱۱۰۴

۱۱۰۶، ۱۱۲۱، ۱۱۵۲، ۱۱۶۱

۱۱۶۲، ۱۱۹۰، ۱۱۹۷، ۱۲۰۶

۱۲۱۲ - ۱۲۱۴، ۱۲۱۸، ۱۲۲۹

تحت کتی [ج ۳] ۶۶۲

ترافلگار [ج ۳] ۶۴۱

تراکمه [ج ۳] ۷۲۹، ۶۰۰

تربت [ج ۲] ۴۶۹، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷

۶۰۱، ۶۲۹، ۷۴۵، [ج ۴] ۹۰۷

۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۰

۱۰۷۵، ۱۰۹۷، ۱۲۰۷

تربت حیدری، تربت حیدریه [ج ۱] ۱۲۴

۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶، [ج ۲] ۴۶۸

۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶

۷۲۹، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲

نرشیز [ج ۳] ۷۲۹، ۶۷۶

تفت [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۰، ۴۳۱، [ج ۳]

۶۴۹، [ج ۴] ۸۷۱

تفرش [ج ۳] ۶۷۸

تفلیس [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۵۷۴

تهرود [ج ۵] ۱۰۱۴

جاتا (جطوط؟) [ج ۳] ۶۶۱

جاجرم [ج ۱] ۲۸۹

جاسک [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۱۴

جاف [ج ۳] ۷۸۶

جام [ج ۳] ۶۷۶

جبل ترنجبه [ج ۴] ۹۶۲

جره [ج ۴] ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۳

۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۶۶

۸۹۵، [ج ۵] ۹۷۷، ۹۷۸

جعفر جن [ج ۳] ۶۶۲

جگند [ج ۵] ۱۲۳۰

جلفا [ج ۱] ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵

۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸

۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۷

۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۴

۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱-۴۲۴

۴۳۳-۴۳۶، ۴۴۰، ۴۶۲-۴۶۴

۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸

۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲

[ج ۳] ۵۷۱، ۶۰۸، ۷۰۱، ۷۱۰

۷۲۸، [ج ۴] ۸۱۹، [ج ۵] ۱۰۷۶

۱۲۱۴

جوشقان [ج ۳] ۶۷۹

جوین [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۶

جهرم [ج ۳] ۶۷۶، ۷۱۴

جیرفت [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲، [ج ۵] ۹۹۴

۱۰۱۴، ۱۱۰۰، ۱۲۰۹

جیزغه [ج ۴] ۹۶۲

جیل [ج ۳] ۷۳۰

۷۲۱، ۷۲۶-۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۵

۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵

۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۴-۷۶۴، [ج ۴] ۷۷۸

۷۸۰-۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸

۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۳

۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۲، ۹۲۴

۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۵

۸۳۹، ۸۴۱، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۶۱

۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۸۰

۸۸۲، ۸۸۹، ۸۹۱، ۸۹۳-۸۹۵

۸۹۷، ۸۹۸، ۹۰۳، ۹۰۵-۹۰۹

۹۱۱، ۹۱۳-۹۱۷، ۹۲۰-۹۲۲

۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۸-۹۳۴، ۹۳۶

۹۴۲، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷

۹۵۹، ۹۶۵-۹۶۷، ۹۶۹، [ج ۵]

۹۷۵، ۹۷۸-۹۸۱، ۹۸۳، ۹۸۵

۹۸۹، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۸، ۹۹۹

۱۰۰۴، ۱۰۰۶، ۱۰۱۰، ۱۰۱۲

۱۰۱۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۲۷

۱۰۳۰، ۱۰۳۴، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹

۱۰۴۵، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۳

۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۶۲، ۱۰۷۲

۱۰۷۴، ۱۰۷۷، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱

۱۰۸۵، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۴

۱۰۹۷-۱۰۹۹، ۱۱۰۱، ۱۱۰۴

۱۱۰۸، ۱۱۱۶، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳

۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۲، ۱۱۳۸

۱۱۳۹، ۱۱۴۲، ۱۱۴۹، ۱۱۵۱

۱۱۵۶، ۱۱۶۳-۱۱۶۶، ۱۱۶۸

۱۱۷۰، ۱۱۷۳-۱۱۷۵، ۱۱۷۸

۱۱۸۰، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۵

۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۴

۱۲۰۶، ۱۲۰۸، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰

۱۲۲۱، ۱۲۲۵، ۱۲۲۸-۱۲۳۱

۱۲۳۳-۱۲۳۵، ۱۲۳۷، ۱۲۴۱

۱۲۴۴، ۱۲۴۵

خانه گرگان [ج ۵] ۱۰۰۰

خیبص - خوان خیبص [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۷۱

خجند [ج ۱] ۲۲۸

خراسان [ج ۱] ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶

۱۳۷، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۷، [ج ۳] ۸۲۲، ۷۹۶

۶۷۶، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۷، ۹۳۰، [ج ۵] ۸۳۳

۸۷۰، ۸۸۰، ۱۰۳۸، ۱۱۴۵، ۱۱۵۲

۱۲۰۶، ۱۲۳۰

خرقان [ج ۳] ۶۷۸

خرم آباد [ج ۱] ۱۷۰، ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰

۱۱۹۲

خزر (دریا) [ج ۳] ۷۴۴ (نک: بحر خزر)

خسرو شیرین [ج ۵] ۱۲۰۳

خضر [ج ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸

۱۱۵۳، ۱۲۳۰

خطیب [ج ۱] ۲۹۲، [ج ۲] ۴۶۲-۴۶۴

۵۰۰، ۵۰۲، [ج ۳] ۵۹۴

خفر [ج ۴] ۸۹۳

خلج [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۴] ۸۲۱

خلخال [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۴] ۷۷۹

خلیج [ج ۲] ۴۳۸، ۴۷۲

خلیج فارس [ج ۱] ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷

۱۷۶، ۲۵۰، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۶

۴۱۴، ۴۳۱، ۴۶۴، ۴۷۲، [ج ۳] ۵۵۵

۵۵۵، ۶۵۶، ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴

[ج ۴] ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴

۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۷۱

[ج ۵] ۱۰۶۹، ۱۰۷۹، ۱۱۰۰

۱۱۹۲، ۱۱۵۵

خمام [ج ۵] ۱۰۹۶

خواجه نفس [ج ۵] ۱۲۰۱

خوار [ج ۵] ۱۱۲۳، ۱۲۱۱

خواف [ج ۳] ۶۷۶

چالمیدان (محلۃ) [ج ۳] ۶۷۵

چاه بهار [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۴] ۹۴۵

چاه خانی [ج ۳] ۶۶۱

چاه کوتاه [ج ۴] ۸۳۵

چاه داشتی (چاه دشتی؟) [ج ۵] ۱۰۹۶

چرون (چروم) [ج ۳] ۶۶۲

چرکر [ج ۴] ۸۸۳

چشمه مروارید [ج ۴] ۸۰۸

چفادک [ج ۳] ۶۶۱

چلیپانلو [ج ۱] ۲۲

چهارراهی [ج ۵] ۱۰۷۶

چهارمعل (چهارمعال) [ج ۱] ۱۸۱، ۲۶۸

۲۶۸، ۳۲۳، [ج ۳] ۶۰۴، [ج ۴] ۹۰۸

۹۰۸

حاجی آقا [ج ۳] ۷۰۱

حاجی طرخان (بندر) [ج ۳] ۷۵۴

حبیب آباد [ج ۵] ۱۰۳۹

حسن آباد [ج ۳] ۶۴۴

حضرت عبدالعظیم [ج ۲] ۲۷ (نیز نک:

شاهزاده عبدالعظیم)

حکم آباد [ج ۲] ۴۶۲، [ج ۳] ۵۵۶، ۵۷۶

حلوان [ج ۵] ۱۰۷۵

خالد آباد [ج ۳] ۵۷۲، [ج ۴] ۹۶۹

[ج ۵] ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۲۳۰

خان زنیان [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۷۶۵

[ج ۴] ۷۸۸، [ج ۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵

خان کرکن - خوان گرگان [ج ۱] ۱۵۸

[ج ۴] ۷۸۷

خانه [ج ۵] ۱۰۹۷

دشت گرگان [ج ۵] ۱۲۰۱

دشتی [ج ۲] ۴۷۸، [ج ۳] ۷۸۷

دلوار - دیلوار [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴]

۸۹۴، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۶۱

دماوند [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷

دوج [ج ۱] ۱۶۶

دوشان تپه [ج ۱] ۱۶۸، [ج ۳] ۶۸۷،

۷۰۶

دلت (محلّه) [ج ۳] ۶۷۵

دوست آباد [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۱۳،

[ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۵۹، [ج ۵]

۱۰۹۹، ۱۲۳۳

دوه چی (محلّه) [ج ۱] ۳۲۴

دهانه [ج ۴] ۸۹۲

دهبید [ج ۱] ۱۵۸، ۱۸۸، [ج ۲] ۵۲۴،

۵۲۵، [ج ۳] ۷۱۴، [ج ۴] ۷۸۸،

۸۶۶، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۶، ۱۰۲۹

دهج [ج ۴] ۹۷۰

دهخوارقان [ج ۳] ۶۷۵

ده رستم بیك [ج ۵] ۱۰۹۹

ده سلام [ج ۵] ۱۰۴۸

ده کرد [ج ۵] ۱۰۸۳، ۱۰۹۸

ده کو [ج ۵] ۹۹۹

ده نامه [ج ۵] ۱۲۳۲

دیر (بندر) [ج ۵] ۱۰۰۷

دیز آباد [ج ۴] ۷۹۵، [ج ۵] ۱۰۷۶

دیلمان [ج ۳] ۶۷۹

دیلمقان [ج ۳] ۶۷۵

دیو سفید (قلعه) [ج ۵] ۱۲۳۳

رام هرمز [ج ۱] ۲۸۳، [ج ۲] ۴۷۲

رانکی [ج ۵] ۱۰۳۷

راور [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۹۷۱

خور [ج ۵] ۱۰۳۸

خوشاب (خوش آب) [ج ۳] ۶۶۱

خوشکوه (خوش کوه) [ج ۳] ۵۶۷

خون خوزه (خان خوزه) [ج ۵] ۱۰۳۹

خوی [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵، [ج ۲] ۳۷۰،

۳۸۸، [ج ۳] ۶۷۵

خیابان [ج ۲] ۴۶۲، ۴۶۳

خیابان علاءالدوله [ج ۳] ۷۰۶

خیوه [ج ۱] ۳۲۸

داراب [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۴] ۹۴۱

دارابگرد [ج ۳] ۶۷۶

دالکی [ج ۱] ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸، [ج ۳]

۶۵۷، ۶۶۱، [ج ۴] ۷۸۹، ۸۰۷،

۸۳۵، [ج ۵] ۱۰۰۰

دامغان [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵] ۱۰۱۳،

۱۱۵۲، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲، ۱۲۲۸

دخمه کیخسرو [ج ۱] ۱۵۹

دررود [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰

درجز - درگز [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۷۶،

۷۴۴، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۹۸، ۱۰۱۲،

۱۰۳۸

دریاقلی [ج ۳] ۶۶۱

درخلیل - دزخلیل [ج ۱] ۲۶۳، [ج ۲]

۴۴۹

دزفول [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۳۳،

۹۶۲

دشت ارجن - دشت ارژن [ج ۳] ۷۳۲،

۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۷، ۷۸۸،

۸۰۴، ۸۰۸، ۸۶۶، ۹۴۴، ۹۶۱،

[ج ۵] ۱۰۵۴، ۱۰۷۲، ۱۱۱۳

دشتستان [ج ۳] ۶۵۸، ۶۷۷، [ج ۴]

۷۸۷

روسيه [ج ۱] ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷،
 ۳۳۱ [ج ۲] ۳۸۹، ۴۳۵، [ج ۳] ۵۷۰،
 ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷ - ۵۷۹،
 ۵۸۱، ۵۸۳ - ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۰۷ -
 ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۳،
 ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴،
 ۶۴۶، ۶۵۱ - ۶۵۴، ۶۶۲ - ۶۶۵،
 ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹،
 ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷،
 ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۶، ۷۳۴ - ۷۳۶،
 ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴،
 ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶،
 ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴] ۸۰۱،
 ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸۴۲، ۸۷۵،
 [ج ۵] ۹۸۵ - ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۱،
 ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴،
 ۱۰۰۸، ۱۰۱۳ - ۱۰۱۵، ۱۰۱۸،
 ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶،
 ۱۱۰۰، ۱۱۰۶، ۱۱۲۳، ۱۱۲۷،
 ۱۱۴۱، ۱۱۴۴، ۱۱۵۷، ۱۱۶۰،
 ۱۱۶۱، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۹،
 ۱۲۰۶، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۲۰،
 ۱۲۲۲ - ۱۲۲۴

رينان [ج ۱] ۲۲۰

ريوال [ج ۱] ۱۹۱

زاوه [ج ۳] ۷۲۹، ۷۴۵

زرقون - زركان (زرقان) [ج ۱] ۱۸۰

[ج ۲] ۴۷۲

زرگنده [ج ۱] ۲۳۷، ۲۴۶، [ج ۲] ۶۲۲،

۶۸۳، ۷۰۴، ۷۲۶، ۷۵۵، [ج ۴] ۹۱۶، ۹۱۷، [ج ۵] ۱۱۳۱،

۱۱۳۹، ۱۱۹۳، ۱۱۹۷

زرنه [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵]

راونج [ج ۴] ۷۹۸

رباط [ج ۴] ۸۷۶، ۸۸۲، [ج ۵] ۱۰۹۶

رباط كريم [ج ۳] ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵

رحمت آباد [ج ۳] ۷۴۴

رشت [ج ۱] ۲۷، ۴۳، ۴۴، ۵۳، ۶۶، ۷۳،

۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴،

۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴،

۲۱۸، ۲۴۸، ۲۴۹، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۲،

۳۸۱، ۴۰۳، ۴۱۳، ۴۱۵ - ۴۳۱،

۴۲۹، ۴۲۶ - ۴۲۱، ۴۱۷، ۴۴۰،

۴۴۸، ۴۵۹ - ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۴،

۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۰ - ۵۲۲، ۵۲۹،

[ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵ - ۵۴۸، ۵۶۴،

۵۶۶، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵،

۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۳۶،

۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۴،

۶۷۹، ۶۹۲، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۰۹،

۷۱۷، ۷۲۸، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۳،

[ج ۴] ۷۶۱، ۷۵۹، ۷۵۸، ۷۷۹،

۷۸۵، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۵۵، ۸۶۴،

۸۶۹، ۸۷۶، ۹۳۱، ۹۶۷، [ج ۵] ۱۰۱۲،

۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۷۴، ۱۰۸۴،

۱۰۸۶، ۱۰۹۶، ۱۱۰۱، ۱۱۵۱،

۱۱۵۲، ۱۱۹۴، ۱۲۰۰، ۱۲۰۶،

۱۲۲۹

رفسنجان [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، [ج ۲] ۴۱۳،

[ج ۳] ۵۶۷، ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۳۱،

۷۳۲، [ج ۴] ۸۷۵، ۸۹۳، ۸۹۴، ۹۴۹،

[ج ۵] ۱۲۳۰

رنه (رينه) [ج ۴] ۹۳۷

روبار [ج ۱] ۲۸۲

رودبار [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۵]

۸۷۳

رود ملكه [ج ۴] ۸۷۳

۱۲۲۵

زنجان [ج ۱] ۶۶، [ج ۲] ۴۶۶، [ج ۳]

۵۶۶، ۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۴

۷۴۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۵

۸۵۲، ۹۵۰، [ج ۵] ۱۲۳۵

زواره [ج ۴] ۹۱۰، ۹۲۹، ۹۶۹

سابوخ [ج ۳] ۵۶۷

ساری [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۰۷۴

۱۱۶۷، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲

ساوجبلاغ [ج ۱] ۳۳، ۱۲۵، [ج ۳]

۵۴۷، ۶۷۵

ساوه [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵]

۱۲۲۱، ۱۲۲۵

سبزآباد [ج ۳] ۷۲۳

سبزوآر [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷

[ج ۳] ۵۶۷، ۶۷۶، [ج ۵] ۱۱۵۲

۱۲۰۶

سراب [ج ۳] ۶۴۷، ۶۷۵، ۷۳۷، ۷۳۹

۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۰

[ج ۴] ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۹۸، ۸۱۲

۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱

[ج ۵] ۱۱۹۰

سربند [ج ۳] ۷۳۰، [ج ۴] ۹۵۹

سرپل [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۷۰، [ج ۵]

۱۱۹۰

سرخابه [ج ۴] ۸۹۵

سرخس [ج ۴] ۹۰۸

سرخون [ج ۵] ۱۱۸۴

سردرود [ج ۲] ۳۶۸، ۴۳۴، ۴۶۲، [ج ۴]

۹۳۲

سرسنگ [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۳

منعیدآباد [ج ۳] ۶۷۷

سقز [ج ۳] ۶۷۹

سلطانآباد [ج ۱] ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹

۲۱۸، ۲۶۷، [ج ۳] ۶۴۸، ۶۴۹

۶۷۸، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۴۱، ۷۶۲

[ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶

۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱، ۹۵۹

۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۳۹، ۱۰۸۵

۱۱۵۳، ۱۱۵۵، ۱۱۹۳، ۱۲۰۹

۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴

سلطان سری راک [ج ۴] ۹۶۹

سلطنتآباد [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۹۸

۶۱۷، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸، ۶۸۲

۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱

۷۰۵، ۷۰۶

سلماس [ج ۱] ۱۲۵، [ج ۲] ۲۵۱

۲۷۰، ۲۸۹، ۲۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹

۴۵۵، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۹۹

سمنان [ج ۱] ۱۶۵، [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۵]

۱۱۷۳، ۱۱۸۷، ۱۲۲۸

سنت پترزبورگ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۳۸

۳۵۲، ۳۷۹، ۴۰۱، ۵۲۸، [ج ۳]

۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۵

۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۵۸۴

۵۸۵، ۵۸۷ - ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲

۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲

۶۳۴، ۶۶۵، [ج ۴] ۷۹۰، [ج ۵]

۹۸۷، ۹۹۰، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴

۱۰۴۱، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰

۱۱۱۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۶

۱۱۳۷، ۱۱۴۰، ۱۱۶۹، ۱۱۷۲

۱۱۷۶، ۱۱۸۲ - ۱۱۸۴، ۱۱۸۸

۱۲۱۷، ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۴۳

سنقر [ج ۳] ۶۷۹

سنگلج (محله) [ج ۳] ۶۷۵

سنندج [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۱، [ج ۵]

شاهزاده عبدالعظیم [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶، ۹۱۷ [ج ۴] (نک: حضرت عبدالعظیم)
 شاه نو [ج ۱] ۱۶۶
 شبلی [ج ۴] ۹۳۸
 شفیع آباد [ج ۱] ۱۲۳
 شلا (?) [ج ۵] ۱۰۹۶
 شمس [ج ۱] ۱۶۷
 شمشیری [ج ۳] ۷۱۶
 شمیرانات - شمیران [ج ۳] ۵۹۸
 [ج ۴] ۹۰۷
 شوشتر [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۶۲، ۹۴۲، ۹۳۳
 شهراب [ج ۴] ۹۶۹
 شهر بابک [ج ۳] ۶۸۰
 شهریار [ج ۳] ۶۳۹
 شیراز [ج ۱] ۵۵، ۴۵، ۴۴، ۳۸، ۳۶، ۶۷، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵-۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۵، ۳۸۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۴، ۵۲۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۹۶، ۶۰۲-۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳-۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹-۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۵-۶۵۹، ۷۱۳-۷۱۵، ۷۲۸، ۷۳۰-۷۳۴، ۷۴۰، ۷۴۶-۷۴۸، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲-۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶-۷۹۰

۱۱۲۱
 سوء [ج ۱] ۷۴
 سوند [ج ۵] ۹۷۶، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۸، ۱۰۱۰، ۱۰۴۲، ۱۰۴۴، ۱۰۶۳، ۱۰۸۰، ۱۰۸۵، ۱۰۹۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۷-۱۱۱۰، ۱۱۷۷، ۱۱۸۳، ۱۱۸۷-۱۱۹۰، ۱۱۹۲، ۱۱۹۸، ۱۲۲۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۹
 سوادکوه [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۱۸۷، ۱۲۱۵، ۱۲۳۳
 سویس [ج ۴] ۹۲۹، [ج ۵] ۱۱۴۰
 سیدان [ج ۱] ۲۴۹
 سیرجان [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۹۴
 سیستان [ج ۱] ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷، ۲۶۹، [ج ۲] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۴۸، ۶۷۶، ۶۸۵، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۳۴، ۸۷۰، ۸۸۲، ۸۹۲، ۹۲۸، ۹۵۶، ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۱، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶، ۱۱۵۲، ۱۲۰۷، ۱۲۳۱
 سیله سفید (گدار - برج) [ج ۴] ۷۸۷، ۸۰۸، [ج ۵] ۹۹۹
 سیوند [ج ۱] ۱۸۸، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۵۲۴، [ج ۴] ۸۳۵، ۸۷۳، [ج ۵] ۱۰۰۰، ۱۰۱۹، ۱۰۸۳، ۱۱۵۰
 شاه آباد [ج ۳] ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۶، ۷۰۵
 شاه چراغ [ج ۳] ۷۱۳، ۷۱۴
 شاهرود [ج ۳] ۶۰۰، ۶۷۸، [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۱۷۰، ۱۱۹۷، ۱۲۲۸، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲

صائین قلعه [ج ۳] ۶۷۵

صحنه [ج ۵] ۱۱۴۴

طارم [ج ۳] ۶۷۸

طارم سفلی [ج ۳] ۶۷۸

طالش - طالش دولاب - طوالش [ج ۲]

۳۵۲، ۴۱۳، [ج ۳] ۶۷۹، ۷۲۸

[ج ۴] ۸۳۳، [ج ۵] ۱۰۷۴، ۱۱۵۲

(نیز نك: تالش)

طالقان [ج ۳] ۶۷۸

طامرون [ج ۳] ۷۱۳

طیس [ج ۱] ۱۵۷، ۱۸۷، [ج ۲] ۴۳۰

[ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۷۱

۸۷۶، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸

[ج ۵] ۹۸۸، ۱۰۳۸، ۱۰۵۶

۱۰۵۷، ۱۰۷۵

طرابوزان [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵

طرق [ج ۱] ۸۱، [ج ۲] ۴۷۱، ۴۹۵

[ج ۵] ۱۱۵۳

عباس آباد [ج ۱] ۱۲۳

عثمانی [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۶۰۸

۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۸

۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱

۹۰۷، ۹۱۷، ۹۴۲

عراق (اراك) [ج ۳] ۶۴۸، ۷۳۰، ۸۶۲

[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۶، [ج ۵] ۱۲۳۲

عراق (عرب) [ج ۳] ۶۷۸

عربستان (خوزستان) [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵

[ج ۴] ۹۵۳، [ج ۵] ۱۰۷۰، ۱۰۹۸

مشق آباد [ج ۵] ۱۱۴۳، ۱۱۹۱

عقدا [ج ۳] ۶۸۰

۷۹۲، ۷۹۹ - ۸۰۱، ۸۰۳ - ۸۰۵

۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۰

۸۲۲، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۵

۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۶ - ۸۵۸، ۸۶۵

۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۶

۸۹۴، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۲۵، ۹۳۲ -

۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴ -

۹۴۶، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷

۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷

۹۶۹، ۹۷۱، ۹۷۲، [ج ۵] ۹۷۷ -

۹۷۹، ۹۸۱ - ۹۸۳، ۹۸۸، ۹۹۵

۹۹۶، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۲

۱۰۰۵ - ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰

۱۰۱۴، ۱۰۱۶، ۱۰۱۹، ۱۰۲۹ -

۱۰۳۲، ۱۰۴۰ - ۱۰۴۳، ۱۰۴۵

۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ - ۱۰۵۴

۱۰۵۶ - ۱۰۶۳، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲

۱۰۷۶ - ۱۰۷۸، ۱۰۸۱ - ۱۰۸۴

۱۰۸۶، ۱۰۸۹، ۱۰۹۷، ۱۰۹۹

۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۲

۱۱۱۴ - ۱۱۱۶، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹

۱۱۲۳، ۱۱۲۵، ۱۱۲۸، ۱۱۳۷

۱۱۴۴، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۵

۱۱۵۹، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۷۱

۱۱۸۶ - ۱۱۸۸، ۱۱۹۰ - ۱۱۹۲

۱۱۹۶، ۱۱۹۸، ۱۲۰۳، ۱۲۰۷

۱۲۱۲، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۸

۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴

۱۲۳۱، ۱۲۴۰ - ۱۲۴۲، ۱۲۴۴ -

۱۲۴۶

شیفت [ج ۳] ۶۵۷

شیورع (شیوع؟) [ج ۴] ۹۶۲

صاحب الامر [ج ۳] ۵۹۳

۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱ - ۱۰۵۳،
 ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۳، ۱۰۷۳،
 ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۹۰، ۱۱۱۳،
 ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۲۸، ۱۱۵۴،
 ۱۱۹۸، ۱۲۰۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۲

۱۲۲۵، ۱۲۴۲

فارسستان [ج ۵] ۱۰۷۰

فراقه [ج ۲] ۴۷۱

فرامین [ج ۱] ۱۲۳

فرانسه [ج ۱] ۴۴، ۱۸۸، [ج ۲] ۳۹۹،
 ۴۵۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۹، ۸۲۵،
 ۹۰۶، ۹۴۹ [ج ۵] ۹۹۳، ۱۰۱۱،
 ۱۰۳۵، ۱۰۶۳، ۱۰۹۴، ۱۱۰۹

فرامان [ج ۳] ۷۳۰

فسا [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۵] ۱۲۴۴

فومن [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۶۷۹

فسرج [ج ۱] ۲۸۹، [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲،
 ۹۶۰، [ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۰۷۶

۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۵۴

فیروزآباد [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۴،
 ۶۵۸، ۷۳۴، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۸۸،
 ۷۸۹، ۸۶۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵

۹۳۳، ۹۴۱، [ج ۵] ۹۷۷

فیروزکوه [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۶۷۸،
 [ج ۵] ۱۱۷۳، ۱۱۷۶، ۱۱۸۷،
 ۱۲۰۲، ۱۲۰۸، ۱۲۱۵، ۱۲۲۹

۱۲۳۲، ۱۲۳۳

فیلیپین [ج ۵] ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۱۷

فین [ج ۴] ۸۷۰

قاسمآباد [ج ۳] ۷۶۲

قاینات [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۷۹۴، [ج ۵] ۱۰۲۸، ۱۰۷۵، ۱۰۹۶

علیآباد [ج ۵] ۹۸۱

عودلاجان (محلّه) [ج ۳] ۶۷۵

عیساوندی (عیسونندی) [ج ۳] ۶۶۱

غازیک [ج ۱] ۷۵

غدان [ج ۵] ۹۸۰

قارس [ج ۱] ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶

۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۹

۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵ -

۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰

۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲ [ج ۲] ۳۸۳

۳۸۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۵۳۴

[ج ۳] ۵۴۸، ۵۶۸، ۵۸۱، ۵۹۷

۵۹۹، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹

۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۳، ۶۴۵، ۶۵۶

۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۵

۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۰۷، ۷۱۳

۷۲۰، ۷۲۱، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۸

۷۵۸، ۷۶۴ [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۶

۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۱

۸۰۳ - ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳

۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۶، ۸۴۶

۸۵۰، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۷۰، ۸۷۱

۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۸

۸۸۹، ۸۹۴، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۳

۹۱۴، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۲ -

۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۷

۹۴۸، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۴، ۹۶۶

[ج ۵] ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۹، ۹۸۳

۹۸۵ - ۹۸۷، ۹۹۲، ۹۹۴ - ۹۹۹

۱۰۰۷، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹، ۱۰۳۰ -

۱۰۳۲، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰ - ۱۰۴۵

۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳

قراجه‌داغ - قرجه‌داغ - قراچه‌داغ -

قراداغ - قره‌داغ [ج ۱] ۵۱، ۵۲،

۱۲۵، ۲۲۷، ۲۳۵ [ج ۳] ۶۴۶،

۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۶۷،

[ج ۴] ۷۷۹ - ۷۸۱، ۷۸۵، ۸۱۰،

۸۱۴، ۸۲۱، ۸۳۳، ۹۲۸، ۹۴۳،

۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵۶ [ج ۵] ۱۰۷۰

قراملك - قره‌ملك [ج ۲] ۴۶۱، ۴۶۲

[ج ۳] ۵۹۳

قراولخانه [ج ۳] ۶۶۱

قرنتین [ج ۴] ۹۴۵، ۹۷۱

قره‌آقاچ [ج ۵] ۹۷۸

قره تپه [ج ۵] ۱۲۱۵

قره‌گچ [ج ۴] ۷۸۸

قزوین [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۲] ۴۰۴،

۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳،

۴۵۰، ۴۷۴، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲،

[ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷،

۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۵،

۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴ - ۵۸۷،

۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۲،

۶۰۷، ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۰،

۶۳۶ - ۶۳۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۴،

۶۷۸، ۶۹۲، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۹،

۸۱۲، ۷۱۸، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۸،

۷۴۹، ۷۵۲، ۷۵۵ - ۷۵۹، ۷۶۱،

[ج ۴] ۷۷۸، ۸۵۲، ۸۷۶، ۸۸۰،

۸۸۱، ۹۱۵، ۹۳۲، ۹۳۶ [ج ۵]

۹۹۰، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۱۵،

۱۰۳۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸، ۱۲۰۹،

۱۲۲۹

قصر شیرین [ج ۱] ۷۵ [ج ۲] ۳۵۳،

۳۸۴، ۵۳۳ [ج ۳] ۷۰۲، ۷۳۲،

[ج ۴] ۷۸۶، ۸۳۲، ۹۶۰، ۹۷۰،

[ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۱۵۴

قصر قنبر [ج ۳] ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷،

۷۰۶

قفقاز (قفقازیه) [ج ۱] ۴۱، ۳۲۶،

۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۶۰،

۵۰۷، ۵۰۸، [ج ۳] ۵۷۴، ۵۸۷،

۶۵۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۵۴، ۷۵۵،

[ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۲، [ج ۵] ۱۰۰۳،

۱۰۷۱

قلادر (قلاور؟) [ج ۴] ۹۶۲

قلعه افلاك [ج ۱] ۱۷۰

قلهك [ج ۵] ۱۱۳۱

قم [ج ۱] ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶،

[ج ۲] ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۳،

[ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۲ - ۵۸۴، ۵۸۶،

۶۳۱، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱،

۶۴۴، ۶۴۸، ۶۷۸، ۷۰۴، ۷۰۵،

[ج ۴] ۷۹۸، ۸۳۲، ۸۷۱، ۸۷۶،

۸۸۲، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۵۸، ۹۵۹،

[ج ۵] ۹۸۳، ۱۰۳۹، ۱۰۶۵،

۱۱۵۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۱، ۱۲۳۰

قمپایه [ج ۳] ۶۷۷

قمشه [ج ۳] ۶۷۷ [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۸،

۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵،

۸۴۶، ۸۷۴، ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۸،

۹۳۱ [ج ۵] ۱۰۰۹، ۱۰۱۲،

۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹، ۱۱۵۱،

۱۲۴۱

قوچان [ج ۱] ۱۲۹، ۱۳۷، [ج ۳] ۵۶۷،

۶۷۶ [ج ۴] ۹۰۸، [ج ۵] ۹۸۰،

۱۰۱۲

قهرود [ج ۵] ۱۱۵۳

قهرودخانه [ج ۳] ۶۶۲

قیر (بندر) [ج ۴] ۴۹۲

کتلملو [ج ۳] ۶۶۱

کتول [ج ۳] ۷۲۹

کربلاء - کربلای معلی [ج ۱] ۴۲، ۴۰

۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲، [ج ۲]

۴۲۱، ۴۱۲، ۳۸۱، ۲۵۲ [۲]

۴۶۸، [ج ۳] ۵۴۹، ۵۷۴، ۶۲۱

۷۱۲، ۷۱۵، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۴

۸۲۲، ۸۳۰، ۹۵۷، [ج ۵] ۱۲۳۵

کرج [ج ۳] ۵۶۴، ۵۸۹، ۶۲۹، ۶۴۱

۶۸۶، ۷۰۵

کردستان [ج ۱] ۱۳۳، [ج ۲] ۶۷۹

[ج ۴] ۸۷۲، ۷۸۶، [ج ۵] ۱۱۵۶

۱۲۳۴، ۱۲۰۸

کرمان [ج ۱] ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵

۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸

۱۴۴، ۱۵۸، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳

۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۱۸

۲۱۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲

[ج ۲] ۳۸۳، ۳۸۴، ۴۱۲، ۴۳۰

۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۸، ۵۳۱، ۵۳۲

[ج ۳] ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۴۹، ۶۵۷

۶۷۷، ۷۱۰، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۳۱

۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸، ۷۶۳

[ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۸، ۷۹۹

۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵

۸۴۶، ۸۵۷، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۹۳

۹۰۹، ۹۱۲، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰

۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۹، ۹۶۰

۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴

۹۹۵، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴

۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶

۱۰۷۹، ۱۰۹۵، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹

۱۱۰۷، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۲۰۷

۱۲۰۹ - ۱۲۱۱، ۱۲۱۶، ۱۲۳۱

۱۲۴۱

گارلسباد [ج ۵] ۱۱۱۰، ۱۱۴۱

کاروانسرا [ج ۳] ۶۶۲

کاریز [ج ۳] ۷۴۵

کازرون [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵

[ج ۲] ۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳]

۶۵۷، ۶۶۱ - ۶۶۳، ۶۷۶، ۷۴۰

۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۱، ۷۸۷

۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۸

۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۵، ۸۷۲

۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۶۷

۹۷۱، [ج ۵] ۹۷۷ - ۹۷۹، ۹۸۳

۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۱۴، ۱۰۱۹

۱۰۳۰، ۱۰۴۰، ۱۰۸۳، ۱۱۱۳

۱۱۵۰، ۱۲۴۱

کاشان [ج ۱] ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵

۱۵۷، ۱۶۶، ۱۷۰، [ج ۲] ۴۵۱

[ج ۳] ۴۵۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳

۵۷۲، ۵۸۰ - ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۹۵

۶۰۱، ۶۴۰، ۶۷۹، ۷۴۵، ۷۶۲

[ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۲، ۹۲۵، ۹۴۴

۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ - ۹۵۹، ۹۶۷

[ج ۵] ۱۰۱۰، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸

۱۰۵۶، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶، ۱۰۹۸

۱۱۵۳، ۱۱۹۴، ۱۲۲۵، ۱۲۳۰

۱۲۴۱، ۱۲۴۳

کاظم آباد [ج ۴] ۷۹۵

کافشگر [ج ۲] ۴۶۹

کاما [ج ۱] ۱۲۶

کاوان [ج ۱] ۲۹

کبوترخان [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۴] ۹۴۹

۹۷۰

کتل کمارج [ج ۳] ۶۶۲

کرمانشاه - کرمانشاهان [ج ۱] ۳۹، ۳۶، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳، ۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۹، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۶۸، ۴۷۰، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۲، ۶۵۰، ۶۵۸، ۶۷۹، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۶، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۱ - ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۹، ۸۹۵، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۸۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۵۹، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۹۹، ۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۹، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۵۴، ۱۱۵۹، ۱۱۷۳، ۱۱۸۵، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۸، ۱۲۱۰، ۱۲۱۸، ۱۲۳۱، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴

کرمش تپه - کرمش تپه [ج ۲] ۵۲۲، [ج ۴] ۹۰۱ - ۹۰۴، ۹۶۰

کریم آباد [ج ۴] ۹۳۲

کریمه [ج ۳] ۶۷۲

کزاز [ج ۳] ۷۳۰، ۷۶۲

کسماء [ج ۱] ۱۶۵

کشید (کشیت) [ج ۴] ۹۷۱، [ج ۵] ۹۹۵

کل انجیره [ج ۵] ۱۰۱۴

کلات [ج ۴] ۹۷۱

کلانتر محله [ج ۳] ۶۰۰

کمارج [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، [ج ۳] ۶۵۷

کمال آباد [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۵] ۹۸۲

کمره [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۳] ۶۷۹

کنارتخت، کنارتخته [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲، [ج ۲] ۶۰۴، ۶۵۷، ۶۶۲، ۷۲۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۸، ۸۲۴

کنگاور [ج ۳] ۶۷۹، ۸۲۳، [ج ۴] ۹۴۰

کوبا [ج ۵] ۱۰۰۲

کولی کش [ج ۵] ۱۰۳۹

کوند [ج ۳] ۵۵۹

کهگیلویه [ج ۲] ۴۸۰

کیف [ج ۳] ۶۶۵

گالش [ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۰۶

گذار جگند [ج ۵] ۱۲۳۰

گذار سرخ [ج ۵] ۱۰۷۹

گرده چاه - گردی چاه [ج ۴] ۸۹۲، ۹۳۸

گرگان [ج ۵] ۱۲۰۱

گرگانرود [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۳] ۶۷۹

گروس [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۵] ۱۲۳۵

گلپایگان [ج ۳] ۶۷۹

گله دار [ج ۳] ۶۷۶، ۶۷۹

گمش تپه - گموش تپه - گومیش تپه - کومش تپه - کمش تپه [ج ۳] ۷۲۹، [ج ۴] ۸۷۵، [ج ۵] ۱۱۲۲، ۱۱۲۴، ۱۱۵۷، ۱۱۹۶، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۲

گناباد (گون آباد) [ج ۴] ۹۶۸، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۹۷

گنبد قابوس [ج ۲] ۳۸۴

۱۰۷۹، ۱۱۶۱، ۱۱۷۷، ۱۱۷۹
 ۱۱۸۵، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰
 لنگرود [ج ۲] ۴۱۳
 لنگه [ج ۱] ۱۱۲، ۱۶۷، [ج ۳] ۶۰۵
 ۶۵۱، ۶۷۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷
 ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹، ۹۳۳
 ۹۵۵، ۹۶۲، [ج ۵] ۱۰۶۹ (نیز
 نك: بندر لنگه)

مادرشاه [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۹۸

مارسن باد [ج ۵] ۱۰۸۵

مازندران [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۵۷۷
 ۵۹۵، ۶۳۶، ۶۸۰، [ج ۴] ۹۳۶
 ۹۵۵، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۰۵۶
 ۱۰۷۴، ۱۱۴۲، ۱۱۵۳، ۱۱۶۷
 ۱۱۹۷، ۱۲۰۲، ۱۲۰۶، ۱۲۰۸
 ۱۲۱۴، ۱۲۳۳

ماشك [ج ۱] ۱۶۷

ماكو [ج ۱] ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱
 ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹
 [ج ۳] ۶۶۳، ۶۷۵

مالامین (مالامین) [ج ۱] ۲۹

مالوم [ج ۱] ۱۷۴

ماماتن [ج ۱] ۱۳۹

ماهی دشت [ج ۴] ۸۸۵، ۹۱۰، [ج ۵] ۱۱۵۵

مجامبار [ج ۲] ۲۵۱

معنی (محسنی) [ج ۴] ۹۱۲

معلات [ج ۳] ۶۷۹

محمدآباد [ج ۵] ۱۰۹۷

محمده [ج ۱] ۱۶۹، ۲۸۲، [ج ۲] ۴۷۲

[ج ۳] ۵۶۸، ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴]

۷۹۹، ۹۴۲، [ج ۵] ۹۷۵، ۱۰۶۶

گندم کار [ج ۴] ۹۶۹

گواتر [ج ۱] ۱۵۹

گوران [ج ۱] ۱۷۵

گوشه [ج ۵] ۱۰۱۳

گیلان - گیلانات [ج ۱] ۳۷، ۴۳

۱۱۰، ۱۵۷، ۳۰۵، [ج ۲] ۲۹۵

۴۲۱، ۴۵۹، [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵

۵۹۹، ۶۰۷، ۶۷۹، ۷۲۸، ۷۲۹

[ج ۴] ۷۷۸، ۸۳۳، ۸۵۵، [ج ۵]

۱۰۲۷، ۱۰۵۶، ۱۰۷۴، ۱۰۹۶

۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۲۰۶، ۱۲۲۹

لار - لارستان [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۳۵۳

۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶

۴۷۱، ۵۴۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۳ -

۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۶، ۷۳۳، [ج ۴]

۹۴۵، ۹۶۱، [ج ۵] ۱۱۵۵

لاریجان ۹۳۷

لاله زار (خیابان) [ج ۵] ۱۲۴۷

لامیجان [ج ۳] ۶۷۹

لرستان [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴]

[ج ۵] ۸۱۲، ۸۸۵، ۹۳۶، [ج ۵]

۱۰۵۷، ۱۰۷۰، ۱۱۵۴، ۱۱۹۲

۱۱۹۳، ۱۲۰۹، ۱۲۳۲، ۱۲۳۴

لنج (راه) [ج ۵] ۱۰۷۹

لندن [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶

۵۳۸، [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷

۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۶

۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۲۳

۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۶۴

۶۹۲، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۲۴، ۷۳۵

۷۴۴، ۷۴۸، [ج ۴] ۸۴۸، ۹۰۰

[ج ۵] ۱۰۳۵، ۱۰۶۷ - ۱۰۷۰

۹۹۸، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸،
 ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۷۵، ۱۰۹۷،
 ۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۵۴، ۱۱۵۸،
 ۱۱۶۷، ۱۱۷۶، ۱۱۹۴، ۱۲۰۲،
 ۱۲۰۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲،
 ۱۲۳۳

مشهدسر [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۰۱۲

ملك سياه (کوه) [ج ۴] ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۳۸،
 مصر [ج ۲] ۳۶۲

معیار (مسیار؟) [ج ۵] ۱۲۴۰

مغان [ج ۳] ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵

مکران [ج ۵] ۱۱۵۴

موگام (مقام) [ج ۳] ۷۱۶

ملایر [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۵] ۱۲۱۰

ملك سياه (کوه) [ج ۵] ۱۰۷۵، ۱۰۹۶،
 ۱۱۵۳

ممالك متحده [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲،
 ۱۰۰۹ (نیز نك: امريكا)

مسنی [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹

منجیل [ج ۲] ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۷۴، [ج ۳] ۷۲۸، ۶۶۴

منچستر [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۰، [ج ۵] ۱۰۱۶،
 ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۱۷۲

مورچهخوار - مورچهخورد [ج ۲] ۴۹۲،
 ۴۵۱، [ج ۳] ۷۳۰

موصل [ج ۱] ۸۰

میامی [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۰۰

میانج - میان [ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۱، [ج ۴] ۹۳۸،
 [ج ۵] ۱۱۰۴، ۱۱۵۲

میان‌دشت [ج ۱] ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶،
 ۲۸۹، [ج ۳] ۵۶۷

۱۰۶۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۶

مراغه [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶

۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۹

۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۶۱، ۴۶۲

[ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۸، ۷۴۹، ۷۶۰

[ج ۴] ۹۰۷، [ج ۵] ۱۰۹۶

۱۱۹۰، ۱۲۲۹، ۱۲۳۳

مرخاب [ج ۵] ۱۰۱۴، ۱۰۱۶

مرنج [ج ۴] ۹۶۲

مرند [ج ۱] ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۸ - ۳۹۰،
 ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۶۲، ۴۶۴

[ج ۳] ۶۷۵، ۷۲۱

مرواری [ج ۴] ۹۶۹

مروودشت [ج ۵] ۱۰۰۰

مرویوان [ج ۳] ۶۷۹

مزینان [ج ۱] ۱۲۳

مسجدشاه [ج ۲] ۴۰۶

مسکون [ج ۵] ۱۰۱۴

مشکین [ج ۳] ۶۷۵

مشهد [ج ۱] ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸

۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹

۱۳۷، ۱۴۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹

۱۸۶، ۱۸۹، ۲۶۶، ۲۴۸، ۳۲۲

[ج ۲] ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱

۳۹۵، ۴۱۳، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۸

۴۵۰، ۴۶۷ - ۴۶۹، ۴۷۸، ۵۱۳

۵۳۰، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷

۵۷۶ - ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۶، ۶۰۰

۶۰۱، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۷۶

۷۲۶، ۷۴۲، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۹۲

۷۹۴ - ۷۹۶، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۳

۸۵۶، ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۱

۹۰۷، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۳۸، ۹۵۶

۹۵۹، ۹۶۸، ۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۰

۱۰۵۵، ۹۸۰
نجف آباد [ج ۳] ۶۷۷
نخيله [ج ۴] ۹۶۲
نران (ناران) [ج ۵] ۱۰۸۵
نرمشیر - نرماشی (نرماشیر) [ج ۳]
۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۲،
۷۸۷، ۷۹۹، ۹۳۲، ۹۴۵، ۹۵۵،
۹۶۰، ۹۶۸، [ج ۵] ۱۲۰۹
نرگور [ج ۴] ۹۶۲
نصرت آباد [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۰، [ج ۳]
۶۷۶
نطنز [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۰، [ج ۵]
۱۰۳۹، ۱۱۵۳، ۱۲۳۰
نظام آباد [ج ۱] ۷۴، ۸۱
نعیم آباد [ج ۴] ۹۱۲
نوبران [ج ۵] ۱۲۲۱، ۱۲۳۵
نوگنبد - نهگنبد [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۴]
۷۸۶، ۹۶۹
نور [ج ۳] ۶۸۰
نه [ج ۵] ۱۰۳۸
نهایوند [ج ۳] ۶۸۰
نیاوران [ج ۱] ۲۵۳
نیریز [ج ۳] ۵۶۸
نیس [ج ۵] ۹۸۵
نیشابور [ج ۳] ۵۳۰، ۵۶۷، ۶۰۰،
۶۷۶، [ج ۴] ۷۹۳-۷۹۶، ۸۰۳،
۸۳۰، ۸۵۵، [ج ۵] ۱۰۳۸
نیومارک [ج ۵] ۱۰۰۵
نیویورک [ج ۵] ۱۰۰۵، ۱۰۱۷
واشینگتن [ج ۵] ۹۸۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴،
۱۰۱۷، ۱۱۱۲
ورامین [ج ۱] ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹، [ج

میان دو آب [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۵] ۱۰۹۶
میان کانبجی (میان کنگی؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
میان کتل [ج ۴] ۹۱۲
میدان توپخانه [ج ۳] ۶۱۶، ۶۷۸، ۷۰۶،
۷۲۰ (نک: توپخانه)
میدان شاه (اصفهان) [ج ۵] ۱۰۷۶
میرآباد [ج ۴] ۹۳۸
میربند [ج ۳] ۶۴۹
میزهیدان [ج ۱] ۱۲۳
میسکین (مشکین؟) [ج ۵] ۱۰۹۶
میناب [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۷۱، [ج ۵]
۱۱۰۰
ناتین [ج ۱] ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷،
[ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۱، ۵۳۱، [ج ۳]
۶۴۹، ۶۸۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۷۱،
۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۹،
۹۶۹، [ج ۵] ۹۸۰، ۱۰۱۳، ۱۰۳۹،
۱۱۵۴
نار [ج ۵] ۱۱۵۳
ناردین [ج ۱] ۱۲۳
نارنج باغ [ج ۵] ۱۰۷۴
ناصری (بندر) [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۴۲،
۹۵۷
ناصریه [ج ۳] ۷۲۱
نجف - نجف اشرف [ج ۱] ۱۸۸، ۲۶۶،
۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱، [ج ۲]
۳۷۷، ۳۹۵، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۶۵،
۴۷۸، ۵۲۴، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۸،
۵۴۹، ۵۷۴، ۶۱۱، ۶۵۰، ۷۱۶،
۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۴،
۸۳۰، ۸۹۰، ۹۲۵، ۹۶۶، [ج ۵]

[۴] ۹۵۰

ورای [ج ۲] ۹۶۲

ورنگان [ج ۴] ۹۳۲

وست منسترابی [ج ۳] ۶۴۱

وینه [ج ۱] ۱۴۱، [ج ۳] ۶۱۹، ۶۳۳

۶۳۵، [ج ۵] ۹۸۵، ۹۹۶، ۱۱۰۶

۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۴۱، ۱۱۹۶

۱۲۰۰

هارون آباد [ج ۴] ۹۱۰

هامون [ج ۵] ۱۰۹۶

هرسین [ج ۴] ۹۴۰

هفت برمخودیان [ج ۳] ۸۰۸

هفت لنگت [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳

هلند [ج ۱] ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵

همدان [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۵۸، ۲۴۹

[ج ۲] ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۳۰

۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۶۸ - ۴۷۰

۵۳۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۲، ۶۸۰

۷۱۲، ۷۱۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۲

۷۹۸، ۸۲۳، ۸۵۷، ۸۷۲، ۸۷۹

۸۸۵، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲

۹۴۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۹۹

۱۰۳۷، ۱۰۷۷، ۱۰۸۵، ۱۱۸۵

۱۱۹۲، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱

۱۲۳۴

هنجام (منگام) [ج ۲] ۴۴۷

هند - هندوستان [ج ۲] ۳۶۱، [ج ۳]

۶۹۵، ۶۹۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۶

[ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۵، ۸۶۲، ۸۹۶

۸۹۸، ۹۰۹، ۹۲۲، ۹۳۵، ۹۴۸

۹۵۲، ۹۵۴، ۹۶۴، [ج ۵] ۱۱۸۵

۱۱۸۷، ۱۲۱۳

هوپزه [ج ۱] ۲۸۲

هیرمند [ج ۵] ۱۰۷۵

یافت آباد [ج ۳] ۶۸۶

یزد [ج ۱] ۲۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵

۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸

۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۸۷

۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۹

۲۶۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۸۹، ۳۰۵

۳۲۲، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴

۴۱۳، ۴۳۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۱

[ج ۳] ۵۶۷، ۵۹۶، ۶۰۱، ۶۴۹

۶۵۸، ۶۸۰، ۷۱۰، ۷۲۱، ۷۳۰

۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸

۷۶۲، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۸، ۸۰۷

۸۱۱، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵

۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۶

۸۸۱، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱

۹۳۹، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۷۰

۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۴

۹۸۵، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۱۳، ۱۰۳۸

۱۰۳۹، ۱۰۵۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۶

۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴

۱۲۰۳، ۱۲۰۷، ۱۲۳۰، ۱۲۴۳

یزدخواست [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۴۸۰

۵۲۴، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲

۹۶۹، [ج ۵] ۱۰۷۲

یم [ج ۲] ۳۹۰

یموت [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۵] ۲۲۰

یوزباشی جای [ج ۲] ۴۶۱

یوسف آباد [ج ۳] ۶۸۶، ۷۰۵

ینگی امام [ج ۳] ۷۰۴

یونان [ج ۲] ۴۶۴

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

۷۸۵، ۷۸۰ [ج ۴]، ۷۵۷، ۷۱۰
 ۱۲۳۳، ۱۰۹۶ [ج ۵]، ۹۱۷، ۹۱۲
 اروپائی (مردم) [ج ۲] ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳،
 ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵
 ۵۱۲، ۵۳۰، [ج ۳] ۵۷۶، ۵۹۱
 ۶۱۰، ۶۱۶، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۰۰
 ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۵۳، ۸۵۶
 ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳، [ج ۵] ۹۷۵
 ۱۰۵۹، ۱۰۶۲، ۱۰۷۱، ۱۱۱۴
 ۱۱۱۶، ۱۱۱۹، ۱۱۴۴، ۱۱۵۲
 ۱۱۶۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴
 ۱۲۰۹، ۱۲۱۱، ۱۲۲۰، ۱۲۲۸
 ۱۲۳۹
 اسپیکل (کشتی) [ج ۵] ۱۲۱۲

آقابای (ایل) [ج ۵] ۱۲۰۱
 آفا (کتابخانه) [ج ۵] ۱۲۴۷
 آلمان-آلمانی (مردم) [ج ۱] ۱۱۲، [ج
 ۲] ۴۵۲، [ج ۵] ۱۱۸۲، ۱۱۸۳
 آلیانس (مدرسه) [ج ۴] ۸۳۵
 آتامازور [ج ۳] ۶۹۴
 آتیشی (مردم) [ج ۳] ۶۸۱
 احمدوند چلبی (ایل) [ج ۴] ۷۸۶
 ارچینی (مردم) [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۲
 ارمنی - آرامنه (مردم) [ج ۱] ۴۲، [ج
 ۲] ۳۵۱، ۳۶۳، ۳۸۴، ۵۰۷، [ج
 ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۸۰، ۶۸۸

- استاکو [ج ۵] ۱۱۳۰
استقلال ایران (روزنامه) [ج ۵] ۱۲۲۹
اسفینکس (کشتی) [ج ۳] ۶۱۶
اسلام (دین) [ج ۳] ۶۶۷، ۶۶۸، [ج ۵] ۱۰۲۶
اسماعیلی (گروه مذهبی) [ج ۴] ۷۹۳-
۸۰۳، ۸۳۰، [ج ۵] ۱۰۳۸
اسویت (روزنامه) ۱۱۲۷
اعتدالی‌ها (گروه مجلس) [ج ۴] ۸۴۴،
۸۴۵، [ج ۵] ۱۰۱۱، ۱۱۵۶،
۱۱۹۸، ۱۲۰۵
افشار (ایل) [ج ۲] ۴۷۰، [ج ۳] ۶۴۹
افشار (گروه سوار) [ج ۴] ۹۱۲
انانی (مردم) [ج ۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۹۲،
۹۰۷
افیشیال مسنجر (روزنامه) [ج ۳] ۵۰۷
امریکائی (مردم) [ج ۳] ۵۹۳، [ج ۵] ۹۸۶،
۱۰۰۴، ۱۰۰۹، ۱۰۷۳،
۱۰۸۷، ۱۰۹۲، ۱۰۹۴، ۱۱۱۲،
۱۱۲۰، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۵۱،
۱۱۵۵، ۱۱۷۴، ۱۲۲۸
امیرال [ج ۳] ۶۱۶
انجمن [ج ۲] ۴۰۳
انجمن اتحاد اسلامی [ج ۵] ۱۱۵۶
انجمن استرآباد [ج ۵] ۱۲۰۱
انجمن ایالتی [ج ۲] ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳،
۵۱۶، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۴
انجمن ایالتی آذربایجان [ج ۲] ۴۳۱
انجمن اصفهان [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۲۲
انجمن محلی اصفهان [ج ۲] ۴۰۴
انجمن ولایتی اصفهان [ج ۴] ۸۹۲، ۹۲۵،
[ج ۵] ۹۸۱
انجمن بوشهر [ج ۳] ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۵۱،
۷۱۶، ۷۳۳، ۷۴۷، ۷۶۴
- انجمن محلی بوشهر [ج ۳] ۶۱۱
انجمن ولایتی بوشهر [ج ۴] ۸۹۴
انجمن ایالتی تبریز [ج ۲] ۴۳۳، [ج ۵] ۱۰۱۱
انجمن تبریز [ج ۳] ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۱-
۵۹۴، ۶۱۲، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۰۸
انجمن محلی تبریز [ج ۲] ۳۹۵
انجمن سری رشت [ج ۳] ۷۴۴
انجمن ولایتی رشت [ج ۴] ۸۶۹
انجمن محلی سلطان‌آباد [ج ۳] ۶۴۸
انجمن ایالتی شیراز [ج ۳] ۵۶۸
انجمن محلی شیراز [ج ۳] ۶۰۲
انجمن محلی رشت [ج ۵] ۱۰۸۶
انجمن محلی یزد [ج ۵] ۱۰۷۶
انجمن عباسی [ج ۱] ۱۲۶
انجمن ایالتی فارس [ج ۲] ۵۳۴
انجمن شیراز [ج ۵] ۱۰۶۰، ۱۰۶۲
انجمن محلی کرمانشاه [ج ۵] ۱۰۷۷
انجمن ایالتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
انجمن ولایتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲
انجمن ولایتی کرمانشاه [ج ۴] ۸۳۵
انجمن مشهد [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴
انجمن ایالتی مشهد [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰،
[ج ۴] ۸۹۱، [ج ۵] ۹۸۰
انجمن ایالتی یزد [ج ۳] ۷۴۵، [ج ۵] ۱۰۳۹
انجمن ایالتی یزد [ج ۳] ۷۴۵
انجمن ولایتی یزد [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۴،
۹۵۹
انگلیسی (مردم) [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۲،
۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵،
۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، [ج ۳] ۶۱۸،
۶۴۱، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۰،
۶۸۱

۱۰۴۷، ۱۰۵۰، ۱۰۵۶ - ۱۰۵۸،
 ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۳، ۱۰۸۰،
 ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۱۰۰ - ۱۱۰۲،
 ۱۱۲۰، ۱۱۴۷

بحر خزر (روزنامه) [ج ۵] ۱۱۹۳

بختیاری (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۳ -
 ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳،
 ۳۹۵، ۴۰۶ - ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۰،
 ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۲۳،
 ۵۳۱، [ج ۳] ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۷۲،
 ۵۸۰ - ۵۸۷، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۱،
 ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۳۶ - ۶۳۸،
 ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱،
 ۶۷۰، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶ - ۶۸۸،
 ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸ - ۷۱۰، ۷۲۸،
 ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵،
 ۷۵۸، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۸،
 ۷۹۰، ۷۹۹، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸،
 ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۴، ۸۳۶،
 ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۰،
 ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۳،
 ۸۹۷، ۸۹۹، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰،
 ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰،
 ۹۳۱، ۹۳۵ - ۹۳۷، ۹۳۹، ۹۴۴،
 ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷ - ۹۵۹، ۹۶۷،

۹۶۹، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۸۱،
 ۹۹۹، ۱۰۱۲، ۱۰۳۹، ۱۰۴۶،
 ۱۰۴۷، ۱۰۴۹، ۱۰۵۱، ۱۰۵۶،
 ۱۰۶۵، ۱۰۸۳، ۱۰۹۰، ۱۰۹۷،
 ۱۰۹۸، ۱۱۰۷، ۱۱۱۳، ۱۱۲۱ -
 ۱۱۲۳، ۱۱۲۸، ۱۱۵۰، ۱۱۵۳،
 ۱۱۵۴، ۱۱۵۸، ۱۱۸۴، ۱۱۹۲،
 ۱۱۹۷، ۱۲۰۳ - ۱۲۰۶، ۱۲۰۹،
 ۱۲۱۱، ۱۲۱۳، ۱۲۱۸، ۱۲۲۰،
 ۱۲۲۸، ۱۲۳۰، ۱۲۳۲ - ۱۲۳۵

ایتالیائی (مردم) [ج ۴] ۹۲۸، [ج ۵]
 ۱۱۸۲، ۱۱۸۳

ایران (روزنامه) [ج ۲] ۳۸۰

ایران نو (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۵]
 ۱۲۰۶، ۱۲۲۹

ایرانی (مردم) [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۸۶،
 ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۴، ۷۲۰،

۷۶۵، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۴

ایناتلو (ایل) [ج ۳] ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۱،
 [ج ۴] ۷۸۰، [ج ۵] ۱۲۳۱

باب [ج ۳] ۵۳۳

بابی (مردم) [ج ۲] ۴۶۴، ۵۳۳

باروغ وولکم کمپانی (بوروز ولکم) [ج
 ۵] ۱۰۶۲، ۱۰۷۲، ۱۰۷۶، ۱۰۸۱،

بانک استقراضی [ج ۵] ۹۹۱ - ۹۹۳،
 ۱۱۴۸ (نیز، نك: بانک روس)

بانک استقراضی ایران [ج ۳] ۷۲۵

بانک روس - بانک روسی [ج ۳] ۶۵۴،
 ۶۵۵، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۳،

۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۹ [ج ۴] ۸۷۷،
 ۸۹۵، [ج ۵] ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۷،

۱۱۲۰، ۱۱۴۷ (نیز نك: بانک
 استقراضی)

بانک شاهی - بانک شاهنشاهی [ج ۳]
 ۶۵۰، ۶۶۰، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۸،

۷۰۳، ۷۰۶، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲،
 ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۳۱،

۸۳۲، ۸۵۳، ۸۶۴، ۸۶۸، ۸۹۱،
 ۸۹۳، ۸۹۶، ۹۰۹، ۹۱۱، ۹۵۲،

۹۶۳، ۹۶۶، [ج ۵] ۹۷۹، ۹۹۱،
 ۹۹۶، ۱۰۰۲، ۱۰۰۴، ۱۰۰۷،

۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵،
 ۱۰۳۰، ۱۰۳۳، ۱۰۳۹، ۱۰۴۱

پرسیس (کشتی) [ج ۵] ۱۲۳۲، ۱۲۰۹
پرسیس یوس (کشتی) [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۲] ۴۶۵

تاتار (مردم) [ج ۱] ۳۲۸

تایمز (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۲، [ج ۵] ۱۱۳۸

تخت طاووس [ج ۱] ۲۰

تراکمه - ترکمان - ترکمانیه - ترکمن

(مردم) [ج ۱] ۳۲۸، [ج ۲] ۳۸۳

۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰

[ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۷۰، ۶۷۷

۷۲۹، [ج ۵] ۱۰۱۲، ۱۱۴۱

۱۱۴۲، ۱۱۵۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴

۱۱۶۸، ۱۱۹۴، ۱۱۹۷، ۱۲۰۰ -

۱۲۳۳، ۱۰۲۲

تربیت (کتابخانه) [ج ۵] ۱۲۴۷

تفتی (مردم) [ج ۳] ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳

[ج ۴] ۷۸۶

تمدن (روزنامه) [ج ۱] ۹۳

تنگستانی (مردم) [ج ۲] ۴۴۴، ۴۴۵

۴۶۶، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴]

۹۴۲، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۶۴، [ج ۵]

۱۰۰۰، ۱۰۰۷

تولکی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳

تهران (قایق) [ج ۴] ۹۷۱

جاف - جف (ایل) [ج ۵] ۱۲۳۳

جعفربای (ایل) [ج ۲] ۵۴۹، ۵۳۰، [ج ۳]

۷۴۹، [ج ۵] ۱۲۰۱

جلالی (فوج نظامی) [ج ۵] ۹۸۳، ۹۹۹

جمشیدی (گروه) [ج ۴] ۹۰۷

۱۲۴۱

بربری (مردم) [ج ۵] ۱۹۰۷

بریکاد قزاق [ج ۳] ۶۸۳، ۶۸۴، ۷۵۴

[ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۱۵

۹۲۰، ۹۲۱، [ج ۵] ۹۹۱، ۱۱۹۱

۱۱۹۳

بلوچ - بلوچی (مردم) [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳]

۶۰۵، ۶۴۹، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۲

۷۸۷، ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴

۸۳۴، ۸۳۵، ۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۰

۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۵، ۹۶۰، ۹۶۸

۹۷۱، [ج ۵] ۹۸۲، ۹۹۴، ۹۹۵

۱۰۱۴، ۱۰۳۸، ۱۰۷۵، ۱۱۵۳

۱۲۰۷، ۱۲۰۹

بولوردی (بولوردی؟) (مردم) [ج ۵]

۱۲۰۷

بورس کازت (مجله) [ج ۱] ۳۲۸

بهار (ایل) [ج ۱] ۱۳۹

بهارلو (ایل) [ج ۱] ۱۳۳، [ج ۲] ۷۳۱

[ج ۴] ۹۴۱، ۹۷۰، [ج ۵] ۱۰۱۳

۱۲۰۹، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۵

۱۲۳۱، ۱۲۳۲

بهبهانی (ایل) [ج ۵] ۱۰۰۷

بهیمه (طایفه) [ج ۵] ۱۲۰۳

پارسی - پارسیان (مردم) [ج ۱] ۴۰، ۴۲

[ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۳، ۴۳۰

۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۱، [ج ۳] ۶۰۱

۶۴۹، ۷۱۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۲

[ج ۵] ۱۰۵۷، ۱۱۰۷

پاقله (گروه) [ج ۴] ۸۲۳

پرسپولیس (کشتی) [ج ۳] ۷۱۶، ۷۴۷

۷۶۴

دی (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹

دقوز (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹

دیکسن (کمپانی) [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۴] ۸۲۴،

[ج ۵] ۱۱۵۰

دیلی نیوز (روزنامه) [ج ۳] ۵۹۳

راجپوت (نفرات هندی) [ج ۵] ۱۲۴۶

ردبرست (کشتی) [ج ۲] ۴۴۵

روزنامه رسمی ایران [ج ۲] ۳۴۲، [ج

[ج ۵] ۱۱۰۰

روس (مردم) [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۳ - ۳۰۱،

۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸ - ۳۱۲، ۳۱۴،

۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۹، [ج ۲] ۳۲۷

۳۲۹ - ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸،

۳۵۲، ۳۵۴ - ۳۵۶، ۳۶۰ - ۳۶۲،

۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۹،

۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱ - ۳۹۳،

۳۹۵ - ۳۹۸، ۴۰۰ - ۴۰۳، ۴۰۶،

۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱ -

۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۴۲،

۴۴۳، ۴۴۷ - ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵،

۴۵۸ - ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶،

۴۷۳، ۴۷۵ - ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱،

۴۸۳ - ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰ -

۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳ - ۵۰۵، ۵۰۷ -

۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹،

۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰ -

۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹، [ج ۳] ۵۴۴،

۵۴۵ - ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲،

۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸ - ۵۶۰، ۵۶۳ -

۵۷۱، ۵۷۳ - ۵۷۸، ۵۸۱ - ۵۸۵،

۵۸۷ - ۵۸۹، ۵۹۲ - ۵۹۴، ۵۹۶،

۵۹۹، ۶۰۴، ۶۰۶ - ۶۱۱، ۶۱۳،

۶۱۴، ۶۱۹ - ۶۲۷، ۶۲۹ - ۶۳۵،

چقائی (طایفه) [ج ۵] ۹۸۱

چلبی (مردم) ۷۸۶ (نک، احمدوند چلبی)

چهاردوالی (ایل) [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۸،

۳۹۰، ۴۶۳

چهارراهی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳

چهارلنگ (طایفه) [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۱۵۳

حبل المتین (روزنامه) [ج ۱] ۲۹، ۹۳،

[ج ۳] ۷۲۸

حزب اکثریت [ج ۵] ۱۱۵۶

حزب دموکرات [ج ۵] ۱۰۶۷، ۱۰۷۴،

۱۰۸۰، ۱۱۴۰ (نیز، نک، دموکرات)

خان یخماز (طایفه) [ج ۵] ۱۲۰۱

خدا بنده لو (ایل) [ج ۲] ۴۷۰

خزل (خزعل؟ - ایل) [ج ۴] ۹۴۰

خسفی (گروه) [ج ۵] ۱۰۷۵

خلج (فوج نظامی) [ج ۴] ۸۲۱

خمسه (ایل) [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،

۵۹۷، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۸، [ج ۴]

۷۷۶، ۸۰۴، ۸۳۶، [ج ۵] ۱۲۱۵

خواجوثی (طایفه) [ج ۵] ۱۰۹۸

دراشولسی (دره شوری؟) (طایفه) [ج ۵]

۱۱۱۶

دره شوری (طایفه) [ج ۴] ۸۶۶

دشتیاری (ایل) [ج ۴] ۹۴۵

دموکرات - دموکراتها [ج ۵] ۱۰۱۱،

۱۰۳۶، ۱۰۵۰، ۱۱۵۶، ۱۱۹۸،

۱۲۰۵ (نیز، نک، حزب دموکرات)

۱۲۴۵ (نیز، نك: روسی)
 روسی (مردم) [ج ۳] ۶۲۹، ۶۲۱، ۶۳۰، ۶۵۴، ۷۰۱، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۹۵، ۹۱۰، ۹۱۱ (نیز نك: روس)

روسیه (روزنامه) [ج ۵] ۱۱۴۰
 روتر - روتر (روزنامه) [ج ۳] ۶۲۲، ۶۸۸، [ج ۵] ۱۱۸۲

زردشتی (مردم) [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۶۸، ۶۸۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۴، ۸۷۱، ۸۹۳

زیقتر - زیگلر (کمپانی) [ج ۱] ۱۲۶، ۲۱۸، [ج ۲] ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۵، [ج ۵] ۱۰۰۷، ۱۰۰۹، ۱۰۱۴، ۱۰۲۹، ۱۰۸۹، ۱۱۲۵، ۱۱۳۷، ۱۱۶۷، ۱۱۸۴، ۱۲۰۴، ۱۲۲۴، ۱۲۴۰
 زینگر [ج ۴] ۸۰۰

سگوند (سگوند - ایل) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۹۶۲

سنجایی (ایل) [ج ۲] ۲۵۳، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۸۵، ۹۶۰، [ج ۵] ۱۲۳۳، سندیکای بین‌المللی [ج ۴] ۸۳۰، ۸۳۱، ۹۵۲

سنی (مردم گروه دینی) [ج ۳] ۵۶۸، [ج ۵] ۱۰۹۷، ۱۰۲۱، سوئدی (مردم) [ج ۴] ۹۲۸، ۹۵۴، [ج ۵] ۱۲۴۴

۶۳۷ - ۶۲۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰ - ۶۵۲، ۶۵۷، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۸۲ - ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۹، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۱ - ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳ - ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۶ - ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۶ - ۷۶۱، [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۷، ۷۹۰ - ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۲ - ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۴ - ۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹ - ۸۳۱، ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۶ - ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۸ - ۸۶۰، ۸۶۲ - ۸۶۵، ۸۷۳ - ۸۷۶، ۸۷۸ - ۸۸۵، ۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۸ - ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۱، ۹۱۴ - ۹۱۶، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۴، ۹۴۲، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۰، ۹۸۶ - ۹۸۸، ۹۹۰، ۹۹۳، ۹۹۷، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳ - ۱۰۱۰، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۴۱، ۱۰۵۶، ۱۰۵۹، ۱۰۶۶، ۱۰۸۰، ۱۱۰۴ - ۱۱۰۸، ۱۱۱۰، ۱۱۱۵، ۱۱۲۲ - ۱۱۲۵، ۱۱۲۷، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۴ - ۱۱۳۹، ۱۱۴۲ - ۱۱۴۵، ۱۱۴۹، ۱۱۵۲، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰ - ۱۱۶۶، ۱۱۶۸ - ۱۱۷۱، ۱۱۷۳ - ۱۱۸۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۳، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۹، ۱۲۰۱، ۱۲۱۰، ۱۲۱۲ - ۱۲۲۰، ۱۲۲۲ - ۱۲۲۴، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۳۴، ۱۲۳۷، ۱۲۴۲ -

[ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷،
 ۹۱۷، ۹۴۲ [ج ۵]، ۹۷۶، ۱۰۱۹،
 ۱۰۲۰، ۱۰۷۴، ۱۰۷۹
 عرب (ایل) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۳، ۷۳۰،
 ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۴۷ [ج ۴]، ۹۴۱
 ۹۶۱ [ج ۵]، ۱۰۴۰، ۱۱۱۴،
 ۱۱۱۵، ۱۲۰۷، ۱۲۱۲، ۱۲۱۵،
 ۱۲۳۰

عشایر [ج ۳] ۶۷۸
 علماء کربلاء [ج ۳] ۷۱۵، ۷۴۷
 علماء نجف [ج ۳] ۷۱۶
 عیسوی (مردم) [ج ۲] ۵۳۳، ۵۳۲

فارسی‌مدان (حلیقه) [ج ۵] ۹۷۸، ۹۹۹
 فاکس - فکس (کشتی جنگی) [ج ۲]
 ۴۴۷، ۴۵۲، ۵۳۶ [ج ۴]، ۹۶۲
 فدائی (گروه) [ج ۳] ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۲،
 ۶۲۷، ۶۳۶ - ۶۴۰، ۶۸۴، ۶۸۶ -
 ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۱،
 ۷۲۸، ۷۵۸ [ج ۴]، ۷۸۰، ۸۱۶،
 ۸۴۵، ۹۱۴، ۹۱۶

فرانسوی (مردم) [ج ۲] ۳۹۸ - ۴۰۰،
 [ج ۴] ۹۲۸، ۹۲۹ [ج ۵]
 ۱۰۶۳، ۱۲۲۸، ۱۲۳۷
 فرقه احرار ملیون [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۱
 فرقه ملیون [ج ۴] ۸۷۴، ۹۶۵
 فرقه ملیون تهران [ج ۲] ۴۲۷، ۴۳۷
 فوج کردند (گروه نظامی) [ج ۴] ۹۰۱ -
 ۹۰۳

قاجار (ایل) [ج ۳] ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۷
 قاجاریه (پادشاهی) [ج ۲] ۳۹۵ [ج ۳]

موسیالیزم (مسیالیزم) [ج ۵] ۱۲۰۲
 سویسی (مردم) [ج ۲] ۴۶۴
 سیلاخوری (فوج نظامی) [ج ۳] ۵۶۴، ۵۹۸،
 ۶۴۵، ۷۰۸، [ج ۳] ۹۴۰

شاحسون (ایل) [ج ۲] ۴۸۶، ۴۸۷،
 [ج ۳] ۵۶۶، ۵۷۹، ۵۹۶، ۵۹۷،
 ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۷۰،
 ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۷ -
 ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴ - ۷۵۶،
 ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۶ [ج ۴]، ۷۷۶،
 ۷۷۹ - ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۸،
 ۸۰۱، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱،
 ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۹۲۴، ۹۳۴،
 ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۵۵ [ج ۵]، ۱۰۶۶،
 ۱۰۹۶، ۱۱۰۴، ۱۱۰۶، ۱۱۱۰،
 ۱۱۱۴، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۸۷،
 ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۲۳۳، ۱۲۳۵

شرکت راه تبریز و جلفا [ج ۴] ۸۱۹
 شه‌بندری [ج ۲] ۵۳۳
 شیعه (مردم - گروه مذهبی) [ج ۳]
 ۵۶۸ [ج ۵] ۱۲۰۱

صور اسرافیل (روزنامه) [ج ۱] ۲۴۵

طاهری (ایل) [ج ۵] ۱۰۹۷
 طهمورثی (گروه) [ج ۴] ۸۰۸

عثمانی (مردم - دولت) [ج ۲] ۳۵۷ -
 ۳۵۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱،
 ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶،
 ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۲۵، ۵۳۳

۸۶۶، ۸۵۷، ۸۵۶، ۸۳۶، ۸۲۰

۸۸۸ - ۸۸۶، ۸۷۴ - ۸۷۲، ۸۶۷

۹۲۵، ۹۱۳، ۹۰۹، ۹۰۸، ۸۹۲

۹۴۱، ۹۳۷، ۹۳۶، ۹۳۳، ۹۳۰

۹۴۴ - ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۷۰، [ج ۵]

۹۷۵، ۹۷۸، ۹۸۱، ۹۹۹، ۱۰۰۰

۱۰۴۵، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۸۹

۱۰۹۰، ۱۰۹۸، ۱۱۱۳ - ۱۱۱۵

۱۱۲۸، ۱۱۳۷، ۱۱۴۴، ۱۱۵۰

۱۱۵۹، ۱۱۹۱، ۱۱۹۷، ۱۲۰۷

۱۲۱۲، ۱۲۲۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴

۱۲۳۱، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۴

۱۲۴۶

قشون ملتیان - قشون ملی [ج ۳] ۷۰۴

۷۰۹، ۷۰۵

قفقازی (مردم) [ج ۲] ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹

۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۲۲، [ج ۳]

۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۷۵

۵۸۲، ۵۹۱، ۶۰۷، ۶۸۶، ۷۵۴

۷۶۱، [ج ۴] ۸۱۶، [ج ۵] ۹۸۷

۱۰۰۳

قلهك [ج ۳] ۷۲۰

قوامی (گروه) [ج ۳] ۶۰۲، ۶۱۵

۶۵۰، [ج ۴] ۸۰۴، ۸۳۶، ۸۹۴

۹۱۳، ۹۶۱، [ج ۵] ۹۹۹

قوجیگلو (قوجه بگلو - طایفه) [ج ۴]

۷۸۰

کاکاری (گروه) [ج ۴] ۹۰۷

کاکاوند (ایل) [ج ۱] ۱۹۰، [ج ۴] ۷۹۸

۹۴۰

کردی لیونه (بانك) [ج ۳] ۷۲۸

کرشویی (گروه) [ج ۵] ۱۰۰۰

کروز (مسلسل) [ج ۴] ۹۱۹

۶۲۴، ۶۸۵، ۷۳۱، [ج ۵] ۱۲۳۴

قراجه داغی (مردم) [ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۰

۸۱۴

قره (قرائی؟) (فوج) [ج ۱] ۱۲۴

قره باغی (مردم) [ج ۲] ۳۸۸

قره داغی (مردم) [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۷ -

۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۴

[ج ۳] ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۴ -

۷۵۶، [ج ۵] ۱۰۶۶، ۱۰۹۶

۱۱۰۶، ۱۱۵۲، ۱۲۳۳

قره سوران (مأمور انتظامات جاده ها)

[ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۱، ۷۳۲

[ج ۴] ۹۰۹، [ج ۵] ۷۰۸۰

قزاق [ج ۳] ۶۳۸ - ۶۴۰، ۶۴۲

۶۴۴، ۶۴۶، ۶۵۷، ۶۸۲

۶۸۴، ۶۸۶ - ۶۸۸، ۶۹۰

۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵ - ۷۰۷، ۷۰۹

۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳

۷۲۸، ۷۳۹، ۷۴۸ - ۷۵۵، ۷۵۸

۷۶۰ - ۷۶۲، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۶

۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۳ - ۷۸۵، ۷۸۷

۸۰۴، ۸۱۴، ۸۲۷، ۸۶۴، ۸۷۲

۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۹۵، ۸۹۷

۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۱۱، ۹۴۹

۹۵۴، ۹۶۰، ۹۶۱، [ج ۵] ۹۸۰

۱۰۰۱، ۱۰۰۳، ۱۰۱۳، ۱۰۳۱

۱۰۳۸، ۱۰۷۷، ۱۱۱۴، ۱۱۲۶

۱۱۶۲، ۱۱۶۹، ۱۱۷۸، ۱۱۸۵

۱۱۹۳، ۱۲۰۷، ۱۲۱۹، ۱۲۴۳

قشقائی (ایل) [ج ۲] ۳۶۷، ۳۸۵، ۴۰۹

۴۱۰، ۴۱۴، ۴۲۲، [ج ۳] ۵۹۷

۶۰۴، ۶۱۵، ۶۵۰، ۶۵۶ - ۶۵۸

۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۱۳ - ۷۱۵

۷۳۲، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۷ -

۷۹۰، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸

کشکولی (طایفه) [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۶،
[ج ۵] ۱۱۱۴، ۱۱۱۵

کلدانی (مردم) [ج ۳] ۵۹۷، ۶۸۰
کلهر (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴،
۴۰۹، ۴۱۰، ۵۲۳، [ج ۳] ۷۶۳،
[ج ۴] ۷۸۲، ۸۲۳، ۸۶۳، ۸۷۲،
۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۵، ۹۱۰، ۹۶۰،
۹۷۰، [ج ۵] ۹۸۲، ۱۰۱۳،
۱۱۳۹، ۱۱۹۷، ۱۲۰۹، ۱۲۳۱،
۱۲۳۳

کلیائی (ایل) [ج ۵] ۹۸۲

کلیمی (مردم) [ج ۳] ۶۸۰

کمارجی (مردم) [ج ۵] ۱۲۴۱

کمپانه، راه شوسه [ج ۳] ۵۷۶

کمیته اتحاد اسرائیلی [ج ۴] ۸۳۵ کمیته

[ج ۴] ۹۴۵ مجمع [ج ۴] ۹۴۹

کمیته ایالتی گیلان [ج ۵] ۱۱۶۲

کمیته ملی [ج ۳] ۵۹۶، ۷۲۷، ۷۲۸

کمیته ملتیان [ج ۳] ۶۴۲، ۶۵۳، ۷۰۸

کبگیلویه (ایل) [ج ۳] ۵۷۲، ۶۰۱،

۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۵

کبگیلویه‌ای (مردم) [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱،

۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۷،

۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶،

۸۶۶، ۹۵۵، ۹۶۱، [ج ۵] ۱۰۴۶،

۱۰۴۷، ۱۰۶۵، ۱۰۷۲، ۱۰۸۹،

۱۰۹۸، ۱۱۲۹، ۱۲۰۳

گارد افتخار [ج ۳] ۷۲۹

گبر (مردم) [ج ۵] ۱۰۷۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸

گوران (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴، [ج ۳]

۵۶۷، [ج ۴] ۸۲۳

لاپینگک (کشتی) [ج ۱] ۱۲۹، ۱۵۹

لاری (مردم) [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۵۶۹

لاید (کمپانی) [ج ۵] ۱۱۷۲

لر (مردم) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۶۲، [ج ۵] ۹۷۸

لزگی (مردم) [ج ۳] ۷۴۴

لشنی (ایل) [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴،

[ج ۳] ۷۴۴، [ج ۴] ۸۲۳، ۹۶۱

لنچ [ج ۵] ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۹،

۱۱۸۴، ۱۲۰۳

لینچ - لینچ (کمپانی) [ج ۱] ۱۷۹،

[ج ۴] ۸۵۶، [ج ۵] ۹۹۹، ۱۱۹۲،

۱۱۹۳، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۶

مارتین (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸

ماکزیم - ماکسیم (توپ) [ج ۳] ۶۱۶،

۶۱۷، ۶۴۷، [ج ۴] ۸۰۵، ۹۱۹

ماکوئی (مردم) [ج ۲] ۳۸۸-۳۹۰، ۴۰۹،

۴۶۲

مال سبزعلی (طایفه) [ج ۴] ۹۴۰

مجاهد - مجاهدین [ج ۳] ۶۴۲، ۶۴۷،

۷۰۶، ۷۰۹، ۷۲۸، ۷۵۰، ۷۵۴،

۷۵۸، ۷۶۱، [ج ۴] ۸۹۵-۸۹۸،

۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۴-۹۱۶، ۹۱۸،

۹۱۹

مجلس (روزنامه) [ج ۱] ۲۹، [ج ۵]

۱۲۲۹

مجلس تجارت بوشهر [ج ۳] ۵۷۹

مجلس شورای ملی [ج ۳] ۶۶۶، [ج ۵]

۱۰۲۰-۱۰۲۳، ۱۰۲۵، ۱۰۷۷،

۱۲۳۷، ۱۲۳۸

مجلس عالی فوق‌العاده - مجلس فوق‌العاده

۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۲
 ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱
 ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۱۲ - ۶۱۴، ۶۳۷
 ۶۳۹-۶۴۲، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷
 ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۱۰، ۷۳۲ [ج ۴]
 ۸۶۸، [ج ۵] ۱۰۲۲، ۱۰۲۴
 ۱۰۲۶، ۱۰۳۴، ۱۰۹۷، ۱۱۳۶
 ۱۱۹۷، ۱۲۳۷ (نیز، نك: مشروطه)

مصری (مردم) [ج ۴] ۹۲۸

مضفل [ج ۴] ۹۱۹

مظفر (روزنامه) [ج ۱] ۲۹

مظفری (کشتی) [ج ۳] ۵۶۹

مکنز (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸

موزر (سلاح) [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶ [ج ۴]

۸۹۰، ۹۱۴، ۹۱۸

نانکلی - نانه کلی (ایل) [ج ۴] ۸۲۳

ندای وطن (روزنامه) [ج ۱] ۲۹

نویه ورمیا - نوورمیا (روزنامه) [ج ۱]

۳۲۸، [ج ۵] ۱۱۲۶، ۱۱۲۷

۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۹، ۱۱۷۶ -

۱۱۷۸، ۱۱۸۲

ویکسن (تجارتخانه) [ج ۵] ۱۰۱۹، ۱۰۳۰

هند (دولت) [ج ۵] ۱۲۱۳، ۱۲۴۵

هندو (مردم) [ج ۴] ۹۰۹

هندو اروپ - هندو اروپا (کمپانی) [ج ۲]

۵۲۳، ۵۲۴ [ج ۳] ۶۰۴، ۶۸۵

۶۸۸، ۷۱۹، ۷۳۱ [ج ۴] ۸۰۶

۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۸۲، ۹۴۴

حالی [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹ -

۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۴

مجلس ملی [ج ۴] ۷۸۳

محاكمات (روزنامه) [ج ۱] ۱۷۸

مدرسه امریکائی [ج ۳] ۶۱۷

مسلمان (گروه دینی) [ج ۳] ۷۱۰

مسیحی - مسیحیان (مردم) [ج ۲] ۳۸۷

[ج ۳] ۶۶۸

مشروطه [ج ۲] ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۸ -

۳۴۲، ۳۴۴ - ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۸

۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹ -

۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹ - ۳۸۳

۳۸۹ - ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲

۴۰۴، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷

۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۱

۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۰

۴۸۱، ۴۸۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶

۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳ -

۵۳۵، ۵۴۰ [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹

۵۵۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۷۳

۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۸

۵۹۰، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰

۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲

۶۲۱، ۶۲۷ - ۶۳۹، ۶۴۱ - ۶۴۳

۶۴۵، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۹، ۶۹۰

۷۱۲، ۷۲۹، ۷۵۴، ۷۶۴ [ج ۴]

۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۵، ۹۰۸، ۹۳۹

[ج ۵] ۱۰۰۱، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲

۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۷، ۱۰۳۵

۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۷، ۱۲۴۷

(نیز، نك: مشروطیت)

مشروطیت [ج ۲] ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۸

۴۱۵، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۶

۵۳۳ [ج ۳] ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۶۴

۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

شصت و سه

هندی (قشون) [ج ۵] ۱۱۹۹، ۱۱۶۹، ۱۱۴۶	۹۵۸، ۹۴۵ [ج ۵] ۱۰۹۸، ۱۲۰۳
هوترز (توپ) [ج ۳] ۵۸۱، ۵۷۸، ۶۴۶	هند و انگلیس (کمپانی) [ج ۵] ۱۱۱۵
هیات مدیره [ج ۳] ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷	هندی (مردم) [ج ۳] ۶۰۵، ۶۳۵، ۶۴۴
۷۴۱، ۷۴۳	۶۹۰، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۵۵، ۷۶۵
	[ج ۴] ۸۲۶، ۸۳۸، ۸۴۶، ۸۵۷
یهود - یهودی (مردم) [ج ۱] ۳۸، ۴۲	۸۵۸، ۸۷۶، ۸۸۱، ۹۰۰، ۹۰۹
[ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳ [ج ۳] ۵۹۷	۹۲۰، ۹۳۵، ۹۴۰ [ج ۵] ۹۹۵
[ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۲	۱۰۱۴، ۱۰۱۸، ۱۰۳۸، ۱۰۴۰
۹۴۶، ۹۶۰	۱۰۵۷، ۱۰۷۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۶
	۱۱۴۳، ۱۱۴۵، ۱۲۱۰، ۱۲۱۳

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که در ضمن اسناد از آنها یاد شده است جلد اول

علی‌شاه برگزار شد ۲۱

تیرگی روابط مردم با محمدعلی‌شاه ۲۱
آشکارشدن احساسات ضد اروپائی در مردم
ایران ۲۲

پناهندگی مردم اورمیه به کنسولخانه
و تلگرافخانه انگلیس ۲۲-۲۸

مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت
راهسازی روسی ۲۳

فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳
مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی
محمدعلی‌شاه خودداری کردند ۲۴

طرح مسئله نوز بلژیکی در مجلس ایران-
مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵

تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶

مظفرالدین‌شاه ۴

طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷
زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز
به خارجی‌ها ۱۷

ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله
در امور ایران ۱۸

پادشاهی محمدعلی‌شاه - باریافتن سفراء
خارجی بنزد شاه ۱۹

احترام مردم به جنازه مظفرالدین‌شاه و
جلوگیری آنها از برده شدن جنازه
به کربلا ۱۹

تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه - ولیم‌هدی احمد
شاه ۲۰

نخستین سفر رسمی که در حضور محمد

شورش در زنجان و اردبیل ۶۶

شرایط برده‌وار و استعماری روس و

انگلیس برای دریافت اقساط وام

خود از ایران ۶۸

کشته‌شدن اتابک اعظم ۶۸

کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹

اظهارنظر شگفتی‌انگیز سفیر انگلیس

درباره شاه ایران ۷۱

دولت ایران فقط می‌تواند از روس و

انگلیس وام بگیرد! ۷۶

احساسات میهن‌پرستانه ایرانیان از نظر

سفیر انگلیس ۷۹

رئیس دزدها محافظ راه‌کاروانی مشهد

شد ۸۳

طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران

۸۹

مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹

اخطار درباریان به محمدعلی‌شاه و منزوی

گردانیدن او ۹۰

مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرارداد

۱۹۰۷ ۹۳

قانون اساسی ایران ۹۹

فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله

صنیع‌الدوله ۱۱۰

زندانی‌شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی

شدن ناصرالملک و وزیران دولت

او ۱۱۷

چاقوکشان مزدور محمدعلی‌شاه و پذیرائی

شاهانه (!) از آنها ۱۱۹

موءاستفاده آصف‌الدوله و مظفرنظام از

انباء مهمات خراسان ۱۲۴

تبعید علاءالدوله - زندانی شدن ناصر-

الملک ۱۴۰

اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴

شاه ایران از سفراء انگلیس و روس

قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی

زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷

تحصن و عاظم و مردم عادی در شاه -

عبدالعظیم ۲۷

مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای

بیگانه ۳۰

هزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱

آدم‌کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳

مردم برای اجراء قول شاه ایران از

دولت‌های خارجی تضمین می‌خواستند!

۳۳

نامه سرزنش‌بار زنان تبریز به مردان

شیراز ۳۸

اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی

مردم - برپا کردن چادر بر بام

خانه‌ها ۳۹

آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشه شکار

آزادیخواهان ۵۱

پازداشت رحیم‌خان قراجه‌داغی ضد مشروطه

معروف ۵۱ - ۵۳

تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری

از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه

۵۱

جلوگیری مردم بندر انزلی از خارج شدن

نوز بلژیکی ۵۲

قتل رجب‌افندی در تهران ۵۲

توطئه اکرم‌السلطان برای کشتن اعضای

انجمن ایالتی تبریز ۵۲

کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳

کشته شدن یک محترک در تبریز ۵۳

وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های

تبلیغاتی به خارج ۵۹

بریگاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران

۶۳

گارد شاهی با فرمانده روسی! ۶۴

حمایت سفارت انگلیس از ظل السلطان ۲۰۲
 تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
 جواب دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
 پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
 کودتا در تهران و غارت خانه‌های مردم بدست قوای دولتی ۲۳۶
 دستگیری ملك المتكلمين و جهانگیرخان صوراصرافیل ۲۳۹
 حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
 ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
 فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
 قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت روسیه ۲۹۵
 روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
 دستخط محمدعلی‌شاه درباره انتخابات مجلس ۳۰۶
 انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی شاه ۳۰۹
 تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
 تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمد علی‌شاه ۳۲۱

دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
 از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه نیست ۱۴۹
 زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان‌خودشان از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند ۱۶۲
 سوء قصد پجان محمدعلی‌شاه ۱۶۸
 تدارك محمدعلی‌شاه برای سرکوبی مردم ۱۶۹
 گزارش سفیر انگلیس درباره سوء قصد به محمدعلی‌شاه ۱۷۰
 غارت مردم بوسیله گارد امیربهادر ۱۷۱
 تحصن امیربهادر در سفارت روس ۱۸۴
 فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶
 روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در ایران ۱۹۱
 تحصن تقی‌زاده و روزنامه‌نگاران در سفارت انگلیس ۱۹۶
 دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان دیگر بدستور محمدعلی‌شاه ۱۹۶
 پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
 پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت ایتالیا ۲۰۰
 شورش در تبریز ۲۰۰
 انحلال مجلس بدستور محمدعلی‌شاه ۲۰۰

جلد دوم

تظاهرات طرفداری محمدعلی شاه علیه برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
 بی‌تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطه نوع محمدعلی‌شاهی! ۳۴۰

به عقیده سفیر انگلیس، اعضای مجلس ایران عاری از کار و نآدان و ارتجاعی هستند! ۳۳۷
 دستخط ساختگی محمدعلی‌شاه بر دیوارهای

شورائی با شریعت اسلام موافق نیست ۳۷۹
 پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی در رشت ۳۸۱
 رفتار ستمگرانه با پارسیان و آرامنه ایرانی ۳۸۴
 برقراری نظم در تبریز بوسیله ستارخان و باقرخان ۳۸۷
 نامه انجمن تبریز درباره رفتار ناروای دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
 اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض دولت ایران از خارج ۳۹۹
 شورش در رشت و کشته شدن حاکم آن شهر ۴۰۳، ۴۲۶
 تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیله شورشیان ۴۰۳-۴۲۶
 پیشنهاد صلح عین‌الدوله به مردم تبریز ۴۰۳، ۴۰۴
 مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
 به عقیده مستشار مالیه ایران شرط استقلال مالیه ایران استخدام کارمندان خارجی است ۴۰۵
 آشوب و غارت در اصفهان، پناهندگی مردم به سفارتخانه‌های انگلیس و روس ۴۰۶-۴۰۷
 زمزمه تشکیل يك کشور مستقل در شمال ایران ۴۱۰
 یاغیگری سیدحسین لاری در لار ۴۱۰
 انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی‌شاه برای حفظ موقعیت او ناامید است ۴۱۱
 تغییرات در کابینه دولت ۴۱۲
 تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۲-۴۱۳

لیره وام تاخت می‌زند ۳۴۴
 به عقیده محمدعلی‌شاه مشروطه و تشکیل مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۶-۳۴۸
 به عقیده علاءالسلطنه ایران برای تشکیل مجلس مستعد نیست ۳۴۷
 شورش در مشهد؛ نامه علماء کربلاء به مردم خراسان و تحریک آنان به شورش ۳۵۲
 حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
 انگلیس و روس با شاه ایران وحدت‌نظر دارند ۳۵۵
 عقب‌نشینی محمدعلی‌شاه در برابر تهدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵
 تحصن محمدعلی‌شاه در باغشاه ۳۵۶
 مفسرای انگلیس و روس می‌خواستند محمدعلی‌شاه را با دادن رشوه مشروطه‌خواه کنند! ۳۵۶
 هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت بازار بوسیله سربازان دولتی ۳۶۰
 يك داوری عجیب درباره ستارخان و هم‌زمان او ۳۶۱
 غارت دیوانخانه حکومت اصفهان بوسیله مردم ۳۶۳
 اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
 انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه ۳۶۵
 مقاومت محمدعلی‌شاه در برابر فشارهای انگلیس و روس ۳۶۶
 ترس انگلیس از تجزیه ایران! ترس روسها از استقلال شهرهای تبریز و اصفهان ۳۶۷
 انفصال صمصام‌السلطنه از ایلخانی بختیاری ۳۶۸
 به عقیده صدراعظم ایران هیچ‌گونه حکومت

بمباران تبریز بوسیله شاهپرستان ۴۴۹
 هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
 زمینه‌سازی قفقازیها در شورش رشت
 ۴۶۰

پرچم روس و انگلیس و عثمانی بر فراز
 خانه‌های مردم رشت ۴۶۰
 یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
 یورش جنایتکارانه رحیم‌خان به جلفا
 ۴۶۲

نظر کنسول انگلیس درباره رشادت و
 جنگاوری ستارخان و جنگیدن
 روحانیان ۴۶۳

کشته‌شدن يك نانوای گرانفروش در تبریز
 ۴۶۴

بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
 در بوشهر به جای پرچم سلطنتی پرچم ملی
 برافراشته شد ۴۶۷

شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
 شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
 شورش افشاریها و غارت اموال حاکم
 کرمان ۴۷۰

رفتار ضدانسانی با پارسیان در شیراز
 ۴۷۲

کشتار پناهندگان شاه‌عبدالعظیم به دستور
 مفاخرالملک حاکم تهران ۴۷۳

اعتراض آمرانه انگلیس و روس به
 کشتار شاه‌عبدالعظیم ۴۷۴

مداخله انگلیس و روس در ترکیب کابینه
 ایران ۴۷۵

تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی
 ایران ۴۷۵

قحطی و غارت نانواییها در کرمان ۴۷۸
 سیدمرتضی در لباس ملی‌گری و با قصد
 غارتگری ۴۷۸

تغییرات سیاسی در اسلامبول و تاثیر آن

علمای کربلاء مردم ایران را از پرداخت
 مالیات به دولت منع کردند ۴۱۲
 تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
 شورشیان رشت شعاع‌السلطنه برادر شاه
 را گروگان گرفتند ۴۱۷

محاكمة متهمان به بمب‌اندازی بسوی شاه
 ۴۱۸، ۴۲۹

کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی
 در باکو ۴۲۳

پروژه آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
 متن بیان‌نامه جماعت ملیون تهران به
 سفیر انگلیس ۴۲۷

تشکیل کابینه مشیرالسلطنه ۴۲۸
 تعطیل بازار تهران و چوب‌خوردن تجار
 بازار ۴۲۹

آزاد شدن ضاربین شیخ فضل‌الله نوری
 ۴۲۹

مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض
 محمدعلی‌شاه از خارجه ۴۳۱

انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس
 ملی ایران ۴۳۱

جنگ ملیون و شاهپرستان در تبریز ۴۳۳
 صادرات لارستان به توصیه علماء نجف
 گمرک بوشهر را متصرف شدند
 ۴۳۶

تصرف بوشهر بوسیله سید مرتضی
 اهرمی ۴۴۱

کشته‌شدن چهار نفر بدست اوباش در
 شاه‌عبدالعظیم ۴۴۱

غارتگری‌های رحیم‌خان ۴۴۲
 آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن
 شهر بدست آشوبگران ۴۴۶

قحطی و گرمسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
 جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
 شورش در استرآباد ۴۴۸

سعدالدوله به جای نایب‌السلطنه
۵۱۷
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و
روس ۵۱۹
تعیین وزیر خارجه ایران با تصویب وزیر
خارجه انگلیس! ۵۱۹
نظروزارت خارجه انگلیس درباره کابینه‌های
ایران ۵۱۹
تحصن صنیع‌الدوله و اعتمادالذاکرین در
سفارت انگلیس ۵۲۹
کشته شدن فرستاده ملیون بدست ترکمانان
۵۳۰
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از
مشروطه ۵۳۰
کمیابی نان در کرمان ۵۳۱
آشوب در کرمان و غارت محله یهودیان
آن شهر ۵۳۲
تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳۴
توصیه‌های تحقیرآمیز دولتین انگلیس و
روس به شاه ایران ۵۳۸

در اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
قحطی نان در تبریز؛ فراهم شدن زمینه‌های
شورش مردم ۴۸۸
متارکه جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
مخالفت شاه و عین‌الدوله با متارکه جنگ
۴۹۷-۴۹۹
نیروهای روسی آماده اشغال تبریز ۵۰۱
دستور شاه برای متارکه جنگ و ورود
آذوقه به تبریز ۵۰۷
ورود نیروهای روسی به خاک ایران ۵۱۳
عفو عمومی شاه ۵۱۳
الگوی محمدعلی‌شاه برای اعطای مشروطه
و قانون انتخابات ۵۱۳
نایب‌السلطنه مرتجع برمسند ریاست وزراء
۵۱۵
ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
نجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ ۵۱۶
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس
و روس به مردم تبریز ۵۱۵-۵۱۶
لجاج و خودسری محمدعلی‌شاه ۵۱۷
پافشاری انگلیس و روس برای نشانیدن

جلد سوم

فرمان عفو عمومی از طرف محمدعلی‌شاه
۵۶۳
دستگیر شدن انقلابیون قزوین و رشت
انتشار دستخط مجعول محمدعلی‌شاه
درباره مشروطه و عفو عمومی ۵۶۵
تیرباران شدن قاسم‌آقا (مرتپ) بدست
ملیون ۵۶۶
ورود ارتش روس به مشهد ۵۶۶
خودداری مردم مشهد از دادن مالیات به
حکومت ایران ۵۶۷
ناآرامی و کشتار در لار ۵۶۹

سعدالدوله مهره سیاسی مورد حمایت
استعمارگران ۵۵۱
اخطار اهانت‌آمیز انگلیس و روس به
شاه ایران در پوشش نصیحت
دوستانه! ۵۵۲
آبروی سیاسی ایران در گرو دریافت وام
از بیگانگان ۵۵۳
پناهندگی ستارخان و باقرخان به سفارت
عثمانی ۵۵۶
دستخط محمدعلی‌شاه درباره برقراری
مشروطه ۵۶۲

- تبریز در اشغال قشون روس ۵۶۹-۵۷۰
محاصره تبریز بوسیله قوای محمدعلی شاه ۵۷۰
- طعننامه انقلابیون و فهرست درخواست‌های آنان از شاه ۵۷۳
تلاش انگلیس برای جلوگیری از رسیدن انقلابیون به تهران ۵۸۲، ۵۸۵، ۵۸۷
- امضاء قانون انتخابات مجلس شورای ملی بدست محمدعلی شاه ۵۸۲
چهاره‌جوئی محمدعلی شاه از سفراء روس و انگلیس برای آرام گردانیدن مردم انقلابی ۵۸۸
- دستخط محمدعلی شاه درباره تفسیر فرمان مشروطه ۵۹۰
گمیابی نان در تبریز ۵۹۲
متن قرارداد استقراض ایران از روسیه ۶۰۶
- اعتراض سفیر روس به خاموش نشدن فریاد انقلابیون ۶۰۷
لحن اهانت‌بار سفیر روسیه نسبت به انقلابیون ایران ۶۰۷
- اخطارنامه سپهدار به سفراء انگلیس و روس و تعیین شرایط ترك مخصوصه ۶۰۹
تلاش سفیران انگلیس و روس برای متارکه جنگ بین شاه و مردم ایران ۶۱۷
- متارکه جنگ قزاقها با مردم به دستور لیاخف ۶۱۹
همدمتی انگلیس و روس در مورد حوادث ایران ۶۲۰
- پناهندگی محمدعلی شاه در سفارت روس ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۸۳
خودداری محمدعلی شاه از پذیرفتن هیأت برگزیده مجلس شورای ملی ۶۲۴
- سلطان احمد میرزا سلطان احمد شاه شد ۶۲۶
صلاح‌اندیشی برای اخراج ستارخان و باقرخان از ایران! ۶۲۸
- درخواست سفراء انگلیس و روس از سردار اسعد و دعوت او به آرامش ۶۴۰
فهرست درخواست‌های انقلابیون از دولت ایران بوسیله سفارتین انگلیس و روس ۶۴۳
- خودداری سردار اسعد از قبول ضمانت سفارتین انگلیس و روس برای اجراء قول شاه ۶۴۴
ناآرامی و شورش در سلطان‌آباد (اراک) ۶۴۸
- اظهارنظر سفیر انگلیس درباره مردم دشتستان و تنگستان ۶۵۸
توصیف بی‌نظمی راه بوشهر و شیراز از نظر سفیر انگلیس ۶۶۰
- انتشار قانون انتخابات مجلس شورای ملی ۶۶۶
اشغال تهران بوسیله نیروهای انقلابی ۶۸۱
- چهاره‌اندیشی شاه و سفارتین برای جلوگیری از پیشرفت انقلابیون ۶۸۲
تسلیم کلنل لیاخف به نیروهای انقلابی ۶۸۴
- خلع محمدعلی شاه از سلطنت و پادشاهی احمد شاه قاجار ۶۸۴
تلاش برای جلوگیری از سلطنت احمد شاه ۶۸۴
- گزارش تفصیلی پیروزی انقلابیون به نوشته مأمور سفارت انگلیس ۶۸۶
اعلامیه شورای انقلاب درباره تغییر

اعزام ستارخان از تبریز به اردبیل ۷۱۹
 اغتشاشات مهم در کرمان ۷۲۱
 حرکت محمدعلی میرزا از بندر انزلی
 بسوی روسیه ۷۳۴

بازگشت بخشی از قشون روسیه از تبریز
 ۷۳۸

اخطار سفارت انگلیس به دولت ایران
 درباره ناامنی راههای جنوب کشور
 ۷۴۰

آمار نیروهای نظامی روسیه در قزوین و
 تبریز ۷۴۹

ناآرامی در اردبیل - پناهندگی اعضاء
 حکومت و انجمن محلی و علماء به
 کنسولگری روس ۷۵۱

کار زشتی که از ستارخان سر زد - مطالب
 روزنامه رسمی ایران درباره وقایع
 اردبیل ۷۵۴

افتتاح مجلس شورای ملی بوسیله احمدشاه
 ۷۵۷

اظهار وابستگی رحیمخان به دولت روس
 ۷۵۷

پناهندگی مردم یزد به کنسولگری انگلیس
 ۷۶۲

اشغال شهر اردبیل بوسیله قشون روس
 ۷۶۵

کشتار کاروانیان در راه بوشهر ۷۶۵
 تصویب نیابت سلطنت عضدالملک در

مجلس شورای ملی ۷۶۶

پادشاه ایران ۶۸۹

پذیرائی احمدشاه قاجار از سران قاجاریه
 و درباریان ۶۹۰

رهائی ظل السلطان از بند انقلابیون رشت
 ۶۹۶

کشمکش روس و انگلیس با شورای
 انقلاب برای تعیین حقوق مستمری
 محمدعلی میرزا ۶۹۵-۶۹۷

پذیرائی احمدشاه از سفراء دولتهای
 بیگانه ۶۹۷

داوری سفیر انگلیس درباره آداب دانی
 عضدالملک ۶۹۸

نظر سفیر انگلیس درباره مدیریت دولت
 انقلابی ایران ۶۹۹

قرارنامه خروج محمدعلی میرزا از ایران
 ۷۰۳

پهانه جوئی روسها برای اشغال خاک
 ایران ۷۰۵

تشکیل نخستین دولت در پادشاهی احمدشاه
 ۷۰۷

پناهندگی سعدالدوله و مخبرالدراه به
 سفارت انگلیس ۷۰۷

آغاز اعدام مخالفان در حکومت جدید ۷۰۷
 دشواریهای زندگی پارسیان و یهودیان
 یزد ۷۱۰

هغو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی
 ۷۱۸

حرکت محمدعلی میرزا و همراهان بسوی
 بندر انزلی ۷۱۸

جلد چهارم

تلگرافات رحیمخان قراجه داغی و رؤسای
 ایل شاهسون به حمایت از محمدعلی

شاه مخلوع ۷۸۰

رقابت انگلیس و روس برای دادن وام به
 ایران ۷۷۷

گزارش تفصیلی سفیر انگلیس درباره

افتتاح مجلس شورایملی بوسیله
احمدشاه ۷۷۷
وکلائی که بهنگام افتتاح مجلس حضور
داشتند ۷۷۸
ناآرامی در زنجان - جنگ بین قوای محلی
و نیروهای دولتی ۷۸۲
ترکیب نخستین دولت به ریاست سپهدار
۷۸۳
درگذشت ام‌الخاقان مادر محمدعلی‌شاه
مخلوع در راه سفر کربلاء ۷۸۶
شورش مردم بستک (لنگه) و اخراج حاکم
از شهر ۷۸۹
قتل فجیع دو نفر اسماعیلی‌مذهب در
نیشابور ۷۹۳
شکست یافتن نیروهای رحیم‌خان قراجه‌داغی
از قوای دولتی و فرار رحیم‌خان به
سرحد روسیه ۸۰۱
درخواست دولت ایران از دولت روس
برای استرداد رحیم‌خان به ایران
۸۰۲
استعفاء و انصراف سپهدار از ریاست
وزراء ۸۰۲
نظر سفیر انگلیس درباره دلآوری ایل
بویر احمد ۸۰۴
زمینه‌های مخالفت مجلس با دریافت وام از
انگلیس و روس ۸۱۴
شرایط استثماری برای دادن وام به
ایران ۸۱۵، ۸۱۸
حرکت ستارخان و باقرخان از تبریز بسوی
تهران ۸۲۷
مکاتبات بین دولتهای ایران و انگلیس
درباره وام پیشنهادی انگلیس به
ایران ۸۳۱
چاره‌اندیشی مزورانه سفیر انگلیس برای
تحویل وام به ایران ۷۳۷

مقاومت دولت ایران در برابر امتیازات
و وثیقه‌های درخواستی انگلیس و
روس برای دادن وام ۸۴۱
محدودیت و ممنوعیت ایران برای درخواست
وام از دولتهای دیگر بجز انگلیس
و روس ۸۴۲
دسته‌بندی وکلاء و پدید آمدن گروه‌های
سیامی در مجلس ۸۴۴
پاسخ دولت ایران به تحمیلات انگلیس و
روس برای دادن وام ۸۴۷
موضوع استخدام مشاوران مالیه از
کشورهای خارجی ۸۴۹
قیام داراب‌میرزا صاحب‌منصب ایرانی -
الاصل قشون روس به هواخواهی
محمدعلی‌شاه مخلوع ۸۵۲
شرایط انگلیس برای هزینه وام بوسیله
دولت ایران ۸۵۳
تغییر کابینه دولت سپهدار ۸۵۴
کمیابی نان در پایتخت ۸۵۵
سنگسار کردن يك زن قاتل در تهران ۸۵۶
ناآرامی در کرمانشاه ۸۶۳
قتل سید عبدالله مجتهد (بهبهانی) ۸۷۵
قتل مستحفظ کشتی روسی در استرآباد
(گرگان) ۸۷۵
شیوع و سرایت ناامنی و گردن‌کشی تا
دروازه‌های پایتخت ۸۷۶
بروز اغتشاش در همدان ۸۷۹
دام‌های استعمارگران برای تحمیل وام به
ایران ۸۷۹
تشکیل کابینه مستوفی‌الممالک ۸۸۰
تیراندازی سربازان ایرانی به خانه نایب
قنصل روس ۸۸۱
بروز ناآرامی در نقاط مختلف کشور ۸۸۱
تیراندازی قزاق روسی به سرباز ایرانی
۸۸۳

۹۰۲

نمایش خشم‌آلود سفراء دولتین استعماری
در برابر اشاره کتبی دولت ایران
به استقلال ملی خود ۹۲۲
درگذشت عضدالملک نایب‌السلطنه ایران
و تعیین ناصرالملک بجای او ۹۲۴
گزارش وقیحانه سفیر انگلیس در برخورد
با پاسخ دولت ایران برای اعلام
حفظ استقلال ملی خود ۹۲۵
بازگشت محمدعلی میرزا و ظل‌السلطان
و ورود آندو به شهر رشت ۹۳۱
محاصره شهر کاشان بوسیله نایب‌حسین
کاشی ۹۳۵
ناآرامی و زدوخورد در اردبیل ۹۳۸
گم شدن تاجرباشی روس ۹۳۸
ناآرامی در بوشهر و شیراز ۹۴۵، ۹۴۶
اخطار شدید سفیر انگلیس به دولت
ایران درباره ناامنی‌های جنوب
کشور ۹۴۸
پاسخ دولت ایران به اخطاریه سفیر
انگلیس ۹۵۰
درگیری و زدوخورد بختیارپها و قوای
نایب‌حسین کاشی ۹۵۸
تحصن رئیس نظمیه یزد از ستم حاکم
شهر به تلگرافخانه انگلیس ۹۵۹
شیوع بیماری وبا در کرمانشاه ۹۵۹
غارت و کشتار در محله یهودیان شیراز
۹۶۰
تظاهرات مردم ایران در اعتراض به حضور
قوای روس و مداخله انگلیس در
ایران ۹۶۵
استعفای حسینقلی‌خان نواب از وزارت
امور خارجه ۹۷۲

ناخشنودی سفیر انگلیس از بی‌اعتنائی
دولت ایران به سفیر روس! ۸۸۴
استعفای کابینه مستوفی‌الممالک ۸۸۷
اعتراض سفیر انگلیس به ناامنی‌های
ایران و تعطیل تجارت انگلیس ۸۸۸
طرح وام یک میلیون لیره‌ئی انگلیس در
مجلس ایران ۸۸۹
درخواست علماء نجف برای اخراج تقی‌زاده
از ایران ۸۹۰
استعفای مستشارالدوله از ریاست مجلس
و ریاست ذکاءالملک ۸۹۱
اعتراض مردم یزد به مالیات تریاک و
هیزم ۸۹۳
رفتار ناشایسته مردم یزد با زرتشتی‌ها
۸۹۳
اعتراض بازاریان همدان به مالیاتها و
عوارض جدید دولتی ۸۹۵، ۹۱۱
پیشنهاد موزیانه برای پرداخت وام به
ایران ۸۹۶
تصمیم دولت برای خلع سلاح عمومی
۸۹۷
منگرگیری ستارخان و مجاهدین او در
پارک اتابک ۸۹۷
حمله قوای دولتی به پارک اتابک - تسلیم
مجاهدین و زخمی شدن ستارخان
۸۹۸، ۹۱۹
هلاقمندی انگلیس برای برقراری نظم در
ایران ۸۹۸، ۸۹۹
آمار تلفات پارک اتابک ۸۹۹
کشته شدن سرباز ایرانی بدست نگهبانان
کنسولگری کرمانشاه ۹۰۱
هجوم سربازان ایرانی به کنسولگری روس
و تاسزاگونی به کنسول آن دولت

جلد پنجم

ترکیب دولت سپهدار ۱۰۳۵

برکناری ممتازالدوله از ریاست مجلس

شورایملی و ریاست مؤتمن‌الملک

۱۰۳۶

ناآرامی و زد و خورد و کشتار در راه

تبریز-آستارا ۱۰۳۷

فرار ججو سردار، شورشی خراسانی به

خاک روسیه ۱۰۳۸

بازداشت و محاکمه پسران قوام‌الملک

شیرازی ۱۰۴۳

استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای

ژاندارمری ایران ۱۰۴۴

طرح لایحه وام‌خواهی از بانک شاهی در

مجلس شورایملی ۱۰۴۷

سرنوشت قوام‌الملک مسئله روز دولتی

ایران و انگلیس! ۱۰۵۱

کشته شدن نصرالدوله برادر قوام‌الملک

شیرازی در راه شیراز-بوشهر

۱۰۵۲

تلگراف علماء نجف به نایب‌السلطنه -

انتخاب هیأت‌رئیس مجلس شورایملی

۱۰۵۵

ناآرامی در شیراز بعثت پناهنده شدن

قوام‌الملک به سفارت انگلیس

۱۰۶۲

تصویب لایحه دریافت وام از بانک شاهی

در مجلس شورایملی - قرارداد

اسارت بار وام ۱۰۶۷

برنامه هزینه گردانیدن وام دریافتی

۱۰۷۰

ورود مستشاران امریکائی به تهران

مقدمات استخدام سوئدی‌ها برای ژاندارمری

ایران ۹۷۵

تصویب استخدام مستشاران امریکائی

برای مالیه ایران در مجلس ۹۸۷

کشته شدن صنیع‌الدوله وزیر مالیه بدست

تروریست‌های روسی ۱۰۱۱/۹۸۸

ناآرامی در بلوچستان و کرمان و زمزمه

استقلال بلوچستان ۹۹۴

تحریکات محمدعلی‌شاه مخلوع در داخل

کشور ۱۰۰۰

همباران روستای ایرانی با دست قزاقان

روسی ۱۰۰۳

تشکیل دولت سپهدار ۱۰۰۳

امامی مستشاران مالیاتی امریکائی در

ایران ۱۰۰۴

می‌گویند خوردن ناصرالملک نایب‌السلطنه

در مجلس شورایملی ۱۰۰۶

تصویب حقوق مستشاران امریکائی در

مجلس شورایملی ۱۰۰۹

سیاسگزاری وزیر خارجه انگلستان از

برقراری امنیت در جنوب ایران

۱۰۱۶

ناآرامی در کرمانشاه و حمله به کنسولگری

انگلیس ۱۰۱۸

محاکمه قاتلان رجال ایرانی در دادگاههای

روسیه! ۱۱۰۰/۱۰۱۸

کشتار شگفت در بوشهر ۱۰۱۹

میخترانی ناصرالملک نایب‌السلطنه در

مجلس شورایملی ۱۰۲۰

برنامه دولت سپهدار برای اداره کشور

۱۰۳۳

۱۰۷۳

به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی محمدحسن
میرزا از طرف دولت انگلیس

۱۰۷۴

کمیابی نان در اصفهان و شورش بانوان
و مردم آن شهر و کشته و دارآویز
شدن رئیس بلدیہ ۱۰۷۵

ناآرامی در پوشهر و کشته شدن نایب‌رئیس
نظمیه بدست تفنگچیان ۱۰۷۹

تیراندازی سربازان ایرانی و نگهبانان
کنسولگری انگلیس بسوی یکدیگر
و کشته شدن چند تن ۱۰۸۱

تصویب لایحه کنترل هزینه وام دریافتی
از بانک شاهی در مجلس شورایملی

۱۰۸۷

تصویب لایحه تأسیس و اختیارات خزانه-
داری کل در مجلس شورایملی

۱۰۹۲

تصویب حقوق دربار سلطنتی در مجلس
شورایملی ۱۰۹۵

طغیان رودخانه هامون و کشته شدن ۴۶
نفر در اثر سیل ۱۰۹۶

قانون اجازه دریافت وام از بانک
شاهنشاهی ۱۱۰۱

نامه مورگان شوستر به سفیر انگلیس
در ایران ۱۱۰۹

گزارش تفصیلی توطئه علیه جان قوام-
الملک شیرازی و نصرالدوله برادر

او ۱۱۱۴

سفیر انگلیس جوانمردی و بزرگ‌منشی
یک ایرانی را «یک نوع حس

مغرب‌زمینی» میدانست! ۱۱۱۶
برخورد دشمنانه میان شوستر خزانه‌دار

کل و مرنارد مدیر کل گمرکات
ایران ۱۱۱۹

ورود محمدعلی‌شاه مخلوع به کمش‌تپه
۱۱۲۲

دودوزه بازی دولت روسیه برای بازگرداندن
محمدعلی‌میرزا به سلطنت ایران

۱۱۲۴

تصویب قانون حکومت نظامی تهران در
مجلس شورایملی ۱۱۲۸

آثار اجرائی قانون حکومت نظامی و
پناهندگی گروهی به سفارتخانه‌های

انگلیس و روس ۱۱۳۱

متن قانون حکومت نظامی ۱۱۳۲
بروز احساسات مردم شهرستانها به

طرفداری از محمدعلی‌شاه مخلوع
۱۱۳۶

استعفاء صدراعظم (سپهدار) ۱۱۳۶
تشکیل دولت صمصام‌السلطنه بختیاری

۱۱۴۰

ناآرامی و زمینه‌سازی شورش در مشهد به
طرفداری از محمدعلی‌شاه مخلوع

۱۱۴۲

اشغال شهر نیشابور بوسیله محمدعلی‌شاه
مخلوع و یاران او ۱۱۴۲

آشوبگری سالارالدوله در کرمانشاه
۱۱۴۴

شورش بسیار سخت در خراسان ۱۱۴۵
زمزمه مخالفت انگلیس با مورگان شوستر

۱۱۴۹

شورش مردم تالش و کشته شدن حاکم آن
شهر بدست مردم ۱۱۵۲

کشته شدن محمدعلی، شورشی نیشابوری
۱۱۵۲

ناآرامی و قتل و غارت در کرمانشاه
۱۱۵۴

کشف انجمن مخفی اتحاداسلامی در تهران
۱۱۵۶

پیشرفت محمدعلی شاه مخلوع در داخل
خاک ایران و اعتراض دولت ایران
به دولتین انگلیس و روس و قطع
مقرری او ۱۱۵۸

رفع دخل دولت انگلیس از اقدامات
محمدعلی شاه مخلوع ۱۱۵۸
اعتراض نامه سفیر ایران در لندن به
دولت انگلیس درباره مداخلات
ناروای دولت روسیه در ایران
۱۱۶۰

هجوم سربازان و قزاقهای روسی به مقر
ایالت آذربایجان و تهدید حاکم و
رهانیدن رشیدالملک مهره سیاسی
روس از زندان حکومتی ۱۱۶۲

سزاحمت نیروهای روسیه در تبریز و
گیلان نسبت بمردم و معنی بیطرفی
دولت روسیه در امور ایران!
۱۱۶۲

ورود محمدعلی شاه مخلوع به ساری
۱۱۶۷

قیام سالارالدوله از کرمانشاه ۱۱۷۳
آغاز شکست نیروهای محمدعلی شاه
مخلوع در فیروزکوه و دستگیری
رشیدالسلطان ۱۱۷۶

لحن بی ادبانه يك روزنامه نگار روسی
درباره گردانندگان کشور ایران
۱۱۸۲

تصرف شهر دامغان بوسیله نیروهای

محمدعلی شاه مخلوع ۱۲۰۲
تشکیل دولت پنج روزه سپهدار و اسامی
وزیران او ۱۲۰۴

دولت صمصام السلطنه بختیاری و نام
وزیران او ۱۲۰۵

تصویب جایزه برای دستگیری یا کشتن
محمدعلی شاه مخلوع و برادران او
در مجلس شورایملی ۱۲۰۵

پناهنده شدن زرتشتیان کرمان به
کنسولگری انگلیس و کشته شدن
یکی از آنان ۱۲۰۷

ناآرامی و قتل و غارت درهمدان ۱۲۰۸
شکست سنگین نیروهای محمدعلی شاه
مخلوع از نیروهای دولتی ۱۲۰۸

شکست نیروهای ارشدالدوله بدست
بختیارپها ۱۲۱۱

بیکاری و گرانی و کمیابی در کرمان
۱۲۱۱

شکست کامل نیروهای محمد علی شاه
مخلوع در فیروزکوه و سوادکوه و
فرار خود او ۱۲۱۵

وعده دادنهای محمدعلی شاه مخلوع به مردم
مشهد ۱۲۳۰

تلگراف سالارالدوله به مجلس شورایملی
۱۲۳۴

نامه نایب السلطنه به مجلس شورایملی
۱۲۳۷

تنظیم برنامه اساسی برای اداره کشور
۱۲۳۹